



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ریشہ ماہی

شیش

خوزہ علیہ اصمضان

در طول تاریخ

جلد دوم

تالیف امیر سید قاسم علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۲	ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ جلد ۲
۳۲	مشخصات کتاب
۳۲	اشاره
۳۵	۱- نقش مساجد اصفهان در فعالیتهای درسی و حوزه ای
۳۵	اشاره
۳۶	نقش مساجد در فعالیتهای درسی و حوزه های
۳۶	۱- مسجد جمعه (جامع)
۳۸	مسجد جامع مرکز تعلیم و تربیت اسلامی
۳۹	صفه صاحب ، محل تدریس صاحب بن عبّاد
۳۹	مسجد جامع و فعالیتهای درسی علامه مجلسی و اجداد او
۴۰	رونق علمی مسجد جامع در زمان علامه مجلسی
۴۱	یادگاری از دوره رونق علمی مسجد جامع
۴۱	۲- مسجد جامع جورجیر از آثار صاحب بن عبّاد
۴۲	۳- مسجد جامع عباسی « مسجد امام »
۴۴	تأسیس جامع جدید ، بر مبنای فعالیت علمی
۴۵	چهره هائی از مدرّسین مسجد جامع عباسی
۴۷	۴- مسجد شیخ لطف الله
۵۶	وجه نامگذاری مسجد
۵۶	ارتباط مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک
۵۷	۵- مسجد نُئبان
۵۸	فعالیت علمی در مسجد لنبان
۵۹	۶- مسجد علی
۶۰	مناره مسجد علی

- ۶۱ فعالیت علمی در مسجد علی
- ۶۱ ۷- مسجد حکیم
- ۶۲ ۸- مسجد سید
- ۶۶ مسجد و مدرسه سید، مرکز علم و تدریس
- ۶۷ ۹- مسجد حاج محمد جعفر آبا ده ای
- ۶۸ ۱۰- مسجد خباطها
- ۶۹ ۱۱- مسجد ایلچی
- ۷۱ ۱۲- مسجد نوبازار
- ۷۳ ۱۳- مسجد جارچی
- ۷۴ ۱۴- مسجد بابا محمد علی سقا (مسجد امامی)
- ۷۶ اشاره ای قابل توجه
- ۷۸ ۲- مدارس علمیه اصفهان ، قبل از دوره صفویه
- ۷۸ اشاره
- ۸۰ مدارس علمیه اصفهان قبل از دوره صفویه
- ۸۰ ۱- مدرّس ابن سینا
- ۸۱ ۲- مدرسه امامیه
- ۸۳ ۳- مدرسه اوزون حسن
- ۸۴ مدرسه باباقاسم
- ۸۴ ۴- مدرسه باب القصر
- ۸۵ ۵- مدرسه باقریه در بکوشک
- ۸۸ آثاری از سابقه مدرسه در بکوشک
- ۸۹ مدرسه پاشیر در بکوشک
- ۸۹ ۶- مدرسه تاج الملک
- ۸۹ ۷- مدرسه ترکها
- ۹۱ ۸- مدرسه جعفریه
- ۹۴ ۹- مدرسه جلال الدین منگیزی

- ۹۴ ۱۰- مدرسه جلالی
- ۹۵ ۱۱- مدرسه جوهان
- ۹۵ خاندان بزرگ و علمی شفروه و تشیع
- ۹۶ شخصیتی بزرگ و شیعه مذهب ، از خاندان شفروه
- ۹۸ حادثه ای جالب ، و اشعاری بدیع ، و شور و عشقی ریشه دار
- ۱۰۰ ۱۲- مدرسه حاج حسن
- ۱۰۱ ۱۳- مدرسه خواجه صدرالدین علی طبیب
- ۱۰۲ ۱۴- مدرسه دوّم خواجه صدرالدین علی طبیب
- ۱۰۲ ۱۵- مدرسه سوّم خواجه صدر الدین علی طبیب
- ۱۰۲ ۱۶- مدرسه خواجه ملک « مدرسه شیخ لطف الله »
- ۱۰۷ سرگذشت مدرسه خواجه ملک
- ۱۰۸ آثاری از مدرسه خواجه ملک
- ۱۰۹ مدفن ابن سینا ، نزدیک مدرسه خواجه ملک
- ۱۱۱ ۱۷- دار السیاده
- ۱۱۳ مدرسه دردشت
- ۱۱۳ ۱۸- مدرسه درویشان
- ۱۱۳ ۱۹- مدرسه سلطان بخت آغا از نشانه های مهم تشیع در اصفهان
- ۱۱۵ مدرسه در دشت ، از مدارس متعلق به شیعه است
- ۱۱۷ ۲۰- مدرسه سمیرمی
- ۱۱۷ ۲۱- مدرسه سلطان محمد سلجوقی
- ۱۱۸ ۲۲- مدرسه عظیم سید رکن الدین محمد یزدی
- ۱۲۱ ۲۳- مدرسه شمسیه
- ۱۲۱ ۲۴- مدرسه شهشهان
- ۱۲۲ مدرسه شوری
- ۱۲۳ ۲۵- مدرسه شیخ ابومسعود رازی
- ۱۲۴ ۲۶- مدرسه شیخ یوسف پناه

- ۱۲۴ ----- ۲۷ - مدرسه صدر منصور
- ۱۲۵ ----- مدرسه صدریه
- ۱۲۵ ----- ۲۸ - مدرسه علی بن سهل بن أزهر
- ۱۲۶ ----- ۲۹ - مدرسه فخریه
- ۱۲۷ ----- ۳۰ - مدرسه کران
- ۱۲۸ ----- ۳۱ - مدرسه مسجد جامع (جمعه)
- ۱۲۹ ----- ۳۲ - مدرسه ملکشاهی
- ۱۳۱ ----- ۳۳ - مدرسه ملکه خاتون
- ۱۳۱ ----- ۳۴ - مدرسه نظامیه اصفهان
- ۱۳۳ ----- قابل توجه
- ۱۳۴ ----- ۳۵ - مدرسه نقاشان
- ۱۳۶ ----- ۳ - مدارس علمیه دوره صفویه که باقی مانده است
- ۱۳۶ ----- اشاره
- ۱۳۸ ----- مدارس علمیه اصفهان از دوره صفویه که تاکنون باقی مانده است
- ۱۳۸ ----- مدرسه امام صادق علیه السلام
- ۱۳۸ ----- مدرسه ابراهیم بیک
- ۱۳۹ ----- مدرسه أحمد آباد
- ۱۳۹ ----- ۱ - مدرسه إسماعیلیه
- ۱۳۹ ----- ۲ - مدرسه ألماسیه
- ۱۴۱ ----- آثاری از مدرسه ألماسیه
- ۱۴۱ ----- ۳ - مدرسه امامزاده اسماعیل ((مدرسه ابراهیم بیک))
- ۱۴۵ ----- مدرسه جده
- ۱۴۶ ----- ۴ - مدرسه جد بزرگ
- ۱۴۸ ----- چهره های علمی مدرسه ی جده بزرگ
- ۱۵۲ ----- آثاری از مدرسه جده بزرگ
- ۱۵۳ ----- ۵ - مدرسه جده کوچک

- ۱۵۴ چهره های علمی مدرسه ی جده کوچک
- ۱۵۵ آثاری از مدرسه جده کوچک
- ۱۵۷ ۶-مدرسه جلالته
- ۱۵۸ تعمیرات اساسی جدید مدرسه جلالیه
- ۱۵۹ ۷- مدرسه چهارباغ « مدرسه امام صادق »
- ۱۶۰ تاریخ بنای مدرسه
- ۱۶۴ راه حلی برای مشکل تفاوت در نقل
- ۱۶۵ مساحت مدرسه چهارباغ
- ۱۶۵ حجرات مدرسه چهارباغ
- ۱۶۶ وضعیت کلی و ترکیب عمومی مدرسه چهارباغ
- ۱۶۷ زیباییهای مدرسه چهارباغ
- ۱۶۷ کتیبه های مدرسه ، ترویجی ارزش های مکتب أهل البیت
- ۱۶۹ تعمیرات مدرسه چهارباغ
- ۱۶۹ کتابخانه مدرسه چهارباغ
- ۱۷۰ مجلس عظیم افتتاح مدرسه سلطانی (چهارباغ)
- ۱۷۲ جمعی از بزرگان حاضر در مجلس افتتاح مدرسه
- ۱۷۳ مطلبی مورد توجه و قابل بررسی درباره کاروانسرای مجاور مدرسه
- ۱۷۴ چهره های علمی در مدرسه چهارباغ (سلطانی)
- ۱۸۱ سایر مدرّسین و طلاب برجسته مدرسه چهارباغ
- ۱۸۲ آثاری از فعالیت علمی در مدرسه چهارباغ
- ۱۸۳ وضعیت کنونی مدرسه چهارباغ از نظر درسی
- ۱۸۳ مدرسه سلطانی
- ۱۸۳ ۸- مدرسه حاج شیخ محمد علی
- ۱۸۴ نمونه ای از مدرّسین مدرسه حاج شیخ محمد علی
- ۱۸۶ مدرسه حکیمیه
- ۱۸۶ مدرسه حواییگم

- ۹- مدرسه خالصیه ۱۸۶
- دو سنگ نوشته تاریخی ، در رابطه با مدرسه ۱۸۷
- تجدید بنای مدرسه خالصیه ۱۸۸
- سید نعمت الله جزائری ، اولین مدرّس مدرسه خالصیه ۱۸۹
- جلسات بحث علمی در مدرسه خالصیه ۱۹۱
- ۱۰- مدرسه ذوالفقار ۱۹۲
- تجدید بنای مدرسه ذوالفقار ۱۹۴
- برنامه مفصل و گسترده مدرسه ذوالفقار ۱۹۵
- مدرّسین مدرسه ذوالفقار ۱۹۷
- ۱۱- مدرسه رفیعه سلیمانیه ۱۹۹
- ۱۲ - مدرسه سارو تقی « مدرسه آقا شیخ محمد علی » ۲۰۱
- مدرسه سلطانی چهارباغ ۲۰۱
- ۱۳ - مدرسه سلیمانیه ۲۰۲
- مدرسه سید جزائری ۲۰۳
- ۱۴- مدرسه شفیعیه دردشت ۲۰۳
- داستانی عجیب و معجزه ای بزرگ ۲۰۵
- آثاری از فعالیت علمی در مدرسه شفیعیه ۲۰۶
- ۱۵ - مدرسه عربان « مدرسه آیه الله خادمی» ۲۰۷
- تجدید بنای مدرسه ۲۰۸
- علماء و مدرّسین مدرسه آیه الله خادمی ۲۰۹
- ۱۶- مدرسه و مسجد علیقلی آقا ۲۱۰
- ۱۷- مدرسه کاسه گران ۲۱۲
- علماء و مدرّسین در مدرسه کاسه گران ۲۱۴
- اثری علمی از دوره های گذشته مدرسه حکیمیه ۲۱۸
- ۱۸ - مدرسه مسجد حکیم ۲۱۸
- اشاره ۲۱۸

- ۲۱۹ آثاری از مدرسه مسجد حکیم
- ۲۲۰ ۱۹ - مدرسه ملا عبدالله
- ۲۲۱ چهره هائی از مدرسه ملا عبد الله
- ۲۲۱ ۱- ملا عبدالله تستری، اولین مدرس مدرسه
- ۲۲۲ ملا عبد الله عامل انتشار فقه و حدیث در اصفهان
- ۲۲۳ تأثیر علمی و معنوی محقق اردبیلی بر ملا عبدالله
- ۲۲۴ ستایش بزرگان درباره ملا عبد الله ستري
- ۲۲۶ تاریخ وفات ملا عبد الله تستري ومدفن او
- ۲۲۷ ۲- ملا حسنعلی تستري
- ۲۳۰ ۳- محقق سبزواری
- ۲۳۰ ۴- میرزا جعفر شیخ الإسلام
- ۲۳۱ ۵- آقا سید محمد جواد مسجد شاهی
- ۲۳۱ ۶- حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی
- ۲۳۲ آثاری دیگر، از سابقه علمی در مدرسه ملا عبدالله
- ۲۳۳ مدرسه میرزا شاه حسین
- ۲۳۳ مدرسه میرزا تقی
- ۲۳۳ ۲۰- مدرسه میرزا حسین
- ۲۳۴ چهره های علمی مدرسه میرزا حسن
- ۲۳۶ آثاری از مدرسه میرزا حسین
- ۲۳۶ ۲۱- مدرسه ناصریه (ناصری)
- ۲۳۸ ۲۲ - مدرسه نوریه
- ۲۴۰ چهره های علمی از مدرسه نوریه
- ۲۴۱ اثری از مدرسه نوریه
- ۲۴۲ ۲۳ - مدرسه نیم آورد
- ۲۴۴ مدرسه نیم آور محل اقامت وتدریس علماءبزرگ
- ۲۵۲ نسخه ای یادگاری از گذشته مدرسه نیم آور

- مدرسه نیم آور در حال حاضر ۲۵۲
- ۲۴ - مدرسه هارونیه « مدرسه میرزا شاه حسین » ۲۵۲
- ۴-مدارس غیر موجود ، متعلق به دوره صفویہ ۲۵۶
- اشاره - ۲۵۶
- مدراس غیر موجود ، متعلق به دوره صفویہ ۲۵۸
- ۱- مدرسه آقا شیر علی ۲۵۸
- ۲ - مدرسه آقا کافور ۲۵۹
- ۳- مدرسه آقا کمال خازن ۲۶۱
- ۴- مدرسه آقا مبارک یا مبارکیہ ۲۶۱
- ۵- مدرسه آقانور ۲۶۳
- ۶- مدرسه آقانور جولا ۲۶۴
- ۷- مدرسه اسفندیاریبیک ۲۶۴
- مدرسه اسماعیلیتہ تخت فولاد ۲۶۵
- ۸- مدرسه افتخار الملک ۲۶۵
- مدرسه أفندی ۲۶۶
- ۹- مدرسه ایلچی ۲۶۶
- ۱۰- مدرسه باغ سهیل ۲۶۶
- ۱۱- مدرسه پریخان خانم ۲۶۷
- مدرسه توشمال باشی ۲۶۷
- ۱۲ - مدرس حاج طاهر شیرازی ۲۶۷
- مدرسه حاج عبد الغفار صراف ۲۶۸
- ۱۳ - مدرسه حاجی محمد باقر ۲۶۸
- ۱۴- مدرسه حکمتیہ ۲۶۹
- ۱۵ - مدرسه حکیم ۲۶۹
- ۱۶- مدرسه خاتون آبادی (اسماعیلیتہ) در تخت فولاد ۲۷۰
- ۱۷- مدرسه خارج دروازه حسن آباد ۲۷۱

- ٢٧١ ١٨ - مدرسة خرابه
- ٢٧٢ ١٩ - مدرسة خليفه سلطان
- ٢٧٣ ٢٠ - مدرسة خواجه محبت «خواجه مُحَب=مَحَبَّتِيَه»
- ٢٧٤ مدرسة خواجه مُحَب
- ٢٧٤ مدرسة خواجه محزم
- ٢٧٤ ٢١ - مدرسة دارالبَطِيخ
- ٢٧٥ ٢٢ - مدرسة دارالسَّفاء
- ٢٧٦ ٢٣ - مدرسة دار العلم
- ٢٧٦ ٢٤ - مدرسة دده خاتون
- ٢٧٧ ٢٥ - مدرسة زهراء بيگم
- ٢٧٧ ٢٦ - مدرسة زينب بيگم
- ٢٧٨ مدرسة سعديته
- ٢٧٨ ٢٧ - مدرسة شاه «مدرسة مسجد جامع عباسي»
- ٢٧٩ چهره هاي علمي مدرسة مسجد جامع عباسي
- ٢٨١ ٢٨ - مدرسة شاهپوريه
- ٢٨١ ٢٩ - مدرسة شاهزاده ها «مدرسة حكيم»
- ٢٨٣ ٣٠ - مدرسة شاه طهماسب
- ٢٨٣ ٣١ - مدرسة شاه عباس
- ٢٨٥ ٣٢ - مدرسة شفيعية أحمد آباد
- ٢٨٦ ٣٣ - مدرسة شمس آباد
- ٢٨٧ ٣٤ - مدرسة شهرستان
- ٢٨٧ ٣٥ - مدرسة شيخ الإسلام
- ٢٨٨ ٣٦ - مدرسة شيخ بهائي
- ٢٨٩ ٣٧ - مدرسة شيخ عليخان زنگنه
- ٢٨٩ ٣٨ - مدرسة شيخ لطف الله
- ٢٩٠ ٣٩ - مدرسة صدر أعظم

- ۲۹۰ مدرسه صدر عامه
- ۲۹۱ ۴۰ - مدرسه صفویه «صفوی»
- ۲۹۳ ۴۱ - مدرسه عباس آباد
- ۲۹۳ ۴۲ - مدرسه عیدیه (سعیدیه)
- ۲۹۴ ۴۳ - مدرسه فاضل هندی
- ۲۹۴ ۴۴ - مدرسه فاطمیه
- ۲۹۵ ۴۵ - مدرسه قاسمیه هاشمیه
- ۲۹۵ ۴۶ - مدرسه قرچقای بیک یا مدرسه کلباسی
- ۲۹۷ ۴۷ - مدرسه قطبیه
- ۲۹۸ ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ مدرسه های قیصریه کهنه و کوچه عربان
- ۲۹۹ ۵۱ - مدرسه کیشه
- ۲۹۹ ۵۲ - مدرسه کمرزین
- ۳۰۰ ۵۳ - مدرسه کوچک، در محله سر نیم آورد
- ۳۰۱ مدرسه کوچه عربان
- ۳۰۱ مدرسه کوچه کلباسی «مدرسه کلباسی»
- ۳۰۱ ۵۴ - مدرسه گچ کُنان
- ۳۰۲ ۵۵ - مدرسه مادر شاه
- ۳۰۳ ۵۶ - مدرسه مبارکه
- ۳۰۳ مدرسه مبارکته
- ۳۰۳ مدرسه محبتیه
- ۳۰۳ ۵۷ - مدرسه محزمیه
- ۳۰۴ ۵۸ - مدرسه محمد صالح بیک
- ۳۰۴ ۵۹ - مدرسه مرتضویه
- ۳۰۴ ۶۰ - مدرسه مریم بیگم
- ۳۰۷ مدرسه مسجد شاه
- ۳۰۸ ۶۱ - مدرسه مشعلدار باشی

- ۳۰۸ ----- ۶۲- مدرسه مقصود عصار
- ۳۰۸ ----- ۶۳- مدرسه مقصودیه ناظریه
- ۳۰۹ ----- ۶۴- مدرسه میرزاخان
- ۳۰۹ ----- ۶۵- مدرسه و مسجد میرزا رضی
- ۳۱۰ ----- شخصیته عجیب و شگفتی آفرین
- ۳۱۲ ----- ۶۶- مدرسه میرزا عبد الله أفندی
- ۳۱۳ ----- ۶۷- مدرسه میرزا قاضی
- ۳۱۳ ----- مدرسه ناظریه
- ۳۱۳ ----- ۶۸- مدرسه نجفقلی بیك
- ۳۱۴ ----- ۶۹- مدرسه نجفیه ، معروف به مدرسه توشمال باشی
- ۳۱۴ ----- ۷۰- مدرسه نزدیک مسجد لبنان
- ۳۱۴ ----- ۷۱- مدرسه نواب
- ۳۱۵ ----- ۷۲- مدرسه وزیر «مدرسه صدر عامه»
- ۳۱۵ ----- مدرسه هاشمیه قاسمیه
- ۳۱۵ ----- هفت مدرسه خواجه
- ۳۱۶ ----- هفت مدرسه ، دنبال نهر فرشادی
- ۳۱۹ ----- ۵- مدارس علمیه اصفهان پس از دوره صفویه تاکنون
- ۳۱۹ ----- اشاره
- ۳۲۱ ----- مدارس علمیه اصفهان پس از دوره صفویه تاکنون
- ۳۲۲ ----- ۱- مدرسه الغدير
- ۳۲۳ ----- نامگذاری مدرسه
- ۳۲۴ ----- ۲- مدرسه أمير المؤمنين على عليه السلام
- ۳۲۴ ----- مدرسه أمين الدوله
- ۳۲۴ ----- ۳- مدرسه علمیه باقر العلوم عليه السلام
- ۳۲۵ ----- ۴- مدرسه پا قلعه «مدرسه صدر پاقلعه»
- ۳۲۶ ----- ۵- مدرسه جوادیه

- ۳۲۷ ----- ۶- مدرسه رکن الملک
- ۳۲۹ ----- مدرسه سید العراقرن
- ۳۲۹ ----- ۷- مدرسه بزرگ صدر «مدرسه صدریه»
- ۳۳۰ ----- تأسیس و بنای مدرسه صدر و مؤسس آن
- ۳۳۲ ----- اقدامات تکمیلی و نماسازی مدرسه بعد از فوت مرحوم صدر
- ۳۳۴ ----- تعمیرات گسترده و کاشی کاری مدرسه صدر
- ۳۳۵ ----- تعمیرات اساسی و نوسازی های دوره معاصر
- ۳۳۶ ----- نکاتی که از وقفنامه مدرسه صدر استفاده می شود
- ۳۳۷ ----- مدرسه صدر، مرکز تدریس و تحصیل مجتهدین بزرگ
- ۳۵۰ ----- دیگر مدرّسین مدرسه صدر
- ۳۵۰ ----- مدرسه صدر پاقلعه
- ۳۵۰ ----- ۸- مدرسه صدر چهارباغ خواجه
- ۳۵۲ ----- ۹- مدرسه محمودیه
- ۳۵۴ ----- ۱۰- مدرسه مسجد رحیم خان
- ۳۵۵ ----- ۱۱- مدرسه میرزا مهدی
- ۳۵۶ ----- چهره های علمی مدرسه میرزا مهدی
- ۳۵۹ ----- ۶- مدارس علمیه اصفهان ، مخصوص بانوان
- ۳۵۹ ----- اشاره
- ۳۶۱ ----- مراکز تحصیل علوم دینیه برای طبقه نسون
- ۳۶۱ ----- مکتب فاطمه علیها السلام
- ۳۶۳ ----- مکتب حضرت زینب علیها السلام
- ۳۶۴ ----- مدرسه الزهراء علیها السلام
- ۳۶۵ ----- مدرسه التفیسه علیها السلام
- ۳۶۶ ----- مدرسه کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۶۷ ----- ۷- کتابخانه های اصفهان ، در دوره های گوناگون
- ۳۶۷ ----- اشاره

- کتابخانه های اصفهان ۳۶۹
- کتابخانه های اصفهان در دوره های قبل از صفویه ۳۶۹
- ۱- کتابخانه عظیم إسماعیل بن عتباد ۳۶۹
- ۲- کتابخانه بزرگ مسجد جامع ۳۷۰
- ۳- کتابخانه شیخ أبومسعود ۳۷۱
- ۴- کتابخانه مدرسه حاج حسن ۳۷۱
- ۵- کتابخانه نظامیه اصفهان ۳۷۲
- ۶- کتابخانه خاندان خجندیان «آل خجند» ۳۷۲
- ۷- کتابخانه مدرسه بابا قاسم ۳۷۲
- ۸- کتابخانه مدرسه سلطان بخت آغا ۳۷۲
- کتابخانه های اصفهان در دوره صفویه ۳۷۳
- ۱- کتابخانه شیخ علی منشار عاملی ۳۷۳
- ۲- کتابخانه شیخ بهائی ۳۷۳
- ۳- کتابخانه میرداماد ۳۷۴
- ۴- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله ۳۷۴
- ۵- کتابخانه ابن خاتون ۳۷۴
- ۶ و ۷- کتابخانه های محقق سبزواری و میرفندرسکی ۳۷۵
- ۸- کتابخانه فیض کاشانی ۳۷۵
- ۹- کتابخانه خاندان خوانساری ۳۷۶
- ۱۰- کتابخانه خاندان خاتون آبادی ۳۷۶
- ۱۱- کتابخانه صفویه ۳۷۶
- ۱۲- کتابخانه محمد مقیم ۳۷۷
- ۱۳- کتابخانه میرفندرسکی ۳۷۷
- ۱۴- کتابخانه میرزا عنایت الله اصفهانی ۳۷۷
- ۱۵- کتابخانه علامه مجلسی، پر برکت ترین کتابخانه های اصفهان ۳۷۸
- ۱۶- کتابخانه شیخ أبو طالب زاهدی ۳۷۹

- ۳۸۰ ۱۷ - کتابخانه ملا عبد الله أفندی
- ۳۸۱ ۱۸ - کتابخانه حزين لاهیجی
- ۳۸۱ ۱۹ - کتابخانه مدرسه چهارباغ
- ۳۸۲ ۲۰ - کتابخانه مدرسه آقا کمال خازن
- ۳۸۲ ۲۱ - کتابخانه مدرسه ایلیچی
- ۳۸۳ ۲۲ - کتابخانه نائب الصدر
- ۳۸۳ ۲۳- تا ...
- ۳۸۴ کتابخانه های اصفهان ، بعد از دوره صفویه
- ۳۸۶ ۱- کتابخانه عظیم سید شفتی
- ۳۸۷ ۲- کتابخانه خاندان قزوینی
- ۳۸۷ ۳- کتابخانه خاندان خوانساری «روضاتی»
- ۳۸۸ ۴- کتابخانه حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی
- ۳۸۹ ۵- کتابخانه امام جمعه ها
- ۳۸۹ ۶- کتابخانه آخوند ملا حسین
- ۳۸۹ ۷- کتابخانه ملا باشی
- ۳۸۹ ۸ و ۹- کتابخانه مدرسه پا قلعه و مدرسه رکن الملک
- ۳۹۰ ۱۰- کتابخانه منجم باشی
- ۳۹۰ ۱۱- کتابخانه حکیم نجم اصفهانی
- ۳۹۰ ۱۲ - کتابخانه مستوفی
- ۳۹۰ ۱۳ - کتابخانه حاج آقا منیرالدین
- ۳۹۱ ۱۴- کتابخانه حاج میرزا أبو الهدی کلباسی
- ۳۹۱ ۱۵ - کتابخانه آقا شیخ محمد رضا نجفی
- ۳۹۱ ۱۶- کتابخانه بیان الواعظین
- ۳۹۱ ۱۷ - کتابخانه حاج سید علی نجف آبادی
- ۳۹۲ ۱۸ - کتابخانه کلباسی
- ۳۹۲ ۱۹ - کتابخانه الفت

- ۲۰ - کتابخانه صدر هاشمی ۳۹۳
- ۲۱ - کتابخانه مرحوم مقدّس ۳۹۳
- ۲۲ - کتابخانه حاج شیخ کرمانی ۳۹۳
- ۲۳ - کتابخانه طبیب زاده ۳۹۴
- ۲۴ - کتابخانه سیّد العراقین ۳۹۴
- ۲۵ - کتابخانه کتابی ۳۹۴
- ۲۶ - کتابخانه مدرسه صدر ۳۹۴
- ۲۷ - کتابخانه معلّم حبیب آبادی ۳۹۵
- ۲۸ - کتابخانه آیة الله خادمی ۳۹۵
- ۲۹ تا ۳۴ - شش کتابخانه ، در شش مدرسه ۳۹۵
- ۳۵ - کتابخانه عمومی الزّهرای علیها السلام ۳۹۶
- ۳۶ - کتابخانه عمومی أمير المؤمنین علیه السلام ۳۹۷
- ۳۷ - کتابخانه مرقد مطهر علامه مجلسی ۳۹۷
- ۳۸ - کتابخانه مدرسه ذوالفقار ۳۹۸
- سایر کتابخانه ها ۳۹۸
- کتابخانه های دانشگاه اصفهان ۳۹۸
- ۱- کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان ۳۹۹
- ۲- کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۴۰۰
- ۳- کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی ۴۰۱
- ۴- کتابخانه دانشکده علوم ۴۰۱
- ۵- کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصاد ۴۰۱
- ۶- کتابخانه دانشکده علوم تربیتی ۴۰۱
- سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان ۴۰۲
- کتابخانه های اداره ارشاد اسلامی و شهرداری و مراکز فرهنگی و خیریه ای ۴۰۲
- ۱- کتابخانه تخصصی دارالقرآن الکریم ۴۰۳
- ۲- کتابخانه عمومی مجتمع فاطمیّه علیها السلام ۴۰۳

- ۳- کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر «عج» ۴۰۳
- ۴- کتابخانه عمومی ابن مسکویه ۴۰۳
- ۵- کتابخانه عمومی ابوالفرج اصفهانی ۴۰۳
- ۶- کتابخانه عمومی ارشاد ۴۰۳
- ۷- کتابخانه بنیاد فرهنگی امیرقلی آمینی ۴۰۴
- ۸- کتابخانه عمومی توحید ۴۰۴
- ۹- کتابخانه عمومی جلال الدین همائی ۴۰۴
- ۱۰- کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۰۴
- ۱۱- کتابخانه عمومی علامه امینی ۴۰۴
- ۱۲- کتابخانه خانه کودک و نوجوان باغ غدیر ۴۰۴
- ۱۳- کتابخانه عمومی راغب اصفهانی ۴۰۵
- ۱۴- کتابخانه عمومی صائب ۴۰۵
- ۱۵- کتابخانه عمومی طغرایی اصفهانی ۴۰۵
- ۱۶- کتابخانه عمومی قدس ۴۰۵
- ۱۷ تا ۲۲ - کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۴۰۵
- ۲۳- کتابخانه تخصصی مرکز مطالعات ملل و نحل ۴۰۶
- ۲۴- کتابخانه عمومی شهید مفتّح ۴۰۶
- ۲۵- کتابخانه عمومی میرداماد ۴۰۶
- ۸- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان ۴۰۸
- اشاره ۴۰۸
- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان ۴۱۰
- ۱- مزار عالم محدّث ، إمامزاده اسماعیل علیه السلام ۴۱۰
- ۲- بقعه صاحب بن عبّاد ۴۱۲
- چگونگی بقعه صاحب ابن عبّاد در حال حاضر ۴۱۳
- اشاره ای به شخصیت علمی و اجتماعی صاحب ۴۱۳
- مرقد آیه الله اَدیب در جوار صاحب بن عبّاد ۴۱۵

- ۳- مقبره خاندان تَزَكِه «آل ترکه» ۴۱۵
- ۴- مرقد ملا تاجا ۴۱۶
- ۵- مزار دو عالم شهید ، سید جعفر و سید مرتضی «جعفریه» ۴۱۶
- صلوات بر چهارده معصوم ، بالای در ورودی جعفریه ، نشانه سابقه تشیع اصفهان ۴۱۸
- ۶- بقعه آقا سید مرتضی ۴۱۹
- دفن بانوئی صالحه ، و رونق و تعمیر جعفریه ۴۲۰
- دفن عالمی بزرگ و شایسته ۴۲۱
- ۷- بقعه عالم شهید ، سید علاء الدین محمد «شهشهان» ۴۲۱
- ۸- مقبره یا بقعه علامه مجلسی ۴۲۲
- قبرهای تازه در بقعه علامه مجلسی ۴۲۷
- ۱- مرحوم آیه الله طیب زاده ۴۲۷
- ۲- آیه الله میر جهانی ۴۲۹
- ۳- آیه الله صافی اصفهانی ۴۲۹
- مدفن خیر اندیشی ارزشمند ، در بقعه علامه مجلسی ۴۳۰
- ۹- سر قبر آقا ۴۳۲
- ۱۰- مقبره حاجی کلباسی ۴۳۳
- ۱۱- بقعه و مقبره سید شفتی ۴۳۵
- ۱۲- بقعه آقا سید حسن مدرّس ۴۳۷
- ۱۳- مقبره و بقعه آقا نجفی ۴۳۹
- ۱۴- زینبیه ۴۴۱
- سایر بقاع علمی اصفهان ۴۴۱
- تخت فولاد، نمایانگر عظمت علمی اصفهان ۴۴۲
- تخت فولاد، یاد آور چهره های درخشان ۴۴۳
- تاریخچه گورستان تخت فولاد، و دفن اموات در آن ۴۴۴
- اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد ۴۴۵
- لسان الأرض ، نشانه ای تاریخی و معنوی ، در تخت فولاد ۴۴۶

- ۴۴۷ قبر حضرت یوشع علیه السلام ، نشانه ای تاریخی و معنوی برای تخت فولاد و لسان الأرض
- ۴۴۷ تخت فولاد ، محلّ عبادت و تحصیل علم
- ۴۴۸ تهاجمی بی رحمانه و جاهلانه ، و دفاعی آگاهانه و دلسوزانه
- ۴۴۹ ساماندهی تکیه ها و بقعه های تخت فولاد
- ۴۵۰ اسناد تاریخی و به یاد ماندنی
- ۴۵۱ متن فتوای آیه الله العظمی گلپایگانی
- ۴۵۲ مقاله کیهان فرهنگی
- ۴۵۴ متن نامه و طومار مردم متدین اصفهان
- ۴۵۶ اشاره ای به تکیه ها و بقعه ها و مساجد و مدارس تخت فولاد
- ۴۵۸ ۱- تکیه آباده ای «حاج محمد جعفر»
- ۴۵۹ ۲- تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری «بقعه العلماء»
- ۴۶۱ تعمیر و ساماندهی تکیه و بقعه خوانساری
- ۴۶۱ ۳- تکیه آقارضا «تکیه سادات»
- ۴۶۳ کرامتی جالب
- ۴۶۴ ۴- تکیه آقا سید ابوجعفر
- ۴۶۶ ۵- تکیه آقا شیخ محمد تقی رازی «تکیه مادر شاهزاده»
- ۴۶۹ ۶- بقعه آقا محمد بیدآبادی
- ۴۷۱ ۷- تکیه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی
- ۴۷۲ ۸- تکیه آقا میرزا محمد باقر «صاحب روضات»
- ۴۷۴ ۹- بقعه امین «بانوی ایرانی»
- ۴۷۵ ۱۰- بقعه و تکیه بابا رکن الدین
- ۴۷۷ ۱۱- تکیه بروجردی «تکیه در بکوشکیها»
- ۴۷۹ ۱۲- تکیه توپسراکانی
- ۴۸۰ ۱۳- تکیه جهانگیرخان قشقائی «تکیه آقا سید محمد ترک»
- ۴۸۱ ۱۴- تکیه خاتون آبادی
- ۴۸۲ ۱۵- بقعه و مدرسه و مسجد رکن الملک

- ۴۸۳ ۱۶- تکیه ریزی
- ۴۸۴ ۱۷- مقبره سادات أحمد آبادی «مزار صاحب مکیال المکارم»
- ۴۸۷ ۱۸- تکیه سید العراقین
- ۴۸۹ ۱۹- بقعه آیه الله شهید شمس آبادی، و تکیه شهداء
- ۴۹۰ ۲۰- تکیه شهشهانی
- ۴۹۲ قبرستان عمومی تخت فولاد
- ۴۹۲ بخش شرقی قبرستان عمومی
- ۴۹۲ ۲۱- مزار ملا اسماعیل خواجوئی
- ۴۹۳ ۲۲- مرقد مطهر فاضل اصفهانی «هندی»
- ۴۹۴ قبر فاضلان
- ۴۹۵ تأسیس بقعه فاضل هندی
- ۴۹۶ ۲۳- تکیه فاضل سراب «تکیه جویباره ای»
- ۴۹۷ ۲۴- تکیه کازرونی ودو بقعه علمی آن
- ۴۹۷ ألف : بقعه آیه الله درچه ای و آخوند گزی و...
- ۴۹۹ ب : بقعه آیه الله صدیقین
- ۵۰۱ حکیم أردستانی
- ۵۰۲ ۲۵- لسان الأرض
- ۵۰۳ ۲۶- تکیه مقدس
- ۵۰۳ ۲۷- تکیه ملک
- ۵۰۵ توضیح:
- ۵۰۶ ۲۸- تکیه میر
- ۵۰۷ ۲۹- تکیه و بقعه میرزا رفیعی نائینی
- ۵۰۸ ۳۰- بقعه و تکیه میر محمد صادقی
- ۵۰۹ ۳۱- تکیه و بقعه واله
- ۵۱۰ پایان بخش مطالب
- ۵۱۲ ۹- علم طب، و چهره های آن، در حوزه علمیه اصفهان

- اشاره ۵۱۲
- علم طب ، و چهره های آن ، در حوزه علمیه اصفهان ۵۱۴
- ۱- ابن مندویه ، طبیب اصفهانی ۵۱۴
- ۲- أبو الفرج اصفهانی ۵۱۵
- ۳- عبد الزحیم بن علی ... اصفهانی ۵۱۶
- ۴- ابن مشکویه ... رازی اصفهانی ۵۱۶
- ۵- أبوعلی سینا، طبیب نامدار اسلامی ۵۱۷
- ۶- حکیم أبوالقاسم ، طبیب اصفهانی ۵۱۷
- ۷- محمد بن عبد الله اصفهانی «طیب» ۵۱۸
- ۸- میرزا شریف حکیم اصفهانی ۵۱۸
- ۹- میرزا هدایت الله طبیب اصفهانی ۵۱۹
- ۱۰- محمد سعید بن محمد صادق طبیب اصفهانی ۵۱۹
- ۱۱- ذو التون طبیب اصفهانی ۵۱۹
- ۱۲- میرزا حسین طبیب ۵۲۰
- ۱۳- شرف الدین حسن «حکیم شفائی» ۵۲۰
- ۱۴- میر محمد مؤمن تنکابنی اصفهانی ۵۲۱
- ۱۵- میرزا عبدالرزاق طبیب اصفهانی ۵۲۲
- ۱۶- ملا جلال الدین محمد طبیب ۵۲۲
- ۱۷- سید هاشم طبیب ۵۲۳
- ۱۸ تا ۲۰ - سید عبد الباقي طبیب و خاندان علمی او ۵۲۳
- ۲۱- میرزا نصیر طبیب اصفهانی شیرازی ۵۲۵
- آثار تألیفی میرزا نصیر ۵۲۷
- ۲۲- جلال الدین محمد طبیب ۵۲۷
- ۲۳- میرزا رضا طبیب ۵۲۸
- ۲۴- میرزا أبو الحسن طبیب ۵۲۸
- ۲۵- میرزا محمد طبیب ۵۲۸

- ۲۶- میرزا محمّد بن أحمد طبیب - ۵۲۹
- ۲۷- میرزا زین العابدین طبیب - ۵۲۹
- ۲۸- میرزا مهدی طبیب - ۵۲۹
- ۲۹ تا ۳۱ - میرزا محمّد باقر حکیم باشی و چند چهره از خاندان علمی او در طب - ۵۲۹
- ۳۲- سید علی اکبر صدر الأطباء - ۵۳۱
- ۳۳- میرزا محمّد حسین طبیب - ۵۳۱
- ۳۴ - سید عبد الوهاب «معین الأَطباء» - ۵۳۱
- ۳۵ و ۳۶ - سید مصطفی «مؤید الأَطباء» و پدر او - ۵۳۲
- ۳۷- میرزا محمّد طبیب اصفهانی محلّه نوی - ۵۳۲
- ۳۸- میرزا أبوالقاسم طبیب اصفهانی - ۵۳۳
- ۳۹- حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی - ۵۳۴
- ۴۰- طبیب جامع ، آیه الله موحد ابطحی، آخرین چهره علمی طب قدیم در اصفهان - ۵۳۵
- ۱۰- حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان - ۵۳۸
- اشاره - ۵۳۸
- حوزه ها و مدارس علمیه در دیگر شهرهای استان اصفهان - ۵۴۰
- ۱- اردستان - ۵۴۰
- مسجد إمام حسن علیه السلام در اردستان - ۵۴۱
- إمامزاده های متعدّد، و جلوه های علم و تشیع در اردستان - ۵۴۱
- مدارس علمیه اردستان - ۵۴۲
- الف - مدرسه حاج حسین نورالدین - ۵۴۲
- ب - مدرسه طاهریه - ۵۴۳
- ج - مدرسه علمیه جدید التّأسيس - ۵۴۳
- کچو منتقال - ۵۴۴
- مدرسه علمیه حاج میرزا علی - ۵۴۴
- مهر آباد - ۵۴۵
- ۲- پوده «فوده» - ۵۴۶

- ۳- خاتون آباد ۵۴۶
- مدرسه علمیه خاتون آباد ۵۴۷
- ۴- خمینی شهر ۵۴۷
- مدارس علمیه خمینی شهر ۵۴۹
- الف - مدرسه علمیه مشکوه ۵۴۹
- ب - مدرسه علمیه امامیه ۵۴۹
- ج - مدرسه حضرت حجه «عج» ۵۵۰
- د - مدرسه باقر العلوم علیه السلام ۵۵۰
- ۵- خوانسار ۵۵۰
- خاندانهای علمی خوانسار ۵۵۱
- چهره های بزرگ علمی برخاسته از خوانسار ۵۵۲
- مدارس علمیه خوانسار ۵۵۵
- الف - مدرسه علمیه مریم بیگم ۵۵۵
- ب - مدرسه علمیه میرباقری ۵۵۶
- ج - مدرسه عظیم ولی عصر «عج» ۵۵۷
- حوزه علمیه ولی عصر «عج» خوانسار ۵۵۷
- خانه های علماء ، مدرسه های پربرکت ۵۵۹
- کتابخانه فاضل ۵۶۰
- ۶- خوراسگان ۵۶۰
- مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام ۵۶۱
- مدرسه علمیه خواهران ۵۶۲
- کتابخانه امامزاده ابوالعباس علیه السلام ۵۶۲
- ۷- داران ۵۶۲
- ۸- دُرُجه ۵۶۳
- مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام ۵۶۳
- ۹- دستجرد جرقویه ۵۶۳

- مدرسه علمیه دستجرد ۵۶۴
- ۱۰- دولت آباد ۵۶۴
- ۱۱- دهقان ۵۶۴
- ۱۲- رهنان «رنان» ۵۶۵
- ۱۳- زرین شهر ۵۶۶
- مدرسه علمیه زرین شهر ۵۶۶
- مفاخر علمی زرین شهر ۵۶۶
- ۱۴- زواره ۵۶۷
- زواره ، مدینه السادات ۵۶۸
- سابقه تشیع در زواره ۵۶۸
- شهر زواره، خاستگاه چهره های بزرگ علمی ۵۶۸
- بقعه های دینی زواره، سندی بر دیانت و تشیع و فرهنگ مذهبی زواره ۵۶۹
- مدرسه علمیه حاج لطفعلی خان ۵۷۰
- ۱۵- سمیرم ۵۷۱
- مدرسه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام ۵۷۱
- ۱۶- شهر فیروزان ۵۷۲
- ۱۷- شاه تور «شاهطور» ۵۷۲
- مدرسه علمیه شاهطور ۵۷۲
- ۱۸- شهرضا «قمشه» ۵۷۳
- مدارس علمیه شهرضا ۵۷۵
- الف - مدرسه حسینیّه سادات ۵۷۵
- ب - مدرسه علمیه صاحب الزمان علیه السلام ۵۷۶
- ج - مدرسه اقدمیه ۵۷۶
- د- مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام ۵۷۷
- ه - مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام ۵۷۷
- و - دار العلم « مدینه العلم صاحب الزمان «عج»» ۵۷۸

- شمار طلاب شهرضا ۵۷۹
- ۱۹ - طالخونچه ۵۷۹
- مدرسه علمیه قائم آل محمد «عج» ۵۷۹
- ۲۰- فریدون شهر ۵۸۰
- ۲۱- فلاورجان ۵۸۰
- مدرسه علمیه فلاورجان ۵۸۰
- ۲۲- قَمُضَر ۵۸۱
- مدرسه علمیه ولی عصر علیه السلام ۵۸۱
- ۲۳- کاشان ۵۸۲
- قاطعیت و پایبندی شدید مردم کاشان ، نسبت به مکتب أهل البيت عليهم السلام در طول تاریخ اسلام ۵۸۲
- کاشان ، در دیدگاه ستیاح فرانسوی ،از نظر دینی و علمی و مذهبی ۵۸۷
- سابقه و اهمیت علمی کاشان ۵۸۸
- مزار امامزادگان فراوان در منطقه کاشان ،نشانه بارزی از فرهنگ تشیع در این سرزمین ۵۹۰
- امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام نماینده امام باقر علیه السلام ، در منطقه کاشان ۵۹۰
- إعزاز حضرت سلطانعلی علیه السلام ، از طرف امام باقر علیه السلام ۵۹۲
- خاندانهای علمی کاشان ۵۹۴
- چهره های علمی بزرگ کاشان ۵۹۵
- بقعه های دینی کاشان ، نشانه ای از سابقه علمی کاشان ۶۰۴
- مدارس علمیه کاشان ۶۰۴
- مدارس علمیه شیعه ، قبل از دوره صفویه ۶۰۵
- الف - مدرسه صفویه ۶۰۶
- ب - مدرسه خواجه معین ۶۰۶
- ج - مدرسه مجدیه ۶۰۶
- د- مدرسه شرفیه ۶۰۷
- ه- مدرسه عزیزیه ۶۰۷
- و - مدرسه خان ۶۰۷

- ز- مدرسه علی بن فضل الله ۶۰۸
- ح- مدرسه بابا ولی ۶۰۸
- ط - مدرسه خواجه تاج الدین ۶۰۹
- مدارس علمیه کاشان ، از دوره صفویه تا کنون ۶۰۹
- الف - مدرسه علمیه سلطانی «مدرسه امام» ۶۰۹
- ب - مدرسه آقا بزرگ ۶۱۱
- ج - مدرسه میان چال ۶۱۲
- د- مدرسه درب پلان «مصطفویه» ۶۱۳
- ه- مدرسه رزاقیه ۶۱۴
- و - مدرسه حسینیه ۶۱۴
- ز- مدرسه و کتابخانه اعتمادی ۶۱۴
- ح- مدرسه محمد صالح بیک ۶۱۴
- ط - مدرسه حاج محمد حسین تبریزی ۶۱۵
- ی - مدرسه حاج سید مرتضی ۶۱۵
- یا □ مدرسه فاضل نراقی ۶۱۵
- یب - مدرسه علمیه آیه الله یثربی ۶۱۶
- مکتب کوثر ۶۱۶
- ۲۴- کچو منقال ۶۱۷
- ۲۵ - گلپایگان ۶۱۷
- مدارس علمیه گلپایگان ۶۲۰
- الف - مدرسه ای قدیمی ۶۲۰
- ب و ج - مدرسه کوی دروازه خوانسار و مدرسه کوی علیا ۶۲۰
- د - مدرسه مسجد حجه الإسلام ۶۲۰
- ه- مرکز فعالیتهای علمی و تبلیغی ۶۲۰
- و- مدرسه آیه الله وحید ۶۲۱
- ز- مدرسه بزرگ آیه الله العظمی گلپایگانی ۶۲۱

- ۶۲۲ ۲۶ - مَوَازِتُ
- ۶۲۲ ۲۷ - مِهْرآبَاد
- ۶۲۲ ۲۸ - نَائِن
- ۶۲۳ الف - مدرسه إمامزاده
- ۶۲۳ ب - مدرسه علمیه جعفری
- ۶۲۴ مفاخر علمی نائین
- ۶۲۵ ۲۹ - نجف آباد
- ۶۲۵ وجه نامگذاری به نام «نجف آباد»
- ۶۲۶ مفاخر علمی نجف آباد
- ۶۲۷ مدارس علمیه و کتابخانه های نجف آباد
- ۶۲۷ الف - مدرسه الخجّه
- ۶۲۸ ب - مدرسه جامعه الإمام المنتظر «عج»
- ۶۲۹ ج - مسجد مرحوم آیه الله حججی
- ۶۲۹ د - کتابخانه مسجد مرحوم آیه الله حججی
- ۶۲۹ ه - کتابخانه زهراآیه علیها السلام
- ۶۳۰ و - حوزه علمیه زهراآیه علیها السلام
- ۶۳۰ ز - حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام
- ۶۳۰ ۳۰ - نَطَّنَز
- ۶۳۲ ۱۱ - اصفهان از دیدگاه شعراء و سرایندگان بزرگ
- ۶۳۲ اشاره
- ۶۳۴ اصفهان از دیدگاه شعراء و سرایندگان بزرگ
- ۶۳۵ شهرام محمدی «آذرخش» «معاصر»
- ۶۳۹ سید عباس حسامی «احساس» «معاصر»
- ۶۴۴ مهرداد «اوستا»، علی اکبر کنی پور «مستی»، جواد «آذر»
- ۶۴۷ مرحوم استاد سید عبد الکریم امیری فیروز کوهی
- ۶۵۳ آقای شکرالله فرقدانی «بیان» «معاصر»

- ۶۵۶ پژمان بختیاری
- ۶۵۸ آقای محمود شاهرخی «جذبه» «معاصر»
- ۶۶۴ حمید سبزواری «حمید» «معاصر»
- ۶۶۶ حسین سرور اصفهانی «سرور»
- ۶۷۵ رضا صغیرا «سعید»
- ۶۸۲ محمّد «أبولقاسم» جندقیان «شفیق اصفهانی»
- ۷۰۳ مصطفی هادوی «شهر»
- ۷۰۵ محمّد علی صاعد «صاعد»
- ۷۱۳ علی شیرانی «صحت»
- ۷۳۶ مجتبی کاظم زاده «عطوفی»
- ۷۳۸ محمود عندلیب «عندلیب»
- ۷۴۲ محمّد قدسی «قدسی»
- ۷۶۸ آقای محمّد قهرمان (از مشهد مقدّس)
- ۷۷۱ آقای محمّد حسن صفوی «قیصر»
- ۷۷۳ حسن بهنیا «متین»
- ۷۸۵ محمّد علی مردانی «مردانی»
- ۷۸۹ آقای عباس کی منش «مشفق کاشانی»
- ۷۹۵ آقای جعفر «نوا» «معاصر»
- ۷۹۹ آقای محمّد کاظم «واله» ، شاعر و خوشنویس معروف اصفهان
- ۸۰۱ همای شیرازی
- ۸۰۳ ۱۲- فهرست منابع و مأخذ
- ۸۲۸ ۱۳- فهرست اعلام
- ۸۸۶ ۱۴- فهرست مطالب
- ۹۱۶ درباره مرکز

ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ جلد ۲

مشخصات کتاب

نام کتاب : ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان - جلد اول

مؤلف: میر سید حجّه موحد أبطحی موسوی اصفهانی

حروفچینی و صفحه آرائی: محبّ الزهراء علیها السلام اصفهان

لیتوگرافی و چاپ : امیر - قم

تاریخ انتشار : عید سعید غدیر خم ۱۴۱۸ قمری

ناشر : دفتر تبلیغات ألمهدی (عج) اصفهان

قیمت : ۲۰۰۰ تومان

اصفهان - حوزه علمیه - مدرسه صدر و مدرسه ذوالفقار

میر سید حجّه موحد أبطحی

ص: ۱

اشاره

نقش مساجد اصفهان

در فعالیتهای درسی و حوزه ای

ص: ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ وَعِترتهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سِيَّما بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، الْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ؛ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الآنِ إِلَى قِيامِ يَوْمِ الدِّينِ .

نقش مساجد در فعالیتهای درسی و حوزه‌های

از اولین روزهای تاریخ اسلام، مساجد، محلّ تعلیم و تعلّم، و مذاکره علمی بوده، و مسجدهای بزرگ و درجه اول اسلامی، همانند: «مسجد الحرام» و «مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و «مسجد کوفه» و ...، جایگاه تشکیل مجالس درس و بحث و تحقیق بوده، و در حوزه‌های بزرگ، در شهرهای مختلف، همانند: نجف اشرف، قم، اصفهان، مشهد و ...، برای فعالیتهای درسی و علمی، از مساجد بهره برداری شده و می شود.

در شهر و حوزه علمی اصفهان، در طول تاریخ، بسیاری از مساجد بزرگ و کوچک، جایگاه تعلیم و تعلّم و مذاکره و مباحثه علمی بوده، و ما در این بخش، تعدادی از مساجد را، مورد بحث قرار داده، و پس از معرفی اجمالی، اشاره ای به نقش آنها در زمینه فعالیت های حوزه ای می نمائیم.

و اینک با ترتیب تقریبی زمان فعالیت علمی، مساجدی را نام می بریم:

۱- مسجد جمعه (جامع)

مسجد قدیمی بسیار بزرگی است در شهر تاریخی اصفهان، در حوالی میدان کهنه، در محله بوسحاقیه، که در حال حاضر، در نزدیکی فلکه سبزه میدان (میدان قیام) و خیابان هاتف واقع گردیده است.

این مسجد عظیم و بی نظیر، که تأسیس اولیه آن به دوره ورود اسلام، به ایران و اصفهان بر می گردد، در حقیقت مجموعه ای از معماری ها و آثار هنری

دوره های بعد از اسلام تاریخ ایران است ، و یادگارهایی ارزشمند از ادوار گوناگون ایران اسلامی را در خود جای داده است ، و می توان به خوبی ، تحولات معماری دوره های اسلامی تاریخ ایران را ، در مدت هزار سال ، در آن مطالعه نمود . گنبد جنوبی و شمالی مسجد ، ایوانهای چهارگانه ، مناره های بلند و زیبا ، صحن بسیار بزرگ و باشکوه ، سردرهای متعدد و با عظمت ، چهل ستونها و شبستان های بزرگ و جالب ، غرفه ها و حجره ها ، گچ بری ها و کاشی کاری های متنوع ، خطوط زیبا و کتیبه های جالب و گوناگون ، و نیز سایر خصوصیات متعدد و متنوع این مسجد ، هر بخشی از آن ، نشانه ای از معماری و هنر دوره های سلجوقیان ، مغولها ، آل مظفر ، تیموریان ، آق قویونلوها ، صفویه ، قاجاریه و ... می باشد .

مسجد جمعه اصفهان ، در نوشته بزرگانی از دانشمندان و محققان و سیاحان قدیم ، همانند : ابن حوقل و مقدسی و مافزوخی و ناصر خسرو ، و ابن اثیر و یاقوت حموی ، مورد توجه قرار گرفته ، و باستان شناسهای بزرگی ، همانند : پرفسور پوپ (صاحب شش جلد کتاب بررسی هنرهای ایران) و آقای گمدار (صاحب مجموعه ای در چند جلد تحت عنوان آثار ایران) و ... ، تحقیقات بسیار گسترده ای را در مورد این مجموعه بی نظیر انجام داده ، و عرضه نموده اند ، و در کتابهای ارزشمندی ، همانند : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (اثر دکتر لطف الله هنرفر) و آثار ملی اصفهان (اثر رفیعی مهرآبادی) و دیگر کتابهای تاریخ و جغرافیای اصفهان ، بخش بسیار وسیعی ، به معرفی خصوصیات و مزایای گوناگون این مسجد ، اختصاص یافته است .

به عنوان نمونه ، یک جمله کوتاه و گویا و ارزشمند ، از پرفسور پوپ ، ایران

شناس مشهور ، دربارهٔ این مسجد عظیم نقل مینمائیم ، او چنین نوشته است (۱)

این بنا، با عظمت خاموش و جدی و اسرار آمیزش

یکی از زیباترین آثار معماری جهان است

مسجد جامع مرکز تعلیم و تربیت اسلامی

از زمانهای قدیم ، مسجد جامع محل تعلیم و تربیت دینی در اصفهان بوده ، تا آنجا که مافروخی اصفهانی (که از علماء بزرگ اصفهان در قرن پنجم بوده) در کتاب محاسن اصفهان ، چنین توضیح داده است : برای هر نماز ، کمتر از پنج هزار نفر در آن اجتماع نمیکند ، پهلوی هر ستونی از مسجد ، استادی (شیخی) قرار دارد ، که جماعتی از طالبین علم ، گرد او را گرفته ، به وظیفهٔ درس و ریاضت نفس ، اشتغال دارند . آراستگی این محل ، به واسطهٔ مناظرهٔ فقهاء ، و مباحثهٔ علماء و مجادلهٔ متکلمین و پند دادن واعظ ها، و ... ، است ... ، در برابر این مسجد ، کتابخانه ای با حجرات و مخزن کتاب وجود دارد، که استاد و رئیس ، أبوالعیناس ، أحمد ضبّی آن را ساخته ، و او کتب مربوط به همه گونه از علوم و دانشها را که به مرور ایام ، فضلا و ادباء سابق انتخاب کرده اند ، در این کتابخانه جمع نموده است ، و فهرست این کتابخانه مشتمل بر سه جلد بزرگ است ، که در برگیرنده کتابهایی در تفسیر قرآن و حدیث و علم نحو و صرف و لغت و شعر و ادب و تاریخ و منطق و ریاضیات و طبیعیات و الهیات و سایر علوم و دانشها می باشد (۲).

در این مرکز علمی ، دانشمندان و بزرگان ، همانند : حمزه اصفهانی و أبوعلی

ص: ۷

۱- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۱۰۶

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۴ و ۸۵

مسکویه و حافظ ابونعیم اصفهانی و اسماعیل (صاحب) ابن عبّاد، و ابوعبدالله معصومی و مفضل بن سعد مافزوخی اصفهانی و ... ، فعالیت علمی داشته اند (۱) و از مفاخر علمی این مسجد تاریخی، به شمار می روند.

صفه صاحب، محل تدریس صاحب بن عبّاد

در مسجد جمعه (جامع) اصفهان، آثاری از دوره دیالمه مشاهده می شود، و ایوان جنوبی مسجد، هنوز به نام صفه صاحب معروف است، و معلوم می شود که صاحب، اسمعیل بن عبّاد (چهره برجسته شیعه) در بنائی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته، به تدریس می پرداخته است (۲).

مسجد جامع و فعالیت های درسی علامه مجلسی و اجداد او

جدّ مادری علامه مجلسی (کمال الدّین درویش محمد اصفهانی (۳)) در صفه درویش، درس حدیث میگفته است، و علامه، ملاّ محمّد تقی مجلسی، در چهلستون مسجد، در زاویه جنوب غربی مسجد جامع تدریس می نموده، و علامه ملاّ محمّد باقر مجلسی، به جای پدر خود تدریس می کرده، و لذا در زبان مردم، این قسمت، به عنوان مدرّس مجلسی نامیده میشود. در آیام زمستان که هوا سرد بوده، روزهای آفتابی در صفه درویش (محل تدریس کمال الدّین

ص: ۸

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۳۴ و ۳۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۳

۳- ملاّ محمد تقی مجلسی، این بزرگمرد را با عنوان «شیخ الفقهاء و المحدثین، در زمان خودش» یاد کرده، و علامه مجلسی، او را این گونه مورد ستایش قرار داده: نخستین دانشمندی که حدیث شیعه را در زمان دولت صفویه، در اصفهان نشر داد. به کتاب (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحات ۱۸ و ۱۹) مراجعه شود

درویش محمد) و در مواقع برف و باران، در شبستانِ چراغی مسجد، معروف به طینی، تدریس می فرموده است (۱).

در دوره ملا محمد تقی مجلسی، در هر گوشه ای از مسجد جامع، حوزه درسی و جلسه مذاکره مباحث علمی، منعقد بوده است (۲).

رونق علمی مسجد جامع در زمان علامه مجلسی

عظمت و گسترش میدان فعالیت علمی علامه، ملا محمد باقر مجلسی، از یک طرف، و منصب های رسمی آن بزرگمرد در زمان خود، از قبیل منصب شیخ الاسلامی، منصب امامت جمعه و...، از طرف دیگر، و خلق و خوی ارزشمند آن پیشوای عالیقدر، از دیگر سوی، سبب شد که از شهرهای دور و نزدیک، مهاجرت علماء و طلاب علوم دینی، به سوی اصفهان انجام گیرد، و خانه علامه مجلسی و مدرس او (در مسجد جامع) و کتابخانه پربرکت آن بزرگمرد، کعبه آمال طالبان علم و تحقیق گردد، و حوزه درسی علامه مجلسی، جمعیت انبوهی از طلاب و علماء و فضلاء را در بر گیرد، تا جائی که دو نفر از بزرگان شاگردان علامه مجلسی، یعنی: میرزا عبدالله أفندی (صاحب ریاض العلماء) و سید نعمت الله جزائری، که هر دو از مفاخر شیعه و حوزه علمیه اصفهان، و از میزین شاگردان علامه مجلسی بوده اند، تعداد شاگردان علامه مجلسی را متجاوز از یکهزار نفر نوشته اند (۳) و این سخن نشانه رونق بسیار و جالب توجه، برای حوزه درسی علامه مجلسی می باشد.

ص: ۹

۱- زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۸۵ و علامه مجلسی، بزرگمرد علم و دین، ص ۲۰۹

۲- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۲، صفحه ۳۸۲

۳- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۲، صفحه ۳

نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق را، شخصی به نام أبو الحسن بن معز الدین محمد قهجاورستانی، در تاریخ ششم رجب ۱۰۶۰، در مسجد جامع قدیم اصفهان نوشته است، و همین کتاب را کاتب یاد شده، در نزد ملا محمد تقی مجلسی خوانده، و تصحیح نموده است، و دستخط مرحوم مجلسی (ملا محمد تقی) در زمینه تأیید تصحیح و قرائت کتاب یاد شده، در آخر جزء چهارم کتاب، مرقوم شده است، نسخه یاد شده، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می باشد (۱).

۲- مسجد جامع جورجیر از آثار صاحب بن عباد

(۲)

مفضل بن سعد (مافزوخی اصفهانی) که از علماء بزرگ قرن پنجم هجری می باشد، در کتاب محاسن اصفهان، دو جامع بزرگ را مورد معرفی قرار داده، یکی جامع بزرگ عتیق (مسجد جامع مشهور) دوم جامع جدید کوچک، مشهور به جورجیر، که این دومی را، کافی الکفاه، صاحب بن عباد ساخته است، و از نظر استحکام و صلابت، برتری دارد بر جامع عتیق.

... قَدْ أُوتِيَ فَضْلاً عَلَى الْجَامِعِ الْأَكْبَرِ، فِي صِيْلَابِهِ الْأَطْيَانِ وَ ارْتِفَاعِ الْمَكَانِ وَ اسْتِحْكَامِ الْبُنْيَانِ، وَ الْمَنَارَةِ الَّتِي أَجْمَعَ الْمُهَنْدِسُونَ عَلَى أَنَّهُ لَمْ يُبْنَ فِي الْعَالَمِ أَرْشَقُ مِنْهَا قَدْماً وَ أتمَّ مَدّاً وَ أَدَقُّ عَمَلاً وَ أَحْكَمُ تَفْضِيلاً وَ جَمَلاً ... إِرْتِفَاعُهَا مِائَةٌ ذِرَاعٍ وَ سَطْحُهَا

ص: ۱۰

۱- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۱۹۱

۲- یاقوت حموی، در معجم البلدان چنین آورده است: محله یا اصفهان و بها جامع غرف بها و کان بها جماعه من الائه قدیما و حدیثا، که از این جمله استفاده می شود، محله جورجیر، محل زندگی علماء و بزرگان دینی بوده است

بَاعَ فِي بَاعٍ . وَ فِي كَلِّ مَا عَدَّدْتُهُ وَ سَيَّرَدْتُهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَ الْخَانِكَاهَاتِ وَ دَارِ الْكُتُبِ ، لِلْفُقَهَاءِ مِدَارِسُ ، وَ لِلْأَدْبَاءِ مَجَالِسُ ، وَ لِلشُّعْرَاءِ مَوَاسِمُ وَ مَآئِسُ وَ ... (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مافزوحی ، این مسجد را از نظر استحکام و آرزشمندی و بلندی مناره (یکصد ذراع = تقریباً پنجاه متر) بر مسجد جامع کبیر ترجیح داده ، و سپس فعالیت های عمرانی اصفهان را ، در زمینه تأسیس مساجد و مدارس و کتابخانه ها و ... معرفی نموده ، و توجه اصفهانیها را ، به تأسیس پایگاههای علمی و تشکیل مجالس ادبی ، برای علماء و أدباء و شعراء و ... روشن ساخته ، و طبیعتاً ، مسجد جامع جورجیر نیز ، در مسیر همان سیاست کلی بوده ، و میدانی برای فعالیت علمی و دینی به شمار می رفته است .

مسجد جامع جورجیر ، در حوادث تاریخی از بین رفته ، و به جای آن مسجد حکیم (که از مساجد جامع و تاریخی اصفهان می باشد) ساخته شده است ، و تنها سردری از مسجد جامع جورجیر باقی مانده ، که از آثار تاریخی نیمه دوّم قرن چهارم هجری (دوره وزارت اسمعیل بن عبّاد) به شمار می رود (۲).

۳- مسجد جامع عباسی « مسجد امام »

مهمترین مسجد دوره صفویّه ، در شهر اصفهان ، از جهت عظمت معماری و وسعت و ظرافت کاشی کاری و تزئینات حیرت انگیز ، مسجد جامع عباسی میباشد ، که با نام مسجد شاه شهرت یافته ، و اخیراً (پس از انقلاب اسلامی) به نام « مسجد امام » نامیده میشود .

این مسجد در سال ۱۰۲۰ هجری به فرمان شاه عباس اول (کبیر) در طرف

ص: ۱۱

۱- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۰ الی ۴۳

جنوب میدان عظیم نقش جهان، شروع به تأسیس گردیده، و در سال ۱۰۲۵ به منظور تکمیل آرایش میدان، سردر آن تکمیل شده، و سپس ساختمان و تزیین سایر قسمت‌های مسجد، تا آخر عمر او (شاه عباس) و سپس تا سال ۱۰۷۷ ادامه یافته است (۱). بهترین مهندس‌ها و معمارها و استادکارها، و نیز هنرمندان کاشیکار و خطاط، و هم چنین کارشناسان خیره در شناخت سنگها و مصالح ساختمانی، در تأسیس این مسجد به کار گرفته شدند، و از عجائب و غرائب قضیه ساختن مسجد، پیدا شدن معدن سنگ مرمر در حوالی اصفهان بوده، که در هیچ زمان، کسی از آن نشان نیافته بوده است (۲) و آن سنگهای بینظیر، در تزیین مسجد، مورد استفاده قرار داده شده است.

سردر ورودی مسجد، که در جنوب میدان شاه (میدان امام) واقع شده، از شکوه و زیبایی خیره کننده‌ای برخوردار است، و معماران ماهر، توانسته‌اند به شکل استادانه‌ای، انحرافی را که از خط جنوب و شمال (حالت میدان) به خط قبله (حالت ساخت مسجد و قبله آن) وجود دارد، در دالان مسجد تعبیه کنند، به طوری که در اولین برخورد، تازه واردها احساس انحراف نمی‌نمایند

گنبد زیبا و با عظمت مسجد، از سطح زمین ۵۴ متر ارتفاع دارد، و بلندی دو مناره ایوان داخلی مسجد، هر کدام ۵۲ متر، و ارتفاع دو مناره سردر مسجد، هر کدام ۴۸ متر می‌باشد (۳). زیر گنبد عظیم و باشکوه مسجد، حالت انعکاس

ص: ۱۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۲۷

۲- عالم آرای عباسی، جلد دوم، صفحه ۸۳۱

۳- فرهنگ معین، جلد ۶، صفحه ۱۹۷۱، ولی در کتاب اصفهان و نیز گنجینه آثار تاریخی اصفهان، نوشته دکتر هنرفر، ارتفاع مناره‌های داخل مسجد ۴۸ متر، و ارتفاع مناره‌های سردر مسجد، ۴۲ متر، ذکر گردیده است

صوت وجود دارد، به نحوی که با زدنِ ضربه، در مرکز گنبد، صدا به خوبی منعکس می شود، و در زبان مردم (گنبد هفت صدا) گفته میشود. صفت جلوی گنبد به ارتفاع ۳۰/۵ متر و به طول ۱۸ متر می باشد. در طرف جنوب غربی مسجد، مدرسه سلیمائیه، و در جنوب شرقی مسجد، مدرسه ناصریه تأسیس شده، که هر دو، جزء مجموعه ساختمان مسجد می باشد، و بر شکوه و اهمیت مسجد افزوده است. مساحت مسجد، از شرق به غرب، ۱۴۶ متر و از شمال به جنوب، ۸۴ متر، و مساحت صحن، ۷۱/۵×۵۴/۵ متر می باشد (۱).

تأسیس جامع جدید، بر مبنای فعالیت علمی

در وقفنامه ای که برای جامع جدید عباسی (مسجد شاه) زیر نظر نابغه دوران، و افتخار عالم تشیع، مرحوم شیخ بهائی اعلی الله مقامه، در تاریخ شعبان ۱۰۲۳ تنظیم شده است، بخشی به وظایف مدرّسین و طلاب جامع عباسی، و حقوق آنها اختصاص داده شده، و شمار مدرّسین یازده نفر تعیین شده اند، که موظّفند به جز دو روز در هفته، تمام روزها مرتّباً به تدریس در مسجد، اشتغال داشته باشند. در آن وقفنامه، عده ای از مدرّسین که شخصاً نامشان ذکر شده است، بدین قرار میباشند: ۱- عالم ربّانی، و فاضل موقّح صمدانی، آقا میرزا اسمعیل خاتون آبادی ۲- ملاّ- محمّد تقی طبسی ۳- ملاّ محمّد حسین بروجردی ۴- ملاّ محمّد حسین گیلانی ۵- میر محمّد صالح ۶- صوفی رمضان ۷- ملاّ محمّد ولد آقا حسین ۸- ملاّ محمّد علی سمنانی ۹- ملاّ محمّد رحیم یزدی ۱۰- ملاّ محمّد حسین گیلانی، و همچنین برای طلبه ساکن حجرات مسجد جامع عباسی، حقوقی قرار داده شده، که روزانه دریافت دارند، و تعداد طلاب، ۳۷ نفر تعیین

ص: ۱۳

شده اند، که کلّ حجرات دائر باشد، و هیچگاه حجره ای تعطیل نگردد (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید، پایه گذاری این مسجد و مرکز دینی، با راهنمایی مرحوم شیخ بهائی قدس سرّه، بر مبنای فعالیت علمی و حوزه ای انجام شده، و در طبیعت این پایگاه بزرگ دینی، فعالیت علمی و عبادی، رابطه تنگاتنگ یافته است.

چهره هائی از مدرّسین مسجد جامع عباسی

علاوه بر شخصیت‌های یاد شده، در موقوفه جامع عباسی، بسیاری از علماء و مدرّسین عالیقدر در این مسجد به افاضه علمی اشتغال یافته اند، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱- میر محمد اسمعیل خاتون آبادی، متوفای ۱۱۱۶ (۲)، که به احترام او تکیه و بقعه خاتون آبادیها تأسیس شده، و خود، عالمی بزرگ و صاحب تفسیر قرآن در چهارده جلد میباشد، و از مفاخر مدرّسین جامع عباسی است (۳).

جمعی از خاندان خاتون آبادی، از مدرّسین جامع عباسی بوده اند.

۲- حاج اسمعیل اصفهانی خاتون آبادی، از علماء نیمه اول قرن دوازدهم، که عالمی بسیار محقق و مدقق بوده، و مباحث مشکل شفای بوعلی سینا را، در جامع عباسی تدریس می کرده، و از نظر شخصیت روحی و معنوی و اجتماعی

ص: ۱۴

۱- رونوشت وقفنامه مفصل مسجد جامع عباسی، در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، از صفحه ۵۰ تا ۶۲ نقل گردیده است
۲- این بزرگمرد، غیر از آقا میرزا اسمعیل خاتون آبادی نامبرده شده در وقفنامه می باشد، که از علمای نیمه اول قرن یازدهم بوده است

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۹۱

مورد توجه بوده است (۱).

۳ و ۴ - میر محمد رضا بن میرزا أبو القاسم مدرّس ، متوفای ۱۲۳۸ ، و فرزند او میر محمد صادق ، متوفای ۱۲۷۱ ، که صاحب تألیف بوده ، و هر دو از مدرّسین جامع عبّاسی بوده اند (۲).

۵- فقیه اصولی و مرجع نامدار ، آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم ، به نام هدایه المسترشدین) متوفای ۱۲۴۸ ، که از چهره های برجسته علمی قرن سیزدهم در اصفهان بوده ، و در حوزه درسی عظیم و مشهور او ، در مسجد شاه (جامع عبّاسی) چند صد نفر شرکت می جستند ، که عده ای از آنها دارای شخصیت علمی و مقام اجتهاد بوده اند .

۶- فقیه مجتهد و مرجع متنفذ ، مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی ، فرزند ، آقا شیخ محمد تقی رازی ، و متوفای ۱۳۰۱ قمری ، که از شاگردان شیخ أنصاری بوده و فرزندان عالم و مجتهد و برجسته تربیت نموده ، و حوزه درسی او ، محلّ پرورش علماء و مجتهدین بزرگ بوده ، و از مفاخر مسجد جامع عبّاسی (مسجد شاه) به شمار می رود .

۷- فقیه و پیشوای عالیقدر ، مرحوم آقا شیخ محمد تقی ، معروف به آقا نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری ، و فرزند مرحوم آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی ، که حوزه درسی مهمی در جامع عبّاسی داشته است (۳) .

ص: ۱۵

۱- أعيان الشیعه ، چاپ قدیم ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۸۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۱-۹۲

۳- در باره شخصیت علمی و آثار آقا شیخ محمد تقی رازی ، و آقا شیخ محمد باقر نجفی ، و آقا شیخ محمد تقی نجفی ، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) « خاندان مسجد شاهی » و نیز بخش (بقعه های علمی و تخت فولاد) بحث و بررسی داریم

علاوه بر یادشدگان، بسیاری از علماء و مدرّسین بزرگوار، در طول زمان، حوزه های درسی بزرگ و کوچکی، در این مسجد تشکیل می داده اند، و طلاب حوزه علمیه، با درس و بحث خود، عامل شکوه این پایگاه علمی - عبادی، بوده اند.

مسجد شاه «مسجد امام» منظور، مسجد جامع عباسی میباشد، به عنوان یاد شده، مراجعه شود

۴- مسجد شیخ لطف الله

مسجدی است در جانب شرقی میدان بزرگ نقش جهان، و این مسجد یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان است، که هر بیننده ای را خیره میکند، و نسبت به هنرمندانی که در انجام آن دخالت داشته اند، به تحسین و إعجاب وامی دارد. کاشی کاری های معرّق داخل و خارج گنبد شکوهمند آن، و کتیبه های تحسین برانگیز آن، که مقدری به خطّ علیرضا عباسی (خطّاط نامدار زمان صفویّه) می باشد، از نظر ظرافت و دقّت و حسن سلیقه، کمتر نظیر دارد، و در مجموع، از شاهکارهای بزرگ ایران در نیمه اول قرن یازدهم هجری میباشد.

پرفسور پوپ، که چهره ای مبرز در آشنائی با ایران و آثار معماری و هنری آن می باشد، راجع به عظمت معماری و نفاست تزئینات مسجد شیخ لطف الله، چنین نوشته است: مسجدی که در سمت مشرق میدان شاه، و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار دارد، یکی از شاهکارهای بی نظیر معماری است، که در سراسر آسیا خود نمائی میکند. این مسجد زیبا، که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می درخشد «مسجد شیخ لطف الله» نام دارد. در

حقیقت میدان بزرگی که قصر باشکوه عالی قاپو، در یک طرف آن قرار دارد، به چنین گوهر گرانبهائی در برابر خود احتیاج داشت، و شاید همین نکته، شاه عباس را بر آن داشت، تا با ساختن این بنا، که به سختی می توان آن را محصول دست بشر دانست، زیبایی میدان را به کمال رساند.

زیبائی کاشی کاری این مسجد (اعم از کاشی های معرق یا کاشیهای هفت رنگ) در نوع خود بی نظیر می باشد ... ، روشنائی داخل این مسجد نیز قابل توجه است، در اطراف گنبد به فواصل منظم، روزنه هائی در قطر گنبد تعبیه شده، که به وسیله پنجره های گچ بری، از داخل و خارج مسدود می شود، این گچ بریها عبارتند از: طرحهای منظمی که به نسبت مساوی، فضای خالی در میان آنها وجود دارد، مجموع نورهائی که از این پنجره ها به داخل می تابد، زیبایی آسمانی و خیال پروری، به تزیینات کلی صحن (۱) می بخشد. کوچکترین نقطه ضعفی، در این بنا دیده نمی شود، اندازه ها بسیار مناسب، نقشه و طرح بسیار قوی و زیبا. به طور خلاصه، توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان، و یک سکوت و آرامش باشکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی بوده، و منبعی

جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی تواند داشته باشد (۲) و نیز پرفسور پوپ، در یکی از کنفرانس هایش اظهار داشت: ذوق ایرانی سبب شده، که شکلی مافوق تمام اشکال هندسی، اختراع شود

ص: ۱۷

۱- منظور، صحن زیر گنبد است، وگرنه مسجد شیخ لطف الله، صحن ندارد

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۱۰ ۴۱۱ به نقل از بررسی هنرهای ایران تألیف پرفسور پوپ

و آن شکل گنبد مسجد شیخ لطف الله است ، که با هیچ یک از اشکال هندسی ، منطبق نیست ، و در همین حال ، ذوق سلیم آن را یکی از بهترین اشکال میدانند ، و از دیدن آن لذت می برد ، و در عظمت آن دچار شگفتی می گردد ، و انسان در مقابل این صنعت عظیم ،

سر تعظیم و احترام ، فرود می آورد (۱)

و در کتاب تاریخچهٔ ابنیهٔ تاریخی اصفهان ، در ضمن تشریحی مفصل از مسجد شیخ لطف الله می نویسد : شبستان مسجد از زیباترین و گرانبهارترین بناهاست ، که به محض ورود ، بیننده را مبهوت ، و خواه و ناخواه ، زبان به تحسین بانی و سازنده می‌گشاید ، و از تلؤلؤ و روشنائی و وضع ساختمان

کاشی های معرق آن ، آفرین می گوید ،

تناسب ساختمان ، قدرت فن معماری ، و قشنگی و متجانس بودن مصالح شخص را به عظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته و مات و مبهوت می شود ... محراب این مسجد که از اول ورود ، جلب توجه می نماید یکپارچه جواهری است که آن را زیباترین محرابها می توان شمرد (۲)

بلندی گنبد تا زیر سقف ، ۳۲ متر است ، و روشنائی داخل شبستان ، از پنجره های ۱۶ گانه معرق و مشبک میباشد ، و نور از هر طرف که می تابد ، جلوه خاصی به کاشی های صحن میدهد . در زیر این صحن عالی مربع شکل (۲۴ × ۲۴ متر) شبستان زیر زمینی ، روی ۴ ستون منشوری شکل قطور قرار

ص: ۱۸

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۶۹۴

۲- آثار ملی اصفهان صفحه ۶۹۹-۷۰۰ به نقل از تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان

دارد، که از پنجره های اطراف ، روشنائی به داخل می رسد ، و در زمستان برای آدای فریضه به کار می رود .

گنبد مسجد، یک پوش ، و محیطش ۷۰ متر و ارتفاعش از سطح زمین ۴۲ متر است ، و نقش و نگار کاشی های خارج گنبد ، بی اندازه زیبا و مطبوع و دلپذیر است . میله طلائین روی گنبد به ارتفاع ۳ متر ، و دارای سه گو (گوی) می باشد ، که بزرگترین آنها ، محیطش دو متر می باشد (۱). سردر مسجد باشکوه می باشد ، و کاشی کاری بسیار ریز و ظریف دارد .

ساختمان مسجد شیخ لطف الله ، در اوائل قرن یازدهم هجری شروع گردیده ، و سردر باشکوه و زیبای آن (طبق کتیبه کاشی کاری) در سال ۱۰۱۲ هجری به پایان رسیده ، و پایان ساختمان و کاشی کاریها و تزئینات مسجد ، در سال ۱۰۲۸ هجری بوده ، چنانچه در دو لوحه در محراب کاشیکاری معرق بی نظیر مسجد نوشته شده است: « عمل فقیر حقیر ، محتاج به رحمت خدا ، محمد رضا بن استاد حسین بناء اصفهانی ۱۰۲۸ (۲) .

کتیبه های مسجد در بخشهای مختلف ، در برگیرنده آیات قرآنی و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام و أسماء مبارکه ، و اشعاری است که گویای اندیشه و افکار دست اندرکاران بنای این مسجد عظیم می باشد ، مثلاً ، کتیبه های دو ضلع شرقی و غربی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله ، شامل اشعاری است به زبان عربی ، مشتمل بر اسامی چهارده معصوم علیهم السلام ، و گوینده این اشعار ، نابغه دوران ، و افتخار عالم تشیع ، و آبروی ایران و اصفهان ، شیخ محمد بن حسین

ص: ۱۹

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۰۷۰۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۰۴۰۲

بن عبد الصّمد عاملی ، معروف به « شیخ بهائی » می باشد (۱)،

و أشعار یاد شده چنین است :

إلهم بِحَقِّ نَبِيِّ الْأَنَامِ

شَفِيعِ الذُّنُوبِ بِيَوْمِ الْقِيَامِ

إلهم ، إلهي بِنَفْسِ الرَّسُولِ (۲)

قَسِيمِ الْجِنَانِ وَزَوْجِ الْبُتُولِ

إلهي بِحَقِّ الزَّكِيِّ الْحَسَنِ

بِحَقِّ الْحُسَيْنِ أَسِيرِ الْمِحْنِ

إلهي ، إلهي بِزَيْنِ الْعِبَادِ

وَ بِالْبَاقِرِ الطُّهْرِ كَرِّ الرَّشَادِ

إلهي وَ بِالصَّادِقِ الْمُقْتَدَى

وَ بِالْكَاطِمِ الْغَيْظِ ، بَحْرِ النَّدَا

إلهي بِحَقِّ الْأَمَامِ الْمُبِينِ

عَلِيِّ الرِّضَا، قَبْلَهُ الطَّالِبِينَ

إلهم ، إلهي بِحَقِّ التَّقَى

إلهي ، إلهي بِجَاهِ التَّقَى

إلهي وَ بِالْعَسْكَرِيِّ الْحَسَنِ

إلهي وَ بِالْقَائِمِ الْمُؤْتَمِنِ

تَلَطَّفْ بِعَفْوِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

على هائمٍ في مهاوي الضلالِ بهائِيكَ المذنبِ المُستَهامِ

غَرِيقٍ بِحَارِ الْخَطَايَا الْعِظَامِ
وَ أَعْتَقَهُ يَارَبِّ يَوْمِ الْوُرُودِ
عَلَيْكَ مِنَ النَّارِ دَابَّ الْوُدُودِ
وَ يَسِّرْ لَهُ أَمْرٍ عَسِيرٍ
فَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَلِيرٌ

و دنبال اشعار یاد شده ، حدیث لوح فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام نوشته شده است ، بدین شکل

عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ ، فِيهَا أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا ، فَعَدَّدْتُ إِثْنَيْ عَشَرَ ، أَحَدَهُمْ الْقَائِمُ ، ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ ، وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

ص: ۲۰

۱- شیخ بهائی ، أصلاً از جبل عامل (جنوب لبنان) می باشد ، ولی درخشیدن و تجلی آثار و برکات علمی و معنوی او ، در ایران و اصفهان بوده ، و افکار بی نظیر و أنفاس قدسی او ، در جهت دادن به شاه عباس کبیر ، و تحقق اقدامات سازنده و مثبت ، برای مکتب مقدس أهل البيت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ، و عمران و آبادی اصفهان ، و تأسیس مراکز بزرگ دینی و علمی ، نقش اساسی داشته است

۲- مراد از نفس رسول الله صلی الله علیه وآله ، وجود مقدس امیر المؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام می باشد

و در دو کتیبه شمالی و جنوبی داخل مسجد شیخ لطف الله ، این اشعار ثبت

شده است :

إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ

حَبِيبِكَ طه ، شَافِعِ الْعَرَصَاتِ

بِحَقِّ عَلِيٍّ نَفْسِهِ وَ وَصِيِّهِ

أَبِي وَوَلَدِهِ وَ الصَّهْرِ ذِي الْحَسَرَاتِ

وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ قَرَّةِ عَيْنِهِ

مُجَسِّمَةِ الْأَخْزَانِ وَ الْعَبْرَاتِ

وَ مَسْمُومِ أَوْلَادِ الزَّيْنِ، الْحَسَنِ الَّذِي

رَمَى الْكَبَدَ الْحَرِيَّ جَفَاءً قَطَعَاتِ

وَ مَقْتُولِ أَوْلَادِ الْبَغَايَا بِكَرْبَلَا

الْحُسَيْنِ شَهِيدِ اللَّهِ فِي الْفَلَوَاتِ

وَ زَيْنِ عِبَادِ اللَّهِ ، ذِي الْحُزْنِ وَ الْبُكَاءِ

عَلِيٍّ أَبِي الْأَوْصَابِ (1) وَ الزَّرْفَاتِ

وَ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ مُحَمَّدٍ

شَبِيهِ رَسُولِ اللَّهِ ذِي الدَّرَجَاتِ

وَ مَظْهَرِ دِينِ الصِّدْقِ وَ الْحَقِّ جَعْفَرٍ

وَ مَظْهَرِهِ فِي الْجَهْرِ وَ الْخَلَوَاتِ

وَ مُوسَى شَهِيدِ الْأَشْقِيَاءِ وَ نَجَلِهِ

عَلِيٍّ الرِّضَا الْمَسْمُومِ فِي الْعِنَبَاتِ

١- وصب : بیماری ، لاغری اندام

وَمَعْدِنِ تَقْوَى اللَّهِ الْجَوَادِ وَإِنَّهُ

مُحَمَّدٍ الْمَجْبُورِ (۱) بِالنِّعَمَاتِ

وَ هَادِي الْوَرَى نَجْلِ التَّقِي مَعْدِنِ النَّقِي

عَلِيَّ خَفِيرِ (۲) الْخَلْقِ فِي الْقَفَرَاتِ

وَ بِالْحَسَنِ الْأَصْلِ الْأَصِيلِ بَعَشَكِرِ

أَبِي الْعِزِّ وَالْخَيْرَاتِ وَالْبَرَكَاتِ

بِصَاحِبِ هَذَا الْعَصْرِ أَغْنَى مُحَمَّدٍ

أَيَّ الْخَاتَمِ الثَّانِي لِخَيْرِ وُصَاتِ

أَنْلَنْدَ ، أَنْلَنْدَ بَعْثِي بَوْلَائِهِمْ

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الصَّلَوَاتِ

وَشَفِّعُهُمْ فِي عَبْدِ عَبْدِ عَبِيدِهِمْ

عُبَيْدِكَ (لُطْفِ اللَّهِ) فِي الْعَرَصَاتِ

وَبِالْبَاقِرِ الْبَنَاءِ كَاتِبِ هَذِهِ

الْحُرُوفِ وَقَاهُ الْبَارِي ء (۳) الْعَثَرَاتِ أشعار فوق که از شیخ لطف الله است ، همانند أشعار شیخ بهائی ، توصل و التجائی است خاضعانه ، به ذیل عنایت چهارده معصوم علیهم السَّلام ، و همین روحیه بلند معنوی و استمداد از أَلطاف غیبیه الهیه ، و استعانت از روح مقدس معصومین علیهم السَّلام است ، که مسجد شیخ لطف الله را به شکلی در آورده است که

ص: ۲۲

۱- محبور : خوشحال شده

۲- خفیر : نگهبان ، پناه دهنده

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۱۳ - ۴۱۵ در بعضی از کلمات اشعار یاد شده ، جای تأمل وجود دارد ، و نیازمند به تحقیق می باشد

پرفسور پوپ درباره آن می گوید:

توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان، و یک سکوت و آرامش باشکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی بوده، و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی،

نمی تواند داشته باشد و نیز پرفسور پوپ در اظهار نظر دیگری می نویسد: به سختی می توان آن را (مسجد شیخ لطف الله) محصول دست بشر دانست. و صاحب نظر دیگری می نویسد:

تناسب ساختمان، قدرت فن معماری و قشنگی و متجانس بودن مصالح، شخص را به عظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته و مات و مبهوت می شود

وجه نامگذاری مسجد

علت نامگذاری این مسجد باشکوه و عظمت، این است که فقیه و محقق عظیم الشان، شیخ لطف الله میسی عاملی، متوفای ۱۰۳۲ هجری، که چهره ای درخشان در حوزه اصفهان بوده، و از خاندان علمی مهمی در جنوب لبنان (جبل عامل) برخاسته، در این مسجد امامت جماعت مینموده، و در مدرسه عظیم مجاور آن، یعنی مدرسه خواجه ملک، تدریس و زعامت داشته است، و بانی مسجد (شاه عباس کبیر) از ابتداء تأسیس، تصمیم داشته است که آن بزرگمرد، پیشوائی و امامت مسجد را بر عهده داشته باشد.

ارتباط مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک

هم چنانکه در بخش (مدارس علمیه قبل از صفویه «مدرسه خواجه ملک»)

توضیح داده ایم، وسعت و گستردگی صحن مدرسه خواجه ملک، تا آنجا بوده، که به خاطر آن، در هنگامی که مسجد شیخ لطف الله را تأسیس می نمایند، صحنی برایش در نظر نمی گیرند، و صحن مدرسه خواجه ملک را، جانشین صحن جداگانه برای مسجد قرار می دهند، و بدین وسیله، رابطه تنگاتنگی بین مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک برقرار بوده، و در جنبه های عبادی و علمی، مکمل یکدیگر بوده اند.

۵- مسجد لبنان

لبنان، از محلات بسیار قدیمی اصفهان است، و نام او در کتاب محاسن اصفهان (از مافزوحی اصفهانی، از علماء قرن پنجم هجری) به دفعات ذکر شده است. مسجد این محله، متعلق به دوره های اولیة اسلامی می باشد، و مترجم محاسن اصفهان (حسین بن محمد بن ابی الرضا علوی آوی (۱)) از مسجد و عمارتی توصیف می نماید که یکی از ارکان اصفهان، به نام محمد دیلم دستجردی اصفهانی، در قرن هشتم هجری ساخته، و مترجم کتاب یاد شده، در بنیان گذاری آن ساختمان، حضور داشته است (۲). • مسجد یاد شده، در زمان صفویه، تعمیر اساسی گردیده، و کتیبه ای به قلم محمد رضا امامی اصفهانی، در سال ۱۰۸۰، به صورت کاشی کاری، در آن نصب گردیده است (۳).

ص: ۲۴

۱- نام مترجم محاسن اصفهان را در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و مقدمه طبقات المحدثین یا صبهان، جلد ۱، صفحه ۴۹، به شکل بالا ذکر نموده اند، ولی محقق بزرگوار، آقای سید جلال الدین حسینی طهرانی، در مقدمه محاسن اصفهان، نام مترجم را، محمد بن عبد الرضا حسینی علوی، ذکر نموده است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۲۶

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۲۳

این مسجد، مورد توجه مردم با ایمان می باشد، و از نظر معنوی، اعتقادی راسخ نسبت به آن دارند، و حوائج خود را در عریضه ای مینویسند و به نهر آبی که از این مسجد میگذرد، می اندازند، و چنین شهرت دارد که، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، در این مسجد نماز گذارده اند (۱) و علامه، ملا محمد تقی مجلسی، شرح تشریف فرمائی آن حضرت را به اصفهان، در شرح فارسی من لا یحضره الفقیه، باب الخمس، صفحه ۴۴، نقل فرموده، و در روضه المتقین نیز، به نحو مختصر بیان نموده، و نماز خواندن امام مجتبی علیه السلام را در این مسجد، ذکر نموده است (۲). منبر مسجد لبنان، معروف به منبر صاحب الزمان (عج) است، و در تاریخ ۱۱۱۴ ساخته شده، و از نفیس ترین منبرهای عهد صفویه به شمار می رود، و در لوحه هائی در دو طرف آن، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام، کنده شده است (۳).

فَعَالِیَّتِ عِلْمِیِ دَر مَسْجِدِ لَبْنَانِ

مسجد لبنان، از دیر زمانی محلّ فعالیت درسی بوده، و علماء بزرگی همانند: مولی حسین لبنانی گیلانی، متوفای ۱۱۲۹، که فقیهی زاهد و صاحب تألیفات بوده، در این مسجد امامت و تدریس داشته است (۴)، و هم چنین عدّه ای از خاندان علمی سادات بهشتی، همانند: میرزا محمد صادق بن میر

ص: ۲۵

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و آثار ملی اصفهان

۲- به بخش (فرازهای درخشان از نشانه ها و ریشه های تشیع در اصفهان « ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان ») در همین کتاب مراجعه فرمائید

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۲۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۸

عبد الباقي بن مير محمد رضا حسيني بهشتي ، متوفای ۱۳۰۸ قمری ، که از علماء زاهد و دارای شخصیت اجتماعی بوده ، در این مسجد مبارک ، ارشاد دینی و تدریس و إمامت داشته اند (۱).

۶- مسجد علی

یکی از بناهای تاریخی اصفهان ، که در مجاورت میدان قدیم و بازار بزرگ اصفهان می باشد ، و در جوار صحن و بارگاه إمامزاده هارون ولایت علیه السلام قرار گرفته ، مسجد علی است ، که گاهی با نام مسجد سنجریه نام برده شده است (۲).

مسجد علی ، یکی از بناهای دوره سلجوقی است ، که قبل از عهد صفویه منهدم شده ، و لذا در دوره شاه اسماعیل اول صفوی ، به وسیله میرزا کمال الدین شاه حسین اصفهانی ، که نام او در کتیبه اصلی سردر مسجد آمده ، و از رجال دولت شاه اسماعیل بوده ، تجدید ساختمان شده، و به تزئینات کاشی کاری و مقرنشهای گچی ، آراسته شده است .

معماری مسجد ، و ساختن ایوانهای متعدد اطراف آن ، در مساجد تاریخی اصفهان ، بی نظیر است ، و تزئینات اختصاصی آن ، قطار بندی های گچی جالب و تماشائی است . ایوان جنوبی آن ، از سایر ایوانها بزرگتر و شبستان گنبد دار مسجد ، با تزئینات بسیار جالب گچی ، در ضلع جنوبی این ایوان ، واقع شده است . سردر مسجد ، باشکوه ، و مزین به خطوط بنائی و کاشیکاری معرق ، و مورخ به تاریخ تجدید بنای مسجد ، در سال ۹۲۹ هجری ، و با خط شمس الدین تبریزی است .

ص: ۲۶

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده کتب متعدده در تراجم و رجال اصفهان

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۰۸

در وجه تسمیه مسجد، وجوهی گفته اند، که بعضاً، توجیه کننده این نامگذاری از زمان تأسیس و زمان سلجوقیان است، و بعضاً نشان دهنده این که این نام گذاری، در زمان تجدید بنای مسجد در زمان صفویه، و به احترام نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، انجام شده است (۱).

مناره مسجد علی

در گوشه شمال غربی مسجد علی، مناره بسیار زیبا و بلندی از دوره سلجوقیان (اواخر قرن پنجم یا اوائل قرن ششم) جلب توجه می کند، که ارتفاع آن در زمان ساختمان، بیش از ارتفاع فعلی بوده، ولی در حال حاضر در حدود (پنجاه و یک و نیم) ۵۱/۵ متر بیشتر ارتفاع ندارد (۲). این مناره، از بالا به پائین، شامل پنج کتیبه است، که بعضی با خط کوفی، با کاشی فیروزه ای، و بعضی دیگر با خط بنائی گچی، و بعضی دیگر با خط بنائی آجری است. محیط قاعده مناره در سطح زمین ۱۶ متر، و محیط مناره، محاذی پشت بام مسجد علی، ۱۵ متر، و محیط نعلبکی مناره، ۸۰/۱۲، و محیط قاعده مناره ای که بر فراز مناره بنا شده است، ۷/۷۵ متر می باشد، و ارتفاع هر پله نعلبکی مناره، ۳۵ سانتیمتر و ارتفاع هر پله مناره ۳۰ سانتیمتر، و تعداد پله های مناره، از سطح زمین تا بالای مناره، ۱۶۴ پله است (۳). در سال ۱۳۴۲ شمسی، تعمیر اساسی در مورد این مناره بلند، انجام گرفته است.

ص: ۲۷

-
- ۱- به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۰ (پاورقی) رجوع شود
 - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۱۹۸ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۰
 - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۱۹۹

در مسجد علی، بعضی از علماء خاندان علمی اژه ای، تدریس می نموده اند، که به عنوان نمونه، از فقیه و متکلم متبحر، مرحوم ملا علی اکبر اژه ای، متوفای ۱۲۳۲ قمری (۱)، صاحب کتاب بزرگ و مفصل زبده المعارف و پانزده اثر تألیفی دیگر، می توان نام برد، که در این مسجد تاریخی، علاوه بر امامت جماعت، حوزه درسی داشته، و به تربیت طلاب علوم دینی، می پرداخته است.

۷- مسجد حکیم

در محل آثار برجای مانده از مسجد جامع جورجیر (که به وسیله صاحب «اسمعیل بن عبّاد» ساخته شده) (۲) در فاصله سالهای ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ هجری، به وسیله حکیم محمد داود، طبیب شاه عباس دوم، مسجد بسیار شکوهمندی ساخته شده، که یکی از مساجد جامع و بزرگ اصفهان به شمار می رود، و به نام مسجد حکیم، شهرت یافته است.

مسجد حکیم، یکی از بناهای معظم و نفیس دوره صفویه، در اصفهان به شمار می آید، که در برگیرنده آثار بسیار ارزشمند معماری، آجرکاری، کاشی کاری، گچ بری، خطاطی و ... می باشد، و چهار در دارد، که یکی از آنها در شمال غربی است و در میان اهالی محل به (در جوجه) یا (جوجی) معروف است، که تحریف شده کلمه (جورجیر) می باشد، و از نظر تاریخی، ارزش فوق العاده دارد، زیرا آن سردر، اثر موجود و مهم، از دوره ای است، که

ص: ۲۸

-
- ۱- رجال اصفهان، صفحه ۵۲، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳۹، ولی در کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه ۶۴، تاریخ وفات این بزرگمرد، اشتباهاً، ۱۳۳۲، ذکر شده است
 - ۲- قبلاً درباره مسجد جامع جورجیر بحث و بررسی داشته ایم

مسجد حکیم، محلّ تدریس علماء بزرگ و مذاکره علمی و مباحثه طلاب بوده، و از رونق حوزه‌های برخوردار بوده است. در این مسجد، شخصیت‌های بزرگی تدریس نموده اند، همانند: ۱- فقیه و مرجع نامدار حاجی محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) متوفای ۱۲۶۱ قمری، ۲- فرزند بزرگوارشان، فقیه عالی مقام و صاحب تألیفات فراوان، آقا محمد مهدی کلباسی، متوفای ۱۲۷۸ قمری ۳ و ۴- دو فرزند دیگر حاجی کلباسی، مرحوم حاج آقا محمد و آقا شیخ جعفر کلباسی، که از علماء بزرگوار بوده اند. ۵ و ۶- دو فرزند مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی، به نام حاج میرزا عبد الجواد کلباسی و حاج میرزا محمود کلباسی، که دارای مقام علمی بوده اند. و همچنین غیر از اینها، از علماء و مدرّسین، در این مسجد دارای حوزه درسی بوده اند، و محفل علمی طلاب حوزه را، گرم نگاه می داشته اند.

مسجد حکیم، دارای حجرات فراوانی می باشد، که مدرسه مسجد حکیم را شکل می بخشد، و در بخش مدرسه مسجد حکیم، مورد بحث قرار داده ایم.

۸- مسجد سید

یکی از بزرگترین و باشکوهترین مساجد شهر تاریخی و مذهبی اصفهان، مسجدی است که به وسیله فقیه و مرجع نامدار شیعه، مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی، متوفای ۱۲۶۰ هجری قمری، در محله بید آباد ساخته شده، و هم اکنون یکی از خیابانهای مهم اصفهان، به نام خیابان مسجد سید، از مقابل سردر بزرگ آن، میگذرد. این مسجد، یکی از بزرگترین بناهای قرن سیزدهم، و از

ص: ۲۹

نشانه های بارز طبع و همّت بلند، و قدرت و نفوذ و دقّت و هوشمندی بانی آن میباشد، که یک فقیه و مرجع بزرگ دینی شیعه است، و این بنای با عظمت، بدون امکانات و قدرت و ثروت یک سلطان، یا یک صاحب منصب بزرگ و رسمی ساخته شده، و تنها با نفوذ دینی و اجتماعی یک پیشوای روحانی و معنوی، در عالم بناهای تاریخی و میراثهای فرهنگی، تجلّی یافته است.

صاحب روضات الجنّات، که خود شخصیتی بلند نظر است، درباره این مسجد می نویسد: ... تنها مسجد أعظم او (سید حجّه الإسلام شفتی) که در اصفهان بنیان شده، شاهد علوّ مقام، و دلیل بر رفعت بنیان او است، بلکه مسجد مزبور، آیتی از آیات مُلک، و نشانی از نشانه های سلطنت (معنوی) اوست (۱). و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء، درباره این مسجد میگوید:

(مرحوم سید شفتی حجّه الإسلام) در محله بید آباد، مسجدی بنا کرد که گویا در عالم، چنین مسجدی بنا نکرده اند. و مرحوم جابری أنصاری می نویسد: بنای جامع بید آباد، بر علوّ همّتش فریاد میزند، زیرا مساجد بزرگ را شاهان متعدّد ساخته اند، و این مسجد را آن پادشاه علماء، به تنهایی کفالت فرمود (۲).

و آقا محمّد مهدی أرباب، در کتاب محققانه «نصف جهان فی تعریف الإصفهان» صفحه ۶۴، می نویسد: مسجد جامع چهارم، مسجدی است که مرحوم حاجی سید محمّد باقر مجتهد رشتی ...، در محله بیدآباد ساخته است.

صحن وسیع و مهتابی ها و حوض بزرگ در آن ساخته، و گنبدی به قاعده در سمت قبله، و دو طرف آن چهل ستون کرده اند، و دو شبستان مواجه مشرق

ص: ۳۰

۱- روضات الجنّات صفحه ۱۲۴

۲- بیان آلمفاخر، جلد ۲، صفحه ۸۵

و مغرب برای آن ساخته ، و بر بالای آنها مهتابی و حجرات برای طلبه علم ، مهیا داشته اند ... ، بالجمله ، مسجد مذکور کمال تعریف را دارد ، و حکایت همت این سید بزرگ را مینماید ، و هیچ دخلی به مسجد حکیم (۱) ندارد، و به درجات ، از آن بهتر و خوش نما تر، و جامعی نیکو است . مسجد سید ، مجموعاً ۸۰۷۵ متر (۸۵ × ۹۵) و به تعبیر دیگر ، هشت جریب و کسری می باشد (۲) .

در طرف جنوب ، گنبد اصلی و ایرانی بزرگ و شبستانهای طرفین قرار گرفته و در طرف مشرق ، شبستانی بزرگ ، و بر روی آن دو مهتابی و حجرات و مِدرَس (به عنوان مدرسه مسجد سید) ، و در طرف مغرب ، شبستانی کوچکتر و بر روی آن دو مهتابی و حجرات برای سکونت طلاب ، و در طرف شمال ، یک ایوان بزرگ و دو ایوان کوچک در طرفین ، و نیز بقعه و گنبد مقبره مرحوم سید . قرار گرفته است .

مسجد سید ، با صحنی بزرگ و ترکیب خاص ایوانها و مهتابی ها و حجرات ، و نیز کاشیکاری بسیار زیبا ، از شکوه و جاذبه بسیار زیادی برخوردار است ، و به راستی از مفاخر اصفهان و روحانیت شیعه ، و از میراثهای بزرگ فرهنگی قرن سیزدهم ایران است . این مسجد ، سردری بسیار عالی و رفیع دارد، که در طرف شمال مسجد و روبروی خیابان مسجد سید است ، و سردری مجلل و باشکوه ، در جنوب شرقی مسجد دارد، که به طرف کوچه مشایخ بید آباد ، و جنب حمام دوقلی می باشد ، و دری دیگر در جنوب غربی ، و همچنین دری

ص: ۳۱

۱- مسجد حکیم ، سومین جامع اصفهان است ، و یکی از مهمترین مساجد تاریخی و بزرگ اصفهان به شمار می رود

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۸۶ ، و بیان آلمفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۸۶

به سوی مقبره سید شفتی (در طرف شمال مسجد) باز می شود .

شروع ساختمان مسجد ، در سال ۱۲۴۰ قمری بوده (۱)، و در زمان مرحوم سید شفتی (مؤسس مسجد) سالها ، در آن اقامه جماعت و تدریس و سکونت طلاب انجام می گرفته ، ولیکن تزئینات و کاشیکاریهای گسترده و متنوع قسمتهائی از مسجد و مقبره ، پس از وفات مرحوم سید ، و به وسیله ذریه ایشان در طول زمان ، انجام یافته است .

شخصیتهائی ، همانند : فقیه و مرجع بزرگ ، حاج سید اسد الله شفتی بیدآبادی ، متوفای ۱۲۹۰ (فرزند مرحوم سید شفتی) و مرحوم حاج سید جعفر شفتی ، متوفای ۱۳۲۰ ، که کوچکترین فرزند مرحوم سید شفتی بوده ، و از علماء منتفد به شمار می رفته (و قسمت عمده کاشیکاری مسجد ، به وسیله این بزرگمرد بوده است) و هم چنین ، مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی ، فرزند مرحوم حاج سید اسد الله شفتی بیدآبادی ، و متوفای ۱۳۳۳ قمری ، که از علماء جامع ، و نافذ القول و اذیب بوده (و به وسیله ایشان ، تعمیرات و تزئیناتی در داخل مسجد و نیز ، نصب ضریح جهت قبر مرحوم سید شفتی (ره) و هم چنین نصب ساعتی بسیار جالب و عظیم ، در بالای ایوان بزرگ و جنوبی مسجد انجام گرفته) تداوم بخش راه مرحوم سید بوده اند .

در قسمتهای گوناگون مسجد ، و در ضمن نوشته های موجود در کاشی کاریهای مسجد و مقبره مرحوم سید ، تاریخهای : ۱۲۵۵ و ۱۲۵۶ و ۱۲۵۹ و ۱۲۷۲ و ۱۲۸۸ و ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۲ و ۱۳۶۰ و ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ دیده می شود ، که نشان دهنده انجام

ص: ۳۲

کاشی کاری و تزیینات مسجد ، در دوره های مختلف است ، گرچه قسمت عمده کاشی کاریها ، مربوط به دوره مرحوم حاج سید جعفر شفتی (ره) میباشد (۱).

مسجد و مدرسه سید، مرکز علم و تدریس

این مسجد عظیم ، به ضمیمه مدرس موجود در طرف شرق مسجد ، و حجرات وابسته به آن ، در طرف شرق و غرب مسجد (۲) ، از زمان تأسیس تاکنون (در بسیاری از دوره ها) محلّ فعالیت در سی و سکونت طلاب بوده ، و شخصیت‌هایی در آن تدریس نموده اند ، همانند : ۱- مؤسس مسجد و مدرسه ، فقیه و مرجع بزرگ شیعه ، آقا سید محمد باقر شفتی قدس سره ۲- فرزند عالیقدر ایشان ، فقیه و مجتهد زاهد ، مرحوم حاج سید آسد الله بید آبادی قدس سره ، که أعلم اولاد مرحوم سید (ره) بوده است ، ۳- فرزند دیگر مرحوم سید ، مرحوم آقا سید مؤمن شفتی ، که در علم و تقوی مشهور و ملجأ خلق بوده ، و پس از مرحوم حاج سید آسد الله ، أعلم فرزندان مرحوم سید ، بوده است ، ۴- آخوند ملا حسین نائینی ، که از اساتید مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی (ره) بوده است ، ۵- مرحوم آقا شیخ عبد الصمد بن حسین محلاتی اصفهانی ، که از شاگردان مرحوم حاج سید آسد الله شفتی بوده است ، ۶- مرحوم شیخ عبدالوهاب زاهدی ، که عالمی فاضل بوده است (۳) ، ۷- مرحوم ملا تقی دهقی ، که از مقدمات تا دوره سطح نیمه استدلالی تدریس می کرده ، و شاگردان خود را وادار به حفظ کردن شرح لمعه می نموده

ص: ۳۳

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۶۴ تا ۷۸۸

۲- شمار حجرات مدرسه ، در دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۳۳ ، ۲۸ عدد ذکر شده است

۳- کتاب بیان المفاخر ، جلد ۲ صفحه ۹۵ - ۹۷

۸- ملا طاهر شهرکی که عالمی فاضل و مجتهد بوده است (۲) .

در مسجد سید ، مکتبهائی نیز تشکیل میشده ، که زیر نظر معلمهائی با علم و فضیلت و دلسوز اداره می شده ، و نوجوانهای مسلمان ، در آنها ، مراحل مقدماتی تحصیل را می پیموده اند (۳) .

۹- مسجد حاج محمد جعفر آباده ای

مسجد بسیار شکوهمند و جالب و مستحکمی است ، واقع در بازارچه حاج محمد جعفر ، در خیابان عبد الرزاق ، که قسمتی از آن ، به وسیله مجتهد و مرجع بزرگ اصفهان ، حاج محمد جعفر آباده ای ، متوفای ۱۲۸۰ قمری ، تأسیس گشته ، و بقیه آن از سابق بوده است (۴) .

این مسجد ، به نوشته تاریخ اصفهان و ری ، قریب سه جریب است و سردر جالب و ایوان شمالی و جنوبی دارد ، و شبستان اصلی و مهم آن ، که به وسیله حاجی آباده تأسیس شده ، در طرف جنوب مسجد می باشد، و در طرف غربی ، شبستانی داشت که در جریان بمبارانهای وحشیانه بعثی های عراقی ، در جنگ عراق و ایران ، در شب پنجشنبه شانزدهم بهمن ۱۳۶۵ شمسی ، به کلی ویران گشت ، و سپس با سبک باستانی ، تجدید بنا گردید .

مسجد حاج محمد جعفر ، و خصوصاً شبستان جنوبی او، از نظر استحکام و زیبایی و کاشیکاریهای متنوع و جالب ، جزء مساجد مهم به شمار می رود ،

ص: ۳۴

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۳- بیان المفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۹۷ - ۹۹

۴- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۹۶

و به ثبت تاریخی رسیده است. تاریخهائی که در جاهای مختلف مسجد دیده می شود، (۱۲۸۰ - ۱۲۹۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰) نشانه مراحل گوناگون ساختمان مسجد و تزیینات و کاشیکاری آن، می باشد.

در این مسجد، عده ای از علماء بزرگوار تدریس فرموده اند، همانند:

۱- مؤسس مسجد، فقیه و مرجع صاحب تألیف و محقق، حاج محمد جعفرآباده ای قدس سره، ۲ و ۳- دو عالم بزرگوار، فرزندان مرحوم آباده ای، به نامهای آقا عبد الجواد (که پس از پدر، امام جماعت مسجد حاج محمد جعفر بوده) و آقا عطاء الله (که فردی وارسته و زاهد بوده، و پس از مدتی، به نجف اشرف مهاجرت نموده، و مجاورت اختیار مینماید)، ۴- مجتهد محقق و بزرگوار، حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی قدس سره، متوفای ۱۳۱۹ قمری (۱)، ۵- و اخیراً در دوره معاصر، یکی از علماء بزرگوار یعنی: مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره، چندین سال، علاوه بر امامت جماعت، و هدایت و ارشاد دینی، برای طلاب حوزه علمیه، در این مسجد، تدریس می فرمودند.

۱۰- مسجد خیاطها

مسجدی است در بازار بزرگ، که با نامهای: پادرخت سوخته، پادرخت، پادرخت سوخته زنجانی، نیز نامیده می شود. کتیبه سردر آن، به نام ابو الفتح، سلطان احمد میرزا، پسر شاه طهماسب اول، و در قدیمی آن، مورخ به سال ۹۷۵ هجری می باشد (۲). در این مسجد، حوزه های درسی مهمی تشکیل می شده، و بزرگانی از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، در آن تدریس می نموده اند

ص: ۳۵

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۳۴

که به عنوان نمونه ، مواردی را ذکر مینمائیم :

۱- فقیه و مجتهد اصولی ، حاج میرزا علی نقی موسوی زنجانی ، متوفای ۱۲۵۸ قمری (که سر سلسلهٔ خاندان علمی موسوی زنجانی و صاحب تألیفات بوده) و در این مسجد إمامت جماعت و تدریس داشته است .

۲- فقیه اصولی و محقق ، آقا میرزا محمد باقر زنجانی ، متوفای ۱۳۰۳ ، که از شاگردان حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان و نجف اشرف ، و فرزند حاج میرزا علی نقی فوق الذکر بوده، و پس از پدر ، در این مسجد تدریس می نموده است .

۳- فرزند آقا میرزا محمد باقر ، به نام حاج میرزا أبو القاسم زنجانی ، متوفای ۱۳۳۶ قمری ، که از علماء پرجوش و فعّال و دارای مرتبهٔ اجتهاد بوده ، و در حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان و نجف اشرف ، تحصیل علم نموده ، و از شاگردان آقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی و حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و در این مسجد تدریس می نموده است .

۴- آقامیرزا محمد علی زنجانی ، برادر آقا میرزا أبو القاسم ، و متوفای ۱۳۴۷ قمری ، که عالمی فاضل بوده ، و در این مسجد تدریس می نموده است (۱).

۵- فقیه جامع و عالیقدر ، حاج میرزا رضا کلباسی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که از أحفاد حاجی کلباسی می باشد ، و خود ، از علماء صاحب تألیف و پر تلاش و خدمتگذار بوده، و در این مسجد، خارج فقه تدریس می نموده است (۲).

۱۱- مسجد ایلچی

مسجدی است در محله و خیابان أحمد آباد ، که در دورهٔ سلطنت شاه

ص: ۳۶

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

سلیمان صفوی، به وسیله صاحب سلطان بیگم، دختر حکیم نظام الدین محمد، ملقب به حکیم الملک ایلچی، تأسیس شده است.

در کتیبه سردر مسجد، که به خط محسن امامی، و مورخ به سال ۱۰۹۷ هجری می باشد، نام بانی و دوره تأسیس ملاحظه می گردد، و در ایوان بزرگ جنوبی مسجد، تاریخ ۱۰۹۳ در دنباله نوشته سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ، دیده میشود. این مسجد، گرچه از نظر مساحت، جزء مساجد معمولی اصفهان است، ولی از نظر استحکام و کاشی کاریهای زیبا و هنرهای معماری، به خصوص در قسمت ایوان و سردر، جلب توجه می نماید، و در طول زمان، محل عبادت و تبلیغ دینی بوده، و کتابخانه داشته است.

عده ای از علماء بزرگ، در این مسجد تاریخی تدریس می نموده اند، همانند: ۱- فقیه و اصولی و مرجع عالیقدر، مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، متوفای ۱۲۴۸ (سر سلسله خاندان مسجد شاهی) که از چهره های میزز علمی و تحقیقی و حوزه ای بوده اند. این بزرگمرد، قبل از آنکه در مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) حوزه درسی تشکیل دهند، در مسجد ایلچی، تدریس مینموده اند، ۲- فقیه اصولی و مجتهد و مرجع عالیقدر، و صاحب تألیفات، حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، متوفای حدود ۱۲۸۶ (۱)، که در مسجد ایلچی امامت و تدریس داشته اند، ۳- فقیه محقق و رجالی مدقق، حاج آقا منیر الدین بروجردی، متوفای ۱۳۴۲ قمری، که از علماء میزز و صاحب تألیفات بوده، و در این مسجد امامت و تدریس داشته اند. و همچنین، برخی دیگر از علماء،

ص: ۳۷

۱- در منابع مختلف همانند اعیان الشیعه و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد، سال وفات مرحوم تویسرکانی با مقداری تفاوت نقل شده است

در این پایگاه علم و دین ، تدریس می نموده ، و طلاب علوم حوزه ای نیز ، به درس و بحث و مذاکره علمی در آن اشتغال داشته اند .

۱۲- مسجد نوبازار

مسجد بزرگی است در زمینی به مساحت تقریبی هفت جریب ، در بازار بزرگ اصفهان ، نزدیک مسجد و مدرسه ذوالفقار ، که در سال ۱۲۹۹ قمری ، قسمت عمده آن ساخته شده ، و در سال ۱۳۰۵ قمری ، تمام جهات و تزئینات آن کامل شده است . تأسیس مسجد ، زیر نظر مجتهد و مرجع بزرگ ، مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی ، متوفای ۱۳۰۱ قمری ، انجام گرفته ، و جشن افتتاح آن در سال ۱۲۹۹ با حضور مؤسس عظیم الشأن آن ، برگزار گردیده است (۱). در طرف جنوب مسجد ، ایوانی بزرگ و بلند ، و گنبدی جالب ، و شبستانی وسیع ساخته شده ، و در طرف غرب مسجد ، شبستانی بسیار بزرگ ، پایین تر از سطح صحن مسجد ، مناسب برای فصل زمستان ، ایجاد شده ، و در طرف شمال ، ایوانی بزرگ و جالب ساخته شده ، و در طرف شرق مسجد ، ایوانچه های متعددی بنا شده است . مسجد نو ، در مجموع ، مسجدی بزرگ ، همراه با تزئینات و کاشی کاری می باشد . در این مسجد ، از زمان تأسیس تا کنون ، حوزه های درسی مهمی تشکیل می شده ، و علماء و مدرسین زیادی در آن تدریس می نموده اند ، و هم اکنون ، جلسات درسی متعدد و مذاکره و مباحثه علمی ، در سطحی گسترده در آن انجام می شود ،

ص: ۳۸

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۴۱ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، صفحه

و ذیلاً به عنوان نمونه، شخصیت‌هایی از مدرّسین در این مسجد را نام می‌بریم (۱).

- ۱- فقیه و مجتهد اصولی، حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام) متوفای ۱۳۱۸ قمری، مؤسس مدرسه آقا شیخ محمد علی.
 - ۲- فقیه و حکیم زاهد و صاحب تألیف، ملا حسن درّی، متوفای ۱۳۳۶ قمری،
 - ۳- فقیه و محقق نامدار، و مدرّس و مرجع عالی مقام، آخوند ملا عبدالکریم گزی، متوفای ۱۳۳۹ قمری،
 - ۴- فقیه و پیشوای مبرز و فعال، حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی، معروف به حاج آقا نورالله، متوفای ۱۳۴۶ قمری،
 - ۵- فقیه و مجتهد زاهد، حاج سید مرتضی خراسانی، متوفای ۱۳۵۷ قمری
 - ۶- فقیه و فیلسوف و ریاضی و متکلم و استاد جامع، آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۶۲ قمری، که حوزه درسی با اهمیتی داشته است.
 - ۷- فقیه و مجتهد اصولی، آقا سید مهدی درچه ای، متوفای ۱۳۶۴ قمری، که حوزه درسی پر رونقی داشته است،
 - ۸- فقه و اصولی زاهد، آقا سید عبدالله ثقه الإسلام، متوفای ۱۳۸۲ قمری،
 - ۹- فقیه و مدرّس جامع، آقا شیخ مجد الدین نجفی، متوفای ۱۴۰۳ قمری.
- در دوره اخیر، عده ای از مدرّسین عالیقدر، در مسجد نو تدریس مینمایند، و به خصوص جلسات درسهای عقائد و اخلاق، با شکوه هرچه تمامتر، تشکیل می‌شود، و در هر جلسه، از پانصد تا هزار نفر طلبه و مدرّس، در جلسات درسی یاد شده شرکت می‌جویند، و از همه رتبه‌های درسی، و از همه

ص: ۳۹

-
- ۱- در این قسمت، علاوه بر کتابهای دانشمندان و بزرگان اصفهان، و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، و اطلاعات شخصی، از اظهارات نویسنده منتجع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، بهره‌جسته ایم

مدارس علمیّه، در جلسات درس اخلاق و عقائد یاد شده، حاضر می شوند، و به نوبت، استاد عالیقدر، حضرت آیه الله، آقای حاج سید احمد فقیه امامی (۱) و استاد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی و نیز، نویسنده این سطور (حاج سید حجه موحد ابطحی)، عهده دار تدریس این درسها، می باشیم علاوه بر اینها، جلسات درسی فقه و اصول و رجال و درآیه و منطق و ادبیات، در سطوح مختلف، در این مسجد برگزار می شود، و مدرّسین عالیقدر، همانند: آیه الله، حاج سید حسن فقیه امامی و حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه، و هم چنین نویسنده کمترین، (حاج سید حجه موحد ابطحی) و عده ای از مدرّسین عالیقدر مدرسه ذوالفقار عهده دار تدریس هستند.

و از نکات جالب توجه این است که، رونق در سی مسجد نو در دوره اخیر، مرهون برنامه گسترده مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته میباشد، که با زیر پوشش داشتن اکثر طلاب جوان و فعال و درس خوان حوزه علمیّه اصفهان، تشکیل جلسات درسی و مباحثه طلاب در مسجد نو (که نزدیک مدرسه ذوالفقار میباشد) از وسعت زیادی برخوردار گردیده است.

۱۳- مسجد جارچی

مسجدی است در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک مدرسه صدر بازار، که در سال ۱۰۱۹ هجری، به وسیله ملک سلطان، جارچی باشی شاه عباس کبیر، بنا

ص: ۴۰

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب (در سال ۱۴۱۷ قمری) در حال انجام است، سه سال از ارتحال این بزرگمرد میگذرد، و حوزه علمیّه و جامعه با ایمان اصفهان، در غم فقدان این عالم بزرگ دینی، گرفتار می باشند

شده است (۱). این مسجد صحن ندارد، و به صورت شبستانی است و اطراف آن، با کاشیکاری معرّق، تزیین شده است.

در این مسجد، عدّه ای از علماء، تدریس نموده، و حوزه درسی تشکیل میداده اند، که به عنوان نمونه، از موارد زیر می توان یاد نمود:

۱- حکیم نامدار و محقق، جهانگیرخان قشقائی، متوفای ۱۳۲۸ قمری،

۲ آقا سید محمد جواد خراسانی، مشهور به جارچی، متوفای ۱۳۵۲ قمری، که از علماء بزرگوار و زاهد و صاحب تألیف بوده است،

۳- فقیه و مجتهد زاهد، مرحوم حاج سید مرتضی خراسانی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، که از علماء و مدرّسین مورد توجه بوده است،

۴- فقیه و مجتهد زاهد و صاحب تألیفات، مرحوم آقا سید عبد الله ثقه الاسلام

میر محمد صادقی، متوفای ۱۳۸۲ قمری که در این مسجد تدریس فقه و اصول مینموده اند،

۵- مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری، که از زعمای بزرگ حوزه علمیه اصفهان بودند، و در بعضی از مواقع، در این مسجد تدریس می نمودند. بنابر اظهارات نویسنده متتبع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، علاوه بر یاد شدگان، عدّه دیگری از علماء نیز، در این مسجد حوزه درسی داشته اند.

۱۴- مسجد بابا محمد علی سقا (مسجد امامی)

مسجدی است قدیمی، در خیابان عبد الرزاق، و در مجاورت بازار بزرگ، که از زمان مرحوم آقا سید محمد امامی (که از علماء زاهد و مدرّس مدرسه نیم آور بوده) و فرزند ایشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی قدس سره، (که این بزرگمرد نیز، از علماء مشهور به تقوی و اخلاق، و مدرّس مدرسخ

ص: ۴۱

نیم آور بوده اند) تا کنون، به إمامت علماء خاندان علمی إمامی بوده است، و به همین جهت نام قبلی آن، (بابا محمّد علی سقا) متروک شده، و به نام «مسجد حاج آقا عطاء» و «مسجد امامی»، شهرت یافته است.

در اواخر عمر مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله، حاج سید أحمد فقیه امامی و، حضرت آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی، که از چهره های مبرز حوزه علمیه، و از شخصیت های برجسته جامعه با ایمان اصفهان می باشند، در سال ۱۳۸۷ قمری (طبق کاشی سردر مسجد) توسعه یافته، و به شکل جدید و باشکوه، تجدید بناء گردیده است.

در سال ۱۳۹۷ قمری، زیر نظر حضرت آیه الله، آقای حاج سید أحمد فقیه امامی، قطعه زمینی نسبتاً بزرگ در مجاورت مسجد فوق، خریداری گردید، و در آن ساختمان بسیار شکوهمندی ساخته شد، که در طبقه زیرزمین آن، کتابخانه عظیم الزّهراء علیه السلام، تأسیس یافته (۱)، و در طبقه همکف، شبستانی مجلل با صحنی زیبا و سردری جالب توجه، ساخته شده است.

برای تزئین محراب و داخل شبستان و صحن و سردر مسجد جدید، از کاشیهای معرق و معقلی، و ترکیب آجر و کاشی، با خط بنائی استفاده شده، و در سال ۱۴۰۳ قمری (طبق کتیبه داخل شبستان) پایان یافته است، و در مجموع، یکی از آثار معماری و هنری دوره معاصر می باشد.

در این مسجد، استاد عالیقدر و مؤسس مسجد و کتابخانه الزّهراء علیه السلام، حضرت آیه الله، آقای حاج سید أحمد فقیه امامی، تدریس فقه و اصول و درایه،

ص: ۴۲

۱- درباره کتابخانه الزّهراء علیه السلام، در بخش (کتابخانه های اصفهان)، بررسی و توضیح داریم

مینمایند (۱) و به دنبال آن ، بحث و مذاکره درسی بین طلاب انجام میشود ، و با توجه به این که کتابخانه الزهراء علیه السلام در این مسجد ، دربرگیرنده دهها هزار کتاب از بهترین منابع تحقیق می باشد، این مسجد پایگاهی مهم برای درس و بحث و تحقیق به حساب می آید ، و برای اساتید و طلاب حوزه علمیه ، جاذبه تحقیقی و علمی دارد.

اشاره ای قابل توجه

همچنان که در اول بحث اشاره نمودیم ، همه مساجدی را که محلّ بحث و فعالیت تدریسی است، مورد معرفی قرار نمی دهیم ، و آنچه ذکر شد نمونه ای است از موارد فراوان ، و گرنه ، مسجدهائی ، همانند : مسجد ذکر الله ، مسجد درب کوشک ، مسجد آقا میرزا احمد شهیدی ، مسجد سه راه نیم آور ، مسجد رحیم خان ، مسجد امامزاده اسماعیل ، مسجد شیره پزها ، و ... ، در برخی از دوره ها ، محلّ درس مجتهدی بزرگ و مدرّسی عالیقدر بوده است .

سوی گنبد شیخ افکن نظر

زفیروزه بین گنبدی جلوه گر

نه تنها تاج اصفهان را به سر

که تاجی است شایان به فرق ، مهز

چه تاجی که چون زد به سر اصفهان

از این تاج شد تاج فرق جهان

ص: ۴۳

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) سه سال از ارتحال آن بزرگمرد می گذرد، و حوزه درسی ایشان ، تعطیل گردیده است

هُوَ سَيِّحَانَهُ اللَّهُ

ستایشت کنم ای اصفهان که زیبایی

به حسن و جلوه چو خورشید عالم آرایی

از آن بشر هنر شهره جهانی تو

که قبله گاه ، مهز پروران دنیائی

(آیت دشتچی اصفهانی) (آیت) معاصر

ص: ۴۴

مدارس علمیه اصفهان قبل از دوره صفویه

شهر تاریخی اصفهان، از دیر زمانی محلّ فعالیت علمی و پرورش علماء و محققین، و جایگاه تحصیل علم و تحقیق و تدریس، و نشر آندیشه های علمی و دینی بوده است، و علاوه بر مساجد بزرگ و خانه های علماء، مدرسه هائی وجود داشته، که مرکز رسمی فعالیت های درسی و علمی بوده است.

در این بخش، به اندازه ای که تحقیق و بررسی های ما یاری کرده، به شماری از مدارس اصفهان که از قرن پنجم تا دوره حکومت صفویه، محلّ فعالیت علمی بوده، و به آنها دست یافته ایم، توجه نموده، و مورد بررسی قرار میدهم.

البته باید توجه داشت که برخی از آنها، تاکنون باقی می باشد، و اکثر آنها از بین رفته، و فقط نام و نشانی از آنها یافته ایم و از این مجموعه، تعداد قابل توجهی، متعلّق به شیعه، و برخی از آنها مربوط به اهل سنت بوده، و برخی نیز، وضعیت نامعلومی دارد.

و اینک به ترتیب حروف الفباء، از این مدارس یاد می نمائیم

۱- مدرّس ابن سینا

شیخ الرّیّس أبوعلی سینا، فیلسوف و طبیب بزرگ ایران، مدّتی وزارت علاء الدّوله کاکویه را داشته، و در آن زمان، در مدرسه بزرگی در محله دردشت، تدریس می نموده است، که از آن مدرسه، فقط گنبدی آجری باقی مانده، که گنبد مدرّس ابن سینا خوانده می شود (۱).

برخی از مطلعین، اظهار نظر می کنند که، مدرس ابن سینا محوطه بزرگی بوده

ص: ۴۷

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷، آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۱، تاریخ مدارس ایران، صفحه ۹۹

که تا پشت مدرسه شفیعیه در دشت امتداد داشته است (۱).

با توجه به تشیع علاء الدوله کاکویه (که از خاندان آل بویه شیعی می باشد) انتساب مدرسه یاد شده به شیعه ، کاملاً روشن می باشد .

۲- مدرسه امامیه

مدرسه بسیار جالبی است ، که در خیابان هاتف و در کنار بقعه باباقاسم قرار گرفته است ، و با توجه به استحکام و نوع کاشی کاری و تزئینات آن ، که از آثار تاریخی ارزشمند اصفهان به شمار می رود ، از مدارس قابل توجه محسوب می گردد . این مدرسه در سال ۷۲۵ هجری ، برای تدریس باباقاسم ، که از عرفای مشهور قرن هشتم به شمار می رود ، ساخته شده ، و تاکنون باقی مانده است ، و تنها مدرسه ای است در اصفهان که توانسته است موجودیت خود را در طول زمان (از قرن هشتم تاکنون) با حوادث گوناگون آن ، حفظ نماید .

اصل ساختمان ، متعلق به زمان تأسیس مدرسه است ، ولی کاشی کاری ها و نوشته های موجود در جاهای مختلف آن ، بعضاً متعلق به زمان تأسیس (که تسنن بر اصفهان حاکم بوده) ، (۲) و بعضی دیگر ، در ضمن تعمیراتی در دوره های بعد ، (که تشیع حاکم گردیده و به وجود آمده است .

این مدرسه قبلاً به ملاحظه نام مُدرّس آن ، (مدرسه با با قاسم) نامیده می شده

ص: ۴۸

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳

۲- به نظر نویسنده معاصر آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نوشته هائی که نشانه تسنن است، متعلق به دوره حاکمیت افغانهای مهاجم و سنی مذهب در اصفهان است ، و گرنه در دوران حکومت صفویه ، تمامی آثار و علائم تسنن از شهر و ساختمانهای آن از بین رفته ، آن هم در مدرسه ای که محل نشر و ترویج مکتب تشیع و تعلیم معارف اهل البیت علیهم السلام بوده است دارالعلم شرق « مخطوط » ، صفحه ۳۶

ولی در زمان حاکمیت مکتب امامت و ولایت بر شهر اصفهان، به نام (مدرسه امامیه) شهرت یافته است.

مدرسه امامیه چهار ایوان در چهار طرف، و ۳۲ حجره دارد، که در ضمن دو طبقه، تأسیس یافته است، و نمای صحن با ایوانهای بزرگ و کوچک و کاشی کاری ها و مُقرنسه‌های زیبا، جاذبه خاصی دارد، و کاشیها و رنگ و لعاب آنها، مخصوص است، و مشابه آن تنها در صفة عمر، در مسجد جامع دیده می شود (۱). خطوط بتائی و کوفی و ثلث، که در تزئینات مدرسه به کار رفته، متنوع و جالب و همراه با کاشی کاری ها، نشانه ای از معماری و هنر قرن هشتم، در ایران و اصفهان می باشد.

مساحت مدرسه، سه هزار متر (۶۰×۵۰) می باشد (۲).

با گذشت زمان، ویرانی زیادی بر حجرات و سردر مدرسه وارد شده بود، و بخصوص در دوران حکومت پهلوی، با متروکه گردیدن مدرسه، خرابی بسیاری بر حجرات طبقه دوّم وارد گردیده بود، که با همت یکی از علماء و مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته در حدود سال ۱۴۰۰ قمری تعمیرات اساسی مفصلی در این مدرسه انجام گرفت و طلاب حوزه علمیه، در آن اسکان یافتند (۳).

در طول زمان، علماء بزرگواری در این مدرسه تدریس نموده اند که فقیه

ص: ۴۹

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۰۳ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۵

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۷۲

۳- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام میگیرد (در سال ۱۴۱۷ قمری) برای بار دوّم نیز، آیه الله امامی، تعمیرات مفصلی دیگری را در مدرسه امامیه انجام داده اند، جزاء الله عن الإسلام خیر الجزاء

و محدث بزرگ شیعه ، ملا محمد تقی مجلسی متوفای ۱۰۷۰، در میان آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است (۱). و بعضی احتمال داده اند که ، نابغه بزرگ اسلام و ایران ، شیخ بهائی متوفای ۱۰۳۰ قمری ، در این مدرسه تاریخی تدریس نموده اند . یکی از علماء ، به نام شیخ محمد ابراهیم بن محمد علی بن محمد بن مقصود علی طبسی خراسانی ، (که دانشمندی صاحب تألیف بوده ، و آثاری همانند : « تعلیقات بر مشاعر ملاصدرا » و « مرآت آگاهی » و « میزان السداد » و « قسطاس الغنی و الزشاد » و « سماء الهدایه » و « مظاهر الأنوار » و « منتخب وافی » داشته است) ، کتابی به نام « تذکره المحدثین » (که مختصر کتاب « منیه المرتاد » است) ، در مدرسه باباقاسم تألیف نموده ، و آن را در سال ۱۲۳۵ به پایان رسانیده است (۲).

برای آشنائی بیشتر با وضعیت معماری و تزئینات و خصوصیات مدرسه امامیه ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحات ۳۰۲ تا ۳۱۰، و آثار ملی اصفهان ، صفحات ۴۳۳ تا ۴۴۰، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۳۸ و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۷۱ - ۷۲ مراجعه شود .

۳- مدرسه اوزون حسن

اوزون حسن ، که از مشهورترین سلاطین « آق قویونلو » بوده، و از سال ۸۵۸ تا ۸۸۲ سلطنت کرده ، مجموعه ای معماری به او منسوب است ، که در ضمن آن، مدرسه ای بوده در محله خواجه ، و قبر شاه حسن هم در آنجا بوده است (۳).

ص: ۵۰

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- نابعه فقه و حدیث ، صفحه ۳۰۹.

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۲۲۱، و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۱۳

محلّ این مدرسه ، حدود دبیرستان صارمیّه فعلی (بین چهارراه نقّاشی و مکینه خواجه) ، در باغ نو بوده است (۱).

با توجه به این که اوزون حسن ، گرایش به سوی تشیع داشته ، و در ترویج آن کوشیده ، و دختر خود را به عقد ازدواج شیخ حیدر صفوی در آورده ، که محصول آن ، تولد شاه اسماعیل اول صفوی (پایه گذار حکومت رسمی شیعی در ایران) می باشد (۲) . به خوبی ، انتساب این مدرسه را به تشیع ، می توان دریافت .

مدرسه باباقاسم

مقصود ، مدرسه امامیه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۴- مدرسه باب القصر

در میان نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، مجموعه ای است به شماره ۱۱۵۷ ، به خط نستعلیق ، از عماد بن میر حیدر حسینی که در مدرسه باب القصر اصفهان ، در تاریخ شوال ۱۱۱۱ هجری نوشته شده است (۳) .

و نیز یکی از علماء بافضیلت ، به نام شیخ محمد حسین بسطامی ، در زمانی که در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته ، کتاب « مبداء و معاد » ملا صدرا شیرازی را ، در مدرسه باب القصر ، در سال ۱۲۱۷ استنساخ نموده ، و حاشیه هائی بر مطالب کتاب نوشته ، و در آخر آن ، مقاله ای بلیغ و مبسوط ، در زمینه تاریخ فراغت از استنساخ کتاب نوشته ، که نشانه فضل و تبجّر او در علوم ادبی می باشد نسخه یاد شده در کتابخانه حسینیّه شوشتریها ، در نجف اشرف موجود

ص: ۵۱

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۲۱ .

۲- دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۲ - ۱۳۳

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، از رضا استادی ، جلد ۲ ص ۶۱

است (۱). به نظر نویسندگان دارالعلم شرق، ظاهر این است که مراد از مدرسه باب القصر، همان مدرسه درب کوشک می باشد، که در مجاورت باب القصر قرار داشته، و به همین مناسبت، به نام مدرسه باب القصر نامیده شده است (۲).

۵- مدرسه باقریه دربکوشک

آقای دکتر لطف الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، می نویسد: سردر زاویه درب کوشک، که مورخ به سال ۹۰۲ هجری، از دوران حکمرانی ابوالمظفر، رستم بهادرخان آق قویونلو است، تا سنوات اخیر در جای اصلی خود (محلّه در بکوشک) قرار داشته است، و چون نزدیک به انهدام و ویرانی بوده، در باغ چهلستون سردری بنا شده، و کاشی های نفیس آن را به سردر جدید انتقال داده، و نصب نموده اند. در مجاورت این سردر، مقبره ای بوده، که بسیاری از معاریف قرن نهم و دهم، در آن مدفون بوده اند، و اکنون جزء خانه ها شده است، و یک شیر سنگی هم در آن محل بوده، که شهرت محلی دارد یک مدرسه قدیمی که سابقاً تزئیناتی از نوع کاشی های معرق داشته است، به نام مدرسه درب کوشک یا (باقریه) در مجاورت سردر مزبور و قبرستان سابق در بکوشک واقع شده، که طلبه نشین است، و فعلاً هیچ گونه تزئیناتی ندارد. کتیبه سردر این زاویه، به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی، حاکی از آن است که زاویه درب کوشک و مقبره مجاور آن، که از قرار معلوم، گنبدی هم داشته، در دوره حکمرانی رستم بهادر خان آق قویونلو بنا شده، کتیبه سردر که به

ص: ۵۲

۱- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۷۹

۲- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۴۶

خط معین منشی و مورخ به سال ۹۰۲ هجری می باشد، به شرح زیر است... (۱)

مدرسه باقریه درب کوشک، به نام (مدرسه باقریه) یا (مدرسه درب کوشک) یا (مدرسه پاشیر) یا (مدرسه باب القصر) نیز، نامیده می شود. برخی را اعتقاد بر این است که مدرسه درب کوشک، غیر از باقریه در بکوشک می باشد (۲).

جابری أنصاری می نویسد: مدرسه درب کوشک، کاشی کاری ممتازی داشته، و اشعاری در عهد صفویه بر کاشی های آنتیک (قیمتی و عتیقه) آن منقور شده، که معلوم نگردید، چگونه کاشی های سردر، یک مرتبه از میان رفت (۳).

مرحوم حاج سید اسد الله شفتی مجتهد بزرگوار، فرزند مرحوم سید شفتی، این مدرسه را تعمیر نموده (۴)، چنانچه سرپرست فعلی مدرسه، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ محمد حسین رشتی (که از احفاد دختری مرحوم سید شفتی می باشند و در سالهای ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ قمری، تعمیراتی اساسی انجام داده اند (۵).

مدرسه درب کوشک، در حال حاضر ۱۶ حجره دارد، و یک طبقه است و تزئینات آن از کاشی و آجر می باشد، و کتیبه سردر مدرسه از بین رفته، و کاشی های نفیس مدرسه، به خارج ایران برده شده است (۶).

ص: ۵۳

۱- گنجین آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۵۸ - ۳۵۹

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۷۸

۳- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۳۸

۴- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۳۸

۵- متأسفانه در حال انجام مراحل چاپ کتاب، مرحوم آقای رشتی دار دنیا را وداع گفته اند، رحمه الله علیه، و حشره مع

أولیائه الطاهرین

۶- اظهارات آقای رشتی، سرپرست مدرسه

در طرف غربی مدرسه ، در پشت ساختمان مدرسه ، بقعه ای وجود دارد که سازمان میراث فرهنگی ، تعمیراتی بر روی آن انجام داده ، و اظهار نظر شده که این قسمت ، از آثار دوره تیموری می باشد (۱).

جوی آب در وسط مدرسه و درختهای چنار بلند ، بر زیبایی مدرسه افزوده است ، و خیابان جدید الإحداثی که از خیابان مسجد سید به سوی دروازه دولت (میدان امام حسین علیه السلام) کشیده شده ، و به نام آیه الله طیب نامیده شده ، موقعیت محلی مدرسه را افزایش داده است .

حجرات مدرسه درب کوشک ، مسکونی می باشد ، و طلاب آن در همین مدرسه و سایر مدارس علمیّه ، از محضر اُساتید حوزه علمیّه ، کسب علم می نمایند . از مدرّسین بزرگواری که در این مدرسه تدریس می نموده اند ، به عنوان نمونه می توان به شخصیت های ذیل اشاره کرد .

۱- مرحوم حاج شیخ أبو القاسم ، معروف به « حاج آخوند زفره ای » متوفای ۱۳۵۲ قمری ، که در علوم ادبی ، مدرّسی بزرگ و نامدار بوده ، و از عموم محلات و مدارس علمیّه ، به محضر و جلسه درس او حاضر می شده اند ، و اکثر علماء و فضلاء ، در مراحل اولیّه علوم حوزه ای (دوره مقدمات و سطوح اولیه) از محضر آن مدرّس عالیقدر ، استفاده می نموده اند .

مرحوم حاج آخوند زفره ای تألیفاتی داشته ، و در علوم غریبه و جفر و طلسمات زحماتی کشیده ، و موفقیت هائی داشته است (۲).

۲- مرحوم حاج ملا حسینعلی صدیقین ، متوفای ۱۳۶۸ قمری ، که علاوه بر علم

ص: ۵۴

۱- اظهارات آقای رشتی ، سرپرست مدرسه

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۱۰۰

و دانش ، مقام بزرگی در زمینه زهد و تقوی و سلوک معنوی و ریاضات نفسانی داشته و از محضر حاج محمد جواد بید آبادی ، استفاده های شایان ، در زمینه مسائل اخلاقی و روحی برده ، و از مفاخر معنوی عالم روحانیت بوده است .

۳- مرحوم حاج شیخ محمد حسین آشنی قودجانی ، که مجتهدی مبرز و عالمی زاهد بوده ، و در حوزه اصفهان و نجف ، تحصیل علم نموده ، و به مقام اجتهاد رسیده ، و سالهائی در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته ، و در سال ۱۳۷۵ قمری وفات یافته است (۱).

۴- مرحوم میرزا علی اصغر شریف ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که در مدرسه میرزا مهدی ، و اخیراً در مدرسه درب کوشک ، تا آخر عمر تدریس سطوح فقه و اصول می نموده است .

آثاری از سابقه مدرسه دربکوشک

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب « سفینه النجاه » تألیف محمد بن عبد الفتاح تنکابنی (فاضل سراب) موجود است ، که آن را أبو الحسن بن میر یحیی کسکری ، در روز چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۱۰۳ در مدرسه دربکوشک به اتمام رسانیده است (۲) .

و نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از «اثولوجیا» ، موجود است که محمد جعفر بن مختار مازندرانی ، آن را در ماه صفر ۱۰۸۸ ، در مدرسه باقریه اصفهان نوشته است (۳) .

ص: ۵۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۵۱

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۹۱

۳- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۴۹

و هم چنین شیخ محمد صادق بن ابی الفتح اصفهانی ، در ابتداء تحصیل ، کتاب « مغنی اللیب » و برخی از کتب درسی دیگر را ، در سال ۱۲۰۶ هجری ، در مدرسه باقریه اصفهان نوشته است (۱).

و در کتابخانه فرهنگ اصفهان ، (کتابخانه عمومی) ، نسخه ای از کتاب کافی وجود دارد ، که آن را علی مازندرانی ، در شوال ۱۰۶۸ وقف بر کتابخانه مدرسه باقریه نموده ، و تولیت آن را به « آقا سید محمد کاظم بن سید سلطان حسین حسینی » واگذار نموده است ، و احتمالاً آقا سید محمد کاظم ، متولی و مدرس مدرسه نیز بوده است (۲) . به احتمال قوی ، به نظر می رسد ، که مراد از مدرسه باقریه ، همین مدرسه باقریه در بکوشک باشد .

مدرسه پاشیر در بکوشک

مقصود ، مدرسه باقریه در بکوشک می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود

۶- مدرسه تاج الملک

مدرسه ای است که ، ابونصر ، تاج الملک ابن بهرام القوهی (کوهی) وزیر شمس الدوله دیلمی ، در اصفهان بنا کرد ، و در آن ، علوم شرعی و سایر علوم تدریس می گردید (۳) . این مدرسه متعلق به اوائل قرن پنجم و وابسته به مکتب تشیع می باشد .

۷- مدرسه ترکها

این مدرسه ، در زمان حاضر به نام «مدرسه امام هادی علیه السلام» نامیده می شود .

ص: ۵۶

۱- ألكرام البرهه ، صفحه ۶۳۵

۲- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۴۹

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۷ - ۳۸

اصل آن از دوره آق قویونلوها است و در دوره صفویه تعمیر شده ، و سپس در زمان قاجاریه ، به وسیله حاج محمد ابراهیم تاجر ، تعمیر گشته و موقوفاتی بر آن معین گردیده (۱)، و در دوره بازسازی و تعمیر مدارس دیتیه ، (پس از تهاجم پهلوی اول بر مراکز و مدارس دینی) به وسیله مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ، و مرحوم آیه الله ، حاج سید عبد الحسین طیب تعمیر گردید ، و محل سکونت طلاب حوزه قرار گرفت ، و تاکنون ، معمور و مسکونی طلاب می باشد ، و صحن کوچکی با نمای کاشی کاری دارد ، و یک طبقه است .

محل مدرسه ، محله درب کوشک و در نزدیکی خیابان جدید الإحدائی است که ، به نام آیه الله طیب نامیده شده است .

با توجه به گرایش مهمترین چهره های « آق قویونلوها » همانند : اوزون حسن نسبت به تشیع ، و نیز با توجه به باقی ماندن مدرسه ترکها « امام هادی علیه السلام » در دوره حاکمیت مطلق تشیع در اصفهان ، به خوبی معلوم است که مربوط به تشیع میباشد . در مدرسه ترکها شخصیت هائی تحصیل علم نموده اند ، همانند :

۱- نویسنده محقق ، آقای أبو القاسم رفیعی مهرآبادی ، که صاحب تألیفات ارزشمندی همانند : آثار ملی اصفهان و آتشکده اردستان و تذکره خط و خطاطان می باشد ، و از چهره های معروف و نویسندگان عالیقدر به شمار می رود .

۲- نویسنده عالیقدر ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، صاحب تألیفات بسیار (۲) که صاحب حق ، در زمینه شناساندن چهره های علمی و دینی اصفهان

ص: ۵۷

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۵

۲- از قبیل رجال اصفهان ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، زندگینامه علامه مجلسی ، (دو جلد) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان (سه جلد) ، بیان المفاخر (دو جلد) ، سیری در تخت فولاد ، تاریخچه محله خواجه و شمار دیگری از تألیفات ارزشمند

و معرّفی عظمت تاریخی و علمی این شهر بزرگ و ارزشمند ، می باشند .

۳- مرحوم حاج سیّد مصطفی « مؤید الأطباء » ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، فرزند حاج سیّد محمّد تقی طیب حسینی درب امامی ، که از اُطباء معروف اصفهان بوده ، و عصرها ، در یکی از حجرات این مدرسه طبابت می نموده است (۱).

۸- مدرسه جعفریه

یکی از مدارس بسیار مهم و ارزشمند شیعه در اصفهان ، که متعلّق به دوره های قبل از صفویّه می باشد ، و از نشانه های روشن تفکر و اعتقاد شیعی در اصفهان ، در قرن هشتم به شمار می رود ، مدرسه جعفریه است ، که در کنار بقعه و مزار امام زاده جعفر علیه السلام « جعفریه » (واقع در خیابان هاتف فعلی) بوده است

این مدرسه ، به احترام ، و به مناسبت شخصیت بزرگ علمی و اجتماعی و مبارزاتی عالم شهید ، سیّد جعفر (مشهور به امامزاده جعفر) متوفی و شهید در سال ۷۲۵ هجری ، تأسیس گشته ، و به نام « مدرسه جعفریه » نامیده می شده است (۲).

شاردن در سفرنامه خود می نویسد : سپس به مدرسه جعفریه که با وجود قدمت ساختمان ، بسیار زیبا است می رسیدیم . نقاط مهم این مسجد (مدرسه) از سنگ مرمر و کاشی بنا شده است (۳).

این عبارت نشان می دهد که همانند بقعه جعفریه ، ساختمان مدرسه ، از

ص: ۵۸

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۵۷

۲- درباره بقعه جعفریه ، و شخصیت امامزاده جعفر ، در بخش « بقعه های علمی » بحث و بررسی داریم ، مراجعه شود

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۵

استحکام و عظمت و زیبایی برجسته ای برخوردار بوده است .

و جابری أنصاری دربارهٔ این مدرسه می نویسد : و مقبرهٔ جعفریّه ، در صد و پنجاه ذرع تخمیناً ، فاصله با امامزاده اسماعیل علیه السلام است ، که گنبد و بقعه و ضریحی دارد ، که برابرش ، قبر سید مرتضی پدرش ، در آن صندوق است ، و این مقبره را بنائی عالی و وسیع بود ، و کاشیکاری معرّق ممتاز ، از بهترین کاشی کاریهای قدیم ، و مدرسهٔ بزرگ نیز جنب آن بود ، دارای حجرات و کاشی کاریهای شگرف ، که از همه کاشیها بهتر می نمود ، و آن مدرسه را مجاورین ، جزو خانه های خود نموده ، و کاشی ها نیز ، مانند سایر کاشی ها و عتیقه جات ، راه برونی گرفت ، و خود جعفریّه ، سید جعفر بن سید مرتضی (۱) و نسبش به سید حسن بن حسین بن محمّد بن علی بن الحسین می رسد ، که با امامزاده أحمد علیه السلام ، از نژاد حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می باشند ، و شهادتی در سید بوده ، که روی سنگ قبرش نوشته ، صاحب شمشیر و قلم هر دو بوده ، و شجاع و پهلوان و رشید ، و پدر و پسر ، هر دو را شهید می نویسند ، و مقاماتی شامخ و ألقابی عالی ، برای آنها رقم می نمایند (۲) .

آثاری از دورهٔ آبادی و فعالیت علمی در این مدرسه ، باقی مانده است که ، ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم :

۱- در میان کتب خطی دانشکدهٔ حقوق ، نسخه ای از « لوائح جامی » ، به خط عبد الغفار بن محمّد بن یحیی رشتی وجود دارد ، که در سال ۱۰۲۰ آن را در

ص: ۵۹

-
- ۱- دربارهٔ نام پدر سید جعفر « در بخش بقعه های علمی » بحث نموده ایم ، و طبق دقت در نوشته سنگ قبر امامزاده جعفر ، نام پدر ایشان را « حسن » نشان داده ایم ، مراجعه شود
 - ۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۱۹۰-۱۹۱

۲- در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، از نسخه ای از تفسیر «التحریر» شرح تحریر مجسطی ، از نظام نیشابوری ، حسن بن محمد (م - ۷۳۰) یاد شده ، که به خط نستعلیق ریز نوشته شده ، و کاتب آن در سال ۱۰۲۶ ، نسخه را در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته ، و به پایان رسانیده است (۲) .

۳- نسخه ای از کتاب مطول به خط نسخ صادق بن امین ، در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار وجود دارد ، به شماره ۱۰۵۹ ، که در سال ۱۰۵۰ ، در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته شده است (۳) .

۴- در کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از قواعد الأحکام علامه حلّی وجود دارد ، به شماره ۱۹۱۹ ، که به خط نستعلیق محمد رضا بن قاضی محمد چکانی می باشد ، و در سال ۱۰۵۳ در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته شده است (۴) .

مدرسه جعفریه ، از زمان تأسیس تا دوره صفویه ، و سپس تا اوائل قرن چهاردهم ، باقی بوده ، چنانچه از عبارت مرحوم جابری أنصاری « متولّد ۱۲۸۷ و متوفای ۱۳۷۶ قمری » بر می آید ، که نوشته است: (... و مدرسه بزرگ نیز جنب آن بود ، دارای حجرات و کاشی کاری های شگرف ، که از همه کاشی ها بهتر می نمود ...) ، و پس از آن در اثر حوادث گوناگون ، بالأخص حاکمیت و تهاجم ضدّ دینی حکومت پهلوی اول ، مدرسه جعفریه ویران گردیده ، و فقط بقعه جعفریه و بقعه امامزاده مرتضی ، باقی مانده ، و بخش مهمی از

ص: ۶۰

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۸ ، محیط ادب ، صفحه ۱۰۳

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۱۰ ، بخش چهارم ، صفحه ۱۸۸۱

۳- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲۱

۴- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۳

صحن و ساختمانهای متعلق به جعفریه، به تصرف غاصبین در آمده، و بقعه‌ها نیز، تقریباً متروکه گردیده بود.

در سال ۱۴۰۷ قمری، پس از فوت بانوی صالحه، و زاهده عابده «حاجیه خانم منصوره فقیه احمد آبادی» (مادر نویسنده کمترین) بنت مرحوم آیه الله، حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی (صاحب کتاب مکیال المکارم) و دفن آن سیده صالحه، در صحن امامزاده جعفر علیه السلام، این کمترین (با کمک پدر و برادرانم) تعمیرات قابل توجهی را در مورد بقعه‌ها و صحن امامزاده انجام دادم، و بقعه‌ها از حالت متروکه در آمد، و پس از فوت پدر بزرگوارم «مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره» در تاریخ نهم جمادی الثانیه ۱۴۱۳ قمری (أیام فاطمیّه) و دفن ایشان در بقعه جعفریه علیه السلام، تعمیرات ادامه یافت، و هم اکنون، مزار شریف دو امامزاده بزرگوار، مورد توجه زائرین قرار گرفته، و محل اجتماع و توسل معنوی مردم با ایمان و ولایت می باشد.

۹- مدرسه جلال الدین منکبرنی

(۱)

مدرسه ای بوده که در سال ۶۲۰ هجری، با هزینه سه هزار دینار، به وسیله جلال الدین منکبرنی ساخته شده است (۲).

۱۰- مدرسه جلالی

در کتاب «المختارات من الرسائل» که مجموعه ای از منشئات و فرامین و احکام دیوانی و شرعی و عرفی قرنهای پنجم و ششم و هفتم هجری است، از

ص: ۶۱

۱- لقب جلال الدین خوارزمشاه می باشد، و تلفظ و معنی دقیق کلمه، هنوز معلوم نیست (به لغتنامه دهخدا، لغت منکبرنی مراجعه شود)

۲- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۲۹

مدرسه ای به نام جلالی یاد شده ، که ضیاع آن ، اختلال پذیر شده بوده است (۱).

۱۱- مدرسه جوهان

در شمار مدارس قبل از صفویه ، یکی نیز « مدرسه جوهان » ، نامبرده شده است (۲). محله جوهان ، یکی از محلات اصفهان در قرن ششم و هفتم بوده ، و برخی از چهره های خاندان معروف شَفَرَوَه (شَفَرَوَه ، شَبْرَوَه) در آن سکونت داشته اند ، که از آن جمله است : أبو البرکات ، رزق الله بن هبه الله ، متوفای ۵۶۱ هجری ، و مدفون در مدرسه جوهان (۳).

از جمله بالا استفاده می شود که ، مدرسه جوهان ، در نیمه قرن ششم موجود و مورد توجه بوده است .

خاندان بزرگ و علمی شفره و تشیع

گرچه خاندان علمی شفره ، به تشیع شهرت ندارند ، و بسیاری از شخصیت های آنها ، در شمار پیروان مذاهب دیگر می باشند ، ولی با این حال ، برخی از چهره های آن خاندان ، از مفاخر شیعه می باشند ، و آثار دوستی و محبت شدید نسبت به امیر المؤمنین علی علیه السلام ، در بعضی دیگر ، نمایان و آشکار می باشد ، که ذیلاً به دو نمونه جالب ، توجه می نمائیم (۴).

ص: ۶۲

-
- ۱- المختارات من الرسائل ، صفحه ۲۹۳
 - ۲- مقاله دار العلم شرق ، در مجموعه محیط ادب ، صفحه ۱۰۴
 - ۳- مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷ صفحه ۱۱۵
 - ۴- برای آشنایی با خاندان شفره ، به مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۷ - ۵۸ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸ و لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین ، تحت عنوان شفره و شفره ای ، مراجعه شود

شیخ أبو السَّعادات ، أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، که از مشایخ بزرگوار افتخار عالم تشیع ، مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس حلی بوده ، از چهره های مبرز شیعه و اصفهان ، و خاندان علمی شَفَرَوَه (شَفَرَوَه ، شَفَرَوِيَه) ، به شمار می رود . مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در باره او می نویسد : أسعد بن عبد القاهر بن أسعد بن سفرویه ، أبو السَّعادات اصفهانی ، (و سفروه به جای سفروه نیز نقل شده است) ، او مؤلف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدَّعاء» می باشد و از بزرگان مشایخ رضی الدین ، علی بن طاووس است ، و کتابهایی دارد از قبیل : «مجمع البحرین» و «مطلع السَّعاداتین» و «اکسیر السَّعاداتین» و (۱).

و شیخ بحر عاملی ، در أمل الأمل درباره او می نویسد : شیخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، أبو السَّعادات ، عالمی فاضل و محقق بوده ، و کتابهایی دارد که از آنها است ، کتاب «شرح الولاء فی شرح الدَّعاء» و کتاب «توجیه السَّئوالات فی حل الإشکالات» و کتاب «جامع الدلائل و مجمع الفضائل» و غیر اینها . علی بن طاووس از او روایت میکند ، و محقق ، بزرگ ، خواجه نصیرالدین طوسی ، و میثم بن علی بحرانی ، در نزد او تحصیل علم نموده اند (۲) .

وصاحب أعیان الشَّیعه ، آقا سید محسن امین جبل عاملی درباره او مینویسد : مولی أبو السَّعادات بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، عالمی فاضل و بزرگوار و محقق است ، علی بن موسی بن طاووس ، همه کتب و اصول و مصنَّفات را ، از او نقل می نماید ، چنانچه در أوَّل «فلاح السَّائل» ، تصریح

ص: ۶۳

۱- طبقات أعلام الشَّیعه ، الأنوار السَّاطعه (مربوط به قرن هفتم) ، صفحه ۱۷

۲- أمل الأمل ، قسم دوم ، صفحه ۳۲

نموده است ، و کفعمی نیز از او نقل حدیث مینماید ، در حواشی کتاب « جَنَّهُ الْوَأَقِيه » و غیر او ، و او را با عنوان (الشَّيْخُ الْعَالِمُ) ستوده است ، و علامه مجلسی ، در جلد ۱۷ بحار او را یاد نموده ، و فرموده که او از أصحاب ما است (و از علمای شیعه اثنی عشریه می باشد) ... (۱) . و در کتاب الذَّرِيعَه آمده است:

« أَلْفَائِقُ عَلَى الْأَرْبَعِينَ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ » یا (کتاب أَلْفَائِقُ) از اَبِي السَّعَادَات ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ بْنِ سَفْرُويَه اصفهانی ، چنانچه در بعضی نسخ است ، و شاید شقروه باشد ، که اسم یا لقب جدّ او است ... سَيِّدُ بْنُ طَاوُوسٍ ، در کتاب (الطَّرَائِفُ) گفته است که ، در این کتاب ، أَحَادِيثُ صَرِيحِي است از پیامبر أَكْرَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در مورد خلافت اَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و مناقب بسیار ارزشمندی نقل نموده است ... و این أَبُو السَّعَادَات ، از مشایخ ابن طَاوُوسٍ می باشد (۲) .

و نیز در کتاب الذَّرِيعَه است : « اَكْسِيرُ السَّيِّعَاتِيْنَ » ، از شَيْخِ أَبِي السَّيِّعَاتِيْنَ ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ اصفهانی ، که سَيِّدُ رَضِيِّ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ طَاوُوسِ حَلِّي ، همه کتب و اصول و مصفّات را در سال ۶۳۵ از او روایت کرده ، (چنانچه در أَوَّلِ فَلَاحِ السَّائِلِ تصریح نموده است) (۳) . و هم چنین در کتاب الذَّرِيعَه آمده است

رَشْحُ الْوَلَاءِ فِي شَرْحِ الدَّعَاءِ « یعنی دَعَا صَيِّمَتِي قَرِيْشِ » ، از شَيْخِ أَبِي السَّيِّعَاتِيْنَ ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ بْنِ أَسْعَدِ اصفهانی ، که سَيِّدُ رَضِيِّ الدِّينِ ، جَمَالُ السَّالِكِيْنَ ، عَلِيُّ بْنُ طَاوُوسِ ، و مُحَقِّقُ ، نَصِيْرُ الدِّينِ طَوْسِي و شَيْخِ مِيْثَمِ بَحْرَانِي از او روایت

ص: ۶۴

۱- أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جديد ، جلد ۳ ، صفحه ۲۹۷

۲- الذَّرِيعَه ، جلد ۱۶ ، صفحه ۹۰

۳- الذَّرِيعَه ، جلد ۲ ، صفحه ۲۷۸

می نمایند ... (۱).

و هم چنین در کتاب الذریعه ، جلد ۴، پیرامون کتاب « توجیه السئالات » و در جلد ۵ در مورد معرفتی کتاب « جامع الدلائل » و در جلد ۲۰، به مناسبت ذکر « مجمع البحرين و مطلع السعادتین » و در جلد ۱۰، صفحه ۹ - ۱۰، و جلد ۸، صفحه ۱۹۲، و جلد ۱۱، صفحه ۲۳۶، و جلد ۱۳، صفحه ۲۵۶ - ۲۵۷، در مورد کتاب « رشح الولاء، فی شرح دعاء صنمی قریش »، مطالب جالبی آمده است .

حادثه ای جالب ، و اشعاری بدیع ، و شور و عشقی ریشه دار

یکی از چهره های خاندان شفر وه ، به نام حسین بن عبید الله نقل می کند که ، پدرش ، أبو الوفاء، عبید الله بن هبه الله ، متوفای ۵۸۵ هجری ، که در علم و فضل و ادب ، از اعیان اصفهان بوده، و در فصاحت و بلاغت و ظرافت و لطافت ، در نظم و نثر ، مقامی بلند داشته است ، در ضمن سفر حج وارد بغداد می شود ، و روزی در مدرسه ناجیه بغداد ، به ذکر مناقب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می پردازد ، و در این هنگام ، مقارن غروب آفتاب بوده ، بالبداهه این اشعار را انشاء می نماید:

لَا تَعْجَلِي يَا شَمْسُ حَتَّى يَنْتَهِي

مَدْحِي لِفَضْلِ الْمُؤْتَضِي وَ لِنَجَلِهِ

يَشِي عِنَانِكَ إِنْ عَرَبْتِ ثَنَاؤُهُ

أَنْسَيْتِ يَوْمًا قَدْ رُدِدْتِ لِأَجَلِهِ

إِنْ كَانَ لِلْمَوْلَى وَوُفُوكِ فَلْيَكُنْ

هَذَا الْوُقُوفُ لِخَيْلِهِ وَ (۲) لِرَجَلِهِ

یعنی : عجله و شتاب نکن ای خورشید (برای غروب کردن) تا به پایان برسد ستایش من ، در مورد (علی) مرتضی و فرزندان او علیه السلام

ص: ۶۵

۱- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱۱ ، صفحه ۲۳۶

۲- مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷، صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵

جمع میکند (و می گیرد) عنان تو را، اگر غروب کنی، ثنای او (۱) آیا فراموش کرده‌ای روزی را که به خاطر او باز گردانده شدی (۲).

اگر به خاطر مولی (در آن روز) توقف کردی، پس باید همین توقف را (امروز)، به خاطر سواره و پیاده او، (که از خدمت گذران اویند) انجام دهی.

این داستان جالب، شور و محبت و دوستی عمیق این دانشمند و سخنور اصفهانی شفروه ای را، نسبت به مقام و فضائل مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به خوبی نشان می دهد، و از نشانه های ارتباط قلبی مردم و علماء قدیم اصفهان با مقام ولایت اهل البیت علیهم السلام، به شمار می رود.

مشابه داستان یاد شده را، سبط بن جوزی، در کتاب «تذکره خواصّ الأئمّه» صفحه ۳۱، (چاپ فرهاد میرزا) با مقداری تفاوت، از ابی منصور مظفر بن اردشیر عبادی واعظ، نقل نموده است، و نیز گنجی شافعی در کتاب «کفایه الطالب» و ابن حجر هیتمی در «الصّواعق المحرّقه» و شیخ سلیمان حنفی قندوزی در «ینایع الموده» و دیگران، عین قضیّه سبط بن جوزی را نقل نموده اند (۳).

مدرسه ای است در خیابان هاروتیه، نزدیک به مزار شریف امامزاده

ص: ۶۶

۱- اشاره به این که عظمت معنوی ثناخوانی علی علیهم السلام، آنقدر است که نمی گذارد تو غروب کنی، و عنان گیر تو خواهد شد

۲- اشاره است به حدیث مشهور ردّ شمس (بازگرداندن خورشید) برای علی علیهم السلام که در میان کتب شیعه و سنّی مشهور و معروف می باشد

۳- احقاق الحق (با تعلیقات آیه الله مرعشی نجفی)، جلد ۵، صفحه ۵۲۲ - ۵۲۴

هارون ولایت علیه السلام و متصل به مسجد علی و مناره بزرگ مجاور آن ، که در حال حاضر معروف به ،

۱۲- مدرسه حاج حسن

مدرسه حاج حسن می باشد ، و احتمال دارد که این مدرسه ، همان مدرس سلطان محمد سلجوقی است (۱) که در زمان صفویّه تعمیرات و تغییراتی اساسی یافته است .

در سردر این مدرسه ، پس از بسم الله الرحمن الرحيم و حدیث نبوی : **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا** ، نوشته شده است :

سرمایه نجات بود مهر بو تراب

خواهی اگر نجات ، از او روی بر متاب

مدرسه حاج حسن دو طبقه است ، و اطراف آن حجرات و ایوانها قرار گرفته ، و با آنکه از آثار تاریخی اصفهان به شمار رفته ، ولی دچار ویرانی شده ، و متروکه گردیده است .

نویسنده آثار ملی اصفهان ، در سال ۱۳۰۸ شمسی ، از این مدرسه دیدار نموده ، و برخی از محصلین علوم جدید و کمی طلبه ، در آن سکونت داشته اند ، و به نظر همین نویسنده ، ساختمان مدرسه ، اگر هم مربوط به زمان سلجوقیان باشد ، ولی شکی نیست که کتیبه آن (که در بالا ذکر گردید) از زمان صفویّه به بعد ایجاد شده ، و از همان موقع ، به عنوان مدرسه حاجی حسن شهرت یافته است ، و قاعدتاً باید در زمان صفویّه به حالت ویرانی در آمده باشد ، تا حاجی حسن ، در صدد احیاء و تعمیر آن بر آمده باشد (۲).

حکیم و طیب نامدار و عظیم الشان ، مرحوم آقا میرزا أبو القاسم طیب

ص: ۶۷

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۷۹

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶۹

ناصر حکمت (متوفای ۱۳۷۱ قمری) که در تقوی و فضیلت و علم و دانش و طب یونان ، علماً و عملاً سرآمد بوده و در این مدرسه به تدریس کتب طب قدیم و مداوای بیماران می پرداخته است (۱) و پدر این نویسنده کمترین ، یعنی مرحوم آیه الله ، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره متوفای ۱۴۱۳ قمری ، از شاگردان پرتلاش و مورد علاقه آن بزرگمرد در علم طب ، به شمار می رفتند .

۱۳- مدرسه خواجه صدرالدین علی طبیب

مدرسه ای است در روستای نصر آباد ، در مغرب اصفهان ، که بانی آن ، صدرالدین علی طبیب (جدّ اعلاّی مؤلف تذکره نصر آبادی) می باشد ، و آن را در قرن نهم ، در کنار خانقاه شیخ أبو القاسم نصر آبادی ، بنا کرده است .

این مدرسه که با خانقاه ، با عنوان (تکیه میان ده نصر آباد) اشتها دارد ، قسمتی از کاشی های آن از بین رفته ، و در قسمت باقی مانده ، نام صدرالدین علی طبیب (بانی مدرسه) و تاریخ بناء (سنه اربع و خمسين و ثمان مائه) یعنی ۸۵۴ هجری ، دیده می شود ، و هم چنین این اشعار : کمترین بندگان آستانش صدر دین

کرد سال هشتصد و پنجاه و پنج ، این یادگار

عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكُّلِي

و بِالْخَمْسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ تَوَسُّلِي

مُحَمَّدِ الْمَبْعُوثِ وَ ابْنَيْهِ بَعْدَهُ

وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْمُؤْتَضِي عَلِي

دیده می شود (۲) و به طور وضوح مشخص می شود که این مدرسه متعلق به شیعه بوده است .

ص: ۶۸

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۷۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از ۳۲۹ تا ۳۳۳ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۰ - ۸۲۱

۱۴- مدرسه دّوم خواجه صدرالدّین علی طیب

خواجه صدر الدّین علی طیب ، علاوه بر مدرسه نصر آباد ، مدرسه ای در حوالی مسجد جامع قدیم ساخته ، و در جنب خانه میرزا هدایت الله طیب ، که تا اوائل زمان میرزا طاهر نصرآبادی ، مؤلف « تذکره نصرآبادی » در گاه آن باقی بوده ، و در اواخر کار ، اثری از آن باقی نمانده است (۱).

۱۵- مدرسه سوّم خواجه صدر الدّین علی طیب

خواجه صدرالدّین ، مدرسه دیگری هم در محله بابا قاسم در کوچه میرزا شریف حکیم ساخته ، و تا زمان میرزا طاهر نصرآبادی (که از اُحفاد وی می باشد) باقی بوده است (۲). این دو مدرسه نیز ، متعلّق به شیعه بوده است .

۱۶- مدرسه خواجه ملک « مدرسه شیخ لطف الله »

این مدرسه در جوار مسجد شیخ لطف الله ، و میدان بزرگ نقش جهان بوده است . جنوب آن متّصل به مسجد شیخ لطف الله ، و شمال آن تا محلّ فعلی سرای بیگدلی (واقع در خیابان حافظ) امتداد داشته ، و در نتیجه ، از نظر وسعت و مساحت زمین ، بسیار بزرگ بوده است .

به نظر عدّه ای از صاحب نظران مسائل تاریخ و جغرافیای اصفهان ، مدرسه خواجه ملک ، همان مدرسه شیخ لطف الله است ، که شماری از نسخ خطّی موجود در کتابخانه های معاصر ، در آن مدرسه نوشته شده است ، و به مناسبت سرپرستی و تدریس شیخ لطف الله میسی در آن ، به نام آن بزرگمرد نامیده شده ،

ص: ۶۹

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

ولی در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان، احتمال قوی داده اند که، مدرسه شیخ لطف الله، در جنوب مسجد شیخ لطف الله، و مدرسه خواجه ملک، در شمال مسجد بوده است.

آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسند: به نظر نویسنده، دو مدرسه در طرفین مسجد شیخ لطف الله قرار داشته است، آن که به سمت جنوب بوده، مدرسه شیخ لطف الله است، که فعلاً کاروانسرای مخروبه ای است، و آن که در جهت شمال قرار دارد، (سمت چپ کسی که روبروی در مسجد می ایستد)، مدرسه خواجه ملک نام داشته است (۱).

و سید عبد الحجه بلاغی می نویسد: ...، و نیز مدرسه خواجه ملک ...، و مدرسه شیخ لطف الله، قرینه او، که الان کاروانسرا شده (۲).

و نویسنده کمترین، نظریه اول را ترجیح می دهد، و بر این مبنی بررسی خود را دنبال می نمایم.

اصل مدرسه خواجه ملک، متعلق به قبل از صفویه است (۳) ولی خواجه ملک، که از بزرگان اصفهان بوده، و در زمان شاه اسماعیل صفوی زندگی میکرده، مدرسه را توسعه می دهد، و سرائی هم در کنار او بنا میکند (۴).

مدرسه خواجه ملک، همان طوری که از نظر مساحت و وسعت برجستگی داشته، از نظر علمی و معنوی نیز، از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده، تا آنجا که بسیاری از شخصیت های علمی و دینی آن زمان، از طلبه ها و تربیت

ص: ۷۰

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۷

۲- أنساب خاندانهای مردم نائین، صفحه ۱۲۳

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۵۷ و دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۰۱

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۸۲

شده های این مرکز علمی و حوزه ای بوده اند .

صاحب روضات الجنات ، که خود چهره و شخصیت بزرگ علمی اصفهان ، در زمان خویش بوده، و نظری بلند دارد، در دو قسمت از کتاب نفیس «روضات الجنات» به تعریف و تمجید از این مدرسه می پردازد ، که ذیلاً بیان می نمائیم :

۱- در قسمت شرح حال شخصیت برجسته و بارز شیعه و حوزه اصفهان ، یعنی محقق عظیم الشان و استاد الکل ، آقا حسین خوانساری قدس سره متوفای ۱۰۹۹ هجری ، و محلّ تحصیل آن بزرگمرد ، می نویسد :

وَنَزَلَ فِي مَدْرَسِهِ خَواجِه مَلِك، الَّتِي هِيَ بِجَنْبِ مَسْجِدِ الشَّيْخِ لُطْفِ اللَّهِ ، الْوَاقِعِ فِي مِیدانِ الشَّاهِ ، وَهِيَ مِنْ أَكْثَرِ مَدَارِسِ الْبَلَدِ الْمَشَارِ إِلَيْهِ ، بَرَكَهَ وَ أَوْفَرِهَا تَأْثِيراً ، فِي بُلُوغِ طَلَبِهِ الْعُلُومِ إِلَى مَعَارِجِ الْعِلْمِ وَ الْيَقِينِ وَ قَدْ بُنِيَتْ مِنْ قَبْلِ ظُهُورِ الدَّوْلَةِ الصَّفَوِيَّةِ أَوْ فِي أَوَائِلِ تَلْمَكِ الدَّوْلَةِ ... وَ كَانَتْ الْمَدْرَسَةُ الْمَوْصُوفَةُ مُنْذُ بُنِيَتْ مَحْطاً لِرِحَالِ أَكابرِ الْفَضْلِ وَ مَجْمَعاً وَ مُحْتَشِداً لِأَعْظَمِ الْعُلَمَاءِ وَ الْفُقَهَاءِ ... فَبَقِيَ الْأَقْبَانُ حَسِينُ الْمَدِينِ كُورُ ، هُنَالِكَ مَشْغُولاً بِالْإِفاضَةِ وَ الْإِرْشَادِ ، مَا غَبَّ إِسْتِفاضَتُهُ عَلَى حَسَبِ الْمَرادِ ، مِنْ مِياَمِنِ أَنْفاسِ كُلِّ أَسْتادٍ (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، در این عبارات جالب ، مدرسه خواجه ملک پربرکت ترین و مؤثرترین مدارس ، در رساندن طلاب علوم دینی ، به مرتبه های بلند علم و یقین معرفی گردیده ، و توضیح داده شده ، که این مدرسه از ابتداء تأسیس ، محلّ بار فرود آوردن بزرگترین فضلاء ، و محلّ اجتماع بزرگترین فقهاء و شخصیت های علمی بوده است ، و مرحوم آقا حسین خوانساری هم در این مدرسه ، علاوه بر استفاده علمی از اساتید بزرگ ، شخصاً به تدریس و افاضه می پرداخته است .

ص: ۷۱

۲- در بخش شرح حال و معرّفی عالم عظیم الشّان، مولی محمّد زمان بن مولی کلبعلی تبریزی (از علماء نیمه اول قرن دوازدهم) که از شاگردان بزرگ علامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و شیخ جعفر قاضی رضوان الله علیهم بوده، مطالبی می نویسد، که مفادش چنین است: او صاحب تصنیف های متعدّده است که از آن جمله، شرح بر «زبده الاصول» شیخ بهائی و... و نیز «فرائد الفوائد، فی احوال المدارس و المساجد» (۱) می باشد.

این کتاب را در روزگاری که این بزرگمرد، در مدرسه شیخ لطف الله (۲) وارد شده، و امور مدرسه، از طرف سلطان، به ایشان واگذار گردیده بوده، تألیف نموده است.

ص: ۷۲

۱- نسخه کتاب فرائد الفوائد، که مورد استفاده صاحب روضات الجنّات بوده، در دسترس محققین متأخر نبوده است، تا آنجا که گمان میرفته نسخه آن از بین رفته باشد، تا آن که آقای ایرج افشار، به نسخه منحصر به فرد این کتاب، در کتابخانه پادشاهی برلین، برخورد می نماید، و ضمن مقاله ای، آن را مورد معرّفی قرار داده، و در ضمن آن مقاله می نویسد: این کتاب، که رساله ای است به فارسی، در احوال مدارس و مساجد، و در باب تعلیم و تربیت اسلامی است، و علی الظاهر، کتابی است مستقل و یکتا در زبان فارسی، با مزایائی از قبیل بعضی اطلاعات تاریخی مربوط به اصفهان دوره صفوی، و علماء آن عهد، و تألیف شخصی است به نام (محمّد زمان بن کلبعلی تبریزی) که خود ساکن مدرسه خواجه ملک بوده، و در سال ۱۱۲۲ از تألیف آن فارغ شده است. وی (ملا محمّد زمان) راجع به مدرسه خواجه ملک، در فصل ششم کتاب، می نویسد: این مدرسه در نزد فرقه محقه (یعنی شیعه اثنی عشریه) چون مدرسه نظامیه است، پیش اهل سنت (تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۲۶۵ - ۲۶۶)

۲- به اعتبار این که در زمان مرحوم شیخ لطف الله میسی، مدرسه خواجه ملک، زیر نظر آن بزرگمرد بوده، مدرسه شیخ لطف الله می نامند

نویسنده ، در کتاب یاد شده ، در تعریف و تمجید از مدرسه نامبرده ، مبالغه بسیار نموده ، و بخشی از برکات این مدرسه ، که خود نویسنده تجربه نموده ، و آثار لطیفی که در تربیت طلاب داشته (۱) ذکر نموده است (۲) ، آنگاه عده ای از شخصیت های برجسته علمی و دینی ، که در این مدرسه مبارکه تربیت گردیده ، و به ترقیات کامله رسیده اند ، یاد میکند ، و ما نیز ، همانها را بر می شمیریم :

۱- (استاد الفقهاء و الحکماء ، محقق نامدار) آقا حسین خوانساری قدس الصبره

۲- مولی ، شمس الدین گیلانی ، صاحب حاشیه بر شرح حکمه العین و بر حاشیه خفزی بر حاشیه قدیم .

۳- مولی حسن گیلانی ، که در آن عصر ، در فضیلت و تقوی ، نظیر نداشته است ۴- ملا مراد تفرشی ، صاحب حاشیه بر فقیه و مختلف ، و دیگر آثار تألیفی . ۵- امیر سید حسین عاملی ، صاحب تألیفات گرانقدر ، همانند رساله جمعه . ۶- مولی علی قلی خلخالی ، که ادیبی ماهر بوده است . ۷- زبده المحققین و أسوه السالکین ، مولی رجبعلی تبریزی

۸- امیر قوام الدین طهرانی ، که شاگرد مولی رجبعلی تبریزی ، و مؤلف کتاب عین الحکمه بوده است .

۹- عمده الزهاد ، مولی موسی طبسی

۱۰- فرزند عزیز او ، حاج محمد مؤمن ، صاحب کتاب مناهج العرفان (که به نظر صاحب روضات الجنات ، وی از اجلاء عرفاء متأخرین بوده ، و کتابش بزرگ ،

ص: ۷۳

۱- وَقَدْ بَالَعَ فِي الثَّنَاءِ عَلَى تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ أَشَارَ فِيهِ إِلَى نَبْذِهِ مِنْ بَرَكَاتِهَا الْمُجَرَّبَةِ ، وَ مِيَامِنِ تَأْثِيرَاتِهَا اللَّطِيفَةِ فِي حَقِّ الطَّلَبِ ...

۲- روضات الجنات ، چاپ قدیم ، صفحه ۲۸۸ - ۲۸۹

و در دو مجلد میباشد ، که در زمینه خودش ، همانند ندارد) .

۱۱- میراسماعیل خاتون آبادی ، صاحب بقعه و تکیه معروفه در تخت فولاد

۱۲- فرزند او ، علامه ، رئیس فضلاء زمان ، میر محمد باقر خاتون آبادی

۱۳- مولی محمد صالح استر آبادی

۱۴- مولی چلبی موصلی

۱۵- مولی محمد حسین بروجردی

۱۶- مولی سعدی رشتی

۱۷- مولی محمد علی طهرانی (۱) ، آنگاه صاحب روضات ، می فرماید : و از جمله فضلاء بزرگی که در مدرسه خواجه ملک تحصیل علم کرده اند ، همانا فاضل محقق ، و متکلم حکیم ، و فقیه بارع ادیب ، مولی أبو القاسم بن محمد ربیع جرفادقانی (۲) صاحب تصنیفات بسیار ، و حواشی لطیف بر بسیاری از کتب معقول و منقول می باشد .

سرگذشت مدرسه خواجه ملک

مدرسه خواجه ملک ، در دوره شاه عباس اول تعمیر گردیده ، و استادی رسمی آن به شیخ لطف الله میسی واگذار شده بوده است (۳) .

وسعت و گستردگی صحن مدرسه خواجه ملک تا آنجا بوده ، که به خاطر آن در هنگامی که مسجد شیخ لطف الله را که از مساجد بسیار شکوهمند و زیبای اصفهان است تأسیس میکنند ، صحنی برایش در نظر نمی گیرند و صحن مدرسه

ص: ۷۴

۱- روضات الجنات ، صفحه ۲۸۸

۲- جرفادقان معرب گلپایگان میباشد (فرهنگ معین)

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۸۴

خواجه ملک را ، جانشین صحن جداگانه برای مسجد قرار میدهند .

مدرسه خواجه ملک ، در اثر حوادث تاریخی پس از حکومت صفویّه از بین رفته ، و محلّ آن به صورت خانه های مسکونی و محلّ کسب و کار در آمده است

آثاری از مدرسه خواجه ملک

در میان کتابهای باقی مانده از دوره های گذشته ، نسخه های ارزشمندی ملاحظه می شود، که در این مدرسه نوشته شده ، و زینت بخش کتابخانه های معتبر معاصر می باشد ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود .

۱- نسخه ای از «تهذیب الوصول الی علم الاصول» علامه حلّی را ، یکی از علماء ، به نام أبو القاسم بن محمّد بن میرزا علی گلپایگانی، در دهه آخر رمضان ۱۰۴۴ هجری، در مدرسه شیخ لطف الله ، به خطّ نستعلیق نوشته است (۱).

۲- نسخه ای از « شرائع الإسلام» محقق حلّی را ، عبد القادر بن حیدر قهپائی، در مدرسه شیخ لطف الله ، تحریر نموده است (۲)

۳- نسخه ای از « التلخیص » ابن رشد اندلسی را شخصی به نام گدا علی مشهدی ، در مدرسه شیخ لطف الله اصفهان ، در پنجشنبه دوازدهم جمادی الأولى ۱۰۷۴ به پایان رسانیده است (۳) .

۴- نسخه ای از « قواعد » شهید اول را ، محمّد قاسم بن أحمد طبرستانی ما پطری ، در مدرسه شیخ لطف الله میسی عاملی ، در سال ۱۰۶۹ هجری نوشته

ص: ۷۵

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۸ ، صفحه ۴۸۱

۲- فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۲۳۴

۳- فهرست کتابهای خطّی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۷

است (۱).

۵- نسخه‌ای از «شافیه» (در علم صرف) را، محمود بن محمد کاظم اصفهانی، در مدرسه شیخ لطف‌الله، به خط نستعلیق نوشته است (۲).

مدفن ابن سینا، نزدیک مدرسه خواجه ملک

پس از آنکه تحقیق و بررسی اینجانب درباره مدرسه خواجه ملک پایان یافت، و مقاله مربوط به آن را تکمیل نمودم، به مقاله‌ای محققانه از استاد محقق و نامدار، مرحوم جلال‌الدین همایی برخورددم، که در مورد بوعلی سینا و رابطه‌اش با اصفهان، تهیه شده، و در جلد دوم جشن نامه ابن سینا (از سلسله انتشارات انجمن آثار ملی) به چاپ رسیده است. در این مقاله، بخشی دارد که مناسب با این قسمت می‌باشد، و ذیلاً درج می‌گردد:

مدرسه خواجه ملک (به فتح میم و کسر لام) در قسمت شرقی میدان شاه، اوائل بازار آهنگران، جنب مسجد شیخ لطف‌الله، از مدارس طلبگی بسیار قدیم اصفهان، محل تحصیل جماعتی از علماء بزرگ بوده، و در فتنه آفاغنه، خرابی کلی بدان راه یافته، تا کم کم خراب شده، و در این اواخر زمین آن به خرید و فروش رفته، اکنون محل آن به نام «تیمچه شیخ حیدر» معروف است. با این وصف، خوشبختانه هنوز از بقایای عمارات قدیمش، دو حجره در سمت شمال صحن بزرگ تیمچه موجود است، به علاوه دو سه محل سنگ‌کاری و آجرکاری که وضع بنای قدیم را حکایت می‌کند، و از روی اطلال (نشانه‌های) باقی مانده معلوم می‌شود، که اصل بنا، متعلق به دوره‌های قدیم قبل از صفویه است.

ص: ۷۶

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۴۴۴

۲- یادداشتهای آقای مهدوی به نقل از فهرست کتابخانه رضویه قم، صفحه ۴۸

وضع این مدرسه را در حالتی که مخروبه و خالی از سکنه بود، خود این بنده و بسیاری از اهالی اصفهان که سنتشان کمتر از پنجاه نباشد، تا این اواخر دیده ایم

چون از مسجد شیخ لطف الله، وارد بازار آهنگران می شوی، به فاصله حدود پنجاه قدم، مدرسه خواجه ملک در ضلع شرقی بازار واقع بود.

درب بزرگ مدرسه، در طرف شمالی کوچه باز میشد، که به « محله تحت گنبد » راه داشت، در جلوخان مدرسه، طاق مرتفع زیبایی بود، مقابل درب مدرسه در ضلع جنوبی کوچه، که پشت « مسجد شیخ لطف الله » می شود، سردابه ای وجود داشت، که آن را نیز، « مقبره ابوعلی سینا » می گفتند.

سردابه، از بین رفته، و تغییرات کلی در آن واقع شده، اما محل آن در حال حاضر، قسمتی پشت دکه انبرسازی است، که پهلوی درب تیمچه شیخ حیدر

مدرسه خواجه ملک قدیمی (واقع شده است، و قسمتی از آن سردابه نیز، به ولایت شرعیه مرحوم حاج شیخ جمال الدین مسجد شاهی (مجتهد و روحانی معروف) که امام جماعت مسجد شیخ لطف الله بود، جزو متوضاً و حوضخانه آن مسجد گردید.

خلاصه آنکه، آن سردابه نیز به «مدفن ابوعلی سینا» اشتهار داشت (1) و هنوز اشخاصی در آن محل هستند، که وضع بنای مدرسه خواجه ملک و سردابه مجاور آن، و شهرت آن را به «مقبره ابوعلی سینا» خوب به خاطر دارند.

یکی از فضیلتی منسوب به حاج شیخ جمال الدین، برای بنده حکایت کرد، که چون برای ساختن متوضاً و حوضخانه جدید مسجد شیخ لطف الله، در این

ص: ۷۷

۱- هم چنانکه گنبد مدرس ابن سینا در محله در دشت اصفهان به مدفن ابن سینا اشتهاری دارد (صفحه ۲۸۷ از کتاب جشن نامه ابن سینا جلد ۲).

حول و حوش ، کند و کوب می کردند، به سردابه بزرگ آجری رسیدند ، که در وسط آن قبری مجلل با سنگ لوح قدیمی به خط کوفی بود ، اهل فن خواندند و معلوم شده که « مدفن شیخ الرئیس ابوعلی سینا » همین جا است ، اما دانسته نشد که با سنگ قبر چه معامله کردند ؟ (۱).

مقاله مفصل (رابطه ابن سینا با اصفهان) که توسط استاد جلال الدین همائی ، (که محقق بزرگ درباره تاریخ اصفهان و بزرگان آن می باشد) تهیه ، و در جشن هزاره ابن سینا ، در تاریخ یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ (۲۱ شعبان ۱۳۷۳ قمری) به صورت سخنرانی ، توسط آن بزرگمرد ایراد گردیده است .

۱۷- دار السیاده

سلطان محمود ، غازان بن ارغون خان مغول ، (برادر سلطان محمد خدابنده) از دوستاناران خاندان عصمت و طهارت علیه السلام بود ، و در سال ۷۰۲، از مذهب اهل سنت فاصله گرفت، و به مذهب حق شیعه امامیه روی آورد (۲) و همین امر سبب شد که ایلخانان ایران ، نه تنها قبول اسلام نمودند ، بلکه در عهد جانشینان غازان ، به تشیع گرویدند، و خود مروج آداب اسلامی شدند (۳).

غازان خان ، دو نوبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به خواب دید ، و آن حضرت ، توجه او را نسبت به امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام معطوف نمودند ، و در بیداری هم ، آثار و برکات زیادی را در اثر عنایت و توجه به اهل بیت علیهم السلام دریافت نمود ، و به همین جهت ، توجه به سادات و فرزندان

ص: ۷۸

۱- جشن نامه ابن سینا ، جلد ۲، صفحه ۲۸۹ - ۲۹۰

۲- مجالس المؤمنین ، قاضی نورالله تستری ، ج ۲، ص ۲۵۴ ، به نقل از تاریخ حافظ ابرو

۳- فرهنگ معین جلد ۵، صفحه ۱۲۳۴

پیامبر صلی الله علیه وآله را، در متن فعالیت های اجتماعی خود قرار داد، و «مدارس» و «مساجد» و «دارالسیادهائی» را تأسیس نمود، که از جمله در اصفهان و شیراز و بغداد و تبریز و کاشان و چندین شهر دیگر (۱) دارالسیادهائی تأسیس نموده، و موقوفه هائی برای آنها قرار داد، که سادات و ذراری رسول الله صلی الله علیه وآله در آن اجتماع نمایند، و از درآمد آن موقوفه ها، بهره مند گردند (۲).

دارالسیاده ها، که یکی از آنها در شهر اصفهان تأسیس گشته، منزلگاه سادات و نقباء و اشراف، و محلّ تعلیم و تعلّم اولاد حضرت علی علیه السلام بوده، و بدین جهت، باید دارالسیاده را، در شمار مدارس اصفهان به شمار آورد، و ظاهراً این دارالسیاده، در قتل عام تیمور و خرابی های او، ویران گردیده است (۳).

در کتاب تاریخ زنجان، به نقل از مرحوم علامه مجلسی، نقل شده که در اصفهان چند موضع وجود دارد، که در زمان شاه خدابنده بنا شده، و اسامی ائمه اثنی عشر، بر کتیبه های آنها نقش بسته، و ثبت شده است، که از جمله آنها، مسجد جامع قدیم میباشد، که در سه موضع آن، اسامی آنها ثبت گردیده...، و از جمله، «منار» دارالسیاده است، که غازان خان برادر شاه خدابنده، او را احداث کرده، و خود خدابنده، او را به اتمام رسانیده است (۴).

این مطلب نشان میدهد که، دارالسیاده نه تنها از نظر ساختمانی، دارای

ص: ۷۹

۱- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۰۵، تعداد دارالسیاده ها را ده عدد شمرده است (به نقل از نفایس الفنون)

۲- مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۳۵۵

۳- دارالعلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۰۵، به نقل از مجله نامه آستان قدس شماره ۳۸

۴- تاریخ زنجان، صفحه ۱۹۸

اهمیت و عظمت بوده (تا آنجا که برای آن مناره ایجاد شده) بلکه با نقش بستن نام ائمه اثنی عشر ، شعار تشیع بر آن حاکم بوده ، و ظهور داشته است .

مدرسه در دشت

مراد ، مدرسه سلطان بخت آغا است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۱۸- مدرسه درویشان

این مدرسه ، در محله خواجه ، مجاور قبر شاه حسن بوده است ، ولی در این زمان اثری از آن وجود ندارد (۱).

احتمال دارد این مدرسه ، همان مدرسه شاه حسن « اوزون حسن » باشد ، و به علت سکونت درویشان در او ، به این نام نامیده شده باشد ، و بنابراین ، از مدارس شیعه به شمار می رود .

۱۹- مدرسه سلطان بخت آغا از نشانه های مهم تشیع در اصفهان

در محله در دشت ، سردری بلند و دو مناره وجود دارد ، در کنار گنبد و مقبره سلطان بخت آغا ، که حاکی از وجود مدرسه ای بزرگ و بنای مفصل ، و مجموعه ای گسترده است ، که در طول زمان و در اثر حوادث تاریخی ، از بین رفته است .

سازنده مدرسه ، « خان سلطان » مشهور به « سلطان بخت آغا » دختر امیر غیاث الدین کیخسرو اینجو (مقتوله در ۷۶۰ هجری) است ، که پس از کشته شدن ، در بقعه ای که به نام او است ، و گنبدی زیبا و جالب دارد ، و متصل به دو مناره

ص: ۸۰

در دشت میباید، مدفون گردیده است، و بر قبر او سنگ یکپارچه سماق نفیسی می باشد، که خود او در زمان حیاتش، در سال ۷۵۳ هجری دستور داده آماده کنند، و بر روی آن کتیبه ای را حجاری نمایند.

دو مناره در دشت، که قسمت بالای آنها خراب شده، بر فراز سردر بلندی به ارتفاع حدود پانزده متر قرار گرفته، و ارتفاع باقی مانده دو مناره، از سطح پشت بام آن، بیش از هشت متر نیست، و مجموعاً حکایت از ساختمانهای گسترده و مفصلی دارد، که پشت این سردر قرار داشته، و در اثر حوادث نامعلومی از بین رفته است.

آقای دکتر لطف الله هنرفر، که چهره ای پرکار در زمینه شناخت و معرفی آثار باستانی و تاریخی می باشد، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان می نویسد

به طوری که معمّین ساکن در اطراف این بنای تاریخی، برای نگارنده نقل کرده اند، تا یک قرن پیش (اواخر قرن سیزدهم هجری قمری) هم، اطاقهای ویرانه اطراف مدرسه در دشت، که مناره ها و سردر فعلی، مدخل آن محسوب میشده، باقی بوده است، و تدریجاً ضمیمه خانه های اطراف شده، و تا یک قرن پیش، به صورت تکیه، محلی برای اجتماع مردم محله در دشت بوده است. در اطراف گردنه گنبد آرامگاه سلطان بخت آغا نیز، آثاری مشاهده می شود، که اتصال بقعه را به بناهای دیگر، در اطراف آن، می رساند، و چنین استنباط می شود که، باقی مانده آثاری از یک مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بوده، که به احتمال قوی، بانی ساختمان آن، خود (سلطان بخت آقا) و یا شوهر او «سلطان محمود آل مظفر» بوده است. بقعه فعلی، از طرف ضلع شمالی، راهی به داخل مدرسه داشته است، که فعلاً مسدود می باشد، و ترتیب ساختمان بقعه، در مجاورت سردر، و راه داشتن آن به مدرسه، باز مؤید این

مطلب است که ، ساختمان مناره ها و سردرِ فعلی مدرسه نیز ، از اقدامات خود سلطان بخت آغا بوده است (۱). یک نام تاریخی از این محلّ، که تا این عصر باقی مانده ، نام شوری است ، که هم اکنون ، حَمّام شوری نزدیک این بناء و « امامزاده شوری » (امامزاده عبدالله) به این نام موجود است ، و احتمال داده شده ، مدرسه متّصل به مناره های در دشت هم « مدرسه شوری » نام داشته است (۲).

مدرسه در دشت ، از مدارس متعلق به شیعه است

گرچه با توجه به سوابق تسنّن در اصفهان ، به نظر ابتدائی حدس زده می شود که این مدرسه عظیم ، با سردر و مناره های شکوهمند آن ، متعلق به اهل تسنّن باشد ، ولی با توجه به دلایل ارزشمندی که ذیلاً به چهار عدد آنها اشاره می شود ، این مدرسه ، از نشانه های جالب برای سابقه دیرینه تشیع در اصفهان می باشد .

۱- کتیبه مناره های در دشت ، که یکی از آنها ریخته و دیگری باقی است و به خطّ آجری بر زمینه کاشی فیروزه ای ، به شرح زیر است .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ حَقًّا

شعار عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ ، آنها با تأکید به وسیله کلمه حَقًّا ، بر مناره بلند این ساختمان ، نشانه ای از وابستگی این بناء ، به تشیع می باشد .

برای آشنائی با کتیبه یادشده ، به کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۰ و نیز آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۲۸ ، مراجعه شود (۳).

ص: ۸۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۱۷ - ۳۱۸

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵ و ۴۲۷ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۰

۳- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام میباشد ، تعمیراتی اساسی بر روی این مناره ، به وسیله سازمان میراث فرهنگی ، انجام گرفته است

۲- سازنده این بنا (سلطان بخت آغا) دختر امیر غیاث الدین کیخسرو (اینجو از آل اینجو) و همسر سلطان محمود آل مظفر است، و آل اینجو و آل مظفر، از سلسله سلاطین شیعه می باشند (۱).

۳- در دوره صفویّه، که آثار و پایگاه های وابسته به تسنن، از بین می رفته، نه تنها گنبد و بقعه سلطان بخت آغا، از بین نرفته، بلکه سنگ قبر نفیس با کتیبه تاریخ دار آن باقی مانده، و جالب است بدانیم، طبق تحقیق آقای دکتر هنرفر، علت این که سنگ قبر سلطان بخت آغا، به غارت نرفته، جنبه قداستی است که عامه مردم برای این بقعه قائلند، و آن را متبرک می دانسته اند، و حتی امروز هم که هفت قرن از تاریخ بنای آن می گذرد، مانند عموم زیارتگاهها، بر مزار این بانوی مقتوله، شمع روشن میکنند (۲).

۴- در مجموعه ساختمان تاریخی و باعظمت «امام زاده اسماعیل علیه السلام» در نفیس و مثبت کاری شده ای وجود دارد، که «مرقد امامزاده اسماعیل» را به «مرقد شعیای نبی علیه السلام» متصل می سازد، و از درهای نفیس بناهای تاریخی اصفهان است، و در دوره پادشاهی سلطان محمود آل مظفر، در این مکان نصب شده است. در اطراف لنگه راست و چپ در، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام منقور است، و نیز در یک قسمت، چهار کلمه محمد و در قسمت دیگر، چهار کلمه علی، نقش بسته، و جزء نوشته های این در، چنین است: **أَمْرٌ بِإِخْرَازِ هَذَا الْبَابِ إِخْرَازًا لِلْمَغْفِرَةِ وَ الثَّوَابِ فِي أَيَّامِ ...** شاه **مَحْمُودِ بْنِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ، مُحَمَّدِ بْنِ**

ص: ۸۳

۱- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۳

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۱۹

و چنانچه ملاحظه می‌نمائید ، ساختن دربی برای امام زاده اسماعیل، آنهم با صلوات بر چهارده معصوم ، و نقش چهار محمّد و چهار علی ، نشانه ای از تشیع سلطان محمود آل مظفّر (همسر سلطان بخت آغا) می باشد (۲).

۲۰- مدرسه سمیرمی

مدرسه ای بوده ، که به وسیله علی بن أحمد بن علی بن عبد الله سمیرمی ، متوفای ۵۱۶، وزیر سلطان محمود بن محمّد بن ملکشاه سلجوقی ، تأسیس گشته است (۳).

۲۱- مدرسه سلطان محمّد سلجوقی

مدرسه ای است که ، سلطان محمّد سلجوقی ، برای حنفی ها ساخته ، و قبر سلطان محمّد هم ، در آن مدرسه قرار گرفته ، و امروزه در محله دارالبطیخ مشهور است (۴).

برخی معتقدند که ، مدرسه سلطان محمّد ، همان است که به نام «مدرسه حاج حسن» نامیده می شود، و در کنار مسجد علی و مناره بلند مجاور آن قرار دارد ،

ص: ۸۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۹ - ۵۳۰.

۲- برای آشنائی کاملتر با این بناء و بانی آن ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحات ۳۱۴ تا ۳۲۱ ، و آثار ملی اصفهان صفحات ۴۲۴ تا ۴۲۹ ، و صفحه ۴۵ ، و تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹ ، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۳۹ ، و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحات ۷۲ تا ۷۴ ، مراجعه شود

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۲۹

۴- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲

۲۲- مدرسه عظیم سید رکن الدین محمد یزدی

این مدرسه، به همت سید رکن الدین محمد یزدی، بانی مدرسه رکنیه یزد، متوفای ۷۳۲ هجری (که عالم و سیدی عالی مقام، و خیر آندیشی نامدار بوده، و نسبش به حضرت سید الشهداء، امام حسین علیه السلام می رسد، و بناها و آثار دینی و عمرانش، زبانزد بوده) ساخته شده است.

در کتاب «جامع مفیدی»، جلد سوم، از صفحه ۵۴۳ تا ۵۵۸، شرح حال و گرفتاری و مظلومیت او، و عنایت خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به او و فرزندش، (امیر شمس الدین محمد) و نجات آنها، و نیز جریان منصوب شدن او به مقام قضاوت، از طرف سلطان ابوسعید بن سلطان محمد خدابنده (۲) را، بیان نموده (۳) و در ضمن آن شرح حال، مرقوم داشته است: بر ضمائیر ارباب توفیق، پوشیده نخواهد بود که آن حضرت، آن مقدار بقاع نفاع، و عمارات فلک ارتفاع که معمار همت عالی نهمتش (۴)، در اطراف جهان، از مدارس و خواتق و مساجد

ص: ۸۵

-
- ۱- برای آشنائی بیشتر، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحات ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۳۷۹ و ۶۶۸ و تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۲۸ و آثار ملی اصفهان صفحات ۳۹، ۴۶۹ و ۷۹۰ و تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۶۷ - ۶۹ مراجعه شود
 - ۲- سلطان ابوسعید، از سلاطین شیعه مذهب مغول، و شخصی عدالت دوست و رعیت پرور بوده است، (مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۳۶۳)

۳- جریانات یاد شده، در تاریخ جدید یزد، تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب نیز از صفحه ۱۲۵ تا ۱۲۹ نقل شده است

۴- نهمت = همت و اهتمام در رسیدن به مقصود (مخصوصاً مقصودهای معنوی)، منتهای همت و اهتمام، (فرهنگ معین).

ودارالشفاء و اربطه (رباط ها) و غیرها ساخته و پرداخته ، که هرگز هیچ پادشاهی ذوشوکت ، صاحب حشمت ، به عمارت عُشر آن ، موفق نگشته (۱).

سید رکن الدین محمد یزدی ، و فرزندش ، امیر شمس الدین محمد ، متوفای ۷۳۳ (یک سال پس از وفات پدر) (۲) وقف نامه ای دارند ، که موسوم به «جامع الخیرات» بوده ، و در آن ، به أبواب الخیری ، واقع در خارج یزد ، اشاره شده است (۳). بر پایه وقفنامه یاد شده ، مدرسه ای در کوی بازار خواجه محمود اصفهان ، به نام «مدرسه عصمتیه» تأسیس نموده اند ، که شامل سه بنا بوده است ۱- دار الحدیث ۲- دار الأدویه ۳- دار الکتب (۴) از وقفنامه سید رکن الدین بر می آید ، که موقوفات بسیاری از قبیل : تمامی بازار خواجه محمود ، حمام مردانه متصل به بازار ، چند دکان واقع در همان محله ، تمام سرای نو ، دکان طباحی که سه طبقه بوده ، تمامی قصر مورح ، واقع در بازار عسکر ، و دیگر موقوفه ها ، بر این مدرسه وقف نموده و شرط نموده اند ، که در دارالحدیث و خانه های محل سکونت وابسته به آن ، ده نفر از فقهای

ص: ۸۶

۱- جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۷

۲- وی از طرف سلطان ابوسعید ، به منصب صدارت نائل گردیده بود ، و همانند پدرش مردی خیر اندیش و رعیت پرور بود ، و در تأسیس بناهای دینی و علمی و بهداشتی و غیر آن ، کوشش می نمود ، و دستور داده بود وکلایش در یزد و اصفهان و قم و کاشان و ساوه و همدان و ری و قزوین و سلطانیه و تبریز و شیراز و ابرقوه و کازرون ، مدارس و مساجد و بُقاع و اُربطه و کاروانسرا و حمام بسازند (جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۹)

۳- مجموع بناها و آثاری که وقفنامه جامع الخیرات ، آنها را دربر می گیرد ، ۴۵ باب میباشد (فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶۲)

۴- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۵ و فرهنگ اصفهان . صفحه ۲۶۲ - ۲۶۳

أصحاب حدیث ، منزل نمایند، و سالیانه به هر کدام ۱/۳ ۶۸۰ دینار از پول رایج ، که هر روزی ۱ ۲/۳ دینار باشد ، (تقریباً) بدهند ، و برای تدریس و تعلیم طلبه علم و فقه ، مدرّس عالم متبحّر مُتَفَنَّئِن ، و مجتهد ذوفنون در علم حدیث ، گمارده شود ، که هر روز بعد از نماز صبح ، و بعد از ختم قرآن و خطبه ، به إلقاء درس بپردازد ، و هر سال ۱۸۲ دینار (یا نصف دینار در روز) به او داده شود ، و در آن مدرسه ، مُعیدی (۱) منصوب شود ، عالم و دانشمند ، که درس استاد را برای شاگردان تکرار کند، و سالی ۱/۴ ۹۱ دینار، یعنی هر روز ۱/۴ دینار به او داده شود، و امامی در آنجا نصب شود ، که عالم به ارکان نماز و شروطش باشد ، و مواظب بر إقامة جماعت ، در نمازهای پنجگانه باشد ، و در هر سال، ۳/۴ ۶۰ دینار ، یعنی روزی ۱/۶ دینار ، به او داده شود ، و هم چنین مؤذّن متدین و رسمی ، و چند نفر حافظ قرآن که مرتباً تلاوت قرآن کنند ، و نیز فُزاش و دربان و ناظر بر امور مدرسه نصب شود ، و حقوق مرتب داده شود ، و نیز برای إطعام و انجام مراسم ليله الّرغائب (۲) و مراسم عید فطر و قربان و مولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، و مراسم نیمه شعبان (۳) ، و مراسم شبهای رمضان ، و نیز مراسم تجهیز اموات و کمک و إطعام مسافران ، و مصالح بیت الأدویه ، هر کدام مبلغی معین شده است (۴) .

از این وقفنامه بر می آید که، مدرسه عصمتیه و دار الحدیث و دار الکتب و دار الأدویه آن ، مرکزی مهم برای فعالیت علمی و تبلیغی و اجتماعی ، به شمار

ص: ۸۷

-
- ۱- معید ، کسی است که درس را تکرار میکند تا شاگردان خوب یاد بگیرند
 - ۲- ليله الّرغائب ، اولین شب جمعه ماه رجب را گویند
 - ۳- شب تولد امام زمان ، حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج)
 - ۴- شرح موقوفات مدرسه سید رکن الدین ، و مصارف آنها ، در کتاب ارزشمند آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۳۵ تا ۲۷ نقل شده است

میرفته، و از جامعیت چشمگیری برخوردار بوده است .

مدرسه سید رکن الدین محمد یزدی ، (چنانچه از شخصیت بانی آن ، و نیز سلطان حاکم زمان ، سلطان ابوسعید ، فرزند سلطان محمد خدابنده « که از سلاطین شیعه مذهب می باشد » بر می آید) از مدارس متعلق به شیعه بوده ، ولی در حال حاضر در اثر حوادث تاریخی ، اثری از آن باقی نمانده است .

۲۳- مدرسه شمسیه

قبل از آن که حکیم الملک اردستانی ، « مدرسه حکیمیه » (کاسه گران) را در بازار ریسمان ، محله میدان کهنه بسازد ، همین مدرسه ، قبل از ساختن مدرسه حکیمیه ، به نام « مدرسه شمسیه » بوده است ، که به نظر آقای رفیعی مهرآبادی ، در کتاب آثار ملی اصفهان ، گمان می رود که مدرسه ویرانه ای بوده ، که شمس الدین محمد یزدی (۱) بانی آن بوده ، و چون مخروبه شده بوده ، توسط حکیم الملک ، با صلاحدید و تصویب مراجع وقت ، تجدید بنا گردیده است (۲)

۲۴- مدرسه شهشهان

یکی از علماء و سادات بزرگ اصفهان ، در قرن نهم هجری ، سید علاء الدین

ص: ۸۸

۱- شمس الدین محمد یزدی ، متوفای ۷۳۳ هجری ، فرزند سید رکن الدین محمد یزدی است که این پدر و پسر در تأسیس بناهای علمی و اجتماعی و بهداشتی و عام المنفعه ، خدمات زیاد داشته اند و مخصوصاً پسر ، که وزیر سلطان ابوسعید بوده ، در شهرهای یزد و اصفهان و قم و کاشان و ساوه و همدان و ری و قزوین و سلطانیه و تبریز و شیراز و ابرقوه و کازرون ، مدارس و مساجد و بقاع و کاروانسرا و حمام ساخته است و در یزد ، مدرسه شمسیه را بنا نهاده است (جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۹ و صفحه ۶۵۵ و نیز به بررسی ما ، در مورد مدرسه سید رکن الدین یزدی مراجعه شود

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸۳

محمّد بوده ، که به شاه شاهان (شهشهان) و شاه علاء الدّین محمّد ، شهرت یافته بوده است . به علت عظمت شخصیت او محلّه ، دَرَبَه یا دَرَبَه یا حسیتیه (که به اعتبار حسیتیه سید علاء الدّین محمّد ، به این نام خوانده می شده) به نام محلّه شهشهان شهرت یافته است .

سید علاء الدّین محمّد ، در این محلّه ، حسیتیه و مدرسه داشته ، و پس از آنکه به دستور شاهرخ ، به ساوه تبعید گردیده ، و در سال ۸۵۰ هجری ، به شهادت می رسد ، پس از مرگ شاهرخ ، جنازه او را با احترام فراوان به اصفهان منتقل نموده ، و در حسیتیه و مدرسه او ، مدفون می نمایند ، و بقعه و گنبدی جالب برای او بنا می کنند ، که هم اکنون موجود است ، و از مزارات متبرّکه اصفهان به شمار می رود .

مدرسه شهشهان و بقعه و مزار او ، یکی از نشانه های بارز نفوذ و موقعیت و فعالیت علمی و رسمی شیعه در اصفهان ، در قرن نهم هجری می باشد .

بقعه شهشهان ، در نزدیکی مسجد صفا ، و با فاصله نسبتاً کمی با خیابان ابن سینا ، قرار گرفته است (۱).

مدرسه شوری

آقای دکتر لطف الله هنرفر ، در دنباله معرفی مقبره سلطان بخت آغا ، واقع در

ص: ۸۹

۱- درباره مدرسه و حسیتیه و بقعه شهشهان ، و شخصیت شاه علاء الدّین محمّد ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحات ۳۳۳ تا ۳۴۱ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵ و ۲۳۷ - ۲۳۸ و تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹ ، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۴۲ ، و شماری از کتب تراجم و رجال ، همانند رجال اصفهان ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، می توان مراجعه نمود

محلّه دردشت می نویسد: یک نام تاریخی از این محل، که تا این عصر مانده «شوری» است که هم اکنون، «حمام شوری» نزدیک این بناء و «امامزاده شوری» یا «امامزاده عبدالله» به این نام موجود است، و بعید نیست که مدرسه متّصل به مناره های در دشت هم، «مدرسه شوری» نام داشته است (۱).

به عنوان مدرسه سلطان بخت آغا، رجوع شود.

۲۵- مدرسه شیخ ابوسعود رازی

شیخ ابوسعود رازی، از بزرگان محدّثین قرن سوم هجری است، و بعضی او را از چهره های بسیار مؤثر، در توجّه مردم اصفهان، نسبت به شخصیت و عظمت مولای متّقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام می دانند، و داستان آمدن او به اصفهان، و سخنرانی های او را در جامع رنگرزان، و نقش او را در جلوگیری از سبّ و جسارت به آن حضرت، سندی بر تشیع او می شمارند، و در مقابل، برخی دیگر، او را از مشایخ صوفیه اهل سنت می دانند، و بر همین مبنی، بقعه و خانقاه و سایر امور متعلّق به آن را مورد تخریب قرار دادند.

خانقاه شیخ ابوسعود، از ابتدای قرن چهارم، شهرت زیادی داشته، و یک دستگاه ساختمانی وسیع، شامل بازار و چهارسو و حیّام، و باغی برای کورها و عاجزها و ... را در بر می گرفته است، ولی در حال حاضر غیر از بقعه و سردر کاشی کاری آن، چیزی از آنها باقی نمانده است (۲).

در کتاب محیط ادب، مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق، از مدرسه ای به نام

ص: ۹۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۲۰

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۵۳ - ۳۵۴، در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان، به تعمیر بقعه شیخ ابوسعود مشغول می باشد

شیخ أبو مسعود رازی یاد می کند (۱).

برای آشنائی با شخصیت شیخ ابو مسعود ، و مسائل مورد بحث در مورد بقعه و مزار وی ، و تاریخچه آن ، به کتاب «خلد برین» تألیف مرحوم حاج شیخ أحمد بیان الواعظین ، و کتاب «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ ، و نیز ، به بخش «فرازهائی درخشان ، از ریشه های تشیع در اصفهان» در همین کتاب مراجعه شود .

۲۶- مدرسه شیخ یوسف بنّاء

شیخ یوسف بنّاء ، از عرفای معروف قرن سوّم بوده ، و از اجداد مادری حافظ ابونعمیم اصفهانی می باشد ، و در محله روشاباد ، که جزء محله خواجهی دوره صفویه بوده ، مدفون گردیده است (۲) . مدرسه ای به نام او در محله شیخ یوسف (جزء محله خواجه) بوده (۳) ، که زمان تأسیس و خصوصیات او را به دست نیآورده ایم ، بعضی آن را از مدارس دوره صفویه شمرده اند ، ولی آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، در «مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق» (در مجموعه محیط ادب) این مدرسه را ، جزء مدارس قبل از صفویه به شمار آورده اند (۴) و به نظر می رسد ، که همین نظریه اخیر صحیح باشد .

۲۷- مدرسه صدر منصور

در قرن ششم هجری ، مدرسه ای به وسیله صدر منصور نظام الدّین ، در شهر

ص: ۹۱

۱- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۳۲

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۴

۴- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

اصفهان تأسیس گردیده ، که شاعر نامدار ایران ، جمال الدّین محمّد بن عبد الرزّاق اصفهانی ، قصیده ای مشتمل بر سی و پنج بیت ، در مدح مدرسه و بانی آن ، سروده است که از آن جمله است اشعار زیر:

زهی عالی بنای قصر معمور

که باد آفات دهر از ساحت دور

چو قبله شرط اکرام تو واجب

چو کعبه حظّ تعظیم تو موفور

مفیدانت چو طوطی جمله منطق

فقیهانت چو غنچه جمله مستور(۱)

مدرسه صدریه

نام دیگری است برای مدرسه نظامیه اصفهان ، که به مناسبت عنوان صدر الدّین خجندی (مدرّس و سرپرست آن) صدریه نامیده شده است (۲).

به عنوان مدرسه نظامیه رجوع شود .

۲۸- مدرسه علی بن سهل بن زهر

علی بن سهل ، از محدّثین و عرفای قرن سوّم ، و اوائل قرن چهارم هجری بوده ، و در سال ۳۰۷ وفات یافته است (۳).

در کتاب « محیط ادب » (مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق) از مدرسه ای به نام

ص: ۹۲

۱- دیوان جمال الدّین محمّد بن عبد الرزّاق اصفهانی ، صفحه ۱۸۱ - ۱۸۳

۲- لغتنامه دهخدا ، عنوان نظامیه

۳- ذکر اخبار اصفهان ، از حافظ ابی نعیم ، جلد دوّم ، صفحه ۱۴ ، ولی در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۹۶ ، علی بن سهل از بزرگان قرن هشتم هجری به شمار آمده ، و این یک سهو القلم است

علی بن سهل یاد شده است (۱).

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعه ای است به نام دستور، به شماره ۲۱۴۴، که آن را تاج الدین حسین صاعد، جمع آوری نموده، و در آنجا اظهار می دارد: روز شنبه ۶ شوال ۹۸۶، نهمین روزی که در اصفهان رسیدم، و در مدرسه شیخ علی بن سهل بسر می بردم، آن را نوشتم (۲).

از بیان فوق استفاده می شود که، در اواخر قرن دهم، مدرسه ای با نام علی بن سهل موجود و مسکونی بوده، و احتمالاً همان محل خانقاه علی بن سهل، یا مجاور آن بوده است.

۲۹- مدرسه فخریه

یکی از مدارس علمیه اصفهان، که در قرن یازدهم، دائر و مسکونی بوده، مدرسه فخریه می باشد، نسخه ای از کتاب «معارف الهیه» تألیف محمد رفیع، مشهور به پیرزاده، به خط اَبی صالح حسینی مشهدی وجود دارد، که در سال ۱۰۹۸، در «مدرسه فخریه اصفهان» نوشته شده است (۳)... او نیز همین ابو صالح حسینی مشهدی، نسخه ای از «رساله تیاثر قبله» از محقق حلی را، در مدرسه فخریه، در شهر اصفهان نوشته، و این نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (۴).

ص: ۹۳

۱- محیط ادب، صفحه ۱۰۴

۲- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۸۶

۳- الدرّیعه، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۱

۴- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۹۴، برگه ضمیمه به نقل از فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه به دانشگاه

مرحوم رفیعی مهرآبادی ، با استناد به جلد سوم فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه ، این مدرسه را از آثار فخر الملک بن خواجه نظام الملک طوسی شمرده ، که تا قرن یازدهم باقی بوده است (۱).

ولی آقای سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده معاصر) اظهار می دارند که : بعید به نظر می رسد که مدرسه فخریه ، که در فهرست مذکور است ، همان مدرسه اهدائی فخر الملک باشد ، زیرا کلیه آثار دوره سلاجقه ، در عهد مغول از بین رفته است ، و اگر چیزی و اثری باقی باشد ، رنگ تشیع به خود گرفته است (۲).

به نظر می رسد ، اظهار نظر قطعی در چنین مواردی ، نیاز به دلیلهای روشن تری دارد، که متأسفانه به دست ما نرسیده است .

۳۰- مدرسه کزان

بعضی ، مدرسه کزان را ، از آثار خواجه نظام الملک در محله کزان ، برشمرده اند ، و سپس احتمال داده اند که این مدرسه ، همان نظامیه مشهور اصفهان باشد (۳) ، ولی با توجه به این که ، نظامیه اصفهان ، در محله دردشت بوده (۴) ، و کتاب « تجارب السلف » تأسیس مدرسه کزان را ، به ملکشاه نسبت میدهد (۵) ، معلوم می شود که این مدرسه کزان ، همان مدرسه ملکشاهی در محله دارالبطیخ (که جزء محله کزان بوده است) می باشد .

ص: ۹۴

۱- آثار ملی اصفهان ، ص ۴۴ ، بنقل از فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه ج ۳ ، ص ۲۷۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۹۵

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵

۴- به محاسن اصفهان ، صفحه ۱۰۴ ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۲ با نقلی که از ترجمه محاسن اصفهان ، نموده
مراجعه شود

۵- تجارب السلف ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

برای آشنائی بیشتر با این مطلب به قسمت مربوط به مدرسه نظامیه و مدرسه ملکشاهی در همین کتاب مراجعه شود .

۳۱- مدرسه مسجد جامع (جمعه)

در کتاب ایرانشهر جلد اول ، پس از مقداری توضیح درباره مسجد جامع اصفهان ، و حریق که در سال ۵۱۵ هجری ، به وسیله باطنیه ، در آن رخ داده ، می نویسد :

بنای (مسجد - مدرسه) که با الحاق یک حیاط مدرسه ، به گوشک مساجد قدیمی ایرانی ، صورت می گرفت ، به سرعت در ایران رونق یافت (۱).

و در کتاب فرهنگ اصفهان ، در بخش تشریح و وضعیت و معماری مسجد جامع آمده است :

ساختمانی در شمال شرقی به نام (صفه) « مسجد و مدرسه عمر » وجود دارد که به وسیله عمر بن عبد العزیز عجللی ، از خاندان اَبی دُلَف که والی همدان و اصفهان بود (۲۸۱ هجری) انجام یافته ، و ضمیمه مسجد گردیده است (۲).

و در تاریخ مدارس ایران ، به نقل از تاریخ ایران پطروشفسکی ، آمده است : در قرن هشتم مدرسه ای در جنب مسجد جمعه اصفهان ساخته شد (۳).

البته باید توجه داشت که ، آنچه در قرن هشتم در اَیام سلطنت سلطان محمود آل مظفر انجام شده ، ساختمان مجدد همان قسمتی است که ، به وسیله عمر

ص: ۹۵

۱- ایرانشهر ، جلد ۱ ، صفحه ۸۳۲

۲- فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹

بن عبد العزیز عجللی ، انجام یافته بوده است (۱).

از مطالب بالا استفاده می شود که ، مسجد جامع اصفهان ، علاوه بر این که خودش ، محلّ تعلیم و تشکیل جلسات درس بوده (چنانچه از نوشته ، مافزوخی اصفهانی در محاسن اصفهان ، صفحه ۸۵ بر می آید) و علاوه بر آنکه کتابخانه معظم و مفصلی داشته ، که دارای حجرات و خزانه کتاب بوده ، و فهرست آن در سه جلد بزرگ تنظیم گشته (۲) مدرسه ای هم داشته ، که رسماً با عنوان « مدرسه » نامیده می شده است .

۳۲- مدرسه ملکشاهی

این مدرسه ، از مدارسی است که در دوره سلجوقیان برای فعالیت علمی غیر شیعی (حنفی و شافعی) به وجود آمده ، و در محله دارالبطیخ احمد آباد بوده ، که در حال حاضر ، مقبره خواجه نظام الملک می باشد ، و به نام تربت نظام مشهور شده است (۳) .

ص: ۹۶

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان ، ص ۲۷ ، و در کتاب آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴ بنای مدرسه را از آثار عمر بن عبد العزیز ، و سلطان محمد آل مظفر را ، تعمیر کننده مدرسه دانسته است ، ولی در گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۱۳۶ و ۱۳۷ با توجه به کتیبه تاریخی صفة عمر ، از دوره سلطان محمود آل مظفر و جمله های (و ممن بادر و أجاز ، و اثر فآجاد ، و آجتهد فی آیام سلطنه سلطان محمود ... بیناء هذا الایوان العالی لابتغاء مرضاه ربّه و إضافة الی المسجد الجامع باصفهان ... أضعف عباد الله ، مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی ...) این قسمت را ، غیر مربوط به عمر بن عبد العزیز می داند ، و بانی آن را ، مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی می شناسد

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۵

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۳۸

در کتاب « تجارب السلف » درباره تأسیس این مدرسه آمده است :

سلطان ملکشاه در اصفهان مدرسه ای بنا کرد ، در محله کزان (۱) و سپس شرح می دهد که ، ملکشاه نخواست مدرسه را مخصوص حنفی ها کند، و چون ملکشاه حنفی ، و خواجه نظام الملک شافعی (۲) بود، رعایت حال او را نمود، و دستور داد بنویسند :

وَقَفَ عَلَي أَصْحَابِ الْإِمَامَيْنِ ، إِمَامِي الْأَثْمَةِ ، صَدْرِي الْإِسْلَامِ (۳) آنچه در کتاب آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵ آمده درباره مدرسه کزان (که خواجه نظام الملک طوسی آن را بنا کرده ، و چون خواجه در مذهب حنفی اصرار و تعصب داشته ، مقرر کرده بود که بر بالای درب مدرسه ، نام شافعی را نویسند ، بلکه بنویسند « وقف علی أصحاب امامی الأئمه ، صدري الإسلام » و سپس احتمال داده که این مدرسه ، همان مدرسه نظامیه اصفهان باشد) مطلب نادرستی است ، زیرا نظامیه اصفهان در محله دردشت بوده ، و مدرسه محله کزان ، مدرسه ملکشاهی است ، و خواجه نظام الملک شافعی بوده ، نه حنفی ، و نوشته تجارب السلف ، مطالب کتاب یاد شده را مردود می نماید ..

ص: ۹۷

-
- ۱- محله دارالبطیخ ، جزء محله کزان بوده است
 - ۲- صاحب اعیان الشیعه ، خواجه نظام الملک را ، جزء وزراء شیعه مذهب سلجوقیان ، دانسته است (اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۲) و البته باید دانست که ، این نظریه منافات ندارد با شهرت شافعی بودن خواجه ، زیرا بسیاری از بزرگان اجتماعی ، که واقعاً شیعه بوده اند ، زیر پوشش شافعی بودن ، حرکت های خود را عملی می ساخته اند، و از روی تقیه ، خود را شافعی مینامیده اند ، زیرا نزدیک ترین مذاهب چهارگانه اهل تسنن ، به تشیع ، مذهب شافعی میباشد .
 - ۳- تجارب السلف ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

۳۳- مدرسه ملکه خاتون

در کتاب «راحه الصدور» ، از مدرسه ای به نام ملکه خاتون یاد می کند ، و چنین می نویسد : و پیش از وفات ملکشاه ، بر آن عزم بودند که در اصفهان ، به بازار لشکر ، (اینجا که امروز مدرسه ملکه خاتون است) دارالخلافه و حرمی بسازند ، و او را آنجا بنشانند (۱). از عبارت یاد شده استفاده می شود که ، در زمان تألیف کتاب راحة الصّیّدور (سال ۵۹۹) مدرسه ای در اصفهان بوده ، به نام مدرسه ملکه خاتون ، که آباد بوده است (۲).

۳۴- مدرسه نظامیه اصفهان

مدرسه مهمی بوده ، که خواجه نظام الملک طوسی ، متوفای ۴۸۵ هجری در اصفهان تأسیس کرده ، و در آن علوم و دانشها ، بر غیر طریقه تشیع مطابق مذهب شافعی (تدریس می شده است . در کتاب محاسن اصفهان ، مفضل بن سعد ، مافروخی اصفهانی ، در این زمینه نوشته است :

وَ أَمَرَ بِإِثْنَاءِ مَدْرَسَةٍ تُجَاوِرُ جَامِعَهَا ، لِلْفُقَهَاءِ الشَّافِعِيِّينَ ، فَأَبْتَنِيَتْ كَأَحْسَنِ مَارُؤِي هِنَاءَ وَهَيْكَلاً وَصَيَّنَعَهُ وَعَمَلًا وَمَحَلًّا وَمَنْزِلًا ، وَ عَلَى طَرَفِهَا مَنَارَةٌ عَجِيبَةُ الْوَضْعِ ، رَائِقَةٌ الْأَصْلِ وَالْفَرْعِ ، يَصِدُّ عَدَّ ثَلَاثُ أَنْفُسٍ إِلَى أَعْلَاهَا فِي ثَلَاثِ دَرَجَاتٍ ، فَلَا يَرَى أَحَدٌ ضَاحِبَهُ إِلَى أَنْ يَغْلُوهَا ، وَقَدَرُ مَا أَنْصِيرَفَ فِي نَفَقَاتِهَا وَالْمَوْقُوفِ عَلَيْهَا مِنَ الضَّيَاعِ وَالْمُسَيِّبَاتِ الْمُؤَسُّومِ إِيْتِيَاعَهَا لِلْوَقْفِ عَلَيْهَا ، عَشْرَةَ آلَافٍ دِينَارٍ (۳) .

و در گنجینه آثار تاریخی اصفهان می نویسد: حسین بن محمد بن ابی الرضا

ص: ۹۸

۱- راحة الصدور ، صفحه ۱۴۰

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۲۸

۳- محاسن اصفهان ، صفحه ۱۰۴

علوی آوی، که محاسن اصفهان مافزوخی را، در سال ۷۲۹ هجری، به فارسی ترجمه کرده، در ذیل کتاب مزبور، که خود بر آن افزوده است، دربارهٔ مدرسهٔ خواجه نظام الملک اصفهان گوید که: این مدرسه در محلهٔ (دردشت) و در نزدیک جامع بزرگ، بر محلهٔ دردشت بر وصفی و اصلی هرچه خوبتر، و هیئتی و شکلی هرچه مرغوبتر، در غایت رفعت، از جهت صنعت و عمل، و نهایت رتبت، از طرف منزلت و محل، و بر در آن، مناری چون ستون قبیلهٔ آسمان، کشیده و دراز، و با عیوق و فرقدان، همنشین و همراز، عجیب شکل، بر سه پایه آن، صعود و عروج نمایند، تا بر کنگره و قفصه نرسند، خود را به یکدیگر نمایند، خرج بی پایان و بی حد بر آن صرف، و ضیاع بی شمار بی عدد بر آن وقف، چنان که هر سال مبلغ ده هزار دینار، محصول مستغلات و موقوفات بوده، و اکنون آن را بکلی مستأکله، ر بوده (۱).

چنانچه ملاحظه می‌نمائید، مدرسهٔ مهمی در نزدیکی جامع اصفهان بوده، و موقوفه و درآمد بسیار هنگفت داشته، منارهٔ آن از عجائب بوده، زیرا بسیار بلند بوده، و سه پلکان داشته، که تا قبل از رسیدن به سر مناره، راه بهم نداشته، و کسی که از یکی از آن پلکانها صعود می‌کرده، کسانی را که در دو پلکان دیگر بوده اند نمی‌دیده است، و در مجموع، مدرسه ای با شکوه بوده، که از نظر ساختمان و محل و نحوهٔ اداره شدن و ...، عالی‌ترین وضعیّت را داشته است.

البته باید توجه داشت که، متن عربی محاسن اصفهان، با آنچه در ذیل ترجمه محاسن اصفهان آمده، تقریباً یک نوع تشریح و توصیف است، ولی جای سؤال است که چرا این مطلب، در اصل ترجمه قرار نگرفته، و به عنوان ذیل ترجمه

ص: ۹۹

و از مترجم کتاب ، دانسته شده است .

این مدرسه و مناره یادشده، تا نیمهٔ اوّل قرن هشتم ، در اصفهان باقی بوده و فقط أملاک و مستغلات موقوفهٔ آن را تصرّف کرده بوده اند (چنانچه از ترجمهٔ محاسن اصفهان که در سال ۷۲۹ نوشته شده ، استفاده می شود) ولی زمان خراب شدن ساختمان آن معلوم نیست (۱).

قاضی ارجائی (ارجانی) اصفهانی ، که نسبش به جابر أنصاری می رسیده ، از مدرّسین نظامیة اصفهان ، در زمان خواجه نظام الملک ، بوده است (۲) . و مدرسهٔ نظامیة اصفهان ، به خاطر عنوان مدرّس آن (صدرالدّین خجندی) به «صدریه» هم ، مشهور بوده است (۳) .

البته باید توجه داشت که ، لقب «صدرالدّین» در رؤسای شافعیّه ، جزء ألقاب عمومی بوده ، و کسانی را که از خاندان خجندی (آل خجد) به ریاست شافعیّه می رسیده اند ، به لقب «صدرالدّین» ملقب می نموده اند ، و بیش از بیست نفر از آنها، لقب صدر الدّین داشته اند ، که محمّد بن ثابت بن علی خجندی ، متوفای ۴۸۳ (سرسلسلهٔ خاندان آل خجد) از طرف خواجه نظام الملک ، مدرّس نظامیة اصفهان گردیده است (۴) .

قابل توجه

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم (تألیف محقق معاصر

ص: ۱۰۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحهٔ ۶۲

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحهٔ ۱۸۳ ، تاریخ اصفهان و ری ، صفحهٔ ۲۱۵ - ۲۱۶

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحهٔ ۱۱۹

۴- لغتنامهٔ دهخدا ، (عنوان خجندیان) و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحهٔ ۵۸ - ۵۹

آقای شیخ رضا استادی (نسخه ای از « شرح مختصر الأصول » عضد الدین ایچی مورد معرفی قرار گرفته ، که به خط نستعلیق محمد زمان حسینی اصفهانی می باشد ، و در یکشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۹۲۶، در مدرسه نظامیه اصفهان ، نوشته شده است (۱).

احتمال می رود که این مدرسه ، همان نظامیه خواجه نظام الملک طوسی است ، که تا این زمان باقی مانده ، و احتمال داده می شود که ، مدرسه دیگری می باشد ، که بدین نام شهرت داشته است .

۳۵- مدرسه نقاشان

این مدرسه ، در تختگاه هارون ولایت شهر اصفهان واقع بوده ، و درویش یوسف کشمیری (که از فنون علم بهره داشته ، و شعر می سروده) مدتی در آن ، سکونت داشته است (۲).

در « مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق » این مدرسه ، از مدارس قبل از دوره صفویه به شمار آمده است (۳).

و در کتاب « دارالعلم شرق » آمده است که : ظاهراً مدرسه نقاشان ، همان مدرسه هرون ولایت می باشد (۴).

ص: ۱۰۱

۱- فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، جلد ۱، صفحه ۱۵۷

۲- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۲۰۴

۳- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

۴- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۵۲

شهر مزفزایِ بُوَد بزرگ

زنده است زنده رود که ایران بُوَد بزرگ

مست اصفهان زعلم و ، مَزْشهره همچوپا

این خطّ از قیام دلیران بُوَد بزرگ

راه ، هنرپیوی که باشد ، رهی نکو

یعنی به دانش و مهز انسان بُوَد بزرگ

ای اصفهان سپاس خدای غفور را

نام تو در تمام جهان همان بُوَد بزرگ

صدها مَز تراست که باشد به اشتها

دنیا به اعتراف که ایران بُوَد بزرگ

فَرّت رسد به مهر و شکوهت رسد به ماه

همواره رَتبت تو چو کیهان بُوَد بزرگ

همواره باد نام تو همراه عزّو جاه

راحت چو کهکشان و چو کیهان بُوَد بزرگ

ای شهر باهنر به جهان جاودان بمان

دی قدر تو بلند و به عنوان بُوَد بزرگ

نامت نویدبخش (طلانی) به شعرتر

دریای بخشش تو چون عَمّان بُوَد بزرگ

۳-مدارس علمیّه دورهٔ صفویّه که باقی مانده است

اشاره

ص:۱۰۳

مدارس علمیه اصفهان از دوره صفویه که تاکنون باقی مانده است

در دوره صفویه، که مدرسه سازی بر مبنای فرهنگ و اندیشه و اعتقاد اسلامی، و در مسیر مکتب غنی تشیع، و تحت تأثیر هدایتهای اهل آلیت علیهم السّلام، رواج و گسترش داشته است، بسیاری از علماء و ثروتمندان و معماران و هنرمندان و استادکاران حجّاری، کاشی کاری، گچ بری، طّراحی، نقّاشی و خطّاطی و ...، دست به دست هم داده، و مدرسه هائی مستحکم، زیبا، و باشکوه، و پر برکت، ساخته و به یادگار گذارده اند، که در طول چندین قرن، پابرجا مانده، و در حوادث سخت و شکننده طبیعی و تاریخی و اجتماعی، نه تنها محفوظ مانده، بلکه آثار و برکات مستمری داشته است.

و اینک به ترتیب حروف الفباء، به شرح حال آن مدارس و گوشه ای از عظمت و استحکام و زیبایی آنها، و نیز هنرها و ابتکاراتی که در آن مدارس، به کار گرفته شده، و هم چنین آثار و برکات علمی و دینی که از آن پایگاههای علم و دین به ظهور رسیده، می پردازیم

مدرسه امام صادق علیه السلام

مقصود، مدرسه چهارباغ، (سلطانی) می باشد، و آن را تحت عنوان مدرسه چهارباغ بررسی نموده ایم به عنوان یاد شده، مراجعه شود.

مدرسه ابراهیم بیک

مقصود، مدرسه امامزاده اسماعیل است، که به مناسبت نام بانوی آن، به نام مدرسه ابراهیم بیک هم، خوانده شده است. به عنوان مدرسه امام زاده اسماعیل رجوع شود.

مدرسه أحمد آباد

در کتاب آثار ملی اصفهان ، از مدرسه جلالیه ، با نام مدرسه أحمد آباد یاد شده است . به عنوان مدرسه جلالیه مراجعه شود

۱- مدرسه اسماعیلیه

مدرسه ای است در کوچه قصر منشی الممالک ، منشعب از بازارچه حسن آباد و در نزدیکی خیابان نشاط و مساحت آن ۲۵ × ۲۵ متر می باشد ، و به صورت دو طبقه است ، و ساختمان اولیئه آن هنوز باقی می باشد .

این مدرسه به وسیله شخصیت بزرگ علمی ، مرحوم میر محمد اسماعیل خواتون آبادی متوفای ۱۱۱۶ هجری ، که مجتهدی بزرگ و زاهد و صاحب اثر بوده ، تأسیس گشته است (۱).

وی تألیفاتی داشته ، که از آن جمله ، تفسیری بزرگ بر قرآن ، در چهارده جلد می باشد ، و صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است (۲) .

مدرسه اسماعیلیه ، همانند بسیاری از مدارس ، سالهای زیادی متروکه گردیده بود، ولی در سالهای اخیر ، معمور و مسکونی گردیده ، و عموم حجرات آن محل سکونت طلاب حوزه علمیه می باشد .

۲- مدرسه الماسیه

مدرسه ای است در محله چهارسوق مقصود ، و از مدارس نسبتاً کوچک اصفهان می باشد . بانی مدرسه ، حاج الماس نامی ، از غلامان دربار صفویه بوده ،

ص: ۱۰۶

۱- وقایع السنین و الأعوام ، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

۲- رجال اصفهان (تذکره القبور) ، صفحه ۱۰۰

و به نوشته کتاب (بخشی از گنجینه آثار ملی) وقفنامه مدرسه ، به تاریخ یکهزار و یکصد و چهار هجری ، باقی می باشد (۱).

جابری أنصاری در حوادث سال ۱۳۵۵ قمری چنین می نویسد :

خرابی مدرسه ألماسیه در چهارسوق مقصود ، و فروش آجرهای آن به دراهم معدود (۲).

ولی پس از گذشت چند سال ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی ، مدرسه را تجدید بنا نمودند ، ولی به جای دو طبقه قبلی ، تنها موفق به ساختن یک طبقه گردیدند . مدرسه ألماسیه ، در حال حاضر معمور و مسکونی طلاب می باشد . در طول زمان ، عده ای از فضلاء و علماء ، در مدرسه ألماسیه تحصیل علم یا تدریس نموده اند ، همانند :

۱- مرحوم شیخ محمد حسن بن ملا محمد لاری بیضاوی ، متوفای ۱۳۳۵ و مدفون در صحن إمامزاده أحمد ، که از فضلاء و مدرّسین بوده ، و از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی (نجفی) به شمار رفته است .

۲- مرحوم سید زین العابدین ابرقوئی ، متوفای ۱۳۷۲ قمری ، که از چهره های برجسته در زهد و تقوی ، و از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی بوده است .

۳- مرحوم آقای حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از شخصیت های مبرز حوزه علمیه اصفهان ، و از مراجع دینی در این شهر ،

ص: ۱۰۷

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۲ ، و نیز به أنساب خاندانهای مردم نائین صفحه ۱۲۳ مراجعه شود . تخریب یاد شده ، در دوره حاکمیت پهلوی اول ، و تهاجم او بر حوزه های علمیه ، و مراکز دینی بوده است

به شمار می رفتند، و مورد توجه مراجع بزرگ تقلید بوده، و در مدرسه جده بزرگ تدریس می نمودند.

۴- مرحوم آقای حاج شیخ عباسعلی اُدیب حبیب آبادی، متوفای ۱۴۱۲ قمری، که از علماء جامع معقول و منقول و ریاضی، و صاحب تألیفات متعدده بودند، و از مدرّسین نامدار حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند.

۵- مرحوم آقای شیخ محمد رضا محقق خراسانی، که از فضلاء و مدرّسین مدرسه الماسیه، بوده است (۱).

آثاری از مدرسه الماسیه

شخصی به نام محمد طیب هزار جریبی، نسخه ای از کتاب حدود و دیات، از علامه مجلسی را، در سال ۱۹۵۲ برای مولانا، آخوند محمد جعفر، در مدرسه خواجه الماس نوشته است (۲).

و هم چنین در سال ۱۳۰۴، محمد مهدی بن کربلانی محمد علی جابلقی، در مدرسه الماسیه، کتاب رضوان الأملین را، که حاشیه بر قوانین الأصول میرزای قمی است، و تألیف محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهرانی می باشد، تحریر نموده است (۳).

۳- مدرسه امامزاده اسماعیل ((مدرسه ابراهیم بیک))

یکی از مجموعه های بسیار ارزشمند تاریخی اصفهان، بناهای جالب امامزاده اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام و مزار و مسجد شعیای نبی عَلَیْهِ السَّلَام و مدرسه امامزاده

ص: ۱۰۸

۱- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۳۴

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۱۵۱

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۲۰۶ - ۲۰۷

اسماعیل است ، که از نظر سابقه تاریخی و معماری و کاشی کاری و هنرهای دیگر ، در ردیف مجموعه های ارزشمند و برجسته به شمار می رود .

در کتاب تاریخ اصفهان و ری آمده است:

صحن و بقعه و مسجد و مدرسه و مقبره ، تقریباً بیش از سه هزار ذرع، دارای مبانی شگرف بوده ، و کاشی کاری مُعَرَّق و نقّاشی مُنَقَّح و دربهای مُبْتَّ چوبی و فولاد کاری داشته ، دربِ دالانِ مستطیلِ ضریح، قطعه جواهر صنعتی بود ، که ذره ذره های زر را ، با چکش در پولاد به کار برده ، هر زمان به زیارت بقعه میرفتم تا نیم ساعت چشم از استادی آن پولاد ساز ، با زرکوبی و نازک کاری در آن ، بر نمی گرفتم ... و گنبد چهارسوق امامزاده ، بسی عالی بود ... ، درب متبت داخل ، که راهرو ضریح به قبر شعیا است زمان شاه محمود بن امیر مبارز الدّین مظفری ، حدود هفتصد و کسری نصب شده ، آسامی دوازده امام، میان درب و اطراف ، با خطی خوش به صنعت درودگری بر آن مرقوم است ... ، دستگاه امامزاده اسماعیل علیّه السّلام بسیار عالی بوده ، خانه هائی اطراف داشته که در آن ، شمع مومی ریختندی ، و مخصوصاً دو شمع مومی ، شبهای جمعه روشن می کردند ، در شمعدان طلا، که بلندی شمع به حدی بود که با نردبان آن را روشن می ساختند (۱).

اطراف صحن امامزاده اسماعیل علیّه السّلام ، حجره های زیادی ساخته شده ، که از اوّل تأسیس ، به منظور تحصیل علم و سکونت طلاب در نظر گرفته شده ، و عنوان « مدرسه علمیّه دیتیه » داشته است .

کتیبه سردر اصلی امامزاده اسماعیل علیّه السّلام ، حاکی از اقدام حاج محمّد ابراهیم

ص: ۱۰۹

بیک یوز باشی ، نسبت به تعمیر و تزیین بنای تاریخی امامزاده اسماعیل ، در دوره سلطان حسین صفوی می باشد ، که در سال ۱۱۱۵ به پایان رسیده است، و در طرفین در ، به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ ، اشعاری نوشته شده (۱) ، که از آن جمله است:

أول ابراهیم، از امر شهنشاه جهان *** آن که محمود دو کون ، از طالع مسعود شد

در صفای بقعه و سعی بنای مدرسه *** کین عمارات ، از علو همّتش موجود شد

و نیز ، در دو اسپر طرفین در چوبی صحن به خط بنائی نوشته شده :

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا

همانطوری که ملاحظه می نمائید ، عنوان مدرسه ، در متن برنامه ریزی برای این مجموعه ساختمانی عظیم و زیبا ، بوده است .

آقای رفیعی مهرآبادی ، پس از نقل اشعار مذکور می نویسد: از کتیبه مذکور معلوم می گردد ، که مجموعه بنای امامزاده اسماعیل ، علاوه بر مسجد و مرقد شعیا علیه السلام ، شامل مدرسه هم بوده است ، که به وسیله ابراهیم بیک یوزباشی ، به فرمان سلطان حسین صفوی ، مورد تعمیر قرار گرفته است (۲) .

و هم چنین در صفحه ۴۳۳ آثار ملی اصفهان ، می نویسد: این مدرسه ، مدرسه امامزاده اسماعیل (، در صحن امامزاده اسماعیل ، ساخته شده است .

مدرسه امامزاده اسماعیل ، که به مناسبت نام بانی آن ، مدرسه ابراهیم بیک

ص: ۱۱۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۴۰

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۰۷۵۹

هم نامیده شده، در حوادث تلخ تاریخی، متروکه گردیده، و در دوره حکومت پهلوی، محل سکونت مساکین و آوارگان قحطی و خشکسالی گردیده بود، و نویسنده کمترین، از دوران کودکی میدیدم، که خانواده هائی از روستائیان مسکین، در حجره های آن سکونت داشتند، تا آن که با کمک جمعی از مؤمنین، و نظارت حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه احمدآبادی (دائی نویسنده)، حجرات و صحن امامزاده تعمیر گردید، و با موافقت ایشان، اینجانب، در سال ۱۴۰۰ قمری، عده ای از طلاب حوزه علمیه را، در حجرات مدرسه إسکان دادم، و در حال حاضر، مدرسه یاد شده، آباد و مسکونی طلاب می باشد.

مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی، متوفای ۱۳۴۸ قمری، صاحب کتاب نفیس «مکیال المکارم»، و پدرشان، مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق موسوی، متوفای ۱۳۱۹ قمری، که از علماء جلیل القدر بوده است، در مسجد امامزاده اسماعیل، (مسجد شعیبای نبی) امامت جماعت داشته، و بر این مجموعه عظیم مذهبی نظارت می نموده اند، و هم چنین پدران آنها، تا زمان جد اعلایشان، میر محمد تقی موسوی (۱) در این مجموعه دینی و علمی، دخالت و نظارت و کوشش علمی و ارشادی داشته اند.

مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، در سالهای اقامت و تحصیلشان در حوزه علمیه اصفهان، مدتی در مدرسه امامزاده اسماعیل، اقامت داشته اند.

ص: ۱۱۱

۱- میر محمد تقی موسوی، وزیر شاه صفی صفوی بوده است (سیری در تاریخ تخت فولاد صفحه ۱۳۴)

مرحوم آقا سید محمود کلشادی، متوفای ۱۳۲۴ قمری، معروف به «سید مغنی گوی» (که از مدرسین بزرگ و مشهور و ادیب و شاعر و صاحب تألیفات عدیده، بوده (۱)) در مدرسه امامزاده اسماعیل، تدریس می نمود، و یکی از شاگردان مبرز آن بزرگمرد، مرحوم آیه الله سید محمد تقی فقیه أحمدآبادی، بوده است (۲) (۳).

مدرسه جدّه

در مدرسه در بازار بزرگ اصفهان، و در نزدیکی یکدیگر، و در یک دوره، ساخته شده است، که هر دو به نام جدّه می باشند، ولی یکی به نام جد بزرگ، و دیگری به نام جدّه کوچک، و گفته میشود، مدرسه اول را جدّه کوچک شاه عباس ثانی، و دومی را جدّه بزرگ او، به نام دلارام خانم، ساخته است (۴) ولی به مناسبت مساحت و وسعت زیاد مدرسۀ اول، او را به نام جدّه بزرگ نام برده، و به دلیل فضای کوچکتر مدرسه دوم، آن را به نام جدّه کوچک، نامیده اند (۵).

در یادکردن از این دو مدرسه، عموماً با قید کوچک و بزرگ، مقصود گوینده

ص: ۱۱۲

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۴، و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۴۹

۲- اظهارات فرزند ایشان، حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی دام عزه

۳- در باره مجموعه مسجد و مدرسه و مزار امامزاده اسماعیل، در بخش امامزاده ها) و نیز بخش (بقعه های علمی بررسی های دیگری داریم

۴- در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۳، احتمال داده شده، که بانی هر دو مدرسه، یک نفر باشد به نام دلارام خانم، (جدّه شاه عباس ثانی) و عنوان بزرگ و کوچک، منحصرأ مربوط به وسعت و مساحت مدرسه است

۵- گنجینه آثار تاریخی اصفهان - آثار ملی اصفهان - تاریخ فرهنگ اصفهان - تاریخ مدارس ایران - دارالعلم شرق

یا نویسنده، مشخص می شود، ولی گاهی از قیده‌های یاد شده، استفاده نمی شود و با بکار بردن عنوان مدرسه جده، همان

۴- مدرسه جد بزرگ

، اراده میشود چنانچه در تذکره نصرآبادی در چندین مورد، از شاگردان محقق نامدار و بزرگ قرن یازدهم، مرحوم آقا حسین خوانساری یاد نموده، و نوشته است: در مدرسه جده ساکن هستند، و با توجه به اینکه مرحوم آقا حسین خوانساری، تولیت و تدریس مدرسه جده بزرگ را بر عهده داشته، و مرحوم آقا جمال خوانساری، فقیه و محقق بزرگ، در همین مدرسه تدریس مینموده (۱) و تا سال ۱۳۰۸ شمسی (نیمه اول قرن چهاردهم قمری) تولیت مدرسه با خاندان آقا جمال خوانساری بوده (۲) و هم چنین با توجه به عظمت مدرسه جده بزرگ، در انظار طلاب و عموم مردم، و تدریس مدرسین بزرگ هر زمان در آن مدرسه، اطلاق عنوان مدرسه جده، به مدرسه جده بزرگ منصرف می گردد.

و اینک هرکدام از دو مدرسه یاد شده را مورد بررسی قرار میدهیم. ۴- مدرسه جد بزرگ

مدرسه باشکوهی است، واقع در بازار بزرگ اصفهان، و در نزدیکی چندین مدرسه مهم دیگر از قبیل: مدرسه صدر - مدرسه ملا عبد الله - مدرسه جده کوچک که در نیمه اول قرن یازدهم هجری تأسیس گشته، و در تاریخ ۱۰۵۸ کتیبه آن نصب گردیده است.

قسمتی از این کتیبه، که در سر در این مدرسه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی، به خط محمد رضا امامی نصب گردیده، چنین است:

ص: ۱۱۳

۱- تذکره نصرآبادی، صفحه ۱۵۲

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۲

قَدْ وَفَّقَتْ عَلِيَا حَضْرَتِ الْمُفَخَّمَةِ الْمُكْرَمَةِ جَدَّهُ السَّيِّدِ لَطَانِ الْأَعْظَمِ ، مُرَوِّجِ مَذْهَبِ الْأَيْمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ .. أَبُو الْمُظْفَرِ ، شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الصَّفَوِيِّ بَيْنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ ، وَ وَفَّقَهَا عَلَى الطَّلَبِ الْإِثْنِي عَشْرِيَّةِ ... فِي ثَمَانٍ وَ خَمْسِينَ وَ أَلْفٍ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدُ رِضَا الْإِمَامِيِّ (١) .

مدرسه جدّه دو طبقه است ، و در طرف شمالی و جنوبی آن ، دو مدرس ، و در طرف شرقی آن ، یک مسجد ساخته شده ، و حجرات مدرسه که در حدود ۷۰ باب میباشد ، در طبقه اول و دوم قرار گرفته ، و نمای مدرسه با کاشیکاری تزئین گردیده است .

در ضلع شرقی مدرسه ، به خطّ نستعلیق مشکی ، بر زمینه کاشی خشت زرد رنگ ، بالای درب مسجد ، این جمله نوشته شده است :

« گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳۴ »

مدرسه جدّه بزرگ ، همانند عموم مدارس دینی ، سالهای رکود و نیمه تعطیلی یا تمام تعطیلی دوره پهلوی اول را پشت سر گذاشت ، و در اواخر قرن چهاردهم ، با همت جمعی از مؤمنین تعمیری اساسی یافت ، و هم اکنون در زمره مدارس آباد و کاملاً مسکونی می باشد ، و محل تحصیل و سکونت طلاب حوزه علمیه است . جوی آبی که در وسط مدرسه بوده ، و بر زیبایی و صفای مدرسه می افزوده ، خشک شده ، و فعلاً وجود ندارد . مرحوم جناب در کتاب «الإصفهان» ، طول و عرض مدرسه را ۵۰ × ۸۰ و تعداد حجرات آن را ۶۷ و تعداد طلاب آن را ، پنجاه نفر می نویسد (۲) .

ص: ۱۱۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۵۳

۲- الإصفهان ، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

مدرسه جده بزرگ از ابتدای تأسیس ، محل تحصیل فضلاء ، و تدریس بزرگان حوزه علمیه بوده ، که ذیلاً به جمعی از آنها اشاره می نمایم :

۱- استاد الكلّ فی الكلّ، ذو الجمالین ، استاد الحکماء و المتکلمین ، مربّی آلفقهاء و المحدثین ، فرید الدّهر و وحید آلعصر ، علامه معقول و منقول، حلال مشکلات علمیّه ، و جامع بین فطانت و سرعت انتقال ذهنی و کوشش و تلاش تحقیقی ، مرحوم آقا حسین بن جمال الدین خوانساری ، مشهور به محقق خوانساری و متوقای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ قمری .

وی ، به نوشته نصرآبادی در تذکره اش « تولیت و تدریس مدرسه جدّه را بر عهده داشته ، و عمده فضلاء ، در حاشیه درس آن قبله عرفاء حاضر شده ، استفاده می نمایند، و خود در منزل به إفاده مشغولند(۱)».

۲- فقیه محقق ، حکیم مدقق ، اصولی متفکر ، جمال الدین و المحققین ، مولی محمد بن آقا حسین ، معروف به « آقا جمال خوانساری » ، متوفای ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ هجری ، که از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان ، و از مدرّسین و مؤلفین نامدار بوده، و حاشیه های او بر : «شرح لمعه» و «شرائع» و «شرح إشارات» و «شفاء» و «من لا یحضره الفقیه» و «غرر و درر آمدی» و دیگر تألیفات آن بزرگمرد ، نشانه قدرت اندیشه و تبحر علمی و جامعیت در علوم و فنون، میباشد . وی ، به نوشته تذکره نصرآبادی « هر روز به مدرسه جده می آمده ، و طلاب علوم دینیّه ، از همان مدرسه و دیگر مدارس حوزه اصفهان ، از حوزه درسی او مستفید می شده اند (۲)».

ص: ۱۱۵

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۵۲

۲- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۵۲

۳- ملاّ شعيبا خوانساری ، که عالمی وارسته و بسیار مؤدّب و مورد علاقه شديد مرحوم محقق خوانساری بوده ، و در سال ۱۰۸۳ وفات یافته ، و از ساکنین مدرسه جده بوده است (۱).

۴- ميرزا معزّ موسوی قمی ، متخلص به فطرت ، که جوان لایق و فاضلی بوده و دو سال در مدرسه جده ساکن گردیده و از درس و محضر محقق خوانساری ، استفاده نموده است (۲) .

۵- مولی محمد علی شوشتری ، که از شاگردان محقق خوانساری ، و ساکن مدرسه جده بوده است (۳) .

۶- ملاّ نصیرا ، متخلص به « مشتاق » ، که اصلاً تویسرکانی بوده ، و در مدرسه جده ساکن گردیده ، و از شاگردان محقق خوانساری بوده است (۴) .

۷- حسن بیك طهرانی ، که مدتی در مدرسه جده ساکن بوده ، و شعر نیز می سروده است (۵) .

۸- حکیم و شاعر و خطاط نامدار ، آقا محمد کاظم واله ، متوفای ۱۲۲۹ قمری ، که مورد توجه مردم ، و از ساکنین مدرسه جده بوده است (۶) .

۹- آخوند ملاّ محمد حسین کرمانی ، متوفای ۱۳۳۰ قمری ، که مجتهدی زاهد و مرجعی متواضع بوده ، و استادهائی همانند : آقا شیخ محمّد باقر مسجد شاهی

ص: ۱۱۶

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۹۴

۲- تذکره نصرآبادی صفحه ۱۷۶

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۸۵

۴- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۹۶

۵- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۰۶

۶- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۲

و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و ملا حسینعلی تویسرکانی داشته ، و از

طلاب مدرسه جده ، و سپس از مدرّسین همین مدرسه بوده ، و از آثار دینی و اجتماعی او ، علاوه بر قضاوت شرعی و حلّ مشکلات دینی و اجتماعی مردم ، تجدید بنای مسجد نور و رضوان در اصفهان می باشد (۱).

۱۰ - شیخ حسن دشتکی ، که عالمی فاضل و از شاگردان : حاج میرزا بدیع درب امامی و آخوند ملا حسین کرمانی و آقا سید محمد باقر درجه ای بوده ، و در مدرسه جده سکونت داشته ، و تدریس ادبیات و سطوح فقه مینموده ، و در سال ۱۳۴۴ وفات یافته است (۲) .

۱۱ - فقیه و مجتهد و محقق و مرجع بزرگوار ، مرحوم حاج میر محمد صادق مدرّس خواتون آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از رؤسای علماء و از مدرّسین افتخار آفرین حوزه علمیه اصفهان بوده ، و حوزه درسی او از عظمت برجسته ای برخوردار بوده است . وی در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و از درس دو چهره علمی نامدار ، آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفته ، و از خواص مرحوم آخوند خراسانی ، و یاور ایشان در تألیف کتاب شریف کفایه الأصول بوده است ، و پس از مراجعت به اصفهان ، علاوه بر مرجعیت دینی و اجتماعی ، مدرس بزرگ مدرسه جده بوده ، و حوزه درسی او ، « مجمع أفاضل » به شمار می رفته است .

۱۲ - فقیه مجتهد و اصولی محقق ، آقا سید محمد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از چهره های مبرز علمی اصفهان و از مراجع دینی بوده ، و حوزه

ص: ۱۱۷

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۱-۶۲

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۴۹

درسی برجسته داشته است .

وی از شاگردان بزرگانی ، همانند : آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و حاج آقا رضا همدانی و آقا سید محمد فشارکی و ... ، بوده ، و دو جلد حاشیه ایشان ، بر کفایه الأصول ، از حواشی برجسته آن کتاب شریف ، می باشد .

مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی ، در مدرسه جدّه بزرگ و مدرسه صدر و ... ، تدریس می نموده اند .

۱۳ - مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که عالمی مجتهد ، و فقیهی زاهد ، و مدرسی نامدار و متبحر بوده ، و استادهائی ، همانند : آخوند ملا محمد حسین کرمانی و آقا سید محمد باقر درچهای و آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی (در اصفهان) ، و آخوند خراسانی (در نجف اشرف) داشته ، و خود ، در مدرسه جده ، به تدریس اشتغال داشته است .

حوزه درسی مرحوم نجف آبادی ، مجمع أفاضل بوده، و در زمینه علم و تقوی و زهد و معنویت و علاقه به خاندان رسالت ، و ایشان از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود . نشانه علاقه شدید او به مقام أهل البيت عليهم السلام کتاب « فضیله السیاده » او ، درباره سادات و اهمیت آنان می باشد ، و این کتاب به چاپ رسیده است (۱).

۱۴ - فقیه و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله ، حاج سید علی علامه فانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از چهرهای برجسته علمی و صاحب تألیفات بسیار و حوزه درسی مورد توجه در حوزه نجف و قم بودند، و چندین سال ، در فصل تابستان و ماه مبارک رمضان ، در هنگام اقامت در شهر اصفهان ، در مدرسه جدّه بزرگ ،

ص: ۱۱۸

تدریس فقه و اصول و تفسیر می نمودند .

۱۵ - فقیه زاهد و عالم ربّانی ، مرحوم آیه الله ، حاج سیّد مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از علماء متنقد و محبوب اصفهان ، و مورد توجه مراجع عالیقدر تقلید ، و از چهره های شایسته حوزه علمیه اصفهان بودند ، و حوزه درسی ایشان، در مدرسه جدّه بزرگ تشکیل می گردید .

۱۶ - مدرّس حکیم و ریاضی هیّوی ، و فقیه اصولی و عالم جامع ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی اَدیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری ، که از معمرین علماء اصفهان ، و از مدرّسین پر تلاش حوزه علمیه بودند ، و در چندین مدرسه و از جمله ، مدرسه جدّه بزرگ تدریس می نمودند .

علاوه بر مدرّسین یاد شده ، در دوره های مختلف ، شخصیت های علمی دیگری نیز در این مدرسه ، تدریس و یا تحصیل داشته اند (۱) که ذکر همه آنها به درازا میکشد .

آثاری از مدرسه جدّه بزرگ

در کتابخانه جامع گوهرشاد ، نسخه ای از کتاب « الْمَطَالَعُ السَّعِيدَةُ » فی شرح آلفریده ، تألیف سیوطی وجود دارد، که محمد مهدی بن محمد هاشم ، در ماه شوال ۱۱۰۵ در مدرسه جدّه کبیره اصفهان ، نوشته است (۲) .

و نیز در کتابخانه آستانه قدس رضوی علیه السلام نسخه ای از کتاب « شرایع

ص: ۱۱۹

۱- همانند : آقا شیخ محمد حسن مشکینی ، فرزند آقا شیخ علی بن شیخ أبو القاسم عاملی (از أعقاب شهید ثانی) ، متوفای ۱۳۶۸ قمری ، که عالمی فاضل و حکیمی فقیه بوده ، و مدرّس فقه و اصول و حکمت در مدرسه جدّه بوده است (سیری در تخت فولاد، صفحه ۷۵).

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۱ (برگه ضمیمه)

الإسلام» محقق حلی وجود دارد، که به خط کاظم بن حسنعلی می باشد، و در ربیع الثانی ۱۲۳۱، در مدرسه جده بزرگ اصفهان نوشته شده است (۱).

و در کتابخانه دانشکده حقوق، نسخه ای از کتاب «مغنی اللیب» وجود دارد، به خط عبد الحکیم حسینی تفرشی، که آن را در مدرسه جده اصفهان نوشته است (۲) و ظاهراً مراد، مدرسه جده بزرگ می باشد.

و همچنین، در کتابخانه جامع گوهرشاد، نسخه ای از «شرح لمعه» موجود است، که در سال ۱۰۸۵، در مدرسه جده نوشته شده، و نسخه ای از کتاب «نظم اللالی» سید أبو القاسم استرآبادی موجود است، که به وسیله محمد بن علی أصغر قائنی، در رمضان ۱۲۵۴ در این مدرسه نوشته شده است (۳).

و نیز در کتابخانه آیه الله، مرعشی نجفی، مجموعه ای وجود دارد از رساله هائی در طب، که به خط نستعلیق محمد حسن بن محمد رحیم خوئی می باشد، و در سال ۱۲۴۰ در مدرسه جده اصفهان نوشته شده، و به وسیله کاتب وقف شده است (۴).

۵- مدرسه جده کوچک

مدرسه ای است واقع در بازار قهوه کاشیها (منشعب از بازار بزرگ) که در نزدیکی مدرسه جده بزرگ واقع شده است.

بانی مدرسه، جده شاه عباس ثانی، به نام دلارام خانم بوده، و تاریخ نصب کتیبه داخل مدرسه، ۱۰۵۷ می باشد. حجرات مدرسه ۳۸ عدد و به صورت

ص: ۱۲۰

۱- فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۴۵۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۵۹

۳- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۶۱ برگه ضمیمه

۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله، مرعشی نجفی قم، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۲-۱۲۴

دو طبقه می باشد ، و به نوشته مرحوم جناب در (آلاصفهان) طول و عرض مدرسه 25×25 می باشد (۱).

مدرسه جده کوچک ، از دو قسمت تشکیل شده ، یکی صحن اصلی و حجرات مدرسه ، و دوم صحنی کوچک و شبستانی که مدرس مدرسه ، به شمار می رود .

کتیبه سردر مدرسه ، مشتمل بر جمله هائی است که قسمتی از آن چنین است

قَدْ وَفَّقَتْ عَلِيَا حَضْرَتَ الْمُفَخَّخَمَةَ الْمُكْرَمَةَ الْمُعَظَّمَةَ، النَّبِيلَةَ الْجَلِيلَةَ الْعَالِيَةَ جَدَّةَ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ .. مُرَوِّجَ مَذْهَبِ الْأَيْمَةِ الْإِثْنَى عَشْرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الْحُسَيْنِيِّ الصَّفَوِيِّ بِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ وَقَفَهَا عَلَى الطَّلَبِ الْإِثْنَى عَشْرِيَّةَ ، وَ جَعَلَتْ ثَوَابَهَا هَدِيَّةً لِرُوحِ خَلْفِ السُّلْطَانِ الْعِظَامِ السُّلْطَانِ صَفِيِّ مِيرْزَا بِحَقِّ النَّبِيِّ سَيِّدِ الْكَوْنَيْنِ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ رِضَا الْإِمَامِي فِي ١٠٥٦ (٢) .

مدرسه جده کوچک ، در طول تاریخ موجودیتش ، محلّ تحصیل و تدریس فضلاء و علماء بزرگی بوده است ، که ذیلاً به نام برخی از آنها اشاره می نمائیم .

۱- حکیم متکلم و فیلسوف فقیه ، آخوند ملا محمد کاشانی ، معروف به آخوند کاشی ، متوفای ۱۳۳۳ که از مفاخر علمی و از چهرهای مبرز در سیر و سلوک معنوی بوده ، و در دوران تحصیل ، در مدرسه جده کوچک سکونت داشته است .

۲- عالم ادیب و مدرّس فقیه ، میرزا علی محمد نائینی ، متوفای ۱۳۳۴ قمری که از شاگردان جهانگیر خان (در اصفهان) و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی

ص: ۱۲۱

۱- الإصفهان ، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

(در عراق) بوده است . وی ، اجازه اجتهاد از حاج میر محمد صادق مدرّس

خاتون آبادی) داشته ، و حجره او در مدرسه جدّه کوچک بوده ، و در جوانی از دنیا رفته است (۱).

۳- مدرّس محقّق و عالم زاهد ، سیّد میرزا اردستانی ، متوفّای ۱۳۵۱ قمری ، که از ساکنین و مدرّسین مدرسه جدّه کوچک بوده است .

۴- عالم محقّق و مدرّس موفق و زاهد متّقی ، شیخ محمّد علی مدرّس فتحی دزفولی ، متوفّای ۱۳۵۷ قمری که شخصیتی ارزشمند در علم و عمل ، و صاحب تألیف بوده ، و در مدرسه جدّه کوچک تدریس می نموده است .

۵- فقیه متکلم و مجتهد مجاهد ، و جامع معقول و منقول ، سیّد حسن مدرّس سرابهای اِسفهای قمشه ای ، اصفهانی ، شهید سال ۱۳۵۷ قمری ، که از چهره های بزرگ و نامدار روحانیت ، در عالم مبارزه و جهاد و شهادت است ، و مبارزات و مخالفت‌های او با حکومت پهلوی اول ، و استعمار انگلیس ، عالمگیر میباشد . وی ، مدّتها ، در مدرسه جدّه کوچک ، تدریس فقه و اصول مینموده است .

۶- مدرّس محقّق و فاضل ، شیخ هبه الله هرندی ، متوفّای ۱۳۶۶ قمری ، که از شاگردان آقا سیّد محمد نجف آبادی و آقا میر سیّد علی نجف آبادی و حاج میر محمد صادق خواتون آبادی بوده ، و در مدرسه صدر و جدّه کوچک ، تدریس می کرده است . علاوه بر یاد شدگان ، عدّه دیگری از علماء و مدرّسین و فضلاء از ساکنین یا مدرّسین مدرسه جدّه کوچک بوده اند .

آثاری از مدرسه جدّه کوچک

نسخه ای از « شرح فصوص الحکم » داود قیصری ، به خطّ نستعلیق حیدر

ص: ۱۲۲

علی سرحدی ، در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است ، که در سال ۱۲۲۸، در مدرسه جدّه کوچک ، نوشته شده است (۱).
و در کتابخانه دانشکده حقوق، نسخه ای از کتاب « میراث » مولی محمد تقی بن حسینعلی اصفهانی موجود است ، که آن را
محمد کریم بن حاج محمد ابراهیم قمی ، در جمادی الأولى ۱۲۷۶ ، در مدرسه جدّه کوچک ، کتابت نموده است (۲).

۶- مدرسه جلالیه

مدرسه ای است در خیابان احمد آباد ، که در دوره سلطان حسین صفوی ، به وسیله جلال الدین محمد طیب (پزشک خاص
حرم سلطان صفوی)، متوفای ۱۱۳۱ قمری ، ساخته شده ، و کتیبه آن که در سر درِ مدرسه ، نصب شده ، مشتمل بر این
جملات می باشد :

قَدْ وَفَّقَ لِبِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ ، بِمِائِنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ ، مُرَوِّجِ مِذْهَبِ آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ .. أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهُ
سُلْطَانِ حُسَيْنِ الْمُوسَوِيِّ الصَّفَوِيِّ ... طَيْبِ خُدَامِ حَرَمِهِ الْعَلِيِّ الدَّاعِي لِخُلُودِ دَوْلَتِهِ ، جَلَالُ الدِّينِ مُحَمَّدٌ فِي ۱۱۱۴

در پشت بغل سردرِ مدرسه جلالیه ، به خط نستعلیق سفید ، بر کاشی لاجوردی رنگ ، دو بیت زیر نوشته شده است :

أجر و تاریخ این بنای رفیع

خواستم از خدا و خیر اُنام

بشنیدم ندا ز عالم غیب

بدهد ذو الجلال و الإکرام (۳)

۱۱۱۴

ص: ۱۲۳

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۵ (برگه ضمیمه)

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۶

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۱

ولی با حساب دقیق ، مصرع (بدهد ذو الجلال و الإکرام) به حروف أبجد مطابق ۱۱۱۵ خواهد بود .

محل دفن جلال الدین محمد طیب ، در ضلع شمالی مدرسه ، در اطاق وسط می باشد ، که به عنوان مدرس مورد استفاده قرار می گیرد .

۶- مدرسه جلالته

۱۲ حجره اصلی در یک طبقه ، و ۳ حجره در طبقه فوقانی دارد ، و مساحت آن 30×35 متر می باشد ، و جزء آثار تاریخی و میراث‌های فرهنگی ، محسوب گردیده است .

در دوران حکومت پهلوی اول ، مدرسه جلالیه به تصرف عدوانی اداره فرهنگ در آمد ، و تبدیل به دبستان پسرانه گردید ، و در سال ۱۳۸۴ قمری ، (آذرماه ۱۳۴۴ شمسی) ، با اقدامات مرجع عالیقدر شیعه :

حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی قدس سره

به حوزه علمیه باز گردانده شد ، و با همت مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی اردکانی ، تعمیر اساسی یافت ، و مسکونی طلاب گردید (۱) . و کتابخانه ای نیز در آن دایر گشت ، و عده ای از مدرسین به تربیت و تعلیم طلاب اشتغال یافتند .

مدرسه جلالیه در طول زمان ، محل تحصیل و تدریس جمعی از علماء و فضلاء بوده ، مثلاً: پدر نویسنده کمترین ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی ، متوفای ۱۴۱۳ قمری ، و مرحوم حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج سید مصطفی موحد محمّدی ، در دوران طلبگی در این مدرسه تحصیل

ص: ۱۲۴

۱- در لوحه ای از کاشی ، در سردرب مدرسه ، چنین کتیبه شده است : هو العلیم ، به امر مبارک حضرت آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، و همت عالی حضرت حجه الاسلام آقای اردکانی ، مدرسه جلالته ، در تاریخ آذرماه ۱۳۴۴ ، به تصرف وقف و طلاب علوم دینیّه در آمد

علم نموده اند، و نویسنده این سطور (حاج سید حجّه موحد ابطحی) و نیز حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی ، و برخی دیگر از مدرسین ، پس از بازگرداندن مدرسه به حوزه علمیه ، از سال ۱۳۸۵ قمری به بعد ، در این مدرسه ، به تدریس علوم حوزه‌های اشتغال داشته ایم .

در کتابخانه مدرسه رضویه قم ، نسخه ای از کتاب « شوارق لاهیجی » موجود است ، که به خطّ أبو القاسم بن أحمد حسینی ، کزازی الأصل، اصفهانی المسکن میباشد ، و در تاریخ ۱۲۴۳، کتابت آن را در مدرسه جلالیه اصفهان به پایان رسانیده است .
(۱).

تعمیرات اساسی جدید مدرسه جلالیه

در سال ۱۴۱۴ قمری ، نویسنده این سطور (حاج سید حجّه موحد ابطحی) به یکی از نیکوکاران اصفهانی ، پیشنهاد نمودم که تعمیرات اساسی مدرسه جلالیه را (که به صورت مخروبه ای در آمده بود) بر عهده گیرد، و ایشان از محضر مرجع عالیقدر شیعه : حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره ، کسب اجازه نمود، که بابت وجوهات شرعیّه ، این عمل شایسته را انجام دهد ، و ایشان مشروط به نظارت این کمترین ، اجازه فرمودند ، و از آن زمان تا این تاریخ (ماه رمضان ۱۴۱۵ قمری)، در مدّت یک سال و نیم مرتباً تعمیرات اساسی و نوسازی وضوخانه و دستشویی های مدرسه ، در حال انجام بوده و در حال حاضر نزدیک به پایان می باشد . و با هزینه ای سنگین ، این مجموعه علمی و دینی و تاریخی ، مطابق اصول باستان شناسی ، تعمیر گردیده و إنشاء الله تعالی در آینده ای نزدیک ، مجدداً تحت برنامه ای منظم،

ص: ۱۲۵

۷- مدرسه چهارباغ «مدرسه امام صادق»

این مدرسه به مناسبت عنوان بانی آن ، (سلطان حسین صفوی) ، به نام سلطانی خوانده می شود ، و به مناسبت محل آن (که حاشیه خیابان چهارباغ می باشد) ، با عنوان مدرسه چهارباغ یاد میشود ، و پس از انقلاب اسلامی ایران ، (در سال ۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری) با نام مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام نامیده شده است .

نویسندگان درباره این اثر بزرگ فرهنگی و هنری ، هر کدام تعبیراتی دارند که نشان دهنده عظمت این مجموعه تاریخی می باشد ، مثلاً : دکتر لطف الله هنرفر ، باستان شناس معاصر ، می نویسد:

مدرسه چهارباغ یا مدرسه سلطانی مهمترین و زیباترین بنای شاهانه دوره سلطنت شاه سلطان حسین است . نهر فرشادی و چنارهای داخل مدرسه ، صحن این بنای تاریخی را ، روح أفراتر از بناهای دیگر دوره صفویّه ، در اصفهان نموده است .
مدرسه چهارباغ ، انواع کاشیکاری عهد صفویّه را در

ص: ۱۲۶

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب ، در حال انجام است (نیمه سال ۱۴۱۷ قمری = ۱۳۷۵ شمسی) یکسال و سه ماه از تاریخ اتمام تعمیرات کامل و نوسازی قسمتی از مدرسه ، میگذرد ولی متأسفانه ، جمعی از افراد ناآگاه زیر نظر برخی از اشخاص ... !! به مجرد تکمیل و آماده سازی مدرسه ، به غصب حجرات آن شتافتند ، و با این که بسیاری از مراجع معظم تقلید، عمل آنها را خلاف شرع دانستند، آنها دست از آن اقدام خلاف اخلاق و خلاف عرف و خلاف شرع، برنداشتند ، ولی امیدواریم همچنان که غصب مدرسه، تکرار شد ، بازگشت آن به مسیر دینی ، و مطابق قواعد فقه اهل البیت علیه السلام نیز ، تکرار گردد

بر دارد، و چون آخرین بنای باشکوه آن دوره است، آخرین تحولات صنعت کاشی کاری را می توان در آن مطالعه نمود. انواع کاشی کاری (معقلی) و (گره کاری)، امتیازی مخصوص، به این بنای تاریخی داده است (۱).

محمد مهدی اصفهانی، در کتاب « نصف جهان فی تعریف الإصفهان »، پس از شرح مفصّلی درباره بنای مدرسه، می نویسد: مجملًا، شرح حالات و صفات این مدرسه و مسجد شاه (مسجد امام واقع در میدان امام) را کتابی علیحدّه و مُدوّن بایست، که به این اختصار راست نیاید، و می توان ادعا نمود که مدرسه ای به این نفاست و خوبی، در ایران ساخته نشده، و در غیر آن هم به این وضع، مشکل است (۲).

و آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی، می نویسد: این مدرسه که از بهترین مدارس بنا شده در ایران است... (۳).

و آقای عبدالحسین سپینتا، می نویسد: مدرسه سلطانی و کاروانسرای بزرگ سلطانی متصل به آن... از بناهای مهم اصفهان، و یادگار دوران سلطان حسین صفوی است... و به قول پرفسور پوپ، بهترین دلیل بقای ذوق و قریحه هنری ایران، در آن عصر است... که جا دارد آن را بنای عظیم بنامیم (۴).

تاریخ بنای مدرسه

مدرسه چهارباغ با توجه به بزرگی و انواع کارها و هنرهای گوناگون، از

ص: ۱۲۷

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۵

۲- نصف جهان، صفحه ۷۱

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۴

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، صفحه ۱۱۷

قیل معماری ، کاشیکاری ، حجاری ، خطاطی و نقاشی و ... که در آن به کار رفته ، در مدت چندین سال ساخته شده ، که ماده تاریخی موجود در کتیبه ها ، و تاریخهای مکتوب در کاشی کاری ها ، و نیز قضایای تاریخی ثبت شده درباره تأسیس مدرسه و افتتاح رسمی آن ، گویای آن می باشد ، و ذیلاً به مواردی اشاره می نمائیم:

۱- در داخل گنبد مدرسه چهارباغ ، که در جنوب مدرسه واقع است کتیبه های بسیار مفصّلی تعبیه شده ، که صلوات مفصل خواجه نصیر بر چهارده معصوم علیهم السلام ، در آن نوشته شده ، و در آخر صلوات بر امام زمان (عج) آمده : کتبه عبد الرّحیم فی ۱۱۰۴

۲- در کتیبه های نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه چهارباغ ، به قلم عبد الرّحیم جزائری ، احادیثی راجع به ارزش علم و عالم نوشته شده ، و در آخر آن آمده است : کتبه عبد الرحیم فی ۱۱۱۲

۳- در سرسرای شمالی مدرسه ، به خطّ محمّد صالح اصفهانی ، در ألواح جداگانه ای ، اشعاری به خطّ نستعلیق نوشته شده ، که در آخر آن آمده است : بهر تاریخ بنا و سال اتمامش (نجیب)

و مطلعی چون مهر و مه ، گرداند زیب خاقین

مسجد سلطان عادل ، ماه اوج مشرقین ۱۱۱۸

مدرس عالیجناب شاه دین ، سلطان حسین

کتبه محمّد صالح

۱۱۱۹

۴- در شبستان مُسَقَّفِ مدرسه چهارباغ ، که در ضلع شرقی گنبد مدرسه بنا شده ، و به وسیله در مُبَّت کاری نفیسی ، به محوطه زیر گنبد ارتباط پیدا میکند ، سه محراب وجود دارد ، و در اطراف یکی از محرابها ، کتیبه ای هست

ص: ۱۲۸

که با این عبارت ختم می شود: کتبه محمد مؤمن الحسینی ۱۱۱۸

۵- در اطراف سرسرای مدخل مدرسه چهارباغ، به خط محمد صالح اصفهانی اشعاری نوشته شده که در آخر آن آمده است:

قلم گرفت و نوشت (أزهري) بتاریخش

و به نام مدرسه شه شد، از کمال، آباد ۱۱۱۹

کتبه محمد صالح

۶- بر نمای خارجی ایوان شمالی مدرسه چهارباغ، درباره فضیلت علم و مقام معلم و وظیفه متعلم، احادیثی نوشته شده، به قلم علی نقی امامی، که در آخر آن کتیبه است: کتبه علی نقی الإمامی سنه ۱۱۱۹

۷- و در کتیبه داخل ایران، احادیثی جالب راجع به پیامبر، و أمير المؤمنين و فاطمه زهراء و امام حسن و امام حسین و امام زمان عليهم السلام، نوشته شده، و در آخر آن آمده است: کتبه ابن محمد محسن الإمامی، علی نقی الاصفهانی ۱۱۱۹

۸- و در داخل ایوان شرقی، کتیبه ای است مفضل، که در آخر آن آمده:

ثُمَّ أَمَرَ بِتَرْصِيفِ هَذَا الْإِيوَانِ الرَّفِيعِ، لِمُدَارَسَةِ كُتُبِ الْعُلُومِ، وَ سَنَةِ إِثْمَامِهِ،

هُوَ لِمَصْبَاحِ الْعِلْمِ مَشْكُوهٌ

کتبه محمد رضا ۱۱۱۹

۹- در کتیبه قسمت فوقانی محراب و منبر مدرسه چهارباغ، در زیر گنبد، سه حدیث بسیار جالب راجع به فضائل مولی المتقین، أمير المؤمنين علیه السلام ثبت شده، و در آخر آن آمده است: کتبه عبد الرحيم الجزائری ۱۱۲۱

۱۰- در کتیبه سر درب مدرسه چهارباغ، به سوی بازارچه بلند، که در طرف شمال مدرسه قرار دارد، دستور بنای مدرسه به امر سلطان حسین صفوی، شرح داده شده، و در آخر آن آمده است: کتبه عبد الرحيم فی ۱۱۲۱

ص: ۱۲۹

۱۱- در سردر اصلی مدرسه ، که به سوی خیابان چهارباغ می باشد ، کتیبه ای با کاشی معرق نصب شده ، و در آن ، پس از شرح نام بانی مدرسه (سلطان حسین صفوی) ، و انگیزه معنوی او بر این کار ، نوشته شده ، کتبه عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۲

۱۲- و در اطراف گنبد مسجد مدرسه چهارباغ ، که در طرف جنوب مدرسه واقع است ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی ، کتیبه جالبی نقش بسته ، که بعد از بسم الله الرحمن الرحیم و حمد و ثنای خداوند و صلوات و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آل آنحضرت ، بالأخص أميرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است : وَبَعْدُ فَإِنَّ عِمَارَةَ الْمَسَاجِدِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَ تَأْسِيسِ الْمَدَارِسِ لِتَنْفِيزِ أَمْرِ اللَّهِ ، مِنْ أَعْظَمِ الْمُتُوبَاتِ لَدَيْهِ وَ أَقْرَبِ الْقُرَاتِ إِلَيْهِ ، و سپس در ادامه کتیبه ، نام بانی سلطان صفوی) و انگیزه معنوی او ذکر شده ، و در آخر ، آمده است : کتبه عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۲

۱۳- در کتیبه فوقانی داخل گنبد مدرسه ، حدیث بسیار جالب و مفصلی ، از اهل سنت درباره قضیه مؤاخاه بین أصحاب ، و نیز مؤاخاه بین پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نقل شده، و در آخر آن نوشته شده : کتبه الفقیر عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۳

۱۴- در کتیبه های افقی داخل گنبد مدرسه ، احادیث جالبی درباره أمير المؤمنین علیه السلام نقش بسته ، و در بالای گوشواره شمال شرقی ، چنین نوشته شده است :

وَ قَالَ أَيْضاً : حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يُضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا عِبَادَةٌ ، وَ قَالَ أَيْضاً : عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ ، فی ۱۱۲۶ علاوه بر تاریخهای یاد شده ، در کتاب وقایع آل سنین و الأعوام ، درباره وقایع سال ۱۱۱۶ آمده است ... و بناء مدرسه ای نمود در چهارباغ اصفهان ، در هزار

و صد و شانزده ، و در هزار و صد و هجده ، مدرسه مشرف بر تمام شدن شد، و در ذی الحجه الحرام آن سال (سال ۱۱۱۸) تدریس مدرسه مزبوره را ، به حضرت علامه العلماء ، آمیر محمد باقرا، سلمه الله تفویض نمود... (۱). و درباره وقایع سال ۱۱۲۲ آمده است: در ماه مبارک رجب المرجب ، سنه هزار و یکصد و بیست و دو ، در روز جمعه دهم شهر مذکور ، أهل علم را در مدرسه جدید سلطانی ، که در جنب چهارباغ اصفهان است ، جا دادند و علامه العلمائی ، مجتهد الزمانی ، آمیر محمد باقرا ، خلف مرحمت پناه ، عمّ أمجد ، امیر اسماعیل ، در روز مذکور ، شروع به مباحثه کردند در آن مدرسه ... (۲). با توجه به تمامی تاریخهای یاد شده ، در نظر ابتدائی ، یک نوع ناهماهنگی بین تاریخهای مکتوب در مدرسه ، و تاریخ موجود در وقایع آلسنین ، و هم چنین ناسازگاری بین گزارش مربوط به سال ۱۱۱۶ که در ضمن آن ، سال ۱۱۱۸ ذکر شده ، و گزارش سال ۱۱۲۲ ، به نظر می رسد زیرا:

أولاً: در وقایع السنین ، سال بنای مدرسه را ۱۱۱۶ ، و سال اتمام آن را ۱۱۱۸ ، ذکر نموده ، در حالی که تاریخهای مکتوب در مدرسه ، از ۱۱۰۴ تا ۱۱۲۶ میباشد .

ثانیاً: در خود کتاب وقایع آلسنین ، تفویض تدریس مدرسه را در ذی الحجه سال ۱۱۱۸ ذکر نموده ، و در سال ۱۱۲۲ ، از شروع تدریس در مدرسه یاد نموده است .

راه حلی برای مشکل تفاوت در نقل

أولاً: احتمال می دهیم که ساختمان ایوان و گنبد عظیم در طرف جنوب

ص: ۱۳۱

۱- وقایع آلتین و الأعوام ، صفحه ۵۵۶

۲- وقایع آلسنین و الأعوام ، صفحه ۵۵۹

مدرسه ، ابتداءً تأسیس شده ، با نقشه و طرحی مستقل ، که تاریخهای ۱۱۰۴ و ۱۱۱۲ (که هر دو در مجموعه گنبد و ایوان جلو او می باشد) حاکی از آن است، و سپس تغییر رأی حاصل شده ، و در سال ۱۱۱۶، برنامه مدرسه چهارباغ در نظر گرفته شده ، و تاریخهای ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ و ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۶، حاکی از انجام مراحل گوناگون ساختمان و تزیینات و کاشیکاری و نماسازی مدرسه است .

ثانیاً : ذی الحجّه ۱۱۱۸، مربوط به تفویض منصب تدریس است ، (نه انجام تدریس)، و تاریخ رجب ۱۱۲۲ مربوط به جلسه افتتاح رسمی مدرسه و عملی شدن و استفاده از منصب تدریس می باشد .

مساحت مدرسه چهارباغ

مرحوم رفیعی مهر آبادی ، مساحت زیر بنای مدرسه و صحن آن را، قریب ۸۵۰۰ متر ذکر نموده (۱)، و مرحوم جناب در کتاب الإصفهان ، طول و عرض مدرسه را ۱۱۰X

۱۱۵ ذرع (۲) دانسته ، (که به ۱۲۶۵۰ متر مربع بالغ میشود) و نویسنده کتاب تاریخ اصفهان ، مساحت مدرسه را ۱۲۰۰۰ متر نوشته است (۳) و در هر صورت ، بزرگترین مدرسه دوره صفویه میباشد و از نظر مساحت ، با مدرسه صدر بازار (مرکز حوزه علمیه) مشابهت دارد .

حجرات مدرسه چهارباغ

مدرسه چهارباغ به صورت دو طبقه است ، و در هر زاویه، صحن کوچکی

ص: ۱۳۲

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶۹

۲- اَلْاَصْفَهَان ، چاپ دوم، صفحه ۱۰۹

۳- تاریخ اصفهان ، صفحه ۱۳۰

دارد، که شمار حجرات صحن اصلی مدرسه ۷۲ عدد، و حجرات هر صحن کوچک زاویه، ۶ عدد (جمعاً ۲۴ عدد)، و مجموع حجرات یاد شده ۹۶ می‌باشد، و در کتاب «الاصفهان» مرحوم جناب، و نیز تاریخ اصفهان حسین نور صادقی، فقط به همین حجره ها توجه شده، و شماره آنها را ۹۶ عدد دانسته اند. ولی در طبقه دوم مدرسه، رو به خیابان چهارباغ و نیز رو به بازارچه بلند (۱) در سراسر مدرسه، حجرات متعددی وجود دارد، که با توجه به آنها و برخی دیگر از اطاق ها، شمار حجرات مدرسه، در کتاب وقایع آلتین صفحه ۵۵۷، و در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۶۹، و در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۸۶، ۱۵۰ عدد، و در کتاب تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۹۲، شمار آنها، ۱۳۴ عدد ذکر شده است.

وضعیت کلی و ترکیب عمومی مدرسه چهارباغ

درب اصلی مدرسه، با سر دربی بسیار شکوهمند، به سوی خیابان چهارباغ باز میشود و درب دیگری، با سر دربی جالب، به سوی بازارچه بلند (در طرف شمال مدرسه) باز می‌گردد، و سرسرای جالب و شکوهمندی، مسیر ورود مدرسه از طرف خیابان می‌باشد. چهار ایوان مجلل در چهار طرف، بر عظمت و شکوه ساختمان مدرسه می‌افزاید، و دو مناره بلند در دو طرف ایوان بزرگ جنوبی، و گنبد مجلل و عظیم در پشت ایوان و بر روی مسجد زیبای مدرسه، جلوه و شکوه این بنای عظیم را مضاعف ساخته است.

ص: ۱۳۳

۱- در حال حاضر حجره های رو به بازارچه بلند وجود ندارد، و به بازارچه ملحق گردیده است

مهمترین هنرمندان نیمه اول قرن دوازدهم هجری، در زمینه معماری، قطاربندی، کاشیکاری، خطاطی، نقاشی، آجرکاری، حجاری و ... ، با کمک علماء و شعراء و ادباء، همکاری نموده، و زیباییهای خیره کننده ای را، به وجود آورده اند، تا جایی که پروفیسور پوپ، می گوید: این بنای عظیم، بهترین دلیل بقای ذوق و قریحه هنری ایران، در آن عصر میباشد (۱). انسان با تماشای سر در مجلل، و ساختمان رفیع، و گنبد و مناره های مجلل مدرسه، تماشاگر صحنه ای بزرگ از هنر می شود، و با دقت در ریزه کاری ها و طرح و نقشه های کاشی کاری مدرسه، مبهوت بعد دیگری از هنر می شود، و با دقت در کتیبه ها و مضامین بلند آنها، و نیز، نحوه انتخاب احادیث و آیات، برای منعکس نمودن فرهنگ مکتب اهل البیت علیه السلام، شیفته ایمان و اعتقاد و هنر دست اندرکاران امور مربوطه می گردد، و با مطالعه اشعار نقش بسته در کتیبه ها، و نیز ماده تاریخ های گوناگون، مجذوب شعر و ادب آن سرایندگان می شود، و با دقت در خطهای کتیبه ها، بارک الله گوی، خطاطان هنرمند و زبردست آن زمان خواهد شد. و در یک کلام، تماشاگر چهره ایمان و اعتقاد، در قالب هنرهای منسجم و هماهنگ و حیرت انگیز می گردد.

کتیبه های مدرسه، ترویجی از ارزش های مکتب اهل البیت

کتیبه های مدرسه، نمایانگر مکتب اهل البیت علیهم السلام و ترویجی شایسته، از ارزش های مکتب ولایت

مدرسه چهارباغ (سلطانی)، از نظر داشتن کتیبه های متنوع و فراوان، در ردیف اول میراثهای فرهنگی کشور، و بناهای عظیم دینی و علمی، در

ص: ۱۳۴

أعصار و قرون گذشته است ، و دست اندرکاران ساختن و پرداختن این مجموعه عظیم دینی ، عالی ترین پایه های اعتقادی مکتب ولایت و امامت ، (مکتب أهل البيت علیه السلام) و بالاترین رهنمودهای دینی ، در رابطه با ارزش علم و عالم و معلم ، و نیز عمیق ترین شعارهای ارزشمند مذهب تشیع را ، به صورت کتیبه هایی زیبا ، بر روی کاشی های نفیس معرق و خشت ، و با رنگهای متنوع و زیبا و روح پرور ، به معرض دید و تماشای بینندگان در آورده اند ، و درسهای اعتقادی و عملی و اخلاقی بزرگی را ، در قالب هنر خطاطی و طراحی و نقاشی بر روی کاشی های نفیس و أعلا- ، به صورت عینی و دلپذیر ، به تماشاگران و بینندگان عرضه نموده اند .

این کتیبه ها ، که مشتمل بر أسماء الهی ، و أسماء معصومین علیهم السلام (به نحو گسترده) و نیز أحادیث فراوانی راجع به فضائل و مناقب بیشمار ، و خلافت بلافضل مولی الموحدين ، أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد ، و هم چنین در برگیرنده اخبار و آثار زیادی درباره فضائل و مکارم خاندان رسالت (به نحو عموم ، یا با نام مبارک چهره های مقدس پنج نور پاک) می باشد ، و نیز ، در بر گیرنده أحادیث فراوانی درباره ارزش علم و عالم و معلم و وظایف طالب علم و معلم ، و نیز مشتمل بر أشعار زیادی راجع به فضیلت و منقبت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد ، زیبایی های ظاهری و ارزشهای علمی و معنوی را در هم آمیخته ، و بر ذهن ها و اندیشه های تماشاگران ، عموماً ، و پژوهشگران و محققان ، خصوصاً ، عرضه کرده است .

از جالب ترین بخشهای کتیبه های مدرسه چهارباغ ، کتیبه های داخل گنبد مدرسه است ، که در برگیرنده تمامی صلوات مرحوم خواجه نصیر طوسی بر چهارده معصوم علیه السلام می باشد ، که بر هر کدام از معصومین ، صلواتی مفصل

و مستقل فرستاده ، و از پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله شروع کرده ، و به امام دوازدهم حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج) ختم نموده است . .

و در یک کلام ، آن چنان این مجموعه هنری و نفیس تاریخی ، با فرهنگ و شعائر مذهبی مکتب تشیع درهم آمیخته ، که هیچ گونه تفکیکی در آن راه پیدا نمی نماید .

و در اینجا مناسب می بینم ، که از زحمات فراوان باستان شناس پرکوش معاصر ، آقای دکتر لطف الله هنرفر ، که تمامی کتیبه ها را خوانده و در کتاب ارزشمند « گنجینه آثار تاریخی اصفهان » منعکس نموده ، قدردانی نمایم .

تعمیرات مدرسه چهارباغ

این مجموعه عظیم ، در طول تاریخ ، مرتبا برای حفظ و نگهداریش نیاز به تعمیرات جزئی و کلی داشته است ، و نمونه آنها تعمیرات سال ۱۳۳۵ هجری قمری ، و تعمیرات سال ۱۳۴۶ قمری ، و تعمیرات ۱۳۱۵ شمسی (۱۳۵۴ قمری) و تعمیرات اواخر قرن چهاردهم می باشد ، که به برخی از آنها در داخل کتیبه هائی ، اشاره شده است .

کتابخانه مدرسه چهارباغ

مدرسه چهارباغ ، کتابخانه نفیسی داشته ، که شرح تأسیس و پیدایش آن را ، میرزا حسین خان ، فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهانی ، در کتاب جغرافیای اصفهان ، چنین نقل نموده است:

سلاطین صفوی ... کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده ، سه دسته از کل آنها را به خط خوش نویسانیده ، وقف فرموده اند، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن ، حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء ، و نیز یک دسته را در کتابخانه

شاه صفی (۱) قدس الله سره به اردبیل فرستاده بودند، دسته دیگرش را، در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان، ضبط و محفوظ می داشتند، و از نسخ آنها بعضی دون بعض، در کتابخانه های اهالی ولایت و مملکت بود، وقتی دولت روس بر اردبیل استیلاء یافت، کتب و سایر اسباب نفیسه شاه صفی را از میان برد، کتابهای اصفهان را هم، مدرس مدرسه، در زمان غلبه افغان، احتیاط کرد و در خانه خود به سردابی ریخت و در آن را مسدود نمود، و هشت، ه سال اغتشاش این طایفه و غیره، سرکشی نشد، بسیاری از این کتب به گرد و بید و موریانه، ضایع شد، پس از آن هم، الی آلان، در همان سردابها مانده، و به مرور دهور، موریانه آنها را از حیث انتفاع انداخته ... (۲).

به جای آن کتابخانه قدیمی، در سال ۱۳۲۳ شمسی (۱۳۶۲ قمری)، کتابخانه ای به نام کتابخانه فرهنگ تأسیس گشته، که پس از انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری) به نام کتابخانه عمومی امام جعفر صادق علیه السلام نام گذاری شده، و در حال حاضر ۲۴۶۷۰ جلد کتاب (اعم از خطی و چاپی) دارد، و مورد بهره برداری می باشد (۳).

مجلس عظیم افتتاح مدرسه سلطانی (چهارباغ)

در ذیل وقایع آلستینین و الأعوام مرحوم آقا سید عبدالحسین خاتون آبادی، در باره وقایع سال ۱۱۲۲ هجری قمری آمده است: در ماه مبارک رجب المرجب ۱۱۲۲، در روز جمعه دهم شهر مذکور، اهل علم را در مدرسه جدی

ص: ۱۳۷

۱- صحیح شیخ صفی است

۲- جغرافیای اصفهان، صفحه ۸۱

۳- جزوه کتابخانه ابن مسکویه، صفحه ۱۴ - ۱۵

سلطانی، که در جنب چهارباغ اصفهان است، جا دادند و علامه العلمائی، مجتهد الزمانی، آمیر محمّد باقرا (۱) خلف مرحمت پناه عم امجد، آمیر اسماعیل، در روز مذکور، شروع به مباحثه کردند در آن مدرسه (۲)، و امراء و علماء و نجباء را، احضار فرمودند در مدرسه مبارکه جدید سلطانی (۳).. حجرات مدرسه مبارکه جدید سلطانی را فیما بین اهل علم قسمت نمودند، و در آن روز، عالیحضرت مجتهد آلمانی، متفرد در جمیع فضائل، یگانه زمانه، آمیر محمد باقرا (سلمه الله تعالی) شروع به درس کردند، و جمیع اهل فضل در آن محضر حاضر بودند، و نجباء و سادات و پادشاهزادگان و اهل کمال، همگی حاضر شدند...، و حاصل آن که، در دولت صفویه، چنین اجتماعی هرگز نشده بود. در وقت شروع، به جهت رعایت آداب، عالیحضرت مجتهد آلمان تکلیف کردند علامه العلمائی، آقا جمال را (۴) تا اولاً ایشان، و بعد از آن، خود شروع کردند (۵) و به بیانی فصیح در کمال تنقیح، درس گفتند (۶).

ص: ۱۳۸

-
- ۱- این سبک تجلیل با آوردن (ی) در آخر کلمه العلماء و الزمان و نیز آوردن (الف)، در آخر کلمه باقر، در آن زمان مرسوم بوده و مشابه آن، ملا خلیلا، ملا شفیعا، ملا تاجا و... می باشد که در آن زمان به کار می رفته است
 - ۲- منظور از مباحثه در اینجا، تدریس نمودن است، و منظور این است که آقا میر محمد باقر خاتون آبادی، به عنوان افتتاح مدرسه، شروع به تدریس نمودند
 - ۳- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۵۹
 - ۴- منظور، فقیه نامدار و عظیم الشان، آقا جمال خوانساری، فرزند استاد الكل فی الكل، آقا حسین خوانساری میباشد
 - ۵- منظور این است که، گرچه اولین مدرس رسمی مدرسه، آقامیر محمد باقر خاتون آبادی بوده اند، ولی با توجه به حضور آقا جمال خوانساری در مجلس، و با توجه به عظمت علمی برتری که داشته اند، به عنوان احترام و تشریف رسمی، مرحوم آقا جمال، ابتداء به تدریس نموده اند
 - ۶- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۵۹ و ۵۶۰

و هم چنین در کتاب وقایع السنین و الأعوام آمده است: و حضار آن مجلس عالی، از فضلاء، آقا جمال و امیر محمد صالح شیخ الإسلام (۱) و ملا بهاء الدین، مشهور به فاضل هندی (۲) و ملا محمد جعفر و ملا محمد هادی، اولاد محمد باقر خراسانی علیه الرحمه (۳) و ملا محمد رضا، ولد ملا محمد باقر شیخ الإسلام (۴) و ملا محمد حسین، ولد ملا شاه محمد تبریزی، و شیخ زین الدین، نوادخ شیخ زین الدین، صاحب شرح لمعه (۵) و سایر اهل فضل، و از نجباء و سادات، میرزا باقر صدر خاصه و سادات سلسله خلیفه سلطان مرعشی، و میرزا سید محمد قاضی (نواده میرزا مهدی اعتماد الدوله) و میرزا داود، متولی مشهد مقدس، و از آمرء ... (۶).

از این عبارت کتاب وقایع آلتین بر می آید، که در آن مجلس عظیم علمی و دینی، حد اعلائی کوشش انجام شده بود، و سران علماء و بزرگان عصر مجتمع گردیده بودند.

ص: ۱۳۹

-
- ۱- منظور آقا میر محمد صالح خاتون آبادی، داماد علامه مجلسی است، که امام جمعه اصفهان، و نیز دارای منصب شیخ الاسلامی بوده است
 - ۲- مراد، محمد بن حسن بن محمد، ملقب به بهاء الدین و صاحب کشف اللثام میباشد، که از مفاخر علماء شیعه، در دوره آخر صفویه است
 - ۳- منظور از محمد باقر خراسانی، محقق نامدار ملا محمد باقر سبزواری صاحب کتاب ذخیره و کفایه می باشد
 - ۴- منظور علامه ملا محمد باقر مجلسی رضوان الله تعالی علیه میباشد
 - ۵- منظور از شیخ زین الدین دوم، شهید ثانی علیه الرحمه است
 - ۶- وقایع آلتین و الأعوام، صفحه ۵۶۰

مطلبی مورد توجه و قابل بررسی درباره کاروانسرای مجاور مدرسه

کاروانسرای مادر شاه، که در طرف شرق مدرسه چهارباغ میباشد، و از آثار تاریخی و مهم اصفهان به شمار می رود، و به نام مادر سلطان حسین صفوی تأسیس گشته، در حال حاضر با حفظ نماهای داخلی آن، و نیز با تعمیر و ترمیم کاشیکاری اطراف صحن آن، و اضافات و إلحاقات به سبک و نمائی جدید، به صورت مهمانخانه شکوهمند و بزرگی در آمده، و مهمانسرای عباسی یا هتل عباسی نامیده میشود (۱) و مهمترین و پرجاذبه ترین محلی است که برای پذیرایی از مسافرین خارجی و داخلی، در نظر گرفته شده است.

نویسنده معاصر و محقق، آقای حاج شیخ علی دوانی، مطلبی را از روضه البهیه حاج سید شفیع جاپلقی، درباره سید شفتی اعلی آله مقامه نقل می نماید، بدین شرح: ... بعد از فراغ از تحصیل، از عتبات عالیات، به دیار عجم مراجعت کرد، و با حاج محمد ابراهیم کرباسی، در اصفهان توطن اختیار فرمود، و آن دو بزرگوار با هم صدیق و رفیق بودند، شنیده ام هنگامی که به اصفهان آمد، از کتب جز یک جلد کتاب مدارک، و از اموال غیر سفره نانی، چیزی نداشت.

در مدرسه شاه، که درش به طرف مدرسه چهارباغ باز میشد، سکونت گزید، طالبان علم و محصلین، از هر سو به گردش اجتماع نمودند، مُدَرَّس مدرسه، به وی رشک برد، و او را بیرون کرد، و او هم بدون هیچ عکس العملی از مدرسه بیرون رفت (۲).

ص: ۱۴۰

۱- برای آشنایی با کاروانسرای مادر شاه، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۱۱ و ۷۲۳ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۱۲ و ۴۱۳ مراجعه شود

۲- وحید بهبانی، نوشته علی دوانی، صفحه ۲۲۱

از این عبارت استفاده میشود که کاروانسرای مادر شاه، در آن زمان، در اختیار حوزه علمیه، و محل سکونت و تدریس طلاب و علماء بوده، و در آن، به سوی مدرسه چهارباغ باز میشده، و ضمناً با نام مدرسه شاه نامیده می شده است.

ولی در هیچ منبع و یا گزارش دیگری، تأییدی بر این مطلب، به دست نیامده و نیاز به تحقیق بیشتری می باشد.

چهره های علمی در مدرسه چهارباغ (سلطانی)

در طول تاریخ مدرسه علمیه سلطانی چهارباغ، شخصیت هائی در این مدرسه تدریس و تألیف نموده، یا تحصیل و تعلم داشته اند، که ذیلاً به نام برخی از آنان اشاره می شود:

۱- اولین مدرّس رسمی این مدرسه، مرحوم آقا سید محمد باقر خاتون آبادی، متوفای ۱۱۲۷ قمری، که مقام اجتهاد داشته، و در زمان خود، از نظر رسمی و طبقه بندی مناصب (در دستگاه صفویّه) عنوان رئیس کلّ علماء و اشراف و عظماء را داشته، و هیچ کس را حقّ تقدّم بر آن مجتهد بزرگوار نبوده است (۱).

چنانچه در بیان مجلس افتتاح مدرسه سلطانی نقل کردیم، مرحوم آقا سید محمد باقر خاتون آبادی، در آن مجلس به عنوان افتتاح برنامه های درسی، با بیانی فصیح و در کمال تنقیح، درس گفتند (۲).

۲- دومین مدرّس رسمی مدرسه، مرحوم آقا میر سید محمد خاتون آبادی، که در زمان حیات پدر (آقا سید محمد باقر خاتون آبادی) شروع به تدریس

ص: ۱۴۱

۱- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۶۶

۲- وقایع آلسنین، صفحه ۵۶۰

نمود، و پس از فوت پدر به منصب مدرسی منصوب گردید، چنانچه ملاحظه می نمائید :

در هزار و صد و بیست و سه ، در ماه شوال ، به اعتبار کثرت اشتغال مجتهد الزمان ، و به اعتبار این که اکثر اوقات در خدمت نواب اشرف (۱) بایست حاضر شوند ، در خلوات ، و فرصت مباحثه و مدارسه نمی شد ، و باعث تعطیل طلبه میشد ، مقرر فرمودند که : خلف الصدق آن مجتهد الزمان ، امیر سید محمد ، به نیابت والد ماجد خود ، به شغل تدریس اشتغال نمایند ، و حقا که به استحقاق ، به این شغل قیام می نمایند (۲) .

در سال هزار و صد و بیست و هفت ، سیادت پناه ، علامی میر سید محمد بن میر محمد باقر الحسینی ، مدرس مدرسه جدید سلطانی گردید (۳) که تاریخ ۱۱۲۷ ، مربوط به انتصاب رسمی آقا میر سید محمد می باشد .

۳- میر معصوم بن میر عبدالحسین خاتون آبادی ، متوفای ۱۱۵۵ قمری ، که از چهره های معنوی قرن دوازدهم میباشد ، و مرحوم آقا محمد بیدآبادی (آن خداجوی سالک ، و بزرگ چهره عرفان و معنویت) به او ارادت پیدا کرده ، و وصیت نموده ، که او را در جوار قبر میر معصوم ، مدفون سازند (۴) .

آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده متتبع و عالیقدر معاصر ، مرحوم میر معصوم خاتون آبادی را ، جزء چهره های علمی مدرسه سلطانی چهارباغ ،

ص: ۱۴۲

۱- منظور سلطان حسین صفوی است

۲- وقایع آلتین و الأعوام ، صفحه ۵۶۳

۳- وقایع آلتین و الأعوام ، صفحه ۵۶۹

۴- به بخش مربوط به (بقعه های علمی اصفهان) ، قسمت مربوط به « تخت فولاد ، بقعه آقا محمد بید آبادی » مراجعه شود

ذکر نموده است (۱).

۴- عالم فاضل ، و حکیم محقق ، آقا میر سید ابوالقاسم مدرّس خاتون آبادی ، متوفای ۱۲۰۳ قمری ، که از شاگردان آقا محمّد بید آبادی و ملا اسماعیل خواجهائی و آقا سید مهدی بحر العلوم ، قدس سر هم به شمار رفته ، و به نوشته اعیان الشیعه ، از مشاهیر مدرّسین اصفهان بوده ، و تعلیقات و حاشیه هائی بر کتب اربعه (کافی ، تهذیب ، استبصار ، و من لایحضره الفقیه) و نیز تعلیقاتی بر تفسیر کاشی نوشته ، و شرحی بر نهج البلاغه و تفسیری فارسی ، تألیف نموده است (۲).

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را یکی از بزرگان علماء زمان خودش ، و چهره ای از مشاهیر مدرّسین فلسفه در آن عصر ، و جزء شخصیت های جامع ، و دارای فنون گوناگون علمی برشمرده ، و او را به عنوان مدرّس رسمی و انتصابی حکمت ، در مدرسه شاه ذکر نموده ، و آنگاه فرموده است : *وَ قَالَ الْمُعَاصِرُ الْأَنْصَارِيُّ، فِي تَارِيخِ إِصْفَهَانَ : إِنَّهُ كَانَ مُدْرِّسًا فِي الْمَعْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، مِنْ الْفِقْهِ وَ الْأُصُولِ ، مُجَرِّدًا عَنِ التَّعْلُقَاتِ ، فِي مَدْرَسِهِ (چهارباغ الشاهی) (۳).*

۵- مرجع و زعیّم نامدار ، و فقیه و اصولی محقق و عظیم الشان ، آقا سید محمّد باقر شفتی رشتی اصفهانی ، متوفای ۱۲۶۰ ، که از چهره های برجسته حوزه های علمیّه شیعه ، در قرن سیزدهم می باشد ، و تألیفات ارزشمندی ، همانند : مجلدات بزرگ مطالع الأنوار از خود به جای گذاشته ، و آثار و برکات ریاست دینی و علمی و اجتماعی او ، از قبیل : بنای مسجد سید (که یکی از

ص: ۱۴۳

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۷۴ ، برگه فرعی

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۵

۳- ألكرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۵۰-۵۱

مهمترین و بزرگترین و باشکوهترین مساجد اصفهان می باشد) ، نشان دهنده قدرت اندیشه ، پشتکار ، ابتکار ، آینده نگری ، مدیریت ، زهد و تقوی ، نفوذ اجتماعی و محبوبیت عمیق آن بزرگمرد ، می باشد .

مرحوم سید شفتی ، مدّتی در مدرسه چهارباغ تدریس می نموده اند .

۶- آقا شیخ أبو القاسم بن محمّد صادق نورائی سدهی ، متوفای ۱۳۰۵ ، که عالمی محقق بوده ، و پدرانش عموماً از اهل علم و فضل بوده اند، و نسب او به نور الدّین ، علی بن عبد العالی میسی کرکی ، میرسد (۱).

وی ، تألیفاتی در زمینه فقه و اصول داشته ، و از شخصیت های مدرسه سلطانی ، به شمار آمده است (۲) .

۷- حکیم و فیلسوف نامدار ، آقا شیخ محمّد رضا حکیم قمشه ای ، (متوفای ۱۳۰۶ قمری) که او را از اکابر مدرّسین اوائل قرن چهاردهم شمرده اند (۳) .

تألیفاتی به صورت مستقل ، همانند : رساله ای در وحدت وجود ، و رسالهای در موضوع العلم ، و کتاب الخلافه الکبری ، و دیوان اشعار داشته ، و آثاری به صورت شرح و حاشیه بر کتب دیگر، همانند حاشیه أسفار ، و حاشیه تمهید القواعد ابن تُرکه ، و حاشیه شرح قیصری بر فصوص الحکم، و ... ، از خود به جای گذاشته است .

او استادهایی ، همانند : حاج محمّد لاریجانی ، و میرزا حسن نوری و حاج سید رضی لاهیجی داشته ، و شاگردانی همچون : جهانگیر قشقائی و آقا شیخ محمود

ص: ۱۴۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۲۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۷۴ بر گه فرعی

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۴، صفحه ۴۹۶

بروجردی، تربیت نموده است (۱).

او شعر می سروده و (صهبا) تخلص میکرده، و در ابتدای امر، در حوزه علمیه اصفهان تدریس می نموده و سپس به تهران مهاجرت کرده، و در مدرسه صدر (در جلوخان مسجد شاه) اشتغال به تدریس داشته است.

وی شخصیتی خوش اخلاق و با ادب بوده، و جامع کمالات علمی و اخلاقی به شمار آمده است (۲). این بزرگمرد، مدتی از مدرّسین مدرسه چهارباغ (سلطانی) بوده است (۳).

۸- حکیم الهی و ریاضی متبخر، و زاهد مرتاض، آقا شیخ أسد الله قمشه ای (متوفای ۱۳۳۴ قمری)، که از شاگردان میرزا نصر الله حکیم قمشه ای بوده، و در مدرسه چهارباغ (سلطانی) سکونت داشته، و حکمت و ریاضیات قدیم و جدید تدریس می کرده است، او انواع خط (مخصوصاً خط شکسته) را خوب می نوشته، و زبان فرانسه را، بدون استاد یاد گرفته، و شعر می سروده، و (دیوانه) تخلص می کرده است (۴).

۹- مجتهد بزرگوار و مدرّس عالیقدر، مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی، ملقب به (سید العراقین) و متوفای ۱۳۵۰ قمری، که در حوزه علمیه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده، و به درجه اجتهاد رسیده است.

وی در اصفهان به تدریس و اقامه جماعت و حلّ و فصل امور طلاب و مردم با ایمان اشتغال داشته است. مرحوم سید العراقین، از خاندان علمی خاتون

ص: ۱۴۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۲۷-۳۲۸

۲- ریحانه الادب، جلد ۴، صفحه ۴۹۶-۴۹۰۷

۳- آقای سید مصلح الدین مهدوی، در اظهاراتی حضوری

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۲۸

آبادی بوده ، و پیدرانش تا مرحوم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی ، عموماً از علماء بزرگوار و از رؤساء علمی و دینی اصفهان ، به شمار رفته اند (۱).

این بزرگمرد، آخرین مدرّس رسمی و معروف مدرسه چهارباغ (سلطانی) میباشد (۲) و پس از آن، در اثر حاکمیت ضد دینی پهلوی اول ، سالها مدرسه یاد شده تعطیل بوده ، ولی پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی، و سقوط پهلوی اوّل ، مدرسه چهارباغ به حوزه علمیه بازگشته ، و محلّ سکونت طلاب و تدریس علماء گردیده است .

۱۰- حکیم نامدار و فقیه زاهد ، مرحوم آقا شیخ محمود مفید ، متوفای ۱۳۸۲ قمری ، که سالها در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار ، تدریس می نمودند ، و از مفاخر علمی حوزه اصفهان ، و آن دو مرکز علمی ، به شمار می روند .

در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و بخش « بقعه های علمی اصفهان » و نیز ، در بخش مربوط به مدرسه صدر ، در باره این بزرگمرد به نحو مفصّل بحث کرده ایم.

۱۱ - مجتهد بزرگوار و مدرّس محقّق و زاهد ، آقا سیّد علی أصغر مدرّس برزانی (متوفای ۱۳۹۵ قمری) ، که از مدرّسین برجسته مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار بودند ، و در مدّت زمانی طولانی ، جمعی از طلاب و فضلاء ، از درس فقه و اصول ایشان استفاده علمی می نمودند .

۱۲ - فقیه بزرگوار و مجتهد اصولی ، آیه الله ، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی

ص: ۱۴۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۶۰

۲- ایشان تولیت مدرسه را نیز بر عهده داشته اند ، و در زمان سرپرستی آن بزرگمرد ، تعمیرات مهم و اساسی در مدرسه انجام گرفته است . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۲۱ - ۷۲۲)

(متوفای ۱۳۹۷ قمری) ، که از چهره های مبرز حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند ، و نقش ایشان در احیاء مجدد حوزه علمیه اصفهان (پس از حکومت خفقانی پهلوی اول) بسیار جالب بوده ، و در احیاء برنامه حوزوی مدرسه چهارباغ ، و نیز مدرسه صدر ، نقش اساسی داشته اند ، و از مدرّسین درس خارج در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ بودند .

۱۳ - مرجع عالیقدر شیعه ، و فقیه و اصولی عظیم الشان ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری رضوان الله تعالی علیه (متوفای ۱۴۰۵ قمری) که از مفاخر علمی و تقوایی جهان شیعه و حوزه های علمیه ، در اواخر قرن چهاردهم ، و از مراجع بزرگ شیعه ، به شمار می روند ، و با عنوانهای (ثالی تلو معصوم) و (اسوه تقوی و زهد) و (أوزع و أثقی) ، ستوده شده ، و اثر گرانقدری به نام کتاب جامع المدارک (هفت جلد) در شرح مختصر النافع ، از خود به جای گذاشته اند . مرحوم آیه الله العظمی ، آقای خوانساری ، شخصاً فرموده بودند ، که من مدّتی در مدرسه چهارباغ اصفهان سکونت داشته ، و مشغول به تحصیل علم بوده ام (۱).

۱۴ - فقیه و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، (متوفای ۱۴۰۷ قمری) که از چهره های علم و تقوی و زهد در حوزه علمیه اصفهان ، به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر بازار ، و مدرسه چهارباغ ، تدریس مینمودند .

۱۵ - فقیه زاهد و مدرس بزرگوار ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی مشکوه

ص: ۱۴۷

۱- یکی از آقایان روحانیون محترم ، به نام آقای حاج شیخ مرتضی تمنائی دام عزه ، در شرفیابی به محضر آن بزرگوار ، از زبان ایشان شنیده بود

سدهی (متوفای ۱۴۱۰ قمری) ، که علاوه بر تدریس در مدرسه صدر بازار ، از مدرّسین عالی مقام مدرسه چهارباغ به شمار می رفتند .

۱۶ - فقیه و اصولی و رجالی و مفسّر عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید محمّد علی موحد ابطحی دامت برکاته ، که از مفاخر علمی حوزه های علمیه قم و نجف و اصفهان به شمار می روند ، و صاحب تألیفات بسیار و تحقیقات برجسته ، میباشند ، و در حدود سالهای اول انقلاب اسلامی (۱۳۹۹ قمری) ، مدّتی در مدرسه چهارباغ تدریس نموده اند .

ایشان در حال حاضر در حوزه علمیه قم ، دارای حوزه درسی خارج فقه و اصول هستند، و به تحقیق و تألیف و ... ، اشتغال دارند .

۱۷ - فقیه و اصولی عظیم الشّان ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی ، متوفای ۱۴۱۶ قمری ، که از شخصیت های برجسته علمی و دینی در اصفهان بوده ، و در مدرسه صدر بازار ، حوزه درسی گسترده ای داشتند، و از زعمای حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند .

آن بزرگمرد، در اوائل انقلاب اسلامی ، (۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری) مدّتی در مدرسه چهارباغ ، تدریس درس خارج می فرمودند .

سایر مدرّسین و طلاب برجسته مدرسه چهارباغ

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، جمع زیادی از علماء و بزرگان در طول تاریخ حیات مدرسه ، در این مرکز علمی و دینی سکونت نموده ، و به تحصیل، و یا تدریس و تألیف اشتغال داشته اند (مخصوصاً ، از خاندان علمی خاتون آبادی) همانند : آقا میرزا محمّد باقر ملاّباشی، و میر محمّد اسماعیل ثالث خاتون آبادی ، و آقا سید محمد رضا خاتون آبادی ، و آقا میر محمّد مهدی

خاتون آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی و قدس الله سرهم .

آثاری از فعالیت علمی در مدرسه چهارباغ

- ۱- شخصی به نام محمد تقی هزار جریبی، در ذی القعدة ۱۱۳۰، نسخهای از « تعلیقه بر تفسیر بیضاوی » تألیف شیخ بهائی قدس سره را، در مدرسه جدید سلطانیه اصفهان نوشته است، و این نسخه، در کتابخانه فرهنگ مشهد موجود میباشد (۱).
- ۲- شخصی به نام مهر علی، نسخه ای از حاشیه ای بر شرح تجرید خواجه طوسی، از ملا عبد الرزاق لاهیجی را، باخط شکسته نستعلیق، در جمادی الأولى ۱۱۹۹، در مدرسه چهارباغ نوشته است، و این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود میباشد (۲).
- ۳- شخصی به نام قربانعلی بن طاهر، در سال ۱۲۰۸ نسخه ای از، مفاتیح الشرایع ملا محسن فیض کاشانی را نوشته، و این نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است (۳).
- ۴- و نیز نسخه ای از کتاب شرح حکمه العین، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۴۱ به وسیله صالح بن غلامعلی جیلانی (گیلانی) نوشته شده، و این نسخه به شماره ۱۲۱۷، در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (۴).
- ۵- و هم چنین شخصی به نام سید معصوم بن جعفر حسینی دیلمانی، کتاب

ص: ۱۴۹

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۲۸، برگه فرعی

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد ۱۶، صفحه ۲۶۱

۳- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۳۷۷

۴- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۷۴، برگه فرعی

أصل الأصول محمد نعیم طالقانی اصفهانی را ، که در علم کلام و فلسفه بوده ، در تاریخ ۱۲۴۱ در مدرسه چهارباغ اصفهان ، نسخه برداری نموده است، و این نسخه به شماره ۹۹۲ ، در کتابخانه مدرسه فیضیه موجود است (۱).

۶- در سال ۱۲۶۰ شخصی به نام نظر علی بن محمد تقی ، نسخه ای از کتاب لوامع الأنوار العرشیه ، در شرح صحیفه سجادیّه علیه السلام تألیف محمد باقر بن سید محمد موسوی حسینی شیرازی را در مدرسه سلطانیه ، مشهور به چهارباغ، تحریر نموده است، و این نسخه ، در کتابخانه مسجد اعظم قم ، به شماره ۶۱ و ۶۲ موجود است (۲).

وضعیت کنونی مدرسه چهارباغ از نظر درسی

در حال حاضر عدّه ای طالب علم ، در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، اشتغال به تحصیل دارند، و جمعی از علماء و مدرّسین ، به تدریس برای آنها مشغول می باشند، و در مجموع، یکی از مدارس معمور و مسکونی طلاب میباشد .

مدرسه سلطانی

یا مدرسه جدید سلطانی ، مقصود ، مدرسه چهارباغ میباشد ، به عنوان یاد شده مراجعه شود .

۸- مدرسه حاج شیخ محمد علی

پس از آن که مدرسه سارو تقی (واقع در بازارچه حسن آباد) در اثر حوادث

ص: ۱۵۰

۱- فهرست کتابخانه های خطی مدرسه فیضیه قم، از رضا استادی ، بخش سوم ، صفحه ۴۶ - ۴۷

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۳۴۱

و مرور زمان، به ویرانی گرائید، مجتهد عظیم الشان، مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی، ملقب به ثقه الإسلام، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از علماء صاحب تألیف، و از شخصیت های مبرز خاندان علمی مسجد شاهی، و از مدرسین عالیقدر بوده اند، تصمیم گرفتند که مدرسه را تجدید بنا نمایند، که تاکنون ساختمان آن باقی می باشد، و به مناسبت نام این شخصیت بزرگوار، به نام مدرسه آقا شیخ محمد علی و نیز مدرسه ثقه الإسلام نامیده می شود.

سال اتمام بنای جدید، در ضمن ماده تاریخی، که در جبهه شمالی مدرسه، کاشی کاری شده، به تاریخ ۱۳۱۷ ثبت شده است، بدین مضمون:

زد رقم ز الهام غیب از بهر تاریخش ادیب

هیئنا دار السلام، فاد خلوها آمین

و (۱۳۱۷) (۱) ساختمان مدرسه، یک طبقه و مشتمل بر ۲۵ حجره در اطراف، و یک مدرس بزرگ در طرف شمالی مدرسه، و مساحت آن ۴۰×۴۰ (۲)، و در حال حاضر از مدارس مسکونی طلاب میباشد.

نمونه ای از مدرسین مدرسه حاج شیخ محمد علی

مدرسه آقا شیخ محمد علی، محل تدریس علماء و مدرسین بزرگی بوده. که ذیلاً به نام و شخصیت چند نفر از آنها اشاره مینمائیم:

۱- مؤسس مدرسه، مجتهد و صاحب تألیف، مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی (ثقه الإسلام)، متوفای ۱۳۱۸ قمری.

۲- مجتهد و زاهد بزرگوار، مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی، که از علماء بزرگ اصفهان، و از چهره های نامدار حوزه علمیه بوده، و در سال ۱۳۹۳ قمری

ص: ۱۵۱

۱- تاریخچه محله خواجه، صفحه ۲۹، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۰۲

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۳، صفحه ۲۹۲

وفات یافته اند .

۳- مرحوم حاج شیخ فرج الله درّی ، متوفای ۱۳۸۲، که از علماء زهاد و از اوتاد زمان بوده ، و در زمره مفاخر مدرسه یاد شده، می باشند .

۴- مرحوم حاج شیخ محمود کاشانی ، مشهور به (سالک)، متوفای ۱۳۸۹ که از مدرّسین سطوح بوده است .

۵- مرحوم حاج شیخ محمد حسین فقیه نظنزی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از علماء جلیل القدر، و از مدرّسین پرتلاش ، و امام جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) بوده اند ، و فرزند ایشان ، جناب حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه، از مدرّسین عالیقدر معاصر حوزه علمیه اصفهان ، و از دوستان نویسنده این سطور می باشند ، و در حال حاضر ، به تدریس سطوح عالیّه در حوزه علمیه ، و امامت جماعت در مسجد شاه (مسجد امام فعلی) اشتغال دارند .

۶- مدرّس و مجتهد بزرگوار ، مرحوم حاج شیخ مجد الدّین نجفی ، متوفای ۱۴۰۳ قمری ، که از چهره های مشهور و از مدرّسین جامع ، در زمینه فقه و اصول و هیئت و ریاضی بوده اند .

و هم چنین مدرسه یاد شده ، محل سکونت و تحصیل فضلاء و طلاب زیادی بوده ، که برخی از آنها به مدارج عالیّه علمی و اجتماعی نائل گشته اند ، همانند : مرحوم حجه الإسلام و المسلمین ، حاج سید علی اکبر هاشمی (طالخونچه ای)، متوفای ۱۳۸۸ قمری ، که از علماء و روحانیین بزرگوار ، و از چهره های مورد توجه ، و دارای مکارم اخلاقی بوده اند ، و نیز برادر ایشان ، حضرت آیه الله ، آقای حاج سید اسماعیل هاشمی دام عمره ، که از مدرّسین و دارای تألیفات و اوصاف حمیده و فضائل اخلاقی و روحی می باشند .

ص: ۱۵۲

منظور، مدرسه کاسه گران است که، به مناسبت عنوان بانی آن، حکیم الملک اردستانی، حکیمیه نامیده شده است. به عنوان مدرسه کاسه گران مراجعه شود

مدرسه حوابیگم

منظور، مدرسه خالصیه است به عنوان یاد شده رجوع شود.

۹- مدرسه خالصیه

مدرسه ای بوده، که در قرن یازدهم، در سال ۱۰۷۱ قمری، شخصی به نام میرزا تقی، فرزند مرحوم محمد باقر دولت آبادی، برای تدریس فقیه محدث، و محقق نامدار، مرحوم سید نعمت الله جزائری، ساخته است.

این مدرسه تا اوائل قرن چهاردهم باقی بوده، و سپس به صورت خانه مسکونی در آمده، و آثار بنای قدیمی آن از بین رفته است، ولی در سال ۱۴۰۴ قمری، زیر نظر آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته، به حوزه علمیه برگردانده شده، و از آن سال، به وسیله ایشان تجدید بنای آن شروع گردیده، که بعد از این، توضیح می‌دهیم.

این مدرسه، در محله قدیمی جماله، در کوچه حمام شاه علی، با مقداری فاصله از حمام شیخ بهائی، و بازار بزرگ و خیابان عبد الرزاق واقع گردیده، و محله ای که مدرسه در آن واقع شده، طبق تصمیم سازمان میراث فرهنگی کشور، به سبک قدیمی و با حالت سنتی ابقاء گردیده، و تعمیرات اساسی یافته است، و یادآور شکوه و جلوه کوچه ها و خانه های قدیم می باشد.

مدرسه خالصیه، به مناسبت نام بانی آن، مدرسه میرزا تقی، و به مناسبت نام مدرس عظیم الشان آن (مرحوم سید نعمت الله جزائری) مدرسه سید جزائری

نامیده شده، و هم چنین به نام مدرسه حوّا بیگم نیز، خوانده شده است.

در وجه تسمیه مدرسه، به نام حوّا بیگم، وجوه مختلفی را احتمال داده اند، ولی در سنگ وقفنامه مدرسه و موقوفات آن، که در سالهای اخیر پیدا شده، و هم اکنون در دیوار راهرو ورودی مدرسه نصب گردیده، واقف اصلی مدرسه میرزا تقی بن محمد باقر دولت آبادی میباشد، و در ادامه عبارت، همسر واقف، به نام حوریزاد خانم، بنت محمّد حسن دولت آبادی ذکر شده، و او هم اموالی را بر طبق وقفنامه شوهر خود، وقف نموده است، و احتمال دارد حوریزاد خانم، در زبان مشهور خانوادگی، و زبان رایج مردم آن زمان، حوّا بیگم خوانده می شده، و به مناسبت نام او، مدرسه را به نام حوّا بیگم خوانده اند.

دو سنگ نوشته تاریخی، در رابطه با مدرسه

هنگامی که مدرسه خالصیه به حوزه علمیه برگردانده شد، و شروع به تجدید بنا گردید، دو قطعه سنگ قدیمی در خرابه های مدرسه پیدا شد، که یکی مشتمل بر وقفنامه مفصل مدرسه و سه مسجد آن، و نیز موقوفاتی بر مدرسه و مساجد یادشده، می باشد، و با خطّ زیبا حجّاری شده، و هم اکنون در دیوار راهرو ورودی مدرسه، نصب گردیده است، و دومی به خط محمد رضا امامی

خطاط مشهور آن زمان (مشتمل بر عباراتی جالب، و ماده تاریخ مدرسه است، بدین شرح :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ وُفِّقَ بِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ، فِي زَمَنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَ الْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ، مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، قَهْرْمَانَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ، مُرَوِّجِ مَيْذَهَبِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ السُّلْطَانِ بْنِ الْخَاقَانِ، وَ الْخَاقَانِ بْنِ الْخَاقَانِ (يك قسمت که مشتمل بر نام سلطان آن عصر

و نام بانی می‌باشد ، حجاری نشده است) (۱) ابن مرحوم محمد باقر دولت آبادی ، کتبه محمد رضا الإمامی

این بنا را سه نام نامی آن

که فرح بخش شاب و هم شیخست

اولین مدرسه دوم طویه

۲۶۳۰۹

سیمین خالصیه تاریخست

۷۳۶

که مجموع کلمات (مدرسه ، طویه ، خالصیه) به حروف أبجد ۱۰۷۱ میشود که ماده تاریخ مدرسه است .
این دو قطعه سنگ از اسناد ارزشمند تاریخی می باشد و موقوفه بودن یک سری از زمینها و دگانهها را اثبات می کند .
از سنگ نوشته وقفنامه بر می آید که ، مدرسه خالصیه دو طبقه بوده است .

تجدید بنای مدرسه خالصیه

هم چنان که قبلاً اشاره شد، در سال ۱۴۰۴ قمری ساکنین در محلّ مدرسه که به صورت منزل مسکونی در آمده بود (مدرسه را تحویل آیه الله ، آقای حاج

ص: ۱۵۵

۱- در کتاب گنجینه دانشمندان ، صفحه ۶۱۰، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۱ و دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۲۹ مشخص نبودن یک قسمت از کتیبه را چنین توجیه کرده اند ، که (عمده تراشیده شده که اگر روزی این سنگ پیدا شود مشخص نباشد که این سنگ متعلق به کدام بنا و کدام بانی است ، ولی اینجانب ، عین سنگ را بررسی کردم ، و هم اکنون این سنگ در مدرسه خالصیه موجود است ، این قسمت از نوشته اصلاً حجاری نشده ، نه اینکه خطوط نوشته شده ، تراشیده شده باشد، و احتمال دارد که تأسیس مدرسه و انجام ساختمان آن ، چند سال به طول انجامیده ، و چون می خواسته اند که در هنگام افتتاح مدرسه ، نام شاه همان زمان برده شود، تمامی سنگ قبلا حجاری شده ، و قسمتی که نام پادشاه باید ذکر شود ، باقی گذاشته شده ، تا در زمان لازم ، هر پادشاهی که حاکم و زنده است نام ببرند، و فقط برای حجاری ، همان قسمت باقی مانده باشد ، ولی موفق به انجام این کار نشده اند ، و العلم عند الله

سید حسن فقیه امامی دامت برکاته دادند ، و معظم له ، با خریدن زمینی در مجاورت مدرسه ، به تجدید بنای آن پرداختند (۱).

مدرسه خالصیه ، به صورت دو طبقه ساخته شده ، که در طبقه اول ۲۲ حجره ، و نیز یک سالن بزرگ در طرف جنوبی برای تدریس و سخنرانی) و یک مسجد در طرف غربی ، و نیز آشپزخانه و سایر نیازهای مدرسه تأسیس شده است . و در طبقه دوم ، ۴۳ حجره ساخته شده ، و در هر کدام از طبقه ها ، یک منزل کوچک تأسیس گشته ، که برای مدرّس مدرسه یا مهمانی که از علماء بزرگ بر مدرسه وارد شود، مورد استفاده قرار گیرد .

شکل کلی نقشه مدرسه ، به صورت یک صحن بزرگ و یک حیاط خلوت کوچک (در ضلع جنوب شرقی مدرسه) می باشد ، که حجرات مدرسه در اطراف آنها ساخته شده است . نماسازی مدرسه از آجر تراش و کتیبه هائی زیبا و متعدد از کاشی معرق خوش رنگ ترکیب یافته ، و در کتیبه ها، شوز و آیاتی از قرآن مجید ، احادیثی در باره علم و عالم، اشعار عربی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و فاطمه زهراء علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و نیز اشعار فارسی نظامی، درباره امام زمان(عج) نقش بسته است .

سید نعمت الله جزائری ، اولین مدرّس مدرسه خالصیه

اولین و مهمترین مدرّس مدرسه خالصیه ، فقیه و محدّث نامدار و محقق ، مرحوم سید نعمت الله جزائری قدس سره ، متوفای ۱۱۱۲ قمری میباشد ، که در علوم

ص: ۱۵۶

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می گیرد (رمضان المبارک ۱۴۱۷ قمری) مراحل ساختمانی و تزیینات مدرسه خالصه تکمیل گردیده ، و مراسم افتتاح مدرسه در سالروز میلاد صدیقه کبری ، فاطمه زهراء ع (۲۰ جمادی الثانی، ۱۴۱۷ قمری) برگزار گردیده است

فقه و حدیث و رجال و تفسیر و فنون ادبی ، مجتهد و صاحب نظر بوده ، و تحقیقاتی برجسته داشته است ، و از شاگردان علامه مجلسی ، سید هاشم بحرانی ، ملا محسن فیض کاشانی ، شیخ حرّ عاملی و ... ، بوده ، و تألیفاتی ارزشمند از قبیل : أنوار النعمانیة (۱) ، شرح بر نهج البلاغه ، شرحی کبیر و صغیر بر صحیفه سجادیه ، و دو شرح بر تهذیب الحدیث ، (یکی در هشت جلد و دیگری در دوازده جلد) داشته ، که شمار آنها ، به بیش از ۵۰ عنوان بالغ میشود (۲) و تعدادی از آنها در ضمن چندین مجلد می باشد .

مرحوم سید جزائری ، در شهرهای هویزه ، بصره ، شیراز ، اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و در شهر شوشتر سالها اقامت و توطن داشته است .

آن بزرگوار ، پس از آنکه سالها در شهرهای مختلف ، و در محضر بزرگان علم و اجتهاد و تحقیق ، تحصیل علم نموده ، به اصفهان مهاجرت می نماید ، و به محضر مقدس علامه ، ملا محمد باقر مجلسی شرفیاب می شود ، و از علم و معنویت آن بزرگمرد بهره می گیرد ، و مدت چهار سال در منزل علامه مجلسی اقامت نموده ، و سپس با تأسیس مدرسه خالصه ، به آن مدرسه نقل مکان

ص: ۱۵۷

-
- ۱- أنوار نعمانیة ، کتابی است پرفایده ، که دو جلد بوده ، ولی بعداً به صورت چهار جلد به چاپ رسیده است ، و در خاتمه آن (از صفحه ۳۰۲ تا ۳۲۶) شرح زندگی و شئانی که آن بزرگمرد در راه تحصیل علم متحمل گردیده ، از سال ۱۰۵۰ تا ۱۰۸۹ (سنّ سی و نه سالگی سید جزائری) به قلم خود آن بزرگمرد ، به رشته تحریر در آمده است ، و مطالعه آن برای طالبین علم ، بسیار آموزنده است ، و نشان میدهد که : نابرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
 - ۲- در کتاب نابغه فقه و حدیث ، در شرح حال سید جزائری ، تألیفات آن بزرگمرد به تفصیل مورد معرفی قرار گرفته ، و از صفحه ۲۲ تا ۹۰ به این امر اختصاص یافته است

می نماید، و مدرّس رسمی آن پایگاه علم و دین، میگردد.

مرحوم سیّد جزائری، چهار سال در مدرسه خالصیه تدریس نموده، و مجموعه هشت سال در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علم و یا تدریس و تحقیق و تألیف پرداخته است (۱).

جلسات بحث علمی در مدرسه خالصیه

در دوره ای که حوزه علمیه اصفهان (همانند تمامی حوزه های علمی ایران) زیر فشار حکومت پهلوی تضعیف گردیده بود، و بسیاری از مدارس علمیه تعطیل گشته، و یا غصب شده بود، مجتهد بزرگوار، مرحوم آیه الله، حاج شیخ محمد حسین فشارکی تل، متوای ۱۳۵۳ قمری، به یکی از ملازمین و کمک کارهایشان، به نام شیخ حسن چوب شکن، اجازه می دهند که در مدرسه خالصه سکونت نماید، و از این که مدرسه، به طور کلی از اختیار حوزه علمیه خارج شود (مثل بسیاری از مدارس دیگر)، جلوگیری شود (۲).

مدّت زمانی مدید، عده ای از علماء بزرگوار، در این مدرسه، هفته ای دو جلسه مباحثه علمی برقرار میکردند، که خود شیخ حسن چوب شکن هم، گرچه در ردیف آنها نبوده، ولی علاقه مند به مباحث علمی بوده (شرکت می کرده است، و شخصیت‌های یاد شده، بدین قرار می باشند:

ص: ۱۵۸

۱- أنوار النعمانیه جلد ۴، صفحه ۳۱۲

۲- بر خلاف آنچه مشهور است، که شیخ حسن چوب شکن، غاصب مدرسه بوده، او به عنوان نگهداری مدرسه از تصرف غاصبانه به وسیله حکومت پهلوی، اجازه سکونت از مرحوم فشارکی داشته است، و فرزندان شیخ حسن، خودشان مراجعه نموده، و مدرسه را تحویل داده اند، و تجدید بنای آن شروع گردیده است اظهارات آیه الله، حاج سید حسن فقیه امامی، که قسمت اجازه مرحوم فشارکی را از قول پدرشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی نیا نقل نمودند (

- ۱- حاج میرزا أبو الحسن بن حاج میرزا عبدالغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۸۳ که از محترمین علمای اصفهان بوده است .
- ۲- آقا شیخ محمد اسماعیل بن محمد حسن معزی ، معروف به پشمی ، متوفای ۱۳۶۳ که از مجتهدین بزرگوار بوده است .
- ۳- حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری که از مجتهدین و صاحب تألیفات بوده است .
- ۴- آقا میرزا حسن بن ملا علی کاشانی ، متوفای ۱۳۷۷ قمری
- ۵- آقا میرزا رضا، فرزند حاج ملا طاهر شهرکی ، معروف به (إلهی) متوفای ۱۳۷۴ قمری (۱).

۱۰- مدرسه ذو الفقار

مدرسه ای است در بازار بزرگ اصفهان ، در نزدیکی محله نیم آور ، و در مجاورت مسجد تو بازار ، که با مسجدی به همین نام (ذو الفقار) در قرن دهم هجری در زمان شاه طهماسب صفوی ، بنا شده است .

در ساختمان مدرسه ذو الفقار ، کتیبه یا اثری که سال تأسیس و نام بانی و دیگر خصوصیات مدرسه را نشان بدهد وجود ندارد، ولی بالای در مسجد ، کتیبه ای به خط ثلث سفید با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی وجود دارد ، بدین شرح :

قَدْ عَمَّرَ لِلَّهِ هَذَا الْمَسْجِدَ الْمَوْسُومَ بِبَدِي الْقَفَارِ فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ الشَّيْطَانِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ ، أَبُو الْمُظَفَّرِ ، شَاهِ طَهْمَاسِبِ الْحُسَيْنِيِّ
بِهَادِرْخَانَ ، خَلَدَ اللَّهُ مُلْكُهُ وَأَفَاضَ عَلَى الْعَالَمِينَ عَدْلَهُ ، أَضَعَفَ عِبَادَ اللَّهِ شَيْخَ مُحَمَّدَ الصَّفِيِّ ، نَمَّقَهُ مُحَمَّدُ سَيَاوَشَ ، فِي سَنَةِ ٩٥٠

ص: ۱۵۹

از این کتیبه استفاده می شود که ، یکی از علماء آن دوره (شیخ محمد الصفی) این مسجد را در سالهای حدود نیم قرن دهم ، تأسیس یا تعمیر نموده ، و در سال ۹۵۰ کتیبه آن را نصب نموده است . دکتر لطف الله هنرفر ، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۸۴ ، تاریخ ۹۵۰ را مربوط به بنای اوّلیه مسجد دانسته ، و آقای أبو القاسم رفیعی مهرآبادی ، در آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۷۰ ، تاریخ ۹۵۰ را مربوط به تعمیر مسجد شمرده ، و أصل بناء را از زمان جلوتری دانسته ، و معتقد است که مسجد ، در زمان شاه طهماسب تعمیر گردیده است .

لغت عَمَرَ ، به معنی بنا نمود ، و لغت عَمَّرَ ، به معنی آماده نمود بناء را ، و آن را مهیّای بهره برداری کرد می باشد ، و عبارت فوق گرچه احتمال می دهد (عَمَّرَ) باشد (چنانچه در کاشیکاری تشدید وجود دارد که به معنی تعمیر نموده است می باشد ، ولی احتمال دیگری وجود دارد ، که عبارت (عَمَرَ ، بدون تشدید) و به معنی (بنا نمود) باشد ، و مجموعه قرائن ، از قبیل نام ذوالفقار (که مناسب فرهنگ شیعی است) و تاریخ ۹۵۰ که أوائل حکومت شیعه مذهب صفویّه است ، مؤید این است که این تاریخ ، مربوط به أصل تأسیس بنای مسجد میباشد . دلیل روشن و قانع کننده ای برای نام گذاری مسجد و مدرسه ، به نام ذوالفقار به دست نیامده است ، تنها شاردن در سفرنامه خود می نویسد:

محلّه نیم آور یکی از محلات پر جمعیت اصفهان است . نقاط مهمّ این محلّه عبارتند از : کوچه جماله و مسجد ذوالفقار ، که وجه تسمیه آن به مناسبت نام شمشیر علی علیه السلام است (۱) .

ص: ۱۶۰

و مؤید برای این که این نامگذاری به مناسبت نام شمشیر امام علی علیه السلام است ، و علاقه مذهبی ، و ارتباط قلبی بانی مسجد با امیر المومنین علیه السلام ، انگیزه چنین نام گذاری شده ، این است که بر روی در مسجد نیز که به طرف بازار باز می شود ، این اشعار به خط زیبا و برجسته نوشته شده است:

محمد عربی آبروی هر دوسرای

کسی که خاک درش نیست ، خاک بر سر او

شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح

بدین حدیث ، لب لعل روح پرور او

که من مدینه علمم، علی دراست مرا

عجب خجسته حدیث است ، من سگ در او

تجدید بنای مدرسه ذوالفقار

مرحوم حاج شیخ محمد باقر زند کرمانی ، متوفای ۱۳۸۹ قمری (۱۳۴۸ شمسی) ، که یکی از علماء متفقد و مشهور اصفهان بودند، و سالها در مدرسه ذوالفقار تدریس می کردند ، از سال ۱۳۴۴ شمسی ، دست به کار تجدید بنای مدرسه از طرف غربی شدند ، (به سبک تلفیقی بین اسلوب قدیم و جدید و با استفاده از تیر آهن و سقف مسطح) ولی عمر ایشان کفاف نداد ، و در تاریخ ۱۳۴۹ شمسی (۱۳۹۰ قمری) پس از شروع برنامه منظم و مفصل درسی مدرسه ذوالفقار ، حضرت آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی ، تجدید بنای مدرسه را (به سبک قدیم) ادامه دادند، و با مقداری تغییر در ساختمان مدرسه ، بنای آن را با کاشی کاری و نماسازی ، به پایان رساندند .

تاریخ ۱۳۹۲ قمری بالای در مدرسه ، مربوط به اوائل شروع تجدید بنای

مدرسه ، و تاریخ ۱۴۰۲ قمری ، در کاشیکاری بالای حجره ضلع شمال شرقی ، مربوط به پایان تجدید بنا و تزئین مدرسه می باشد .

برنامه مفصل و گسترده مدرسه ذوالفقار

پس از گذشت سالهای خفقانی حکومت پهلوی اول ، و سپری شدن آثار شدید تهاجم های ضدّ دینی حکومت پهلوی ، بر حوزه های علمیّه ، و شروع حرکت مجدد حوزه ای در بسیاری از مدارس دینی ، نیاز به یک تحوّل اساسی و فعالیت منسجم ، در حوزه علمیّه اصفهان احساس گردید ، و به همین جهت عده ای از مدرسین فعال و پرچوش اصفهان ، آقایان : آیه الله ، حاج سید حسن فقیه امامی ، و حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ محمد علی ابراهیمی و حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه و هم چنین نویسنده این سطور (حاج سید حجه موحد ابطحی) ، جلسه ای تشکیل داده ، و تصمیم گیری نمودیم ، که یک برنامه درسی منظم و گسترده و پر تحرّکی را به وجود بیاوریم ، که طلاب جوان را زیر پوشش قرار دهد ، و از نظر اخلاقی و تربیتی و درسی و انضباطی ، آنها را تحت مراقبت بگیرد ، و نیروی جوان حوزه علمیّه را ، برای تکامل سریع و وسیع و مطلوب آماده سازد ، و این اقدام مورد تأیید علماء بزرگ اصفهان قرار گرفت ، و به سرعت به نتیجه مطلوب رسید ، و به مناسبت این که شروع فعالیت این برنامه درسی ، در مدرسه ذوالفقار بود ، به نام برنامه ذوالفقار شهرت یافت ، گرچه تداوم و گسترش فعالیت این برنامه ، در مدرسه های : محمودیه ، جوادیّه ، الغدیر ، مسجد نو بازار ، انجام گرفت ، و به تدریج ، طلاب جوان تمام مدارس علمیّه را ، زیر نفوذ خود قرار داد ، و اکثر مدارس علمیّه اصفهان ، محلّ سکونت و خوابگاه طلاب زیر پوشش برنامه ذوالفقار ، قرار گرفت .

گسترش فعالیت برنامه ذوالفقار ، تا جائی رسید که در یک زمان با آماری

از این قبیل مواجه گردید، ۶۰۰ نفر طلبه تمام وقت با تمام برنامه، ۴۰۰ نفر طلبه نیمه برنامه، ۶۰ مدرّس برای سطوح مختلف درسی (مقدمات، سطح اول و عالی و دوره خارج) و بیست و دو ماده درسی (نحو، صرف، لغت، معانی، بیان، بدیع، منطق، اصول فقه، فقه، عقائد و کلام، تعلیم قرآن، تجوید قرآن، حفظ قرآن، تفسیر قرآن، شرح و تفسیر نهج البلاغه، تاریخ اسلامی، رجال، درایه، حدیث، فلسفه، اخلاق) اعزام مبالغ در سطحی وسیع به شهرها و روستاها، ادارات، کارخانجات، مدارس آموزش و پرورش و... و هم چنین کوشش در جزوه نویسی و تهیه مقالات و کتابهای دینی، و نیز انجام امتحانات متنوع و متعدد از طلاب، در زمینه های مختلف درسی.

و در یک کلام، از ابتداء شروع برنامه ذوالفقار تا کنون، متجاوز از دوازده هزار نفر طلبه، زیر پوشش این برنامه قرار گرفته اند، که عده زیادی از آنها پس از طی مراحل از تحصیل، به حوزه علمیه قم، برای تکامل تحصیلی رفته اند، و شمار بسیاری از آنها، در حوزه ها و شهرهای دیگر، به تدریس و تربیت طلاب، و یا فعالیت های دینی و تبلیغی و ارشادی اشتغال دارند، و جمعی از آنها نیز تاکنون، در زیر پوشش همین برنامه به ادامه تحصیل یا تدریس و تحقیق می پردازند، و جالب است بدانیم که طلاب یادشده، از اکثر قریب به اتفاق استانها و شهرهای ایران، و هم چنین از کشورهای افغانستان و احیاناً از پاکستان و عراق و لبنان بوده و می باشند (۱).

ص: ۱۶۳

۱- نویسنده این سطور، کتابی مستقل در باره مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته، و چگونگی برنامه مفصل درسی و تربیتی آن، نوشته ام که مخطوط میباشد، و در آنجا در مورد برنامه ها و موفقیت های علمی، تربیتی، تبلیغی و اجتماعی این برنامه، و تلاش گران آن به تفصیل بحث نمودهام

از دير زمانى علماء بزرگى در اين مدرسه اشتغال به تدريس داشته اند ، که ذیلا به نام برخى از آنها اشاره مى نمائيم :

۱- مجتهد و فقيه زاهد ، مرحوم ميرزا محمد حسن نجفى ، متوفای ۱۳۱۷ قمرى ، که در لسان الأرض موقتاً دفن شده ، و پس از آن ، منتقل به نجف اشرف گرديده است . وی از اُحفاد آقا محمد باقر هزار جریبی ، و از شاگردان مرحوم آقا سيد ابراهيم (صاحب ضوابط) و نیز ، شيخ اعظم انصاری و ميرزای شیرازی (۱) و مورد اعتماد شديد شخصيت اخير بوده ، و جمعی از فضلاء و علماء اصفهان ، در شمار شاگردان آن بزرگمرد بوده اند .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را با عبارت : عالِمٌ جَلِيلٌ وَ فَقِيهٌ كَبِيرٌ وَ رَئِيسٌ مَقْبُولٌ ، ستوده ، و تألیفات او را از قبیل : كتاب الطَّهارة و حاشیه قوانین و حاشیه فصول و ... ، بر شمرده است (۲) . ایشان ، در مسجد ذوالفقار إمامت ، و در مدرسه ذوالفقار تدريس مى نموده است (۳) .

۲- عالم مشهور و مجتهد مدرّس ، حاج شيخ محمد باقر زند کرمانی ، متوفای ۱۳۸۹ قمرى ، که سالها مدرّس اين مدرسه بوده است .

۳- استاد معظّم ، آيه الله ، آقای حاج سيد حسن فقيه إمامى دام توفيقه و عزّه ، که در طول بيست و نه سال از تأسيس برنامه منظمّ درسى مدرسه ذوالفقار تاکنون

ص: ۱۶۴

۱- زندگى و شخصيت شيخ انصارى ، چاپ اول ، صفحه ۲۴۰

۲- نقيب البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۴۲۱

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۶۶ ، و دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۱۵ (برگه ضميمه) و اظهارات شفاهى آقای سيد مصلح الدّين مهدوى

(سال ۱۴۱۷ قمری) در زمینه های مختلف ، از قبیل : فقه ، اصول ، عقائد ، تفسیر شرح نهج البلاغه ، حدیث ، رجال و همچنین علوم ادبی ، در سطوح مختلف (مقدمات و سطح اول و دوم و دوره خارج) تدریس نموده و می نمایند .

۴- نویسنده این سطور (حاج سید حجه موحد ابطحی) ، که از ابتداء تأسیس برنامه ذوالفقار تا کنون ، از دوره مقدمات تا سطح عالی تدریس نموده و می نمایم ، و در زمینه های مختلف ، از قبیل : فقه و اصول و کلام و عقائد و تفسیر و اخلاق و شرح نهج البلاغه و حدیث و رجال و درایه و فلسفه و منطق و علوم ادبی و بلاغت ، تدریس نموده ، و هم اکنون به تدریس رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری ، و کفایه الأصول مرحوم آخوند خراسانی و مستمسک العروه الوثقی ، اشتغال دارم .

۵- حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ محمد علی ابراهیمی ، که از پایه گذاران برنامه مدرسه ذوالفقار می باشند ، و در طول چندین سال ، از مدرسین فعال مدرسه ذوالفقار بوده اند ، و هم اکنون نیز در جریان اعزام مبلّغ و دیگر مسائل حوزه ای ، همکاری بسیار مطلوبی با مدرسه ذوالفقار دارند .

۶- حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه ، که ایشان نیز ، از پایه گذاران برنامه مدرسه ذوالفقار بوده ، و از ابتداء تا کنون ، از مدرسین فعال مدرسه بوده اند ، و در تدریس دروس ادبی و بلاغت و فقه و اصول بر نقش اساسی داشته اند ، و هم اکنون به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند .

و در پایان ، بایستی اشاره کنم که بسیاری از فضلاء و برجستگان طلاب مدرسه ذوالفقار ، در شمار مدرسین این مدرسه بوده و هستند ، که رقم آنها (از

بتداء تا کنون) به متجاوز از سیصد نفر می رسد ، که در رتبه های درسی مقدمات ، سطح اول ، سطح عالی تدریس نموده و می نمایند .

و هم چنین بایستی توجه خوانندگان را به این نکته جلب نمایم که ، عده ای از علماء و مدرّسین بزرگ اصفهان ، گرچه در مدرسه ذوالفقار تدریس ننموده اند ، ولی شمار زیادی از طلاب تحت پوشش برنامه مدرسه ذوالفقار ، با برنامه و نظمی مشخص ، از درس آن بزرگواران ، که در مدارس دیگر تدریس نموده یا می نمایند ، بهره علمی برده و می برند، که ذیلاً به نام مبارک برخی از آنها اشاره مینمائیم :

۱- مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مجتبی لنگرانی قدس سره ، متوفای ۱۴۰۶ قمری ، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بازار بودند .

۲- مرحوم آیه الله ، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی قدس سره ، متوفای ۱۴۱۶ قمری ، که از چهره های برجسته علم و اجتهاد در حوزه علمیه اصفهان بودند ، و در مدرسه صدر تدریس دوره خارج فقه و اصول می نمودند .

۳- مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید محمد علی صادقی قدس سره ، متوفای ۱۴۱۷ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و از مجتهدین بزرگوار حوزه علمیه اصفهان بودند، و در مدرسه صدر تدریس می نمودند .

۴- استاد معظّم ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که از شخصیت‌های بزرگ و مدرّسین نامدار حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه نیم آور و مسجد بابا محمد علی سقا (معروف به مسجد امامی) و مسجد سرنیم آور تدریس می نمودند ، و در زمینه فقه و اصول و تفسیر و درایه و حدیث و ... جلسات درسی پرجمعیتی داشتند .

۱۱- مدرسه رفیعه سلیمانیه

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران ، نسخه ای از شرح توحید مفضل

ص: ۱۶۶

به شماره ۳۵۱۴ وجود دارد، که در ماه شعبان ۱۰۷۵، شخصی به نام شریف بن موسی بن رضا امامی، آن را در مدرسه رفیعیه سلیمانیه، نوشته است (۱).

و در کتاب دانشمندان آذربایجان، در شرح حال عبد الصمد بن عاشور تبریزی (در صفحه ۲۵۶) آمده است: از علمای قرن یازدهم این ایالت است، در تاریخ ۱۱۰۱، شرایع الإسلام محقق حلی را، به نام سلطان سلیمان صفوی، به عنوان سفینه توفیق، در مدرسه سلیمانیه اصفهان، به پارسی ترجمه کرده است. نسخه ای از آن که در تاریخ مزبور به خط مترجم تحریر شده بود، در تبریز به نظر نگارنده در آمده است (۲).

با توجه به این که مدرسه سلیمانیه، جنب مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) حجره ندارد، و محل سکونت نیست (۳) استنباط می شود که، مدرسه دیگری وجود داشته، که به نام مدرسه سلیمانیه یا رفیعیه سلیمانیه، خوانده می شده، و طبق معمول مدارس حجره داشته، و محل سکونت و فعالیت علمی، از قبیل تألیف کتاب و نسخه برداری از کتب علمی بوده است.

و احتمال می رود، که مراد از مدرسه مذکوره، مدرسه ناصریه (واقع در ضلع جنوب شرقی مسجد امام فعلی) باشد، زیرا، گرچه این مدرسه در زمان ناصرالدین شاه تعمیر گردیده، و به نام ناصریه یا ناصری، خوانده شده، ولی به علت این که در زمان شاه سلیمان صفوی، کاشی کاری و مراحلی از آن انجام شده (طبق کتیبه مورخه ۱۰۷۷ ایوان جنوبی مدرسه ناصریه) ممکن است قبلاً به نام سلیمانیه یا رفیعیه سلیمانیه خوانده می شده است (به بخش مربوط به

ص: ۱۶۷

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۲۹

۲- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۲۹

۳- علاوه بر اینکه کارشیکاری سر در مدرسه سلیمانیه به تاریخ ۱۰۷۸ می باشد، و تاریخ نسخه برداری نسخه شرح توحید مفضل، سه سال قبل از آن یعنی ۱۰۷۵ می باشد

مدرسه ناصریه و مدرسه سلیمانیه رجوع شود).

۱۲ - مدرسه سارو تقی «مدرسه آقا شیخ محمد علی»

سارو تقی (مقتول در ۱۰۵۵) وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم، که مردی لایق و شایسته و از رشوه خواری به دور بوده، و شاه صفی با وجود او مسرور بوده است (۱). در سال ۱۰۵۳ مدرسه ای در جوار مسجد و منزل خود بنا میکند، که پس از ویرانی، به وسیله یکی از علماء بزرگ اصفهان، مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی (ثقه الاسلام) مجدداً ساخته میشود، و هم اکنون باقی و مشهور به مدرسه آقا شیخ محمد علی، و مدرسه ثقه الاسلام می باشد. محلّ مدرسه، بازارچه حسن آباد و در نزدیکی امامزاده احمد علیه السلام و مدرسه عربان (مدرسه مرحوم آیه الله خادمی) می باشد.

میرزا طاهری نصرآبادی، در ضمن معرّفی بهزاد بیک، متخلّص به دوستاق، از پدر او یاد کرده و می نویسد:

ولد سهراب بیک قورچی ...، در سنّ چهل سالگی توفیق خواندن و نوشتن یافته، ألحال طالب علم است، و در مدرسه مرحوم سارو تقی، واقع در محلّه باغات اصفهان است. (۲). برای آشنائی بیشتر، به عنوان مدرسه حاج شیخ محمد علی رجوع شود

مدرسه سلطانی چهارباغ

مقصود، مدرسه چهارباغ است، به عنوان یاد شده مراجعه شود.

ص: ۱۶۸

۱- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۶۸

۲- تذکره نصرآبادی، صفحه ۱۴۷

مدرسه ای است که در گوشه جنوب غربی مسجد شاه (مسجد امام فعلی) واقع شده، و به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد، متصل می گردد.

این مدرسه حجره ندارد و فقط ایوانهایی در اطراف آن قرار گرفته است و تزئینات مدرسه، از سنگهای مرمر در پائین دیوارها، و کاشی های خشت هفت رنگ، در بقیه نماهای مدرسه تشکیل می گردد.

سنگ شاخص معروف مسجد شاه، که معروف است با محاسبه نابغه دهر و اعجوبه روزگار، شیخ بهاء الدین محمد، معروف به شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ تهیه شده، در مدرسه سلیمانیه، در قسمت پائین یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن این مدرسه، تعبیه شده است (۱).

تأسیس این مدرسه، مطابق کتیبه سر در مدرسه، به سمت کوچه پشت مسجد، در اوائل سلطنت شاه سلیمان صفوی به پایان رسیده، و مورخ به سال ۱۰۷۸ هجری قمری است، و در قسمتی از آن کتیبه چنین خوانده می شود:

جامع کبیر الأعظم الشاهی العباسی الصفوی، فی زمن دوله السلطان و الخاقان الأکرم مالک رقاب الأمم، مولی ملوک العرب و العجم، مروج مذهب الأئمه المعصومین علیهم السلام، السلطان بن السلطان، أبو المظفر، شاه سلیمان الموسوی الصفوی الحسینی، بهادر خان ...، فی ثمان و سبعین و ألف، کتبه محمد رضا الإمامی (۲).

شاید دلیل این که این بنا را مدرسه می نامند (با اینکه حجره و محل)

ص: ۱۶۹

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۵۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۵۷

سکونت و فعالیت علمی ندارد) این باشد که، در خود مسجد و نیز مدرسه ناصریه (در ضلع جنوب شرقی مسجد) حجره هائی وجود دارد، و درسهای متعددی در مسجد و مدرسه گفته می شده، و احتمالاً در ایوانهای اطراف مدرسه سلیمانیه، جلسه درس و بحث علمی تشکیل می شده، و به همین جهت، نام مدرسه، بر این بنای تاریخی، نهاده شده است.

مدرسه سید جزائری

منظور، مدرسه خالصیه است، به عنوان یاد شده مراجعه شود.

۱۴- مدرسه شفیعیه دردشت

مدرسه ای است که در محله دردشت (جنب خیابان ابن سینا) واقع گردیده، و متعلق به دوره شاه عباس ثانی است، و تاریخ بنای آن ۱۰۶۷ می باشد.

نمای مدرسه ساده است، و در داخل ایوانهای چهارگانه مدرسه (که مسجد می باشد و ایوان جنوب غربی و پشت آن، حالت شبستان دارد قطار بندیهای گچی و نقاشی شده، وجود دارد.

کتیبه سردر مدرسه شفیعیه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی، به خط محمد رضا امامی چنین است:

قَدْ اتَّفَقَتْ عَمَارَةُ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْحَقِيرَةِ وَالْمَسَاجِدِ الْمَبْنِيَّةِ فِيهَا (۱)، فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَالْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ، مُرَوِّجِ مَذْهَبِ آبَائِهِ، أَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ، شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الْمَوْسَوِيِّ الصَّفَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ، بَهَادُرِ خَانَ، خَلَّدَ اللَّهُ مُلْكَهُ وَوَفَّقَ يَأْخِذَاتِهِ وَإِتْمَامِهِ، أَحَقَّرَ عِبَادَ اللَّهِ وَأَحْوَجَهُمْ إِلَى عَفْوِ رَبِّهِ الْعَفُورِ، ابْنِ جَمَالِ الدِّينِ، مُحَمَّدِ الْخُوزَانِيِّ، مُحَمَّدِ شَفِيعِ

ص: ۱۷۰

۱- منظور از مساجد ساخته شده در مدرسه، ایوانهای مدرسه است، که به عنوان مسجد می باشد

الإصفهانی ، عَفِيَ عَنْهُمَا ، فی ۱۰۶۷ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ رِضَا الإِمَامِي (۱).

در مدخل ایوان بزرگ جنوب غربی مدرسه ، دو لوح بزرگ سنگی بر دیوارهای دو جانب ایوان نصب شده ، که در یکی از آنها (که به طول ۱/۹۰ و عرض یک متر است) مطالبی نقش بسته ، که بخشی از آن چنین است:

... وقف نموده أحوج المحتاجین الی عفو ربّه الغفور ، محمد شفیع ابن جمال الدین محمد خوزانی اصفهانی ، کلّ این مدرسه حقیره؛ مُحدّثه خود را ، با بیوتات معینه معلومه مربوطه به آن ، که بیوتات مسفوره ، مشتمل است بر سه شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها ، و غسالخانه مربوطه به مدرسه و ... ، ممر بیوتات مذکوره ، از میان مدرسه مسطوره است ، و این چهار صفه و شبستان متصله به کریاس در مدرسه که مسجد است ، بر طلبه علوم دینیّه اثنی عشری ، که ادای صلوات در مسجد و شبستان ، و تغسیل و تکفین أموات مؤمنین در غسالخانه مزبوره ، و طلب علوم دینیّه در مساجد و مدرسه و بیوتات مذکوره نمایند ... (۲) ، و در کتیبه دوّم ، در لوح سنگی واقع در ایوان جنوب غربی مدرسه ، که به خطّ نستعلیق محمّد رضا امامی و مورّخ به سال ۱۰۶۹ می باشد ، عباراتی است در دنباله وقفنامه مدرسه ، در لوح اوّل ، که بخشی از آن چنین است : ماه مبارک رمضان ، که همه ساله در مدرسه مزبوره روضه الشّهدا خوانده شود ، از رعایت قاری و اسراب مجمع و لوازم آن ... (۳) .

از عبارات یاد شده در وقفنامه ، استفاده میشود ، که مدرسه شفیعیّه ،

ص: ۱۷۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۸۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۹۰

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۹۲

مجموعه ای بوده برای نماز (برای عموم مردم) و درس و بحث (برای طلاب) و اقامه عزای حسینی ، و نیز تغسیل و تکفین أموات مؤمنین .

مرحوم جناب در کتاب الإصفهان صفحه ۱۱۰، سکنه مدرسه را ده نفر ، و حجرات آن را ۱۵ عدد (۱) و مساحت آن را ۲۵×۴۵ ذکر کرده است .

در حال حاضر، عده ای از طلاب (مخصوصاً طلاب شیعه مهاجر افغانستان) در این مدرسه سکونت دارند، و تحصیل علم می نمایند ، ولی عمدتاً از درسهای مدارس علمیه ذو الفقار و صدر بازار استفاده می نمایند .

داستانی عجیب و معجزه ای بزرگ

مرحوم محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی ، در کتاب «نصف جهان فی تعریف الإصفهان» ، از صفحه ۲۸۲ تا ۲۹۵ ، داستان بسیار مفصّلی را نقل نموده ، راجع به شفای دختری که کور شده بوده ، واز علاج او به طور قطع مایوس گردیده بودند ، و همه مردم خبر داشتند و در اثر توسّل به حضرت ابي عبد الله الحسين عليه السلام و عنایت خاصّه آن إمام معصوم، آن دختر به طور کّلی و به نحو عجیبی شفا یافته ، و مردم ، اعم از عالم و جاهل ، زود باور و دیر باور را ، به إعجاب واداشته ، و خود مؤلّف ، تحقیق کاملی بر روی قضیه انجام داده ، و صحت مطلب را به نحو یقین به دست آورده است . وی در ضمن نقل داستان بیان میکند که ، در زمان وقوع قضیه (۱۲۹۹ قمری) مدرسه شفیعیّه (محلّ سکونت دختر یاد شده ، و پدر و مادر و بستگان او) مخروبه بوده ، و طلبه

ص: ۱۷۲

۱- در حال حاضر حجرات مدرسه ۱۲ عدد میباشد ، که هشت عدد آن ها در طبقه همکف و چهار حجره فوقانی می باشد

نداشته (۱) و شخص عالم فقیری ، به نام ملا محسن و برادر او و اهل و عیالش ، در آن مدرسه ، سکونت داشته اند ، و او شغل معلّمی اطفال (اداره مکتب خانه) را بر عهده داشته ، و آن دختر شفا یافته ، فرزند ملا محسن بوده است .

آثاری از فعالیت علمی در مدرسه شفیعیه

شخصی به نام نجم الدّین بن هاشم ، نسخه ای از کتاب شریف من لایحضره الفقیه را ، در مدرسه شفیعیّه اصفهان در سال ۱۰۹۴ ، به خطّ نسخ نوشته ، که در کتابخانه ملی ملک موجود است (۲) .

و شخص دیگری به نام میر نصیر مازندرانی ، از فضلاء اصفهان ، دفتری را به قلم نستعلیق ، در مدرسه محمّد شفیع اصفهان نوشته ، که مشتمل است بر:

۱- شرح تذکره نصیریّه در هیئت ، از شمس الدّین محمّد خفّری

۲- شرح تذکره ، از مولی فتح الله شابرانی شیروانی

۳- الألفاظ السّیّقراطیه از یعقوب بن اسحاق کندی ، و کاتب نیز خودش حاشیه هائی بر این نسخه دارد، و این دفتر در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۳۸۸۷ موجود میباشد (۳) .

از علماء بزرگواری که نامشان در لیست ساکنین یا مدرّسین مدرسه شفیعیّه ذکر گردیده ، یکی مرجع و فقیه و زعیّم نامدار ، آقا سیّد محمّد باقر شفتی ، متوفّای ۱۲۶۰ ، و دیگری مرحوم آقا سیّد ابراهیم میر شفیعی و سوّم ، مرحوم آقا سیّد

ص: ۱۷۳

۱- مرحوم محمد مهدی اصفهانی ، احتمال داده است که ، این خرابی در زمان فتنه افغان حاصل شده و ادامه داشته است (نصف جهان ، صفحه ۲۸۳)

۲- فهرست کتابهای خطّی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲۰

۳- فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مجلس شورای ملی ، ج ۱۰ ، بخش چهارم ، ص ۱۹۱۴

۱۵ - مدرسه عربان «مدرسه آیه الله خادمی»

مدرسه ای است واقع در نزدیکی بازارچه حسن آباد، و در مجاورت امامزاده أحمد قدس سره و بقعه آقا نجفی، که به مناسبت سکونت طلاب عرب زبان، به این نام خوانده شده، و اخیراً به مناسبت اقدام مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای ۱۴۰۵ قمری، برای تجدید بنای آن، به نام آن بزرگمرد خوانده میشود.

تأسیس اولیّه این مدرسه، معلوم نیست در چه تاریخی انجام گرفته، ولی در دوره صفویه، در زمانی که شاردن (سیاح فرانسوی) در اصفهان اقامت داشته، این مدرسه موجود بوده، و در آن زمان ۴۰ حجره داشته است (۲).

مدرسه عربان در دوره پهلوی اول، همانند عموم مدارس علمیّه، متروکه و مخروبه گردید، و پس از آن، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری، اقدام به تعمیر اساسی آن نمودند، و جمعی از طلاب حوزه علمیّه را در آن اسکان دادند.

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، اشعاری جالب درباره تعمیر مدرسه، و ماده تاریخ آن سروده، بدین شرح:

ز آقای سید محمد رضا

خراسانی آن آیت و مقتدا

بشد پایدار این اساس علوم

که ویران بُد، از جهلِ اهلِ خطا

بلی، سعی اشخاص همت بلند

کند تازه آثار عالی بنا

ص: ۱۷۴

۱- دار الملم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۶ برگه فرعی

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۲۱

چو تاریخی از جابری خواستند

که باشد به تجدید بنیان ، سزا

چو روشن شد از علم ، این مدرسه

بگو (بُد ز نور محمّد رضا)

که جمله (بُد ز نور محمّد رضا) به حروف أبجد ۱۳۶۲ میشود ، که تاریخ تعمیر مدرسه ، به سال قمری ، می باشد .

أشعار یاد شده را ، با جمله کتبه میر سید خلیقی پور ۱۳۶۲ ، بر روی کتیبه ای ثبت نموده ، و نصب کرده بودند .

مدرسه عربان ، در زمان مرحوم جناب ۲۲ حجره داشته ، و مساحت آن را ۴۰ × ۴۰ ثبت کرده ، و شماره ساکنین آن را ۹ نفر ، بر شمرده است (۱) .

تجدید بنای مدرسه

مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی قدس سره ، متوفای ۱۴۰۵ قمری ، در حدود سال ۱۴۰۰ قمری ، با همکاری و اقدام مؤسسه خیریه مرحومین علی و حسین همدانیان ، شروع به تجدید ساختمان مدرسه نموده ، و آن را به صورت سه طبقه در آوردند ، که در زمان حیات آن بزرگمرد ، أصل ساختمان تکمیل گردید ، و پس از آن ، زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، نماسازی و تکمیل امکانات آن انجام پذیرفت ، و به صورت شکوهمندی در آمده است .

مسجد قدیمی مدرسه ، در طرف شرقی ، إبقاء گردیده ، و به جای حجرات قبلی ، مجموعاً ۶۵ حجره و ۹ مِدرس و یک کتابخانه و سالن مطالعه و سایر لوازم ، ساخته شده است .

در حال حاضر ، علاوه بر طلابی که برای تحصیل علم ، رفت و آمد دارند ،

ص: ۱۷۵

تعداد هفتاد طلبه در این مدرسه ساکن می باشند، و درسهای اصلی آنها تحت برنامه گسترده و مفصل مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته (در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی) می باشد، و در داخل مدرسه برنامه های تربیتی و اخلاقی و مطالعات و تحقیقات و دروس جنبی، انجام می گیرد، و در حال حاضر، یکی از منظم ترین و جالب ترین مدارس حوزه علمیه اصفهان، به شمار میرود، و سرپرست داخلی آن، حجه الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد گلپایگانی دام عزه، با مدیریت و حسن تدبیر و اخلاق خوب، در رشد و تکامل درسی و اخلاقی طلاب مدرسه می کوشد.

علماء و مدرسین مدرسه آیه الله خادمی

در گذشته زمان، عدّه ای از بزرگان و علماء، در این مدرسه سکونت داشته، و تحصیل علم یا تدریس و تحقیق و تألیف نموده اند، که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم:

۱- مدرّس فاضل، مرحوم آقا شیخ محمد جواد فریدنی، فرزند آقا شیخ علی اصغر (متوفای ۱۳۷۵ قمری) که از مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، در ادبیات و سطوح فقه و اصول، و ساکن مدرسه عربان بوده است (۱).

۲- عالم زاهد فاضل، حاج ملا فرج الله درّی، متوفای ۱۳۸۲ قمری، فرزند مرحوم آقا شیخ عباس. وی از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و حکیم نامدار، جهانگیر قشقائی، و از شاگردان و مخصوصین آخوند ملا محمد کاشانی قدس سره بوده، و در مدرسه عربان، تدریس می نموده است (۲).

ص: ۱۷۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۴۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۸۳

مرحوم استاد ، جلال الدین همائی (سنا) در مرثیه و تمجید از او چنین سروده است:

واحسرتا که کوب دری افول کرد

و در حالتی که نادره بی مثال بود

شیخ جلیل ما، فرج الله دُرّی آنک

أندر زمانه ، قدوه أرباب حال بود

فرزانه طبع ، شیخ پسندیده روزگار

آزاده خوی ، مرد ستوده خصال بود

رفت از جهان و داشت به وقت فراق مرگ

حالی چنان که گفتی عید وصال بود

تاریخ را (سنا) به میان پانهاد و گفت

(دُرّی دری زمخزن علم و کمال بود)

که شمار مصرع آخر ، با حساب حروف أبجد، ۱۳۸۱ میشود و با توجه به اضافه شدن پای سنا (الف) که ۱، میباشد ، عدد ۱۳۸۲ به دست می آید .

۳- مدرّس فاضل و زاهد ، آقا شیخ أمان الله گینکانی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که از خواصّ مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی بوده ، و در مدرسه عربان سکونت و تدریس داشته است (۱).

۱۶- مدرسه و مسجد علیقلی آقا

مجموعه بناهایی مرکب از : مسجد و حَمّام و بازار و سرای و چهارسو ، در محله بید آباد وجود دارد، که بانی آنها ، حاج علیقلی آقا ، یکی از خواجگان حرم

ص: ۱۷۷

شاه سلیمان و سلطان حسین صفوی بوده، و این آثار ارزشمند و تاریخی را در دوره سلطان حسین صفوی، از خود به جای گذارده است.

نهر باباحسن که به جوی باباحسن معروف است، از جلو مسجد می گذرد و بر طراوت این ناحیه می افزاید.

گرچه صحن مسجد علیقلی آقا کوچک است، ولی سردر بسیار زیبا و کاشیکاری جالب در اطراف صحن، که از نوع گره کاری است، منظرهای دلپذیر را به نمایش می گذارد، و به راستی تزئینات و کاشیکاری این مسجد، موجب تحسین و دعای خیر برای بانی، و هنرمندان دست اندرکار ایجاد این اثر دینی و تاریخی، میباشد.

در طرف غربی مسجد، در طبقه دوم (بالای سردر مسجد و دو طرف آن) ۱۲ حجره وجود دارد، که به عنوان مدرسه ساخته شده، و در وقفنامه مسجد، برای طلاب ساکن در این حجرات، حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده است. مدرسه علیقلی آقا در حال حاضر مسکونی طلاب نیست (۱).

تاریخ تأسیس مسجد و مدرسه ۱۱۲۲ میباشد، که در کتیبه جالبی با خط زیبا، روی سنگ مرمر بسیار نفیس حجاری شده، و به خط علی نقی امامی میباشد، و در سردر مسجد، جلب توجه می نماید (۲).

شخصی به نام ابراهیم مشهدی طوسی، نسخه ای از حاشیه ألوفیه، سید صدرالدین محمد بن محمد باقر قمی را، در مدرسه علیقلی آقا، به تاریخ

ص: ۱۷۸

-
- ۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می گیرد، جمعی از طلاب حوزه علمیه، در این حجرات ساکن گردیده اند
 - ۲- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۸۲ تا ۶۸۴، و در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۱۷ تا ۷۱۹، کتیبه ها و خصوصیات این بنای تاریخی مورد بحث قرار گرفته است

۱۷- مدرسه کاسه گران

مدرسه ای است واقع در بازار ریسمان، منشعب از بازار بزرگ، و از یک سو نزدیک میدان قیام (فلکه سبزه میدان) و از سوی دیگر، نزدیک مسجد جامع اصفهان می باشد.

تأسیس آن، در اوائل قرن دوازدهم، به وسیله میر محمّد مهدی حسنی حسینی، معروف به حکیم الملک انجام گرفته، و وقف گردیده است. مدرسه یاد شده به علت وقوعش در محله کاسه گران، به این نام نامیده شده، چنانچه به مناسبت عنوان حکیم الملک، حکیمیه نیز نامیده می شود، و در وقفنامه مورّخه ۱۱۰۴ نیز، همین نام حکیمیه مورد ذکر قرار گرفته است (۲).

مدرسه حکیمیه (کاسه گران) دو طبقه است، در زمینی به مساحت تقریبی دو هزار متر، و ۵۸ حجره، و یک مدرس در طبقه دوّم (بالای راه ورودی مدرسه) و یک مسجد زمستانی دارد (که مقداری کتاب هم در آن هست) و نیز یک مسجد (که به صورت ایوان می باشد، و سقف بلند دارد و روبروی در ورودی مدرسه است) و بر زیبایی و اعتبار معنوی آن می افزاید.

مدرسه کاسه گران از بناهای مستحکم و زیبای اواخر دوره صفویه می باشد،

ص: ۱۷۹

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله، مرعشی، جلد ۱۱، صفحه ۱۷۵

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۸۲، به نظر آقای رفیعی مهر آبادی (نویسنده کتاب آثار ملی اصفهان) این مدرسه را شمسیه نیز می خوانده اند، و گمان می رود دلیلش این بوده، که این مدرسه ویرانه ای بوده، از مدرسه شمسیه؛ شمس الدّین محمّد یزدی، فرزند سید رکن الدّین یزدی، و چون مخروبه شده بوده، حکیم الملک، با صوابدید علماء و مراجع وقت، تجدید بنا کرده، و به نام حکیمیه نامیده است (آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۸۳)

و کاشیکاری های متنوع و دارای طرحهای گوناگون آن، از آثار هنری آن دوران محسوب می باشد. سردر بلند و شکوهمند آن، که در بازار ریسمان میباشد، مشتمل بر کتیبه ای جالب و عباراتی قابل توجه است، بدین ترتیب:

حَمْدًا لِمَنْ وَقَفَ حُجْرَاتِ الْقُدْسِ فِي السَّمَوَاتِ ، وَ مَدَارِسَ الْحِكْمَةِ فِي الْأَرْضِينَ ، عَلَى مُحَمَّدٍ فَخْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَتِهِ الْمَهْدِيِّينَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَ بَعْدُ لَقَدْ وَقَّفَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّ حِمَايَةِ أَشْرَفِ السَّلَاطِينِ ، رَافِعِ أَلْوِيَةِ الشَّرْعِ الْمُبِينِ ، مُشَيِّدِ؛ أُسَاسِ
الْعِلْمِ وَ الْيَقِينِ ، فَرَعِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ ، غُصْنِ الدَّوْحَةِ الْعَلِيَّةِ الْعَلَوِيَّةِ ، أَخَاقَانِ بْنِ أَخَاقَانِ ، السُّلْطَانِ سُلَيْمَانَ الْحُسَيْنِيِّ
الْمُوسَوِيِّ الصَّفْوِيِّ ، مَتَعَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِبِقَائِهِ إِلَى آخِرِ الزَّمَانِ ، لِبِنَائِهِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةَ الرَّفِيعَةَ ، وَ الْمَأْنَسَةَ الْمَنِيْعَةَ، السَّيِّدِ الْأَيْدِ ، النَّجِيبِ
الْفَاضِلِ ، الْأَمِيرِ مُحَمَّدِ مَهْدِيِّ الْحُسَيْنِيِّ الْحُسَيْنِيِّ ، الشَّهْرِ بِحَكِيمِ الْمُلْكِ ، أَطَالَ اللَّهُ بِقَائِهِ ، وَ جَعَلَهَا مِنْ يُبُوتِ أِذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ
يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ، يُسَمَّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ ، رِجَالُ - كَتَبَهُ عَبْدُ اللَّهِ ١١٠٥ (١).

علاوه بر تاریخ یاد شده، در سه مورد (یکی در سردر مدرسه به سوی بازار، و دیگری در سردر داخلی مدرسه، و سوم در ایوان شمالی مدرسه، که مسجد میباشد) تاریخ ۱۱۰۳ ثبت شده است، و نشان دهنده مرحله دیگری از گنجبری و کاشی کاری و تزئینات مفصل مدرسه می باشد، که نیازمند به زمان طولانی بوده است.

تاریخ شروع تأسیس مدرسه مشخص نیست، و احتمال دارد سال ۱۰۹۶ قمری باشد، که در کتاب تاریخچه آبیه تاریخی اصفهان، صفحه ۱۴۸ به عنوان تاریخ بنای مدرسه یاد شده بیان گردیده است.

ص: ۱۸۰

وقفنامه مدرسه و موقوفات آن، در شوال ۱۱۰۴ تنظیم شده، و عده ای از علماء آن عصر، و در رأس آنها علامه بزرگ، ملا محمد باقر مجلسی اعلی الله مقامه، در سال ۱۱۰۶، وقفنامه را امضاء و تأیید نموده اند (۱).

حکیم الملک اردستانی، همسر زینب بیگم، (سازنده و تأسیس کننده مدرسه نیم آور) می باشد، و به همین جهت، در معماری و کاشیکاری و تزیینات این دو مدرسه، مشابهت زیاد وجود دارد.

در سال ۱۳۴۵ شمسی، تعمیراتی گسترده و اساسی، زیر نظر اداره اوقاف اصفهان، در این مدرسه انجام گرفته است (۲). در حال حاضر، یکصد و بیست طلبه اعم از ایرانی و مهاجر افغانی (شیعه) در مدرسه کاسه گران سکونت دارند ولی مدرسه نیاز شدید به تعمیر و ترمیم دارد.

علماء و مدرسین در مدرسه کاسه گران

در مدرسه کاسه گران، جمع زیادی از بزرگان و دانشمندان، تحصیل علم نموده، و یا تدریس داشته اند، که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم:

۱- فقیه و اصولی و محقق نامدار، میرزا أبو القاسم قمی، معروف به میرزای قمی، متوفای ۱۲۳۱ قمری، که نه تنها در فقه و اصول، از چهره های نامدار میباشد، و قوانین الأصول او، دورانی ممتد و طولانی، از کتب درسی حوزه های علمیه بوده، و کتاب غنائم او، مورد توجه بزرگان می باشد، بلکه در زمینه عقاید و کلام، معانی و بیان، شعر و ادب، خط نیکو و ممتاز، چهره ای درخشان به شمار می رود.

ص: ۱۸۱

۱- در کتاب آثار ملی اصفهان، از صفحه ۴۸۷ تا ۴۹۳، شرح مفصّلی راجع به رقبات موقوفه. و مصارف وقف، و تولیت وقف، و تنفیذ کنندگان وقفنامه، ذکر نموده است

۲- در کتاب سپاسگزاری از مردم (نشریه اداره اوقاف اصفهان)، صفحه ۶۸ تا ۷۱، شرحی از تعمیرات انجام شده، ذکر گردیده است

آن بزرگمرد، سالها مرجع اعظم شیعه، و زعیم حوزه علمیه قم بوده، و علماء و محققین بزرگی، همانند: حاجی کلباسی و سید شفتی و صاحب مقابیس (شیخ أسد الله شوشتری) و محقق أعرجی و سید عبد الله شتر و...، در زمره شاگردان او به شمار می روند، و تألیفات فراوان و متنوع آن محقق نامدار، نشانه ای از قدرت تحقیق و تبیح و نوآوری و ذوق لطیف آن بزرگمرد، به حساب می آید، و به خاطر جهات یاد شده، عموم نویسندگان تراجم و رجال دینی و علمی، از آن بزرگمرد یاد نموده، و مورد تجلیل فراوان قرار داده اند.

مرحوم میرزای قمی، پس از آنکه در أعتاب مقدسه و کربلای معلّی به مقام اجتهاد نائل شدند، و از وحید بهبهانی اجازه اجتهاد دریافت نمودند، به اصفهان مهاجرت نموده، و در مدرسه کاسه گران به تدریس پرداختند (۱) و پس از مدتی به قم هجرت نموده، و زعامت حوزه علمیه و مرجعیت عمومی یافتند.

۲- حکیم و فیلسوف نامدار، آخوند ملا علی بن جمشید نوری اصفهانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری، که فقیهی حکیم، و شاعری ادیب، و مدرّسی محقق بوده، و در مدرسه کاسه گران تدریس می نموده (۲). و تألیفات متعددی دارد که قسمتی از آنها به صورت حاشیه بر کتب فلسفه و حکمت، همانند: أسفار و مشاعر ملا صدرا، و شواهد الزبویّه، می باشد.

این بزرگمرد مورد احترام شدید حاجی کلباسی و سید شفتی بوده، و مرحوم صاحب روضات الجنات او را در علم حکمت مقدم بر أقرانش دانسته، و با أوصاف: حسن الاعتقاد، جنید الاجتهاد، مواظب سنن و آداب مأثوره،

ص: ۱۸۲

۱- تاریخ قم (از ناصر الشریعه)، صفحه ۲۱۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۵

مراعات کننده احتیاط شدید و ...، ستوده است (۱).

۳- حکیم متبخر و مُدّرّس جامع، آخوند ملا عبد الجواد مدرّس خراسانی، متوفای ۱۲۸۱ قمری، که به نوشته مؤثر و آثار (صفحه ۱۸۳) از علماء مشهور اصفهان بوده، و در فقه و اصول و طب و ریاضیات و ادبیات مهارت کلی و تدریسی عظیم داشته است.

او از شاگردان ملا علی نوری بوده، و خود مدرّسی کبیر به شمار رفته، و به نوشته آقای مهدوی، تدریس کتب به او منتهی می شده است (۲).

۴- حکیم نامدار و بزرگوار، مرحوم حاج ملا-هادی سبزواری، متوفای ۱۲۸۹ قمری، که در قدرت تفکر و عمق اندیشه، و تکامل بخشیدن به مباحث عقلی و حکمی، و تألیفات گسترده و پر محتوی، از نوادر روزگار و أعجوبه های زمان بوده است، و آثار قلمی و تحقیقات گسترده او، محور بحثهای فلسفی در حوزه های علمیه است، و منظومه و شرح منظومه او (در منطق و حکمت) از مهمترین کتب درسی، در حوزه های علمیه به شمار می رود.

او هشت سال در اصفهان، از درس ملا اسماعیل اصفهانی و ملا علی نوری در رشته حکمت و فلسفه، بهره گرفته است (۳).

۵- حکیم نامدار و عظیم الشان، میرزا أبو الحسن جلوه، متوفای ۱۳۱۴ قمری که از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان و تهران می باشد، و نسب او، به میرزا رفیعای نائینی (حکیم و فیلسوف نامدار) می رسد، و خاندان او، از خاندانهای

ص: ۱۸۳

۱- روضات الجنات، صفحه ۴۱۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۸

۳- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۴۲۳

علمی به شمار می رود، و عمری را به تدریس و تحقیق و تألیف گذارنده است .

حکیم جلوه ، سالیانی در این مدرسه ساکن بوده ، و به بحث و تحقیق و تدریس اشتغال داشته است (۱).

۶- مجتهد مدرّس ، آقا سید محمد باقر ابطحی سدهی ، متوفای ۱۳۶۷ قمری ، که از شاگردان آقا شیخ محمد تقی نجفی و آقا سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی بوده ، و مدرسی خوش بیان به شمار آمده ، و در مدرسه کاسه گران و مدرسه صدر ، تدریس می نموده است .

۷- مورّخ متّبع ، و مدرّس متبّع ، و شاعر ادیب ، آقا شیخ محمد علی حبیب آبادی ، معروف به معلّم حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۹۶ قمری ، وی صاحب تألیفات متعدّده میباشد ، که از همه مهمتر ، مجلّات کتاب « مکارم الاثار » است ، که در شرح حال علماء و بزرگان قرن ۱۳ و ۱۴ میباشد .

مرحوم معلّم حبیب آبادی ، در مدرسه کاسه گران تدریس می نموده ، و از مفاخر این پایگاه علمی میباشد (۲) .

۸- عالم جامع و مدرّس کامل ، آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری ، که بیش از هفتاد سال در حوزه علمیّه اصفهان ، به تدریس علوم ادبی ، فقه ، اصول ، فلسفه ، هیئت و نجوم ، و در یک کلام ، علوم عقلی و نقلی ، اشتغال داشتند و تألیفات گوناگون و متعدّدی از خود به جای گذاردند .

مرحوم آقای ادیب ، در مدرسه کاسه گران و مدرسه جدّه بزرگ و ...،

ص: ۱۸۴

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۱۲، دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۲۰۱

۲- شرح حال معلّم حبیب آبادی را ، در مقدمه جلد پنجم مکارم الاثار ، در ۸۷ صفحه ، در ضمن نوشته ها و مقالات متعدّد ، و نیز گنجینه دانشمندان ، ج ۸ از ۳۱۰ تا ۳۱۵ می توانید مطالعه نمایند

تدریس می نمودند.

آقای سید مصلح الدین مهدوی نوشته اند ، در کتابخانه ایشان نسخه ای خطی از کتاب ترکیب خالد ، موجود میباشد ، که آن را شخصی به نام محمد باقر بن لقمان نیریزی ، در سال ۱۱۰۵ ، در مدرسه حکیمیه ، نوشته است (۱).

۱۸ - مدرسه مسجد حکیم

اشاره

مسجد حکیم ، یکی از مساجد بزرگ و جامع اصفهان می باشد ، و از نظر معماری و کاشی کاری و گچ بری و وسعت مساحت ، دارای اهمیت و جالب توجه می باشد ، و به وسیله محمد داود ملقب به تقرب خان (طیب شاه عباس دوم) بنا شده ، و در سال ۱۰۷۳ ، به پایان رسیده ، و این مسجد در جای مسجد قدیمی دوره دیلمیان ، به نام « مسجد جامع جورجیر » یا « جامع رنگرزان » ، تأسیس شده است .

در نقشه ساختمان مسجد حکیم ، که دارای چهار ایوان در چهار طرف ، و گنبد در طرف جنوب ، و سردرهای متعدد میباشد ، حجراتی در طبقه اول و دوم در نظر گرفته شده ، که رقم آنها به سی عدد می رسد ، و این حجرهها ، در اختیار طلاب علوم دینیه قرار میگیرد ، و در نتیجه ، مجموعه ساختمانی این بنای تاریخی ، ترکیبی از مسجد و مدرسه است .

در دوره حکومت پهلوی ، حجرات مدرسه مسجد حکیم ، متروکه و به تدریج ، مخروبه گردید ، ولی در سالهای اخیر (از سال ۱۴۰۸ قمری به بعد) با همکاری جمعی از طلاب و امام جماعت مسجد ، جناب آقای حاج آقا کاظم

ص: ۱۸۵

کلباسی دام عزه، فرزند مرحوم حاج میرزا هاشم کلباسی قدس سره و نیز با حمایت و یاری سازمان اوقاف اصفهان، به تدریج، حدود بیست عدد از حجره ها، که عموماً در طبقه دوّم می باشد، تعمیر گردیده و محل سکونت طلاب گشته است. و در حال حاضر (سال ۱۴۱۳ قمری) در حدود سی نفر طلبه دارد، که در این حجرات سکونت یافته، و درسهای خود را (دوره مقدمات تا سطوح) در مدارس علمیّه مرکز حوزه علمیّه (بالأخص مدرسه ذو الفقار) در محضر اساتید حوزه، فرا می گیرند.

آثاری از مدرسه مسجد حکیم

شخصی به نام محمد بن علی (که از شاگردان فاضل هندی و مُجاز از سید نعمت اللّه جزائری بوده) در ماه رجب ۱۱۱۷، در مسجد حکیم داود، در دارالسلطنه اصفهان، نسخه ای از «الانتصار فی إفرادات الإمامیه» تألیف علم الهدی سید مرتضی را، با خطّ نسخ نوشته، و این نسخه، در یکی از کتابخانه های شخصی قم، موجود است (۱).

و نیز محمد بن علی جزائری، در سال ۱۱۲۱ نسخه ریاض السالکین سید علی خان مدنی را، در مسجد حکیم اصفهان به خطّ نسخ نوشته، و این نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود میباشد (۲).

برای آشنائی بیشتر با نقش مدرسه و مسجد حکیم در حوزه علمیّه اصفهان، به بخش مربوط به مسجد حکیم (در قسمت مساجد مرکز فعالیت علمی در اصفهان) مراجعه شود.

ص: ۱۸۶

۱- نسخه های خطی کتابخانه های قم، شماره ۱، تألیف رضا استادیا، صفحه ۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۲۱ برگه ضمیمه

مدرسه ای است واقع در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک میدان امام (میدان نقش جهان - میدان شاه) که شاه عباس اول، آن را به نام شخصیت بزرگ علمی و معنوی عالم تدریس و تحقیق، مولی عبدالله شوشتری، متوفای ۱۰۲۱ قمری، تأسیس نموده است.

این مدرسه، از نظر استحکام بنا، و تزئینات و نماسازی و کاشیکاری، جالب توجه می باشد، و دو طبقه است، و پنجاه حجره و یک مسجد در طرف غربی و دو ایوان در طرف جنوبی و شمالی، و نیز یک کتابخانه دارد، و به نوشته مرحوم جناب، طول و عرض آن ۶۰×۵۰ می باشد (۱) و تا چندین سال قبل، شاخه ای از نهر فدین، (یکی از مادی های منشعب از زاینده رود) در این مدرسه عبور می کرد، که موجب زیبایی بیشتر مدرسه، میگردد.

تعمیراتی اساسی، در سالهای ۱۱۵۸ و ۱۲۱۸ (دوره نادر شاه و فتحعلی شاه) در مورد آن به عمل آمده است (۲) و هم چنین، پس از آنکه در دوره پهلوی اول مدرسه های علمیه متروکه و مخروبه گشت، مدرسه ملا عبدالله نیز از این وضعیت مصون نماند، تا آنکه در اواخر قرن چهاردهم قمری، عده ای از متدینین، با همت مرحوم حاج میرزا أبو القاسم کوپائی، و معماری حاج میرزا حسین شریف معمار، و همکاری انجمن آثار ملی، و اداره باستان شناسی (سازمان میراث فرهنگی)، در تعمیر اساسی و تجدید حیات این مدرسه باشکوه، اقدام نمودند، و مدرسه را که به طور کلی در حال اضمحلال و نابودی

ص: ۱۸۷

۱- الإصفهان، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

۲- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، صفحه ۱۷۳

بود، به صورت مدرسه ای پابرجا، زیبا، و باشکوه، در آوردند، و مسکونی طلاب گردید (۱) و هم اکنون یکی از مدارس فعال و باشکوه و پررونق حوزه علمیه اصفهان می باشد، و هشتاد نفر طلبه در آن ساکن هستند، و در مسجد آن اقامه جماعت میشود.

مدرسه ملا عبداللہ، دو در دارد و در اصلی آن، در بازار بزرگ، مقابل بازار قنادها، باز می شود، و دارای سردری است با کاشیکاری، که تاریخ تعمیر مدرسه را در دوره فتحعلی شاه قاجار، به وسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی، در سال ۱۲۱۸ نشان می دهد (۲).

چهره هائی از مدرسه ملا عبداللہ

در طول تاریخ مدرسه، علماء و مجتهدین بزرگ، در این مدرسه تدریس نموده، و یا مراحل از تحصیل خود را، در این مرکز علمی سپری نموده اند، که ذیلاً برخی از آنها را یاد می نمائیم:

۱- ملا عبداللہ تستری، اولین مدرس مدرسه

ملا عبداللہ شوشتری (تستری) که به نام مبارک او، مدرسه ملا عبداللہ تأسیس گشته، اولین و مهمترین مدرس این مدرسه با برکت، در طول چهار قرن بوده است، که ذیلاً به برخی از فضائل علمی و تقوائی و آثار او، اشاره می نمائیم

وی فقیهی محقق، و محدثی رجالی، و جامع المعقول و المنقول، و زاهدی عابد بوده، و صائم الدهر و قائم اللیل خوانده شده، و در علم و عمل، و دقت و فطانت، و قدرت اندیشه و نیروی حافظه، از چهره های برجسته، به شمار

ص: ۱۸۸

۱- برای آشنائی با جریان تعمیر مدرسه ملا عبداللہ در دوره اخیر، به تاریخچه محلّه خواجه، صفحه ۳۵-۳۶ مراجعه شود

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷۴

رفته است . در مدّت چهارده سال اقامت خود در اصفهان ، آن چنان تأثیر عظیمی در رشد حوزه علمیه به جای گذارده ، که در اوّل ورود ایشان ، در تمامی اصفهان ، فقط پنجاه نفر طلبه وجود داشته ، و در هنگام مرگ ایشان (پس از چهارده سال اقامت) بیش از هزار نفر از شاگردان این بزرگمرد (از طلاب و فضلاء و بزرگان) در این شهر ، به فعالیت در سی و علمی اشتغال داشته اند ، که در میان آنها ، شخصیت هائی ، همانند : فقیه و محدّث نامدار ، ملاّ محمّد تقی مجلسی ، و رجالی محقّق و عظیم الشّان ، میر مصطفی تفرشی (صاحب نقد الرجال) ، و مولی حسنعلی تستری (فرزند ملاّ عبد الله) ، و میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر نائینی (صاحب شرح اصول کافی) ، و مولی شریف الدّین محمّد رویدشتی اصفهانی ، و میر محمّد قاسم قهپائی (از مشایخ اجازه صاحب روضات الجنّات) ، بوده اند .

ملاّ عبد الله عامل انتشار فقه و حدیث در اصفهان

همزمان با اقامت ملاّ عبد الله تستری در اصفهان ، چهره های بزرگی همانند :

شیخ بهائی و میرداماد علیهما الرّحمة در همین شهر اقامت داشته اند ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان در اوائل قرن یازدهم ، به شمار می روند ، ولی با توجه به اشتغالات اجتماعی آنها ، فعالیتشان در تدریس و تربیت طلاب ، محدود می گردیده است ، ولی ملاّ عبد الله تستری ، به جز تدریس و تربیت طالبین علم ، هیچ گونه فعالیت اجتماعی بر عهده نمی گرفته است ، و به همین جهت ، تأثیر آن بزرگمرد در رشد حوزه علمیه و انتشار فقه و حدیث ، در عالیتین حدّ ممکن رسیده ، تا آنجا که میرزا محمّد علی مدرّس ، در ریحانه الأدب می نویسد:

انتشار فقه و حدیث را به او منسوب داشتن اصلاً مستبعد نباشد (۱)

و چهره بزرگ عالم فقه و حدیث ، ملا محمد تقی مجلسی فرموده :

وَ يُمَكِّنُ أَنْ يُقَالَ ، إِنْتِشَارُ الْفِقْهِ وَ الْحَدِيثِ كَانَ مِنْهُ ، وَ إِنْ كَانَ غَيْرُهُ مَوْجُوداً ، لَكِنْ كَانَ لَهُمُ الْأَشْغَالُ الْكَثِيرَةُ ، وَ كَانَ مُيَدَّهُ دَرِ سِهِمْ قَلِيلاً بِخِلَافِهِ (ره) (۲)

تأثیر علمی و معنوی محقق اردبیلی بر ملا عبدالله

ملاً- عبد الله تستری، از محضر استادهائی همانند : شیخ نعمت الله ، علی بن احمد ، و شیخ احمد بن نعمت الله (که هر دو معروف به ابن خاتون عاملی هستند، و از علماء بزرگ شیعه به شمار می روند، و خاندان بزرگ علمی دارند) استفاده نموده (۳) ولی عمده استفاده علمی و معنوی ملاً عبد الله ، از محضر فقیه نامدار و بزرگ شیعه ، مظهر کرامات و معنویات ، محقق عظیم الشان ، مولی احمد بن محمد اردبیلی ، معروف به، مقدس اردبیلی ، متوفای ۹۹۳ قمری بوده است ، و آن چنان عظمت شخصیت و فضائل روحی و معنوی مقدس اردبیلی ، بر مرحوم ملاً عبد الله، تأثیر گذارده بوده ، که در تمامی عمر این شاگرد لایق، به صورت روزه داری پی در پی ، و شب زنده داری مستمر ، و زهد و تقوای شگفتی آفرین ، و عبادت و مناجات ، و ترک لذت مادی ، (حتی لذت های مباح) تجلی داشته است ، و موجب إعجاب همه مردم بوده ، و نفوذ معنوی آن بزرگمرد را ، در جامعه تا حدی بالا برده بوده ، که در روز وفات آن پیشوای دینی ، یکصد هزار نفر از خواص و عوام ، علماء و اقشار مردم ، به شکلی

ص: ۱۹۰

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۱، صفحه ۳۳۵

۲- روضات الجنات، صفحه ۳۶۷

۳- روضات الجنات ، صفحه ۳۶۶، و ریحانه الأدب ، جلد ۱، صفحه ۳۳۴

بی سابقه ، در تشییع جنازه شرکت داشته اند، و روز فوت آن پیشوای زاهد ، شهر اصفهان همانند روز عاشورای حسینی علیه السلام ، بوده است ، از جهت کثرت اجتماع و شور عزاداری ، که نشان دهنده نفوذ و تأثیر شدید تقوای آن بزرگمرد الهی، میباشد .

ستایش بزرگان درباره ملا عبد الله ستری

در میان شخصیت های برجسته عالم تحقیق و تألیف و معنویت ، گاهی کسانی یافت میشوند که به خاطر عظمت روحی ، و جایگاه برجسته ای که در قلوب بزرگان دارند، مورد تجلیل و تعظیم خاص قرار میگیرند ، و در زبان و قلم علماء بزرگ ، مورد تکریم و احترام فوق العاده واقع می شوند ، که ملا عبد الله ستری ، از این دسته میباشد ، و ذیلاً به برخی از موارد ، اشاره مینمائیم :

۱ □ فقیه و محدث بزرگ ، ملا محمد تقی مجلسی ، او را شیخ الطائفة عصر ، و صاحب کرامات فراوان خوانده ، و چنین نوشته است:

... شَيْخُنَا وَ إِمَامُنَا ، بَلْ وَالِدُنَا الْأَعْظَمُ وَ شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي عَصْرِهِ الشَّرِيفِ ، كَانَ غَايِدًا زَاهِدًا وَرِعًا صَاحِبَ اِكْرَامَاتِ الْكَثِيرَةِ ، ثِقَّةً عَيْنًا ثَبَاتًا .. مَاتَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنَ الْمُحَرَّمِ ، سَنَةِ ١٠٢١ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ مَعَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ النَّاسِ تَقْرِيْبًا ، وَكَانَ يَوْمَ وَفَاتِهِ كَيَوْمِ عَاشُورَاءِ (١) .

۲- و هم چنین ملا محمد تقی مجلسی ، در شرح مشیخه کتاب فقیه ، فرموده است :

الْمُحَقَّقُ الْمِدْقِيُّ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ الْوَرَعُ ، وَ أَكْثَرُ فَوَائِدِ هَذَا الْكِتَابِ مِنْ إِفَادَتِهِ ، حَقَّقَ الْأَخْبَارَ وَ الرَّجَالَ وَ الْأُصُولَ ، بِمَا لَمْ يَزِدْ عَلَيْهِ ، وَ لَهُ تَصَانِيفٌ ، مِنْهَا التَّتِيْمُ لِشَرْحِ نُورِ الدِّينِ عَلِيِّ ، عَلَى قَوَاعِدِ الْحِلِّيِّ ، سَبْعَ مُجَلَّدَاتٍ ، مِنْهَا يُعْرَفُ فَضْلُهُ وَ تَحْقِيقُهُ

ص: ۱۹۱

۳- محقق و رجالی نامدار، میر مصطفی تفرشی، استاد خود، یعنی ملا عبدالله تستری را، یگانه روزگار، و باورع ترین اهل زمان، خوانده و می نویسد:

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ التُّسْتَرِيُّ مُدَّظِلُّهُ الْعَالِي، شَيْخُنَا وَ أَسْتَاذُنَا، الْإِمَامُ الْعَلَامَةُ الْمُحَقِّقُ الْمُدَقِّقُ، جَلِيلُ الْقَدْرِ، عَظِيمُ الْمَنْزَلَةِ، دَقِيقُ الْفِطْنَةِ، كَثِيرُ الْحِفْظِ، وَحِيدُ عَصْرِهِ وَفَرِيدُ دَفْرِهِ وَ أَوْرَعُ أَهْلِ زَمَانِهِ، مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَوْثَقَ مِنْهُ، لَا يُحْصَى مَنَاقِبُهُ وَ فَضَائِلُهُ، قَائِمُ اللَّيْلِ، صَائِمُ النَّهَارِ، وَ أَكْثَرُ فَوَائِدِ هَذَا الْكِتَابِ (نقد الرجال) مِنْ تَحْقِيقَاتِهِ، جَزَاءُ اللَّهِ تَعَالَى عَنِّي أَفْضَلُ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، لَهُ كُتِبَ مِنْهَا شَرْحُ قَوَاعِدِ الْجَلِّيِّ (۱).

۴- در تاریخ عالم آرای عباسی چنین آمده است: جناب مولانا، در کمالات نفسانی و تقوی و پرهیزکاری و ترک مستلذات دنیا، درجه عالی داشت، از مأكول و مشروب به سد رمق قناعت نموده، اکثر آیام صائم بود، و به شوربای بی گوشت افطار میکرد، و قریب به سی سال، در نجف و کربلای معلّا ساکن گشته، در خدمت مجتهد مغفور، مولانا احمد اردبیلی بسر برده، از خدمتش اکتساب فضائل و استفاده مسائل مینمود. در روز وفاتش، آواز ناله و نفیر صغیر و کبیر خلائق، به اوج آسمان می رسید، اشراف و اعیان سعی می نمودند که به تیتن و تبرک، دستی به زیر جنازه مغفرت اندازه اش، رسانند از غلوی (۲) خلائق میسر نمیشد (۳).

۵- محقق نامدار و فقیه و اصولی و رجالی عظیم الشأن، آقا میرزا محمد

ص: ۱۹۲

۱- نقد الرجال، صفحه ۱۹۷

۲- غلوی و غلواء = از حد گذشتن، در اوج قرار گرفتن

۳- تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۲، صفحه ۸۶۰

باقر «صاحب روضات الجنّات» درباره ملا عبدالله نوشته است :

كَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ وَ تُبْلَاءِ الْأَزْمَانِ ، جَامِعاً لِلْمَنْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، مُجْتَهِداً فِي الْفُرُوعِ وَ الْأَصُولِ ، مُحَقِّقاً فِي عِلْمِ الْفِقْهِ وَ الْحَدِيثِ ، مُدَقِّقاً فِي طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ التَّحْدِيثِ ، وَرِعاً صَالِحاً الْمَعِيّاً فِي أَعْلَى دَرَجَةِ مِنَ التَّقْوَى وَ الْجَلَالَةِ وَ الْفَضْلِ وَ النَّبَالَةِ وَ الْعَمَلِ وَ الْعِبَادَةِ وَ الْوَرَعِ وَ الزَّهَادَةِ .. (١).

۶- و در ریحانه الأدب آمده است : مُرَوِّجُ الْمِلَّةِ وَ الدِّينِ ، مُرَبِّي الْفُقَهَاءِ وَ الْمُحَدِّثِينَ ، تَاجَ الزَّهَادِ وَ السَّالِكِينَ ، بسیار عابد و زاهد و با ورع و تقوی ، قائم اللیل و صائم الدّهر بود ، هیچ کدام از نوافل از وی فوت نمی شد ، در خوراک و پوشاک خود ، به سدّ رمق و أقلّ قلیل قانع بود (٢). و این بود نمونه ای از قضاوتهای صاحب نظران بزرگ ، و بزرگان عالم فقه و رجال و تاریخ و تراجم ، درباره فقیهی بزرگ ، و مدرّسی عالیقدر ، که حوزه علمیه اصفهان ، رشد و عظمت علمی خود را ، مرهون علم و تقوی و تدریس و تربیت او است ، و به حقیقت باید گفت :

ملا عبدالله تستسری، پدر حوزه علمیه اصفهان می باشد

تاریخ وفات ملا عبد الله تستری ومدفن او

برخی ، وفات آن بزرگمرد را در سال ۱۰۲۳ ضبط نموده اند ، ولی ملا محمد تقی مجلسی ، و رجالی نامدار ، میر مصطفی تفرشی ، و تاریخ عالم آرای عباسی و دیگر کتب معتمده ، ۱۰۲۱ نوشته اند ، که بایستی بر همین نقل اعتماد نمود ، و در هر صورت ، جنازه ملا عبد الله تستری پس از اقامه نماز میت در مسجد

ص: ۱۹۳

۱- روضات الجنّات ، صفحه ۳۶۵

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۴

جامع عتیق ، و تشییع جنازه یکصد هزار نفری ، در مزار امام زاده عظیم الشان ، اسماعیل بن زید بن حسن (إمامزاده اسماعیل) به شکل امانت ، دفن گردید ، و پس از یک سال ، بدون هیچگونه تغییری در بدن آن بزرگوار ، جنازه به کربلای معلی منتقل و مدفون گردید (۱).

۲- ملا حسنعلی تستری

فقیه و مجتهد محقق ، جامع علوم عقلی و نقلی ، ملا حسنعلی تستری ، متوفای ۱۰۶۹ قمری ، فرزند ملا عبد الله تستری . وی از بزرگان فقهای اواسط قرن یازدهم ، و از مشایخ علامه مجلسی ، و از معاصرین ملا محمد تقی مجلسی (۲) ، و از شاگردان شیخ بهائی (۳) و پدر خود می باشد .

نصر آبادی ، او را یگانه گوهر بحرین علوم عقلی و نقلی ، و همانند خورشید که محتاج به تعریف و توصیف نیست ، و نیز سپهر فضیلت ، و بدر فلک فطانت ، و جامع علوم و حاوی فروع و اصول ، و دارای جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاضر جوابی دانسته است (۴) .

علامه بزرگوار ، ملا محمد باقر مجلسی ، در ضمن معرفی مشایخ اجازه

ص: ۱۹۴

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۶ و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۴۶ و الألقاب قمی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۰
۲- در جزء دوم اجازات بحار الأنوار ، صفحه ۱۶۹ (چاپ قدیم) سطر ۹ ، علامه مجلسی ، مرحوم ملا حسنعلی تستری را ، از مشایخ اجازه خود ، و از مشایخ پدرش ملا محمد تقی ، معرفی فرموده است . (نیز ، بحار الأنوار جاب اسلامیة ، جلد ۱۱۰ ، صفحه ۱۵۶)

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۲

۴- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۱۵۴

خود، او را با عبارت ، الْأَفْضَلُ الْأَكْمَلُ، مولانا حَسَنَعَلِي التُّسْتَرِيّ ، ستوده است (۱).

و صاحب ریاض العلماء ، او را با عنوانین :

أَفْضَلُ الْعَامِلِ الْكَامِلِ ، الْفَقِيهُ الْأُصُولِيُّ الْمَعْرُوفُ فِي عَصْرِ السُّلْطَانِ شَاهِ صَيْفِي الصَّفْوِيِّ وَ السُّلْطَانِ ، شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِيّ ستوده ، و کتاب تیبیان او را در فقه ، بسیار تمجید کرده ، و عبارات آن کتاب را ، از قواعد علامه حلی و دروس شهید اول ، دقیق تر دانسته ، و فرزندان و أحفاد او را از صلحاء و عباد و مشغولین به تحصیل علوم ، معرّفی نموده است (۲).

عدّه ای از علماء و بزرگان ، همانند پدر صاحب ریاض العلماء (۳) در نزد او تحصیل علم نموده ، و از شاگردان او می باشند (۴).

و هم چنین شیخ محمّد بن الحسن حرّ عاملی در أمل الأمل و نیز سیّد علی خان مدنی شیرازی در سلافه العصر ، و هم چنین محدّث نامدار ، میرزا حسین نوری ، در مستدرک الوسائل ، این بزرگ فقیه و عالم دینی را ستوده اند . و ما در اینجا عین تعبیّرات چهار چهره بزرگ علمی آن زمان را ، که برای ملاّ حسنعلی تستری اجازه نوشته اند نقل مینمائیم ، که نشانگر عظمت علمی و نبوغ آن بزرگمرد میباشد .

الف - ملاّ عبد الله تستری در اجازه ای که برای فرزند خود نوشته ، چنین بیان نموده است :

أَجَزْتُ لَوْلَدِي وَ فَلَذِهِ كِبْدِي ، الْمُتَرَقِّي مِنْ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ إِلَى أَوْجِ الْيَقِينِ ، السَّالِكِ مَسَالِكِ الْمُتَّقِينَ ، الصَّاعِدِ مَصَاعِدِ الْإِجْتِهَادِ ، أَبُو الْحَسَنِ ، الشَّهِيرِ

ص: ۱۹۵

۱- بحار الأنوار، ج ۱۱۰، (چاپ اسلامیة) ص ۱۵۶ و زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۴۰۹

۲- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶۲

۳- پدر صاحب ریاض العلماء ، علامه میرزا عیسی بیگ تبریزی ، میباشد (مقدمه ریاض العلماء به قلم آیت الله العظمی ، مرعشی نجفی ، در شرح حال صاحب ریاض ، صفحه ۱۴)

۴- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶۲

بِحَسَنِ عَلِيٍّ ، بَعْدَ أَنْ قَرَأَ عَلَيَّ فِي فُنُونِ الْعِلْمِ ، كُتُبًا كَثِيرَةً فِي فُنُونِ عُلُومِ الدِّينِ ، مِنْ الْأُصُولِ وَالْفُرُوعِ وَالْحَدِيثِ ، وَبَلَغَ مَعِ صَغَرِ سِنِّهِ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَفَاقَ فِي أَوَائِلِ سِنِّهِ بِأَسْنَى الْمَطَالِبِ ، مَدَّ اللَّهُ فِي عُمَرِهِ ، وَوَفَّاهُ جَمِيعَ الشُّرُورِ ، وَجَعَلَنِي فِدَاهُ مِنْ كُلِّ مَخْدُورٍ ، أَنْ يَرَوِيَ عَنِّي .. (١).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، ملا حسنعلی در سنین جوانی و اوائل دوره زندگی ، به اعلی مراتب و اُسنی المطالب دست یافته ، و شخصیت معنوی کم نظیری ، همانند : ملا عبد الله تستری ، در یک اجازه علمی (نه یک برخورد عاطفی پدر و فرزند) « جعلنی فداه » ، برای او می نویسد .

ب - میر أبو القاسم استرآبادی ، معروف به میر فندرسکی ، در اجازه ای که برای او نوشته ، وی را ، « أعلّامه الفهّامه و مجتهد الزمان » دانسته است (٢).

ج - شیخ اجلّ بهائی ، نابغه بزرگ عالم اسلام و تشیع ، در باره او نوشته است

أَجَزْتُ لِلْوَلَدِ الْأَعَزِّ الْفَاضِلِ الذِّكِيِّ الْأَلْمَعِيِّ ، ذِي الْفِطْنَةِ الْوَقَادَةِ ، وَ الْفِطْرَةِ النَّقَادَةِ ،

مُحَرِّزِ قَصَبِ السَّبْقِ فِي مِضْمَارِ الْفَضَائِلِ ، صَاحِبِ الْقَدَحِ الْمُحَلِيِّ بَيْنَ الْأَقْرَانِ وَالْأَمَائِلِ ، الْمُتَرَقِّي فِي مَعَارِجِ الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ إِلَى أَوْجِ التَّرَجِيحِ وَالْإِسْتِدْلَالِ ، شَمْسِ الْإِفَادَةِ وَالْإِفَاضَةِ وَالْمَجْدِ الْجَلِيِّ ، مَوْلَانَا حَسَنَعَلِيٍّ .. (٣).

د- قاضی عزّ الدّین محمّد ، در اجازه ای که برای آن بزرگمرد نوشته ، او را چنین توصیف کرده است : إلتَمَسَ مِنِّي الْآخِ الذِّكِيُّ الْأَلْمَعِيُّ ، الْعَامِلُ الْكَامِلُ الْفَاضِلُ سَيِّدُ الْعُلَمَاءِ وَالْأَفَاضِلِ الْمُتَرَقِّي مِنْ رُبِّهِ التَّقْلِيدِ إِلَى رُبِّهِ الْاجْتِهَادِ وَالْإِسْتِدْلَالِ ،

ص: ۱۹۶

۱- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۲- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۳- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

المُحَرِّزُ فَضِيلَةَ السَّبْقِ فِي مِضْمَارِ الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ ، شَمْسُ فَلَمَكِ الْإِفَادَةِ وَ يَدْرُسُ سِجْمَاءَ الْإِفَاضَةِ ، صَاحِبُ الْمَزَايَا وَالْكَمَالَاتِ وَ الْمَجْدِ الْبِهِيِّ ، مَوْلَانَا حَسَنَعَلَى ... (۱).

وفات ملا حسنعلی تستری را ، بعضی ۱۰۲۹ ، و بعضی ۱۰۷۵ نوشته اند ، ولی صحیح همان است که در اول بحث آوردم که ۱۰۶۹ می باشد (به اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲ ، مراجعه شود).

۳- محقق سبزواری

سومین مدرّس عمده و بزرگ مدرسه ملا عبد الله ، فقیه نامدار و محقق عظیم الشان ، علامه ، مولی محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری ، معروف به (محقق سبزواری) صاحب کتاب ذخیره و کفایه (در فقه) می باشد ، که پس از کناره رفتن ملا حسنعلی تستری از مقام تدریس رسمی مدرسه ملا عبد الله ، به عنوان مدرّس رسمی این مدرسه ، تعیین گردیدند (۲).

درباره شخصیت علمی و آثار محقق سبزواری ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » بررسی نموده ایم

۴- میرزا جعفر شیخ الإسلام

چهارمین مدرّس رسمی بزرگ مدرسه ملا عبد الله ، فقیه محقق و مدرّس عالی مقام ، میرزا جعفر شیخ الإسلام ، فرزند محقق سبزواری قدس سره بوده است (۳)

ص: ۱۹۷

۱- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۲- ریاض العلماء ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲ ، صاحب ریاض العلماء ، از محقق سبزواری با عنوان المولی الأستاذ الفاضل ، یاد میکند (برای آگاهی از این مطلب ، به مقدمه ریاض العلماء ، به قلم آیه الله ، مرعشی نجفی ، صفحه ۱۶ مراجعه شود)

۳- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۸۱ ، (برگه فرعی)

و هم چنین ، عدّه ای از خاندان علمی شیخ الإسلام (خاندان محقق سبزواری) در این مدرسه تدریس می نموده ، و تولیت موقوفات مدرسه ملاً عبدالله را ، بر عهده داشته اند (۱).

۵- آقا سید محمد جواد مسجد شاهی

وی فرزند آقا سید محمد علی ، معروف به آقا مجتهد میباشد ، و عالمی کامل و مجتهدی بارع بوده ، و در مدرسه ملاً عبد الله ، امام جماعت و مدرس بوده ، و در سال ۱۳۵۷ قمری وفات یافته است (۲).

آقا سید محمد جواد مسجد شاهی ، درس پرجمعیتی داشته ، و مردی زاهد بوده ، و درس خارج می گفته است (۳) ..

۶- حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی

فقیه جامع و عالم زاهد و مدرّس مقدّس ، مرحوم آیه الله ، حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی ، متوفای ۱۳۸۸ قمری (۴).

وی فرزند حاج میرزا حسین نائب الصیدر ، و برادر فقیه و اصولی عظیم الشان ، مرحوم حاج میر محمد صادق مدرّس خاتون آبادی ، (که از چهره های مبرز علمی و اجتماعی و از رؤسا علماء اصفهان بوده) می باشد .

ص: ۱۹۸

۱- برای آشنائی با خاندان علمی شیخ الاسلام (خاندان محقق سبزواری) به بخش (خاندانهای علمی اصفهان) ، در همین

کتاب و نیز کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۷ تا ۲۲۹ مراجعه شود

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵-۱۶

۳- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۴۰

معظم له ، در مدرسه ملا عبد الله تدریس می نموده ، و امام جماعت مسجد مدرسه بوده است .

و هم چنین در مدرسه ملا عبد الله ، علماء و فضلاء دیگری در طول زمان ، اقامت و تحصیل علم داشته ، و یا تدریس و تألیف نموده اند ، که به عنوان نمونه از : ضیاء کفرانی ، متوفای ۱۰۵۲ ، که از نویسندگان دفتر دیوان و شاعری خوش طبع بوده ، و حاج میرزا بهاء خواجهئی ، که شاعری آدیب و خوش خط بوده ، و مرحوم آیه الله ، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از علماء بزرگوار و مورد توجه عمومی علماء و مردم با ایمان بوده ، و در مسجد مدرسه ، اقامه جماعت می نمودند ، و مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی قدیری کفرانی ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که در مدرسه ملا عبد الله ، تدریس مینمودند ، می توان یاد نمود .

آثاری دیگر، از سابقه علمی در مدرسه ملا عبد الله

محمد مقیم بن ملا احمد گیلانی رانکوئی ، در روز شنبه بیست و سوم جمادی الثانیه ۱۰۷۳ ، در مدرسه ملا عبد الله ، نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق را ، به پایان رسانیده ، که این نسخه به خط نسخ میباشد ، و در کتابخانه ملی ملک موجود است (۱).

و شخصی به نام سعید بن میر محمد یوسف حسینی ، در سال ۱۰۹۷ ، نسخه ای از حاشیه شرح اشارات خواجه طوسی را ، که از میرزاجان باغئوی متوفای ۹۹۴ میباشد ، در مدرسه ملا عبد الله نوشته است (۲).

ص: ۱۹۹

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، جلد ۱ ، صفحه ۷۳۱

۲- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۱۳۴

مدرسه میرزا شاه حسین

مقصود ، مدرسه هاروئیه است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

مدرسه میرزا تقی

منظور ، مدرسه خالصیه است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۲۰- مدرسه میرزا حسین

مدرسه ای است در بازار چه بید آباد ، و در جوار مسجد مرحوم سید شفتی ، که در تاریخ ۱۰۹۹ ، ساختمان آن به پایان رسیده است .

تأسیس و وقف مدرسه ، از « عزت نساء خانم » دختر میرزا خاناقمی می باشد ، که جهت سکونت طلاب علوم دینی ، از فرقه اثنی عشریه ، معین نموده ، و تولیت آن را در مرتبه اول ، برعهده محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری قرار داده و به علت رحلت آن بزرگمرد ، در سال ۱۰۹۹ ، امر تولیت را برعهده فرزند ایشان ، فقیه بزرگ ، آقا جمال خوانساری ، مقرر کرده ، و پس از ایشان ، أعلم و یا أسن اولاد آن بزرگمرد را ، متولّی قرار داده است (۱) . تاریخ وقفنامه ۱۱۰۴ و اضافات آن ، به تاریخهای ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ میباشد (۲)

اشعاری که در کتیبه سردر مدرسه نوشته شده ، از شاعری متخلص به (سامی) می باشد ، و نشان میدهد که تأسیس مدرسه در دوره شاه سلیمان صفوی است ، و آخرین شعر کتیبه ، چنین می باشد :

بهر تاریخ این بنا (سامی)

(مجمع اهل فضل) کرد رقم

۱۰۹۹

(۳)

ص: ۲۰۰

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۴ ، به نقل از وقفنامه مدرسه

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۴ ، به نقل از وقفنامه مدرسه

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۴۹ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۱

میرزا حسین، ظاهراً از اولاد و اُحفاد عزّت نساء خانم، و میرزا مهدی (شوهر او) بوده، که پس از فتنه افغان، متصدی تعمیر مدرسه، و اِسکان طَلّاب در آن بوده، و مدرسه به تدریج، به نام او شهرت یافته است (۱).

مدرسه میرزا حسین یک طبقه است، و ۲۷ حجره دارد، و مدرس و مسجد آن در طرف غربی، و دَر و دالان آن، در طرف شرقی مدرسه می باشد، و در تزئینات آن، از کاشی و آجر استفاده شده، و مساحت آن ۴۵ × ۵۰ متر می باشد، و مجموعاً مدرسه ای آباد و جالب توجه است.

سنگاب مدرسه مورّخ به تاریخ ۲۳ ذی الحجّه ۱۲۷۵ میباشد، که نشان میدهد در آن دوره، آباد و معمور بوده است.

در حال حاضر، ۳۰ نفر از طَلّاب علوم دینی در آن ساکن می باشند، و در رتبه های درسی مقدمات و سطوح و خارج، اشتغال به تحصیل دارند، و عموماً در درسهای مدرسه های صدر و ذو الفقار و ...، شرکت می کنند.

چهره های علمی مدرسه میرزا حسن

عده ای از علماء و فضلاء بزرگ، در طول تاریخ مدرسه، در این مجمع علمی، تحصیل و یا تدریس نموده اند، که ذیلاً به نام و شخصیت برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱- مرجع بزرگوار و فقیه و زعیم نامدار، مرحوم آقا سید محمّد باقر شفتی متوفای ۱۲۶۰، (بانی مدرسه و مسجد سید) که قبل از تأسیس مسجد سید، در مدرسه میرزا حسین، تدریس می نموده اند (۲).

۲- مرحوم آیه الله، آقا سید محمّد حسین نجف آبادی، متوفای ۱۳۳۱ قمری

ص: ۲۰۱

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۱۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۳۵ و اظهارات شفاهی نویسنده بزرگوار آن

که از شاگردان مرحوم میرزا محمّد حسن شیرازی و مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی بوده ، و به مقام اجتهاد نائل گردیده بوده است . وی هشت سال در حوزه علمیه اصفهان اقامت داشته ، و در مدرسه میرزا حسین ساکن بوده ، و سطوح فقه و اصول را ، تحصیل کرده است (۱).

۳- اديب و شاعر و مدرّس نامدار ، مرحوم میرزا یحیی مدرّس بید آبادی ، متوفای ۱۳۴۹ قمری ، که از أحفاد ملاّ محمّد باقر (محقق سبزواری) بوده ، و در اصفهان و نجف تحصیل علم کرده ، و از شاگردان شیخ انصاری و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی و آخوند ملاّ محمّد کاشانی و صاحب روضات ، و دیگر بزرگان بوده است (۲) . وی حوزه درسی مورد توجّهی داشته ، و در شعر و ادب ، دارای مقامی بلند بوده ، و مجمع ادبی او ، مورد علاقه مدّاحان و مرثیه سرایان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است ، و دیوان شعری دارد (۳) که از شهرت زیادی برخوردار می باشد . مرحوم میرزا یحیی مدرّس ، در خانه خود ، و نیز در مدرسه میرزا حسین تدریس می نموده است .

۴- مرجع عالیقدر جهان شیعه ، فقیه نامدار ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که در علوم عقلی و نقلی ، جامع ، و در تدبیر و لیاقت اداره امور حوزه علمیه و جامعه شیعه ، سرآمد بوده است . آن بزرگمرد، مدّتی در اصفهان ، در مدرسه میرزا حسین تحصیل و تدریس نموده است (۴) .

ص: ۲۰۲

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۷، صفحه ۳۱۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۴۸

۳- الذریعه، جلد ۱، بخش چهارم ، صفحه ۳۰۸

۴- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۳۵ و اظهارات شفاهی نویسنده بزرگوار آن

۵- حاج آقا جمال الدین خوانساری، متوفای ۱۳۹۱ قمری، که عالمی فاضل و خلیق، و آخرین شخصیت علمی - دینی، از خاندان علمی خوانساری می‌باشد. وی در مدرسه میرزا حسین تدریس می‌نموده است (۱).

آثاری از مدرسه میرزا حسین

نسخه ای از حاشیه بر شرح اشارات، که مُحَشَّی آن، ملا عبد الرزاق لاهیجی می‌باشد، به وسیله علی اکبر بن محمد کریم طیب، در مدرسه میرزا حسین نوشته شده، به تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۲۵۶، و این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام موجود است (۲).

و هم چنین، همین کاتب (علی اکبر بن محمد کریم طیب) نسخه ای از حکمت عرشیه ملا صدرا شیرازی را، به خط نستعلیق و شکسته، در مدرسه میرزا حسین اصفهان، در ذی الحجه ۱۲۶۳، کتابت نموده است (۳).

۲۱- مدرسه ناصریه (ناصری)

مدرسه ای است در ضلع جنوب شرقی مسجد جامع عباسی (مسجد شاه = مسجد امام) که در دوره شاه عباس اول پایه گذاری شده، و در دوره شاه سلیمان صفوی تکمیل گردیده، و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تعمیرات اساسی یافته، و به همین مناسبت، به نام (ناصریه) و (ناصری) خوانده می‌شود.

حجرات مدرسه، فقط در طرف شرق مدرسه است، و تزئینات آن به وسیله

ص: ۲۰۳

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۸۰

۲- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۴، صفحه ۷۶

۳- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۴، صفحه ۹۶

کاشی خشت هفت رنگ انجام گرفته ، و نمای جالبی دارد .

ایوان جنوبیِ مدرسه ، دارای لوحه ها و کتیبه هائی است ، که در ضمن آنها صلوات بر چهارده معصوم نقش بسته ، و با چنین عبارتی ختم شده ، و تاریخ گذاری گردیده است : کتبه محمد رضا الإمامی (۱)۱۰۷۷ .

کتیبه داخل محراب ایوان یاد شده ، که در زمان شاه سلیمان صفوی نصب گردیده ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی ، و به قلم محمد محسن امامی ، به این شرح است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ (۲)

أَقْلَامٌ ، وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ ، وَ الْأَرْضَ قِرطاسٌ ، وَ الْجَنَّةَ وَالْإِنْسَ حُسَابٌ وَ كِتَابٌ ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ مُحْسِنٌ الْإِمَامِيُّ ۱۰۹۵ (۳) .

مدرسه ناصریه و مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) ، از نظر داشتن مفاخر علمی و سکونت و تدریس علماء بزرگ ، در رابطه نزدیک میباشند (۴) ولی بالخصوص ، نام بعضی از بزرگان ، در زمره ساکنین یا مدرّسین مدرسه ناصریه ، ذکر گردیده ، که به دو نفر اشاره مینمائیم :

۱- مجتهد اصولی و مدرّس نامدار ، آقا شیخ أحمد مدرّس زنجانی اصفهانی ،

ص: ۲۰۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۵۴

۲- غیاض ، جمع غیضه است ، به معنی درخت فراوان ، در محلی که آبها جمع می شود ، و به زمین فرو می رود ، و به معنی بیشه و جنگل می باشد

۳- این حدیث را ، در کتاب مأه منقبه ابن شاذان (که با تحقیقات مؤسسه الإمام المهدی قم ، زیر نظر حضرت آیه الله ، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی دام ظلّه) چاپ شده ، در صفحه ۱۷۶ نقل نموده اند ، با ذکر استاد فراوان حدیث ، از کتب معتبر و معروف شیعه و سنی

۴- به بخش مسجد جامع عباسی ، در قسمت (مساجد مرکز فعالیت علمی) رجوع شود

متوفای ۱۳۶۹ قمری، که تحصیلات خود را در حوزه های علمیّه زنجان و قزوین و نجف اشرف انجام داده، و پس از نیل به مقام اجتهاد، به حوزه اصفهان مهاجرت کرده، و در مدرسه ناصریّه، سکونت نموده است (۱). وی معروف به مدرّس صدری می باشد. مرحوم زنجانى، عالمى محقق، و شاعرى اديب، و صاحب اثر قلمى به نام وجيزه در فرق بين سحر و معجزه، و اثر ديگرى به نام هدايه الأنام (منظومه اى در كلام) بوده است (۲).

۲- عالم فاضل و مجتهد، حاج ملا اسماعيل بن ملا محمد نقنه اى، متوفای ۱۳۵۰ قمری، که از یاران و نزدیکان خاندان علمى نجفى (آقایان مسجد شاهی) بوده است (۳).

۲۲- مدرسه نوریّه

مدرسه اى است در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک مسجد جامع از یکطرف، و مدرسه کاسه گران از طرف ديگر، و در آن، مقابل بازار ريسمان باز مى شود

مساحت آن در حدود يك هزار و سيصد متر (۳۰ × ۴۵) می باشد، و ۲۲ حجره و يك مَدرّس به صورت ايران در طرف غرب، و يك کتابخانه در طرف شرق دارد، و به شکل يك طبقه است.

بانی مدرسه، ميرزا نور الدّین محمد جابری أنصاری (از أجداد ميرزا حسن خان جابری أنصاری، صاحب کتاب تاريخ اصفهان و رى) می باشد. طبق نوشته کاشى کاريهای سردر مدرسه، که در ضمن تعميرات دوره أخير (در سال ۱۳۴۷ شمسی) نصب گردیده، تاريخ وقف مدرسه، ۱۰۶۴ هجرى قمرى

ص: ۲۰۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۲

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۱۶

۳- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۴۱

می باشد، ولی به نوشته جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری صفحه ۳۰۷، بنای مدرسه متعلق به دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و سلطان حسین صفوی می باشد، و با توجه به این که، جلوس شاه سلیمان به سلطنت، در سال ۱۰۷۷، و جلوس سلطان حسین، در سال ۱۱۰۵ می باشد، تفاوت و ناهماهنگی بین دو نقل، روشن می گردد، و به نظر می رسد که، نوشته جابری انصاری، که

۱- در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، به قلم عبدالحسین سپنتا، از صفحه ۷۴ تا ۱۱۰، وقفنامه نور الدین محمد جابر انصاری اصفهانی را نقل کرده، و در ابتداء امر، به عنوان تیر، این عبارت را ذکر نموده است (وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان) و سپس شرحی راجع به مدرسه نوریه نوشته، و اشاره ای به تعمیرات مسجد جامع اصفهان، که در سال ۹۹۶ به وسیله نور الدین محمد بن جلال الدین محمد حکیم اصفهانی انجام گرفته، و اشاره ای به مسجد آقانور، که در زمان شاه عباس اول شروع شده، و کتبه های آن، به سال ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳ می باشد، نموده است، در حالیکه: اولاً، وقفنامه نور الدین محمد جابر انصاری، هیچ اسمی از مدرسه ندارد، و وقفنامه های است برای مصارفی که در متن وقفنامه چنین ذکر شده ... وقف مخلمد و حبس مؤبد نمود، بر مرقد منور، و مشهد معبر معطر آن حضرت (مقصود، امام علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند) و باقی مشاهده شریفه، همگی و جملگی و تمامی گری و ... (به صفحه ۸۰ تاریخچه اوقاف اصفهان مراجعه شود) و با مطالعه تمام وقفنامه می یابیم، هیچگونه اسم و اثری از مدرسه نوریه در وقفنامه وجود ندارد. ثانیاً، اشتراک نام نور الدین محمد جابر انصاری، و نور الدین محمد بن جلال الدین محمد حکیم اصفهانی، نباید منشأ اشتباه شود، در حالی که وقفنامه و آثار نور الدین محمد جابر انصاری، متعلق به سالهای ۱۰۵۸ به بعد است، و تعمیرات مسجد جامع و تأسیس مسجد آقانور، متعلق به سالهای ۱۹۹۶ و ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳ می باشد، و به خوبی روشن است، که موارد یاد شده، هیچ ربطی به هم ندارد، مخصوصاً با توجه به سن نور الدین محمد جابر انصاری، که هنگام تنظیم وقفنامه (سال ۱۰۵۸) ۵۲ ساله بوده، و معلوم است که در سال ۹۹۶ هنوز متولّد نگردیده، و شرائط ستی او در سال ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳، مناسب برای کارهای بزرگ نبوده است. (در صفحات ۷۸ و ۹۰ کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، دقت شود).

دانشمندی محقق بوده ، و از اُحفاد بانی مدرسه می باشد ، از ارزش علمی بیشتری برخوردار است.

بالای دَر کتابخانه ، در کتیبه ای در کاشی کاری نوشته شده : با همکاری سازمان اداره اوقاف اصفهان ، کتابخانه و تعمیرات مدرسه نوریّه ، و کاشیکاری آن ، با تمام رسید ۱۳۴۷ شمسی .

و در کتیبه ای ، که دور تا دور مدرسه ، بالای حجره ها به صورت کاشیکاری نصب گردیده ، احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهراء علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام ، راجع به ارزش علم و عالم و تفقه در دین ، جلب توجه مینماید ، و در طرف غرب مدرسه ، جنب ایوان چنین نوشته شده است:

به همت أحمد نور الدین ، نماینده تولیت مدرسه ، کاشی و تعمیرات مدرسه به اتمام رسید ۱۳۸۹ قمری .

در حال حاضر، جمعی از طلاب حوزه علمیه ، در مدرسه نوریّه سکونت دارند، و آباد میباشد .

چهره های علمی از مدرسه نوریّه

در طول تاریخ مدرسه نوریّه ، عدّه ای از فضلاء و علماء در این مدرسه تحصیل علم نموده ، و یا تدریس و تربیت طلاب را بر عهده داشته اند ، که ذیلآ به نام برخی از آنها اشاره می شود:

۱- عالم زاهد و مجتهد بزرگوار ، مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و آقا شیخ هادی تهرانی بوده ، و در حوزه علمیه اصفهان ، به تدریس و تربیت طلاب اشتغال داشته ، و در حل و فصل خصومات ، و افتاء و سایر برنامه های دینی ، همکار و یاور مرحوم آخوند فشارکی بوده است . تألیفاتی از قبیل : ۱ اصول الایمان، ۲- تقریرات

درس اصول مرحوم آخوند خراسانی ، ۳- شرح بر کفایه الأصول، ۴- مجالس الموحّدين ، ۵- شانزده رساله در مباحث مختلف فقه و اصول، ۶- قضایای غریبه و عجیبه و ... ، داشته است (۱).

مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، پس از آنکه سالهای سخت و خفقانی شدید حکومت پهلوی سپری گردید ، و مدرسه نوره ، به صورت مخروبه ای در آمده بود، در احیاء آن کوشیدند ، و چند نفر طلبه در آن اسکان دادند (۲) و در نتیجه نه تنها مُدرّس مدرسه ، بلکه احیاگر آن نیز ، بوده اند .

۲- شاعر و ادیب و خطاط ارزشمند ، میرزا علیرضا فرزند محمّد علی ، و متخلّص به (پرتو) و معروف به میرزا آقاجان، و متوفای ۱۳۰۴ قمری، (۳) که صاحب کتاب مآثر و آثار ، او را در خطّ نسخ ، استاد أجَلّ خطّاطین اصفهان دانسته و برخی او را در زمینه شعر ، مقدّم بر شعرای اصفهان و غیر آن ، شمرده اند (۴) ۳- آقا محمّد علی مُیذَهَب ، فرزند أبوبالاب اصفهانی، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، و صاحب تذکره یخچالیه ، که در صنعت تذهیب و صنعت شعر (مخصوصاً غزل) مقام استادی داشته است (۵) .

اثری از مدرسه نوریّه

دانشمندی به نام سیّد علی أصغر بن قاسم طباطبائی زواره ای ، در ۲۷

ص: ۲۰۸

-
- ۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۶
 - ۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۵۶
 - ۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۵۷
 - ۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵۹ ، مآثر و آثار ، صفحه ۲۰۵ و ۲۱۶ و الذریعه ، جلد ۹ ، صفحه ۱۵۷
 - ۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۳

شؤال ۱۲۳۲ ، نسخه ای از شوارع الهدایه فی شرح الکفایه را ، که تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی میباشد ، در مدرسه نوریّه به پایان برده است (۱).

۲۳- مدرسه نیم آورد

یکی از مدارس مهم دوره صفویّه است ، که تاریخ بنای آن ، اوائل قرن دوازدهم می باشد، و هنوز بر استحکام و زیبایی و آبادی خود باقی است ، و از میراثهای گرانبهای فرهنگی اصفهان و حوزه علمیه ، به شمار می رود .

در مدرسه نیم آور ، کتیبه ای که ، نشان دهنده تاریخ تأسیس آن باشد ، وجود ندارد، و نویسندگان ، با توجه به نشانه هائی ، اظهار نظرهای نموده اند .

جابری أنصاری می نویسد: دیگر از مدارس عهد صفویّه ، مدرسه □نم آورد است ، و مدرسه کاسه گران ، که این دو مدرسه به سلطنت شاه سلطان حسین . به همت حکیم الملک و زنش ساخته شد ، مدرسه نم آورد را ، زینت بیگم ، زن حکیم الملک ، در ۱۱۱۷ بنا نمود ، و مدرسه □کاسه گران را خود حکیم الملک ، قبل از ۱۱۱۷ (۲) .

و مرحوم رفیعی مهر آبادی می نویسد : متولی پیشین مدرسه (آقا عطاء الله جدلی ، فرزند میرزا محمّد علی متولی ، که اولی در ۱۳۱۳ و دوّمی در ۱۳۴۰ قمری وفات یافته اند) که او هم از پدرش شنیده بود، می گفت : تاریخ وقفنامه مدرسه ، ۱۱۱۱ قمری بوده ، و مرحوم آقا جمال خوانساری ، مجری صیغه □وقف ، و نیز ناظر قرار داده شده بوده است (۳) .

ص: ۲۰۹

۱- دلیل المخطوطات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱۷

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۷

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۴-۵۰۵

و باستانشناس محقق ، دکتر لطف الله هنرفر ، نقل می نماید : بعضی آن را از بناهای دوره شاه سلیمان پنداشته اند ، اما جابری أنصاری ... (۱).

و آقای سید مصلح الدین مهدوی ، درباره لوجه جمع بین قول کسانی که مدرسه را مربوط به دوره شاه سلیمان می دانند ، و کسانی که مربوط به دوره سلطان حسین صفوی می شناسند ، می نویسد : و وجه جمع این دو قول آنکه ، در عهد شاه سلیمان شروع به ساختمان شده ، و در عهد شاه سلطان حسین ، تمام گردیده است (۲).

مدرسه نیم آورد در جریب است (۳) و تزئینات فراوان دارد ، و گچبری های جالبی در آن بکار رفته ، که بر زیبایی آن می افزاید ، و جالب توجه است که ، استادان فن ، به وسیله گچ های رنگارنگ ، نوعی مخصوص از معرق ، ترتیب داده اند ، که در اُبنیه تاریخی دیگر نظیر ندارد (۴).

مقرنسهای گچ بری و کاشی کاری های سردر ، و داخل مدرسه نیم آورد ، و خطوط بنائی موجود در تزئینات مدرسه نیم آور ، از یک طرف ، نشانه هنر و ذوق هنرمندان مؤمن اصفهانی ، و از طرف دیگر ، نمایشگر اعتقادات راسخ مردم اصفهان نسبت به اهل البیت علیه السلام می باشد . کتیبه اطراف سردر مدرسه نیم آورد ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی ، شامل سوره توحید و چند آیه میباشد ، و در آخر کتیبه آمده است : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ص: ۲۱۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۵۹

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۷

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۸۰

وَسَلَّمَ ، لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ (۱) أَقْلَامٌ، وَ الْبَحْرَ قِرطاسٌ ، وَ الْجَنِّ حُسَابٌ ، وَ الْإِنْسَ كُتَابٌ ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، سَنَه ۱۳۴۹ (۲) .

عدد ۱۳۴۹ ، گویای تعمیرات و اقداماتی است که در تاریخ یاد شده انجام گرفته ، چنانچه تاریخ ۱۳۲۷ ، در دو محراب مدرس جنوبی و شمالی مدرسه ، نشانه تعمیرات دیگری ، در آن تاریخ میباشد.

مدرسه نیم آور، در سالهای حدود ۱۴۱۰ قمری ، به وسیله آقای جدلی ، متولی موقوفات مدرسه ، و با نظارت سازمان اوقاف اصفهان ، و با استفاده از کمک های مالی و معنوی آیه الله حاج آقا حسن فقیه امامی دام عزّه ، و نیز در آمد موقوفات مدرسه ، تعمیراتی بسیار جالب و اساسی یافته ، و به راستی ، إحياء گردیده است .

مدرسه نیم آور دو طبقه است ، و دارای ۶۴ حجره می باشد (۳) ، و دو مدرس (مسجد) به صورت ایوان ، در دو طرف جنوب و شمال آن وجود دارد، و یک مدرس نیز در طرف شرق مدرسه هست ، چنانچه حجره بالای سردر مدرس (در طبقه دوم) نیز ، گاهی به عنوان مدرس استفاده می شده است .

مدرسه نیم آور محل اقامت و تدریس علماء بزرگ

مدرسه نیم آور ، از پربرکت ترین مدارس علمیه اصفهان می باشد ، و در

ص: ۲۱۱

۱- غیاض ، جمع غیضه است ، به معنی درخت فراوان ، در محلی که آبها جمع می شود و به زمین فرو می رود، و به معنی بیشه و جنگل می باشد

۲- این حدیث را در کتاب مأه منقبه ابن شاذان ، (که با تحقیقات مدرسۀ الإمام المهدی (عج) قم، زیر نظر آیه الله حاج سید محمّد باقر موخّید ابطحی مدّظله چاپ شده) در صفحه ۱۷۶ نقل نموده اند ، با ذکر أسناد فراوان حدیث ، در کتب معتبر و معروف شیعه و سنّی

۳- شماره حجره های مدرسۀ نیم آور ، در کتاب آثار ملی اصفهان ، و دارالعلم شرق ، ۷۸ عده ذکر شده که صحیح نمی باشد

طول زمان ، محلّ اقامت و تدریس علماء بزرگ بوده است ، و شخصیت های برجسته ای در عالم فقه و اصول و حکمت و ادبیات و ... ، در این مرکز دینی و علمی ، پرورش یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود، و البته برخی از این بزرگان ، در فصول دیگر کتاب ، به نحو مفصل تری مورد ذکر قرار گرفته اند .

۱- عالم فاضل و فقیه جامع ، حاج شیخ محمد رفیع جیلانی (گیلانی)، متوفای حدود ۱۲۴۵ قمری (۱) که در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم کرده ، و از شاگردان سید بحر العلوم بوده ، و تألیفاتی از قبیل : أصل الأصول (در شرح معالم به نحو مفصل) و جواهر الأصول (حاشیه بر معالم) و حواشی بر در بحر العلوم و اللئالی الثمینة ، در شرح نهج البلاغه و ... ، داشته است (۲) .
وی مدتی در مدرسه نیم آور بوده است .

۲- حکیم ریاضی و عارف زاهد ، حاج ملا حسن آرنندی نائینی ، متوفای ۱۲۷۰ قمری . وی در مدرسه نیم آور ساکن بوده ، و تدریس می نموده ، و استاد علوم حکمت و ریاضی بوده است ، و بزرگان ، به او ارادت می ورزیده اند .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، درباره او می نویسند :

إِشْتَهَرَ عَنْهُ أَنَّهُ لَوْ أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَلْفُ مَسْئَلَةٍ فِي أَنْوَاعِ الْعُلُومِ وَ شَتَّى الْفُنُونِ ، أَجَابَ عَنْهَا فِي الْحَالِ ، مِنْ دُونِ مُرَاجَعَةِ أَيِّ مَصْدَرٍ ، وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكَشْفِ وَ الْأَسْرَارِ وَ ذَوِي الْبَاطِنِ (۳) .

و در کتاب مآثر و آثار درباره این بزرگمرد آمده است : در انواع علوم ظاهر

ص: ۲۱۲

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ۳۴۱

۲- الکرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۷ - ۵۷۸

۳- الکرام البرره جلد ۱ ، صفحه ۳۰۱

و باطن ، به مقام کشف و شهود بود، اگر فی المثل در یک روز ، از هزار کتاب در فنون شتی ، از وی حلّ مشکلات و رفع شبهات می خواستند ، بدون هیچ تأمّیل ، همه را جواب می فرمود ، با آنکه ، اصلاً کتاب نداشت ، و ابدأً به مطالعه وقت نمیگذاشت ، و این معنی در تسلّم ، به مقامی است که هزاران کس از محصّیلین اصفهان و مدرّسین آن سامان ، بارها آزموده اند، و به اشخاصهم احساس نموده اند ، و این نیست جز حقیقت مکاشفه، و این دعوی را ، براهین دیگر نیز ، از قبیل إخبار به انتشار تلگراف در ایران ، و صدمات شریعت از ظهور باب (منظور میرزا علی محمّد باب رهبر فرقه ضالّه [بایّیه است) و غیرهما، که به طور تحقیق از وی شنیده شده است (۱).

ملاً حسن آرنندی ، قبلاً شبانی می کرده و با هدایت حاج محمّد حسن نائینی ، به راه علم و ریاضت های نفسانی ، کشیده شده است .

۳- میرزا أبو القاسم رشتی ، فرزند حاج محمّد ابراهیم رشتی ، صاحب کتاب « تحفه الناصرّیه فی الفنون الأدبیّه » که در طهران ، در سال ۱۲۷۸ به صورت مجلدی بزرگ ، چاپ شده است (۲) . او در اصفهان ساکن بوده، و در مدرسه نیم آور ، تدریس ادبیّات عرب مینموده ، و پس از وفات ، در بقعه هارون ولایت (هارونیه) مدفون شده است (۳) .

۴- فقیه و مجتهد زاهد و جامع ، حاج میرزا بدیع درب امامی ، متوفای ۱۳۱۸ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و تقوایی بوده ، و پدرانش عموماً از فضلاء

ص: ۲۱۳

۱- مآثر و آثار ، صفحه ۱۶۹

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۳ ، صفحه ۴۷۶

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۸۹

و علماء اصفهان بوده اند، و خودش علاوه بر مقام علمی، در زمینه های فقه و اصول و سایر علوم حوزه ای، تألیفاتی گوناگون در آن علوم، و خطی نیکو داشته، و شعر می سروده است، و جزء تألیفات او، دیوان اشعار میباشد.

مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی، از مدرسین بزرگ مدرسه نیم آورد بوده است (۱).

۵- فقیه جامع، و عالم فاضل، و حکیم زاهد، حاج ملاحسن درّی، متوفای ۱۳۳۶ قمری، که صاحب تألیفاتی از قبیل: یک دوره فقه استدلالی فارسی، و مناسک حجّ عربی استدلالی و مفصل، بوده است (۲).

آقای سید مصلح الدین مهدوی، ایشان را از چهره های برجسته در مدرسه نیم آورد بر شمرده اند (۳).

۶- مجتهد عظیم الشان و فقیه محقق، مرحوم آقا شیخ عبدالکریم گزی معروف به، آخوند گزی، متوفای ۱۳۳۹ قمری. وی از چهره های مبرز علمی و اجتماعی حوزه علمیه اصفهان در قرن چهاردهم می باشد، و دارای سلیقه ممتاز، اخلاق پسندیده، حسن تشخیص، دقت نظر و زهد واقعی بوده، و در نتیجه، در حوزه علمیه، و در میان طلاب و در بین عموم مردم، اعم از شهری و روستائی، محبوبیت عظیمی داشته است، و لذا مرجع عام و خاص گردیده، و در حلّ مرافعات و مخاصمات، شخصیتی بی نظیر و بی رقیب بوده است، و همه به نظریات او احترام نموده، و عمل می کرده اند.

ص: ۲۱۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۰۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۲

۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۶۰

تألیفات گوناگون، تدریس دروس متعدّد، و پاسخگوئی به سؤالات فراوان و متنوع، از نشانه های قدرت علمی و تبّخر و تسلّط آن بزرگمرد میباشد.

مرحوم آخوندگزی، از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، و از مدرّسین برجسته مدرسه نیم آور بوده اند.

۷- فقیه و اصولی عظیم الشان، و مرجع عالی مقام، مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید محمّد باقر درجه ای، متوفای ۱۳۴۲ قمری، که از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، و مدرسه نیم آور می باشند، و حوزه درسی فقه و اصول اجتهادی ایشان، مورد توجه فضلاء و محقّقین بوده، و از شاگردان درس آن بزرگمرد، در مدرسه نیم آور، مرجع عالیقدر جهان شیعه، آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده اند.

۸- عالم کامل و زاهد و مدرّس عالیقدر، مرحوم آقا سید محمّد امامی (درب امامی) متوفای ۱۳۵۹ قمری، که از علماء معرّم و مشهور به زهد بوده، و در مدرسه نیم آور، تدریس فقه و اصول مینموده است.

۹- فقیه و اصولی مجتهد و بزرگوار، و مرجع عظیم الشان، مرحوم آیه الله، آقا سید مهدی درجهای، متوفای ۱۳۶۴ قمری، که از چهره های مبرّز در فقه و اصول بوده، و از اکابر فقهاء و مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، به شمار می رود. وی در مدرسه نیم آور و مسجد نو بازار، تدریس می نموده، و حوزه درسی او، مجمع أفاضل بوده است.

۱۰- عالم فقیه و مدرّس مجتهد، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی، متوفای ۱۳۸۷ قمری، که در حوزه اصفهان و نجف، و در محضر بزرگانی همچون، آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید محمّد فیروز آبادی (از اعلام نجف) و آقا شیخ محمّد رضا مسجد شاهی و آقا سید محمّد باقر درجه ای و آقا سید

مهدی درچه ای (از اعلام حوزه اصفهان) کسب علم نموده ، و به مقام اجتهاد رسیدند . ایشان در مدرسه نیم آور ، به تدریس فقه و اصول و دیگر علوم حوزه ای ، اشتغال داشته اند .

۱۱ - عالم زاهد و مجتهد عادل ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که در حوزه علمیه اصفهان و نجف ، از محضر بزرگانی ، همانند : فقهای عظیم الشان ، آخوند فشارکی و آخوند گزی و آقا سید أبو القاسم دهکردی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و نیز آیات عظام ، مرحوم آقا شیخ محمد حسین نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید أبو الحسن اصفهانی و حاج شیخ جواد بلاغی قدس سرهم ، بهره علمی گرفت ، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردید ، و از عدّه ای از اعلام و مراجع بزرگوار به کسب اجازه اجتهاد مفتخر شد ، و پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه نیم آور به تحقیق و تألیف و تدریس پرداخت .

مرحوم آیه الله مظاهری ، کتابها و رساله های گوناگون در مسائل فقهی و اصولی و رجالی و اخلاقی نوشته اند ، که مجموعه آنها را در کتاب گنجینه دانشمندان ، ۱۰ کتاب و ۱۱ رساله ، ذکر نموده است (۱).

۱۲ - عالم جامع ، و استاد عظیم الشان ، و مدافع حریم ولایت ، مرحوم آیه الله آقای حاج سید أحمد فقیه امامی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که چهره ای مبرز و شخصیتی جامع علم و عمل و اخلاق داشتند ، و در سنگرهای تدریس و تألیف و خطابه و محراب ، آثاری برجسته در راه حفظ و حراست از دین و مکتب أهل البیت علیهم السلام ، از خود به جای گذاشتند ، و نه تنها برای مدرسه

ص: ۲۱۶

نیم آور (محلّ عمده تدریس ایشان) بلکه برای حوزه علمیّه و شهر تاریخی و مذهبی و با ولایت اصفهان ، افتخاری بزرگ به شمار می آیند .

مرحوم آیه الله امامی ، در مدرسه نیم آور و مسجد سه راه نیم آور و مسجد بابا محمّد علی سقا (معروف به مسجد امامی) و ... ، تدریس می نمودند ، و در زمینه های فقه و اصول و حکمت و تفسیر و حدیث (شرح بحار الأنوار و نهج البلاغه و ...) و درایه و اخلاق ، جمع زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیّه را بهره مند می نمودند (۱).

۱۳ - عالم جامع و استاد عظیم الشان ، آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، که از چهره های مبرز علمی و اجتماعی معاصر می باشند ، و در حوزه اصفهان ، از نظر تأسیس و یا تجدید بناء و تعمیر مدارس علمیّه ، و نیز تدریس و تربیت طلاب ، نقش بسیار اساسی دارند ، و در حال حاضر ، یکی از ارکان عظیم حوزه علمیّه اصفهان ، و از مفاخر جامعه روحانیت می باشند ، و جلسات درسی ایشان در مدرسه نیم آور ، از امتیازات این مرکز علمی ، می باشد (۲).

۱۴ - عالم زاهد و مدرس بزرگوار ، آیه الله ، آقای حاج شیخ حیدر علی محقق دامت برکاته ، که از چهره های شایسته ، و در حال حاضر ، معمر ترین عالم دینی ، در حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، و با لطف خدا ، به نحو مرتّب و منظم ، به تدریس

ص: ۲۱۷

-
- ۱- شرح حال جامع ، و نسبتاً مفصّل آن بزرگمرد را ، این نویسنده کمترین ، در کتاب مستقلّی به عنوان (یادواره مرحوم آیه الله فقیه امامی) در دوست صفحه نوشته ، و به صورتی زیبا با عکسهای رنگی به چاپ رسانده ام
 - ۲- درباره فعالیت های درسی و اجتماعی معظّم له ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » ، و نیز در بخش مربوط به « مدرسه ذو الفقار » در همین کتاب ، و نیز در کتاب « یادواره مرحوم آیه الله ، فقیه امامی » در بخش « چهره های علمی خاندان امامی » ، به نحو مفصّل بحث کرده ایم

در مدرسه نیم آور و إمامت جماعت در مسجد ذوالفقار (در مجاورت مدرسه ذوالفقار) و ایراد سخنرانی های دینی ، در مسجد خودشان ، و نیز در مجالس مذهبی ، می پردازند .

آقای محقق ، در حوزه اصفهان ، از محضر بزرگانی ، همانند : آقا شیخ محمد رضا نجفی ، و آقا سید محمد نجف آبادی ، و آقا سید علی نجف آبادی ، و در حوزه نجف ، از درس شخصیت هایی همانند : آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آقا میرزا ابراهیم اصطهباناتی و ... ، کسب علم نموده اند، و هم اکنون در مدرسه نیم آور ، به تدریس فقه و اصول استدلالی ، اشتغال دارند . این بزرگمرد ، دارای بیانی دلنشین می باشند، و گفتگوهای ایشان در مورد قضایا و شرح حال علماء و بزرگان دین ، شنیدنی و دوست داشتنی است (أدام الله عمره الشریف) .

و هم چنین در مدرسه نیم آور ، علماء بزرگ و مدرّسین عالیقدر و نویسندگان عظیم الشّانی ، همانند : مرحوم میرزا محمد حسین همدانی ، متوفای ۱۳۲۵ ، و آقا میرزا محمد علی تویسرکانی ، متوفای ۱۳۲۹ ، و آقا میرزا محمد حسن میردامادی ، متوفای ۱۳۳۳ ، و آقا میرزا أحمد (مدرس خراسانی اصفهانی) متوفای ۱۳۴۸ ، و آقا سید محمد نوربخش ، (مشهور به آقا سید آقاجان) متوفای ۱۳۶۴ ، و حاج شیخ محمد باقر قزوینی ، متوفای ۱۳۶۵ ، و آقا سید محمود درب إمامی ، متوفای ۱۳۷۲ ، و مرحوم آقا سید جمال الدّین صهری ، متوفای ۱۳۸۸ ، و آقا شیخ محمد باقر ناصری دولت آبادی ، و آقا شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۹۶ ، و استاد جلال الدّین همائی ، متوفای ۱۴۰۰ ، و مرحوم آقای أبو القاسم رفیعی مهر آبادی (صاحب کتاب آثار ملی اصفهان) ، و حضرت آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی دامت برکاته ، و جمع دیگری از علماء و فضلاء،

تحصیل علم یا تألیف و تدریس نموده و مینمایند ، و متأسفانه در اثر کمبود فرصت ، از آشنائی با شرح حال آنها محروم گردیده ایم .

نسخه ای یادگاری از گذشته مدرسه نیم آور

در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب گوهر یگانه ، از تألیفات صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا) مورد معرفی قرار گرفته که در مدرسه نیم آور ، به دست أحمد بن علی محمّد رشتی، در سال ۱۲۱۸ نوشته شده است (۱).

مدرسه نیم آور در حال حاضر

مدرسه نیم آور ، در حال حاضر از مدارس معمور و آباد میباشد ، و عموم حجرات آن مسکونی است ، و درسهای گوناگون در آن تدریس می شود .

۲۴ - مدرسه هارونیه «مدرسه میرزا شاه حسین»

مدرسه ای است در مجاورت صحن و بارگاه امامزاده هارون ولایت (هارونیه) در نزدیکی بازار بزرگ و مناره و مسجد علی ، که در دوره حکومت شاه اسماعیل اول صفوی ، تأسیس گشته ، و تاریخ آن، ۹۱۸ میباشد .

مدرسه ، سردر مجللی دارد ، که به طرف صحن شمالی هارون ولایت ، باز می شود و کتیبه همین سردر است که ، ایجاد ساختمانهای فعلی را ، به زمان شاه اسماعیل اول ، منتسب می دارد ، و عبارت آن چنین است:

بِسْمِهِ تَيَمَّنًا بِمَذْكِرِهِ ، قَدْ اتَّفَقَتْ عِمَارَةُ دَارِ الْوِلَايَةِ وَ مَشْهَدِ قِبَلِهِ الْإِسْلَامِ بِمِيَامِنِ فَيْضِ بَحْرِ وُجُودِ حَيْدِ الْعَلِيِّ ، الَّذِي قَالَ النَّبِيُّ فِي شَأْنِهِ ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ وَالِي

ص: ۲۱۹

لِوَاءِ الْوِلَايَةِ فِي الْأَفَاقِ ، مَا لَيْتَكَ سَرِيرَ الْخِلَافَةِ بِالْإِسْتِحْقَاقِ ، الْغَازِي الْمُجَاهِدِ فِي سَبِي اللَّهِ يَقَاطِعِ الثَّرَهَانِ ، نَاصِرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَبِي الْمُظَفَّرِ ، السُّلْطَانِ شَاهِ إِسْمَاعِيلِ بَهَادُرْخَانَ لِأَنْزَالِ أَبْوَابِ الْخَيْرَاتِ بِعَمِيمِ لُطْفِهِ مَفْتُوحَةً ، وَ أَقْطَارِ الْأَرْضِ بِأَنْوَارِ مَعْدَلَتِهِ مَحْضُورَةً وَالْأَمْصَارِ بِسَيِّحِي مَعْمَارِ إِخْشَانِهِ مَعْمُورَةً ، وَ لِبَانِي بَعِينِ عِنَايَتِهِ مَلْحُوظًا ، وَ مُؤَفَّقِ لِلْحَسَنَاتِ ، وَ كَانَ سَعْيُهُ مَشْكُورًا ، كُتِبَ فِي أَوَائِلِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ ٩١٨ (١)

و در یک لوحه ، بالای در ورودی به خط نستعلیق سفید ، بر روی کاشی لاجوردی ، نام بانی ساختمان ، در یک شعر بدین ترتیب ، آمده است:

به اقبال خان دورمش کامکار

بماند از حسین این بنا یادگار

دورمش خان ، وزیر اعظم سلطان صفوی ، و حسین ، بانی و سازنده این بنای عظیم بوده است ، ولی جابری انصاری ، در تاریخ اصفهان و ری ، نظریه دیگری را مطرح ساخته ، بدین شرح : ... مقابلش فرونیه است ، و آن مشتمل است بر بقعه امامزاده هروئیه ، که در حاشیه روضات ، مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی ، نبیره حضرت امام هادیش میدانند ، و صحنی بزرگ دارد ، و مدرسه جنب آن ، و بنای فرونیه ، بسی قبل از صفویه بوده ، چو سنگ بتی را که نوشته اند محمود (٢) از بتخانه سومنات به اصفهان آورد ، و در آستانه مدرسه به رو ، انداخت ، و پس از پانصد و سی سال ، دو نیمه کرده ، نیمی را در مدرسه میرزا شاه حسین ، وزیر طهماسب (که به دست شاه قلی کشته شد) سنگاب ساختند ، گواه قدمت آن مبانی (= ساختمانها) است . چو آن مدرسه ، جنب هروئیه است ، تعمیرات هروئیه ، قسمتی از حسین خان برادر دورمیش خان

ص: ٢٢٠

١- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ٣٦١

٢- منظور ، سلطان محمود غزنوی است ، که در سال ٣٨٩ هجری قمری ، به سلطنت رسیده است

شاملو ، به شاهي اسماعيل و طهماسب اول است ، حدود نهصد و هيچده تا نهصد و سي و هشت ... (۱).

بنابر اين نظريه ، اصل بناي مدرسه ، مربوط به قبل از صفويه ، و تعميرات يا تجديد بناي آن ، مربوط به دوره شاه اسماعيل و شاه طهماسب صفوي است .

و به همين جهت ، احتمال داده شده ، که اصل مدرسه ، متعلق به دوره غزنويان يا سلجوقيان باشد (۲) . مدرسه هارونيه صحن متوسّطی دارد ، و در اطراف آن ، حجراتی قرار گرفته است ، و علاوه بر سردر باشکوه و جالب آن ، که کاشی کاری و تزئینات نفیس و ارزشمندی دارد ، ایوان جنوبی آن هم ، دارای محرابی است ، که با کاشیکاری معرّق نفیس ، تزئین شده است .

مدرسه هارونيه ، در حال حاضر ، مسکونی طلاب نمی باشد ، و فقط ، در برنامه های مذهبی و عزاداری ها و جشنهای دینی ، که وابسته به بقعه و امامزاده هارونيه است ، مورد بهره برداری قرار میگیرد .

ص: ۲۲۱

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲۱

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۹ ، و دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۶۳



۴-مدارس غیر موجود ، متعلق به دورہ صفویہ

اشارہ

ص:۲۲۳

مدارس غیر موجود، متعلق به دوره صفویه

در دوره صفویه، که اصفهان مهد علم و دانش و مرکز اجتماع علماء و فضلاء و چهره های مبرز تحقیق و تألیف و تدریس بوده، نیاز به تأسیس مدارس و مراکز فعالیت علمی در سطح وسیع، احساس می شده است، و لذا، مدرسه سازی جزء فرهنگ اجتماعی آن دوره، قرار گرفته، و شمار زیادی مدرسه، تأسیس گردیده، که برخی از آنها، هنوز باقی است و در بخش جداگانه، معرفی نموده ایم) و تعداد بیشتری، در اثر حوادث طبیعی یا تاریخی یا اجتماعی، به ویرانی و در نهایت به نابودی کشیده شده است، و ما در اثر تحقیق ممتد و بررسی کتاب ها و مدارک تاریخی گوناگون، نام و محلّ و مشخصات برخی از آن مدارس را به دست آورده، و در این بخش، (به ترتیب حروف الفباء) مورد توجه قرار می دهیم:

۱- مدرسه آقا شیر علی

شاردن، در سفرنامه اش از مدرسه ای به نام آقا شیر علی، در کوچه ای به همین نام یاد میکنند که در مجاورت حمام و مسجدی با نام یاد شده بوده است (۱).

احتمال دارد، که مراد از آقا شیر علی همان آقا شاه علی دولت آبادی مستوفی

ص: ۲۲۵

۲ - مدرسه آقا کافور

در زمان شاه عباس ثانی ، مدرسه ای به وسیله حاجی آقا کافور ، صاحب جمع خزائن شاه عباس دوم ، در نزدیکی بازار توپچی باشی و بازار محمد امین ، تأسیس گردیده ، که در حوادث تاریخی پس از صفویه از بین رفته است ، تنها اثر باقی مانده مدرسه ، کتیبه سنگی نفیسی است که سالها در مسجد خان ، در محله دار البطح ، نگهداری می گردید و نویسنده این سطور آن را دیده ام .

در این کتیبه نفیس که به خط خوب نستعلیق برجسته ، بر سنگ مرمر حجاری شده و به قلم محمد رضا امامی و مورخ به سال ۱۰۶۹ هجری میباشد آمده است :

... کمترین این آستان ، حاجی کافور ... بنای این مدرسه عالیه کرد و وقف بر طلبه علوم اثنا عشریه نمود که طلبه علوم دینییه اثنا عشریه ، در محل مزبور سکنی نموده و به إفاده و استفاده علوم دینییه و معارف یقینییه مشغول شوند ، باشد که ثواب آن به روح پرفتوح حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم أجمعین ... عاید گردد بحق النبی و آله (۲) .

نویسنده متتبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسند :

به نظر می رسد محل مدرسه ، در حوالی مسجد خان و شاید خانه مجاور آن قرار داشته و در اثر مرور زمان خراب گردیده و کتیبه مدرسه را به مسجد منتقل

ص: ۲۲۶

۱- در جلد سوم تاریخ عالم آرای عباسی ، صفحه ۱۰۹۲ از او یاد شده و منصب مستوفی و موقعیت برجسته او در دستگاه حکومت صفوی ، مورد ذکر قرار گرفته است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۰۵ تا ۶۰۸ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹ - ۳۰

نموده و زمین آن را تصرف نموده اند (۱) و آقای عباس بهشتیان، محلّ مدرسه را یکی از دو محل، حدس می زنند:

۱- همین خانه مجاور مسجد که آن را در قدیم دیده اند و نهر وسط خانه و طرز ساختمان اطاقها، بی شباهت به مدرسه نبوده است.

۲- باغ و خانه ای که معروف به خانه پینه دوزها بوده و در این اواخر آقایان حسین و حسن معروف به دائی جواد، آن را خریده و ساختمان کرده اند (۲).

نعمت الله بن محمد امیر حسنی لاریجانی در تاریخ ۱۱۰۸ هجری، مجموعه ای مرگب از: ۱- مائه منقبه من مناقب علی علیه السلام، (از ابن شاذان) ۲- التّحصین لأسرار مازاد من أخبار کتاب الیقین، (از رضی الدّین علی بن موسی بن طاووس حلّی) ۳- کلمات حکمیّه را، به خطّ نسخ در مدرسه کافوریّه اصفهان به پایان برده است (۳) و این مطلب نشان میدهد که در آن تاریخ، مدرسه معمور بوده است.

و در کتابخانه فرهنگ اصفهان، نسخه ای از شرح قواعد حلّی موجود است که آن را آقا کافور در تاریخ جمادی الثانیه ۱۰۷۴ وقف بر مدرسه خود واقع در دروازه کزان اصفهان نموده، و تولیت آن را به سید روح الامین نائینی، مدرس مدرسه یاد شده (۴) محوّل نموده است (۵).

ص: ۲۲۷

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵

۳- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی قم، جلد ۱۲، صفحه ۲۰۴

۴- سید روح الامین بن شمس الدین محمد بن سید محمد رضا مختاری نائینی اصفهانی صاحب کتاب تأویل آیات و امام جماعت مسجد جامع عباسی و معاصر صاحب ریاض العلماء بوده است (دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۴۶)

۵- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵ - ۱۶

۳- مدرسه آقا کمال خازن

این مدرسه در محله مستهلک نزدیک شاهزاده ابراهیم بوده ، که به وسیله آقا کمال خازن ، صاحب جمع خزانه سلطان حسین صفوی ساخته شده ، و در سال ۱۱۰۸ هجری پایان یافته است .

قطعات کتیبه سنگی این مدرسه ، که زمان تأسیس و نام بانی (آقا کمال خازن) و نام کاتب (عبد الرحیم جزائری) و سلطان زمان (سلطان حسین صفوی)، روی آن نقش بسته ، در سال ۱۳۴۳ شمسی به وسیله آقای دکتر هنرفر در مسجد رحیم خان ، رؤیت و قرائت شده است (۱) و از ساختمان و دیگر آثار مدرسه ، چیزی باقی نمانده است .

۴- مدرسه آقا مبارک یا مبارکيه

آقا مبارک از خواجهگان شاه سلیمان صفوی بوده و مدرسه ای در شهر اصفهان در محله گلبهار ، ساخته که تاریخ دقیق بنای آن مشخص نیست . در سال ۱۱۰۰ این مدرسه دائر بوده و رجالی نامدار و محقق ، مرحوم حاج محمد بن علی اردبیلی صاحب کتاب جامع الزواه ، در آن سکونت داشته است.

پس از آن که تألیف کتاب یاد شده به اتمام رسید ، و مورد توجه علماء بزرگ حوزه اصفهان قرار گرفت ، سلطان صفوی (شاه سلیمان) دستور داد که از این کتاب ، نسخه برداری شود ، در این هنگام ، مرحوم اردبیلی (مؤلف عالیقدر کتاب) جمعی از بزرگان علماء اصفهان ، همانند علامه ملا محمد باقر مجلسی ، و محقق نامدار آقا جمال خوانساری ، و عالم و محقق بزرگوار ، سید میرزا علاء الدین گلستانه ، و فقیه و محقق عظیم الشان ، شیخ جعفر قاضی ، و نیز بزرگان

ص: ۲۲۸

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۸۰۳- ۸۰۴ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۲۸ - ۲۹

و چهره های مبرز دیگری همانند: فاضل سراب، آقا رضی الدین محمد خوانساری، (برادر آقا جمال خوانساری)، و عدّه دیگری از علماء را، دعوت نمود و در یک مجلس بزرگ علمی، در این مدرسه با برکت، همه را مجتمع نمود، و نسخه ای از این کتاب، که به دستور شاه سلیمان صفوی قرار بود تهیه شود، هر کدام از بزرگان مجلس، کلمه ای از خطبه آن را نوشتند، مثلاً: علامه مجلسی (بسم الله الرحمن الرحيم) و آقا جمال خوانساری (أحمد لله) و میرزا محمد گلستانه (الذی) و میرزا محمد رحیم عقیلی (زین قلبنا) و شیخ جعفر قاضی (بمعرفه الثقات) و آقا محمد رضی (و آلعقول) و فاضل سراب (و الأثبات و الأعیان) و هر کدام از علماء حاضر، کلمه ای از خطبه و مقدمه کتاب را نوشتند، و سپس کاتب تعیین شده، کتاب را نسخه برداری نمود و در همان سال، کتاب پایان یافت و علامه مجلسی آن را از طرف شاه سلیمان صفوی وقف نمودند، و با خطّ خودشان صورت وقف را در پشت نسخه، مرقوم فرمودند (۱).

تشکیل چنین جلسه عظیمی، با حضور علماء بزرگ و چنین مقدمه نویسی، کاملاً جالب و بی نظیر و از مفاخر تاریخی این مدرسه است.

محلّ این مدرسه، در کوچه ای که از خیابان حافظ به سوی خیابان مشیر منتهی می شود، بوده و در سال ۱۳۱۳ شمسی (در دوره حکومت پهلوی اول) این مدرسه تخریب گردیده و از طرف اداره فرهنگ، دبستانی به نام ناموس در محلّ آن ایجاد گردیده (۲) و هم اکنون در اختیار آموزش و پرورش می باشد

ص: ۲۲۹

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۵ صفحه ۵۵ - ۵۶ و فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ششم، صفحه ۵۹۸

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۰

و برای دومین بار تجدید بنا گردیده ، و به صورت دبیرستانی به نام علامه مجلسی در آمده است .

قبر آقا مبارک در دالان مدرسه قرار داشته ، و شکل مدرسه مستطیل و دارای پانزده حجره بوده ، و در هنگام بازدید مرحوم صدر هاشمی در سال ۱۳۱۳ شمسی ، چند طلبه در آن سکونت داشته اند (۱).

رفیع الدین محمد بن محمد قاسم رشتی کوچصفهانی در تاریخ چهارشنبه ۶ صفر سال ۱۱۰۵ نسخه ای ، از محاکمات قطب رازی را در این مدرسه به پایان رسانیده و استنساخ کرده است (۲).

و نیز نسخه ای از مفاتیح الغیب تألیف علامه مجلسی در تاریخ ۱۱۲۸ هجری در مدرسه آقا مبارک اصفهان تحریر شده است (۳). و هم چنین دو کتاب از یک مجموعه خطی ، در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به خط محمد جعفر بن محمد علی حائری ، موجود است که در مدرسه مبارک اصفهان به خط نسخ نوشته شده است و تاریخ تحریر آن ۱۲۲۹ می باشد (۴).

۵- مدرسه آقانور

مدرسه ای بوده در بازار اصفهان (۵) و این غیر از مدرسه نوریّه (نزدیک مسجد جامع) است . از تاریخ تأسیس مدرسه مطلبی به دست نیامده

و احتمالاً

ص: ۲۳۰

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۰ به نقل از فهرست کتابخانه دانشکده حقوق تهران

۳- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۳۷۸

۴- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی ، جلد ۷، صفحه ۱۳۱

۵- نشریه اداره اوقاف اصفهان ، سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۰

متعلق به دوره های پس از صفویه است چنانچه احتمال می رود که مراد از این مدرسه ، همان مدرسه آقانور جولا (مسجد آقانور) باشد .

۶- مدرسه آقانور جولا

شاردن در ضمن گزارش از وضعیت محله حسینی و در دشت مینویسد : بعد از این خانه (منزل میرزا جعفر قاضی) به مدرسه باغ سهیل و خانه کلاتر می رسیم، سپس مدرسه آقانور جولا است که بالای محراب آن دو سنگ مرمر بزرگ یکی سفید رنگ و دیگری یشمی رنگ نصب شده و روی هر یک جای پائی است که آنها را منسوب به حضرت علی (علیه السلام) می دانند (۱)

در مسجد آقانور در محله در دشت ، هنوز جای قدمی که شاردن می نویسد موجود است بنابراین ، مراد از مدرسه آقانور ، همان مسجد آقانور است که شاردن در جایی با نام مدرسه و در جایی دیگر با نام مسجد ، از آن یاد می کند و دلیل آن هم این است که ، در مساجد جامع و مهم اصفهان ، حجره هائی ساخته می شده برای سکونت طلاب و مجموعه (مسجد - مدرسه) شکل می گرفته است .

به نظر آقای مهدوی (نویسنده معاصر)، ممکن است در قسمتی از مسجد که در دوره های بعد از تأسیس اولیه ، شبستان ایجاد گردیده ، مدرسه ای وجود داشته است که زیر نظر امام جماعت مسجد (مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی) به علت خالی از سکنه بودن حجرات ، تبدیل به شبستان مسجد شده باشد (۲) .

۷- مدرسه اسفندیاریک

اسفندیاریک ، یکی از امرای شاه عباس کبیر و مشاور او بوده و ریاست

ص: ۲۳۱

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۱

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۲ و برگه ضمیمه

تشریفات حرم را داشته و در سال ۱۰۲۳ فوت شده است. وی مدرسه ای ساخته در کوچه ای که به نام اسفندیاریک نامیده می شود، در جنب بازار چهارسو نقاشی (۱).

این مدرسه تا اواخر عهد قاجاریه (۱۲۹۸ قمری) باقی بوده و با چند مدرسه دیگر به عنوان هفت مدرسه یاد می شده در محله چرخاب و چهارسوق نقاشی، که همه آنها مخروبه گردیده و زمین هایش رها شده (۲) و از مصالح آنها، طبق حکم و اجازه یکی از مجتهدین بزرگ، در ساختن مساجد مورد لزوم، استفاده گردیده است (۳).

مدرسه اسماعیلیه تخت فولاد

از این مدرسه تحت عنوان مدرسه خاتون آبادی در تخت فولاد برده ایم

۸- مدرسه افتخار الملک

مدرسه ای بوده در محله شیخ یوسف بناء، به نام بانی آن، بانو افتخار الملک (۴) که از این مدرسه و مشخصات آن چیزی در دست نیست.

آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسند: کلمه افتخارالملک از ألقاب مردان است و اگر بانی مدرسه زنی بدین نام می بوده باید افتخار الدوله باشد (۵) ولی این تفسیر جای تأمل است.

ص: ۲۳۲

-
- ۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲
 - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۷
 - ۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲
 - ۴- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۴۴ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۳۴
 - ۵- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۳۰

تحت عنوان مدرسه میرزا عبدالله افندی مورد بررسی قرار داده ایم .

۹- مدرسه ایلچی

مدرسه ای بوده در محله احمد آباد و کتابخانه ای هم داشته که تا سال ۱۲۳۸ قمری دایر بوده و از این کتابخانه ، کتابهایی در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است (۱).

نسخه ای از روضه الأنوار ، تألیف محقق سبزواری به خط نستعلیق محمد علی بن محمد اسماعیل به تاریخ رجب ۱۲۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که در مدرسه ایلچی اصفهان ، نوشته شده است (۲).

نسخه ای از برهان قاطع ، تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی را ، شخصی به نام محمد علی بن اسماعیل ، به خط نستعلیق خوب ، در سال ۱۲۳۸ در مدرسه ایلچی ، واقع در محله احمد آباد اصفهان ، نوشته است و این کتاب به شماره ۸۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود می باشد (۳).

۱۰- مدرسه باغ سهیل

شاردن در ضمن گزارش از وضعیت محله حسینی و در دست می نویسد :

بعد از این خانه (منزل میرزا جعفر قاضی) به مدرسه باغ سهیل و خانه کلانتر میرسیم ، سپس مدرسه آقانور جولا است (۴).

ص: ۲۳۳

۱- مجله هنر و مردم ، صفحه ۴۸ ، شماره ۶۷ - ۶۸ اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۴۴ ، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۳ ، صفحه ۸۰

۴- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۱

ظاهراً مدرسه □باغ سهیل ، حدود قبرستان (شیر سبز) بوده است که در این محل ، مقبره ای بوده منسوب به سید جعفر گلستانه (از وزراء و مستوفیان عهد زندیه) و عدّه ای از سادات خاندان گلستانه در همین حدود مدفون بوده اند و فعلاً ، آن مقبره به صورت مسجد در آمده است (۱).

۱۱- مدرسه پریخان خانم

بانی این مدرسه یکی از بانوان حرم صفویّه بوده و مدرسه را در نزدیکی چهارسوق نقاشی و چرخاب (خیابان سید علی خان فعلی) تأسیس کرده بوده و در اواخر دوره قاجاریّه ، همانند شش مدرسه □دیگر، در همین منطقه ، مخروبه گردیده بوده و بنابر نوشته مرحوم جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری ، طبق حکم یکی از مجتهدین بزرگ ، از مصالح آنها در ساختن چندین مسجد بهره گیری می شود (۲).

مدرسه نوشمال باشی

مقصود ، مدرسه نجفیّه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۱۲- مدرّس حاج طاهر شیرازی

نصر آبادی در تذکره □خود ضمن شرح حال میرآبوالقاسم فرزند سید میر علی ، که از سادات موسوی ، و اصلاً بیضاوی ، و از بنی اعمام سادات شولستانی می باشد ، می نویسد : مشارالیه جوان قابل صالحی است ، به کمال صورت و معنی آراسته ،

ص: ۲۳۴

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۴۷

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹ و نیز تاریخ مدارس ایران و گنجینه آثار تاریخی اصفهان و تاریخ فرهنگ اصفهان

و به حُلیه شرم و آداب پیراسته ، چهار سال است که جهت تحصیل علوم به اصفهان آمده ، اَلحال در مدرس حاج طاهر شیرازی به تحصیل مشغول است .

احتمال دارد که حاج طاهر شیرازی در مدرسه ای مخصوص و به نام خود، تدریس می کرده ، و ممکن است محلّ درس او ، یکی از مدارس یا مساجد یا خانه شخصی وی بوده است، و از عبارت بالا، مطلب قطعی درباره محلّ تدریس آن استاد و مدرّس علوم ، به دست نمی آید .

مدرسه حاج عبدالغفار صرّاف

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم ، که توسط حاج عبدالغفار صرّاف ساخته شده بوده و توسط موقوفه خواران ، تبدیل به خانه شده است (۱).

نویسنده معاصر، آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، طی بررسی هائی ، به نتیجه رسیده اند که این مدرسه ، همان مدرسه حاجی کلباسی است ، که حاج عبدالغفار صرّاف در آن تعمیراتی نموده ، و تا اواخر کار ، مرحوم عبد الغفّار ورشوساز زاهدی در آن روضه خوانی می نموده است (۲).

۱۳ - مدرسه حاجی محمد باقر

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، در بخش معرفی یک نسخه خطّی از شرح بدایه شهید ثانی آمده ، که این نسخه را محمد علی بن نورالله بیابانکی ، در ۱۸ ذیحجه ۱۰۷۶ در شهر اصفهان در مدرسه حاج باقر تحریر نموده است (۳).

و در کتاب آثار ملی اصفهان و تاریخ مدارس ایران ، از همین مدرسه ،

ص: ۲۳۵

۱- نشریه اداره اوقاف ، در سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۱ و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۷۹ و ۸۴

۳- فهرست کتابخانه آستان قدس جلد ۶، صفحه ۶۱۲

به عنوان مدرسه حاج محمد باقر مهابادی یاد شده است .

چنانچه در تذکره □

نصر آبادی ، در شرح حال ملا محمد امین ، متخلص به « واصل » می نویسد : جوانِ قابلِ آدمیِ روشی است ، تحصیل علوم نموده ، از گیلان به تبریز رفته ، بعد از آن به مشهد مقدّس رفته ، با ملاّ محمد امین اسطرلاب ساز ، مباحثه داشتند ، به اصفهان آمده ، به مدرسه حاج محمد باقر مهابادی ساکن و به تحصیل مشغول شده است (۱).

۱۴- مدرسه حکمتیه

مدرسه ای بوده در چهار راه کرمانی (اوّل کوچه □مشیرالملک) که تبدیل به مغازه هائی شده است (۲) . احتمالاً این مدرسه متعلّق به در و پس از صفویه است ، ولی دلیلی مستند بر تاریخ آن به دست نیامد .

۱۵- مدرسه حکیم

در فهرست کتابخانه □مرکزی دانشگاه تهران ، در مورد مجموعه ای به شماره ۳۸۳۰ آمده است : اسماعیل ، آن را در سال ۱۱۷۳ در اصفهان خریده و در آخر آن ، شعر فارسی از آقا آسَد الله ، مدرّس مدرسه حکیم نوشته شده است (۳) .

از عبارت بالا به خوبی وجود مدرسه □حکیم مشخص می شود ، ولی محلّ مدرسه معلوم نگردیده ، به نظر می رسد که ممکن است ، مقصود از این عبارت ، مدرسه شاهزاده ها باشد ، که به علّت نزدیکی آن به مسجد حکیم ، و نیز عنوان

ص: ۲۳۶

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۳۵۲

۲- نشریه اوقاف اصفهان ، سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۱ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۳- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۸۶ ، به نقل از : فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۸۱۴

مدرّس بزرگ و نامدار آن ، « آخوند ملاّ عبد الجواد حکیم خراسانی » ، متوفّای ۱۲۸۱ قمری (که حکیمی ریاضی ، و طبیعی ادیب بوده) به نام «مدرس [حکیم]» خوانده می شده است (۱).

نویسنده [معاصر ، آقای سیّد مصلح الدّین مهدوی ، در زمینه [عبارت بالا در مورد مجموعه خطّی شماره ۳۸۳۰، چنین اظهار نظر نموده اند :

بیان مزبور حاکی است که در سال ۱۱۷۳ مدرسه ای به نام مدرسه حکیم در اصفهان وجود داشته است (۲).

ولی با دقّت بیشتر در عبارت یاد شده معلوم می شود ، که سال ۱۱۷۳ تاریخ خرید کتاب است ، ولی شعر فارسی آقا اسد الله مشخص نگردیده ، که در چه تاریخی نوشته شده است ، و احتمال داده می شود که تاریخ آن ، همزمان بوده با دوره نامیدن مدرسه شاهزاده ها به نام مدرسه حکیم ، و در هر صورت ، اظهار نظر قطعی ، در مورد مدرسه حکیم ، احتیاج به دلایل روشن تری دارد .

برای آشنائی بیشتر، به بخش مربوط به مدرسه شاهزاده ها مراجعه شود .

۱۶- مدرسه خاتون آبادی (اسماعیلیّه) در تخت فولاد

یکی از مهمترین تکیه های تاریخی و ارزشمند تخت فولاد، که محلّ دفن علماء بزرگی از خاندان خاتون آبادی است ، تکیه خاتون آبادی میباشد ، که دارای گنبدی زیبا و کاشی کاری شده است .

أصل این تکیه مدرسه بوده ، و هفت حجره داشته ، و طلاب علوم دینیّه در آن ساکن بوده اند ، چنانچه در کتاب وقایع آلّسنین و الأعوام خاتون آبادی، در ضمن

ص: ۲۳۷

۱- به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۱ مراجعه شود

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۸۶

وقایع سال ۱۱۱۶ آمده است: فوت فاضل عالم عامل مجتهد، عمّ أمجد، میراسماعیل، الشّهبیر ب خواتون آبادی، روز چهارشنبه چهارم ربیع الثانی سنه هزار و یکصد و شانزده، دفن او در مقبره ای که خود ساخته بودند، در قبرستان بابا رکن الدّین (۱) و مشتمل بر گنبدی است، و هفت حجره دارد، و هفت نفر طالب علم در آنجا سکنی دارند و موظّفند، و هر ساله چهارده تومان، در وجه طلبه آنجا مقرّر است (۲).

۱۷- مدرسه خارج دروازه حسن آباد

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه ای از کتاب مختلف الشّیعه تألیف علامه حلّی، به شماره ۱۴۷۲ موجود است که آن را شاهزاده بانوئی، در یازدهم شوال ۱۱۲۹، برای طلاب مدرسه خارج درب دروازه حسن آباد سپاهان (اصفهان) وقف نموده است (۳).

به نظر نویسنده معاصر، آقای سید مصلح الدّین مهدوی، مقصود از این مدرسه، مدرسه بیگم و واقف کتاب یاد شده، همان مریم بیگم (دختر شاه صفی) می باشد (۴) ولی دلیلی بر این اظهار نظر، اقامه نموده اند.

۱۸- مدرسه خرابه

در کتاب فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه، در ضمن معرفی یک نسخه خطّی از

ص: ۲۳۸

-
- ۱- قبرستان تخت فولاد را، قبرستان با بارکن الدّین، مینامیده اند
 - ۲- وقایع السّنین و الأعوام صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶ و نیز در صفحه ۵۰۵ و ۵۲۱ به این مدرسه اشاره شده است
 - ۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۸، صفحه ۱۲۲
 - ۴- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۰

حاشیه شیروانی بر شرح حکمه العین ، آمده است :

تَمَّتِ الرَّسَالَةُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ فِي الْمَدْرَسَةِ خَرَابَهُ دَارِ السَّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ ، فِي سَنَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرُونَ وَ مِائَتَيْنِ بَعْدَ الْأَلْفِ ، مِنْ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ (١) .

از این عبارت معلوم می شود که محل نوشتن نسخه خطی یاد شده ، مدرسه ای بوده مشهور به خرابه ، و این مدرسه در سال ۱۲۲۳ هجری ، مسکونی و محل استفاده بوده است .

آقای سید مصلح الدین مهدوی نویسنده متتبع معاصر می نویسند :

نگارنده را عقیده بر این است که در جنب این مسجد (مسجد خرابه = مسجد خاکی واقع در محله خواجه) مدرسه ای بوده ، و یا آن که خود مسجد فعلی ، در قدیم ، مدرسه بوده به همین نام ، و تا تاریخ ۱۲۲۳ معمور و آباد بوده ، و سپس مخروبه گشته است (٢) .

۱۹ - مدرسه خلیفه سلطان

در فهرست کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از کتاب حاشیه تحریر القواعد المنطقیه ، فی شرح الرّسالة الشمسیه ، مورد معرفی قرار گرفته ، که به خط نستعلیق محمد سلیم بن محمد تقی رودباری می باشد ، و در سال ۱۰۶۴ در مدرسه سلطان العلماء ، خلیفه سلطان نوشته شده است (٣) .

این مدرسه متعلق به میر سید علاء الدین حسین ، مشهور و ملقب به سشطان العلماء و خلیفه السلطان میباشد ، که از چهره های مبرز علمی شیعه در فقه

ص: ۲۳۹

۱- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، (تألیف : حاج آقا مجتبی عراقی) جلد ۱ صفحه ۳۰۷

۲- تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۸۸

۳- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۲۲۱

و اصول و کلام و تفسیر بوده ، و حاشیه هایش بر شرح لمعه و معالم و دیگر کتب علمی ، از شهرت و عظمت علمی برخوردار است ، و خاندانی بزرگ و علمی دارد (چنانچه در بخش خاندان های علمی ، مذکور داشته ایم) و خود، علاوه بر مقام علمی و قدرت تحقیق و تفکر، سالها مورد مشورت و تبادل نظر سلطان صفوی (شاه عباس کبیر) بوده، و سالهائی مقام وزارت چندین سلطان را داشته، و در سال ۱۰۶۴ وفات یافته است(۱).

ظاهراً منزل او در حدود محلّه سنی فاطمه علیها السلام (در نزدیکی مقبره سادات خلیفه سلطانی و قبرستان سنی فاطمه علیها السلام) بوده ، و احتمالاً مدرسه یاد شده در همان حوالی بوده است (۲) .

۲۰- مدرسه خواجه محبت «خواجه محب = محبتیه»

مدرسه ای بوده در اصفهان ، که محمد داود تویسرکانی ، برادر زاده قاضی حسن تویسرکانی ، در هنگامی که به قصد تحصیل علم به اصفهان می آید ، در این مدرسه اقامت می جوید ، و شاگردی عالم بزرگ ، نواب ، خلیفه سلطان را می نماید ، و خود، شخصی بوده با نهایت صلاح (۳) .

از بیان فوق استفاده می شود که ، محقق و متفکر نامدار ، مرحوم سید حسین خلیفه السلطان ، ملقب به علاء الدین ، و مشهور به سلطان العلماء (چهره میزز خاندان علمی خلیفه سلطانی ، و وزیر و مشاور شاه عباس اول صفوی ، و متوفای ۱۰۶۴)، در مدرسه خواجه محبت ، تدریس می نموده است .

ص: ۲۴۰

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶ - ۵۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۹۳

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۰۱

در فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم ، حاشیه ای از من لایحضره الفقیه به شماره مسلسل ۲۸۷۵ از مولی مراد تفرشی ، نقل می کند و گوید:

مولی مراد، مدرّس مدرسه محبّیه بوده ، و محلّ آن را محلّه باغات می نویسد ، و تحریر نسخه را ، در سال ۱۰۸۲ نقل می نماید (۱). و نیز در فهرست کتابهای خطّی مدرسه فیضیه ، نسخه ای از مطوّل تفتازانی ، مورد معرّفی قرار گرفته ، به خطّ محمّد زمان یارعلی ، که در سال ۱۰۷۱ ، در مدرسه خواجه محّب اصفهان ، نوشته شده است (۲). و همچنین نسخه ای از شرح موجز القانون در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است ، به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق ، از کاتبی به نام حسین بن اسماعیل لاهیجانی ، که در تاریخ پنجشنبه ۲۲ جمادی الثانیه ۱۰۵۹ در اصفهان ، در «مدرسه محبّیه» نوشته شده است (۳). به نظر می رسد ، عنوان «خواجه محبت» و «خواجه محب» و «محبّیه» مربوط به یک مدرسه باشد ، و در هر صورت ، اثری از این مدرسه ، در حال حاضر ، وجود ندارد .

مدرسه خواجه محّب

مقصود ، مدرسه خواجه محبّت می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .*

مدرسه خواجه محرّم

مقصود ، مدرسه محرّمیه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۲۱ - مدرسه دارالبطیخ

شاردن ، در محلّه دار البطیخ ، از مدرسه دارالبطیخ و مدرسه گلگوز یاد

ص: ۲۴۱

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۹۹

۲- فهرست کتابهای خطّی مدرسه فیضیه قم ، از رضا استادی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۶

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۱۲ ، صفحه ۹۶

میکند که در زمان صفویه در اصفهان ، وجود داشته است (۱).

به جز این نقل تاریخی ، اثر و نشانه ای از این دو مدرسه باقی نمانده است .

نویسنده معاصر ، آقای سید مصحح الدین مهدوی ، اظهار نظر نموده و نوشته اند : ظاهره مدرسه دار البطیخ ، همان مدرسه تربت نظام است (۲).

۲۲- مدرسه دارالشفاء

محمد طاهر نصرآبادی ، در تذکره اش ، در شرح حال غیاثی حلوانی شیرازی می نویسد:

از اقربان ملاّ ملهمی و میرزا نظام دستغیب است ، در فنّ قصیده و غزل قدرت کامل داشته ، از شیراز به اصفهان آمده ... و در دارالشفای شهر ، که جنب قیصریه است حجرهای در مرتبه فوقانی گرفته ، متوطن شده است (۳).

و در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان ، در میان بناهای خیر و موقوفات شاه عباس کبیر ، از مسجد شاه و میدان شاه و مسجد شیخ لطف الله و مدرسه دارالشفاء و ... یاد شده است (۴).

از عبارات یاد شده ، استفاده می شود که مدرسه دارالشفاء ، متعلق به دوره شاه عباس اول ، و دارای دو طبقه بوده ، که غیاثی شیرازی ، در حجره طبقه فوقانی آن ، سکونت داشته است .

گفته می شود که محلّ مدرسه دارالشفاء ، همان جایی است که هم اکنون مسجد

ص: ۲۴۲

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۵ ، تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۲۷۴

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۰۴

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۳۸

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان ، صفحه ۴۷

دار الشفاء (واقع در بازار نجارها و مقابل بازار قیصریه) می باشد ، و از مساجد مهم بازار اصفهان ، به شمار می رود (۱).

۲۳- مدرسه دارالعلم

در کتابخانه دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب « تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهره » تألیف : سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی (از اعلام بزرگ شیعه در قرن دهم) وجود دارد، که ناصر بن محمد نجفی ، آن را در سال ۱۰۶۵، در مدرسه دارالعلم اصفهان نوشته است (۲). از مطلب بالا-، معلوم می شود که در قرن یازدهم ، مدرسه ای با عنوان دارالعلم، در شهر اصفهان وجود داشته ، که فعلاً نشانه و اثری از آن باقی نمانده است .

۲۴- مدرسه دده خاتون

این مدرسه نیز به وسیله یکی از بانوان حرم صفویّه ، به نام دده خاتون، تأسیس گشته ، در همان منطقه چهارسوق نقاشی و چرخاب (نزدیک خیابان سید علی خان فعلی) و تا اواخر قاجاریّه باقی بوده و به حکم یکی از مجتهدین بزرگ ، مصالح آن مدرسه و چند مدرسه دیگر در همان محل، که در معرض نابودی بوده، در ساختن چندین مسجد مورد استفاده قرار داده می شود (۳).

به نوشته وقایع السنین و الأعوام خاتون آبادی (صفحه ۵۵۳) دده خاتون جزء حجّاج و زائرین بیت الله الحرام در سال ۱۱۱۵ بوده ، که جمع زیادی از

ص: ۲۴۳

۱- دارالعلم شرق (مخطوط). صفحه ۱۰۶

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۰۸ ، بنقل از : فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۸ ، و تاریخ مدارس ایران و تاریخ فرهنگ اصفهان و گنجینه آثار تاریخی اصفهان و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر و ...

بزرگان و رجال رسمی ، به زیارت عتبات عراق و مدینه و مکه مشرف شدند ، و ضریح کاظمین علیها السلام را بردند و نصب نمودند ، و تعمیراتی در کربلا نمودند .

۲۵- مدرسه زهراء بیگم

نزدیک مسجد ایلچی ، واقع در محله احمد آباد ، مسجدی است به نام مسجد الزهراء علیها السلام که قبلاً به نام مسجد زهرا بیگم شهرت داشت .

به نوشته آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در جنب آن مدرسه ای وجود داشته ، که در زمان نوشتن کتاب دارالعلم شرق ، خرابه آن باقی بوده است ، و کتیبه سنگی ، در اطاق قدیمی مسجد زهرا بیگم ، وجود داشته که به نام ضیاء الدین بوده ، و نشان می داده که بانی اساس و بناء ، ضیاء الدین بوده است . و آنگاه آقای مهدوی احتمال می دهند که ، مدرسه زهرا بیگم و مسجد زهرا بیگم یکی باشد (۱).

۲۶- مدرسه زینب بیگم

این مدرسه نیز از آثار یکی از بانوان حرم صفویه ، و محل آن در نزدیکی چهارسوق نقاشی و چرخاب بوده است ، و پس از ویرانی ، در اواخر دوره قاجاریه ، مصالح آن در ساختن برخی از مساجد شهر به کار می رود (۲).

در کتاب دارالعلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۲۱ آمده است :

زینب بیگم ، بانی مدرسه و بانی حمام زینب بیگم در محله درب کوشک ، دختر سلطان حسین صفوی می باشد .

ص: ۲۴۴

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۲۰

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹

به عنوان مدرسه سعیدیه رجوع شود .

۲۷- مدرسه شاه «مدرسه مسجد جامع عباسی»

در بخش معرفی مساجدی که در شهر اصفهان مرکز فعالیت علمی و حوزه ای بوده ، نام مسجد جامع عباسی (مسجد شاه ، مسجد امام فعلی) را ذکر کردیم و آن را یکی از پایگاه های مهم علمی در حوزه علمیه اصفهان ، به شمار آوردیم و هم اکنون (در بخش مدارس) بیان می نمائیم:

مسجد جامع عباسی ، واقع در میدان نقش جهان ، که از مهمترین مساجد اصفهان و مشتمل بر ، برجسته ترین آثار معماری و کاشی کاری دوران صفوی می باشد ، در قسمت شمالی ، در طبقه دوم ده حجره دارد ، و تا زمان تألیف کتاب «الإصفهان» به وسیله مرحوم جناب ، مسکونی طلاب بوده ، و تعداد پانزده طلبه ساکن داشته است (۱).

مرحوم سید عبدالله شوشتری جزائری (نوه سید نعمت الله جزائری) درباره میر محمد حسین بن سید محمد شاه می نویسد:

ذهنی ثاقب و فکری صائب و شعوری بلند و فطرتی أرجمند داشت ، و در اواسط حال به اصفهان انتقال و مدتی مدید ، در مدرسه شاه ساکن ، و بعد از آن به محل جعفر آباد اختیار سُکنی کرد و در آنجا وفات نمود (۲).

و نیز درباره خواجه افضل ، فرزند خواجه علی ، می نویسد : او در مبادی حال بعد از تحصیل مقدمات ، به اصفهان رفته ، و در مدرسه شاه حجره گرفته ،

ص: ۲۴۵

۱- اصفهان ، چاپ دوم ، صفحه ۱۱۰

۲- تذکر؛ شوشتر ، صفحه ۱۳۲ |

هشت سال در آنجا مقیم بود (۱).

و در کتاب دارالعلم شرق ، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، از نسخه ای از رساله (ایمنی از بطلان نفس در پناه خرد) تألیف کاشانی یاد می کند ، که به وسیله شیخ علی بن محمود کاتب ، استنساخ گردیده ، و در تاریخ چهارشنبه ۲۱ شوال ۱۰۶۲ در مسجد جامع عباسی اصفهان ، از کتابت آن فارغ گردیده است (۲) . و در همین کتاب ، به نقل از فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، از نسخه ای از « حاشیه خفری » بر الهیات شرح تجرید قوشجی یاد می کند ، که در (مدرسه) جامع عباسی اصفهان ، در تاریخ ۱۰۷۲ به وسیله محمد باقر حسینی لاریجانی ، به خط نستعلیق نوشته شده است (۳) .

چهره های علمی مدرسه مسجد جامع عباسی

هم چنان که در بخش ، مسجد جامع عباسی متذکر شده ایم ، مسجد و مدرسه شاه ، محلّ فعالیت درسی و تحصیل و تدریس شخصیت هائی بوده که بعضاً ، از مفاخر حوزه های علمیه و از چهره های برجسته شیعه می باشند و در اینجا نیز ، به برخی از کسانی که در این مرکز علمی تحصیل یا تدریس داشته اند ، اشاره می نمائیم :

۱- فقیه نامدار و مرجع عالیقدر شیعه ، مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی قدس سره متوفای ۱۳۳۷ قمری ، که از مفاخر علمی ، و از مراجع شیعه در حوزه علمیه نجف بوده اند و کتاب عروه الوثقی از میان آثار علمی ایشان ، محور مهمی در فقه ، شناخته شده ، و عموم مراجع تقلید شیعه ، پس از آن بزرگمرد ، حاشیه بر آن نوشته اند ، و در ابتداء امر ، از طلاب این مرکز دینی و علمی بوده (۴) و در

ص: ۲۴۶

۱- تذکره شوستر ، صفحه ۱۲۹

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۳۷ (برگه ضمیمه)

۳- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۳۶ ، (برگه ضمیمه)

۴- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۳۶ ، (برگه ضمیمه)

محضر بزرگانی همانند : صاحب روضات الجنّات و مرحوم آقا شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی ، و جمعی دیگر از فحول علماء اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و به مرحله اجتهاد رسیده اند(۱).

۲- فقیه اصولی و حکیم متکلم و رجالی مفسّر ، ملا فتح الله بن محمّد جواد ، مشهور به شیخ الشریعه و شریعت اصفهانی متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که شخصیتی ممتاز و جامع علوم عقلی و نقلی بوده، و از مراجع بزرگ شیعه در حوزه علمیه نجف ، به شمار می رود . وی در اصفهان تحصیلات زیاد داشته ، و تدریس خود را در این حوزه، موافق اصول شیخ اعظم أنصاری قدس سره قرار داده (۲) و از طلاب و مدرّسین مسجد و مدرسه شاه بوده است .

۳- مرحوم آقا سید محمّد تُرک (خوئی) (متوفای ۱۲۶۶ قمری) که عالمی محقق و مدرّسی فاضل بوده ، و امام جماعت و مدرّس مدرسه و مسجد شاه ، بوده است .

۴- مرحوم آقا سید محمّد جواد مسائلی (خوئی) فرزند آقا سید محمّد تُرک ، و متوفای ۱۳۴۰ قمری ، که عالمی فاضل و امام جماعت و مدرّس مسجد و مدرسه شاه بوده است .

۵- مرحوم ملا اسماعیل نقنه ای ، متوفای ۱۳۵۰ قمری که از مجتهدین (۳) و علماء بزرگوار ، و مدرّسین عظیم الشان به شمار رفته ، و از طلاب و نیز مدرّسین مسجد و مدرسه شاه بوده است .

ص: ۲۴۷

۱- ریحانه الأدب جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳، صفحه ۲۰۷

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۱

علاوه بر یادشدگان، عده دیگری از علماء و مدرّسین، در این مرکز علمی و دینی، تحصیل و یا تدریس داشته اند، که در بخش معرّفی مدرسه ناصریه، نیز به نام برخی دیگر، اشاره می نمائیم.

۲۸- مدرسه شاهپوریه

در کتابخانه عمومی اصفهان، (متعلق و متصل به مدرسه سلطانی چهارباغ) نسخه ای از إرشاد الأذهان علامه حلّی، به خط نسخ محمّد زمان بن درویش علی هزار جریبی، موجود است، که در شهر اصفهان، در مدرسه شاهپوریه، به تاریخ محرم ۱۰۸۷ تحریر شده است (۱).

از این مدرسه و بانی و محلّ و سایر مشخصات آن چیزی به دست نیامد.

۲۹- مدرسه شاهزاده ها «مدرسه حکیم»

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم، و در انتهای بازار رنگرزاها، که شهربانو خانم، دختر سلطان حسین صفوی، آن را در زمینی به مساحت یک جریب و کسری، به صورت دو طبقه تأسیس کرده بوده است (۲).

این مدرسه، در دوره حکومت پهلوی اول تخریب گردیده، و به جای آن دبستانی به وسیله اداره فرهنگ آن زمان، ساخته می شود. آقای رفیعی مهر آبادی (نویسنده آثار ملی اصفهان) در حال آبادی مدرسه، آن را مشاهده نموده در حالی که پر از طلاب علوم دینی و به شکل دو طبقه بوده است (۳).

علماء بزرگی در این مدرسه تدریس می نموده اند، همانند:

ص: ۲۴۸

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان، جلد ۱، صفحه ۱۷۸

۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۸

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۰۷، و نیز صفحه ۳۹

- ۱- آخوند ملا عبد الجواد حکیم خراسانی متوفای ۱۲۸۱ قمری (که حکیمی ریاضی و مدرسی طیب و ادیب بوده است) .
- ۲- آقا سید مهدی نحوی متوفای ۱۳۰۷ قمری (که از علماء و ادباء مشهور بوده ، و به علت تخصص ایشان در تدریس علم نحو ، به «نحوی» مشهور گردیده اند) (۱).
- ۳- مرحوم آقا سید محمود مغنیگو ، متوفای ۱۳۲۴ قمری (که صاحب تألیفات و مدرّسی توانا و مشهور بوده ، و تخصص ویژه ، در تدریس کتاب مغنی اللیب داشته است) (۲) .
- ۴- حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی ، متوفای ۱۳۲۷ قمری (که طبیبی حکیم و فقیهی ادیب و جامع ، به شمار رفته ، و از شاگردان پدرش ملا عبد الجواد حکیم خراسانی ، و نیز علماء بزرگی همانند : آقا میر سید محمد شهشانی ، و حاج سید آسد الله شفتی ، و ملا حسینعلی تویسرکانی بوده است) (۳) .
- ۵- سید شهاب الدین نحوی ، متوفای ۱۳۴۰ قمری (که در علوم حکمت و فقه و اصول و ریاضی ، به مقامی ارزشمند نائل گشته ، و از شاگردان ملا حسینعلی تویسرکانی و میر سید محمّد شهشانی و ملا عبد الجواد حکیم خراسانی و حاج سید اسدالله بیدآبادی بوده است) (۴) .

در فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه به دانشگاه تهران ، از نسخه ای از کتاب وجیزه شیخ بهائی یاد شده ، که به خط نستعلیق می باشد ، و در سال ۱۲۲۲

ص: ۲۴۹

- ۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۸
- ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۹۴
- ۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۸
- ۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۷۳

در مدرسه شاهزاده ها ، کتابت شده است (۱).

این مدرسه ، به مناسبت شخصیت مُدرّس نامدار آن (مرحوم ملا عبد الجواد حکیم) و هم چنین ، به مناسبت نزدیکی آن به مسجد حکیم ، به نام «مدرسه حکیم» نیز ، خوانده شده است (۲).

۳۰- مدرسه شاه طهماسب

در محله میدان کهنه و نزدیک قیصریه کهنه (که قبل از قیصریه نو شاه عباس کبیر ، از مجلل ترین امکانه شهر بوده است) مدرسه ای بوده ، به نام مدرسه شاه طهماسب (۳) که در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد .

۳۱- مدرسه شاه عباس

استاد سعید نفیسی ، در شرح حالی که برای شیخ بهائی نوشته ، در مقدمه دیوان کامل شیخ بهائی ، از نسخه ای از رساله درایه شیخ بهائی یاد می کند ، که به خط عبد الله بن ابراهیم نعمی می باشد ، و کاتب در آخر آن نوشته است :

تَمَّتِ الرَّسَالَةُ الْمُبَارَكَةُ فِي تَارِيخِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ خَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ الْحَرَامِ ، أَحَدِ شُهُورِ السَّنَةِ التَّاسِعَةِ عَشَرَ بَعْدَ الْأَلْفِ هِجْرِيَّةِ نَبَوِيَّةِ ، عَلَى مُهَاجِرِهَا أَفْضَلِ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ ، يَدِ لِأَقْلِ الْأَذَلِّ ، تُرَابِ أَقْدَامِ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ ، الَّذِينَ بِأَثَارِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبُوَّةِ الْمُقْتَفِينَ ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمِ الْغَامِي الْحَوَاوِيزِيِّ بِلَدِهِ إِصْفَهَانَ حَرَسَهَا اللَّهُ مِنْ آفَاتِ الزَّمَانِ ، بِمَدْرَسَةِ شَاهِ عَبَّاسٍ ، نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِ (۴).

ص: ۲۵۰

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۴۲

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۱

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۸

۴- کلیات اشعار و آثار شیخ بهائی ، با مقدمه استاد سعید نفیسی صفحه ۳۱

و در تاریخ عالم آرای عباسی ، در ضمن معرفی آثار شاه عباس در اصفهان ، پس از ذکر مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) ، و مسجد شیخ لطف الله (در میدان نقش جهان) ، می نویسد:

و مدرسه و دارالشفاء و حمامات و قیصریه و بازار گاه دور میدان ، و کاروانسراهای عالی و ... (۱).

و در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، نسخه ای از کتاب قواعد الأحكام علامه حلی ، مورد معرفی قرار گرفته ، که در ذیل آن آمده است :

تَمَّ الْمُجَلَّدُ الثَّانِي مِنْ كِتَابِ قَوَاعِدِ الْأَحْكَامِ ... فِي مِصْرِ اِصْفَهَانَ فِي الْمَدْرَسَةِ الشَّاهِيَّةِ الشَّهْنَشَاهِيَّةِ الْعَبَّاسِيَّةِ ... عَلَي يَدِ ... مُحَمَّدِ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ السَّلِيمِيِّ الْمَازَنْدَرَانِيِّ ... فِي شَهْرِ سَنَةِ تِسْعِ عَشَرَ وَ أَلْفِ هِجْرِيَّةِ (۲).

و نیز در پشت ورق دوم ، از نسخه ای از جلد دوم قواعد علامه حلی (که در کتابخانه شخصی علامه محقق آقاي سيد محمد علي روضاتي موجود مي باشد) چنين نوشته شده است :

قَدْ تَشَرَّفَ بِتَمْلُكِ هَذَا الْكِتَابِ الْمُسْتَطَابِ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْكَرِيمِ بِالْبَيْعِ الصَّحِيحِ الشَّرْعِيِّ ... مُحَمَّدِ كَازِمِ بْنِ عَلَاءِ الدَّوْلَةِ الْمُنُوجَهْرِيِّ النَّائِنِيِّ ، فِي الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَوْسُومَةِ بِمَدْرَسَةِ الشَّاهِيَّةِ مِنْ جُمْلَةِ مَدَارِسِ دَارِ السَّلْطَنَةِ اِصْفَهَانَ ، فِي غُرَّةِ شَهْرِ رَبِيعِ الثَّانِي مِنْ شَهْرِ سَنَةِ أَرْبَعِينَ وَ أَلْفٍ مِنَ الْهَجْرَةِ (۳).

از عبارات یاد شده ، استفاده می شود ، که مدرسه ای از آثار شاه عباس بوده ،

ص: ۲۵۱

۱- عالم آرای عباسی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۱۱۰

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۷ ، صفحه ۳۳۱

۳- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۴۴

که در یک عبارت، با نام مدرسه شاه عباس، و در دیگری، با عنوان مدرسه شاهیه شهنشاهیّه عبّاسیّه، و در سوّمی، با عنوان مدرسه شاهیه، ذکر شده است، ولی از محل و خصوصیات این مدرسه چیزی به دست نیامد، جز این که در نیمه اوّل قرن یازدهم (تاریخهای ۱۰۱۹ - ۱۰۴۰) آباد و مسکونی و محلّ فعالیت علمی بوده است، چنانچه از نوشته های فوق، با صراحت استفاده می شود.

و البته با توجه به این که مسجد جامع جدید عبّاسی (که مشتمل بر حجرات درسی است و ما به نام مدرسه شاه «تحت شماره ۲۷» از آن حجرات، یاد نمودیم) فرمان تأسیس آن، از ناحیه شاه عبّاس صفوی در سال ۱۰۲۰ صادر گردیده، در حالی که (هم چنان که ملاحظه نمودید)، تاریخ نوشتن نسخه درایه شیخ بهائی و نیز تاریخ کتابت نسخه قواعد الأحكام علامه حلّی (۱۰۱۹) یک سال قبل از شروع ساخته شدن مسجد جامع عبّاسی و حجرات آن) می باشد.

بنابراین، مدرسه شاه عبّاس (مورد بحث) غیر از مدرسه جامع عبّاسی می باشد، که در مجموعه مسجد قرار گرفته است.

۳۲- مدرسه شفیعیّه أحمد آباد

جابری انصاری به دنبال ذکر مدرسه شفیعیّه دردشت، از مدرسه شفیعیّه دیگری، در اوائل محلّه أحمد آباد، نام می برد که مساحت آن یک جریب و کسری بوده است، و چنین می نویسد:

و در اوائل محلّه أحمد آباد نیز، مدرسه شفیعیّه دیگری هست، که آن نیز به همین میزان بود (یک جریب و کسری) و آن ساختمان محمد شفیع میرزای حسینی، و سردری کاشی معرّق، اشعاری داشت، تاریخ آن هزار و نود و چهار به سلطنت شاه سلیمان، و ماده تاریخ مناسبی گوید:

خرد سال آغاز و انجام آن را

(در فیض) گفت و (مقام أفاضل)

(۱)(۲)

این مدرسه در حوادث تاریخی گذشته، از بین رفته، ولی با توجه به عبارت فوق، تا زمان تألیف (تاریخ اصفهان و ری) باقی بوده است.

آقای سید مصلح الدین مهدوی، اظهار داشته اند که: محلّ مدرسه شفیعیه، کوچه نوآب (مقابل کوی دولت آبادی) در فضائی که منسوب به نوآبها می باشد، قرار داشته و دبستان دخترانه کاوه، به جای مدرسه شفیعیه ساخته شده است (۳).

۳۳ - مدرسه شمس آباد

مدرسه ای است در محله شمس آباد، واقع در حاشیه خیابان شیخ بهائی، که در زمان سلطان حسین صفوی، به وسیله میرزا محمد مهدی عباس آبادی، در سال ۱۱۲۵ قمری تأسیس شده است.

کتیبه سر در این مدرسه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی، حاکی از تاریخ تأسیس و نام بانی مدرسه و سلطان وقت، می باشد. این مدرسه جزء بناهای تاریخی به ثبت رسمی رسیده است (۴). مدرسه شمس آباد، در مقایسه با سایر مدارس دوره صفویه، وسعت زیادی

ص: ۲۵۳

-
- ۱- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۶ (عبارت فوق، عین عبارت تاریخ اصفهان و ری میباشد، که نابسامانی دارد)
 - ۲- قسمت (در فیض) به حساب حروف أبجد ۱۰۹۴ میشود که تاریخ اتمام مدرسه بوده و قسمت (مقام أفاضل) به همان حساب ۱۰۹۲ میشود که سال شروع ساختمان مدرسه بوده است. و در این شعر لفظ و نشر مشوش به کار برده شده است
 - ۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۵
 - ۴- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۷۵

ندارد، و تزئینات آن از نوع کارهای آجری، شبیه به دو بنای دیگر عهد صفوی مسجد شیخ علیخان و کاروانسرای مهیار) می باشد (۱).

قسمتی از مدرسه شمس آباد، در هنگام تعریض خیابان شیخ بهائی خراب گردیده و جزء خیابان قرار گرفته (۲) و در حال حاضر، فقط چند حجره دارد و بیشتر به عنوان مسجد، از آن استفاده میشود (۳).

۳۴ - مدرسه شهرستان

این مدرسه در شهرستان (چی قدیم) اصفهان واقع بوده است، و به مرور زمان از بین رفته است (۴). در میان کتب خطی کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین مهدوی، نسخه ای از حاشیه خطائی وجود دارد، که در آخر آن آمده است: قَدْ فَرَعْتُ مِنْ تَسْوِيدِ هَذِهِ الْحَاشِيَةِ الْمُسَمَّيَةِ بِحَاشِيَةِ الْخَطَائِي، إِبْنُ مِيرْزَاخَانَ بْنِ مِيرْبَاقِرِ الْحُسَيْنِي، حَيْدَرُ، مِنْ تَارِيخِ ذِي قَعْدَةِ الْحَرَامِ فِي مَدْرَسَةِ شَهْرِسْتَانَ مِنْ قُرَى الْإِصْفَهَانَ فِي سَنَةِ سَبْعٍ وَثَمَانِينَ بَعْدَ الْأَلْفِ مِنَ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ (۵).

عبارت بالا- (گرچه از نظر قواعد ادبی محل اشکال است) نشان می دهد که مدرسه شهرستان در سال ۱۰۸۷، معمور و مسکون بوده است.

۳۵ - مدرسه شیخ الإسلام

یکی از بزرگترین چهره های علمی اصفهان در قرن یازدهم، فقیه و حکیم

ص: ۲۵۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۷

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۳

۴- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۶ و محیط ادب، صفحه ۱۰۴

۵- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۰

و متکلم و رجالی و محدث و محقق نامدار شیعه ، ملا محمد باقر سبزواری

صاحب کتاب ذخیره و کفایه ، در فقه (متوفای ۱۰۹۰ میباشد ، که شیخ الإسلام اصفهان بوده است . آقای رفیعی مهرآبادی ، به نقل از تذکره نصرآبادی می نویسد : مدرسه شیخ الإسلام ، مدرسه ای بوده در شهر اصفهان ، که آخوند ملا محمد باقر سبزواری ، در آن تحصیل می کرده است (۱).

نویسنده معاصر ، آقای مهدوی می نویسند : خانه شیخ الإسلام و مسجد شیخ الإسلام و حمام شیخ الإسلام ، در مجاورت یکدیگر ، در محله سینه پائینی نزدیک چهار راه تختی فعلی (قرار دارد، و احتمالاً مدرسه یاد شده نیز در همین محل قرار داشته است (۲) . شخصی به نام محمد امین بن محمد مؤمن استرآبادی ، کتاب اکرناووذوسیوس را در تاریخ چهارشنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۰۵۲ در نزد یکی از اساتید بزرگ و محقق و مدقق ، به نام محمد تقی استرآبادی (که از علماء ریاضی بوده) در مدرسه شیخ الإسلام در اصفهان ، شروع به تحصیل نموده ، و در تاریخ پنجشنبه پنجم محرم سال ۱۰۵۳ ، در همان مدرسه به پایان برده است (۳) . از چگونگی این مدرسه ، و سال تأسیس ، و زمان ، و علت نابودی آن ، چیزی به دست نیامد .

۳۶ - مدرسه شیخ بهائی

مرحوم شیخ بهائی قدس سره مدرسه ای داشته ، در جوار مسجد جامع ، که در آن

ص: ۲۵۵

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۰

۲- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۳

۳- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۲ ، (برگه ضمیمه)، به نقل از : فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه

به فعالیت علمی می پرداخته است ، و مرحوم ملاّ محمّد تقی مجلسی (پدر علامه مجلسی) شیخ بهائی را در حال مقابله صحیفه سجاده علیه السلام ، در آن مدرسه ملاقات نموده ، و جریان تشرّف خود را به محضّر مقدّس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرضه داشته است (۱).

۳۷ - مدرسه شیخ علیخان زنگنه

شیخ علی خان زنگنه ، که صدر اعظم ایران در زمان شاه سلیمان صفوی بوده ، و در دوره شاه عباس ثانی ، حکومت کرمانشاه را داشته ، مسجد باشکوهی را در محله خواجه ، به طرف تلواسکان (تل واژگون ، ترواسکان) در تاریخ ۱۰۹۰ هجری ساخته ، که هنوز باقی می باشد ، و به نام مسجد خان تلواسکان ، نامیده می شود ، با فاصله ای از همین مسجد ، و در نزدیکی قلعه طبرک ، مدرسه ای تأسیس نموده ، که هم اکنون وجود ندارد (۲) و آثاری از آن باقی نمانده است .

۳۸ - مدرسه شیخ لطف الله

مدرسه ای بوده ، که شیخ لطف الله میسی ، در آن ، رسماً عهده دار تدریس بوده ، و مولانا رجبعلی تبریزی (متوفای ۱۰۷۰ که از علماء و زهاد و تلاشگران عالم علم بوده ، نیز در آن تدریس می نموده است (۳) . این مدرسه ، همان مدرسه خواجه ملک است ، که از مهمترین مدارس اصفهان و مرکز تجمّع علماء و فضلاء بوده ، و به علت این که شیخ لطف الله میسی ، به صورت رسمی ، مدرّس و سرپرست اصلی آن بوده ، به نام آن بزرگمرد نیز، نامیده می شده است ،

ص: ۲۵۶

۱- بحارالأنوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۲۷۷ و جلد ۱۰۵ ، صفحه ۱۱۵

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۳- تذکره نصر آبادی صفحه ۱۵۴ و تاریخ مدارس ایران صفحه ۲۶۸

چنانچه به نام بانی آن ، خواجه ملک نیز نامبرده می شده و می شود .

۳۹ - مدرسه صدر اعظم

شاردن ، در دنباله ذکر بازار لوفان و بازار خراطان ، می نویسد :

و بعد بازار حلاجان ، که به مسجد صدر ختم می شود (مراد ، همان مسجد شیخ لطف الله است) ... وصل به مسجد ، سر در قصر محمد مهدی ، نخست وزیر و برادرش شیخ الاسلام است ، که هر دو دارای یک سردر می باشد . بالاتر از آن ، مدرسه بزرگی است که همانام مسجد ، و در یک زمان ، و به وسیله یک بانی ، ساخته شده است . بالای سردر و داخل این مدرسه ، کتیبه هائی است که اندرزهای بسیار عالی دارد، و محض نمونه چند تای آن را ذیلاً مینگاریم :

« سنگ بدخشان به تربیت آفتاب لعل شود» - « آنچه توانی بیاموز ، چه علم ناقص ، بهتر از جهل کامل است » - « از زمین دل خویش بیخ درخت بدی را بیرون آر ، و این کار را در جوانی بکن و به پیری حوالت مده » - « اگر می پنداری که بدی آن چنان بزرگ است که نمی توان آن را از بین برافکنند ، به تو می گویم هنگامی که بزرگتر می شود ، چگونه آن را ریشه کن میکنی » (۱).

ظاهراً این مدرسه ، همان مدرسه خواجه ملک است ، و مشخص نیست که ، آیا عبارات پند آموز فوق ، به صورت عربی یا فارسی ، و در قالب شعر یا حدیث بوده است .

مدرسه صدر عامه

مقصود ، مدرسه وزیر می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

ص: ۲۵۷

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۴۲ و نیز ، به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۸۹ مراجعه شود

مدرسه ای بوده در پشت باغ شرکت هند و هلند ، در محله بی نقابان ، و این مدرسه در زمان شاه عباس اول (کبیر) دائر و طلبه نشین بوده است (۱).

شاه صفی ، قبل از آن که به سلطنت برسد ، ساکن این مدرسه بوده ، و جریان خواب عجیب ملا محمد تقی مجلسی ، در همانجا به او خبر داده شده است (۲).

ملا محمد شولستانی متوفای ۱۰۸۵، که از شخصیت های معروف و مشهور

ص: ۲۵۸

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴، سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۰

۲- مرحوم ملا محمد تقی مجلسی قدس سره می نویسد : که اتفاق افتاد از برای من تشریف به زیارت عتبات عالیات ، پس زمانی که وارد نجف اشرف شدم زمستان داخل شد ، پس من عزم کردم که طول زمستان را در نجف بمانم ، پس مالی (حیوانی) را که کرایه کرده بودم رد کردم . پس شبی در خواب دیدم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را که لطف بسیار با من فرمود ، و فرمایش کرد که بعد از این در اینجا توقف مکن ، و برو به شهر خودت اصفهان ، همانا وجود تو نفعش بیشتر است و نیکوتر ، و چون من بسیار اشتیاق داشتم در تشریف به آستان مقدس ، مبالغه کردم در استدعاء از آن حضرت که رخصت توقف دهد ، قبول نفرمود ، و فرمود که . شاه عباس وفات میکنند در این سال ، و مینشیند شاه صفی به جای او ، و حادث می شود در بلاد شما فتنه های سخت ، و حق تعالی خواسته ، که تو در این فتنه در اصفهان باشی ، و بذل کنی طاقت خود را در هدایت خلق ، أنت ترید أن تجيء الی باب الله وحده ، و الله تعالی پرید أن یجیء الیه بیمن هدایتک سبعون ألفا ، فارجع الیهم فانه لا بد لك من الرجوع ، پس رجوع کردم به اصفهان ، و حکایت کردم خواب خود را برای بعض خواص خود ، و او نقل کرد برای نواب رضوان مکان ، یعنی شاه صفی ، و اتفاقاً این ایام در مدرسه صفویه تشریف داشت ، پس نگذشت مگر ایام قلیلی که خبر رسید که ، نواب خاقان ، شاه عباس رضوان مکان ، در سفر مازندران به رحمت ایزدی پیوست ، پس شاه صفی به جای او بر اریکه سلطنت نشست (فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۴۰)

به شمار می رفته ، و مدرّس مدرسه صفویّه ، بوده است (۱).

ظاهراً مدرسه صفویّه ، از مدارس تأسیس شده دوران حکومت صفویّه است ،

ولی در کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از کتاب « الموجز » تألیف علی بن حزم قرشی (۲) موجود است ، به خط نسخ مسعود بن محمد بن محمد ، که در تاریخ سه شنبه سلخ جمادی الاولی ۷۷۲ در مدرسه صفویّه دار الملک اصفهان ، استنساخ شده (۳) که نشان میدهد ، مدرسه صفویّه در قرن هشتم (قبل از دوره سلطنت صفویّه) دائر ، و محلّ سکونت و فعالیت علمی بوده است .

اظهار نظر قطعی در این باره ، نیازمند بررسی دقیق تر و به دست آمدن اسناد بیشتری می باشد .

نسخه ای از تهذیب الأحکام شیخ طوسی (کتاب طهاره و صلوه) به خط نسخ محمد تقی بن محمد صالح بن حاجی گنجی اردبیلی ، به تاریخ غزه محرّم ۱۰۵۸ موجود است ، که در مدرسه صفویّه اصفهان نوشته شده ، و در آخر کتاب طهاره و صلوه ، ملا محمد تقی مجلسی ، در تاریخهای ۱۰۶۰ و ۱۰۶۲ دو إنهاء ، برای

ص: ۲۵۹

۱- وقائع السنین و الأعوام ، صفحه ۵۳۳

۲- علی بن حزم قریشی شافعی ، مکنّی به « ابن النفیس » و « ابن ابی الحزم » ، و ملقب به « علا الدین » و مشهور به « نفیسی » و « ابن نفیس » ، طبیب حکیم فقیه اصولی منطقی مصری ، متوفای ۶۸۷ میباشد ، که بوعلی سینای دوّم خوانده شده ، و تألیفات زیادی داشته ، که در میان آنها ، کتاب « الشامل » ۸۰ جلدش تألیف گشته ، و بنای مؤلف آن این بوده ، که تا سیصد جلد برساند ، و کتاب « الموجز » آن ، که موجزی از کتاب قانون بوعلی سینا است ، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است ، و کتاب معروف « شرح نفیسی » ، در طب ، شرح همین کتاب (الموجز) میباشد . (ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۵۳ ، و الریعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۴ ، و لغتنامه دهخدا ، در ذیل لغت ابن نفیس)

۳- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۷۵۸

کاتب نوشته است (۱).

۴۱ - مدرسه عباس آباد

یکی از هفت مدرسه محله عباس آباد و کوی مستهلک (نزدیک شاهزاده ابراهیم) مدرسه ای بوده، در محل فعلی تقاطع خیابان عباس آباد و خیابان ابوذر، که در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد.

این مدرسه از آثار دوره صفویه می باشد، و در جوار مسجد معروف عباس آباد بوده، و جزء مساجدی است که مرحوم علامه ملا محمد باقر مجلسی قدس سره، اعتکاف در آنها را جایز می شمرده است (۲).

نصرآبادی، در تذکره خود در شرح حال شیخ عماد، برادر زاده ملا گرامی، می نویسد: در مسجد جامع عباس آباد اصفهان حجره دارد، و به داده خدا، قانع شده ممنون کسی نمی باشد (۳).

از این عبارت معلوم می شود که، مسجد جامع عباس آباد و مدرسه و حجرات آن، حالت ترکیب مسجد و مدرسه داشته، همانند شمار دیگری از مساجد جامع اصفهان، که ترکیبی از مسجد و مدرسه است.

۴۲ - مدرسه عیدیه (سعیدیه)

در فهرست کتابخانه ملی ملک، از نسخه ای از کتاب «معین الفکر» تألیف ابن ابی جمهور احسائی یاد شده، که به خط نستعلیق هدایه الله بن عبد الله جزائری می باشد، و در ربیع الأول ۱۰۱۷ در شهر اصفهان، در مدرسه عیدیه یا

ص: ۲۶۰

۱- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، جلد ۱۱ صفحه ۲۷۴

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۴

۳- تذکره حزین، صفحه ۴۰۴

سعیدیّه ، استنساخ آن پایان یافته است (۱).

از این مدرسه و خصوصیات آن چیزی به دست نیامد ، جز این که طبق مطلب بالا ، در نیمه اول قرن یازدهم معمور و مسکون بوده است .

۴۳ - مدرسه فاضل هندی

در کتاب أنساب خاندانهای مردم نائین ، به مناسبت ذکری از محله کران اصفهان ، آمده است :

مسجد و مدرسه فاضل هندی ، و موقوفات زری بافها ، و مسجد نیمه تمامی که مرحوم حجّه الإسلام حاج آقا منیر ، بنا نهاد ، و منزل نگارنده ، در این محله واقع است ، ولی از مدرسه مزبور ، که در نقشه سال ۱۲۹۹ شمسی اصفهان ، ترسیم سید رضاخان هویدا است ، اکنون اثری باقی نیست (۲).

از عبارت فوق معلوم می شود که این مدرسه فاضل هندی ، از زمان آن بزرگمرد تا زمان شروع حکومت پهلوی اول ، باقی بوده ، و همانند بسیاری از مساجد و مدارس و اُبنیه دینی ، در دوره حکومت پهلوی ، از بین رفته است .

۴۴ - مدرسه فاطمیّه

از مدارسی است که در قرن یازدهم دائر بوده، و به نوشته آثار ملی اصفهان ، در ۱۰۶۷، طلبه نشین بوده است (۳) ولی هم اکنون اثری از آن نیست ، و در

ص: ۲۶۱

۱- فهرست کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱، صفحه ۷۰۰

۲- أنساب خاندانهای مردم نائین ، صفحه ۱۵۳، تألیف سید عبدالحجّه بلاغی و نیز در صفحه ۱۲۳ همان کتاب آمده است : و نیز مدرسه فاضل هندی که در محله کران و مجاور مسجد فاضل بود

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴

حوادث دورانهای پس از صفویّه ، از بین رفته است .

در کتابخانه دانشکده حقوق طهران ، نسخه ای از جلد دوّم « من لایحضره الفقیه » به شماره ۴۲۱ موجود است ، که شمس الدّین بن اسماعیل طالش ، آن را در رمضان ۱۰۶۷ ، در این مدرسه در شهر اصفهان کتابت نموده ، و همین نویسنده نسخه ای از « مشیخه من لایحضر » را در سال ۱۰۹۳ نوشته است (۱) .

۴۵ - مدرسه قاسمیّه هاشمیّه

مدرسه ای بوده در محله باغ مراد اصفهان (که هم اکنون خیابان گلزار از آن می گذرد) و روحانیت خاصی داشته است ، و در حال حاضر از آن اثری نیست ، ولی در سال ۱۱۱۶ هجری ، کتابی در آن مدرسه نوشته شده ، که نسخه آن نزد سید عبد الحجه بلاغی بوده است ، و ظاهراً این مدرسه در فتنه افغانها از بین رفته است (۲) .

۴۶ - مدرسه قرچقای بیگ یا مدرسه کلباسی

(۳)

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم ، که به وسیله قرچقای بیگ ، در زمان شاه صفی تأسیس گشته است ، و حاجی نصرت ، که خواجه او بوده ، سنگابی در سال ۱۰۷۵ در زمان شاه عباس دوّم وقف می کند ، که در کتیبه آن سنگاب ،

ص: ۲۶۲

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۹۳

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶۳ ، و نیز به کتاب أنساب خاندانهای مردم نائین . صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴ مراجعه گردد

۳- قرچقای در کتابهای تاریخی و جغرافیائی و دائره المعارف ها ، گاهی با قاف و گاهی با غین دیده میشود

أشعاری نقش بسته ، که اشاره به تأسیس مدرسه ، توسط قرچقای بیگ دارد(۱).

احتمال دارد ، حاجی کلباسی (مرحوم حاج محمد ابراهیم) متوفای ۱۲۶۱ ، مدرسه دیگری در همین منطقه تأسیس نموده باشد ، که وسعت آن یک جریب بوده است (۲) و مدتی پس از فوت آن بزرگمرد ، در سال ۱۳۵۷ قمری تخریب گردیده ، و تبدیل به خانه شده است (۳) .

ولی احتمال دیگری هست ، و آن این که ، مدرسه کلباسی (یا مدرسه کوچه کلباسی) و مدرسه قرچقای بیگ یکی بوده ، با این توضیح ، که حاجی کلباسی ، مدرسه قرچقای بیگ را تعمیر نموده ، و یا در آن تدریس نموده ، و لذا به نام آن بزرگمرد نامیده شده است ، نه آن که مدرسه جداگانه ای را آن پیشوا و مرجع دینی ، تأسیس نموده است (۴) .

فقیه و اصولی و محقق عظیم الشان ، آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی ، متوفای ۱۲۶۳ که از شاگردان ملا علی نوری و حاجی کلباسی بوده ، و صاحب تألیفات زیاد و از جمله ، یک دوره فقه در ۶ جلد ، و کتاب « مهجه الفؤاد » در

ص: ۲۶۳

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۲۰ ، ولی در کتاب آثار ملی اصفهان صفحه ۴۳ - ۴۲ اشتباهی رخ داده ، و چنین آمده است : به وسیله حاجی قرچقای بیگ در زمان شاه صفی (در سال ۱۰۷۵) بنا گردیده ، و حال آن که با دقت در اشعار سنگاب ، معلوم می شود ، زمان شاه صفی مربوط به تأسیس مدرسه ، و سال ۱۰۷۵ مربوط به تهیه سنگاب است . علاوه بر این که تاریخ ۱۰۷۵ ، متعلق به دوره شاه عباس ثانی است ، نه شاه صفی

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۳

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۶

۴- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴

شرح إرشاد علامه ، در چهارده جلد (۱) می باشد ، از ساکنین مدرسه حاجی کلباسی به شمار آمده است (۲) .

و نیز مرجع بزرگ جهان شیعه ، مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره متوفای ۱۳۸۱ قمری ، در دوره اقامت خود در اصفهان ، مدتی در این مدرسه ، تحصیل علم نموده اند (۳) .

نسخه ای از التلخیص ابن رشد أندلسی (در علم منطق) ، در کتابخانه ملی ملک وجود دارد، که در آغاز نسخه ، چند سطر (الجواهر النضید) علامه حلی است ، به خط نویسنده نسخه یاد شده ، که در مدرسه قرچقای بیگ ، در سال ۱۰۷۱ نوشته شده است (۴) .

و شخصی به نام صفی الدین بن فخر الدین بن نور الدین بن علی عاملی ، در سال ۱۱۰۴ ، در مدرسه قرچقای بیگ ساکن بوده ، و دو رساله به نامهای : « الصّحیفه » و « ألوجیزه » از آثار شیخ بهائی را ، کتابت نموده است (۵) .

۴۷ - مدرسه قطیبه

میرزا طاهر نصرآبادی ، صاحب تذکره الشعراء ، درباره میرزا باقر تبریزی ، تو قاضی زین العابدین تبریزی ، می نویسد :

میرزا باقر ، نواده اش جوان قابل صالح فاضلی است ، در تحصیل علوم سعی

ص: ۲۶۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۷

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۸۲

۳- علماء معاصرین خیابانی ، صفحه ۲۴۹

۴- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۷ - ۱۶۸

۵- فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی ، جلد ۱۹ ، صفحه ۱۱۰ - ۱۱۱

بسیار نموده ، حقاً که باقر علوم و جامع کمالات است . استفاده علوم از خدمت بندگان علامی ، آقا حسین (۱) نموده ، و باب توفیق به هدایت ایشان ، بر وی گشوده ، تدریس مدرسه قطیبه و تقسیم گندم و گوسفند تبارزه (۲) به طریقی که با جدّ مرحومش بود ، الحال با او است (۳) .

میرزا حسین بن امیر خسرو قهپائی ، در سال ۱۰۵۶ نسخه ای از شرائع را ، که به خطّ عبد القادر بن حیدر قهپائی نوشته شده بوده ، نزد جمال الدّین اردستانی در مدرسه قطیبه قرائت کرده است (۴) .

نویسنده متتبع آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، احتمال بسیار قوی داده اند که ، مدرسه قطیبه ، جزء مدارس هفت گانه محله مستهلک و عباس آباد باشد (۵) .

۴۸ - ۴۹ - ۵۰ مدرسه های قیصریه کهنه و کوچه عربان

شاردن ، پس از ذکر بازار غاز ، و حیمّام خواجه عالم ، و گودی که محلّ مرغ فروشی بوده است ، می نویسد : نزدیک این گود ، کوچه عربان است ، و به قیصریه کهنه ختم می شود ، که بالای آن ، عمارت نقاره خانه قدیم بوده ، و قبل از شاه عباس کبیر ، به هنگام شام و سحر نقاره می زده اند ، تا آنکه میدان شاه را ساخته و نقاره خانه بدانجا انتقال یافت . این محله دارای مدارس (۶)

ص: ۲۶۵

۱- منظور ، استاد کل فی الکل ، محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری است

۲- یعنی تبریزی ها

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۷۵

۴- فهرست نسخه های خطی مسجد اعظم قم ، صفحه ۲۳۴

۵- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۹۹

۶- کلمه مدارس جمع است و حدّ اقل دلالت بر سه مدرسه می نماید ، گرچه احتمال شمار بیشتری هم داده میشود

و کاروانسراها است ، که معروفترین آنها ، کاروانسرای اردستانی ها، و کوچۀ ای نیز به نام کوچۀ یهودی ها در آنجا است ، و کنیسهٔ مهم آنها در آن است ... ، کمی پائین تر ، قبرستانی است که مردم اصفهان ، به سبب قبر کمال اسماعیل ، آن را مقدّس می دانند (۱).

عبارات بالا ، که در مورد تمام یا قسمتی از محلهٔ جهانباره (جوباره ، جویباره) است ، نشان می دهد که مدرسه هائی در این قسمت وجود داشته (در دوره صفویه) که نه شاردن نام مشخص آنها را ذکر میکند ، و نه از طریق دیگر ، از خصوصیات این مدارس آگاهی حاصل شده است .

۵۱ - مدرسهٔ کِشه

مدرسه ای بوده در کوچۀ شیخ یوسف ، (مابین خیابان نشاط و خیابان ملک) که تا حدود شصت سال قبل ، (دورهٔ حکومت پهلوی اول) حیاط مدرسه و چندین حجره آن باقی بوده، و در آن دوره ، به وسیله همسایگان ، غصب و تصرف گردیده ، و به صورت خانه مسکونی در آمده است (۲) . از سال تأسیس و بانی آن ، مطلبی به دست نیامد .

۵۲ - مدرسهٔ کمرزین

شاردن ، در محلهٔ میدان کهنه ، از حَمّام و مدرسه و مسجد کمرزین یاد میکنند (۳) ، که در حال حاضر به جز مسجد کمرزین ، از بقیهٔ بناهای یادشده ، چیزی باقی نمانده است .

ص: ۲۶۶

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۱

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۰۳ ، و اظهارات شفاهی نویسنده محترم آن

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۸

در کتاب محیط ادب (مقاله اصفهان دارالعلم شرق) این مدرسه را جزء مدراس قبل از دوره صفویه برشمرده است (۱).

۵۳- مدرسه کوچک، در محله سر نیم آورد

مرحوم سید جزائری در شرح زندگی خود می نویسد :

... فَسَافَرْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ وَكُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَجَلَسْنَا فِي مَدْرَسَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا أَرْبَعُ

حُجْرَاتٍ فِي (سِرْنِيم آورد) وَجَلَسْنَا فِي حُجْرَةٍ وَاحِدَةٍ وَكُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَكُنَّا إِذْأُنْتَنَا فِي تِلْكَ الْحُجْرَةِ وَ أَرَادَ وَاحِدٌ مِّنَّا الْإِنْتِبَاهَ فِي اللَّيْلِ لِحَاجَةٍ ، إِنْتَبَهْنَا جَمِيعًا .. (۲).

از این عبارت ، دو مطلب مهم استفاده می شود .

۱- فراوانی طلاب ، تا جایی که جمعی زیاد آن هم با سابقه علمی ، در یک حجره سکونت یافته اند .

۲- مدرسه ای در سرنیم آور بوده ، که فقط چهار حجره داشته است ، و این مدرسه غیر از مدرسه نیم آور است ، که دو طبقه می باشد و حُجرات فراوان دارد و غیر از کاروانسرای مجاور مدرسه نیم آورد است که ، مدتهائی در حکم مدرسه ابتدائی برای مدرسه نیم آورد بوده ، و طلاب مبتدی در آن تحصیل می کرده ، و سپس به مدرسه نیم آورد نقل مکان می نموده اند ، زیرا مرحوم سید جزائری در هنگام اقامت در مدرسه یاد شده ، از علماء بوده ، و پس از مدتی اقامت در

ص: ۲۶۷

۱- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

۲- أنوار نعمانیه ، جلد ۴، صفحه ۳۱۲ یعنی : پس مسافرت کردیم به اصفهان و ما جمع زیادی بودیم ... پس سکونت نمودیم در مدرسه ای که به جز چهار حجره ، نداشت در (محله) سر نیم آورد و سکونت نمودیم در یک حجره ، و حال آنکه ما جماعت بسیاری بودیم ، پس هر گاه می خوابیدیم در آن حجره ، و یکی از ما می خواست در شب بیدار شود برای حاجتی ، به گونه ای بود که همه ما بیدار میشدیم

مدرسه ، با علامه مجلسی آشنا می شود، و آن بزرگوار او را به خانه خود می برند، چنانچه مرحوم سید ، می نویسند :

... ثُمَّ بَعْدَ هَذَا ، مَنْ اللَّهُ عَلَيَّ بِالْمَعْرِفَةِ مَعَ أَسْتَادِنَا الْمُجَلِّسِيِّ أَدَامَ اللَّهُ أَيَّامَ سَيِّلِ أَمَّتِهِ ، فَأَخَذَنِي إِلَى مَنْزِلِهِ وَبَقِيَتْ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَنْزِلِ أَرْبَعَ سِنِينَ تَقْرِيْباً وَقَدْ عَرَفْتُ أَصْحَابِي عِنْدَهُ فَأَيَّدَهُمْ بِأَسْبَابِ الْمَعَاشِ وَقَرَأْنَا عَلَيْهِ الْحَدِيثَ (۱) که از این عبارت استفاده میشود که مرحوم سید جزائری و دوستانش ، با حمایت علامه مجلسی ، مشکلات مالیشان حل شده ، و همگی از شاگردان علامه مجلسی گردیده اند (۲)

مدرسه کوچه عربان

به بخش مدرسه های قیصریه کهنه مراجعه شود .

مدرسه کوچه کلباسی «مدرسه کلباسی»

مقصود ، مدرسه قرچقای بیگ می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۵۴ - مدرسه گچ کُنان

شاردن ، در سفرنامه خود در محله میدان کهنه و بازار غاز ، دو مدرسه دیده ، یکی به نام « گچ کُنان » و دیگری به نام « مقصود عصار » که نزدیک به هم

ص: ۲۶۸

۱- انوار نعمانیه ، جلد ۴ ، صفحه ۳۱۲ ، یعنی سپس بعد از این ، خدا بر من منت گذاشت و مرا با استادمان (علامه) مجلسی که خدای روزگار سلامت را مستدام دارد ، آشنا ساخت پس (آن بزرگوار) مرا به منزل خود برد و مدت چهار سال (تقریباً) در نزد آن بزرگمرد باقی ماندم ، و دوستان و یاران خودم را نیز به آن بزرگوار معرفی کردم ، پس آنها را به وسیله اسباب زندگی یاری نمود و همگی در نزد او قرائت حدیث نمودیم

۲- از این مدرسه ، و داستان سید نعمت الله جزائری ، در بخش (نمونه هائی از آثار بزرگ علمی و معنوی حوزه علمیه اصفهان) نیز ، به مناسبت بحث نموده ایم

در مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق ، مدرسه گچ کُنان ، در زمره مدارس قبل از صفویه به شمار آمده است (۲).

ولی دلیلی بر کیفیت و سال تأسیس مدرسه ، به دست نیامده است ، و لذا در کتابهای « تاریخ فرهنگ اصفهان » و « تاریخ مدارس ایران » تنها به دلیل وجود این دو مدرسه در زمان صفویه ، (و در هنگام سیاحت شاردن ، و دیدار او از اصفهان) ، این دو را ، از مدراس دوره صفویه شمرده اند .

۵۵ - مدرسه مادر شاه

مدرسه مادر شاه ، بزرگترین مدرسه محله عباس آباد و محله مستهلک بوده و محل آن در نزدیکی امامزاده شاهزاده ابراهیم (بوده است (۳) .

بانی این مدرسه ، مادر شاه عباس دوم بوده ، و این مدرسه ، به کار مسجد نیز می رفته و محرابی که در جنب آن ساخته شده بوده ، بسیار بزرگ بوده است (۴) .

ولی در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۸۵ ، در بخش معرفی مدرسه چهارباغ (مدرسه سلطانی) می نویسد :
مدرسه چهارباغ یا مدرسه سلطانی ، که آن را مدرسه (مادر شاه) نیز نامیده اند ...

ص: ۲۶۹

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۰ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۱

۲- محیط ادب ، صفحه ۱۰۵

۳- تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۳۱ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶ ، سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۴۱ ، عبارات شاردن به روشنی نشان میدهد که محل مدرسه مادر شاه ، در محله مستهلک می باشد

۴- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۴۱ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۳ - ۹۴

ملاً یحیی طالقانی ، متخلص به فکری ، در این مدرسه ساکن بوده است (۱).

۵۶- مدرسه مبارکه

مدرسه ای بوده در محله طوقچی ، که مرحوم جناب در کتاب (الإصفهان) می نویسد ، مکتب آقامیرزا عبدالحسین در آنجا بوده است .

البته این مدرسه ، غیر از مدرسه مبارکيه (آقا مبارک) در آخر محله گلپهار (کوچه کرمانی نزدیک خیابان مشیر) می باشد ، زیرا مرحوم جناب، از مدرسه مبارکه محله گلپهار نیز ، جداگانه یاد می کند (۲).

مدرسه مبارکيه

مقصود ، مدرسه آقا مبارک می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

مدرسه محبتیه

مقصود ، مدرسه خواجه محبت می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

۵۷- مدرسه محرمیه

این مدرسه در شهر اصفهان ، در تاریخ جمادی الاولی ۱۱۰۸ هجری ، دائر بوده ، و محمد بن غنی جبلی ، در آن اقامت داشته است (۳).

ظاهراً ، این مدرسه همان است که خواجه محرم (مهر و سوگلی شاه صفی) در محله یزد آباد ساخته ، و در جوار آن مدرسه ، کاروانسرائی بوده به نام خواجه محرم ، که خود او ساخته بوده ، و درآمد آن به مصرف شاگردان آن

ص: ۲۷۰

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۱۱ ، به نقل از : تذکره نصرآبادی

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۱۲

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۲

مدرسه می رسیده است (۱).

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام رساله ای در نماز جمعه، تألیف مولانا محمد بن قاسم، از علماء نیمه دوم قرن یازدهم، مورد معرفی قرار گرفته که نسخه ای از آن، به خط محمد بن عبد الغنی جبلی، در مدرسه محرمیه اصفهان در تاریخ ۲۶ جمادی الاولی ۱۱۰۸، تحریر یافته است (۲).

۵۸ - مدرسه محمد صالح بیک

در محله شیخ یوسف بنا، در سمت چپ محله خواجه، در سمت مشرق، مدرسه ای بوده، به نام محمد صالح بیک، که حمامی متصل و متعلق به آن بوده است (۳) و در حال حاضر اثری از این مدرسه وجود ندارد.

۵۹ - مدرسه مرتضویه

مدرسه ای بوده در اصفهان، که در سال (۱۱۱۱) دائر بوده است (۴)، ولی از تاریخ تأسیس و نام بانی و خصوصیات بنای آن، و نیز تاریخ از بین رفتن آن، چیزی در دست نیست.

۶۰ - مدرسه مریم بیگم

یکی از مدارس مورد توجه، که وقفنامه و محتوای آن، مورد نظر و دقت قرار گرفته، و توجه مورخین و دانشمندان صاحب نظر، در مسائل میراث فرهنگی را

ص: ۲۷۱

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۷۴، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۹۰

۲- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۴۳۵

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۹۴ و تاریخچه محله خواجه، صفحه ۳۰ سفرنامه شاردن، صفحه ۱۴۴

۴- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۸۲، و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۲

به خود معطوف داشته ، مدرسهٔ مریم بیگم می باشد .

این مدرسه ، در مجاورت چهارسوق نقاشی ، و اول محلهٔ خواجو بوده ، و در حال حاضر در اختیار اداره آموزش و پرورش است ، و به صورت مدارس جدیده محلّ تحصیل دختران می باشد .

بانی مدرسه ، مریم بیگم دختر شاه صفی بوده ، و این مدرسه را در سال ۱۱۱۵ هجری ساخته ، و وقف کرده است (۱).

مدرسهٔ مریم بیگم دالان بلندی داشته ، و پس از آن ، صحن مدرسه بوده و در اطراف آن حجرات محلّ سکونت طلاب ، قرار داشته است .

در طرف راست و چپ ایوان شرقی مدرسه ، دو لوح سنگی مرمر نصب شده بوده ، که مضمون آنها متمم وقفنامه و شرائط سکونت در مدرسه بوده ، و این دو لوح ، در مدرسه مریم بیگم فعلی ، نگاهداری می شود و هر دو لوح به تاریخ ۱۱۱۶ هجری و به قلم علی نقی امامی (خطاط مشهور آن زمان) می باشد (۲).

بخشی از وقفنامه مدرسه چنین است :

... و از جملهٔ شروط این است که باید سکنهٔ مدرسهٔ مذکوره ، مشغول تحصیل علوم دینی ، که فقه و حدیث و تفسیر و مقدمات آنها است ، و صالح و متقی و پرهیزکار و از اهل قناعت باشند، و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده ، حجره خود را معطل و مقفل نگذارند ، بلکه شب و روز در حجره خود به مباحثه و مطالعه و عبادت مشغول باشند ، و اگر یک سال برآحدی بگذرد که

ص: ۲۷۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۲ ، البته اصل تأسیس مدرسه ار سالهای قبل بوده ، و این تاریخ ، مربوط به زمان نصب کتیبه و مدرسه میباشد . (دارالعلم شرق « مخطوط » ، صفحه ۲۲۰)

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۲ - ۶۶۷

ترقی در حال او به حسب علم و عمل نشده باشد، یا مظنون مدرّس شود، که قابل ترقّی نیست، از مدرسه إخراج نماید، و جماعتی که در عَرَض یک سال، به حسب علم و عمل ترقّی کنند، یا مظنون شود قابلیت و ترقّی ایشان، باید که زیاده از پنج سال، در آن مدرسه ساکن نشوند... (۱).

وقفنامه یاد شده، مشتمل بر شرائط سنگین، و مقرّرات مشکل می باشد، و چه بسا همین سخت گیری ها، در متروکه و مخروبه شدن مدرسه، و عدم تجدید بنای آن به صورت مدراس حوزه علمیّه، مؤثر بوده است.

سازنده مدرسه، با نظر بلند و دقّت خاصّی که به کار می گرفته، موقوفات بسیاری برای مدرسه و مدرّس و طلاب آن قرار داده بوده، که برخی از آن موقوفات، در تبریز و بسطام و قزوین (علاوه بر شهر اصفهان) بوده است (۲).

متن وقفنامه مدرسه مریم بیگم، از صفحه ۳۰۲ تا ۳۱۶ تاریخچه اوقاف اصفهان، نوشته مرحوم عبد الحسین سپنتا نقل شده که چندین قسمت است و هر قسمتی، مربوط به بخشی از موقوفه میباشد، که در تاریخی معین، وقف شده است بدین ترتیب: « سوّم شعبان المعظم ۱۱۲۸ » - « چهاردهم رمضان المبارک ۱۱۲۹ » - « نوزدهم شوّال المکرم ۱۱۲۹ » - « بیست و هفتم شوّال المکرم ۱۱۲۹ » - « شانزدهم شوّال المکرم ۱۱۳۰ » - « یازدهم ربیع المولود ۱۱۳۱ » « بیست و ششم رجب المرجب ۱۱۳۱ »، و چندین تاریخ دیگر، که هر کدام مربوط به رقباتی است که خریداری و وقف می شده است.

ص: ۲۷۳

۱- آثار ملی اصفهان، صفحه ۳۱، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و تاریخ فرهنگ اصفهان و تاریخ مدراس ایران و ..

۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۵

مهر و امضاء عالم و مرجع بزرگوار زمان ، میر محمد صالح خاتون آبادی ، و عالم دیگری ، به نام محمد باقر بن سید حسین ، به علاوه شخص مریم بیگم ، در این وقفنامه ، جلب توجه می نماید .

مدرّس رسمی مدرسه مریم بیگم ، شخصی به نام آقا شیخ علی بوده ، که در هنگام انتخاب شخصی برای منصب شیخ الاسلامی اصفهان، یکی از چهار نامزد برای این منصب بوده است (۱).

مریم بیگم ، زنی با فضیلت و علم دوست و مورد توجه بوده ، و لذا شیخ رضی الدین ، محمد بن بهاء الدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبد الله تستری ، کتاب (شرح أدعیه الشر) را به نام او تألیف نموده است (۲) .

معصوم بن میر اسحق حسنی ساوجبلاغی ، در سؤال ۱۱۲۵ نسخه ای از کتاب « ریاض الفتیان » را در مدرسه نواب عالیه ، مریم بیگم ، در اصفهان نوشته و نسخه یاد شده ، در کتابخانه جامع گوهرشاد می باشد (۳) .

مدرسه مسجد شاه

مقصود ، مدرسه شاه (مدرسه شاه عباس) می باشد ، به عنوان یاد شده ، و نیز در شرح حال مساجدی که محلّ فعالیت علمی بوده ، بخش مربوط به (جامع

ص: ۲۷۴

۱- در ابتداء ، پیشنهاد این منصب ، به مولی میر محمد باقر ، و سپس به آقا جمال خوانساری می شود ، و پس از نپذیرفتن این دو شخصیت برجسته ، چهار نفر نامزد می شوند ۱- شیخ علی مدرس ۲- میرزا عبدالله أفندی ۳- میرزا علیخان ۴- میر محمد صالح خاتون آبادی که در نهایت ، نفر اخیر به منصب شیخ الاسلامی منصوب گردید . (وقائع آلسنین ، صفحه ۵۵۴ - ۵۵۵ ، وقایع سال ۱۱۱۵)

۲- الذریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۶۷

۳- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۲۰ ، برگه ضمیمه

عباسی (مراجعه شود).

۶۱- مدرسه مشعلدار باشی

مدرسه ای بوده، در حدود کوچه کرمانی و بازارچه کلانتر، که از مشخصات آن چیزی در دست نیست (۱).

۶۲- مدرسه مقصود عصار

در محله بازار غاز، (أوائل خیابان ولی عصر علیه السلام فعلی، و نزدیک فلکه سبزه میدان)، دو کاروانسرا و دو مدرسه، یکی به نام مقصود عصار، و دیگری به نام گچ کُنان (نزدیک به هم) واقع بوده است (۲).

۶۳- مدرسه مقصودیّه ناظریه

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه ای از کتاب خلاصه الأذکار، تألیف مرحوم فیض کاشانی، به شماره ۳۸۱۰ موجود است، که آن را، بایزید بن نظام الدین عبد الرزاق بسطامی، در پنج شنبه ۲ ربیع الثانی سال ۱۰۹۹، در مدرسه مقصودیّه ناظریه، کتابت نموده است.

بنا به نظر آقای سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده معاصر) ظاهراً مراد از مقصودیّه ناظریه، مدرسه ای است که بانی آن، مقصود بیگ، ناظر شاه عباس و بانی چهارسوق مقصود بوده، و احتمالاً محل مدرسه، در همان محدوده چهارسوق مقصود و مسجد شاه، (جامع عباسی) بوده است (۳).

ص: ۲۷۵

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۲۲

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۸۰، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۹۱

۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۲۵

۶۴- مدرسه میرزاخان

شاردن در حدود محله دارالبطیخ، از خانه و مدرسه ای به نام میرزاخان یاد می کند (۱). وی از حاکم های زمان شاه عباس کبیر بوده است.

۶۵- مدرسه و مسجد میرزا رضی

شاردن، پس از ذکر کاخ میرزا رضی، می نویسد:

وصل به کاخ میرزا رضی، مسجدی است بدین نام، که او خود بنا نهاده، و دو طبقه و اطاقهای زیادی دارد، که در آن طلاب علوم دینی و ادباء، مسکن می گزینند، حوضی مقابل شبستان است. این مسجد دری بزرگ دارد و مانند سایر مساجد، زنجیری از آن در آویخته است (۲).

عبارات بالا نشان میدهد که این مسجد، دارای شبستان بوده، و حجرات زیادی در دو طبقه داشته، که مسکن طلاب و ادباء بوده، و مجموعه (مسجد و مدرسه) را شکل می بخشیده است.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه ای از کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی، به شماره ۱۷۱۹ وجود دارد، که محمد کاظم بن ملا محمد تقی لقمانی مازندرانی، در سال ۱۹۹۳ در مدرسه میرزا رضی، در اصفهان از نوشتن آن فارغ گردیده است (۳). و هم چنین نسخه ای از کتاب «برهان شفاء - نفس شفاء - نبات شفاء» به وسیله محمد رضا قمی، در سال ۱۰۸۰ در مدرسه میرزا رضی نوشته شده، که این نسخه، در کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین

ص: ۲۷۶

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۸۰، و تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۱

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۳۳

۳- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۳۷

مهدوی ، موجود می باشد(۱). محلّ مدرسه میرزا رضی ، در حوالی قصر منشی (منشی الممالک) نزدیک خیابان نشاط فعلی بوده ، و میرزا رضی ، پسر حوّا بیگم ، دختر شاه عباس کبیر می باشد (۲).

شخصیتی عجیب و شگفتی آفرین

شاردن ، در مورد میرزا رضی و عجائبی که از او دیده ، مطالبی می نویسد که ، قسمت هائی از آن را عیناً نقل می نمائیم :

... حوّا بیگم ، دختر شاه عباس کبیر است ، که با صدر خاصّه (۳) ازدواج کرد، و میرزا رضی ، تنها پسر صدر خاصه و حوّا بیگم بوده ، صدر ، در جوانی مرد و حوّا بیگم به عقد ازدواج یک روحانی دیگر در آمد ، که او را برای تجلیل واحترام ، به مقام صدارت خاصّه رساندند ، حوّا بیگم باز فرزندان آورد ، که دو نفرشان پسر بودند ... ، این سه پسر همه کور هستند (در اینجا علت این که آنها را عمداً کور کرده اند ، ذکر می کند) . میرزا رضی با وجود کوری ، زیاروی و

ص: ۲۷۷

۱- دار العلم شرق ، صفحه ۲۳۷ ، برگه ضمیمه

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۷

۳- صدر خاصّه متصدی موقوفه های خاندان سلطنتی در حکومت صفویّه بوده ، چنانچه صدر عامه متصدی امور موقوفات در تمامی کشور بوده است . (تاریخچه اوقاف اصفهان ، صفحه ۳۱۹) البته باید توجه داشت که مناصب دینی در حکومت صفویه ، از قبیل صدارت عامه و خاصه ، شیخ الاسلامی ، امامت جمعه ، قضاوت و ... گاهی در مورد یک نفر جمع میشده ، و گاهی کسانی ، هر منصبی را به دست می آورده اند و اختیارات صاحبان آن مناصب نیز ، همیشه یکسان نبوده است . برای آشنائی بیشتر با این مطلب ، به تاریخچه اوقاف اصفهان از صفحه ۳۱۹ به بعد و زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، از صفحه ۲۷۲ به بعد و نیز سفرنامه های شاردن و تاورنیه و سانسون مراجعه شود)

خوش منظر است ، و نه تنها فاقد بینائی است ، بلکه چشم هم ندارد ... ، مهارت و لیاقت شاهزادگان کور ایران ، در امور صنعتی و هنرهای دستی ، باور نکردنی است ، خانواده مذکور ، نمونه های عجیبی در این باره دارند . میرزا رضی ، عالم ریاضیات به ویژه در جبر و مقابله است ، که تصاویر و محاسبات ریاضی را ، با چوبهای کوچکی انجام میدهد ، و علاقه شدیدی به ساعت های جیبی و ساعت های دیواری دارد ، و به همین نسبت که آنها را دوست می دارد ، از ساختمان آنها نیز سر رشته و اطلاع کافی دارد . قریب دویست عدد ساعت های خود را به من نشان داد . ساعت را باز و بسته می کند ، و کوچک ترین قطعات و اسباب آن را که مخلوط باهم باشد ، از یکدیگر جدا ، و ساعت را مجدداً سوار می نماید ، این کار با چنان سرعتی انجام می گیرد ، که اگر انسان نوار جلوی چشم او را مشاهده نکند ، تصور کوری او مشکل می باشد ، این نوار دستمال آبریشمی کوچکی است ، که برای پنهان داشتن منظر ، موحش کوری ، روی چشم می بندد ... هنگامی ، من یک ساعت معمولی را که جعبه آن طلاکاری و مینا بود ، با ساعت های دیگری که جعبه های آنها نقاشی جنگی داشت ، و بسیار ظریف بودند ، درهم کرده و به او دادم ، که اشخاص بینا ، که چندان اطلاعی از ساعت نداشتند ، به زحمت آنها را از هم تمیز می دادند ، به محض این که به دست او رسید ، فوراً شناخته ، آنها را کنار گذارد ، و به من گفت : چرا این ساعت معمولی را با ساعت های دیگر که بسیار زیبا هستند مخلوط کرده ای ؟

او یک چرخ یا یک عقربک بدی را ، میان بیست عدد آنها که با هم کار می کردند ، می شناخت و بیرون می آورد ، و خورد می کرد ... من مطلب دیگری درباره مقایسه این دو برادر (میرزا رضی و برادر او) و معرفت و مهارت ایشان در علوم ریاضی ، که در آن کتابها تألیف می کنند ، و آن را تدریس می نمایند ،

نمی گویم ، فقط راجع به برادر ارشد (میرزا رضی) مطالبی می نگارم ، و نسبت به برادر کهتر به همین اکتفا میکنم ، که تقریباً برابر و مانند برادر بزرگتر است

این کور عجیب ، محاسبه حرکات سماوی را با دقت انجام می دهد و معادلات سه مجهولی را مانند بهترین منجمین اروپا ، حل می کند .

من مکرر عملیات ریاضی و تدریس این شخص را ، دیده ام که با نیروی سرانگشتان خویش ، می خواند و می نویسد (البته با توجه به این که خطوط و نقوش مخصوص نابینایان ، در آن زمان وجود نداشته ، اهمیت مطلب معلوم می شود) ... برادر کمالتر ، یک هنر عجیب و باور نکردنی دارد ، که هیچ شخص کوری ندارد ، و آن این است که به کمک قطعات چوب ، شکل انسان و حیوانات و گل و اشکال دیگر را ، مانند بهترین نمونه و سرمشق ، میسازد . من از دیدار این شخص و مشاهده اعمال ماهرانه ، و تند دستی او ، بسیار در شگفت ماندم (۱) .

میرزا رضی ، که ریاضی دان بزرگی بوده ، در زمره علماء روحانی به شمار می رفته ، چنانچه خود او برای اثبات اولویش ، برای تولیت موقوفه ای خانوادگی ، که طبق دستور واقف و وقفنامه ، باید تولیت آن بر عهده أعلم و أعدل افراد خانواده باشد ، این عبارت را گفت : چگونه با وجودی که من کورم ، لیاقت و شایستگی تولیت را ندارم ، من از هر کس طبق نظر واقف ، بیشتر صلاحیت این کار را دارم ، زیرا ، هم عالمی روحانیم ، و هم از نسل شاهم (۲) .

۶۶ - مدرسه میرزا عبد الله أفندی

محقق بزرگ ، میرزا عبدالله أفندی جیرانی اصفهانی ، که عالمی بسیار متتبع

ص: ۲۷۹

۱- سفرنامه شاردن ، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۳۳

و دانای به فنون متداوله بوده است ، در جوار منزل خود ، مدرسه ای ساخته بوده ، که در آن ، به إفاده و تدریس ، اشتغال داشته است (۱).

میرزا عبد الله أفندی ، صاحب کتاب نفیس و ارزشمند «ریاض العلماء» ، میباید و ظاهراً ساکن محله جیران بوده ، و طبق تحقیق آقای عباس بهشتیان ، محله جیران ، جنب کارخانه پروین ، (واقع در خیابان پروین فعلی) در قسمت شرقی کوهسار، قرار داشته است (۲) و بر این مبنا، محلّ مدرسه یاد شده در محله جیران (خیابان پروین فعلی) بوده ، و در دوران آبادی و گسترش اصفهان ، معمور بوده، و در فتنه أفغان ، متروکه و مخروبه گردیده است .

۶۷- مدرسه میرزا قاضی

شاردن در ضمن شرح محله نیم آورد می نویسد : میان این محله ، گود نسبتاً بزرگی است به نام گود نیم آورد ، که بالاتر از آن ، کاروانسرای فیل و کوچه موتابان ، و سپس قصر و مدرسه میرزاقاضی شیخ الإسلام است (۳).

مدرسه ناظریه

مقصود ، مدرسه مقصودیّه ناظریه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود

۶۸- مدرسه نجفقلی بیگ

مدرسه ای بوده که نجفقلی بیگ ناظر ، در اصفهان ساخته و در تاریخ ۱۱۰۴ هجری ، معمور بوده و در آن تاریخ ، جلال الدّین محمّد بن عماد الدّین محمود

ص: ۲۸۰

۱- تاریخ حزین ، صفحه ۶۳ ، و کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۳۱

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۰ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۲

لاهیجی ، نسخه ای از « تهذیب » را از کتاب زکوه تا آخر باب اجارات ، تحریر نموده است (۱). در حال حاضر از این مدرسه ، اثری وجود ندارد .

۶۹- مدرسه نجفیه ، معروف به مدرسه توشمال باشی

(۲)

مدرسه ای بوده ، که در اواخر قرن یازدهم دایر بوده، و در سال ۱۰۸۴ هجری ، محمد طاهر بن حاج محمود اشتهاردی ، نسخه ای از «شفاء» بوعلی را ، در آن نوشته است . نسخه یاد شده در کتابخانه فرهنگ اصفهان (وابسته به مدرسه سلطانی ، چهارباغ) موجود میباشد (۳) .

از مدرسه یاد شده و اطلاع دیگری در زمینه سال تأسیس و بانی و چگونگی ساختمان و ... ، به دست نیامده است .

۷۰- مدرسه نزدیک مسجد لبنان

مدرسه ای بوده از هفت مدرسه محله عباس آباد (متعلق به دوره صفویه) ، در نزدیکی مسجد لبنان ، در دنباله کوچه نگارستان ، که باقی مانده آن ، به صورت نمازخانه کوچکی در خیابان اردیبهشت در آمده است (۴) .

۷۱- مدرسه نواب

در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی ، نسخه ای از « من لا یحضره الفقیه » شیخ صدوق ، به خط نسخ محمد علی بن محمد رضا تونی خراسانی ، وجود دارد ،

ص: ۲۸۱

۱- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، جلد پنجم ، صفحه ۵۹

۲- توشمال = ناظر و خوان سالار و چاشنی گیر و رئیس طائفه لرها (فرهنگ نفیسی)

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۸

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۴

که در سال ۱۱۴۵ در اصفهان ، در مدرسه نَوَاب نوشته است (۱). و در کتابخانه مسجد اعظم قم ، نسخه ای از « مقاصد العلیّه فی شرح الألفیّه » از شهید ثانی وجود دارد، که به خط رفیع بن محمد بن مظفر حسینی دیهوکی طبسی گیلکی ، نوشته شده در تاریخ ۱۱۰۰، در شهر اصفهان ، در مدرسه نَوَاب (۲) می باشد .

احتمال داده می شود که ، مدرسه نَوَاب همان مدرسه شفیعیه احمد آباد باشد، که در کوچه نواب بوده است . به بخش مدرسه شفیعیه احمد آباد، مراجعه شود .

۷۲- مدرسه وزیر «مدرسه صدر عامه»

شاردن ، در نزدیکی حمام شیخ بهائی ، و کوچه آقا شیر علی ، از مدرسه ای به نام وزیر موقوفات (صدر عامه) یاد می کند (۳).

در تعیین محل دقیق این مدرسه و خصوصیات آن ، احتمالاتی داده شده ، ولی دلائل قطعی و قانع کننده برای این مطلب ، به دست نیامد .

مدرسه هاشمیّه قاسمیّه

مقصود ، مدرسه قاسمیّه هاشمیّه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

هفت مدرسه خواجه

عنوان بالا ، در بسیاری از کتابهای تاریخ و جغرافیا مطرح گردیده ، که مراد از آن، مدارس است در محله خواجه ، به نامهای :

۱- مدرسه پریخان خانم ، ۲- مدرسه زینب بیگم ، ۳- مدرسه اسفند یار بیگم ،

ص: ۲۸۲

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی ، جلد ۷، صفحه ۲۸۸

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۴۳۳

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۲ ، تاریخچه اوقاف اصفهان ، صفحه ۳۱۹

۴- مدرسه دده خاتون ، ۵- مدرسه سارو تقی (که در محل آن ، مدرسه آقا شیخ محمد علی ساخته شده است) ۶- مدرسه مریم بیگم ۷- مدرسه شاه حسن (اوزون حسن) (۱).

البته شاردن ، در سفرنامه اش ، شمار مدارس محله خواجه را در زمان صفویه ، هشت عدد میدانند ، و چنین نوشته است: محله خواجه ، که آن را محله حسن آباد نیز می نامند ... ، شامل یکهزار و یکصد و یازده خانه ، و دوازده مسجد کوچک و بزرگ ، و پانزده کاروانسرای بزرگ و کوچک ، و هشت مدرسه ، و بیست حمام ، و دوازده بازار است (۲).

هفت مدرسه ، دنبال نهر فرشادی

(۳)

در دنبال نهر فرشادی ، (در محله عباس آباد و کوی مستهلک) هفت مدرسه وجود داشته است ، که در کتب تاریخ و جغرافیا ، با همین عنوان (هفت مدرسه) از آن یاد می شود ، و ما برخی از آنها را جداگانه مورد معرفی قرار داده ایم ، و اینک نام پنج عدد از آنها را که یافته ایم ، به دنبال هم ذکر می کنیم: ۱- مدرسه شمس آباد ۲ - مدرسه آقا کمال خازن ، ۳- مدرسه عباس آباد ، ۴- مدرسه نزدیک

ص: ۲۸۳

-
- ۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۹ ، البته ما در باره هر مدرسه ای جداگانه بررسی کرده ایم
 - ۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۲۷
 - ۳- نهر فرشادی ، نهری است که از محله لبنان عبور میکند و به محله شمس آباد مرور نموده و از زیر چهارباغ قدیم میگذرد و از میان مدرسه چهارباغ سلطانی و نیز از میان کاروانسرای بازارچه بلند که خلف مدرسه است عبور نموده و ... (نصف جهان فی تعریف الإصفهان ، صفحه ۱۰۰)

مسجد لبنان (در دنباله کوچه نگارستان) ، ۵- مدرسه مادر شاه (۱).

در کتاب ارزشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، در صفحات ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۳۰ به نحو اجمال و با عنوان هفت مدرسه ، از این آثار دوره صفویه ، یاد شده ، و محله آنها اطراف و جنب شاهزاده ابراهیم (واقع در محله مستهلک ، خیابان ابوذر فعلی) ذکر شده است .

آن رشک جنان را که لقب نصف جهانست

زان نصف جهانست که نصفش به جهانست

خُلد است بدان نصفه که آن نصفه عیانست

ماه است بدین نیمه که این نیمه عیانست

گر کُلّ جهان نیست ولی کمتر از آن نیست

ور نصف جهانست ولی خوشتر از آن است

در هر قدمش صد اثر از دانش و علم است

وز هر رقمش صد هنر از پیشه وران است

از لطف إله آنهمه آواز □ توحید

از مسجد وی خاسته با بانگ اذان است

آن مسجد شاهی نسبش از در نسبت

گر کعبه خُرد است ولی مهد امان است

وان گنبدش از گنبد گردنده باواز

لئیک اجابت را پیغام رسان است

امیری فیروز کوهی

۱- به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۵ مراجعه شود

۵- مدارس علمیه اصفهان پس از دوره صفویه تاکنون

اشاره

ص: ۲۸۵

با این که حوزه علمیّه اصفهان پس از قرن یازدهم و دوران پرفروغ و درخشش خود، با وجود شیخ بهائی ها و میردامادها، مجلسیها و فاضل هندی (اصفهانی) ها، در اثر حوادث تلخ تاریخی، گرفتار سخت ترین مشکلات و نابسامانی ها گردید، و شهر اصفهان در اثر ضربه های گوناگون، به رکود و ویرانی شدید دچار گردید، و در طول سالیان ممتد، از تأسیس مساجد و مدارس جدید آلاحداث، در سطحی وسیع و مناسب شئون و عظمت شهری بزرگ و تاریخی محروم گردید، ولی با این حال، در قرن سیزدهم و چهاردهم، و بالخصوص در سی ساله اخیر، نه تنها مساجدی بزرگ و جالب همانند: مسجد سید و مسجد رحیم خان (مسجد الزّحیم) و مسجد حاج محمد جعفر آباده ای و مسجد آیه الله امامی و مسجد آلّبی و ...، باهمت علماء و مجتهدین عالیقدر و مردم با ایمان این شهر، تأسیس گردید، بلکه مدرسه های علمیّه ای ساخته شد، و مدارس علمیّه قدیمی، تعمیر اساسی و در بعضی موارد، تجدید بنا گردید، و مخصوصاً در ربع قرن اخیر، حرکت بسیار جالبی در تجدید رونق مدارس علمیّه، و ایجاد تحرک علمی و توسعه و گسترش فعالیت علمی و تبلیغی حوزه علمیّه، در این شهر بزرگ و تاریخی انجام گرفته، و در حال رشد می باشد، و علمای بزرگ و مدرّسین عالیقدر، نقش ارزشمند خود را ایفا نموده و مینمایند.

و اینک ، در این بخش ، مدارس علمیّه ای را که در قرن سیزدهم و چهاردهم ، و اوائل قرن پانزدهم (تا زمان تنظیم این نوشتار ، در سال ۱۴۱۳ قمری) تأسیس گشته ، مورد بحث و معرفی قرار می دهیم ، و به ترتیب حروف الفباء ، از آنها یاد می کنیم :

۱- مدرسه الغدیر

مدرسه ای است در منتهی الیه خیابان مشیر انصاری ، در کوچه ای که به خیابان هاروتیه ، متصل می گردد ، و در اصل ، منزلی مجلل و مسکونی بوده ، که جزء میراثهای فرهنگی به شمار می رود ، و در سال ۱۴۰۵ قمری ، تبدیل به مدرسه علمیّه گردیده است .

مساحت این مدرسه ، ۲۴۰۰ متر می باشد ، و تغییرات و تجدید بنا (در قسمتی از ساختمان) و تعمیراتی اساسی یافته ، و زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، در اختیار حوزه علمیّه قرار گرفته ، و محلّ تشکیل شماری از جلسات درسی برنامه مفصل مدرسه ذو الفقار (۱) می باشد .

سردری مجلل و باشکوه برای مدرسه الغدیر تأسیس گشته ، که با کاشی های معرق و آجر نما و قطار بندی های زیبا ، تزئین گشته ، و بر شکوه مدرسه افزوده است . بالای درب اصلی مدرسه ، در کتیبه ای زیبا ، بر روی کاشی معرق ، چنین نوشته شده است :

با تأییدات خداوند متعال و عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم ، حجه بن

ص: ۲۸۸

۱- درباره برنامه درسی بسیار مفصل مدرسه ذو الفقار ، و مدارس وابسته ، در بخش مدارس علمیّه دوره صفویّه (قسمت مربوط به مدرسه ذو الفقار ، بررسی و توضیح مفصل داریم

الحسن العسکری (عج) ، این مدرسه مبارکه ، به عنوان یادبود مرحوم مغفور ، حاج ملا حسین سمائیان رحمه الله علیه ، جهت تحصیل طلاب حوزه علمیه اصفهان وقف خاص مؤید گردید ، و استفاده برای هیچ کس و هیچ کار دیگر ، جز به موارد مقرر در وقفنامه ، جایز نیست . تاریخ اول محرم ۱۴۰۵ .

علاوه بر کتیبه یاد شده ، در مجموع کاشی کاری سر در جالب مدرسه ، سوره (علق) و أسماء مبارکه چهارده معصوم علیهم السلام و ... ، با خط زیبا، نوشته شده است

نامگذاری مدرسه

پس از آن که مدرسه یاد شده آماده بهره برداری گردید ، نویسنده این سطور (حاج سیهّد حجّه موحد ابطحی) با توجه به شرایط آن روز جامعه و فعالیت‌های عناصر مغرض و مفسد ، برای تضعیف امر ولایت ائمه معصومین علیه السلام و بالأخص امیر المؤمنین علی علیه السلام ، به حضرت آیه الله فقیه امامی دامت برکاته پیشنهاد کردم که نام مدرسه را (الغدیر) بگذارند، و ضمناً جشن باعظمتی را نیز همه ساله در عید سعید غدیر خم (۱۸ ذی الحجه الحرام) در این مدرسه بر پا سازند، و آن بزرگمرد، با توجه به علاقه شدیدشان نسبت به مسئله ولایت اهل البيت عليهم السلام عموماً ، و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خصوصاً ، و هر دو پیشنهاد را پذیرفتند ، و مدرسه ، به نام (الغدیر) نامگذاری شد ، و در کاشی کاری بالای درب مدرسه ، این نام مبارک نصب گردید ، و همه ساله ، جشنی بسیار جالب و پرشکوه ، به مناسبت مراسم عید غدیر خم ، و انتصاب مولی الموحّدين ، امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی بلافضل حضرت خاتم الأنبياء ، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله ، برگزار می گردد ، و طبقات مختلف از حوزه علمیه و دانشگاه ، و تمامی مراکز اجتماعی و ادارات دولتی و اصناف و کسبه ، شرکت می نمایند .

۲- مدرسهٔ امیر المؤمنین علی علیه السلام

مدرسه ای است که در نزدیکی فلکهٔ قدس (طوقچی) و در محلّ مصلاّی قدیم طوقچی، در کنار مسجد بزرگ و با اهمیتی، تأسیس گردیده است.

مدرسهٔ یاد شده، دو طبقه است با ۸۰ حجره و امکانات مناسب، که ۲۰ حجرهٔ آن تکمیل شده و محلّ سکونت طلاب می باشد، و در حال حاضر ۳۰ نفر طلبه دارد. فعلاً، کتابخانه ای با حدود ده هزار جلد کتاب و امکانات کامپیوتری، در مدرسه علمیه امیر المؤمنین علی علیه السلام فعالیت دارد، ولی در آینده، در قطعه زمینی که تهیه شده، بنا دارند کتابخانه مفصل و مستقلی تأسیس نمایند، که مجموعهٔ (مسجد - مدرسه - کتابخانه عمومی) در کنار هم قرار گیرد.

تأسیس مسجد و مدرسهٔ یاد شده، در دورهٔ اخیر، در سال ۱۴۰۰ قمری، به وسیلهٔ یکی از روحانیون پر تلاش اصفهان، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید نورالدین جعفریان انجام شده، و در حال تکمیل و توسعه می باشد.

مدرسهٔ امین الدوله

مراد، مدرسهٔ صدر خواجه می باشد، که عبد الله خان امین الدوله صدری، فرزند حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، ساخته است (۱) به عنوان مدرسهٔ صدر خواجه، مراجعه شود.

۳- مدرسهٔ علمیّه باقر العلوم علیه السلام

مدرسه ای است واقع در خیابان احمد آباد، نزدیک آزمایشگاه و رادیولوژی (مهدیه)، که در حدود سال ۱۴۰۵ قمری، زیر نظر یکی از روحانیون اصفهان،

ص: ۲۹۰

حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای سید کمال فقیه ایمانی ، تأسیس گشته است

مدرسه یاد شده دو طبقه است ، با حدود ۲۵ حجره ، که تعدادی از آنها برای تدریس ، و شماری برای سکونت طلاب ، مورد استفاده قرار می گیرد .

درسهای مدرسه باقر العلوم علیه السلام ، در دوره مقدمات و سطح می باشد ، و سردر آن ، با کاشی های معرق و کتیبه های زیبا ، با خطی نیکو تزئین گردیده است .

۴- مدرسه پاقلعه «مدرسه صدر پاقلعه»

حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی ، که مردی دیندار و علاقه مند به حفظ آثار گذشته بوده ، تا جایی که درباره او گفته شده : اگر علاقه و دلسوزی آن مرحوم نبود بسیاری از آبنیه عهد صفویه ، همان وقت از بین می رفت (۱).

وی علاوه بر تعمیر و احیاء آثار ارزشمند دوره حاکمیت صفویه ، بناهایی به سبک دوره صفویه ایجاد نمود ، و مدرسه ها و آثار دینی دیگری ، از خود به جای گذارد .

مدرسه صدر پاقلعه ، که در محله پاقلعه ، و در نزدیکی قلعه طبرک (طبره) قرار گرفته ، یکی از آثار مرحوم صدر میباشد . این مدرسه دارای شبستانی جالب برای اقامه نماز جماعت و ده حجره برای طلاب علوم دینیته می باشد ، و مجموعه (مسجد - مدرسه) را شکل می بخشد ، و سالهائی است که فقط به عنوان مسجد و فعالیت های تبلیغی از آن استفاده می شود .

به نوشته مرحوم جناب ، طول و عرض مدرسه ۳۲×۳۲ میباشد (۲) ، و یک طبقه است ، و سردر و دالانی جالب دارد ، و اطراف صحن آن ، با کاشی های

ص: ۲۹۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفان ، صفحه ۷۵۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۵۲

خشت هفت رنگ ، تزیین شده است .

کتیبه سر درِ مدرسه ، که تاریخ ۱۲۱۷ قمری را نشان می دهد ، مشتمل بر چنین عباراتی می باشد :

لَقَدْ بَنَى هَذِهِ الْعِمَارَةَ الْمُشْتَمِلَةَ عَلَى الْمَسْجِدِ الشَّرِيفِ (۱) وَالْمَدْرَسَةِ الرَّفِيعَةِ، فِي زَمَنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَالْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ،
مُحْيِي مَرَامِ الشَّرِيعَةِ الْغَرَاءِ وَ مُشَيِّدِ مِلَّةِ الْبَيْضَاءِ، مُرَوِّجِ آثَارِ أَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ (۲) ... فَتَحَعَلَى شَاهِ قَاجَارٍ .. أَعَدَلَ حُكَّامِ الزَّمَانِ وَزَائِرِ
بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ، حَاجِي مُحَمَّدِ حُسَيْنِ خَانَ ... الْوَالِي فِي دَارِ السُّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ .. فِي عَامِ سَبْعِ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ بَعْدَ الْأَلْفِ ۱۲۱۷ (۳) .
تولیت این مسجد و مدرسه ، با خاندان سید العراقین و از جمله ، مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین متوفای ۱۳۵۰
قمری می باشد (که از مجتهدین بزرگوار ، و از علماء و مدرّسین عالیقدر ، و از خاندان بزرگ و علمی سادات پاقلعه بوده ، و
سالهائی عهده دار سرپرستی و تولیت مدرسه و مسجد بوده است) (۴) .

۵- مدرسه جوادیه

مدرسه ای است متّصل به مدرسه محمودیه ، و در فاصله نزدیکی با مدرسه ذوالفقار ، که در اصل منزل مسکونی بوده و با
تغییراتی ، به صورت مدرسه در آمده ، و در حال حاضر ، محلّ تشکیل جلسات درسی برنامه وسیع مدرسه ذوالفقار و مدارس
وابسته ، می باشد .

ص: ۲۹۲

۱- به جای عبارت فوق ، باید المسجد الشریف باشد

۲- به جای عبارت بالا ، باید ألمله البيضاء ، و الأئمة الطاهرين می باشد

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۵۰

۴- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۵۲

مدرسه ای است متصل و وابسته به مسجد رکن الملک، واقع در خیابان فیض در اول تخت فولاد اصفهان، که به وسیله « رکن الملک شیرازی »، تأسیس گشته است. سر در مسجد و مدرسه، در خیابان فیض، از زیبایی و شکوه خاصی برخوردار می باشد، و سپس حیاط مدرسه است، که شش حجره دارد، و از آنجا به صحن مسجد منتهی می شود.

صحن مسجد بزرگ است، و در قسمت جنوبی آن، ایرانی زیبا و گنبدی بزرگ و باشکوه ساخته شده، که بر ستونهای سنگی بلندی استوار است، و چهار ماده تاریخ از چهار شاعر، بر روی ستونهای سنگی، منقوش گردیده است.

ساختمان مدرسه و مسجد رکن الملک، با سر در زیبا و نماسازی کاشی کاری، و گنبد بزرگ و زیبا و صحن وسیع و حوض بزرگ و استحکام بنا، و کتیبه های گوناگون، و سایر مزایای این مجموعه دینی و علمی، نشانه بلند نظری و اعتقاد دینی و ذوق و لطافت روحی رکن الملک و شعرای معاصر و معاشر با او، و هم چنین هنر و ذوق هنرمندان و معماران آن دوره می باشد.

ساختمان مدرسه و مسجد، چندین سال طول کشیده و تاریخهای گوناگون از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۴ قمری، در آن دیده می شود، که تاریخ پایان بنا، همان ۱۳۲۴ می باشد (۱). مدرسه رکن الملک، در حال حاضر به علت دوری از مرکز حوزه علمیه و علل دیگر، مورد سکونت و استفاده طلاب علوم دینی

ص: ۲۹۳

۱- مجله یادگار، سال سوم، شماره نهم، ص ۳۸، مقاله سید محمد صدر هاشمی - کتیبه لوح سنگی منصوب به دیوار آب انبار مسجد رکن الملک، مشتمل بر ماده تاریخی است، که سال ۱۳۲۵ را نشان می دهد. (گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۸۰۷)

نمی باشد، و در اختیار امور مسجد و اهالی محل قرار دارد.

مرحوم رکن الملک، بانی مسجد و مدرسه، سلیمان خان شیرازی، متخلص به (خلف) و ملقب به (رکن الملک) و متوفای ۱۳۳۱ قمری می باشد. وی در ابتدای امر، به تحصیل علم و دانش و خط نسخ تعلیق (نستعلیق) و شکسته پرداخت، و در زمینه خط، به مقامی بلند دست یافت، که محسود اقران گردید (۱) و در زمینه شعر و ادب تا آنجا اقدام نمود که دیوان شعرش مشتمل بر پنجاه هزار شعر، از غزل و قصیده و قطعه و مثنوی می باشد، و در فن انشاء، مهارتی بسزا داشته است (۲).

مرحوم رکن الملک، با آنکه نائب الحکومه اصفهان بوده، و با ستمگری جنایت پیشه، همانند ظل السلطان، معاشرت داشته، ولی به علمت اعتقاد و ایمان مذهبی از یک طرف، و علم و دانش و ذوق ادبی و شعر از طرف دیگر، به دادِ مظلومان می رسیده، و به دانشمندان و شعراء، احترام می گذارده، و در ترویج علم و دین، می کوشیده است (۳).

از آثار زیاد او، علاوه بر مسجد و مدرسه رکن الملک، بنای بقعه آقا محمد بید آبادی، و بنای بقعه حاج محمد جعفر آباده ای، و تعمیر و مرمت تکیه میرفندرسکی، و تعمیر مسجد سرخی «سفره چی» (که متعلق به جدّ اعلای خودش بوده) و آئینه کاری ایران حرم عسکریین علیهم السلام، در سامراء، و چاپ قرآنها رکن الملکی، و زاد المعاد رکن الملکی، و تأسیس شرکت اسلامیّه،

ص: ۲۹۴

۱- فارسنامه ناصری، جلد ۲، صفحه ۲۵، چاپ قدیم و صفحه ۹۱۶ چاپ جدید

۲- مجله یادگار، سال سوم، شماره نهم، صفحه ۴۵

۳- دانشمندان و سخن سرایان فارس، جلد ۲، صفحه ۴۵۵، و دیگر کتب تراجم و تاریخ و جغرافیا

و تأسیس ادارهٔ دعوتخانه اسلامی، (جهت تبلیغ اسلام)، و تأسیس مجلهٔ (الإسلام)، یا (گفتگوی صفاخانه اصفهان) می باشد، که برای مبارزه با تبلیغات مسیحیان انجام گرفته است (۱)، و هم چنین از آثار او، چاپ صحیفهٔ سجادیهٔ حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام می باشد، که نسخه های زیادی از آن را همانند نسخه های قرآن و زاد المعاد) به رایگان در اختیار مردم گذارده است (۲).

مدرسهٔ سید العراقین

منظور، مدرسهٔ صدر پاقلعه است، که گاهی به احترام متولّی آن، مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین، متوفای ۱۳۵۰ قمری (که از مجتهدین بزرگوار بوده، و از خاندان بزرگ و علمی خاتون آبادی می باشد)، به نام «مدرسه سید العراقین» نامیده می شود. به عنوان مدرسهٔ پاقلعه، مراجعه گردد.

۷- مدرسهٔ بزرگ صدر «مدرسهٔ صدریه»

مدرسه ای است در مرکز بازار بزرگ و تاریخی اصفهان، در نزدیکی دروازه اشرف، و در مجاورت مسجد دارالشفاء و بازار نجارها، که در حال حاضر مرکز حوزهٔ علمیهٔ اصفهان می باشد، و از نظر موقعیت علمی و اجتماعی، مهمترین مدرسهٔ علمیهٔ اصفهان، به حساب می آید.

مدرسهٔ صدر، در طول تاریخ، (از ابتدای تأسیس تا کنون) مرکز اجتماع علماء و فضلاء، و محلّ تدریس چهره های مبرز علمی، در رشته های فقه و اصول و کلام و فلسفه و عقائد و سایر علوم حوزه ای بوده است، و در این

ص: ۲۹۵

۱- مجلهٔ یادگار، سال سوم، شماره نهم، از صفحهٔ ۳۶ تا ۴۴

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحهٔ ۸۰۵

بررسی ، دانستیهای مفیدی را درباره این پایگاه بزرگ علمی ، در ضمن چند بخش ، عرضه می نمائیم :

تأسیس و بنای مدرسه صدر و مؤسس آن

مدرسه صدر ، با اراده و همت بلند و روح با سخاوت مرحوم مغفور ، محمد حسین خان صدر اصفهانی (۱) ، در قطعه زمینی در حدود هشت جریب ساخته

ص: ۲۹۶

۱- حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی ، یکی از مردان نامدار و نیکوکار ایرانی و اصفهانی است ، که دوره زندگی او شگفتی های زیادی را در بر دارد . وی در ابتداء ، شاگرد علافی بوده ، و از علم و دانش رسمی ، و نیز موقعیت فامیلی و امثال آن ، برخوردار نبوده است ، ولی در اثر هوش و ذکاوت و حسن تدبیر و پشتکار ، به دستگاه آقا محمد خان قاجار راه پیدا می کند ، و ملقب به (امین الدوله) می شود ، و سپس در زمان فتحعلی شاه ، به لقب (نظام الدوله) ، ملقب می گردد، و در هنگامی که منصب صدارت اعظم را به دست می آورد ، به لقب (صدر اعظم) ، مفتخر می شود، و به همین جهت ، آثار او به نام (صدر) ، مشهور می باشد . مرحوم صدر ، در دلجوئی از فقراء ، و حمایت از علماء ، و بخشش به سادات و طلاب ، کوشا بوده ، و با روح بخشندگی و حسن تدبیر ، در امر اداره جامعه و خدمت به علم و دانش ، به توفیق زیادی نائل می گردد و آثار و باقیات الصالحات فراوانی ، از خود به جای می گذارد ، که نمونه هایش بدین قرار است : الف - تأسیس مدرسه بزرگ صدر (در بازار) . ب - تأسیس مدرسه صدر ، در خیابان چهارباغ صدر « چهارباغ خواجه » (که به نوشته جابری انصاری ، در کتاب تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۱۱ ، این مدرسه از آثار مرحوم صدر می باشد ، گرچه در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۴۹ به نقل از جغرافیای اصفهان ، تألیف میرزا حسین خان ، تأسیس این مدرسه از آثار عبد الله خان ، پسر مرحوم صدر به شمار آمده است) . ج - تأسیس مدرسه و مسجد صدر ، در محله پاقلعه . د - قلعه نجف اشرف ، که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است . ه - تعمیر اساسی مسجد جامع اصفهان . (بقیه در صفحه بعد) (بقیه از صفحه قبل) و - تعمیر اساسی مدرسه ملاعبد الله . ز - احداث خیابان چهارباغ صدر ، معروف به چهارباغ خواجه . مرحوم صدر در ماه صفر ۱۲۳۹ قمری بدرود حیات گفت ، و جنازه اش را به نجف اشرف بردند و دفن نمودند ، و قبرش معروف و مشهور و واقع در مدرسه صدر نجف می باشد . برای آشنائی با زندگانی و آثار مرحوم صدر ، به مجله یادگار ، سال دوم شماره هشتم صفحه ۴۱ تا ۵۷ ، و نیز گنجینه آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۴۳ تا صفحه ۷۵۴ ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۵۵۱ و ... ، مراجعه شود

شده (۱)، و تأسیس آن ، در اواسط نیمه اول قرن سیزدهم انجام یافته است ، زیرا فوت آن بزرگمرد ، در سال ۱۲۳۹ قمری اتفاق افتاده (۲)، و تأسیس چنین بنای عظیمی ، به مدت زمانی قابل توجه ، نیاز داشته است ، بنابراین می توان به نحو تقریبی ، حدود زمان پایه گذرای این بنای عظیم و تاریخی را به دست آورد و بر همین مبنا است که ، در کتاب « آثار ملی اصفهان » (۳) به نقل از (بخشی از گنجینه آثار ملی)، و نیز در کتاب « فرهنگ اصفهان » (۴) ، تاریخ بنای مدرسه را ، سال ۱۲۲۰ ذکر کرده اند .

مدرسه صدر ، با نقشهای مشابه نقشه مدرسه چهارباغ « مدرسه سلطانی » پایه گذاری شده ، ولی مرحوم صدر در زمان حیات خود ، نه تنها موفق به ساختن طبقه دوم آن نگردیده ، بلکه نماکاری و کاشی کاری و تزیینات و تکمیل سردر آن را نیز ، انجام نداده ، و بدرود حیات گفته است .

در طبقه اول مدرسه صدر ۳۶ حجره در حیاط بزرگ ، و ۲۲ حجره در چهار

ص: ۲۹۷

۱- (آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۷۵)

۲- مجله یادگار ، سال دوم شماره هشتم ، صفحه ۵۴

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸۱

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۳۸

زاویه آن ساخته شده ، و ۶ حجره در طبقه دَوم بنا گردیده ، و در طرف شمالیِ مدرسه ، یک ایوان بزرگ با سقف بسیار بلند ، به عنوان مَدْرَس ساخته شده ، و در طرف شرقی و جنوبیِ مدرسه ، هرکدام یک ایوان (کوچکتر از ایوان شمالی) بنا گشته ، که آنها هم به عنوان مدرس می باشد ، و در طرف غربیِ مدرسه ، به جای ایوان ، کتابخانه مدرسه صدر است ، که در زمان مرحوم آیه الله خراسانی تأسیس گشته ، و در بخش های بعدی ، از آن بحث خواهیم کرد .

شکل حجره ها و ایوانهای جلو آنها ، و مدرسها (ایوانهای بزرگ با سقف بلند) و حیاط بسیار وسیع ، و باغچه های متناسب ، و نسبتاً بزرگ ، بسیار جالب است و نشانه بلند نظری و همت والای بانی مدرسه می باشد، و معماری و طرح و نقشه مدرسه ، موجب جلب توجه ، و از آثار هنر و اندیشه و ابتکار مردم با هوش و هنرمند و مبتکر اصفهان ، در نیمه اول قرن سیزدهم می باشد ، و درختهای کاج کهن و بسیار بلند ، بر زیباییِ مدرسه افزوده است .

اقدامات تکمیلی و نماسازی مدرسه بعد از فوت مرحوم صدر

در زمان تولیت حاج محمّد حسین خان بن میرزا علیخان صدری ، سال ۱۳۴۱ قمری ، سر دَرِ اصلیِ مدرسه ، به سوی بازار بزرگ ، کاشی کاری و تزیین گشته ، و اشعاری جالب ، مشتمل بر ماده تاریخ از مرحوم استاد (جلال الدّین همائی) متخلّص به (سنا) باخطّ زیبای خطاط و شاعر و اَدیب و خطیب نامدار زمان ، (میرزا عبد الجواد خطیب) در آن گنجانیده شده ، که هنوز جلب توجه می نماید ، و ماده تاریخ این نما سازی و کاشی کاری ، در شعر استاد همائی (سنا) چنین می باشد :

نوشت کَلک (سنا) از برای تاریخش

«گشوده شد بره دل ، در از مدینه علم»

۱۳۴۱

در سال ۱۳۶۴ قمری ، مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد رضا خراسانی قدس سره زمینی را که ، در طرف غربی مدرسه ، به جای ایوان ، قرار داشت به منظور تأسیس کتابخانه در نظر گرفتند ، و به صورت دو طبقه و به شکل جالب و با نما سازی باشکوه ، ساختمان نمودند .

در سر در کتابخانه ، به خط سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی ، این جمله ها نقش بسته است:

بَعْدَ الْحَمْدِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَدْ أَقْدَمَ السَّيِّدُ السَّنْدُ الْفَقِيهُ وَ آيَةُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ ، السَّيِّدُ مُحَمَّدُ رِضَا الْخُرَاسَانِي ، لِتَأْسِيسِ هَذَا الْبِنَاءِ وَ تَكْمِيلِهِ إِحْيَاءَ لِلْعُلُومِ وَالْمَعَارِفِ الدِّيْنِيَّةِ وَ حِفْظًا لِلْكِتَابِ الْعِلْمِيَّةِ ، حَرَّرَهُ خَلِيقِي پُور

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه ، اشعاری جالب از شاعر و استاد نامدار ، جلال الدین همائی (سنا) نوشته شده ، درباره اهمیت علم و ارزش کتابخانه و تجلیل از آیه الله خراسانی (بانی کتابخانه) و در آخر آن اشعار ، چنین آمده است :

بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا

کان هر دو ، یادگار ، ز طبع (سنا) بود

« از این کتابخانه بجو علم دین » سپس

برگو «بنای علم ز سعی رضا بود»

که جمله (از این کتابخانه بجو علم دین) و جمله (بنای علم ز سعی رضا بود)

ص: ۲۹۹

هر دو ، ماده تاریخ می باشد ، و هر کدام مستقلاً مساوی با عدد ۱۳۶۳ است (۱).

و هم چنین در نماسازی کتابخانه ، نوشته شده :

قَدْ تَمَّ هَذَا الْبِنَاءُ فِي مُنْتَصَفِ شَعْبَانَ ۱۳۶۵ ، که مربوط به آخرین مرحله نما سازی و کاشی کاری این ساختمان ، می باشد .

تعمیرات گسترده و کاشی کاری مدرسه صدر

به وسیله اداره اوقاف اصفهان در دهه آخر قرن چهاردهم هجری قمری ، تعمیراتی گسترده در حجره ها و مدرّس های مدرسه صدر انجام گرفت ، و اطراف مدرسه و مدرّس ها به وسیله کاشی تزئین گردید ، که در این کاشی کاریها ، در کتیبه اطراف مدرّس بزرگ مدرسه ، در طرف شمال ، سوره هل اُتی (دهر) به خطّ استاد حبیب الله فضائلی ، نوشته شده ، و در کتیبه اطراف مدرّس جنوبی ، سوره عمّ یتسائلون (نبأ) به خطّ آقای حسین سلطانی به تاریخ رمضان المبارک ۱۳۹۴ قمری ، نوشته شده ، و در کتیبه اطراف مدرّس شرقی ، سوره جمعه ، با خطّ آقای فضائلی ، به تاریخ ۱۳۹۴ دیده می شود .

و هم چنین در نیمه دوم قرن چهاردهم ، در حدود سال ۱۳۸۵ قمری ، در پشت مدرّس بزرگ شمالی مدرسه صدر ، در زمین های برف اندازه مدرسه ، سالنی بزرگ برای محلّ تدریس و اقامه جماعت تأسیس گردیده ، زیر نظر مرحوم آیه الله ، آقای حاج آقا حسین خادمی و مرحوم آیه الله ، آقا سیّد عبدالحسین

ص: ۳۰۰

۱- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۴۷ ، و آثار ۴۸۰ ، اشعار یاد شده نقل گردیده ماده تاریخ نیز نقل شده ، ولی به نظر می رسد (با نحوه علامتها در چاپ کتاب) توجهی به این که در ماده تاریخ در این اشعار گنجانیده شده ، ننموده اند

طیب (قدس سرهما)، به وسیله کمک مالی مرحوم حاج میرزا محمد جعفر کازرونی، و این سالن بزرگ، برای تشکیل جلسات درس خارج فقه و اصول و نیز نماز جماعت و مراسم دینی و تبلیغی که در مدرسه صدر تشکیل می شود، مورد استفاده قرار می گیرد.

تعمیرات اساسی و نوسازی های دوره معاصر

در دوره اخیر، از اواخر دهه اول از قرن پانزدهم هجری، چهار اقدام مهم به وسیله سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان، و با نظارت امام جمعه محترم شهر اصفهان، آیه الله طاهری و هیئت امناء مدرسه صدر و با نظارت فنی سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان، و معماری حاج احمد اعظمی، و با بودجه های موقوفات وابسته به مدرسه، در حال انجام است، که ذیلاً، اشاره می نمایم:

۱- تعمیرات اساسی حجرات و سایر قسمتهای مدرسه و ایجاد کانال و هواکش بسیار جالب و اساسی، برای برطرف نمودن نم و رطوبت، از ساختمان مدرسه.

۲- ساختن طبقه دوم مدرسه، با طرح و نقشه سنتی مدارس، مطابق اهداف بانی اصلی مدرسه (مرحوم صدر)، که تاکنون بخش اعظم آن انجام شده، و قسمتی از آن در حال انجام می باشد (۱).

۳- تأسیس یک ساختمان سه طبقه (با محاسبه زیر زمین) در پشت حجره های ضلع شمال غربی مدرسه، به جای حیاط خلوت و حوضخانه

ص: ۳۰۱

۱- در حال حاضر که چاپ کتاب در حال انجام می باشد، ساختمان طبقه دوم کامل گردیده، و کاشی کاری و نماسازی آن، به پایان رسیده، و شکل زیبایی یافته است

قدیمی، که این ساختمان جدید، برای کتابخانه ای مفصّل و ملحق و متّصل به کتابخانه سابق، و نیز، سالن اجتماعات و سخنرانی، و هم چنین برای تأسیسات بهداشتی و سایر احتیاجات مدرسه، در نظر گرفته شده است.

۴- تأسیس دو مدرسه نسبتاً بزرگ در پشت حجره‌های ضلع شمال شرقی (در دو طبقه) که از یک طرف به زاویه ضلع شمال شرقی، راه دارد و از طرف دیگر، به مدرسه بزرگ و اصلی طرف شمالی مدرسه، راه پیدا میکند.

علاوه بر موارد یاد شده، وضوخانه و سرویس بهداشتی مدرسه، که در مجاورت درب اصلی مدرسه می باشد، نوسازی و تجدید بنا گردیده است.

نکاتی که از وقفنامه مدرسه صدر استفاده می شود

۱- مرحوم صدر، در زمان حیات خود موفق به تکمیل مدرسه صدر و وقف آن نمی شود، و فرزند او، عبدالله خان (امین الدوله) در تکمیل آن اقدام می نماید، و چندین بار نذر شرعی میکند که مدرسه را به مرحله ای برساند که بتواند آن را به نحو مطلوب وقف نماید، و اگر در زمان حیات، موفق نگردید، پس از او این اقدام، صورت پذیرد.

۲- امر وقف و تولیت مدرسه صدر و موقوفات آن، در دوره اول، با دو نفر از علماء شهر به نامهای: آقا شیخ بهاء الدین و آقا شیخ علی بوده است.

۳- نظارت عالیّه وقف، متعلّق به فقیه محقّق و مجتهد عظیم الشان، مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی (خوانساری) متوفای ۱۳۱۸ قمری، بوده است.

۴- مدرسه صدر به نام مدرسه صدریه می باشد.

۵- زاویه شرقی مدرسه صدر، به نام زاویه صدر بوده، و إسکان اولاد و أحفاد مرحوم صدر، اگر در سلک طلاب باشند، در این زاویه، در اولویت

وقفی قرار داشته است .

۶- حقوقی برای مُدرّس ، امام جماعت ، طلاب ، مؤذّن ، خادم ، آبکش ، باغبان مدرسه در نظر گرفته شده است .

۷- در متن وقفنامه ، عبارتی ذکر شده در زمینه شرط إسکان مدرسه ، بدین ترتیب : شرط مدرسه این است که ، بَطّالین و مُصَدِّعین علم را ، راه ندهند ، و مرتکب فسق و فجور نشوند ، و أعمال ناشایسته که موجب فساد و بی نظمی مدرسه باشد انجام ندهند ، و مهمانی که وارد مدرسه می شود ، هرگاه مانع تحصیل نباشد ، مسکن بدهند ، که در شیکنی شریک باشد ، البته با نظر متولّی مدرسه .

مدرسه صدر، مرکز تدریس و تحصیل مجتهدین بزرگ

از زمان تأسیس مدرسه صدر تاکنون ، جمع زیادی از مجتهدین و فقهای بزرگ و حکماء و فلاسفه و ادباء جلیل القدر ، در این مجمع با برکت تحصیل علم نموده ، و یا تدریس و تألیف داشته اند ، که احصاء کامل نام مبارک همه آنها ، مقدور نیست ، و تنها به ذکر شماری از آنها ، اکتفا میکنیم ، و اشاره ای گذرا به شخصیت علمی آنها می نمائیم ، و توضیح اعلام می داریم که : در باره برخی از این شخصیتها، در بخشهای دیگر کتاب ، به نحو مفصل تری بحث شده است .

۱- مجتهد محقق و ادیب و عالم فاضل جامع ، مرحوم آقا شیخ عبدالحسین محلاتی ، متوفای ۱۳۲۳ قمری ، که تحصیلات خود را در اصفهان و قم و نجف انجام داده ، و از شاگردان حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده است .

وی پس از نیل به مقام اجتهاد وارد اصفهان گردیده ، و در مدرسه صدر درس خارج استدلالی می فرموده ، و جمعی از افاضل و طلاب برجسته ، در درس او حاضر می شده اند .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در «نقباء البشر»، او را از أجلاء علماء و أفاضل فقهاء، و از أهل ورع و دین و تقوی شمرده، و او را با عبارت:

كَانَ مِنْ رِجَالِ اللَّهِ الْأَبْزَارِ الْأَصْفِيَاءِ

ستوده، و نماز جماعت او را مورد توجه خواص و عوام شمرده، و کتابها و رساله های متعددی را (بیش از ۲۰ کتاب و رساله و حاشیه) از آثار آن بزرگمرد ذکر نموده است (۱).

۲- حکیم نامدار و زاهد پارسا، مرحوم جهانگیر خان قشقائی، متوفای ۱۳۲۸ قمری، که از حکماء بزرگ اوائل قرن چهاردهم و جامع معقول و منقول به شمار رفته، و درس حکمت او مورد توجه طالبین علوم عقلی بوده است. وی در مدرسه صدر سکونت داشته، و تدریس می کرده، و از مفاخر علمی این مدرسه به شمار می رود.

۳- حکیم و زاهد نامدار، آخوند ملا محمد کاشانی، معروف به آخوند کاشی، متوفای ۱۳۳۳ قمری که از جمله نوادر روزگار، و أهل مکاشفه بوده، و حقایقی را از عالم غیب، مشاهده می نموده است.

مرحوم آخوند کاشی، گرچه علمی همانند: فقه و اصول و تفسیر و... را، دارا بوده، ولی عمدتاً به تدریس حکمت می پرداخته، و حوزه درس او از نظر حکمت و أخلاق نظری و عملی، مورد توجه بزرگان بوده است.

آخوند کاشی، در دوره تحصیل علم، در مدرسه جدّه ساکن بوده (۲) و در دوره تدریس، در مدرسه صدر سکونت داشته است.

ص: ۳۰۴

۱- انقباء البشر، جلد ۳، صفحه ۱۰۵۶ - ۱۰۵۷

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۲۰۴

۴- حکیم فقیه زاهد، حاج ملا- محمد جواد آدینه، متوفای ۱۳۳۹ قمری، که از میزین شاگردان جهانگیر خان قشقائی به شمار رفته، و خود، مدرّس حکمت در مدرسه صدر بوده، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی او را با چنین عبارتی:

و يُعَدُّ فِي طَلِيعَةِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ وَ حُكَمَائِهِ (۱) توصیف نموده، و او را، از حکماء و پیشگامان علمی در زمان خودش، دانسته است.

۵- فقیه و مجتهد اصولی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در حوزه علمیّه سامراء و حوزه نجف و اصفهان، تحصیل علم نموده، و از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی و حاجی نوری بوده (۲)، و به مقام شامخ اجتهاد نائل گشته، و در مدرسه صدر اصفهان، حوزه درسی داشته است.

وی مرکز فتوی و مراجعات مردم بوده، و رساله عملیه برای مقلدین خود داشته و بیش از ۱۶ کتاب و رساله از آثار او ضبط شده است (۳).

۶- فقیه عظیم الشان و مجتهد عالیقدر و مرجع بزرگوار، مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در زمان خود و در میان معاصرین، به کثرت علم و زهد مشهور بوده است (۴).

مرحوم فشارکی، حوزه درسی مهمی در مدرسه صدر داشته، و عدّه ای از علماء و فضلاء از شاگردان او بوده اند (۵).

ص: ۳۰۵

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۳۱۶

۲- ریحانه الادب، جلد ۲، صفحه ۲۴۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفان، صفحه ۹۴

۴- رجال اصفهان، صفحه ۸۴

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۵

مرحوم جابری أنصاری ، در مرثیه آن بزرگمرد اشعاری سروده که عظمت علمی و تقوایی او را نشان می دهد ، برخی از آن سروده چنین است (۱).

مَا شَارَكَ الْفِشَارَ كَمَا عَلِيمٌ

إِنَّ أَلْعَلَىٰ عَنِ مِثْلِهِ عَقِيمٌ

مَلَكٌ أَتَىٰ فِي صُورِهِ الْإِنْسَانَ

حَبْرُفَقِيهِ زَاهِدٌ فَهِيمٌ

أَحْيَى الْأُصُولَ وَارْتَقَىٰ فِي الْفِقْهِ

بِمُؤْتَقَىٰ مَا زَادَهُ مَعْلُومٌ

بِمَوْتِهِ يَا جَابِرِيُّ أَرَّخْ

«مَا شَارَكَ الْفِشَارَ كَمَا عَلِيمٌ»

۷- مدرّس محقق و زاهد ، مرحوم آقا شیخ علی یزدی ، متوفای ۱۳۵۳ قمری ، که مدرّسی نامدار و پرکار بوده ، و از صبح تا ظهر ، و بعد از ظهر تا شب ، در مدرسه صدر تدریس می نموده ، و تمامی دروس ادبی و دوره سطح (فقه و أصول) را تدریس می کرده و عدّه زیادی از فضلاء و طلاب ، از محضر او استفاده می نموده اند (۲).

۸- حکیم فرزانه ، و مدرّس محقق ، مرحوم آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که از شاگردان دو حکیم نامدار : مرحوم آخوند کاشی و مرحوم جهانگیر خان قشقایی بوده ، و محضر درس حکمت او در مدرسه صدر ،

ص: ۳۰۶

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۰-۴۱۱

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۸۲

مجمع أرباب فضل و کمال ، و حوزه درسی او مشحون از عدّه کثیری از فضلاء و دانشمندان بوده است (۱).

۹- مجتهد اصولی ، و فقیه بزرگ ، و مرجع عالیقدر ، مرحوم آقا سید محمّد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی و آقا سید محمّد فشارکی و ... بوده ، و در اصفهان ، حوزه درس خارج فقه و اصول ایشان ، مجمع فضلاء و دانشمندان بوده است . مرحوم آقا سید محمّد نجف آبادی ، از مراجع بزرگ دینی در اصفهان ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه بوده ، و دو جلد حاشیه ایشان بر «کفایه الأصول» از بهترین حاشیه های آن کتاب عظیم می باشد .

۱۰- علامه عظیم الشان ، و مجتهد محقق ، و فقیه اصولی ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که در قدرت اندیشه و کثرت تحقیق و مطالعه و جامعی در علوم ، حائز مقام بزرگی بوده ، و در علم کلام ، احاطه کاملی داشته است . حوزه درسی آن بزرگمرد ، مجمع فضلاء و محققین بوده ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان در زمان خود ، به شمار می رود .

به نقل نویسنده بزرگوار ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در زمان پهلوی اول ، تصمیم گرفته بودند ، که مدرسه صدر را خراب کنند ، و این پایگاه عظیم علمی را نابود سازند ، ولی مرحوم آیه الله ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، در أسرع وقت ، خبر را به مرجع عالیقدر جهان شیعه ، آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی می رسانند ، و با اقدامات آن بزرگ مرجع دینی ، از آن جنایت هولناک جلوگیری می شود .

ص: ۳۰۷

مرحوم نجف آبادی ، در مدرسه صدر حجره ای داشتند ، در طرف شمال غربی مدرسه (در طرفی که مدرس بزرگ مدرسه است) ، که کتابخانه شخصی و نفیس و مشتمل بر نسخه های کمیاب و خطی آن مرحوم ، در آن قرار داشت ، و بعد مرحوم آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طب ، در آن حجره تدریس می فرمودند ، و بعد از ایشان آقای بزرگوارم ، آیه الله ، آقا سید محمد علی موحد ابطحی دام ظلّه ، تدریس درس خارج فقه و اصول و تفسیر می نمودند ، و هم اکنون نویسنده این سطور (حاج سید حجه موحد ابطحی) تدریس فقه و اصول (مکاسب مرحوم شیخ اعظم انصاری ، و کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی « قدس سرهما ») می نمایم .

۱۱- جامع المعقول و المنقول ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نجفی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و ریاضی و هیأت و نجوم و شعر و ادب ، سر آمد افران بوده ، و چهره درخشان علمی در حوزه اصفهان ، به شمار می رفته است . تألیفات متعدّد ، تحقیقات گسترده ، جامعیت در علوم ، محسن خلق و نیکوئی معاشرت آن بزرگمرد ، نقش او را در تربیت و تعلیم طلاب و هدایت و ارشاد مردم ، فعال کرده بود . مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ، در مدرسه صدر ، تدریس دوره خارج فقه ، و در مسجد نو بازار ، تدریس اصول می نموده اند ، و فضلاء و دانشمندان ، در محضر درس آن بزرگمرد شرکت می جستند .

۱۲- مدرّس فاضل ، مرحوم آقا شیخ هبه الله هرنندی ، متوفای ۱۳۶۶ قمری ، که از شاگردان حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی

و حاج میر سید علی نجف آبادی بوده (۱) و در مدرسه صدر، دروس ادبی و سطح فقه و اصول را تدریس می نمود، و شاگردان زیادی را بهره مند ساخته است.

۱۳ - مدرّس محقق و مجتهد بزرگوار، مرحوم حاج سید محمد باقر ابطحی سیدهی متوفای ۱۳۶۷ قمری، که در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران تدریس می نمود، و عده ای از فضلاء، از محضر و درس او بهره می گرفته اند.

۱۴ - عالم زاهد و فقیه حکیم و مفسّر بارع، مرحوم حاج آقا صدر الدین هاطلی کوپائی معروف به حاج آقا صدر کوپائی، متوفای ۱۳۷۲ قمری، که از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی (در اصفهان)، و هم چنین، از شاگردان شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سید محمد فیروز آبادی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی، (در نجف) بوده است.

آن بزرگمرد، در مدرسه صدر تدریس حکمت و فلسفه مینموده، و در جلسات خصوصی، تفسیر می گفته، و از چهره های برجسته در زمینه زهد و اخلاق و ملکات نفسانی، به شمار رفته است.

۱۵ - عالم جامع و ادیب زاهد و مدرّس کامل، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی، متوفای ۱۳۷۵ قمری، که از چهره های برجسته در علم و عمل و زهد و تقوی، و از نشانه های بارز تجسم ایمان و اعتقاد، به شمار رفته است.

این عالم بزرگوار، در حوزه علمیّه اصفهان، از محضر آقا سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی و ...، در زمینه فقه و اصول و حکمت، و از حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، در علم طب استفاده نموده، و در حوزه نجف، از محضر

ص: ۳۰۹

شیخ الشریعة اصفهانی و آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی، بهره گیری نمود (۱) و به مدارج بلند علمی نائل گردیده است.

وی سالها در مدرسه صدر، تدریس ادبیات و شرح نهج البلاغه مینمود، و در میان جامعه با استفاده از سنگر منبر، به وعظ و ارشاد می پرداخت، و با توجه به این که، از علم و دانش سرشار و جامع، از یک طرف، و روح سیراب از زلال ایمان و ولایت اهل البیت علیهم السلام، از طرف دیگر، و بیان فصیح و شیرین، از جانب سوم و برخوردار بود، تدریس و موعظه او، نقش بسیار موثری در تربیت نفوس و تهذیب اخلاق و تزکیه جانها داشت، و شخصیت معنوی آن بزرگمرد، مورد توجه عموم مردم و علماء و مراجع دینی بود.

۱۶- مرجع عالیقدر جهان تشیع، و زعیم اعظم حوزه های علمیه شیعه، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، متوفای ۱۳۸۰ قمری، که یکی از برجستگان زعماء شیعه در دوران غیبت کبری، و از مفاخر علمی و مرجعیت جهان تشیع در قرن چهاردهم می باشند.

در دوران مرجعیت ایشان، حوزه علمیه قم به رشد و گسترش گمی و کیفی بسیار چشمگیر نائل گردید، و هزاران نفر مجتهد، نویسنده، محقق، مدرّس و...، پرورش یافتند، و صدای شیعه، از ایران و قم، به دورترین نقاط جهان رسید، و در واشنگتن و هامبورک (در آمریکا و آلمان) مسجد برای شیعیان تأسیس گردید، و مذهب شیعه از جانب شیخ الأزهر مصر (شیخ محمود شلتوت) مورد تأیید و رسمیت قرار گرفت

مرحوم آیه الله بروجردی، در مدّت تحصیل خود در حوزه علمیه اصفهان، نه تنها در مدرسه صدر حجره ای برای سکونت داشتند، بلکه در این مدرسه،

ص: ۳۱۰

تدریس می نموده اند، و عده ای از فضلاء از درس ایشان بهره مند می شده اند، که از آن جمله، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی (مذکور در فوق) می باشند.

۱۷- حکیم و فقیه بزرگوار، مرحوم آقا شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از چهره های برجسته علم حکمت در حوزه علمیه اصفهان بوده، و شهرت آن بزرگمرد در زمینه حکمت و فلسفه، مقام علمی او را، در زمینه ادبیات و ریاضی و طب و فقه و اصول، تحت الشعاع قرار داده است.

مرحوم مفید، چهل سال در مدرسه صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول و ریاضی اشتغال داشتند (۱) و شاگردان زیادی را پرورش دادند.

برادر آن بزرگمرد، مرحوم حاج شیخ علی مفید، متوفای ۱۳۴۵ قمری، نیز، عالمی حکیم و زاهد، و مدرّسی محقق و جامع بوده، و در مدرسه صدر تدریس فقه و اصول و حکمت و ادبیات می نموده است (۲).

۱۸- مجتهد و مدرّس جامع، مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی، متوفای ۱۳۸۳ قمری، که از اُحفاد مرحوم حاجی محمد ابراهیم کلباسی بوده، و در ترویج اسلام و احکام و هدایت مردم، نقش بزرگی داشته، و مراسم دعای کمیل و احیای شب جمعه آن بزرگمرد، عنوان و تأثیر عجیبی داشته است.

آن بزرگمرد، علاوه بر تألیف کتب متعدّده، در مدرسه صدر، تدریس مینموده، و جمعی از فضلاء از محضر او مستفید می شده اند.

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، شخصیت علمی و دینی و اجتماعی آن

ص: ۳۱۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۵

۲- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۹۶

بزرگمرد را ستوده ، و او را از مراجع دینی مردم بر شمرده است (۱).

۱۹ - فقیه و اصولی عالیقدر و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید علی بهبهانی رامهرمزی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از چهره های برجسته روحانیت و مرجعیت در ایران بودند ، و با تألیف کتابهای گوناگون ، و تأسیس مدارس و مراکز دینی ، و تربیت طلاب ، نقش بزرگی در راه احیاء دین بر عهده داشتند . ایشان در سالهای آخر عمرشان ، شش ماه از هر سال را ، در اصفهان ، اقامت می جستند ، و در مدرسه صدر تدریس فقه و اصول و کلام می فرمودند ، و حوزه درسی مهمی در محضر ایشان ، شکل می گرفت ، که بر رونق حوزه علمیه می افزود .

۲۰ - مدرّس محقق و مجتهد زاهد ، مرحوم حاج سید علی اصغر مدرّس برزانی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از مدرسین نامدار در مدرسه صدر بودند ، و عده ای از فضلاء از محضر و درس ایشان ، در زمینه فقه و اصول ، استفاده می نمودند .

۲۱ - شهید راه ولایت و امامت ، مرحوم آیه الله ، آقا سید ابوالحسن شمس آبادی ، شهید در سال ۱۳۹۶ قمری ، که مجتهدی زاهد و پیشوائی پر تلاش و مجاهدی خستگی ناپذیر بودند ، و از زعمای حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر به تدریس و حلّ مشکلات اجتماعی و اقتصادی طلاب ، می پرداختند (۲).

۲۲ - فقیه و مجتهد عالیقدر ، آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۱۳۹۷

ص: ۳۱۲

۱- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۷۵۹

۲- درباره این بزرگمرد ، در بخش (چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر) و بخش (بقعه های علمی و تخت فولاد) ، بررسی مفصل داریم

قمری ، که دورانی ممتد ، عهده دار ریاست حوزه علمیه اصفهان بودند ، و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ ، به تدریس درس خارج فقه و اصول ، اشتغال داشتند ، و از خصوصیات آن بزرگمرد ، وقار و متانت چشمگیر ، اُبّهت و قیافه جذّاب بود . مرحوم آیه الله خراسانی ، نه تنها با تأسیس کتابخانه زیبایی در مدرسه صدر و تدریس و تربیت طلاب و زعامت و سرپرستی حوزه علمیه ، نقش ارزشمند خود را ایفاء نمودند ، بلکه در دوران خفقانی پهلوی اوّل و در هنگامی که عمّامه از سر بزرگان دین و علماء و طلاب بر می داشتند ، آن بزرگمرد به عده ای از علماء آن دوره ، پیغام فرستاده بودند که ، از خانه ها بیرون نیائید که مجبور نشوید عمّامه را از سر بردارید ، من مخارج شما را می دهم (۱) و اینگونه دلسوزانه در حفظ حوزه علمیه و ارزشهای آن ، می کوشیدند .

۲۳ - فقه و اصولی مجتهد ، و مدرّس جامع و زاهد ، حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۶ قمری . ایشان در حوزه های سامراء و نجف و اخیراً حوزه علمیه اصفهان ، استادی نامدار به شمار می رفتند ، و در سالهای آخر عمرشان ، در مدرسه صدر به تدریس فقه و اصول (رسائل و مکاسب شیخ انصاری و ...) اشتغال داشتند ، و جمعی از فضلاء و طلاب ، از محضر ایشان بهره علمی می گرفتند .

۲۴ - مجتهد زاهد و فقیه اصولی ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ تدریس می نمودند ، و جمعی از فضلاء و طلاب در دوره سطح عالی ، و اخیراً در دوره خارج فقه و اصول

ص: ۳۱۳

ایشان، شرکت می جستند، و عدّه زیادی از علماء و مدرّسین و فضلاء اصفهان، در زمره شاگردان آن بزرگمرد می باشند.

۲۵- فقیه و اصولی مجتهد، و زعیم مُجِدّد و موفّق، مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، متوفای ۱۴۰۵ قمری، که از چهره های برجسته اواخر قرن چهاردهم، در حوزه علمیه اصفهان، به شمار می روند، و حوزه درسی ایشان در زمینه فقه و اصول اجتهادی (درس خارج) (و نیز در زمینه کلام و عقائد، مورد توجه بود و در ردیف اولِ درسهای حوزه ای در اصفهان، به شمار می رفت.

مرحوم آیه الله خادمی، در راه مبارزه با حکومت فاسد پهلوی، و مبارزه با گروههای منحرف (الحادی و التقاطی) و دفاع از حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام و ارزشهای روحانیت و حوزه علمیه، بسیار می کوشیدند، و زعامت حوزه علمیه اصفهان و جامعه روحانیت این شهر تاریخی، سالها بر عهده آن بزرگمرد بود. تأسیس مَدْرَس جدید مدرسه صدر (پشت ایوان و مَدْرَس بزرگ) زیر نظر مرحوم آیه الله خادمی، و مرحوم آیه الله طیب بود، و آیه الله خادمی، از زمان تأسیس این مَدْرَس، درس فقه و اصول و کلام خود را، برای فضلاء و علماء، در این مکان شریف بیان می فرمودند.

۲۶- مجتهد و مدرّس زاهد، مرحوم آیه الله، حاج شیخ علی مشکوه سدهی، متوفای ۱۴۱۰ قمری، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بودند، و جمعی از فضلاء و علماء اصفهان در زمره شاگردان آن بزرگمرد به شمار می آیند.

۲۷- فقیه مفسّر و متکلم اصولی و مدرّس مجتهد، مرحوم آیه الله، حاج سید عبد الحسین طیب، متوفای ۱۴۱۲ قمری، که از صاحبان تألیف و از مفسّرین بزرگ و دانشمندان علم کلام بودند، و در مدرسه صدر (در حجره ای که هم

اکنون این حقیر تدریس می‌نمایم (۱) تدریس می‌نمودند، و جمع زیادی از فضلاء از محضر و درس ایشان استفاده می‌کردند، و نویسنده این سطور، بخش قابل توجهی از کتاب «مکاسب» مرحوم شیخ أنصاری را، در محضر و جلسه درس ایشان، بهره‌مند گردیدم.

۲۸- فقیه اصولی، و متکلم رجالی، و مفسر مجتهد، آیه الله، آقای حاج سید محمد علی موحد ابطحی (دام عمره الشریف) که پس از مراجعت از نجف اشرف، به تألیف و تحقیق پرداختند، و در مدرسه صدر، به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام اجتهادی اشتغال یافتند، و هم اکنون نیز که در شهر مقدس قم اقامت و تدریس دارند، تابستانها در حوزه علمیه اصفهان و مدرسه صدر، به تدریس می‌پردازند، و جمع کثیری مستفید می‌شوند.

۲۹- فقیه اصولی، و مجتهد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی دام عمره الشریف (۲) که از زمان مراجعت از نجف اشرف تاکنون، در مدرسه صدر، حوزه درسی فقه و اصول اجتهادی (درس خارج) دارند، و جمع کثیری از فضلاء و علماء، از محضر و درس ایشان بهره‌مند می‌شوند.

۳۰- فقیه اصولی و مجتهد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج سید محمد علی صادقی «میر محمد صادقی» (دام عمره الشریف) که سالهای طولانی، در مدرسه صدر به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشتند، و حوزه درسی گسترده و پرجمعیتی را تشکیل داده بودند، ولی متأسفانه مدتی است در اثر کسالت، طلاب

ص: ۳۱۵

۱- این نویسنده کمترین در مدرسه صدر، به تدریس کفایه الأصول و مکاسب مرحوم شیخ انصاری اشتغال دارم
۲- متأسفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیه، در غم ارتحال ایشان بسر می‌برد

برد

حوزه علمیّه ، از تدریس ایشان محروم می باشند (۱).

دیگر مدرّسین مدرسه صدر

با توجه به این که مدرسه صدر مرکز حوزه علمیّه است ، جمع زیادی از علماء و آیات عظیم الشان و فضلاء بزرگوار ، همانند : آیه الله ، آقای حاج سید مصطفی شریعت موسوی ، و آیه الله ، حاج شیخ محمد تقی مجلسی و آیه الله ، آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی ، و امام جمعه محترم اصفهان ، آیه الله ، آقای حاج سید جلال الدین طاهری ، و آیه الله ، آقای حاج سید مجتبی میر محمد صادقی ، و جمعی دیگر از علماء و فضلاء ، در زمینه های گوناگون علمی و در سطوح مختلف ، تدریس می نمایند.

تذکر : هم چنان که در اول این بخش اشاره کردیم ، بسیاری از مدرّسین بزرگوار مدرسه صدر که در این قسمت ذکر گردیدند ، در بخش های :

خاندانهای علمی ، یا « بقعه های علمی » یا « چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر » ، به نحو مفصل تر ، مورد بحث قرار گرفته اند .

مدرسه صدر پاقلعه

مقصود ، مدرسه پاقلعه است ، که به خاطر عنوان بانی آن ، مرحوم حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی ، به نام مدرسه صدر ، نامیده می شود .

۸- مدرسه صدر چهارباغ خواجه

یکی از مدارس آباد و معمور، حوزه علمیّه اصفهان می باشد . این مدرسه از

ص: ۳۱۶

۱- متأسفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیّه ، در غم ارتحال ایشان بسر می

برد

آثار مرحوم حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، متوفای ۱۲۳۹ قمری می باشد، که در هنگام ایجاد خیابان چهارباغ صدر (مشهور به چهارباغ خواجه) به تقلید از چهارباغ عباسی و مدرسه سلطانی چهارباغ، تأسیس گشته است.

گرچه مؤسس این مدرسه، مرحوم صدر می باشد (۱)، ولی به علت این که تکمیل آن به وسیله فرزند او (امین الدوله) انجام گرفته، برخی از نویسندگان، این مدرسه را، از آثار عبد الله خان امین الدوله (که او هم مردی نیکوکار بوده) ثبت کرده اند (۲).

مدرسه صدر خواجه، مدتی متروکه گردید، و سپس در دوره حکومت پهلوی، به تصرف غاصبانه شهرداری در آمد، و به شکلی رقت بار، مورد بهره برداری قرار گرفت، تا آن که با همت جمعی از مردم با ایمان و اقدام مرجع جهانی عالم تشیع، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، متوفای ۱۳۸۰ قمری، به حوزه علمیه باز گردانده شد، و پس از تعمیرات اساسی و لازم، محل سکونت طلاب حوزه علمیه، قرار گرفت.

این مدرسه، دارای بیست حجره، و دو مدرس (در طرف شرقی و شمالی)، و یک کتابخانه (در طرف جنوبی)، و یک صحن بزرگ با حوض و باغچه، و یک سردر مجلل (در طرف غرب مدرسه) «در شرق خیابان چهارباغ خواجه» می باشد، و به صورت یک طبقه است، و مساحت آن سه هزار متر

ص: ۳۱۷

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۴۴، مجله یادگار، سال دوم شماره هشتم، صفحه ۵۰، تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۱۱، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۴۳، تاریخچه محله خواجه، صفحه ۳۳

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۳، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۴۹ به نقل از جغرافیای اصفهان، تألیف میرزا حسین خان، چاپ تهران، صفحه ۲۹ - ۳۰

می باشد . در کتیبۀ بالای سر دَرِ مدرسه ، با خطی زیبا ، بر روی کاشی خشت چنین نوشته شده است : به امر مبارک حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین بروجردی مدظله العالی با تولیت حجه الإسلام آقای سید العراقرین تعمیر گردید - سال ۱۳۷۶ قمری ، مطابق با ۱۳۳۵ شمسی ، ساخت کاشی سازی ایلیا . در وسط کتیبه یاد شده ، نام مدرسه با خط درشت چنین ثبت شده است :

مدرسه صدر خواجه

در بالاترین قسمت سر دَرِ مدرسه خواجه ، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی کاشی نوشته شده ، و در آخر آن ، آمده است : با کمک مردم و نظارت اداره کل اوقاف منطقه استان اصفهان - ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری ، که نشان دهنده این است که ، تعمیرات مدرسه ، در طول چندین سال ادامه داشته است .

در حال حاضر ، تعداد پنج مُدَرّس و پنجاه طلبه (اعمّ از شب خواب و معیل هائی که در منزل شخصی اقامت دارند ، و در مدرسه تحصیل علم مینمایند و در دوره مقدمات و سطح متوسط و سطح عالی ، تحت برنامه درسی ، ادامه تحصیل می دهند . در حال حاضر ، سرپرستی مدرسه با حضرت حجه الإسلام آقای حاج شیخ محمد علی امامی دام عزه ، و تولیت آن با خاندان سید العراقرین بوده و می باشد . عده ای از علماء جلیل القدر ، در این مدرسه اقامت نموده ، و یا مباحثات علمی و یا امامت جماعت داشته اند ، همانند :

۱- مجتهد محقق ، و استاد و مدرّس عظیم الشان حوزه علمیّه اصفهان ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که در مسجد مدرسه ، اقامه جماعت می نمودند ، و با جمعی از بزرگواران مذکور در ذیل ، مذاکرات و مباحثات علمی ، در این مدرسه داشته اند .

۲- عالم کامل ، مرحوم آیه الله حاج شیخ علی قدیری کفرانی متوفای ۱۴۰۷

ص: ۳۱۸

۳- عالم زاهد و وارسته ، مرحوم حجّه الإسلام حاج شیخ محمود سالک کاشانی، متوفای ۱۳۸۹ قمری .

۴- عالم متقی ، مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، حاج شیخ محمد تقی فشارکی

۵- عالم فاضل و سخت کوش ، و خطیب و واعظ گرانقدر ، مرحوم حاج سید فضل الله سجادی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که در تدریس و اداره امور مدرسه و جذب طلاب و حفظ و نگهداری و بهره برداری از آن ، نقش بسیار مؤثری ایفاء می نمودند ، و در آستانه ایام فاطمیه علیها السلام به لقاء الله پیوستند .

۶- عالم فاضل ، حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ یحیی هدایت (شهرضائی) دام عمره الشریف .

۹- مدرسه محمودیه

مدرسه ای است که در سالهای اخیر تهیه و تأسیس گشته ، در کوچه مدرسه ذوالفقار ، و در حال حاضر (۱۴۱۵ قمری) ساختمان قدیمی آن که به صورت منزل مسکونی بود تخریب گشته ، و زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته و با همت نیکوکار محترم ، آقای حاج آقا محمود صفاکار ، در حال تجدید بنا می باشد ، به صورت سه طبقه (با محاسبه زیر زمین) (۱).

مدرسه محمودیه ، وابسته به مدرسه ذوالفقار می باشد ، و چندین سال است که محلّ تشکیل جلسات درسهای برنامه درسی - حوزه ای مدرسه علمیّه

ص: ۳۱۹

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) ساختمان مدرسه پایان یافته ، و نماسازی آن در حال تکمیل می باشد ، و بهره برداری از آن شروع گردیده است

۱۰- مدرسه مسجد رحیم خان

مسجد رحیم خان، واقع در ابتدای محله نو، و متصل به محله در بکوشک و در نزدیکی خیابان طالقانی می باشد، و پایه گذاری و تأسیس آن، به وسیله مجتهد نامدار، مرحوم آقا سید حسن مدرس، متوفای ۱۲۷۳ قمری بوده است، و پس از آن بزرگمرد، محمد رحیم خان بیگلریگی و برادرانش، به تکمیل و اتمام آن پرداختند. این مسجد، از مساجد بزرگ و باشکوه اصفهان می باشد و بقعه خاندان مدرس، که مدفن مرحوم مدرس و خاندان علمی او است، در جانب شمالی آن، قرار گرفته است.

تاریخهای موجود در کتیبه های مسجد، ۱۲۹۰ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۴ - ۱۳۷۸ می باشد، که نشان دهنده مراحل گوناگون بناء و تزئین این پایگاه و مرکز دینی می باشد، و با توجه به این که اولین مراحل تأسیس مسجد، در زمان مرحوم مدرس (متوفای ۱۲۷۳) انجام گرفته، و چندین سال از عمر آن بزرگمرد باقی بوده، می توان گفت که، عمده از حدود سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۴، تأسیس و تزئین و کاشی کاری مسجد انجام شده است (۲).

ص: ۳۲۰

۱- درباره برنامه درسی و مفصل مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته، به بخش مربوط به مدرسه ذوالفقار، در همین کتاب، و نیز کتاب آشنائی با حوزه های علمیه شیعه، جلد ۱، صفحه ۴۰۷ به بعد، و کتاب شهدای مدرسه ذوالفقار، جلد ۱ و ۲ (به قلم این نویسنده کمترین) مراجعه شود، و نویسنده این سطور، کتابی درباره مدرسه ذوالفقار و برنامه های آن، (به نحو مستقل) تالیف نموده ام، که مخطوط می باشد

۲- به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹۶ - ۸۰۳ و آثار مله ای اصفهان، صفحه ۶۱۸ - ۶۲۵ مراجعه شود

در مسجد رحیم خان ، که در سالهای اخیر به نام مسجد الرّحیم ، نامیده می شود، سه عدد حجره برای سکونت طلاب ساخته شده ، و در حال حاضر ، چند نفر طلبه در آنها ساکن هستند ، و اشتغال به تحصیل علوم حوزه ای دارند .

۱۱- مدرسه میرزا مهدی

مدرسه ای بود واقع در خیابان مسجد سید ، و در کنار شعبه ای از نهر فدن ، که به جوی بابا حسن معروف است . مدرسه میرزا مهدی ، بیش از دو جریب مساحت داشت (۱)، با طول و عرض 45×45 متر، با ده حجره ، و مشتمل بر شبستان هائی که مسجد بوده است .

مدرسه و مسجد میرزا مهدی ، از آثار میرزا مهدی خان اشتهاردی ، از مستوفیان عهد نادری میباشد ، و پس از سال ۱۳۶۵ قمری ، با کمک مردم متدین ، تعمیراتی اساسی یافته است (۲) .

در سال ۱۴۰۸ قمری ، مسجد و مدرسه میرزا مهدی ، به وسیله شهرداری جهت إحداث خیابان آیه الله طیب ، تخریب گردید ، و دو سوّم آن ، جزء خیابان قرار گرفت ، و مردم با ایمان ، زیر نظر امام جماعت مسجد ، جناب حجّه الإسلام والمسلمین آقای حاج سید عباس فقیه أحمد آبادی ، فرزند مرحوم آیه الله ، حاج سید محمّد تقی موسوی فقیه أحمد آبادی (صاحب کتاب مکیال المکارم) به تجدید بنای مسجد و مدرسه ، در باقیمانده زمین یاد شده اقدام نمودند .

در ساختمان جدید ، طرح شبستان برای مسجد ، کتابخانه ، سالن سخنرانی و مدرس و حجرات مسکونی برای طلاب ، (در ضمن سه طبقه) در نظر گرفته

ص: ۳۲۱

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۸

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۴۱

شده ، و در حال حاضر (ذی الحجّه ۱۴۱۳ قمری) دو طبقه آن به صورت نیمه تمام در آمده ، و هنوز از طبقه سوم ، چیزی ، ساخته نشده است .

چهره های علمی مدرسه میرزا مهدی

در این مدرسه ، بزرگانی از علماء ، تحصیل علم و یا تدریس نموده اند که ذیلاً به نمونه هائی ، اشاره می نمائیم :

۱- مرحوم آیه الله ، آقا شیخ أحمد حسین آبادی (سیفی) ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که مجتهدی صاحب تألیف ، و زاهدی عابد بوده ، و در قوت حافظه و ذکاوت و هوشمندی ، اعجوبه روزگار به شمار رفته ، و در سنین بلوغ و یا قبل از آن ، به مرتبه اجتهاد رسیده است (۱) . این بزرگمرد ، در مدرسه میرزا مهدی تدریس می نموده ، و عهده دار منصب امامت جماعت بوده است .

۲- عالم فاضل و بزرگوار ، مرحوم آقا میرزا علی محمّد بن حاج محمّد جواد حسین آبادی ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، که برادر مرحوم حاج شیخ أحمد حسین آبادی بوده ، و در مدرسه میرزا مهدی ، در طول چندین سال ، ساکن بوده ، و تدریس می نموده است .

۳- مرحوم آیه الله ، حاج آقا محمّد مقدّس متوفای ۱۳۷۸ قمری ، فرزند مرحوم آقا سید عبد الحسین بن سید حسن بن سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی ، که در اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و پس از نیل به مقامات عالیله علمی و مرتبه اجتهاد ، به اصفهان مراجعت نموده ، و مرجع طلاب حوزه علمیه و مؤمنین قرار گرفته است . وی علاوه بر تدریس در مدرسه میرزا مهدی ، تعمیرات اساسی در این مدرسه انجام داده است .

آن بزرگمرد ، مورد توجه و اعتماد و علاقه مرجع عالیقدر جهان تشیع ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره و کیل تام الاختیار

ص: ۳۲۲

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۱۱۸ ، و ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، ص ۱۶۷

ایشان در اصفهان بودند، و تألیفات و آثار قلمی داشتند، که بعضی از آنها، به چاپ رسیده است.

۴- عالم فاضل و مدرّس زاهد، مرحوم آقا میرزا علی أصغر شریف، متوفای ۱۳۸۴ قمری، که در مدرسه میرزا مهدی، تدریس می نمودند، و در اواخر عمر، به مدرسه درب کوشک منتقل گردیده، و در آنجا تدریس می کرده اند. وی از مدرّسین مشهور بوده، و عموم فضلاء و علماء بید آباد، در زمره شاگردان این بزرگمرد به شمار می روند (۱).

مانند اصفهان به جهان کس ندیده است

درشأن نو عروس جهان همسری نبود

اینجا بهشت روی زمین است عندلیب

گویی بهشت آمده از آسمان فروو

یارب نگاهدار سپاهان زهرگرزند

از چشم زخم دشمن وبدخواهی حسود

ص: ۳۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُضَيَّفِي مُحَمَّدٍ وَ الْمُرْتَضَى عَلِيٍّ وَ صَلِّ عَلَى الصَّيْدِيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْأَمَامَيْنِ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى السَّجَّادِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى الْبَاقِرِ مُحَمَّدٍ وَ الصَّادِقِ جَعْفَرٍ وَ الْكَائِمِ مُوسَى وَ صَلِّ عَلَى
الرِّضَا عَلِيِّ وَ صَلِّ عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدٍ وَ النَّقِيِّ عَلِيِّ

وَ الْعَشْكَرِيِّ الْحَسَنِ وَ صَلِّ عَلَى خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمُتَنْظِرِ

كتبه حبيب الله فضائلي ١٣٦٢ ١٤٠٤

ص: ٣٢٤

۶- مدارس علمیّه اصفهان ، مخصوص بانوان

اشاره

ص: ۳۲۵

مراکز تحصیل علوم دینیه برای طبقهٔ نسوان

در شهر اصفهان، علاوه بر منازل علماء، که به نحو خصوصی برای همسران و یا بستگان نزدیک خود، تدریس می نمایند، و عده ای از محارم علماء، بدین وسیله به علم و دانش دینی دست می یابند، مدارس تأسیس گشته، که رسماً محلّ فعالیت حوزوی و تحصیل و تدریس، به روش حوزه های علمیّه می باشد و علوم مقدماتی همانند: نحو و صرف و لغت و معانی و بیان و منطق، و علوم رسمی اسلامی، همانند: فقه و اصول و تفسیر و عقائد و حدیث و کلام و أخلاق و...، مورد بحث و مذاکره و تعلیم و تعلّم قرار می گیرد، که ذیلاً به آن مراکز و مدارس، توجه می نمائیم.

مکتب فاطمه علیها السلام

مدرسه ای است برای تحصیل و تربیت طلاّب زن، که در سال ۱۳۴۴ شمسی، زیر نظر مجتهدّه ایرانی، حاجیه خانم امین رضوان الله علیها، و به سرپرستی عالمه فاضله، حاجیه زینت خانم همایونی تأسیس گردیده است، و اولین مدرسه، برای تعلیم و تربیت طبقه نسوان، به روش حوزه ای می باشد.

در طول زمان، عده ای از علماء و مدرّسین، در این مدرسه تدریس مینموده اند، همانند: مرحوم آیه الله، آقای حاج شیخ محمود شریعت ریزی، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی، مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ فخر الدّین کلباسی، و هم چنین نویسندهٔ این سطور (حاج سید

حجّه موحد ابطحی) و عموماً درسهای مقدماتی و بخشی از سطوح را، شاگردان ممتاز و بانوان عالمه و فاضله ای که اشتغال به تحصیلات عالیّه حوزه ای در همین مدرسه داشتند، تدریس می نمودند. مرحومه حاجیه خانم مجتهدّه آمین، چندین سال، روزهای چهارشنبه در این مدرسه، درس اخلاق و تفسیر، می گفتند. تربیت شده های این مدرسه، در نشر و گسترش فرهنگ دینی و تبلیغ و ترویج ارزشهای والای مکتب اهل البیت علیهم السلام، و گرایش دادن طبقه نِسوان جامعه، به سوی حفظ حجاب و فراگیری احکام دینی و آشنائی با معارف اسلامی، نقش بسیار جالبی داشته و دارند، و در مطرح ساختن تعلیم و تعلم به سبک حوزه ای، نه تنها در شهر اصفهان و حومه آن مؤثر بوده اند، بلکه در سایر شهرها و مراکز استانها و حوزه علمیه قم نیز، تأثیر بسزایی داشته، و در برخی موارد، از پایه گزاران بوده اند.

محلّ این مدرسه هر چند سالی، تغییر نموده، تا این که در سالهای اخیر، در مجاورت مسجد سید (کوی پشت مسجد و بازارچه بید آباد) قرار گرفته است.

مراحل تحصیلی در مکتب فاطمه علیها السلام از مقدمات تا سطوح عالیّه (رسائل و مکاسب و منظومه حکمت و أسفار ...) می باشد، و علاوه بر ادبیات و منطق و فقه و اصول، درس تفسیر و اخلاق و حدیث و عقائد و ...، از سلسله درسهای رسمی، به شمار می رود.

در طول تاریخ سی ساله مکتب فاطمه علیها السلام، عدّه ای از شاگردان این مرکز دینی، علاوه بر تحصیل سطوح متوسطه، یا سطوح عالیّه، برای دانش طلبان پائین تر تدریس نموده اند، و از این نظر قابل توجه می باشند، و عدّه ای در جهات روحی و اخلاقی و معنوی، دارای مزیت بوده اند، و ذیلاً فقط به چند نام از میان نامهای متعدّد اشاره می نمائیم: ۱- خانم صدیقّه حکیمیان ۲- خانم

مهري آلسادات قلمكاريان ۳- خانم فاطمه نژاد تبريزي (۱) ۴ - خانم صديقه كلاهي ۵- خانم فردوس مدرّس هاشمي ۶- خانم عذرا هر تمنی ۷- خانم طاهره (ماه منظر) مدرّس هاشمي ۸- خانم مسعود پور ۹ - خانم منصوره نجفی ۱۰- خانم اعظم و

که هر کدام از اینها، دارای امتیازات درسی و اخلاقی و معنوی می باشند، و چه بسیارند بانوان و دوشیزگانی که در راه تعلیم و تعلّم علوم دینیّه، و کسب اخلاق و معارف اسلامی، کوشش های تحسین برانگیزی داشته و دارند، و شرح و بسط کلام در باره آنها، به طول می انجامد .

مکتب حضرت زینب علیها السلام

مدرسه ای است که زیر نظر حضرت آیه الله، حاج شیخ محمود شریعت ریزی در سال ۱۳۵۴ شمسی تأسیس شده، و محلّ آن در محله چهارسوق شیرازیها

ص: ۳۲۹

۱- ایشان در مدّت بیست و پنج سال، تمامی کتب مرسوم حوزه ای را، از مقدمات تا شرح المعه و اصول الفقه و منظومه منطق و رسائل و مکاسب و کفایه الاصول و بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و قسمت سوم شرح تجرید، و بخشی از مستمسک العروه الوثقی را با دقت کامل و با نوشتن حواشی بر کتب درسی یاد شده، بدون وقفه و با جدیتی بی نظیر، در حدی که سرما و گرما و بحرانهای دوره انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی) و پس از آن، و نیز دوران جنگ و بمبارانها و موشکبارانهای شهر اصفهان، که تقریباً، شهر را خالی از سکنه نموده بود، مانع از ادامه تحصیل این بانوی عالمه، نگردیده بود، و اینجانب (نویسنده این سطور) که مدت هیجده سال در جریان تحصیلات ایشان بوده ام، و بسیاری از کتابهای یاد شده را (در سطوح عالیّه)، برای ایشان تدریس نموده ام، از جدیت و پشتکار و مقاومت این عالم فاضله، در شگفتی قرار میگرفتم و مدّت زمانی طولانی، روزهای مقرر برای درس، مسیر بسیار طولانی را می پیمودند، و حتی یک جلسه غیبت در درس نداشتند (حتی در مواقع کسالت و مشکلات سخت زندگی) و ضمناً در اکثر دوران تحصیل، تدریس نیز، مینموده اند

بوده، و از سال ۱۳۵۸ شمسی، به نزدیک دروازه دولت، مقابل کلینیک قائدی منتقل گردیده، و برنامه های درسی و تربیتی آن، تا کنون (سال ۱۳۷۵ شمسی) ادامه دارد.

سرپرستی مدرسه بر عهده خانم زهره مدرّس مطلق (که از خاندان علمی و ریشه دار « مدرّس » میباشند) قرار گرفته، و آیه الله شریعت ریزی و حجه الاسلام آقای شیخ جعفر الهی، و مرحوم حجه الاسلام، آقای حاج سید أبو الحسن مظفری و نیز آقای ذوالفقاری، و جمعی از بانوان با سابقه در تحصیلات حوزوی، تدریس در این مدرسه را بر عهده داشته و دارند.

شمار دانش طلبان این مرکز، همیشه یکسان نبوده، ولی در حال حاضر، حدود یکصد نفر به تحصیل علم، در رتبه های مقدمات و سطوح متوسطه و عالی (رسائل و مکاسب و شرح منظومه و ...) اشتغال دارند. بعضی از دانش طلبان مکتب زینب علیها السلام و مکتب فاطمه علیها السلام و مدرسه الزهراء علیها السلام، مشترک می باشند، و بعضی سالها در مدرسه ای، و زمانی دیگر، در مدرسه دیگر، ادامه تحصیل علم داده اند. مرحومه خانم فخرالسادات سلامتیان و خانم ایران شکرانی و خانم بتول نیلفروشان و خانم فردوس مدرّس هاشمی و خانم طهمورث و خانم عفت نکوئی و خانم مقاره ای و خانم عذرا هر تمینی و خانم زهرا محمودیان و خانم صفورا سجادی و جمعی دیگر، در زمره تحصیل کرده های این مدرسه هستند. که اشتغال به تدریس نیز داشته اند، و با این که مشکلات خانوادگی و گرفتاری های زندگی، سدّ راه آنها می شده، ولی با پشتکار و جدّیت، به تحصیل و تدریس ادامه داده اند.

مدرسه الزهراء علیها السلام

این مدرسه، در سال (۱۳۵۸ شمسی) تأسیس گشته، و مؤسس آن

حجّه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج سید مرتضی هاشمی می باشند ، و سرپرست داخلی مدرسه ، خانم میر شفیعی هستند ، که از خاندان علم و روحانیت می باشند . محلّ مدرسه ، در ابتداء ، ساختمان قائمیه در خیابان مسجد سید بوده ، و هم اکنون ، در مسجد امام جعفر صادق علیه السلام (واقع در خیابان صائب) می باشد .

درسهای این مدرسه ، از مقدمات تا سطوح عالیّه است ، و تعداد دانش طلبان آن در نوسان بوده ، و میانگین آن بالاتر از یکصد نفر می باشد .

برخی از فضلاء حوزه علمیه ، و نیز بعضی از شاگردان ممتاز مدرسه ، در زمره مدرّسین این مدرسه می باشند .

مدرسه النّقیسه علیها السلام

مدرسه ای است واقع در کوی شیخ أبو مسعود ، نزدیک منزل مرحوم آیه الله خادمی قدس سره ، که مساحت آن در حدود چهارصد متر است ، و به صورت دو طبقه میباشد (به علاوه زیر زمین) .

این مدرسه ، قبلاً منزل مسکونی بوده ، و سپس وقف شده ، و با مقداری ساختمان اضافی و جدید ، به صورت مدرسه در آمده است ، و شامل هشت مُدرّس و یک سالن بزرگ و یک کتابخانه می باشد .

کتابخانّ مؤسسه دینی و علمی اُحمدیه ، که نزدیک مسجد سید بوده ، به این مدرسه منتقل گردیده ، و پانزده هزار جلد کتاب دارد .

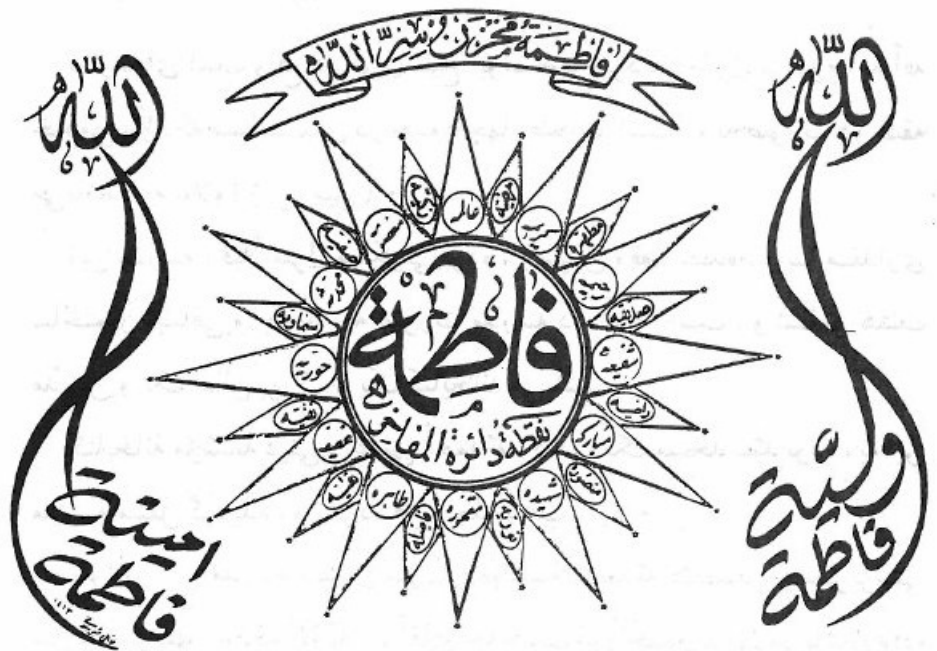
متولیان این مدرسه ، همان متولیان مؤسسه اُحمدیه هستند ، و سرپرستی مدرسه ، بر عهده حجّه الاسلام ، آقای حاج سید أبو الحسن بدری می باشد ، و ده نفر در این مدرسه تدریس می نمایند ، و در حدود هفتاد نفر از طبقه نسوان ، در

رتبه های مقدمات و سطح ، تحصیل علوم حوزه ای می نمایند .

مدرسه کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام

در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام ، واقع در اول خیابان احمد آباد ، کلاسهای درس دینی و حوزوی برای خانمها تشکیل داده می شود ، و دروس دینی در رتبه مقدمات و سطح برای آنها تدریس می گردد ، و بدین ترتیب ، مدرسه ای برای بانوان شکل گرفته است .

عکس



۷- کتابخانه های اصفهان ، در دوره های گوناگون

اشاره

ص: ۳۳۳

یکی از نشانه های موقعیت علمی در شهر اصفهان ، در طول تاریخ ، وجود کتابخانه های مهم و گسترده ای است که به صورت عمومی یا شخصی ، وجود داشته ، و مورد استفاده و بهره برداری پژوهش گران و محققین در علوم گوناگون بوده است ، و ذیلاً، به مواردی مهم و قابل توجه اشاره می نمائیم .

کتابخانه های اصفهان را در سه قسمت (قبل از دوره صفویّه ، و دوره صفویّه ، و پس از دوره صفویّه) مورد بحث قرار می دهیم .

کتابخانه های اصفهان در دوره های قبل از صفویّه

در دوره های گوناگون ، همانند دوره حکومت آل بویه و سلجوقیان و ... ، در شهر اصفهان ، کتابخانه های مهم و قابل توجهی شکل گرفته ، که بعضی ، متعلّق به شیعه ، و برخی دیگر ، متعلق به اهل سنت بوده است ، و ذیلاً به نمونه هایی اشاره مینمائیم : مینمائیم :

۱- کتابخانه عظیم اسماعیل بن عبّاد

اسماعیل (صاحب) بن عبّاد ، چهره بزرگ علمی و سیاسی شیعه ، کتابخانه بسیار مهمی داشته ، که از نظر کمیّت و کیفیت ، از مقام بالائی برخوردار بوده ، و همین بس که ، شمار کتابهای او را ، با رقم دویست و شش هزار یا دویست و هفتاد هزار ، تعیین نموده اند و فهرست آنها در ده مجلد جمع آوری شده بوده و برای

حمل و جابجائی آنها، نیاز به بیش از چهارصد شتر بوده است (۱).

صاحب بن عبّاد به مناسبت توصیف کتاب «الأغانی» از أبو الفرج اصفهانی، یادی از کتابخانه خود نموده، و می گوید: من در کتابخانه خودم یکصد و هفده هزار جلد کتاب نفیس دارم، وقتی که کتاب الأغانی به دستم رسید، از مطالعه کتابهای خویش صرف نظر کردم، و ملازم خواندن کتاب الأغانی شدم (۲).

۲- کتابخانه بزرگ مسجد جامع

مافروخی اصفهانی، در معرّفی وضعیت مسجد جامع اصفهان، شرحی داده که در ضمن آن، از کتابخانه عظیمی یاد می کند که، روبروی مسجد بوده است. او چنین توصیف می کند: برای هر نماز، کمتر از پنج هزار نفر در آنجا گرد نمی آید، پهلوی هر جزری شیخی قرار دارد که، جماعتی از طلاب گرد او را گرفته، به وظیفه درس یا ریاضت نفس، اشتغال دارند. آراستگی این بنا، به واسطه مناظره فقهاء و مباحثه علماء و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است و در آنجا صوفیان و علماء، و کسانی دیده می شوند که، به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده، و با تسبیح و دعا زندگانی را می گذرانند. روبروی مسجد، کتابخانه ای با حجرات گوناگون و مخازنش، واقع است. این کتابخانه به وسیله استاد الرئیس، أبو العباس، أحمد الضّبی، ساخته شده (۳) و او کتب

ص: ۳۳۶

۱- کتاب اصفهان، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۰۶ و ۲۰۹، و آل بویه و اوضاع زمان ایشان، صفحه ۵۳۴ و آشنائی با حوزه های علمیه شیعه، جلد ۱، صفحه ۳۶۲

۲- کتابخانه های ایران، از جواهر کلام، صفحه ۲۰

۳- با توجه به اینکه أبو العباس أحمد الضّبی، از شخصیتهای بزرگ عالم تشیع است، روشن میگردد که این کتابخانه وابسته به شیعه میباشد

مربوط به همه گونه علوم را، که به مرور ایام، فضلاء و ادباء سابق انتخاب کرده اند، در آنجا جمع نموده است.

کتابخانه مزبور، دارای فهرستی در سه جلد بزرگ بوده، مشتمل بر کتابهایی در: تفسیر قرآن، حدیث، صرف، نحو، لغت، ادبیات، شعر، منطق، ریاضی، طبیعی و غیره (۱).

اسماعیلیه، در سال ۵۱۵ هجری، مسجد جمعه و کتابخانه نفیس آن را آتش زدند، که به نظر دکتر هنرفر، آنچه در حریق سال ۵۱۵، در مسجد جمعه سوخته است، توابع مسجد، یعنی ابنیه ای مانند: آموزشگاهها، صومعه ها، مزیف ها، مخزن ها و کتابخانه ای بوده است، که فهرست آن در سه جلد قطور، تنظیم شده بوده است (۲).

۳- کتابخانه شیخ ابوسعود

در عبادتگاه شیخ ابوسعود (که از عرفای مشهور بوده، و گفته می شود که، نقشی بزرگ در توجه مردم به فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام و علاقه آنها به تشیع، داشته) کتابخان مهم و نفیسی موجود بوده است (۳).

۴- کتابخانه مدرسه حاج حسن

در کنار مسجد و مناره عظیمی که، در جوار امامزاده هارونیه علیه السلام وجود دارد، مدرسه ای است که، به نام مدرسه حاج حسن نامیده می شود، و اصل مدرسه، متعلق به سلطان محمد سلجوقی و از آثار او بوده، و در این مدرسه،

ص: ۳۳۷

۱- محاسن اصفهان، صفحه ۸۵، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹

۳- مجله هنر و مردم، شماره ۵۶ و ۵۷، دوره جدید، صفحه ۳۷، بنقل از کتاب خلد برین

کتابخانه ای بزرگ گرد آمده بوده است (۱).

۵- کتابخانه نظامیه اصفهان

نویسنده کتاب (کتابخانه های ایران) و نیز مقاله تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران (۲) عقیده دارد که، نظامیه اصفهان، دارای کتابخانه مهمی بوده است.

۶- کتابخانه خاندان خجندیان «آل خجند»

در کتاب ایرانشهر (۳) و مجله هنر و مردم شماره ۵۵ صفحه ۲۵ و کتاب کتابخانه های ایران (صفحه ۲۴ - ۲۵، از کتابخانه آل خجند یاد شده و چنین استفاده می شود که، کتابخانه قابل توجهی بوده است.

۷- کتابخانه مدرسه بابا قاسم

مدرسه باباقاسم که، به نام مدرسه امامیه نامیده می شود، و از میراثهای فرهنگی اصفهان از قرن هشتم، به شمار می رود، کتابخانه ای داشته، که مورد استفاده بوده است (۴).

۸- کتابخانه مدرسه سلطان بخت آغا

در مدرسه سلطان بخت آغا، در محله در دشت، که از مدارس مهم اصفهان در قرن هشتم هجری می باشد، و از آن مدرسه بزرگ و باشکوه، تنها سردر و دو

ص: ۳۳۸

۱- مجله هنر و مردم، شماره ۵۶ و ۵۷ صفحه ۳۷، و نیز شماره ۵۹، صفحه ۲۴

۲- مجله هنر و مردم، شماره ۵۵، اردیبهشت ۱۳۴۶

۳- ایرانشهر، جلد ۱، صفحه ۷۵۲

۴- مجله هنر و مردم، (مقاله کتابخانه های ایران)

مناره ، باقی مانده ، کتابخانه ای وجود داشته (۱) ، که همانند حجرات و صحن مدرسه از بین رفته است .

چنانکه در بخش (مدارس علمیه اصفهان ، قبل از صفویه) توضیح داده ایم ، مدرسه سلطان بخت آغا ، متعلق به شیعه می باشد ، بنابراین ، کتابخانه آن نیز ، وابسته به شیعه بوده است .

آنچه یاد نموده ایم ، نمونه ای از کتابخانه های قدیم اصفهان بود ، که نام آنها در الابلاهی صفحات تاریخ باقی مانده ، که برخی از آنها متعلق به شیعه بوده است .

کتابخانه های اصفهان در دوره صفویه

در دوره صفویه ، که مردم شیعه و علماء عظیم الشان مکتب أهل البيت علیهم السلام ، آزادی عمل یافتند ، و فعالیت های علمی بر مبنای مکتب تشیع ، گسترش یافت ، کتابخانه های بسیاری (با محتوای مناسب با فرهنگ اسلامی و شیعی) به وجود آمده ، که محل تحقیق و پژوهشهای بزرگان و محققان بوده ، و ما ، ذیلاً ، به نمونه هایی اشاره می نمائیم :

۱- کتابخانه شیخ علی منشار عاملی

شیخ علی منشار عاملی ، که از چهره های علمی در اصفهان ، و پدر زن مرحوم شیخ بهائی می باشد ، کتابخانه مهمی داشته ، مشتمل بر حدود چهار هزار کتاب ارزشمند ، که از هند به ایران آورده بوده است (۲).

۲- کتابخانه شیخ بهائی

نابغه بزرگ و چهره درخشان شیعه ، مرحوم شیخ بهاء الدین محمد معروف به

ص: ۳۳۹

۱- مجله هنر و مردم ، (مقاله کتابخانه های ایران)

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

(شیخ بهائی) ، متوفای ۱۰۳۰ ، کتابخانه ای داشته ، که پس از فوت شیخ علی منشار عاملی ، کتابهای او نیز ، به کتابخانه شیخ بهائی ضمیمه میگردد (۱).

۳- کتابخانه میرداماد

کتابخانه فیلسوف عظیم الشان شیعه ، مرحوم میرداماد قدس سره متوفای ۱۰۴۰

۴- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله

مدرسه ملا عبد الله ، که از مدارس مهم و معروف اصفهان ، و متعلق به دوره صفویه است ، کتابخانه ای داشته که در فتنه و حمله افغانها به اصفهان ، به غارت رفته است (۲).

در سالهای اخیر ، مجدداً کتابخانه ای در آن مدرسه دائر گردیده ، و موجود میباشد .

۵- کتابخانه ابن خاتون

یکی از دانشمندان معاصر شاه عباس ، به نام محمد بن علی ، و معروف به ابن خاتون ، کتابخانه معظمی داشته است ، که ، در هنگام توسعه کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام (بعد از حمله و دستبرد اُزبک ها) به پیروی از تصمیم و عمل شاه عباس ، تعدادی از کتب ارزشمند کتابخانه اش را ، به کتابخانه آستان قدس حضرت رضا علیه السلام اهداء نموده است (۳).

ص: ۳۴۰

۱- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۶

۳- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۴ ، صفحه ۴۴

علامه محقق ملا محمد باقر سبزواری ، و حکیم فرزانه ، میر أبو القاسم ، مشهور به میر فندرسکی که هر کدام ، از چهره های درخشان حوزه علمیه اصفهان بوده اند ، برای تحقیق و تألیف وسیع خود ، نیاز به کتابخانه ای شایسته آن همه کوشش علمی ، داشته اند ، بنابراین هر کدام کتابخانه قابل توجهی در اختیارشان بوده است .

۸- کتابخانه فیض کاشانی

مرحوم فیض کاشانی ، که فقیهی محدث و حکیمی متکلم و مفسیری محقق بوده ، و تحقیقات و تألیفات بسیار زیاد و متنوع ، در زمینه علوم مختلفه اسلامی ، داشته است ، دارای کتابخانه ای در شهر کاشان ، و سپس اصفهان بوده (۲) ، که با توجه به تحقیقات و فعالیت گسترده علمی آن بزرگمرد ، قابل توجه و دارای اهمیت بوده است . هم چنین ، پدر آن بزرگمرد ، ملا شاه مرتضی ، که از بزرگان علماء و از چهره های با فضل بوده ، کتابخانه عالی داشته است ، ولی متأسفانه در یک حادثه تلخ ، موریانه به آنها می افتد و همه را می خورد و فقط قطعه پوستی باقی می ماند که بر او نوشته بوده (۳)

علمی که حقیقی است ، در سینه بود

در سینه بود ، هر آنچه درسی نبود

صد خانه تو را کتاب ، سودی نکند

باید که ، کتابخانه در سینه بود

ص: ۳۴۱

۱- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۳ - ۱۷۴

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ صفحه ۱۷۴

۳- روضات الجنات ، صفحه ۵۴۲ و ریحانه الأدب ، جلد ۴ صفحه ۳۷۹

۹- کتابخانه خاندان خوانساری

کتابخانه خاندان بزرگ علمی شیعه (خاندان آقا حسین خوانساری) که به وسیله سر سلسله این خاندان ، یعنی محقق نامدار شیعه و ایران ، مرحوم آقا حسین خوانساری ، متوفای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ، تأسیس گشته است .

۱۰- کتابخانه خاندان خاتون آبادی

کتابخانه خاندان علمی خاتون آبادی ، که مؤسس آن ، دانشمند و محقق بزرگ ، امیر اسماعیل خاتون آبادی (از علماء اواخر دوره صفویه) بوده است (۱) و به علت کوشش های گسترده صاحبان این کتابخانه ها ، در زمینه تحقیق و تألیف و تدریس ، طبعا بهترین نفائس کتب و ارزشمند ترین ذخائر علمی را ، در برداشته است .

۱۱- کتابخانه صفویه

شاردن فرانسوی ، در سفرنامه اش ، از کتابخانه صفویه چنین یاد می نماید : در جنب عمارت طالاری که ، معروف به طالار طویله دربار اصفهان است ، چندین اطاق بزرگ می باشد ، که یکی از این اطاقها کتابخانه شاه بود ، و کتابدار این کتابخانه ، میرزا مقیم نامی است ... کتابهای این کتابخانه در حدود پانزده هزار مجلد است ، که غالب آنها به زبان عربی و ترکی ، و کمی از آنها به زبان فارسی ، تألیف شده ، و در این کتابخانه ، دو صندوق دیگر از کتابهای اروپائی است ، که یکی دارای ۷۶ جلد کتاب بود ... و در این خزانه ، یک چیزی که بین آن مخزونات و نفائس ، محترم بوده ، و آن را علم امام حسن علیه السلام می گفتند ، هرچه

ص: ۳۴۲

۱- چهار کتابخانه یاد شده اخیر ، در جزوه کتابخانه های ایران صفحه ۶۰ ذکر شده است

کوشش کردم که آن را خزانه دار بیرون بیاورد ، موافقت نکرده ، و گفت : تا دین اسلام قبول نکنی ، به تو ارائه نمی دهم (۱) . از این تعبیرات ، به خوبی روشن می شود که این کتابخانه ، مشتمل بر کتب نفیس و مهم و متنوع بوده است .

۱۲ - کتابخانه محمد مقیم

مولانا محمد مقیم ، کتابدار کتابخانه شاه سلیمان ، مردی کتاب شناس و کتاب دوست ، و از شعراء صاحب دیوان بوده ، و لذا خود او نیز کتابخانه ای مشتمل بر کتب ارزشمند و نفیس ، فراهم آورده بوده است (۲) .

۱۳ - کتابخانه میرفندرسکی

امیر صدرالدین میرفندرسکی ، کتابخانه مهمی داشته ، که مشهور بوده است ، و پس از وفات او طبق وصیتش ، به کتابخانه بقعه شیخ صفی اردبیلی ، منتقل می شود ، که در جنگ ایران و روسیه ، به غارت رفته است (۳) .

۱۴ - کتابخانه میرزا عنایت الله اصفهانی

میرزا عنایت الله بن آغا محمد مؤمن بن محمد باقر اصفهانی ، متوفای قبل از ۱۰۷۴ ، که دائی ملا عبد الله أفندی (صاحب ریاض العلماء) بوده ، و مردی عالم و فاضل و بصیر و زاهد و عابد و با و رَع بوده است (۴) و از شاگردان سلطان العلماء (خلیفه السلطان) به شمار رفته ، و هم درس پدر صاحب ریاض بوده

ص: ۳۴۳

۱- کتابخانه های ایران ، صفحه ۴۹ - ۵۰

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۶ ، دوره جدید ، صفحه ۲۹ ، و زندگینامه علامه مجلسی جلد ۱ ، صفحه ۱۷۲

۳- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۹

۴- ریاض العلماء ، جلد ۴ ، صفحه ۳۰۱

است. او کتابخانه ای داشته ، مشتمل بر کتابهای ارزشمند ، که خودش بر مقداری از آنها ، حاشیه و شرح نوشته بوده است (۱).

۱۵ - کتابخانه علامه مجلسی، پر برکت ترین کتابخانه های اصفهان

یکی از مهمترین کتابخانه های اصفهان در دوره صفویه ، و پربرکت ترین کتابخانه های شیعه در طول تاریخ ، کتابخانه عظیم علامه مجلسی است ، که نتیجه و حاصلی همانند : کتاب عظیم الشان بحارالانوار ، در عالم علم و حدیث ، و جهان تشیع ، داشته است .

کتابخانه علامه مجلسی ، مشتمل بر مصادر مهم و کمیاب ، و منحصر به فرد بوده ، و مشهور است که ، دویست اصل از اصول اربعماه ، که در نزد شیعه ، بسیار معتبر و گرانقدر است ، در نزد علامه مجلسی ، و در کتابخانه آن بزرگمرد ، موجود بوده است (۲).

علامه مجلسی ، برای فراهم آوردن کتابخانه ای ، که بتواند دائره المعارفی بزرگ و بی نظیر ، همچون بحارالانوار را ، به عالم اسلام عرضه کند ، تلاشی گسترده را به کار گرفت ، و کسانی را به اطراف فرستاد ، و به هر قیمتی که بود ، نسخه های معتبر و نفیس ، که حیثاً به خط مؤلفین چند قرن قبل بوده ، و یا مورد تصحیح و تأیید علماء برجسته شیعه بوده ، به دست آورد ، و کتابخانه های مهمی را از دیگران خریداری نموده ، و یا به ارث برده ، و ضمیمه کتابخانه عظیم خود

ص: ۳۴۴

۱- الذریعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۶، صفحه ۱۰۵ و ریاض العلماء

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۵ و علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین صفحه ۴۶۷

نموده ، که برخی از آنها به این قرار است :

الف - کتابخانه مهم پدر بزرگوارش ، علامه ملا محمد تقی مجلسی، که مشتمل بر کتابهای ارزشمند بوده است .

ب - کتابخانه حافظ کاظم

ج - کتابخانه سید محمد علی

د- کتابخانه شاه ابو تراب

ه - کتابخانه سید حسن آل یراق

و - کتابخانه میرزا غیاث

مرحوم علامه مجلسی ، با داشتن چنین کتابخانه عظیمی ، موفق گردید ، نه تنها کتاب عظیم « بحار الأنوار » را تألیف نماید ، بلکه بسیاری از کتب نفیس و اصلی و مهم شیعه را ، که نسخه های کمی از آنها باقی مانده بود، و در شرف نابودی قرار داشت، با کمک نسخه برداران ، تکثیر و تصحیح و مقابله نمود، و در اختیار دانشمندان و مراکز علمی قرار داد ، و در نتیجه ، از نابودی بسیاری از آثار و تألیفات و کتب قدماء شیعه جلوگیری نمود ، و به راستی «حافظ و ناشر آثار أهل البيت عليهم السلام و علماء سلف» گردید . کتابخانه علامه مجلسی ، در خانه آن بزرگمرد، جنب مسجد جامع بزرگ اصفهان (که شامل می‌درس و مجلس مرافعه و ... بوده) مستقر بوده ، و بعد از وفات ایشان ، در اختیار نوادگان دختری آن بزرگمرد ، (خاندان امام جمعه) قرار گرفته است (۱).

۱۶- کتابخانه شیخ أبو طالب زاهدی

میرزا أبو طالب زاهدی گیلانی ، متوفای ۱۱۲۷ هجری ، (پدر شیخ محمد

ص: ۳۴۵

علی حزین لاهیجی (از علماء دارای فضیلت بوده ، و کتابخانه مهمی داشته ، که شمار کتابهای آن ، به پنج هزار می رسیده است . بسیاری از آنها را به خطّ خودش تصحیح نموده ، و شمار زیادی را شرح و حاشیه نوشته بوده ، و خودش ، خوش خطّ و سریع القلم ، بوده است .

کتابهای : « قاموس » و « تهذیب الحدیث » و « شرح لمعه » را (تا هفتاد کتاب) به خط خودش ، نوشته بوده است (۱). میرزا ابوطالب ، سر سلسله خاندان علمی مشایخ بید آباد می باشد (۲).

۱۷ - کتابخانه ملا عبد الله أفندی

مولا عبد الله أفندی تبریزی ، صاحب کتاب عظیم الشان « ریاض العلماء » ، از محققین نامدار ، در زمینه تراجم و رجال بوده ، و برای تحقیقات خود ، مسافرت های فراوان می کرده ، و به کتابخانه های زیادی در شهرها مراجعه می نموده ، و در کتابش ، از کتابخانه هایی که شخصاً دیده است ، گاه گاهی یاد می کند .

ملا عبد الله أفندی ، به تعبیر مرحوم حزین لاهیجی (به غایت متتبع بوده) و در کنار منزل خود ، مدرسه ای بناء کرده بوده ، و در آنجا تدریس می نموده است .

آن بزرگمرد ، کتابخان مهمی داشته ، مشتمل بر نسخه های نفیس ، که در کتاب خود به عنوان مأخذ ، از آنها استفاده می نموده است (۳) .

ص: ۳۴۶

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۷ صفحه ۱۶۶ و أعیان الشیعه ، چاپ قدیم ، جلد ۶ ، صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ ، زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۹

۳- کتاب و کتابخانه های ایران ، از همایونفرح ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۴ و زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

۱۸ - کتابخانه حزین لاهیجی

شیخ محمد علی حزین ، که از دانشمندان و سخنوران و ادباء بزرگ قرن دوازدهم می باشد ، کتابخانه مهمی داشته ، که در فتن افغان و شکست اصفهان و سقوط حکومت صفویه به غارت رفته است ، و خودش در این باره می نویسد :

در آن سال (۱۱۳۵) سانه اصفهان روی داد ، و کتابخانه فقیر و آنچه بود ، به غارت رفت ، و مرا بر تلف شدن آن نسخه ها تأسف است (۱).

۱۹ - کتابخانه مدرسه چهارباغ

مدرسه مهم و تاریخی سلطانی (چهارباغ) که اخیراً (بعد از انقلاب اسلامی) به نام مدرسه امام صادق علیه السلام نامیده می شود ، و از نظر معماری ، کاشی کاری ، استحکام و سایر امتیازات اساسی و هنری ، از مهمترین آثار تاریخی ، و میراثهای فرهنگی و هنری اصفهان به شمار می رود ، و به وسیله سلطان حسین صفوی تأسیس گردیده ، و سالهای متمادی محلّ تدریس و فعالیت علمی بوده است ، کتابخانه معظمی داشته ، که مشتمل بر نفائس بسیار ارزشمندی از کتب بوده است ، و در کتاب «جغرافیای اصفهان» ، شرحی جالب در مورد آن ذکر نموده ، که ذیلاً نقل می گردد .

سلاطین صفوی ، انار الله برهانهم ، کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده ، سه دسته از کل آنها را به خط خوش نویسانیده ، وقف فرموده ، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن ، حضرت رضا علیه آلا ف التّحیّه و الثّناء و نیز یک دسته در کتابخانه شاه (شیخ صفی قدّس الله سرّه به اردبیل فرستاده بودند ، و دسته دیگرش را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ، ضبط و محفوظ می داشتند ، و از

ص: ۳۴۷

نسخ آنها بعضی دون بعضی ، در کتابخانه های مدارس ولایات و مملکت بود(۱).

کتابهای مدرسه چهارباغ را ، برای حفظ از غارت شدن به وسیله افغانها ، احتیاط کردند ، و در سردابی قرار دادند ، و درب آن را مسدود نمودند ، و در طول اغتشاش و فتنه افغان ، مورد سرکشی قرار نگرفت و بسیاری از آنها صدمه دید ، و تاکنون وضعیتی روشن ، از آن کتابخانه عظیم و نفیس ، در دست نیست .

البته در مجل آن کتابخانه ، در سال ۱۳۲۳ شمسی ، کتابخانه ای به نام کتابخانه فرهنگ ، تأسیس گشته ، که پس از انقلاب اسلامی ، به نام کتابخانه عمومی امام جعفر صادق علیه السلام نام گذاری شده ، و در حال حاضر ، ۲۴۶۷۰ جلد کتاب خطی و چاپی دارد ، و مورد بهره برداری می باشد (۲).

۲۰- کتابخانه مدرسه آقا کمال خازن

آقا کمال خازن (خزینه دار سلطان حسین صفوی) که از مردان دوستدار علم بوده ، و هفت مدرسه تأسیس کرده است (۳) یکی از مدارس او در جنب شاهزاده ابراهیم بوده ، و ویران شده است ، و اثری از او باقی نیست ، در این مدرسه ، کتابخانه ای وجود داشته که در فتنه افغان از بین رفته است (۴) .

۲۱- کتابخانه مدرسه ایلچی

مدرسه ایلچی ، که در محله احمد آباد بوده (و ظاهراً در مجاورت مسجد ایلچی ، که فعلاً موجود است ، و از آثار تاریخی به شمار می رود ، بوده است)

ص: ۳۴۸

۱- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۸۱ و مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ صفحه ۶۹

۲- جزوه کتابخانه ابن مسکویه ، صفحه ۱۴ - ۱۵

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۰۳

۴- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۸

کتابخانه ای داشته ، که تا سال ۱۳۳۸ ، دائر بوده است (۱) و کتابهایی از کتابخانه مدرسه ایلچی ، در کتابخانه مجلس شورای مله‌ی موجود است ، همانند : شاهنامه فتحعلی خان صبا ، با ۲۳ مجلس زیبا (۲) .

۲۲- کتابخانه نایب الصّدر

مرحوم میر محمد مهدی نایب الصّدر ، که فقیهی کامل و مجتهدی محقق بوده ، و متوفای ۱۱۶۷ مییاشد ، کتابخانه مهمی داشته ، و بر اغلب و یا تمام کتب موجود در کتابخانه اش ، در زمینه تمام علوم ، حاشیه نوشته است (۳) و این از ویژگی های مرحوم نایب الصّدر و کتابخانه او، بوده است .

۲۳- نا...

نویسنده مقاله های مفصل درباره (تاریخچه کتابخانه های ایران) در مجله هنر و مردم ، از کتابخانه های زیادی ، از سلاطین و متمولین دوران صفویه ، نام برده است ، همانند :

۱- کتابخانه عظیم و گسترده شاه عباس کبیر (که بخش اهدائی آن به کتابخانه آستان قدس رضوی در هفت جلد، فهرست برداری شده است) .

۲- کتابخانه شاه سلیمان صفوی

۳- کتابخانه شاه عباس ثانی

۴- کتابخانه شاه صفی

۵- کتابخانه شخصی سلطان حسین صفوی

ص: ۳۴۹

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۴

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۷ - ۶۸ ، صفحه ۴۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۱۲

۶- کتابخانه اعتقاد خان

۷- کتابخانه حاج حسین بیک

۸- کتابخانه فرهاد خان معتمد الدوله

و نیز، از کتابخانه های زیادی در رابطه با مدارس علمیّه آن دوره، بر می شمرد، همانند:

۹- کتابخانه مدرسه آقا کافور

۱۰- کتابخانه مدرسه جده بزرگ

۱۱- کتابخانه مدرسه جده کوچک

۱۲- کتابخانه مدرسه خالصیه

۱۳- کتابخانه مدرسه خواجه ملک

۱۴- کتابخانه مدرسه ذو الفقار

۱۵- کتابخانه مدرسه عباسی (ناصری)

۱۶- کتابخانه مدرسه کاسه گران

۱۷- کتابخانه مدرسه مریم بیگم

۱۸- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله أفندی

۱۹- کتابخانه مدرسه نصر آباد

۲۰- کتابخانه مدرسه نیم آور

البته وجود کتابخانه های مهم و قابل توجهی، در مدارس یاد شده، به نحو مشخص، محلّ تردید می باشد، و طالبین تحقیق، بایستی بررسی گسترده تری را برای اثبات مطلب، به انجام برسانند.

کتابخانه های اصفهان، بعد از دوره صفویه

پس از آنکه حکومت صفویه سقوط کرد و شهر اصفهان و حوزه علمیّه آن،

مورد تاراج و غارت شدید قرار گرفت ، و بسیاری از کتابخانه ها به غارت رفت، و شمار بسیاری از آنها سوزانده شد، تا جائی که گفته اند : هفته ها بلکه ماهها ، کتب کتابخانه های اصفهان به مصرف گرم کردن حمامهای شهر می رسید(۱) وضعیت آسف باری برای تاریخ کتابخانه در اصفهان رقم زده شد .

ولی به مرور زمان ، و تمام شدن فتنه افغان ، و تجدید حیات علمی در حوزه علمیه ، و کوشش علماء بزرگوار ، مجدداً تألیف و تحقیق ، نسخه برداری و جمع آوری کتب ، از سر گرفته شد، و مجدداً با راه افتادن مدارس علمیه و تشکیل جلسات درسی ، و مرجعیت یافتن علماء بزرگ ، کتابخانه های ارزشمندی شکل گرفت که نمونه هائی از آن را ذکر می کنیم .

۱- کتابخانه عظیم سید شفتی

مرحوم سید محمد باقر شفتی ، متوفای ۱۲۶۰، که از پرچمداران بزرگ دینی در قرن سیزدهم ، و از زعمای بزرگ حوزه علمی عظیم اصفهان ، در قرون اخیر بوده است ، و شاگردانی زیاد و تألیفاتی فراوان داشته ، و به کتابهای متنوع نیازمند بوده ، و از طرف دیگر، به حفظ آثار علمی بزرگان گذشته ، و نشر آنها علاقه مند بوده است ، کوششی مستمر را برای تهیه کتابخانه ای جامع و غنی ، در پیش می گیرد، و تا آخر عمر ، در خریدن و نگهداری نسخه های ارزشمند و کتب نفیس ، اقدام می نماید، تا جائی که از خود مرحوم سید نقل کرده اند که فرموده است : همه کتب در نزد من هست (که گویا مراد مرحوم سید این است که ، در همه زمینه ها، کتابهای مورد نیاز ، در نزد من موجود می باشد)

ص: ۳۵۱

۱- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۰ ، به نقل از نشریه فرهنگ شماره ۲۸

به نقل مرحوم تنکابنی در «قصص العلماء» در سالی که مرحوم سید به حج مشرف شدند، کتابخانه ایشان را که مشتمل بر کتب نفیس و قیمتی بود، به پنجاه هزار تومان قیمت کردند، و با توجه به ارزش پول (تومان) در آن زمان، به خوبی می توان، گسترش و اهمیت کتابخانه مرحوم سید را حدس زد (۱).

۲- کتابخانه خاندان قزوینی

مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی، متوفای بعد از ۱۲۶۳، که از شاگردان مبرز و مورد توجه و علاقه شدید مرحوم سید شفتی (حجه الاسلام) بوده است، کتابخانه مهم و نفیسی داشته که، مشتمل بر کتب ارزشمند بوده، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در تألیف مجلدات «الذریعه» از آن بهره گرفته است.

این کتابخانه، حدود یک قرن باقی بوده، و سپس در میان احفاد مرحوم قزوینی، متفرق شده است (۲).

۳- کتابخانه خاندان خوانساری «روضاتی»

کتابخانه عظیم و با برکتی است که، به وسیله آقا سید ابوالقاسم خوانساری، مشهور به میرکبیر، متوفای ۱۱۵۸، در شهر خوانسار، تأسیس شده، و سپس به اولاد او منتقل گردیده و توسعه یافته، تا آنکه به «آقامیرزا زین العابدین خوانساری»، متوفای ۱۲۷۵ منتقل می شود، و او به اصفهان مهاجرت نموده، و خاندان علمی بزرگی را در اصفهان بوجود می آورد که، چهره هائی همانند: مرحوم آقا میرزا محمد باقر خوانساری (صاحب روضات) و آقا میرزا محمد هاشم

ص: ۳۵۲

۱- بیان آلمفاخر، جلد ۱، صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۸

۲- الذریعه، جلد ۸، صفحه ۲۹۹، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳

چهارسوقی و ... را در بر گرفته است .

کتابخانه یاد شده ، با جمع و تقسیم هائی در میان اولاد و أحفاد مرحوم میرزا زین العابدین ، ادامه می یابد ، تا اینکه در زمان ما ، یکی از أحفاد آن بزرگمرد ، یعنی علامه محقق ، آیه الله ، آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی ، کتابخانه نفیس و ارزشمندی را که ، مشتمل بر کتب خطی و کمیاب و نایاب است در اختیار دارند ، و این کتابخانه ، در امتداد همان کتابخانه نفیس خوانسار به شمار می رود ، گرچه در طول زمان ، حوادث زیاد ، و جمع و تقسیم و تفریق هائی را به خود دیده است ، و اخیراً ، بخش عظیمی از آثار نفیس ، به وسیله محقق مذکور ، به کتابخانه یاد شده ، اضافه گردیده است (۱).

۴- کتابخانه حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی

فقیه و اصولی محقق و نامدار ، مرحوم حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی خوانساری ، صاحب کتاب «مبانی الأصول» و متوفای ۱۳۱۸ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و درسی در حوزه اصفهان ، و شخصیتی پر تلاش در تألیف و تصنیف بوده است ، کتابخانه مهم و قابل توجهی داشته ، که مشتمل بر متجاوز از ده هزار جلد کتاب ، بوده است (۲).

مرحوم حاج میرزا محمّد هاشم ، برادر آقا میرزا محمّد باقر (صاحب روضات الجنّات) ، و از چهره های مبرز «خاندان علمی میرزا زین العابدین خوانساری» میباشد .

ص: ۳۵۳

۱- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۲۹۷ و اطلاعات شخصی

۲- کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۸

۵- کتابخانه امام جمعه ها

کتابخانه ای بوده ، در اختیار امام جمعه ها (که از نوه های دختری علامه مجلسی بوده اند) و کتابخانه آنها ، ادامه قسمتی از کتابخانه علامه مجلسی بوده است .

۶- کتابخانه آخوند ملا حسین

آخوند ملا حسین خوانساری ، فرزند ملا علی اکبر ، متوفای ۱۳۰۲ ، (که از اطرافیان و خواص فقیه و محقق نامدار ، مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی شفتی بوده) کتابخانه ای داشته ، که بخشی از آن، به کتابخانه عظیم آیه الله مرعشی نجفی در قم ، ملحق گردیده است .

۷- کتابخانه ملا باشی

مرحوم حاج میرزا محمود ملا باشی (داماد حاج میرزا هاشم امام جمعه) ، کتابخانه نفیسی داشته ، مشتمل بر نسخ خطی ، بالأخص نسخه هائی از آثار مرحوم علامه مجلسی ، که پس از فوت مرحوم ملا باشی ، در اختیار فرزند ایشان ، آقای حاج میرزا حبیب الله ملا باشی ، قرار گرفته است ، و هم اکنون موجود میباشد .

۸ و ۹- کتابخانه مدرسه پا قلعه و مدرسه رکن الملک

به نظر نویسنده کتاب و مقالات (کتاب و کتابخانه های ایران) مدرسه پاقلعه ، و نیز مدرسه رکن الملک (که در جوار مسجد رکن الملک و همزمان با آن تأسیس شده) کتابخانه داشته است ، ولی قرائنی برای این ادعا، به دست ما، نرسیده است .

۱۰- کتابخانه منجم باشی

مرحوم محمّد حسین تفرشی ، معروف به «منجم باشی»، کتابخانه ای از کتابهای نفیس نجوم و ریاضی و هیئت ، فراهم آورده بوده ، که بسیاری از آنها نصیب کتابخانه آقای فخر الدّین نصیری آمینی ، گردیده است (۱).

۱۱- کتابخانه حکیم نجم اصفهانی

حکیم نجم ، متخلص به (نجم) از مشاهیر گویندگان دوران اخیر قاجار بوده، و کتابخانه نفیسی داشته ، که مشتمل بوده بر کلیه آثار منظوم حکیم نجم (که تعداد آنها چهل و دو عدد میباشد) و همه ، به خط مؤلف و منحصر به فرد بوده است (۲).

۱۲ - کتابخانه مستوفی

مجتهد مدرّس و جامع معقول و منقول ، حاج میرزا یحیی مستوفی ، متوفای ۱۳۲۵ قمری ، کتابخانه مهمی داشته ، که پس از فوت آن بزرگمرد ، کتابها را کیسه ای (گونی ، گونی) می فروخته اند .

۱۳ - کتابخانه حاج آقا منیرالدّین

مرحوم حاج آقا منیر الدّین بروجردی ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که از چهره های برجسته علمی ، و از محققین و صاحبان تألیف و تصنیف بوده ، کتابخانه مفصّلی داشته ، که در اصفهان در آن زمان کم نظیر بوده است ، این کتابخانه بعد از فوت فرزند حاج آقا منیر ، به نام حاج شیخ اسماعیل ، که او هم از

ص: ۳۵۵

۱- کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲، صفحه ۱۷۵

۲- کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲، صفحه ۱۸۵

علماء جلیل القدر بوده است ، از بین رفته و متلاشی می شود (۱).

۱۴- کتابخانه حاج میرزا أبو الهدی کلباسی

مجتهد اصولی و رجالی محقق ، حاج میرزا أبو الهدی کلباسی ، متوفای ۱۳۵۶ قمری ، که در تدریس و تألیف شخصیتی برجسته بوده است ، کتابخانه ای داشته که پس از فوت آن بزرگمرد ، به ملاّ أحمد بیان آلواعظین فروخته شده است .

۱۵- کتابخانه آقا شیخ محمد رضا نجفی

فقیه اصولی و حکیم ریاضی و ادیب محقق ، مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ، متوفای ۱۳۶۲ ، که از چهره های برجسته علمی و ادبی و اجتماعی اصفهان بوده ، کتابخانه مهم و نفیسی ، مشتمل بر کتب خطی ممتاز ، داشته است (۲) .

۱۶- کتابخانه بیان الواعظین

مرحوم ملاّ أحمد بیان آلواعظین ، که از احفاد محقق نامدار ، آقارضی قزوینی بوده ، و خود ، واعظی مشهور و نویسنده ای متتبع بوده ، و در سال ۱۳۷۱ قمری وفات یافته است ، کتابخانه ای داشته ، که به علت آشنائی او با کتب ارزشمند ، از بهترین کتابها ، جمع آوری شده بوده ، و کتابخانه ای نفیس به شمار می رفته است .

۱۷- کتابخانه حاج سید علی نجف آبادی

محقق و فقیه نامدار ، و مرجع و مدرّس عظیم الشان حوزه علمیّه اصفهان ،

ص: ۳۵۶

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۴۸

۲- توضیحات نویسنده مشهور آقای سید مصلح الدین مهدوی

مرحوم آیه الله، حاج سید علی نجف آبادی، متوفای ۱۳۶۲ قمری، کتابخانه بسیار مهمی داشته، که کتب ارزشمند، و نسخه های خطی برجسته (از اصول و مصادر شیعه) در آن فراوان بوده است. نسخه های منحصر به فرد، و دستخط علماء بزرگ و مشهور، و آثار و نسخه های مربوط به زمان علامه مجلسی، از مزایای این کتابخانه بوده است، ولی متأسفانه، پس از فوت ایشان و گذشت چندین سال (در حدود سالهای بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ قمری) این کمترین (نویسنده این سطور) شاهد بودم، که در ماه رمضان بود، از ظهر تا به غروب و فردای آن، از صبح تا به ظهر، مرتباً، کتابهای یاد شده را (که در حجره آن مرحوم، در مدرسه صدر بازار بود) در گونی می ریختند، و به در مدرسه می آوردند، و در گاری های اسبی می ریختند، و گفته می شد که به ایستگاه ماشین های نجف آباد می برند (برای انتقال به نجف آباد) و دیگر هیچ خبری از آن گنجینه عظیم و نفیس، به دست من نرسیده است، و هم اکنون که این سطور را مینگارم، احساسی تلخ به من دست داده، که دوره های سختی و فشار بر حوزه های علمیّه (به خصوص دوره حکومت پهلوی ها) چه گنجینه های ارزشمندی را، از حیطة اختیارات حوزه های علمیّه، بیرون برده است.

۱۸ - کتابخانه کلباسی

مرحوم آیه الله، حاج میرزا رضا کلباسی، متوفای ۱۳۸۳، که مجتهدی بزرگ و پیشوائی فعال و متنفذ بوده، و تألیفات و آثار اجتماعی زیادی داشته، صاحب کتابخانه ارزشمندی بوده است.

۱۹ - کتابخانه الفت

مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت، متوفای ۱۳۸۴، (فرزند مرحوم آقا نجفی

اصفهانی) ، که از نویسندگان و محققین به شمار رفته ، و منزل او مجمع فضلاء و أدباء بوده است ، کتابخانه عظیم و آبرومندی داشته ، که بعضاً از مرحوم آقانجفی بوده ، و برخی را نیز خود تهیه نموده ، و پس از فوتش به دانشکده ادبیات اصفهان ، اهداء گردیده است . مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، این کتابخانه را ، از نفیس ترین کتابخانه های اصفهان در زمان خود ، دانسته اند (۱).

۲۰- کتابخانه صدر هاشمی

مرحوم سید محمد صدر هاشمی ، کتابخانه ای داشته ، که به دانشگاه اصفهان اهداء گردیده است (۲) .

۲۱- کتابخانه مرحوم مقدّس

مجتهد زاهد ، مرحوم حاج آقا محمد مقدّس ، متوفای ۱۳۷۸ قمری ، که از علماء متنوّذ اصفهان ، و وکیل تام الاختیار مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده اند ، کتابخانه مفصّلی از کتب خطّی و چاپی داشته اند ، که پس از فوت ایشان ، زیر نظر مرحوم آیه الله بروجردی (طبق وصیت) به کتابخانه مسجد اعظم قم ، منتقل گردیده و مورد بهره برداری محققین ، قرار گرفته است (۳) .

۲۲- کتابخانه حاج شیخ کرمانی

مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، (فرزند مرحوم

ص: ۳۵۸

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۸

۲- کتاب برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۳

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۶

آخوند ملا محمد حسین کرمانی (کتابخانه ای داشته ، که به مسجد اعظم قم، منتقل گردیده است .

۲۳- کتابخانه طیب زاده

یکی از علماء بسیار محترم و زاهد و با تقوی ، که از چهره های علمی و تقوایی اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم بودند ، به نام حاج میرزا محمد طیب زاده ، و در بقعه علامه مجلسی مدفون گردیده اند ، کتابخانه ای داشتند که به کتابخانه جدید التاسیس علامه مجلسی ، که در جوار بقعه آن بزرگمرد بنیان گذاری شده ، منتقل گردیده است .

۲۴- کتابخانه سید العراقین

عالم بزرگوار، مرحوم آقای مصطفی سید آل عراقین ، کتابخانه نفیسی داشته اند ، که مشتمل بر آثار ارزشمند بوده است .

۲۵- کتابخانه کتابی

مرحوم آقا سید أبو الحسن کتابی ، متوفای ۱۳۹۸ قمری ، که عالمی فاضل و ادیب بوده ، و تحصیلات خود را حوزه اصفهان و نجف به پایان برده بوده است، در اثر عشق و علاقه به کتاب ، کتابخانه ای آبرومند فراهم آورده بوده ، که پس از وفات آن مرحوم ، تلاشی می گردد (۱).

۲۶- کتابخانه مدرسه صدر

مدرسه صدر بازار اصفهان ، مهمترین و بزرگترین مدارس موجود در اصفهان

ص: ۳۵۹

می باشد، و مرکز حوزه علمیه و محل تدریس فقهاء و مدرّسین بزرگ است و مرحوم آیه الله آقا سید محمد رضا خراسانی، که از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان بودند، در سال ۱۳۶۳ قمری، در مدرسه صدر کتابخانه ای در دو طبقه، تأسیس نمودند، که هنوز این کتابخانه باقی، و مورد استفاده طلاب می باشد.

۲۷- کتابخانه معلم حبیب آبادی

مرحوم آقا شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی، محقق و مورّخ مشهور اصفهانی (نویسنده کتاب ارزشمند «مکارم الآثار») کتابخانه نفیسی داشته، که مشتمل بر کتب تاریخ، رجال، تراجم، ادبیات و... بوده، که در تألیف کتاب یاد شده، و سایر آثار قلمی، و تحقیقات عمیق ادبی و تاریخی و رجالی خود، از آنها بهره می گرفته است.

۲۸- کتابخانه آیه الله خادمی

مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای جمادی الثانیة ۱۴۰۵ قمری، که از مراجع بزرگ دینی در اصفهان، و رئیس حوزه علمیه، و عهده دار تدریس فقه و اصول اجتهادی (دوره خارج) بودند، کتابخانه نفیسی داشتند، که در برگرفته نسخه های خطی کمیاب و بسیار قدیمی بود، و از نظر کمی و کیفی، مجموعه قابل توجهی به شمار می رفت.

۲۹ تا ۳۴- شش کتابخانه، در شش مدرسه

در هر کدام از مدرسه های نوریّه و صدر خواجه و ملا عبد الله و جلالیه احمد آباد و نیز مدرسه مسجد سید و مجتمع دینی و علمی احمدیه علیه السلام، در ربع قرن اخیر، کتابخانه های قابل توجهی تأسیس گشته، که مورد استفاده طلاب

۳۵ - کتابخانه عمومی الزهرا علیها السلام

این کتابخانه ، واقع در طبقه زیرین مسجد عظیم و شکوهمندی است ، که به نام « بابا محمد علی سقا » می باشد ، و معروف به « مسجد آیه الله امامی » گردیده ، و محل آن ، در خیابان جمال الدین عبد الززاق می باشد ، و در سال ۱۴۰۰ قمری ، به وسیله مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره تأسیس گشته است .

کتابخانه یاد شده ، در حال حاضر در حدود هفتاد و پنج هزار جلد کتاب دارد ، که مشتمل بر کتب خطی ، کتاب های چاپی کم یاب ، مجله های گوناگون علمی و دینی و اجتماعی ، و مهمترین کتابهای دوره ای ، در زمینه علوم مختلف اسلامی می باشد ، که با کوشش و دقت فراوان ، گزینش و تهیه گردیده است ، و برای تأمین نیازمندیهای علمی محققین ، در هر رشته ای از علوم اسلامی ، منبعی سرشار میباشد .

در این کتابخانه ، در زمینه دسته بندی موضوعی مطالب کتب علمی ، از دستگاه کامپیوتر استفاده می شود ، و یک محقق می تواند از مطالب موجود در کامپیوتر ، در رابطه با موضوعات گوناگون و لغات مختلف ، استفاده نماید ، و مآخذ و منابع موجود در کتابخانه را ، در زمینه آن موضوع بشناسد و به دست آورد . در حال حاضر ، این کتابخانه از غنی ترین کتابخانه های اصفهان ، در زمینه علوم اسلامی ، و تأمین نیازمندیهای محققین می باشد ، و کتابهای آن ، عمدتاً به زبانهای : عربی - فارسی - انگلیسی و مقداری به زبان اردو ، ترکی ،

فرانسوی، آلمانی و ... می باشد .

۳۶ - کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علیه السلام

این کتابخانه ، واقع در فلکه شکرشکن (اول خیابان أحمد آباد) می باشد ، و در سال ۱۴۰۰ قمری ، به وسیله حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید کمال فقیه ایمانی ، شروع به ساختمان گردیده ، و پس از گذشت مدت زمانی ، آغاز به فعالیت نموده ، و تاکنون در حال تکمیل و توسعه می باشد .

این کتابخانه سه طبقه است ، و از نظر ساختمان ، سالن مطالعه ، مخزن کتاب و امکانات لازم ، جالب است ، و در حال حاضر در حدود شصت هزار کتاب دارد ، و ضمناً کلاسهای درس و جلسات سخنرانی عمومی ، در این کتابخانه تشکیل می گردد .

۳۷- کتابخانه مرقد مطهر علامه مجلسی

کتابخانه ای است با شکوه ، که در کنار مرقد مطهر مرحوم علامه مجلسی ، و در نزدیکی مسجد جامع ، در سال ۱۴۰۲ قمری ، در قطعه زمینی به مساحت ۱۴۰۰ متر، به صورت دو طبقه (با محاسبه زیر زمین) به وسیله هیئت أمناء مرقد مطهر علامه مجلسی ، تأسیس شده است ، و وسیله ای ، برای بزرگداشت نام آن بزرگمرد علم و دین ، و نیز نشر افکار و فرهنگ تشیع می باشد .

این کتابخانه ، دارای حدود ۲۰ هزار جلد کتاب ، به زبان عربی و فارسی و مقداری لاتین می باشد ، و همه روزه تمام وقت ، برای مطالعه کنندگان (اعم از آقایان و خانمها) آماده می باشد (۱).

ص: ۳۶۲

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود ، ساختمان کتابخانه علامه مجلسی در حال توسعه می باشد و فعالیت عمرانی برای گسترش آن ، در حال انجام است

در مدرسه علمیّه ذوالفقار ، که چندین مدرسه دیگر ، وابسته به او است ، و مجموعاً در حدود ، یک هزار نفر طلبه را ، از نظر درسی و برنامه ریزی حوزه ای ، اداره می کند ، و تحت پوشش دارد، و در سال ۱۳۴۸ شمسی ، شروع به فعالیت برنامه دار و منظم نموده است ، و تاکنون به صورت فعال ادامه یافته است (۱) ، کتابخانه ای تأسیس شده ، و در حدود ۱۰ هزار کتاب دارد، که با توجه به تعداد طلاب مدرسه یاد شده و مدارس وابسته ، فعالترین کتابخانه موجود در مدارس علمیّه ، به حساب می آید ، و بیشترین بهره برداری مستمر و مفید ، از آن، انجام می شود .

سایر کتابخانه ها

در شهر اصفهان ، علاوه بر کتابخانه های یاد شده (که متعلق به حوزه علمیّه و وابسته به آن است ، کتابخانه هائی به وسیله دانشگاه اصفهان ، و نیز اداره آموزش و پرورش ، و اداره ارشاد اسلامی با شهرداری و ...، تأسیس گشته ، که گرچه شرح حال آنها ، از اهداف اصلی این کتاب نیست ، ولی با توجه به ارزش والای این خدمت فرهنگی ، به نحو فشرده از این کتابخانه ها یاد می نمائیم .

کتابخانه های دانشگاه اصفهان

دانشگاه عظیم و گسترده اصفهان ، در حال حاضر دارای ۱۹ کتابخانه

ص: ۳۶۳

۱- در بخش مدارس علمیّه ، بررسی مفصلی درباره تأسیس و مؤسسين برنامه های مدرسه ذوالفقار ، داریم مراجعه شود

است (۱) که بعضی از آنها محدود و گروهی، و برخی دیگر، گسترده و با اهمیت می باشند، که ذیلاً به معرفی چند مورد با تفصیل نسبی می پردازیم، و به سایر موارد، اجمالاً اشاره می نمائیم:

۱- کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان

این کتابخانه در سال ۱۳۴۸ شمسی، در محل سابق کتابخانه دانشکده ادبیات، تأسیس گردیده و در سال ۱۳۵۳، به محل فعلی، در کوی دانشگاه، منتقل شده است.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه، علاوه بر کتابهای فارسی و عربی و خارجی و کمیاب و نایاب، چندین مجموعه شخصی نگهداری می شود، که یا به صورت وقف در اختیار دانشگاه قرار گرفته، و یا به وسیله صاحبان آنها، به کتابخانه دانشگاه اهداء گردیده، و یا دانشگاه آنها را خریده است، و این مجموعه ها، بر اعتبار کتابخانه مرکزی دانشگاه، افزوده است، زیرا شمار زیادی از کتابهای این مجموعه های شخصی، جزء کتابهای نایاب و پر ارزش، محسوب می شود.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه، بیش از ۱۱۲۰۰ (هزار و دویست) نسخه خطی موجود است، که بسیاری از آنها متعلق به مجموعه وقفی مرحوم الفت می باشد، و در بین مجموعه های شخصی فوق الذکر، در مجموعه مرحوم صدر هاشمی، دوره نسبتاً کامل و ارزشمندی از مجلات و روزنامه های قدیمی موجود است،

ص: ۳۶۴

۱- در این قسمت، از کتاب (برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان) جلد ۱، صفحه ۱۲۸ به بعد، و نیز از گفتگوی اختصاصی با معاون محترم کتابخانه مرکزی، جناب آقای مرتضی تیموری، بهره گرفته ایم

که بر اعتبار کتابخانه مرکزی، افزوده است (۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، در حال حاضر (تاریخ انتشار کتاب «برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان» که سال ۱۳۷۳ شمسی بوده است) ۱۰۱۸۵۹ جلد میباشد، که شمار کتابها (متجاوز از یکصد هزار) و نسخه های بسیار قدیمی خطی، و نسخه های بسیار قدیمی چاپی، که تاریخ چاپ آنها بیش از سیصد سال قبل است، و تنوع و گستردگی موضوعات و زمینه های آنها، موجب اهمیت خاص این کتابخانه گردیده است

ساختمان عظیم و باشکوهی، با الهام از خصوصیات کتابخانه های معتبر دانشگاههای بزرگ ایران و جهان، و با استفاده از شیوه های معماری اسلامی، برای این کتابخانه، در دست تأسیس می باشد و کارهای ساختمانی آن از سال ۱۳۷۰ شمسی شروع شده است (۲).

۲- کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

در سال ۱۳۳۷ شمسی، در کوی شاهزاده ابراهیم (در نزدیکی خیابان شیخ بهائی)، تأسیس گردیده و در سال ۱۳۴۷، به کوی دانشگاه در هزار جریب، منتقل شده است.

زمانی آمار کتابهای این کتابخانه به ۸۵۰۰۰ جلد رسیده بود، ولی تعداد سی هزار جلد از این کتابها، قبل از حریق سال ۱۳۶۶ شمسی (که کتابخانه را دچار خسارت و زیان فراوان نمود) به کتابخانه مرکزی منتقل گردیده بود.

در حال حاضر، کتابخانه دانشکده ادبیات، در ساختمان جدید، به مساحت

ص: ۳۶۵

۱- برنامه ریزی جامع ...، صفحه ۱۳۳

۲- برنامه ریزی جامع ...، جلد ۱، صفحه ۱۳۳

یکهزار و دویست متر (شامل قرائت خانه و مخزن کتاب و سالن مطالعه مجلات و دفتر کتابخانه) قرار گرفته ، و دارای ۴۳۵۷۹ جلد کتاب می باشد ، و مرتباً در حال افزایش است (۱).

۳- کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی

این کتابخانه ، در سال ۱۳۵۵ شمسی تأسیس گردیده ، و دارای ۲۵۰۷۱ جلد کتاب می باشد (۲).

۴- کتابخانه دانشکده علوم

این کتابخانه در سال ۱۳۴۳ شمسی تأسیس گردیده ، و در حال حاضر ، دارای متجاوز از پنجاه و سه هزار جلد کتاب می باشد .

۵- کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصاد

در سال ۱۳۵۵ تأسیس گردیده ، و در حال حاضر به نام (کتابخانه آزادگان) نامیده می شود ، و دارای ۱۸۹۴۴ جلد کتاب می باشد (۳).

۶- کتابخانه دانشکده علوم تربیتی

در سال ۱۳۵۰ شمسی تأسیس گردیده است ، و در حال حاضر دارای ۲۱۱۸۷ جلد می باشد (۴).

ص: ۳۶۶

۱- برنامه ریزی جامع، ج ۱، ص ۱۲۹، در تاریخ آذرماه ۱۳۷۵ شمسی ، آقای مرتضی تیموری ، شمار کتابهای کتابخانه دانشکده ادبیات را حدود ۵۴۰۰۰ جلد کتاب ، ذکر نمودند

۲- در گفتگوی آقای تیموری ، شمار کتابها در تاریخ آذرماه ۱۳۷۵ شمسی ، متجاوز از ۳۲۰۰۰ معرفی گردید

۳- برنامه ریزی جامع ... ، جلد ۱، صفحه ۱۳۰

۴- برنامه ریزی جامع ... ، جلد ۱، صفحه ۱۳۰

سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان

سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان ، بدین قرار می باشد .

۷- کتابخانه حوزه فرهنگ و معارف اسلامی

۸- کتابخانه خوابگاه شهداء

۹- کتابخانه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

۱۰- کتابخانه دانشکده مهندسی

۱۱ - کتابخانه گروه ادبیات فارسی

۱۲ - کتابخانه گروه الهیات و معارف اسلامی

۱۳ - کتابخانه گروه تاریخ

۱۴ - کتابخانه گروه جغرافیا

۱۵ - کتابخانه گروه ریاضی

۱۶ - کتابخانه گروه زیست شناسی

۱۷ - کتابخانه گروه علوم اجتماعی

۱۸ - کتابخانه گروه فلسفه

۱۹ - کتابخانه بخش زبان و ادبیات ارمنی (۱).

کتابخانه های اداره ارشاد اسلامی و شهرداری و مراکز فرهنگی و خیریه ای

در شهر اصفهان ، در محله های مختلف و در مدارس گوناگون (وابسته به آموزش و پرورش) کتابخانه های کوچک و بزرگی تأسیس گشته ، که نشانه رشد علمی و فرهنگی جامعه ، و یادگاری از مردم نیکوکار و مردان و زنان دانش

ص: ۳۶۷

دوست ، می باشد که ذیلاً به نمونه هائی از آنها اشاره می نمائیم

۱- کتابخانه تخصصی دارالقرآن الکریم

این کتابخانه ، وابسته به (دارالقرآن الکریم اصفهان) و واقع در خیابان شیخ بهائی می باشد ، و در سال ۱۳۷۳ شمسی ، تأسیس گردیده است .

۲- کتابخانه عمومی مجتمع فاطمیہ علیها السلام

این کتابخانه ، در سال ۱۳۶۳ شمسی تأسیس گشته ، و محل آن ، خیابان زینبیه می باشد ، و وابسته به حسینیه و دارالشفاء فاطمیہ علیها السلام است ، و متجاوز از ۸۰۰۰ جلد کتاب دارد .

۳- کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر «عج»

این کتابخانه ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد ، و در سال ۱۳۵۲ شمسی تأسیس گشته ، و متجاوز از ۱۸۰۰۰ جلد کتاب دارد ، و محل آن خیابان ولی عصر (عج) ، جنب اداره مخابرات می باشد .

۴- کتابخانه عمومی این مسکویه

این کتابخانه واقع در خیابان چهارباغ خواجو می باشد ، و در قطعه زمین بزرگی قرار گرفته ، و ساختمان مفصّلی دارد و در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس گردیده است ، و وابسته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ، می باشد .

۵- کتابخانه عمومی ابوالفرج اصفهانی

واقع در خیابان زینبیه ، پارک لاله می باشد ، و وابسته به شهرداری اصفهان است و در سال ۱۳۷۱ شمسی ، تأسیس گردیده .

۶- کتابخانه عمومی ارشاد

این کتابخانه ، وابسته به اداره کل ارشاد اسلامی می باشد ، و در سال ۱۳۶۰

شمسی تأسیس گردیده ، و واقع در خیابان زینیه ، پارک باغ قوشخانه است .

۷- کتابخانه بنیاد فرهنگی امیرقلی امینی

این کتابخانه ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، و نیز ، شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۱ شمسی ، تأسیس گشته و محل آن ، در خیابان آیه الله کاشانی ، جنب بیمارستان آیه الله کاشانی میباشد .

۸- کتابخانه عمومی توحید

این کتابخانه ، مخصوص به خانمها ، و وابسته به اداره ارشاد اسلامی است ، که در سال ۱۳۶۰ شمسی تأسیس گشته ، و در حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن ، پل آذر ، بوستان ملت ، می باشد .

۹- کتابخانه عمومی جلال الدین همائی

این کتابخانه ، واقع در خیابان پروین ، پل آزادگان ، خیابان هفتون ، محله گرکان و وابسته به شهرداری اصفهان ، می باشد .

۱۰- کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علیه السلام

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، واقع در خیابان علامه امینی ، مجموعه فرهنگی باغ غدیر ، که در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گشته است .

۱۱- کتابخانه عمومی علامه امینی

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، که در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گردیده ، و محل آن خیابان علامه امینی می باشد .

۱۲ - کتابخانه خانه کودک و نوجوان باغ غدیر

این کتابخانه ، واقع در خیابان علامه امینی ، و وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می باشد ، و در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گردیده ، و در

حدود هشت هزار جلد کتاب دارد .

۱۳- کتابخانه عمومی راغب اصفهانی

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، واقع در انتهای خیابان عسکریّه نرسیده به خیابان پروین ، که در سال ۱۳۶۹ شمسی ، تأسیس گردیده است .

۱۴- کتابخانه عمومی صائب

کتابخانه ای است ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ، که در سال ۱۳۵۸ شمسی تأسیس شده ، و حدود ۱۰ / ۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن باغ صائب واقع در خیابان صائب ، می باشد .

۱۵- کتابخانه عمومی طغرایی اصفهانی

این کتابخانه ، وابسته به شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس شده ، و محل آن خیابان کاوه ، پارک میخک می باشد .

۱۶- کتابخانه عمومی قدس

این کتابخانه ، وابسته به شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۱ شمسی تأسیس شده ، و محل آن ، شهرک قدس می باشد .

۱۷ تا ۲۲ - کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

از شماره ۱ تا ۶ به ترتیب زیر :

شماره ۱- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب ، در سال ۱۳۴۸ شمسی ، تأسیس گشته ، و محل آن خیابان کاوه جنب داروخانه حکیم شفائی می باشد .

شماره ۲- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب ، در سال ۱۳۴۸ شمسی تأسیس گشته ، و محل آن، خیابان آیه الله کاشانی می باشد .

شماره ۳- با حدود ۱۲۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۵۰ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، خیابان گلزار احمد آباد، می باشد

شماره ۴- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۵۴ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، در فلکۀ طوقچی (فلکۀ قدس) می باشد.

شماره ۵- با متجاوز از ۱۵۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۴۹ شمسی تأسیس گشته، و محل آن خیابان شهید مطهری، پل فلزی، بوستان کودک میباشد.

شماره ۶- با حدود ۶۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۶۹ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، در بزرگراه شهید چمران، کوی آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.

۲۳- کتابخانه تخصصی مرکز مطالعات ملل و نحل

که در سال ۱۳۷۰ شمسی، تأسیس گشته، و چهل هزار جلد کتاب دارد، و محل آن خیابان سید علیخان، می باشد.

۲۴- کتابخانه عمومی شهید مفتح

وابسته به اداره ارشاد اسلامی می باشد، و در سال ۱۳۶۰ تأسیس گشته، و محل آن، خیابان جی - تالار می باشد، و متجاوز از ۷۰۰۰ جلد کتاب دارد.

۲۵- کتابخانه عمومی میرداماد

کتابخانه ای است، وابسته به شهرداری اصفهان، که در سال ۱۳۷۲ شمسی، تأسیس گشته و ۱۶۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن، خیابان شهید نیکبخت، نرسیده به چهار راه شیخ صدوق است (۱).

ص: ۳۷۱

۱- برای آشنائی اجمالی با مراکز فرهنگی اصفهان (اعم از تحقیقاتی، کتابخانه ها، مجله ها مراکز نشر، مراکز کامپیوتری و سمعی بصری) می توانید از نشریه راهنمای مراکز فرهنگی اصفهان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، استفاده نمائید

يَا مَوْلَانِي

إِفْطِحْ

أَعْيُنِي

۸- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان

اشاره

ص: ۳۷۳

بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان

یکی از مظاهر عظمت علمی اصفهان ، بقعه ها و مقبره هائی است که ، برخی از آنها اختصاصاً به احترام علماء بزرگ و پرچمداران علمی و حوزه ای ، تأسیس گشته ، و سپس عدّه ای از علماء در آن مدفون گردیده اند، و برخی دیگر به مناسبت احترام و ارزش امامزاده ای مورد تکریم ، جلب توجه نموده ، و مدفن علماء و مؤمنین گردیده است ، و مجموعاً ، چنین مراکزی ، نشانگر وسعت میدان فعالیت و نفوذ علماء و دانشمندان دینی می باشد ، و ذیلاً به قسمتی از این بقاع توجه می نمائیم

..

۱- مزار عالم محدّث ، امامزاده اسماعیل علیه السلام

در طرف شرق خیابان هاتف ، در محله قدیمی گلپهار ، مجموعه ای نفیس از معماری و تزئینات عهد سلجوقی و صفوی ، دیده می شود که به نام امامزاده اسماعیل شهرت دارد، و این مجموعه ارزشمند، شامل یک مسجد بسیار قدیمی به نام مسجد شعیبا (۱) علیه السلام ، و مقبره امامزاده اسماعیل علیه السلام و مقبره شعیبا نبی علیه السلام و رواق و سردر و صحن بزرگ امامزاده ، و یک گنبد زیبا بر قبر امامزاده ، و نیز یک گنبد بزرگ آجری از نوع گنبد های چهارسوی های اصفهان ، که در اصلی صحن امامزاده به سوی آن باز می شود) می باشد ، و در کتاب

ص: ۳۷۵

۱- در گچبری محراب داخل شبستان مسجد ، نوشته شده : **أَوَّلُ مُسْجِدِ بَيْتِي بِالْأَصْبَهَانِ**

گنجینه آثار تاریخی اصفهان و آثار ملی اصفهان ، به نحو مفصل در باره این مجموعه نفیس و تاریخی بررسی شده است .

نسب امامزاده اسماعیل ، به سبط اکبر ، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام میرسد و او پدر ابراهیم طباطبا (جدّ سادات طباطبائی) می باشد و خود ، از بزرگان رواه و محدّثین بوده است (۱) و در کتیبه موجود در سرسرای رواق بقعه ، در باره نسب و شخصیت آن بزرگوار، چنین آمده است :

هَذَا الْمَشْهُدُ وَالرَّوَضَةُ الْمُنَوَّرَةُ الْمُقَدَّسَةُ ، الْإِمَامُ سَيِّدُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْإِمَامِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ . وَ چنانچه ملاحظه می نمائید لقب امام ، برای او در نظر گرفته شده ، که حاکی از شخصیت برجسته او می باشد (۲).

در جوار امامزاده اسماعیل علیه السلام عده ای از علماء و بزرگان ، مدفون گردیده اند همانند :

۱- قاضی صفی الدین ، محمد بن ملا علی زواری ، متوفای ۹۹۵، که روی سنگ قبر آن، عبارات زیر حجاری شده است :

وَفَاتُ الْعَالِمِ الرَّبَّانِيِّ وَالْعَارِفِ الصَّمِدَانِيِّ ، قُدْوَةِ الْعُلَمَاءِ الْمُحَقِّقِينَ وَ أَسْوَةِ الْفُقَهَاءِ الْمِدْقَقِينَ ، قَاضِي حَوَائِجِ السَّائِلِينَ وَ كَفِيلِ مَصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ ، مُطَاعِ الْعَالَمِينَ ، وَ مَثْبُوعِ الْعَالَمِينَ ، صَيِّفِيًا لِلشَّرِيعَةِ وَ الْإِفَادَةِ وَ الدِّينِ ، مُحَمَّدِ بْنِ عُمَدَةِ الْقَضَاءِ وَ الْمُتَشَرَّرِينَ ، خَادِمِ شَرَعِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، غِيَاثِ الْمِلَّةِ وَ الدِّينِ ، الْمَلَّا- عَلِيِّ الزُّوَارِيِّ ، تَعَمَّدَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى بِقُفْرَانِهِ ، فِي مُنْتَصَفِ شَهْرِ شَعْبَانَ الْمُعْظَمِ سَنَةِ خَمْسٍ وَ تِسْعِينَ وَ تِسْعِمِائَةٍ ، مِنْ هِجْرِهِ مَقْصُودِ إِيجَادِ الْبَرِّيَّةِ . که از

ص: ۳۷۶

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۷۸

۲- در باره امامزاده اسماعیل علیه السلام به بخش « امامزادگان اصفهان » ، همین کتاب مراجعه گردد

جمله های یاد شده به خوبی مقام علمی و اجتماعی قاضی صفی الدین محمد و پدر او ملا علی زواری ، استفاده می شود .

وی ، معروف به قاضی صفی می باشد (۱).

۲- محمد هادی بن میرلوحی سبزواری ، که از علماء بزرگ و مشهور زمان خود بوده است .

۳- میر محمد بن میرلوحی سبزواری ، متوفای ۱۱۱۳ قمری ، که از بزرگان علماء و محدثین بوده ، و حاج آقا بزرگ طهرانی کتابی را ، به نام (إدرء العاقلین و إخراج المجانین) از آثار او ذکر نموده اند (۲).

۴- نوابه ، سلطان بیگم ، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی ، متوفاه در سن ۱۱۴۶ ، که از زنان شاعره و ادیبه و عالمه بوده است (۳) .

۲- بقعه صاحب بن عبّاد

از مزارهای شریف و متبرک و مورد توجه فراوان شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم السلام در شهر مذهبی اصفهان ، بقعه و مقبره اسماعیل بن عبّاد ، معروف به صاحب بن عبّاد است .

محل بقعه ، نزدیک میدان بزرگ طوقچی ، در انتهای خیابان هاتف (خیابان علامه مجلسی) می باشد ، و در مجاورت آن ، یک مسجد و یک حسینیه مهم ، وجود دارد و در سالهای اخیر ، دار الشفاء حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام در نزدیکی آنها ، به دست مردمان خیراندیش و با ولایت تأسیس گشته ، و در اطراف بقعه ،

ص: ۳۷۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۹

۲- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱ صفحه ۳۸۸

۳- برای نام مدفونین در امامزاده اسماعیل به رجال اصفهان ، صفحه ۱۷۹ مراجعه شود

فضای سبز ایجاد گردیده است. صاحب بن عبّاد، در سال ۳۸۵ هجری بدرود حیات گفت، و در دهلیز خانه اش (که محلّ مراجعات مردم و رفع نیازمندی های آنان، و نیز جایگاه مجالس علمی و بحث و مناظره صاحب بن عبّاد بوده) مدفون گردید.

مزار صاحب بن عبّاد، در طول زمان، مورد توجه عموم مردم و مخصوصاً شخصیت های علمی و دینی بوده، همانند: مرحوم حاجی کلباسی متوفای ۱۲۶۱ قمری که بقعه و مزار صاحب را تعمیر نموده و مواظبت بر زیارت آن داشته است (۱).

چگونگی بقعه صاحب ابن عبّاد در حال حاضر

مرحوم آیه الله اَدیب، متوفای ۱۴۱۲ قمری، در تعمیر و تزیین بقعه صاحب بن عبّاد و ساختن ضریح برای قبر مطهر آن بزرگمرد، کوشش فراوان نمودند و در حدود سال ۱۴۰۲ قمری، گنبد مطهر را کاشی کاری نموده، و در سال ۱۳۶۸ شمسی (۱۴۰۹ قمری) ضریح زیبایی بر روی قبر منور آن بزرگمرد الهی، نصب کردند، که بر شکوه بقعه، افزوده است.

اشاره ای به شخصیت علمی و اجتماعی صاحب

صاحب بن عبّاد، وزیری کم نظیر در تدبیر و کفایت (۲)، محدّثی عظیم الشان، ادیبی نامدار، مدافعی سرسخت برای مکتب اهل البیت علیهم السلام، حاکمی دلسوز

ص: ۳۷۸

- ۱- یکی از وابستگان آن بقعه شریفه، نقل می نمود که: مرحوم آیت الله شهید سید ابوالحسن شمس آبادی م، از منزل خودشان، واقع در خیابان شیخ بهائی، کوی عمومی، (با آن فاصله زیاد) پیاده، به زیارت قبر صاحب بن عبّاد می آمدند
- ۲- به همین جهت او را کافی الکفاه می نامند

برای مردم، نویسنده و مؤلفی پر اثر، عالمی متبحر و جامع علوم گوناگون بوده، و از پایه گذاران نیرومند مذهب تشیع در اصفهان محسوب می باشد.

شمار کتابهای کتابخانه او را، یکصد و چهل هزار، یا دویست و شش هزار، و بعضی دویست و هفتاد هزار، گفته اند و برای حمل کتابخانه او نیاز به چهارصد یا هفتصد شتر بوده است (۱). جلسه درس و حوزه علمی او آن چنان پرجمعیت بوده که هفت نفر یا دوازده نفر مُعید، لازم بوده، که صدای صاحب را به حاضرین در جلسه عظیم درس برسانند (۲).

و در یک کلام، صاحب بن عبّاد و حوزه درسی و کتابخانه او، افتخار بزرگ عالم علم و ادب، دین و مذهب، حوزه علمی و کتابخانه داری، سیاست و حکومت بوده، و مردم ایران عموماً، و ملت اصفهان خصوصاً، و پیروان مکتب تشیع و ولایت، بالأخص، او را از مفاخر خود می شناسند، و مزار او، از بقعه ای شریفه و متبرّکه اصفهان، به شمار می رود و نیازمندان و دردمندان، برای گرفتن حاجت، به بارگاه روحانی او روی می آورند.

ص: ۳۷۹

۱- احتمالاً اختلاف شمار کتابهای صاحب در کتب تاریخ، مربوط به زمانهای مختلف می باشد. زیرا طبیعی است که، یک کتابخانه در حال توسعه و افزایش باشد

۲- برای آشنائی بیشتر با عظمت حوزه درسی و کتابخانه صاحب بن عبّاد، به بخش (نامداران بزرگ علمی شیعه در اصفهان، از قرن سوم تا دهم) «در همین کتاب» و نیز، به کتابهای: روضات الجنات، أعيان الشّيعه، الذّريعه، آل بويه و أوضاع زمان ایشان، هدیه العباد (نوشته آیت الله. حاج شیخ عباسعلی ادیب، در شرح حال صاحب بن عبّاد)، ریحانه الأدب، تذکره القبور گزی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار ملی اصفهان، آشنائی با حوزه های علمی شیعه، جلد ۱ «از نویسنده کمترین»، و دیگر کتب تراجم و رجال و تاریخ و ادبیات، مراجعه شود.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عباسعلی اَدیب قدس سره ، که از علماء میّرز و اَساتید نامدار حوزه علمیه بودند و در اِحیاء و تعمیر و جلب توجه مردم به بقعه صاحب بن عبّاد ، کوشش فراوان می نمودند ، در تاریخ دوازدهم ذی الحِجّه ۱۴۱۲ قمری بدرود حیات گفتند ، و در جوار مرحوم صاحب بن عبّاد ، مدفون گردیدند و سنگ قبر مرمری ، به رنگ سبز با حجّاری زیبا ، و نوشته ای جالب ، بر روی قبر آن بزرگمرد ، نصب گردیده است (۱).

۳- مقبره خاندان تُرکه «آل ترکه»

خاندان علمی و عظیم (ترکه) چندین قرن ، به علم و ادب و قضاوت و ریاست علمی و اجتماعی در شهر بزرگ اصفهان ، اشتغال و شهرت داشته اند و از مفاخر علمی شیعه در دوره حاکمیت مخالفین در اصفهان ، به حساب می آیند . مقبره خانوادگی این دودمان علمی ، در کنار مسجد بُنان بوده ، و خواجه صائِن الدّین تُرکه نیز ، در همان بقعه و مقبره مدفون گردیده است (۲)(۳) .

و احتمالاً مقبره مهمی بوده ، که بسیاری از این خاندان علمی و نیز علماء دیگری از بزرگان شهر ، در آن مدفون گردیده اند ، چنانچه در ضمن شرح حال میرزا ابوتراب خطّاط اصفهانی ، گفته اند که : در جنب مزار خواجه صائِن الدّین

ص: ۳۸۰

۱- در باره شخصیت علمی مرحوم آیه الله اَدیب ، در بخش (چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر) بحث نموده ایم

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۲۱۰

۳- در باره خاندان علمی تُرکه (آل تُرکه) در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) ، بررسی مبسوطی داریم

ترکه ، که از أجلة علماء و فقهاء بوده ، دفن گردیده است (۱).

۴- مرقد ملا تاجا

تاج الدین حسن بن محمد لنجانی ، متوفای ۱۰۸۵ ، یا ۱۰۹۸ ، که عالمی جلیل و زاهد و دارای تألیفات بوده ، و فرزندى همچون فاضل هندی (اصفهانى) صاحب کشف اللثام داشته است ، در مقبره جنب مسجد بازار غاز ، که در حال حاضر به نام مسجد خواجه تاج الدین نامیده می شود ، و در خیابان ولی عصر (عج) واقع است ، مدفون گردیده و مورد توجه می باشد (۲).

ملا تاجا ، مورد تجلیل علماء بزرگ ، همانند : صاحب روضات الجنات ، و علامه أمين شامى ، در أعيان الشیعه قرار گرفته و مشایخ او در حدیث : ملا حسنعلی شوشتری (تستری) و جمال الدین محمود شیرازی بوده اند ، و در میان شاگردان او ، چهره درخشان فقیه نامدار ، مرحوم فاضل اصفهانى (فاضل هندی) و سید حسین بن سید حیدر عاملی کرکی ، جلب توجه می نماید (۳).

۵- مزار دو عالم شهید ، سید جعفر و سید مرتضی «جعفریه»

یکی از بقاع متبرکه در شهر اصفهان ، « بقعه جعفریه » است ، که در نزدیکی امامزاده اسماعیل علیه السلام و در حاشیه غربی خیابان هاتف واقع شده ، و بنای آن ، برج مانند و متعلق به قرن هشتم هجری ، و دوره حکمرانی مغولهای مسلمان و شیعه می باشد (۴).

ص: ۳۸۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۲۱۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۰۹ و اطلاعات شخصی

۳- روضات الجنات ، صفحه ۵۴۹ و أعيان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۴۰

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۰۰ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۳

گنبد جعفریه ، نمونه کاملی از مقابر دوره مغولها محسوب می شود، و شکل بقعه در قسمت پائین ، هشت ضلعی می باشد و سنگ قبر داخل بقعه ، از میراثهای گرانبهای تاریخی و مشتمل بر نوشته هایی است که از نظر زیبایی ظاهر و اهمیت مطالب ، از اسناد تاریخی بسیار مهم ، به شمار می رود .

متن سنگ نوشته ، چنین است:

هَذَا قَبْرِ السَّيِّدِ الْمُعَظَّمِ الْمُؤَقَّرِ الْمُمَكَّنِ الْمُكْرَمِ ، صَاحِبِ السَّيْفِ وَالْقَلَمِ ، مَتَّبِعِ الْجُودِ وَالْخُلُقِ وَالْكَرَمِ ، الْمُتَحَلِّيِّ بِمَحَاسِنِ الشَّيْمِ ، سَيِّدِ الصُّدُورِ وَالسَّادَةِ ، يَتَّبِعُ السَّيَادَةَ وَالسِّيَادَةَ ، مَفْخَرِ أَوْلَادِ الْبُتُولِ ، قُدْوَةِ آلِ الرَّسُولِ ، نِظَامِ الطَّالِبِيَّةِ ، شَمْسِ الْعِتْرَةِ ، جَمَالِ أَهْلِ بَيْتِ الْمُصْطَفَى ، سُلَالَتِهِ أَعْيَانِ أَوْلَادِ الْمُتَرْتَضَى ، مَالِكِ أَصْحَابِ السَّخَاءِ وَالْقُتُوبِ ، وَمَعْدِنِ أَرْبَابِ الشَّهَامَةِ وَالْمُرُوءَةِ ، بَهْلَوَانِ الْعِرَاقِ ، نَبَوِيِّ الشَّمَائِلِ وَجَمِيلِ الْإِخْلَاقِ ، كَرِيمِ الزَّمَانِ عَلَى الْإِطْلَاقِ ، مُحَرِّزِ الْمَنَاصِبِ بِالْإِسْتِحْقَاقِ ، الْمَرْحُومِ الْمَبْرُورِ ، الْمَغْفُورِ ، السَّيِّدِ الشَّهِيدِ ، تَاجِ الْمِلَّةِ وَالِدَيْنِ ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ ، أَشْرَفِ أَوْلَادِ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ ، جَعْفَرِ بْنِ السَّيِّدِ الْمُعَظَّمِ الْمُتَرْتَضَى الْمُكْرَمِ الثُّورِ الْأَزْهَرِ الْأَمْجِدِ ، مَفْخَرِ آلِ طِهٍ وَيَاسِينَ ، نَتِيجَةِ أَوْلَادِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، شَمْسِ الدِّينِ الْحَسَنِ بْنِ السَّيِّدِ الْمَغْفُورِ عِمَادِ الدِّينِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِغُفْرَانِهِ وَأَسْكَنَهُ بُحْبُوحَةَ جَنَانِهِ وَأَدَامَ سَعَادَتَهُ تُوفَّى فِي مُنْتَصَفِ مُحَرَّمٍ مِنْ سَنَةِ خَمْسٍ وَعِشْرِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ

از این سنگ نوشته ، نکات جالبی استفاده می شود:

۱- صاحب قبر ، دارای شخصیت علمی و اخلاقی بوده ، و از أهل قلم و شمشیر به شمار آمده است .

۲- دارای موقعیت رسمی و منصب اجتماعی بوده ، و ریاست و زعامت امور سادات و علویین را داشته ، و در میان سادات و عترت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، چهره مبرز و مورد توجه به شمار آمده ، و پیشوا و مقتدای طالبین ، دانسته شده است

۳- به مقام شهادت نائل گردیده ، و با عنوان سید شهید از او یاد شده است .

۴- دارای قدرت روحی و شهامت و شجاعت بوده ، و پهلوان عراق و معدن شهامت به شمار رفته است .

۵- پدر او نیز ، که به نام (حسن) بوده (۱) دارای شخصیت برجسته بوده ، و با ألقاب سید و معظم و مرتضی ، و با عنوان نور أزهر (درخشان تر) و أظهر و أمجد ، و افتخار آل طه و یاسین ، مورد تمجید قرار گرفته ، و نتیجه و خلاصه اولاد پیغمبر صلی الله علیه وآله ، معرفی گردیده است ، که نشان دهنده شخصیت والای آن بزرگمرد می باشد .

۶- جدّ او نیز که به نام (حسین) بوده ، با لقب عماد الإسلام ، یاد شده ، که آن هم از ألقاب دینی است ، که نشان دهنده شخصیت علمی و اجتماعی آن بزرگوار می باشد .

توجه : مقصود از علی بن الحسین ، که در آخر سلسله نسب آقا سید جعفر آمده ، حضرت علی بن الحسین ، امام زین العابدین علیه السلام نیست ، زیرا واسطه های بین آقا سید جعفر و آن شخصی که به نام علی بن الحسین نامیده شده ، فقط سه نفر می باشند، در حالی که فاصله زمانی بین آقا سید جعفر و امام زین العابدین علیه السلام ، در حدود شش قرن می باشد .

صلوات بر چهارده معصوم ، بالای دَرِ ورودی جعفریه ، نشانه سابقه تشیع اصفهان

بالای دَرِ ورودی بقعه جعفریه، لوحه ای از کاشی معزق، که به خط ثلث

ص: ۳۸۳

۱- برخی از نویسندگان ، در تفسیر عبارات سنگ قبر ، دچار اشتباهی شده اند و کلمه (مرتضی) را ، که دنبال جعفر بن السید المعظم آمده ، نام پدر سید جعفر دانسته اند، در حالی که همه کلمات یاد شده ، لقبها و عنوانهایی است برای پدر آقا سید جعفر ، و نام او حسن میباشد که به صورت شمس الدین حسن آمده است

سفید بر کاشی لاجوردی می باشد و صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام در آن نقش بسته ، جلب توجه می نماید و از نشانه های روشن نفوذ شعائر تشیع و فرهنگ مذهب اهل البیت علیهم السلام ، در نیمه اول قرن هشتم ، در شهر اصفهان می باشد .

۶- بقعه آقا سید مرتضی

در طرف جنوب بقعه جعفریه ، بقعه ای است که در زبان مردم ، به نام امامزاده سید مرتضی ، خوانده می شود، و او هم از علماء شهید بوده است .

در زمان پهلوی اول ، در هنگامی که تجاوزگران ، تصمیم گرفته بودند قبر آقا سید مرتضی را تخریب نموده و بقعه را تصرف نمایند، بدن مطهر و خون آلود آن بزرگمرد ، با لباس رزم و علم (روحانیت) ظاهر می شود (۱) و همین امر، موجب حفظ و بقاء بقعه آقا سید مرتضی می گردد ، که تاکنون باقی مانده ، و مردم به زیارت آن بزرگمرد نائل می شوند .

در بقعه آقا سید مرتضی ، در طرف غربی بقعه ، دو قبر برجسته وجود دارد که از شخصیت صاحبان قبر ، مطلبی در دست نبود، ولی در یک جریان جالبی که در سال ۱۴۱۳ قمری ، اتفاق افتاد ، مقام معنوی صاحبان قبر ، روشن گردید . و از آن تاریخ ، نویسنده این سطور هرگاه به زیارت بقعه میروم ، این دو قبر را زیارت می نمایم .

بقعه جعفریه و بقعه آقا سید مرتضی ، در وسط صحن بسیار بزرگی بوده که قبور بسیاری از مؤمنین و برخی از علماء همانند : مرحوم ملا حسین کاشی ، متوفای ۱۱۹۰ قمری ، در آن قرار داشته ، و نیز در نزدیکی بقعه جعفریه ،

ص: ۳۸۴

۱- اظهارات یکی از روحانیون معتقد و مورد وثوق ، به نام آقا شیخ حسین حسام رحمه الله علیه

مدرسه ای بوده با عظمت به نام مدرسه جعفریه (۱) که در اثر حوادث تاریخی و تجاوزات حکومت پهلوی اول به حریم دین و مذهب، از بین رفته، و فقط قسمتی از صحن بزرگ یاد شده، باقی مانده، و بقیه، به صورت خانه مسکونی در آمده است.

دفن بانوئی صالحه، و رونق و تعمیر جعفریه

بقعه جعفریه، در دوران حکومت پهلوی ها، کاملاً متروکه و مخروبه گردیده و در صحن آن، در اکثر اوقات بسته بود، تا آنکه در سال ۱۴۰۷ قمری، مادر نویسنده این سطور، یعنی بانوی صالحه، مرحومه حاجیه خانم منصوره نقیه احمد آبادی، بنت مرحوم آیه الله موسوی احمد آبادی (صاحب کتاب شریف مکیال المکارم) که عمری را در عبادت و انس با اهل البيت عليهم السلام، و تربیت سربازان امام زمان (عج)، سپری نموده بود، دار دنیا را وداع نمود، و به خاطر انس و علاقه ای که به این مزار شریف داشتند، مقرّر گردید، که آن مرحومه، در جوار این دو عالم بزرگوار و امامزاده عظیم الشان مدفون گردد (۲) و به دنبال این اقدام، با توفیق الهی و مساعدت نزدیکان، موفق گردیدم که تعمیراتی

ص: ۳۸۵

- ۱- در باره مدرسه جعفریه علیه السلام، در بخش (مدارس علمیه قبل از صفویه)، بحث نموده ایم
- ۲- نوشته سنگ قبر آن مرحومه، که نکته های جالبی را در بر دارد، چنین است: تربت پاک سید عابده، ذریه صدیقه طاهره، بانو حاجیه منصور؛ فقیه احمد آبادی، بنت عالم متقی، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی و همسر آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی، که سپیده دم یک شنبه سیزدهم ربیع الأول ۱۴۰۷ هجری قمری، برابر ۲۵ / ۸ / ۱۳۶۵ شمسی هنگام ندای حئی علی الفلاح پیام دعی نفسک و ازجعی الی ربک را لبیک گفت، و اذان ظهر با غسل تشرف، به حریم قدس احدث راه یافت، و با غروب آفتاب، پیکر مطهرش نقاب خاک را در برکشید، و مثال برزخی اش به حرم حسینی راه یافت

آسانی، در دو بقعه و صحن امامزاده، و سر در آن، انجام دهم، که مقدمه ای برای رونق مجدد آن دو مزار شریف گردید.

دفن عالمی بزرگ و شایسته

در آیام فاطمیة سال ۱۴۱۳ قمری، پدر نویسنده این سطور، یعنی عالم مفسر و فقیه طیب، و استاد ادیب، مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، دار دنیا را وداع نمودند و در داخل بقعه جعفریه به خاک سپرده شدند (۱) و به دنبال آن، تعمیرات و کوشش برای بهره برداری دینی و تبلیغی از مزار شریف امامزاده های یاد شده، ادامه یافت، و مردم با ایمان و ولایت، همیشه به فیض زیارت و دعا در کنار مزار یاد شده، نائل می شوند.

۷- بقعه عالم شهید، سید علاء الدین محمد «شهشهان»

از آثار برجسته سابقه حوزه علمی شیعه در اصفهان، بقعه شهشهان است که مدرسه و محلّ تدریس و کوششهای دینی سید علاء الدین محمد (نقیب و عالم

ص: ۳۸۶

۱- نوشته سنگ قبر آن بزرگمرد که در برگیرنده خصوصیات علمی و معنوی و چگونگی ارتحال ملکوتی و مراحل تجهیز و تدفین جالب آن دلباخته اهل بیت علیهم السلام است، چنین می باشد: مَضَجُ الْعَالِمِ الزَّاهِدِ الْمُتَعَبِّدِ الْمُتَهَجِّدِ، الْفَقِيهِ الْمُفَسِّرِ، الرَّاسِخِ فِي وِلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَسْتَاذِ الْعُلُومِ الْعَقَلِيَّةِ وَ النَّقَلِيَّةِ، الْمُرَبِّي لِنُجُومِ الْحَوَازِ الْعِلْمِيَّةِ، طَيِّبِ الْجِسْمِ وَ أَلْرُوحِ، صَاحِبِ النَّفْسِ الْعَيْسَوِيَّةِ، آيَةِ اللَّهِ، الْحَاجِّ السَّيِّدِ مُرْتَضَى الْمُوَحِّدِ الْأَبْطَحِيِّ الْمَوْسَوِيِّ، الَّذِي لَبَّى بِتَدَاءِ رَبِّهِ مُتَبَسِّمًا فِي أَوَائِلِ لَيْلِهِ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلَ عِنْدَ نُزُولِ الرَّحْمَةِ مِنَ السَّمَاءِ، فِي مُنْتَصَفِهَا وَ دُفِنَ تَحْتَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمُطَابِقِ لِتَاسِعِ شَهْرِ جُمَادَى الثَّانِيَةِ سَنَةِ ۱۴۱۳ قَمَرِيَّةٍ. در باره شخصیت علمی و خدمات این بزرگمرد، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و نیز در بخش (علم طب در حوزه علمی اصفهان) بحث و بررسی نموده ایم

بزرگ شیعه و شهید در ، ماه رمضان ۸۵۰ هجری) بوده، و پس از شهادت او مدفن او گردیده، و سپس بقعه و گنبدی جالب، به احترام او تأسیس گشته است

در این بقعه ، جمعی از اولاد و اُحفاد آن عالم شهید مدفونند که عموماً از نقباء و اشراف و بزرگان بوده اند ، ولی آثار قبور آنها ، از بین رفته است (۱).

سید علاء الدین محمّد ، مشهور به شاه شاهان (شهشهان) بوده ، و نسب او ، با بیست و دو واسطه ، به حضرت امام سجاد علیه السلام میرسد (۲) .

و شجره نامه آن بزرگمرد ، در بقعه کتیبه شده است (۳) و خاندان علمی و بزرگ شهشهانی ، و خاندان شاه علانی ، منسوب به او می باشند .

بقعه شهشهان نزدیک مسجد صفا ، و با فاصله کمی از خیابان جدید التّأسیس ابن سینا می باشد، و از آثار تاریخی و باستانی اصفهان به حساب می آید . برای آشنائی بیشتر با تاریخچه آن، به کتاب رجال اصفهان از صفحه ۱۸۸ تا ۱۹۲، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان از صفحه ۳۳۳ تا ۳۴۱، و آثار ملی اصفهان از صفحه ۸۰۲ تا ۸۰۵، مراجعه شود .

۸- مقبره یا بقعه علامه مجلسی

مدفن و مزار دو چهره نورانی و علمی عالم تشیع ، مرحوم علامه ملا محمّد تقی مجلسی ، و علامه ، ملا محمّد باقر مجلسی ، از مهم ترین مزارهای متبرکه اصفهان می باشد، که گاهی با عنوان « مقبره علامه مجلسی » و گاهی با نام « بقعه

ص: ۳۸۷

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۳۳

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۰۲

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۳۷ . عین سلسله نسب سید علاء الدین محمّد در این کتیبه نوشته شده ، تا نام امیر المؤمنین علیه السلام

علامه مجلسی» و گاهی نیز با عنوان «سر قبر آخوند»، نامیده می شده است .

محل این مقبره ، در جوار مسجد عظیم و برجسته و تاریخی اصفهان ، مسجد جامع (جمعه) و در ضلع شمال غربی آن است ، و دارای بقعه و صحن و رواق میباشد .

بنای بقعه ، متعلق به سال ۱۰۹۲ هجری میباشد (۱) و در سالهای اخیر تعمیرات اساسی یافته ، و به امر مرحوم آیه الله العظمی آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره و با همت و کوشش هیئت اُمناء مقبره و مزار علامه مجلسی ، در سال ۱۴۱۰ قمری (۱۳۶۷ شمسی) ضریحی نقره ای مزین به طلا و نوشته های زیبا ، بر روی مرقد علامه مجلسی و پدر و فرزندشان ملا محمد رضا مجلسی ، نصب گردیده ، که بر شکوه این بقعه و مزار افزوده است .

و همچنین با همت هیئت اُمناء ، کتابخانه جالب و شکوهمندی در بیرون مقبره ، در مقابل درِ ورودی صحن بقعه ، تأسیس گشته که در سال ۱۳۶۲ شمسی اتمام یافته است، و سالن بزرگ و مخزن کتابخانه و سر در باشکوه آن ، بر اهمیت مزار علامه مجلسی ، افزوده است (۲) .

و نیز در ضمن یک طرح جامع ، با همکاری سازمان میراث فرهنگی، و اداره اوقاف و امور خیریه ، و شهرداری اصفهان ، اقدامات وسیعی برای ایجاد فضای باز ، در اطراف بقعه علامه مجلسی و آماده سازی منطقه ، برای اجتماع و توجه روز افزون زائرین و برگزاری برنامه های متنوع و گسترده علمی و مذهبی ، و نیز

ص: ۳۸۸

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۴۷۸ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۱۶۰

۲- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (سال ۱۴۱۷ قمری) کتابخانه علامه مجلسی در حال توسعه است ، و فعالیت ساختمانی قسمتهای الحاقی در حال انجام میباشد

إحياء بافت قدیمی محل ، در حال انجام می باشد .

و هم چنین به احترام مرقد علامه مجلسی ، خیابان هاتف شمالی ، به نام « خیابان علامه مجلسی » ، نام گذاری گردیده است .
مرقد مطهر علامه مجلسی از ابتدا تا کنون ، همیشه مورد توجه بوده ، و مرحوم صاحب روضات ، مزار علامه مجلسی را پناهگاه مردم معرّفی کرده ، و فرموده است : « از مجرّبات و نزد تمام اهالی اصفهان مشهور است که ، دعاء در جنب مرقد او برآورده می شود . »

در زمان حاضر ، در تمامی ایام و لیالی هفته ، بالأخص شبهای جمعه و ایام مذهبی ، جمعیت بسیار زیادی متوجه زیارت علامه مجلسی می شوند ، و موج جمعیت در بقعه و رواق و صحن و اطراف ، جلب توجه می نماید ، و جالب است که زائرانی از دیگر شهرها و کشورها ، برای کسب فیض معنوی به سوی این بارگاه ملکوتی روی می آورند ، و بسیار است که علماء بزرگ ، از شهرهای مشهد مقدس ، قم ، تهران ، شیراز و ... ، به قصد زیارت و کسب فیض ، مشرف به این مهبط نور و معنویت می گردند .

در مقبره علامه مجلسی ، و نیز در مجاورت آن ، بسیاری از علماء خاندان بزرگ و علمی مجلسی ، و دیگر دانشمندان و بزرگان (که شمار آنها به حدود پنجاه نفر می رسد) دفن شده اند ، که در کتابهای دانشمندان و بزرگان اصفهان و تذکره القبور آخوند گزی ، و رجال اصفهان ، و آثار ملی اصفهان و ... ، از آنها یاد شده است و ذیلاً به چند نفر از آنها اشاره میشود :

۱- فقیه محدث و رجالی مفسّر و زاهد عابد ، ملا محمد تقی مجلسی ، متوفای ۱۰۷۰ ، فرزند ملا مقصود علی نطنزی ، که در علم حدیث و رجال ، از مفاخر علمی ، و در زهد و ریاضتهای شرعی ، از چهره های میّز ، و در کشف

و کرامات، از نامداران برجسته بوده، و کوششها و مجاهدات علمی او، در زمینه حدیث و رجال، و تربیتهای او در مورد شاگردان و طالبین علم، زمینه را برای تحقق حوزه علمی و عظیم الشان علامه مجلسی فراهم نموده، و آثار بزرگ و ارزشمندی همانند کتاب مفصل و عظیم الشان روضه المتقین (در شرح من لا یحضره الفقیه) و شرح صحیفه سجّادیه، و بیش از بیست کتاب و رساله دیگر، بر جای گذاشته است.

۲- فقیه محدث، رجالی مفسّر، متکلم محقق، جامع علوم عقلی و نقلی، اعجوبه روزگار و محیی دین، باب علوم الأئمه، و علم الإسلام، علامه، ملا محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ قمری، که در دوران غیبت کبری، کمتر چهره ای همانند او، توانسته است در نشر دین و علوم أهل البيت عليهم السلام، و احادیث خاندان رسالت، و امر به معروف و نهی از منکر، و تشکیل حوزه علمیه، و جذب مردم به سوی دین، و نشر فرهنگ دینی در میان جامعه، و آشنا سازی توده های مردم با کتاب و نوشته های دینی و ... اقدام نماید، و موفقیت کسب کند. آری موفقیتی علمی، همانند تألیف بحار الأنوار، و دهها کتاب و رساله دیگر (۱) و نفوذ و موقعیتی اجتماعی در سطحی وسیع و کم نظیر، تشکیل حوزه درسی بزرگی که در جلسات آن، بیش از هزار نفر شرکت کنند، و قبول مسئولیتی اجتماعی در حد « شیخ الإسلام و امام جمعه » در شهر بزرگ اصفهان آن روز، مبارزهائی گسترده با افکار انحرافی، و کوششی پیگیر برای

ص: ۳۹۰

۱- در کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، از صفحه ۱۲۸ تا ۱۴۲ از یکصد و شصت کتاب و رساله از علامه مجلسی یاد کرده و در جلد دوم کتاب زندگینامه علامه مجلسی، نوشته آقای سید مصلح الدین مهدوی، از صفحه ۱۲۷ تا ۲۲۳، از یک صد و شصت و شش، کتاب و رساله، از آثار علامه مجلسی، یاد شده است

پاکسازی جامعه از گناه و منکر، و جلوگیری از فحشاء، مشروبات الکلی و ... به نحو اتم، همه و همه نشان دهنده شخصیتی بی نظیر، تأییداتی غیبی، الهام هائی برجسته، و کراماتی فوق العاده است، که در مورد این بزرگ شخصیت عالم اسلام و تشیع، تحقیق یافته است (۱).

۳- فقیه و محدث بزرگ، محقق و نویسنده عظیم الشأن ملا محمد صالح مازندرانی، متوفای ۱۰۸۶، که محقق مدقق، و جامع علوم عقلی و نقلی بوده، و در کمالات روحی و معنوی، چهره برجسته داشته است. وی، داماد ملا محمد تقی مجلسی، و همسر آمنه بیگم (بانوی مجتهده و فاصله آن عصر) بوده، و کتابهایی مهم، همانند: شرح اصول کافی و شرح روضه کافی، و شرح زبده شیخ بهائی، و شرح معالم و ...، از خود به جای گذاشته است.

۴- عالم فقیه، و محدث ادیب، و مفسر کامل، میرزا کمال الدین، محمد بن معین الدین محمد نسائی شیرازی، که داماد مجلسی اول، و معروف به میرزا کمالات بوده است.

۵- ملا محمد علی آسترآبادی، که از شاگردان مجلسی اول و داماد او بوده، و دارای مقامات بلند معنوی به شمار رفته است.

۶- عالمه مجتهده، و بانوی صاحب فضل و کمال، آمنه بیگم فرزند مجلسی اول، و همسر ملا صالح مازندرانی (۲).

۷- آقا میرزا محمد تقی الماسی، متوفای ۱۱۵۹، که عالمی فاضل، و عابدی

ص: ۳۹۱

۱- در باره عظمت علمی و خدمات علامه مجلسی و پدرشان، در بخش (خانندان های علمی اصفهان) نیز، بحث و بررسی داریم

۲- دختران ملا محمد تقی مجلسی، که ۴ نفر بوده اند و نیز دختران مجلسی دوم که ۳ نفر بوده اند، و همسرانشان، همه از علماء بزرگ می باشند، همگی، در این بقعه و اطراف آن دفن شده اند

متهجد ، و مدرّسی زاهد بوده ، و از أحفاد ملاً محمّد تقی مجلسی میباشد ، و مدّتی امام جمعه بوده است . مجموعاً عده ای از فرزندان و دامادهای ملاً محمّد تقی مجلسی و جمعی از اولاد و أحفاد و منسوبین علامه مجلسی ، در این بقعه و اطراف آن مدفونند که آثار قبور بسیاری از آنها محو شده است (۱).

قبرهای تازه در بقعه علامه مجلسی

در سالهای اخیر ، چند تن از علماء بزرگ اصفهان ، در بقعه علامه مجلسی مدفون گردیده اند ، که از سه نفر آنها ، به ترتیب زمان وفات ، یاد میکنیم :

۱- مرحوم آیه الله طیب زاده

مجتهد زاهد و مدرّس عابد ، مرحوم آیه الله حاج میرزا محمّد طیب زاده احمد آبادی ، متوفای چهارم ذی القعدة ۱۳۹۰ قمری ، برابر با ۱۳۴۹ شمسی ، که از چهره های برجسته زهد و تقوی و ورغ بودند ، و پدرشان مرحوم آقا میرزا أبو القاسم طیب ، از چهره های مبرز در طب علمی و عملی ، به شمار می رفتند و خود ایشان ، به تدریس فقه و اصول و سایر دانشهای دینی و تالیف کتاب ، همانند : شرح زیارت جامعه به نام (شمس طالعه) در دو جلد و (هشت بهشت) و (وظائف پزشکان) و (إفادات آلفحول) و (كشف المرام) و (سراج آلترعه) و (۲) و نیز امامت جماعت در مسجد کمر زرین (فلکة سبزه میدان) اشتغال

ص: ۳۹۲

-
- ۱- برای آشنائی بیشتر با مدفونین یاد شده ، به تذکره القبور یا رجال اصفهان ، و زندگینامه علامه مجلسی ، مراجعه شود
 - ۲- تألیفات چاپ شده آن بزرگمرد ، ۹ عدد و چاپ نشده ، ۱۱ عدد میباشد ، که در زمینه فقه و اصول و صرف و نحو و أخلاق و عقاید و کلام میباشد ، و فهرست آنها در مقدمه شمس طالعه ، جلد اول ، چاپ سوم ، ذکر شده است

داشتند . مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی (چهره برجسته علم و تقوی و معنویت ، در حوزه بزرگ نجف اشرف) در ضمن تقریظ بر کتاب شمس طالعه ، درباره این بزرگمرد نوشته اند:

... زُبْدَةُ الْفَضْلِ الرَّاشِدِينَ وَ عُمَدَةُ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ ، النَّاقِدُ الْبَصِيرُ، الْمُتَرَقِّي بِعُلَى هِمَّتِهِ عَنِ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ ، السَّامِيُّ بِصِيحِ فِكْرَتِهِ وَ سَلِيمِ فِطْرَتِهِ ، إِلَى الْحَالِهِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا مَزِيدٌ ، الْحَبْرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ اللَّوْزَعِيُّ الْأَلْمَعِيُّ، الْعَيْدَلُ الرَّكِيئِيُّ، الْمَأْمُونُ فِي الدُّنْيَا وَ الدِّينِ ، آقَايِ حَاجِ مِيرْزَا مُحَمَّدِ أَحْمَدِ آبَادِي إِصْفَهَانِي ، الشَّهِيرُ ب (طَيْبِ زَادِه) كه با عبارات و مضامین بلند یاد شده ، مقام اجتهاد و مرتباً بلند عدالت و امانت و تقوی و زهد این بزرگمرد را ، مورد تأیید قرار داده اند . و نیز مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید عبد الهادی شیرازی قدس سره ، در نامه ای، این بزرگمرد را با عناوین : عالم محقق متتبع ، و فیلسوف مدقق مطلع ، سراج الشیعه و مروج الشریعه ستوده اند ، و در ضمن تقریظی که بر کتاب شمس طالعه نوشته اند ، از این عالم برجسته ، با عناوین :

(أَلْشَيْخُ الْأَجَلُ الْعَلَامَةُ ، إِفْتِخَارُ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ وَ زُبْدَةُ الْفُقَهَاءِ الْكَامِلِينَ) یاد نموده اند .

و همچنین ، هر کدام از اعلام دین و مراجع بزرگ و زعماء شیعه و پیشوایان علم و تحقیق ، همانند آیه الله العظمی مرعشی نجفی و علامه نامدار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) و حاج شیخ علی اکبر نهاوندی و ... درباره این بزرگمرد ستایشهای ارزشمندی نموده اند (۱).

ص: ۳۹۳

۱- تمامی اجازات اجتهادی و امور حسبیه آن بزرگمرد، در مجموعه ای به نام (آثُمرات الجَیته) (غیر مطبوع) از تألیفات آن عالم ربّانی ، جمع آوری گردیده و بخشی از تقریظات بر کتاب (شمس طالعه) ، در مقدمه جلد اول ، چاپ سوّم، منتشر گردیده است

۲- آیه الله میر جهانی

علامه محقق و متتبع ، مرحوم آیه الله حاج سید حسن طباطبائی مشهور به میرجهانی قدس سره ، متوفای سه شنبه ۲۰ جمادی الثانیه ۱۴۱۳ قمری ، که در بقعه علامه مجلسی و در جوار مرقد آن بزرگمرد مدفون گردیده اند . در روی سنگ قبر آن بزرگوار، که به شکل زیبایی حجاری شده ، و به صورت یک پارچه و جالب می باشد، عباراتی نوشته شده که بخشی از آن بدین قرار است:

... الْعَالِمِ الْحَسِيبِ وَالسَّيِّدِ النَّسِيبِ ، الْحَاوِ لِمَرَاتِبِ الزُّهْدِ وَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ، الْفَاضِلِ الْكَامِلِ ، الْجَامِعِ لِلْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ ، وَ الرَّاسِخِ فِي الْفُرُوعِ وَالْأُصُولِ ، الْحَائِزِ لِلْعُلُومِ الْغَرِيبَةِ ، صَاحِبِ الْمُؤَلَّفَاتِ الْكَثِيرَةِ ، الْفَانِي فِي وِلَايَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، عُمْدَةَ الْفُقَهَاءِ الرَّاشِدِينَ ، آيَةُ اللَّهِ ، الْحَاجِّ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ الطَّبَّاطِبَائِيِّ (الْمِيرْجَهَانِيِّ) ...

در عبارات بالا ، به تألیفات فراوان آیه الله میرجهانی ، و علوم غریبه ای که دارا بودند و شدت علاقه آن بزرگمرد به أهل البيت عليهم السلام اشاره شده است (۱).

۳- آیه الله صافی اصفهانی

فقیه و مجتهد مدقق ، مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی قدس سره ، متوفای سحرگاه جمعه ، سوم جمادی الأولى ۱۴۱۶ قمری

این بزرگمرد ، که از مفاخر بزرگ علمی و معنوی و اخلاقی شهر تاریخی اصفهان بودند، و مدت زمانی ، زعامت حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشتند و حوزه درسی ایشان مجمع فضلاء و علماء بود، طبق وصیت خود ایشان در جوار مرقد علامه بزرگوار، ملا محمد باقر مجلسی ، و پدر بزرگوارشان ، علامه

ص: ۳۹۴

۱- درباره آیه الله میرجهانی در بخش « چهره های علمی اصفهان در دوره اخیرا نیز ، بحث و بررسی داریم.

در لوحه ای از کاشی معرّق زیبا ، که به دیوار بقعه در نزدیکی قبر مطهر آن بزرگمرد نصب گردیده ، عبارات زیر جلب نظر می نماید:

قَدْ اَزَّ تَحِيْلَ عَنْ دَارِ الْغُرُوْرِ اِلَى دَارِ السُّرُوْرِ ، عَنْ بَيْتِ الظُّلْمَةِ وَ الدُّثُوْرِ اِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ وَ عَالَمِ النُّوْرِ ، طَوْدُ الْعِلْمِ وَ التَّقَى ، وَ مَعِيْدِنُ الْحِلْمِ وَ السَّخَاءِ ، مَنْ هُوَ فِي مَضْمَارِ (مُوتُوْنَا قَبِيْلَ اَنْ تَمُوْتُوْنَا) عَارِفُ عَوَالِمِ اللّاهُوْتِيَّةِ ، حَلَالُ الْمَشْكِيْلَاتِ ، ذُخْرُ الْفُقَهَاءِ الشَّامِيْحِيْنَ ، عَقَمِيَّتِ الدُّهُوْرِ عَيْنِ عَيْدِيْلِهِ ، الَّذِي بَمَيُوْتِهِ ، تُلِمُ فِي الْاِسْلَامِ ثُلْمَةً ، الْفَقِيْهُ الْمْتَبَحِّرُ الْجَامِعُ ، وَ زَعِيْمُ الْحِيُوْزَةِ الْعِلْمِيَّةِ وَ اَسِيْتَاذُهَا ، آيَةُ اللهِ الْعَلَامَةُ ، الْحَاجُّ الشَّيْخُ حَسَنِ الصَّافِي الْاِصْفَهَانِي ، اَعْلَى اللهُ تَعَالَى شَأْنَهُ ، وَ رَفَعَ فِي الْخُلْدِ مَقَامَهُ ، وَ كَانَ اِزَّ تَحَالُهُ الْمَلَكُوْتِي فِي اَفْضَلِ السَّاعَاتِ ، مُقَارِنًا لَطُلُوْعِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ٣/ج ١٤١٦/١ ق.

سال تاریخ رحلت صافی

خواستم ، گفت عارفی سالک

شش عدد کسر کن یمین از جمع

ما عرفناک حقّ معرفتک

مدفن خیر آندیشی آرزشمند ، در بقعه علامه مجلسی

یکی از مردان نیکوکار، که در خدمتگزاری به آستان مقدّس أهل البيت عليهم السلام و حمایت از حوزه های علمیه ، دارای مقامی ارجمند، بود ، یعنی مرحوم مغفور حاج میرزا ابوالقاسم کوپائی ، متوفای ۲۸ جمادی الثانیه ۱۴۱۱ قمری (۲۵ دیماه ۱۳۶۹ شمسی)، به پاس خدمات ممتد و طولانی ، به مظاهر دین و تشیّع و حوزه های علمیه و مرجعیت شیعه ، در بقعه علامه مجلسی و در جوار آن بزرگمرد، مدفون گردید . مرحوم کوپائی ، از طرف مراجع بزرگ تقلید شیعه ،

ص: ۳۹۵

همانند : مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی، و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، و مرحوم آیه الله العظمی آقا سید محسن طباطبائی حکیم ، و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید أبو القاسم موسوی خوئی و سایر مراجع تقلید قدس سرهم، نمایندگی در اخذ وجوهات شرعیّه ، و تأمین شهریه حوزة علمیة اصفهان ، و نیز ارسال وجوهات به حوزة های بزرگ نجف و قم ، داشت . او در دوره های خفقانی حکومت پهلوی ها ، نقش بسیار مؤثری در یاری رساندن به حوزة علمیّه و مراجع تقلید ایفاء نمود ، و هم چنین در تعمیر مدارس علمیّه ، و تعمیر و توسعه حرمهای ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان (ع) ، زحمات و خدمات شایان تقدیری را بر عهده داشت ، و ما هم به پاس آن خدمات ارزشمند ، در این کتاب ، از آن بزرگمرد نیکوکار ، یاد نمودیم . یکی از شعرای اصفهان متخلص به (کیوان) در رثای آن بزرگمرد، اشعاری سروده که بر روی سنگ قبر او ثبت شده است ، که ذیلاً برخی از آنها را ذکر می کنیم :

بزرگی رفت و صد آه از مماتش

که قدسی بود اوصاف و صفاتش

به اسلام و تشیع بود مانوس

ز روی صدق در طول حیاتش

به اُعتاب مقدس کرد خدمت

گواهان ، دجله و شطّ فراتش

أمانت با صداقت داشت توأم

چو ابرارِ زمان ، صوم و صلاتش

ص: ۳۹۶

یقین دارم که مهر آل عصمت

دهد در روز وانفسا، نجاتش

چو شد سوی جنان (کیوان) چنین گفت

(خَدُومُ الْخَلْقِ) شدسال وفاتش

۹- سر قبر آقا

آرامگاه خانواده امام جمعه های سابق اصفهان می باشد، که در بیرون دروازه دردشت واقع است و مشهور به سر قبر آقا می باشد، و عمارتی بلند و ساختمانی همراه با آئینه کاری و گنبد دارد و قبر عده ای از علماء بزرگ از خاندان امام جمعه اصفهان، که منصب امامت جمعه داشته اند، در آن قرار گرفته است.

مرحوم حاج میرزا حسن امام جمعه، متوفای ۱۲۴۸ قمری، که از علماء با کمال و جمال، و مدافع حقوق مردم بوده، و نماز جمعه او محل اجتماع بسیار عظیمی به شمار رفته (۱) و مرحوم آخوند گزی از او تجلیل نموده، و او را (با جمال و کمال و مرجع و پناه خلق) معرفی نموده است (۲) و نیز مرحوم آقا میر سید محمد امام جمعه، متوفای ۱۲۹۱، که عالمی متفرد و پیشوای زیرک، موقر، سخی، با مهابت، شجاع و مردم دوست بوده، و در میان امام جمعه های ایران، کسی دارای تشخص او نبوده، و رافع بعضی مفاسد دولت بوده است (۳) و هم چنین عده دیگری از امام جمعه های اصفهان، و نیز جمعی دیگر از علماء و مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، همانند مرحوم آخوند ملا محمد حسین بن ملا

ص: ۳۹۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۰

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۱۴

۳- رجال اصفهان، صفحه ۱۱۵

ولی الله ، متوفای بعد از ۱۲۹۰ قمری ، (که در علوم حکمت و ریاضی و کلام، استادی برجسته بوده است) (۱)، در این بقعه و آرامگاه مدفونند .

خاندان امام جمعه های اصفهان ، از اولاد میر محمد صالح خاتون آبادی ، داماد و شاگرد مبرز علامه ، ملا محمد باقر مجلسی می باشند ، و از خاندان های علمی اصفهان به شمار می روند .

۱۰- مقبره حاجی کلباسی

در مقابل در شرقی مسجد تاریخی و باستانی و عظیم الشانی ، که به نام مسجد حکیم معروف است و از مساجد جامع و مهم اصفهان به شمار می رود ، و از نظر معماری و کاشی کاری و نماسازی و وسعت و عظمت ساختمان ، برجستگی چشمگیری دارد ، مقبره مهم و قابل توجهی وجود دارد که فقیه نامدار و زاهد بزرگوار شیعه ، حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)، متوفای ۱۲۶۱، هجری قمری و عده ای از علماء بزرگ از فرزندان و نوه ها و وابستگان آن بزرگمرد، در آن مدفون گشته اند .

این مقبره، عمارت و قبه و بارگاه عالی دارد و در برخی از دوره ها ، از متبرک ترین بقعه های مذهبی به شمار می رفته ، و محل توجه مؤمنین و علاقه مندان بوده ، و تا کنون ، این مزار عظیم البرکه ، باقی و مورد توجه مؤمنین می باشد .

حاجی کرباسی ، فقیهی اصولی ، و محقق مدقق ، و زاهدی عابد و مرجعی محبوب و عظیم الشان و نافذ الکلمه بوده است . پس از فوت پدر ، زیر نظر چهره نورانی عالم علم و عبادت و سیر و سلوک ، یعنی آقا محمد بید آبادی ، قرار گرفت و به آداب و اخلاق و روحیات بلند دینی تربیت شد، و به مرحله ای از

ص: ۳۹۸

مقام احتیاط و دقت در رعایت آداب دینی و احکام شرعی و زهد و بی اعتنائی به مادیات نائل گردید ، که موجب إعجاب قرار گرفت، و مقامی بلند در اجابت دعا و ظهور کرامات یافت .

مجمع درسی او محلّ توجه بزرگان علم و فقاہت بوده ، و شاگردانی همانند : آقا سید حسن مجتهد موسوی ، آقا میر سید حسن مدرّس و آقا میر سید محمّد شہشہانی (که از مجتہدین و مراجع نامدار بوده اند) داشته ، و در دوران تحصیل خود ، در حوزه های علمیّه اصفہان - کربلا - نجف - کاظمین - کاشان و قم از محضر بزرگانی همچون وحید بہبہانی و آقا سید مہدی بحر العلوم ، شیخ جعفر کبیر

(کاشف الغطاء) آقا سید علی (صاحب ریاض) آقا سید محسن کاظمینی ، میرزای قمی ، ملا مہدی نراقی و ... بهره مند گردیده ، و از نظر تألیف ، موفق به نوشتن کتابہائی بسیار ارزشمند و محققانہ در اصول و فقہ گردید ، کہ مورد توجه بزرگان قرار گرفته است . وی ، از نظر نسل و ذریہ ، شجرہ طیبہ ای را می ماند کہ هنوز آثار و برکاتش باقی است و علماء و مجتہدین بسیاری را برای جامعہ و اسلام بوجود آورده است .

و در یک کلام ، بہ نوشتہ صاحب روضات ، او مصدر علوم و حکم و آثار ، و مرکز دائرہ فضلاء برجستہ ، و دانشمندان بزرگ ، و قطب شریعت ، و رکن و شیخ جلیل شیعه ، و اُسّ اساس فقاہت و اجتہاد ، و استاد کل و ... است (۱)(۲)

در مقبرہ حاجی کلباسی ، قبر آقا محمّد مہدی کلباسی ، متوفای ۱۲۷۸ قرار

ص: ۳۹۹

۱- روضات الجنّات صفحه ۱۰

۲- برای آشنایی بیشتر با شخصیت حاجی کرباسی ، بہ ریحانہ الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۴۲ - ۴۴ و الکرام البررہ ، و أعیان الشّیعہ ، و نیز بہ بخش « خاندانہای علمی اصفہان » در ہمین کتاب ، مراجعہ شود.

گرفته است. او اعظم اولاد حاجی کلباسی بوده و در علم و تقوی مُشارِ بِالْبَنَانُ بوده است. وی، در زمان پدر و بعد از او، مرجع در فتوی و از رؤساء علماء بوده (۱) و تألیفات بسیاری در فقه و اصول داشته، همانند: شرح استدلالی منهاج حاجی کلباسی (در هشت جلد) و کتاب مصابیح در اصول (نه جلد) و ...، عده ای از فرزندان و احفاد او، از علماء بوده اند.

و نیز در همین مقبره است، قبر حاج میرزا محمود کلباسی (فرزند) آقا محمد مهدی، که عالمی فاضل و مورد توجه بوده، و در جوانی وفات یافته است.

و هم چنین در همین مقبره است، قبر حاجی آقا محمد کلباسی (فرزند دیگر حاجی کلباسی) که تألیفات بسیار در فقه و اصول داشته، و برخی از آنها در مجلّات کثیره، بوده است (۲).

و نیز قبر، آقا شیخ جعفر، متوفای ۱۲۹۲ قمری، و حاجی میرزا محمد رضا، متوفای ۱۲۸۴، دو فرزند دیگر حاجی کلباسی، که هر دو از علماء بوده اند در این مقبره است.

و علاوه بر یاد شدگان، جمع دیگری از اولاد و احفاد حاجی کلباسی، در این مزار شریف مدفونند، که نشان دهنده خاندان علمی حاجی کلباسی می باشد (۳).

۱۱ - بقعه و مقبره سید شفتی

در ضلع شمال شرقی مسجد بسیار عظیم و شکوهمند مرحوم سید شفتی، که

ص: ۴۰۰

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۵۰۷، رجال اصفهان، صفحه ۱۵۹

۲- رجال اصفهان (تذکره القبور، مرحوم گزی) صفحه ۱۶۱

۳- درباره حاجی کلباسی و فرزندانش در بخش «خاندانهای علمی اصفهان» نیز بررسی داریم

با نام مسجد سید، شهرت دارد و از زمان تأسیس تا کنون، از پربرکت ترین مساجد بزرگ اصفهان بوده است، مقبره و بقعه جالبی وجود دارد که به وسیله گچ بری و کاشی کاری و نقاشی، شکل جالبی به خود گرفته، و گنبد کاشی کاری شده آن، بر شکوه بقعه می افزاید.

مرقد مطهر فقیه بزرگ شیعه، آیت عظامی الهی، مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اصفهانی، متوفای ۱۲۶۰ هجری (بانی مسجد و مدرسه سید) در این بقعه می باشد، که ضریحی فولادی و جالب توجه دارد، و در تمام ایام هفته، زائران و علاقه مندان را به سوی خود جلب می نماید و از مزارهای مشهور و مورد توجه و با معنویت شهر مذهبی و ولایتی اصفهان، به حساب می آید.

در اصلی بقعه و رواق آن، به سوی بازارچه مجاور مسجد سید، باز می شود و در دیگری به سوی دالان مسجد سید دارد، و پنجره ای از بقعه شریفه، به سوی ایوان شمالی مسجد سید، قرار گرفته است.

مرحوم سید شفتی، در علم و تقوی، کوشش و مبارزه برای احیاء و اجرای دین، قیام و اقدام برای تدریس و تربیت طلاب علوم دینی، تلاش و پیگیری در استحکام بخشیدن به مبانی مکتب اهل البیت علیهم السلام در جامعه و... از چهره ای برجسته اصفهان و حوزه علمیه آن بوده، و از مفاخر عالم علم و روحانیت به شمار می رود.

خاندان علمی او، کتابها و تألیفات فراوان او (۱)، آثار اجتماعی و عمرانی او، حوزه درسی و شاگردان برجسته و فراوان او، همه و همه معرف شخصیتی

ص: ۴۰۱

۱- نویسنده متتبع آقای سید مصلح الدین مهدوی، در جلد دوم بیان المفاخر، رقم تألیفات و آثار مرحوم سید را (اعم از کتاب و رساله و...) به شصت عنوان رسانیده است.

کم نظیر ، در حوزه عظیم اصفهان می باشد (۱).

در بقعه یاد شده و مقبره مجاور آن ، عدای از علماء و دانشمندان خاندان علمی سید شفتی ، مدفون شده اند همانند : آقا میر محمد مهدی (پسر بزرگ مرحوم سید) و میرزا زین العابدین و حاجی سید محمد علی و آقا سید مؤمن (که بعد از مرحوم آقا سید اسد الله شفتی ، أعلم فرزندان مرحوم سید شفتی بوده ، و جلسه تدریس داشته است) و مرحوم حاجی سید محمد باقر ثانی (فرزند حاج سید اسد الله و نوه مرحوم سید شفتی) که همه از علماء بوده اند .

و نیز عدّه دیگری از علماء و بزرگان ، در مقبره مجاور این بقعه مدفونند ، که در کتاب بیان آلمفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۰ از دوازده نفر از آنان یاد شده است

۱۲- بقعه آقا سید حسن مدرّس

یکی از مساجد بزرگ و مهم و جالب توجه اصفهان ، مسجدی است که به وسیله مجتهد نامدار و عظیم الشان ، مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس ، متوفای ۱۲۷۳ قمری ، در محله نو ، متصل به دربکوشک (نزدیک به خیابان طالقانی) تأسیس شده و با همت محمد رحیم خان بیگلربیگی ، و برادرانش محمد کریم خان و محمد حسینخان ، ادامه و تکمیل یافته است (۲) .

ص: ۴۰۲

۱- صاحب روضات ، مرحوم سید شفتی را ، بالاتر از آن دانسته که ستایشگران بتوانند او را توصیف نمایند ، زیرا مکارم اخلاق دهگانه پیامبران ، در او جمع شده است (اجتمع فيه مكارم اخلاق الانبياء العشرة الكاملة) و سپس در ضمن شرح حال مفصّلی از آن بزرگمرد ، فرموده : رأيتُه في العقل أفضل جميع أهل زمانه ... و أفقه من تكلم على حقيقته شيء من بؤهانه ... و لقيته في الحلم أحلم من كظم العيظ على الجاهلين بمنزلته ومكانه ... و الفيتة في الجود معترفاً كل موجود بأنه من رهائن إحصانه بنفسه أو بماله أو بشأنه ... (روضات الجنّات ، صفحه ۱۲۴)

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۹۶ و آثار ملی اصفهان

در طرف شمالی مسجد، بقعه جالبی است که گنبدی زیبا دارد، و مرقد مطهر بانی و مؤسس مسجد، در آن قرار گرفته است.

مرحوم آقا سید حسن مدرس، از شخصیت های نامدار در حوزه علمی اصفهان بوده، و مجمع درسی او، محل حضور بزرگانی هم چون: آیه الله العظمی، میرزا محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو، و مجدد دین در رأس سده سیزدهم) و نیز، آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (چهره نامدار و بزرگ حوزه اصفهان) و آقا میرزا أبو المعالی کلباسی، و آخوند ملا محمد باقر فشارکی، و دیگر بزرگان و مجتهدان، بوده است (۱).

مرحوم مدرس، در حوزه اصفهان و کربلاء و نجف، تحصیل علم نموده، و استادانی هم چون: شریف العلماء و صاحب جواهر، داشته است، و تألیفاتی محققانه، و خاندانی علمی، از آثار باقیه آن مجتهد عظیم الشان به شمار می رود.

از فرزندان مرحوم مدرس، مرحوم آقا میر محمد تقی مدرس (که از اساتید مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بوده) و آقا میر سید علی (که جلسه تدریس داشته) و آقا میر سید محمد، و نیز از نوه های آن بزرگمرد، مرحوم آقا میر سید حسن دوم و آقا سید محمد باقر مدرس، و جمعی دیگر از احفاد آن بزرگمرد، در بقعه یاد شده مدفونند (۲).

ص: ۴۰۳

-
- ۱- الکرام البرره، صفحه ۳۳۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان و صفحه ۲۶۸ - جلسات درسی مرحوم مدرس، چند صد نفر شاگرد را در بر می گرفته، و از ابهتی چشمگیر برخوردار بوده است.
 - ۲- در باره مرحوم مدرس و چهره های دیگر از خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و در مواضع دیگر در همین کتاب، بحث نموده ایم.

جنب امامزاده أحمد (که یکی از امامزاده های معتبر و مورد توجه اصفهان می باشد ، و بنا بر مشهور با یک واسطه نسب او به امام محمد باقر علیه السلام می رسد ، و او فرزند علی بن محمد الباقر علیه السلام ، مدفون در مشهد اردهال و مشهور به « سلطان علی » است (۱)) و در نزدیکی دروازه حسن آباد ، بقعه جالبی وجود دارد ، با گنبد و تزئینات مناسب ، که در آن مرقد مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی ، معروف به آقا نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری ، قرار گرفته است .

در جوار امامزاده أحمد علیه السلام و نیز در بقعه آقا نجفی عده ای از علماء و شعراء مدفون گردیده اند که مجموعاً بقعه ای علمی را تشکیل می دهد .

مرحوم آقا نجفی ، هوش و حافظه ای عجیب ، تدبیر و سیاستی شگفتی آفرین ، سخاوت و بخشندگی چشمگیر ، گذشت و سعه صدری حیرت انگیز داشته ، و با بهره گیری از مال و ثروتی که در اختیار او بوده ، خدمات فراوانی در راه نشر علم و تشویق طلاب ، و تأمین نیازمندی های مردم و طلاب علوم دینی ، می نموده است . او تألیفات بسیار داشته ، که نویسنده متتبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در کتاب (تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر) از صفحه ۳۶۷ تا ۳۸۶ ، نود و پنج عدد از آنها را بر می شمرد .

ص: ۴۰۴

۱- به گفته آقای سید مصلح الدین مهدوی ، امامزاده أحمد همان است که در کتاب (ذکر اخبار اصفهان ، از حافظ اَبی نعیم) جلد ۱ صفحه ۸۰ ، به این عبارت ذکر شده است : أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَدِمَ إِصْفَهَانَ تُوفِيَ بِهَا فِي خِلَافَةِ الرَّشِيدِ دُفِنَ بِمَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ وَادَار ... يَزُورُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ ... رَوَى عَنْهُ جَعْفَرُ بْنُ مَرْوَانَ ، و سپس احادیثی را از او نقل می نماید ، و از این کلام معلوم می شود که او از محدثین مورد توجه بوده است ، و نسب او با دو واسطه ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد .

و هم چنین از صفحه ۳۶۱ تا ۳۶۶، بسیاری از مشاهیر شاگردان آقا نجفی را ذکر می کند، که هر کدام از آنها در عالم تحقیق و تدریس و تألیف و خطابه و ارشاد و ... درخشیده اند. آقا نجفی در زمان حکومت ظلُّ السَّیِّطَانِ (جَبَّار و طاغوت مشهور) پناهگاهی برای مردم، و مدافعی برای مظلومان بوده است

علماء بزرگ، و نویسندگان مشهور، از علم و تقوی و سیاست و تدبیر مرحوم آقانجفی، ستایش های برجسته ای نموده اند مثلاً: مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی او را: أَحَدُ أَرْكَانِ الدِّينِ وَرُؤَسَاءِ الْمَذَهَبِ فِي عَصْرِهِ ... وَ كَانَ مَجْلِسُ دَرْسِهِ مَمْلُوءًا مِنَ الْأَفْضَالِ وَ الْمُحَصِّلِينَ ... خوانده است (۱) و محدث قمی (مرحوم حاج شیخ عباس) به نقل از آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، او را: الشَّيْخُ الْإِمَامُ، مُبَيَّنُّ الْأَحْكَامِ، وَ مَلَاذُ الْأَنَامِ، رَئِيسُ الشَّيْعَةِ، خَامِلُ أَلْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ فَقِيهُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَام ... شمرده (۲)، و مدرّس تبریزی، او را: جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول ... دانسته (۳)، و معلّم حبیب آبادی، او را با چنین عباراتی، توصیف نموده است: از بزرگان علماء و فقهاء اصفهان ... در عقل، به درجهٔ اعلی، و در تدابیر و کفایت و حُسن سیاست، و معاشرت با دولت و ملت، تقریباً در أقران خود بی نظیر بود. مرحوم آقا نجفی، از یک خاندان بزرگ علمی بوده، و فرزند آقا شیخ محمد باقر نجفی و نوهٔ آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم، به نام هدایه المسترشدين)، می باشد (۴).

ص: ۴۰۵

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۲۴۷ و ۲۴۸

۲- فوائد الرضویّه، جلد ۲، صفحه ۴۳۸

۳- ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۵۷

۴- در بارهٔ مرحوم آقا نجفی، و چهره های خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و به مناسبت های گوناگون، در بخش (مدارس علمیه) و (مساجد محلّ فعالیت علمی در اصفهان) نیز بحث و بررسی داریم.

در طرف شمال شهر اصفهان، امامزاده مشهور و مورد توجهی می باشد، که به نام زینبیه، مشهور است و صحن بزرگ و گنبد و بارگاه و دو مناره جالب توجه دارد، و همیشه اوقات، بالأخص روزهای جمعه و ایام جشنها و عزاداریهای مذهبی، جمعیت بسیار زیادی را از راههای دور و نزدیک، بسوی خود جذب می نماید، و یکی از زیارتگاههای بسیار شکوهمند و پر اهمیت به شمار می رود

در اطاقهای صحن این امامزاده، عدّه ای از علماء و بزرگان دین، مدفون گشته اند، که از آن جمله است فقیه اصولی، مرحوم آیه الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی، متوفای ۱۳۵۳، که تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و تفسیر و ادعیه و اخلاق و حدیث داشته، و استادهايش در حوزه های اصفهان و نجف و سامراء، چهره هائی همانند: میرزای شیرازی، شیخ زین العابدین مازندرانی، حاجی نوری، آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقامیرزا محمد حسن نجفی و ... بوده اند، و در مدرسه صدر اصفهان، تدریس می نموده است. در بخش امامزاده های اصفهان، درباره زینبیه بحث مفصل تری داریم.

سایر بقاع علمی اصفهان

علاوه بر بقاع یاد شده، در جوار بسیاری از امامزاده های اصفهان، علماء و پیشوایان دینی مدفون گردیده اند، همانند: امامزاده هارون ولایت علیه السلام (هاروتیه) در جوار مسجد علی و در کنار بازار بزرگ، و بقعه و مقبره درب امام، در نزدیکی قبرستان قدیمی سنبلان (چملان) که آن قبرستان، در حال حاضر تبدیل به بیمارستان امین شده است، و بقعه سّتی فاطمه علیها السلام در محله چهارسوق

شیرازیها ، و امامزاده ابراهیم علیه السلام (شاهزاده ابراهیم علیه السلام) ، در محلهٔ مستهلک (نزدیک خیابان شیخ بهائی) ، و امامزاده باقر علیه السلام ، در مجاورت خیابان چهارباغ خواجه ، و نیز مزار سادات و علماء خاتون آبادی ، در روستای گورث ، و سایر بقاع و مزاراتی که ، در کتاب تذکره القبور مرحوم گزی (رجال اصفهان)، و گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ، و آثار ملی اصفهان ، به بسیاری از آنها توجه شده است، و به علت اختصار ، از ذکر همه آنها پرهیز می نمایم .

تخت فولاد، نمایانگر عظمت علمی اصفهان

در شهر اصفهان ، قبرستان های متعددی در محله های مختلف وجود داشته است، که با تفاوت هائی ، مورد استفاده برای دفن اُموات قرار می گرفته ، و بعضاً از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است .

و به عنوان نمونه می توان از گورستان های زیر نام برد .

۱- قبرستان علی بن سهل (قبرستان طوقچی)

۲- قبرستان آب بخشان

۳- قبرستان سنبلستان (چملان) نزدیک محلهٔ درب امام

۴- قبرستان شاه میرحمزه ، که با مزار علی بن سهل ، اتصال داشته است .

۵- قبرستان سّتی فاطمه علیها السلام ، که متصل به قبرستان الیاداران بود .

۶- قبرستان شیخ یوسف ، که به مقابر امامزاده احمد و امامزاده باقر متصل بوده .

۷- قبرستان امامزاده ابراهیم علیه السلام ، در محلهٔ مستهلک

۸- قبرستان بید آباد

و بایستی توجه داشت که در گذشته ایام ، گاهی در صحن امامزاده ها و یا در جوار مرقد علماء بزرگ ، مرده ها به خاک سپرده می شدند و بدین جهت قبرستان های کوچک و بزرگ زیادی ، در شهر اصفهان وجود داشته است، و در

هر کدام از آنها چه بسا علماء، شعراء، گویندگان، نویسندگان، دفن می شده اند.

ولی قبرستان تخت فولاد، در میان تمام قبرستانهای اصفهان، دارای ویژگی خاصی می باشد، و از نظر وسعت مکان، و بهره برداری دراز مدّت، از اهمّیت زیادی برخوردار است، و از طرف دیگر، مشتمل بر تکیه ها و بقعه های زیادی است، که در آنها برجسته ترین شخصیت های عالم فقه و اجتهاد، حکمت و کلام، عرفان و تقوی، تألیف و تصنیف، بیان و قلم، شعر و آدب، مبارزه و جهاد، خدمت و ایثار و ...، به خاک سپرده شده اند و به خاطر همین جهات، بسیاری از کسانی که می خواسته اند به دعا و توجّه، ریاضت و خودسازی، سیر و سلوک معنوی پردازند، در این تکیه ها و بقعه ها اقامت می جستند، و چه بسا شبهای بیدار، و روزهای روزه داری را، پشت سر می گذاشته و در کنار قبور علماء بزرگ، و پرهیزکاران نامدار، به کسب فیض معنوی اشتغال می یافته اند.

تخت فولاد، یاد آور چهره های درخشان

بنابراین، قبرستان تخت فولاد تنها گورستان شهر نیست، بلکه علاوه بر جنبه های روحی و معنوی، یادآور چهره های درخشان علم و آدب، و تقوی و جهاد می باشد و حفظ و نگهداری، آشنائی و معرفی آن، خدمتی به حفظ آثار فرهنگ دیرینه اصفهان، و تجلیلی از خدمتگذاران بزرگ و مفاخر علمی و ادبی

حوزه علمیّه عظیم الشان این شهر تاریخی می باشد، و برای آیندگان به خوبی روشن می نماید، که در شهر اصفهان، در قرون متمادی، چگونه پرچم علم و دانش و آدب، در اهتزاز بوده است، و انسانهایی بزرگ در کسب علم و دانش، و تعلیم و نشر آن، زیر لوای اهل البیت علیهم السلام و با الهام از رهبری های آنان،

کوشیده اند، و حوزه علمیّه بی نظیر یا کم نظیری را، در این شهر دوستدار علم و دین و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بوجود آورده اند.

تاریخچه گورستان تخت فولاد، و دفن اموات در آن

در این که زمین تخت فولاد، قبل از سلاطین صفویّه، گورستان بوده بحث و سخنی نیست، و آنچه مسلم است این که، عدّه ای از بزرگان عرفاء و از جمله آنها عارف نامدار شیعه، مسعود بن عبد الله بیضاوی أنصاری، معروف به بابا رکن الدّین، متوفای ۷۶۹ هجری، در این سرزمین مدفون گردیده اند، ولی در زمان صفویّه، تخت فولاد، به صورت بزرگترین قبرستان شهر در آمده، و به احترام بابا رکن الدّین، نام قبرستان و نیز پل خواجه، با عنوان قبرستان بابا رکن الدّین و پل بابا رکن الدّین، بر زبانها جاری می گشته است.

در دوره صفویّه، آنقدر قبرستان تخت فولاد (بابا رکن الدّین) توسعه و گسترش و اهمّیت یافت که، بنابر مشهور، چهارصد تکیه و بقعه عالی در آن ساخته شد، ولی در زمان فتنه افغان، قسمت عمده آن با خاک یکسان گردید (۱) ولی مجدداً در دوره های بعد رونق خود را بازیافت، و با دفن علماء بزرگ و شخصیت های برجسته ادبی و اجتماعی، و تأسیس یا تعمیر بقاع و تکایا، و رفت و آمد عمومی، موقعیت برجسته خود را به دست آورد، تا آنکه پس از انقلاب اسلامی، و متروکه گردیدن قبرستان تخت فولاد، و تغییر گورستان عمومی به محلّ جدید (باغ رضوان در دوازده کیلومتری شرق اصفهان)، و بی توجهی برخی از ادارات ذی ربط، و اقدامات غیر آگاهانه و یا

ص: ۴۰۹

مغرضانه برخی عناصر فاسد، خرابی هائی به بار آمد که جای بسی تأسف است، ولی در اثر همت و کوشش آگاهان، طرح هائی در دست اقدام است، برای حفظ تخت فولاد به عنوان:

نمایشگاهی بزرگ از فرهنگ و ادب، فقه و اجتهاد، شعر و حکمت در شهر تاریخی اصفهان

اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد

در میان قبرستان های بلاد شیعه، برخی دارای ویژگی خاص معنوی است و به خاطر در برگرفتن اجساد مطهر اولیاء الله، و ارتباط معنوی بندگان شایسته خدا در آن سرزمین، و اقامت خداجویان با فضیلت در بقاع و عبادتگاههای آن، موقعیت و عظمت شایسته و برجسته یافته است، که قبرستان وادی السلام در نجف اشرف، و قبرستان شیخان در قم، و گورستان تاریخی و عظیم تخت فولاد، در اصفهان، از این قبیل است.

آری سرزمینی که در آن امثال: میر معصوم و آقا محمد بیدآبادی و میرفندرسکی آرمیده اند، و عالمان و مجتهدان بزرگی، همچون: آقا حسین و آقا جمال خوانساری و آقا شیخ محمد تقی رازی و صاحب روضات، و کاشف اللثام (فاضل هندی) و میرزا رفیعی نائینی و ملا اسماعیل خواجهی مدفون گشته اند، و خداجویانی همانند: آخوند فشارکی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و حاج ملا حسینعلی صدیقین، و حاج میرزا رضا کلباسی، شبهای مناجات و دعا، ناله و تضرع، گریستن و گریاندن مؤمنین داشته اند، و دلهای انسانها را شستشو داده، و با آب توبه تطهیر می کرده اند، و در هر گوشه و کنار این سرزمین و بقعه و تکیه آن، عبادتی و تضرعی، توبه ای و انابه ای، عبرتی و عبرتی بوده است، جای دارد که

سرزمینی مقدس نامیده شود، و از اراضی برجسته به شمار آید.

لسان الأرض، نشانه ای تاریخی و معنوی، در تخت فولاد

بخشی از گورستان عظیم تخت فولاد، به نام لسان الأرض نامیده می شود، که در وجه تسمیه آن، دو مطلب گفته شده است:

۱- حافظ ابونعیم اصفهانی، متوفای حدود ۴۳۰ قمری (از اجداد علامه مجلسی و صاحب کتاب «ما نزل من القرآن فی أمر المؤمنین علیه السلام» و «ذکر المهدی (عج)» و ...) در کتاب ذکر أخبار اصفهان، حدیثی نقل کرده است که، وقتی خداوند متعال به آسمان و زمین دستور داد که (إِثْبَاتًا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا) و آنها جواب دادند که: (أَتَيْنَا طَائِعِينَ)، أَجَابَهُ أَرْضِ إِصْبَهَانَ فَمِ الْأَرْضِ وَلِسَانُهَا (فرمان خدا را زمین اصفهان، که دهان و زبان زمین بود، پاسخ داد) (۱).

بنابراین نقل، لسان الأرض، سخنگوی زمین، در هنگام پاسخگویی به فرمان الهی است، و نشان می دهد که از قداست و عظمتی ویژه، برخوردار است

۲- مرحوم ملا عبدالکریم گزی (مجتهد نامدار و عظیم الشان و مدرس برجسته حوزه علمیه اصفهان) در کتاب تذکره القبور، نقل می کند که، گویند: حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هنگامی که در جریان فتح ایران، به اصفهان تشریف آوردند، این زمین با آن حضرت تکلم کرد، و از توطئه یهود که قصد سحر و جادو برای امام داشتند، پرده برداشت و سپس تختی از فولاد برای آن حضرت ساختند و در آن منزل کردند، که سحر ساحرین اثر ننماید، و به این

ص: ۴۱۱

۱- ذکر أخبار اصفهان، جلد ۱، ص ۴۱ و محاسن اصفهان، ص ۴ و ۵ و نیز روضات الجنات، جلد ۱ ص ۷ و تذکره القبور (رجال اصفهان) ص ۴۴ و کتاب سیری در تخت فولاد ص ۱۷-۱۸ و بخش «نامهای اصفهان و مزایای طبیعی و معنوی آن» در همین کتاب.

مناسبت نام تخت فولاد و نام لسان الأرض ، مطرح گردیده است (۱) (۲) .

و بنابر هر دو وجه یاد شده برای نامگذاری لسان الأرض ، اهمیت این سرزمین مقدّس ، روشن می گردد.

قبر حضرت یوشع علیه السلام ، نشانه ای تاریخی و معنوی برای تخت فولاد و لسان الأرض

در سرزمین لسان الأرض ، قبر یکی از انبیای بزرگوار به نام یوشع علیه السلام می باشد (که بعضاً آن را ، شعیاء گفته اند ، در حالی که حضرت شعیاء علیه السلام در محلّه گلبهار ، جنب امامزاده اسماعیل علیه السلام ، مدفون می باشد) و در زمان آل بویه، بر آن ساختمانی ساخته اند (۳) ، و در دوران صفویّه تجدید و تکمیل گردیده ، و اخیراً ، ساختمان قدیمی را ویران نموده ، و تنها سنگ قبر مرمی ، بر روی آن نهاده اند . قبر یوشع نبی علیه السلام که متعلّق به حدود بیست قرن قبل می باشد (۴) ، از آثار تاریخی تخت فولاد و لسان الأرض ، به شمار می رود .

تخت فولاد ، محلّ عبادت و تحصیل علم

از ویژگیهای تخت فولاد این است که تنها محلّ دفن أموات عموماً ، و بزرگان علم و دین خصوصاً ، نبوده است ، بلکه تکیه ها و زاویه های فراوان آن (۵) ،

ص: ۴۱۲

۱- رجال اصفهان (تذکره القبور) ، صفحه ۴۴

۲- درباره مسافرت امام حسن مجتبی علیه السلام به اصفهان ، به بخش (فرازهائی درخشان از ریشه های تشیع در اصفهان) در همین کتاب ، مراجعه شود.

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۸ - ۲۹

۴- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۲۹

۵- گفته شده است که تعداد زوایا و تکیه های تخت فولاد، در زمان صفویّه نزدیک چهارصد عدد بوده ، که عموماً در فتنه افغان و بعد از آن خراب شده است (سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۴)

محلّ عبادت و مناجات با خدا، و تشکیل مجالس دعای کمیل در شبهای جمعه بوده است (۱) و حُجرات هفت گانه تکیه خاتون آبادی (۲)، محلّ سکونت طلاب بوده، و مدرسه مسجد رکن الملک نیز، محلّ تحصیل علم بوده است، و در مجموع، این سرزمین مبارک جایگاه علم و عبادت، دانش و پرستش، بوده و طالبان ارزش های والای معنوی را به خود جذب می کرده است.

تهاجمی بی رحمانه و جاهلانه، و دفاعی آگاهانه و دلسوزانه

در دوران اوج حرکت انقلاب، و بخصوص پس از آن که در اردیبهشت ۱۳۶۳ شمسی (= ۱۴۰۴ قمری) قبرستان تخت فولاد از طرف شهرداری اصفهان متروکه و اعلان گردید، عناصری پلید، جاهل، مغرض و ... از داخل شهرداری، و عناصری فرصت طلب، مادی، لامذهب، دشمن علم و دین، از خارج

ص: ۴۱۳

۱- در قرن اخیر (قرن چهاردهم) علاوه بر جلسه های دعای خصوصی، دوازده جلسه دعای کمیل رسمی به نحو مرتّب در تخت فولاد و تکیه ها و مساجد آن تشکیل می شده که از آن جمله است: ۱- جلسه دعای مرحوم علامه، ملا محمد باقر فشارکی در مسجد مصلی ۲- جلسه دعای آیه الله، شیخ جمال الدین نجفی، در تکیه میرزا رفیعا ۳- جلسه دعای آیه الله، آخوند ملا محمد حسین فشارکی، در مسجد مصلی ۴- جلسه دعای مرحوم آیه الله، حاج ملا حسینعلی صدیقین، در تکیه کازرونی ۵- جلسه دعای فقیه زاهد و علامه محقق، آقا شیخ مرتضی ریزی، در محلی که فعلاً تکیه ریزی است و ...

۲- در کتاب وقایع السنین و الأعوام خاتون آبادی، صفحه ۵۵۵، در ضمن بیان وقایع سال ۱۱۱۶ قمری آمده است که: فوت فاضل عالم عامل مجتهد، عمّ امجد میر اسماعیل، الشّهیر بخاتون آبادی، روز چهارشنبه چهارم ربیع الثانی، سنه یکهزار و یکصد و شانزده، دفن او در مقبره ای که خود ساخته بودند در قبرستان بابا رکن الدین و مشتمل بر گنبدی است، و هفت حجره و هفت نفر طالب علم، در آنجا سکنی دارند و نیز، به سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۵ مراجعه شود

شهرداری، تهاجمی وسیع را بر علیه تکیه‌ها و بقعه‌ها، قبور علماء و بزرگان، شروع کردند، و به بهانه‌های واهی، اقدامات مفسده‌جویانه خود را (که بعضی به صورت علنی، و بعضی، شبانه و مخفیانه انجام می‌گرفت) توجیه می‌نمودند و از آن طرف، علماء و مراجع تقلید، اساتید حوزه و دانشگاه، نویسندگان و گویندگان مذهبی و اندیشمند، سازمان میراث فرهنگی اصفهان، دست به کار شدند، و دفاعی پرجوش و مقاوم را شروع نمودند، و با توجه دادن به ارزشهای دینی، فرهنگی و تاریخی تخت فولاد و بقاع و تکایای آن، و بیان نمودن این که تخت فولاد بیانگر تاریخ ارزشمند، فرهنگ و ادب دیرینه، مذهب و تفکر دینی مردم اصفهان است، به تدریج، آن تهاجم خطرناک را مهار نمودند، و هم اکنون، آن حمله وحشیانه، کنترل شده است، و به تدریج، دانش دوستان، و دین باوران، به فکر افتاده‌اند که، مراکز و بقاع مهم، و قبور چهره‌های بزرگ علمی و معنوی را، تعمیر و مرمت نمایند.

ساماندهی تکیه‌ها و بقعه‌های تخت فولاد

پس از مهار شدن تهاجم وحشیانه، به تخت فولاد و مزار علماء و بزرگان و قبور مؤمنین، شهرداری اصفهان با تأسیس دفتری به نام (مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد)، اقداماتی را، در حفظ آثار بقعه‌های مهم و مزار علماء و ساماندهی تخت فولاد، انجام داده است، از قبیل: ۱- احداث بقعه فاضل هندی (اصفهانی) ۲- احداث سر در ورودی به سوی بقعه فاضل هندی، از طرف خیابان فیض ۳- بازسازی قبر مرحوم آخوند کاشی ۴- احداث بنای یادبود حاج آقا رحیم ارباب، ۵- ساماندهی تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری ۶- نصب تابلوهای راهنما، و معرفی تکیه‌ها و بقعه‌های مهم ۷- تأسیس

کتابخانه تخصصی، به منظور جمع آوری و حفظ آثار مربوط به تخت فولاد، و شرح حال و تألیفات بزرگان علمی و ادبی مدفون در این سرزمین پربرکت ۸- احداث و یا تکمیل و آماده سازی خیابانها و راههای لازم برای رسیدن به تکیه ها و بقعه های مورد توجه، و نیز برنامه های دیگری را در دست اقدام دارد که قابل توجه می باشد.

اسناد تاریخی و به یاد ماندنی

در پایان این گفتار، به عنوان نمونه، فتوای مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی مدظله (۱) و متن نامه و طوماری که، مردم متدین اصفهان، با متجاوز از ده هزار امضاء، برای مسئولین کشور و رؤسای نظام جمهوری اسلامی نوشته اند، و نیز مقاله ای از مجله کیهان فرهنگی را نقل می نمائیم، باشد که سندی گویا، از آگاهی رهبران دینی و بیداری ملت هوشیار و متدین شیعه اصفهان، ارائه شده باشد.

ص: ۴۱۵

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) جهان تشیع در چهارمین سال فقدان و ارتحال این بزرگ مرجع تقلید، به سر می برد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تخریب قبور مؤمنین جایز نیست ، خصوصاً قبور تخت فولاد اصفهان که از قدیم الایام مورد احترام مسلمین بوده ، و در آن قبور علماء اعلام رضوان الله تعالی علیهم بوده است، تخریب و توهین به آن قبور ، إهانت به محترمت اسلام است ، جای تعجب است که ، در جمهوری اسلامی بعضی مأمورین ، تا این اندازه نسبت به محترمت اسلام ، بی اعتنائی می کنند . لازم است در این امر به متصدیان مربوطه در مرکز مراجعه نمایند ، تا از این گونه حرکات ناشایسته جلوگیری شود .

خداوند همه را از شرّ شیطان محفوظ دارد .

۱۵ ذیقعدة الحرام ۱۴۰۸ هجری قمری

محمد رضا الموسوی گلپایگانی

محل مهر مبارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تخریب قبور مؤمنین جایز نیست خصوصاً قبور تخت فولاد اصفهان که از قدیم الایام مورد احترام
 مسلمین بوده و در آن قبور علماء اعلام رضوان الله تعالی علیهم بوده است تخریب
 و توهین به آن قبور إهانت به محترمت اسلام است جای تعجب است که در
 جمهوری اسلامی بعضی مأمورین تا این اندازه نسبت به محترمت اسلام بی اعتنائی
 میکنند لازم است در این امر متصدیان مربوطه در مرکز مراجعه نمایند تا از این
 گونه حرکات ناشایسته جلوگیری شود خداوند همه را از شر شیطان محفوظ دارد
 و الله اعلم
 محمد رضا الموسوی گلپایگانی

در مجله کیهان فرهنگی ، سال پنجم، شماره چهارم ، صفحه ۵۴، تاریخ تیرماه ۱۳۶۷، مقاله ای از آقای جمشید مظاهری ، به چاپ رسیده است که عیناً نقل می گردد . تخت فولاد (فولاد) در اصفهان ، گورستان وسیعی است که ، سابقاً در اراضی جنوبی زنده رود ، پشت کاخ مشهور سعادت آباد و هفت دست واقع بوده ، و به جهت دوری از شهر، جمعی از عرفاء و صلحاء و کملین ، در آن بناهایی که به تکیه معروف است ، برای خویش ترتیب داده ، به اعتکاف و ریاضت و عبادت می پرداخته اند . این تکایا ، کم کم گورستان خواص و سپس « تخت فولاد » یکی از قبرستانهای عمومی اصفهان گردید ، و در این اواخر گورستان منحصر به فرد شهر بود (برای تحقیق در تاریخ آن به کتابهای تذکره القبور جزی ، و بزرگان اصفهان مهدوی مراجعه شود) تا اخیراً با ایجاد قبرستان «باغ رضوان» تدفین در این محل ، که میان بخشی از شهر افتاده بود ، به دستور شهرداری موقوف گردید و عملی بجا بود .

مصیبت از اینجا شروع می شود:

تخت فولاد یک قبرستان معمولی نیست ، قسمت مهمی از تاریخ و فرهنگ این مملکت است، مجموعه ای حیرت آور از معرفت و حکمت و هنر و ظرافت و ذوق است، علاوه بر آنکه خاکجای مفاخری چون : رکن الدین شیرازی(عارف بزرگ قرن هفتم و شارح فرزانه فصوص الحکم ابن عربی) میر أبو القاسم فندرسکی فیلسوف و حکیم عصر صفوی ، میرزا رفیعای نائینی ، آقا جمال و آقا حسین خوانساری ، ملا اسماعیل خواجهائی ، سید محمد باقر روضاتی ، ملا حسن نائینی ، درویش عبد المجید شکسته نویس ، جهانگیر خان قشقائی ، آخوند کاشی ، حاج مصورالملکی استاد مینیاتور ، سردار اسعد بختیاری ، استاد جلال

الدین همائی ، میرزا تقی خان سرتیب ، حکیم باشی ، و دهها تن مانند ایشان است .

نمایشگاه مجللی است از هنر حجاری ، نقاشی ، مثبت کاری ، خط ، کاشی کاری ، معماری و مانند اینها .

آنچه باعث بر تحریر این سطور گردید که فی الواقع (به اصطلاح قدماء) نقشهٔ مصدور است ، و شاید آوازی باشد در شبی توفانی در بیابانی ، آن است که چندی است ، جمعی فرصت طلب بی فرهنگ ، از سیر طمع ورزی در بازار آشفته از شش جهت بدین ارض اقدس ، چنگیزوار و تیموروش ، یورش برده ، و شبی نیست و روزی که ، بخشی از این تربت مقدس را به خباثت طینت ، عرصهٔ تاخت و تاز تراکتور و بولدزر و لودر نمایند ، و خاک پاک قومی را که همهٔ آبروی ملک و ملت ما ، در گزوهٔ نام والامقام آنان است ، به باد جهالت و آز ندهند و آتشی جان سوز بر دل داغدیدهٔ دوستداران فرهنگ و هنر ملی نهند .

مخلص راقم ، و مانندگان او ، که شاید بیشتر به دیوانگان مانیم ، به هر کس و هر جا متوسل و متشبث شدیم ، که الغریق یتشبث ... و استمداد نمودیم که البته نه گوشی بدهکار یافتیم ، و نه چشمی طلبکار . سازمانی هست به نام (حفاظت آثار تاریخی) که شاید از عدهٔ ای قلیل صاحب نظر دلسوز نیز تهی نباشد ، منتها سازمانی است سخت علیل و ناکارآمد ، دانشکدهٔ (پردیس) نیز که به فحول اعظام هنرشناسان و هنردوستان مزین است ، نیز ظاهراً اجازهٔ دخالت ندارد . شهردار نیز ، که مردی پرکار و سخت دوستدار آبادانی و خدمت است ، گویا مشاوران مطلع ندارد .

باری با سهل انگاری در کار تخت فولاد و تخریب آن ، من خود به چشم خویشتن می بینم ، چیزی از دست تاریخ و فرهنگ ایران ، در دالان به هدر رفتن است ، که در آینده ، جبران آن به هیچ وجه امکان ندارد ، و کسانی که دست

آندر کار این کارند بدانند ، که جز لعنت و بدنامی ابدی ، چیزی برای خویش و دودمان خویش ذخیره نمی کنند ، و نام آنان در جریده عالم در کنار نام منحوس و مشوم ظلّ السلطان ، ثبت خواهد شد .

بر اولیای امور است که ، پیش از آن که این عمل شوم نکبت بار ، به سرانجام نامیمون خجالت آور خود برسد، هیأتی از کارشناسان، و متخصصان خبره در زمینه های مختلف را مأمور نمایند ، تا از این گورستان ، نقشه و فیلم و اسلاید و...، و از بعضی بناها ، احياناً ماکت ، ... تهیه نمایند ، و تنی چند از فضلالی محقق ، تاریخ جامعی از زندگی رجال مهم مدفون در این مقبره را ، با تعیین مزار هریک فراهم آورند ...

متن نامه و طومار مردم متدین اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ، امام خمینی مدّظله العالی

محضر مبارک مراجع عظیم الشان تقلید و زعماء حوزه علمیه قم دامت برکاتهم

حضور محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران ، جناب آقای خامنه ای

حضور محترم فقهای عالی مقام شورای نگهبان

حضور محترم فقهای شورای عالی قضائی

پس از تقدیم مراتب خالصانه ترین احترامات ، و تقاضای طول عمر آن بزرگواران ، معروض می داریم : قبرستان تاریخی تخت فولاد اصفهان ، یعنی نشانه ای بزرگ از حوزه علمیه چهارصد ساله اصفهان ، یعنی نشانه ای از زندگانی پر افتخار فقهاء ، حکماء ، عرفاء ، شعراء و ... در شهر تاریخی اصفهان ، یعنی سندی بر تاریخ پر افتخار شیعه در اصفهان ، یعنی اثری روشن از ،

« فاضل

ص: ۴۱۹

هندیها»، « آقا حسین و آقا جمال خوانساریها»، « میرفندرسکی ها»، « آقا محمد بید آبادیها»، و ... که در شهر مذهبی اصفهان، بزرگترین خدمتها را نسبت به علم و فقاہت، حوزه و مدارس علمیہ اسلام و مکتب تشیع، نموده اند

آری، قبرستان تخت فولاد، مورد تهاجم بی رحمانہ شهردار معلوم الحال اصفهان قرار گرفته، و او با روشی خصمانه، به این نشانہ فرهنگ و ایمان می تازد.

آری، در زمانی که مناره ها و عمارتہای قدیمی، کاسه ها و کوزه های گلی، آهن پاره های قدیمی و چنارهای کهن و ...، به عنوان آثار باستانی محافظت می شوند، و رقم بالائی از بودجه های کشورها، و سازمانهای بین المللی برای حفاظت آنها خرج می شود، در یک چنین زمانی قبرستان تاریخی و عظیم تخت فولاد، که نشانہ بزرگی از فرهنگ و اعتقادات اصیل مردم می باشد، مورد تهاجم قرار گرفته است.

مگر انقلاب اسلامی با خون جوانان ما و فرزندان ما رشد گرفت تا شهردار اصفهان به نام شهردار انقلابی، مقدّسات دینی ما را مورد تهاجم قرار دهد؟ و فرهنگ شیعی ما را، قبور علماء ما را، قبور مؤمنین را (که بسیاری از آنها فرزندانشان جزء شهدای انقلاب اسلامی هستند) مورد حمله قرار دهد.

آیا برای ما، درد آور نیست که نزدیک تخت فولاد، جنب پل خواجه، قبر پروفیسور پوپ خارجی ... را بسازند، و در کنار آن، قبور علماء ما را خراب کنند. نمی دانیم آیا نالہ ما تا چه اندازه اثر می کند، و سوز دل ما تا چه حد مؤثر است؟ آیا به دلیل این که آرام می گوئیم، دوستانه می گوئیم، خیرخواهانه می گوئیم، بی دسته بندی می گوئیم، برای رضای خدا می گوئیم، به نفع انقلاب اسلامی می گوئیم، سخنانمان مورد توجّہ قرار نمی گیرد، و توجیہات مبتذل

شهردار اصفهان قبول می شود، و همانند سایر حکومتها، به داد دل مردم رسیدگی نمی شود؟ آینده حکم فرماست. شما را به خدا، به انقلاب اسلامی رحم کنید، به «خون جوانان یا حسین گوی ما» توجه کنید. و از بی اعتقاد شدن دین باورهای متدین، نسبت به انقلاب اسلامی، جلوگیری کنید. جلوی این عمل زشت شهرداری اصفهان را بگیرید.

تیرماه ۱۳۶۷ شمسی

متن فوق، در طوماری به طول ۹ متر، و عرض هشتاد و سه سانتی متر، نوشته شد با بیش از ده هزار امضاء از مؤمنین و انسانهایی دلسوز و علاقه مند به اسلام و علماء، که در مساجد و مراکز معتبر دینی و علمی شهر اصفهان، امضاء گردید، و به محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی، آقای خمینی، و مراجع تقلید، و مسئولین عالیرتبه جمهوری اسلامی ایران ارسال گردید.

اشاره ای به تکیه ها و بقعه ها و مساجد و مدارس تخت فولاد

سرزمین تخت فولاد، در طول تاریخ برجسته و پر اهمیتی که داشته، تکیه ها، بقعه ها، زاویه ها، مساجد، مدارس، عبادتگاه هائی را به خود دیده، که رقم آنها گاهی، به حدود چهارصد عدد رسیده است (۱).

این بناها و آثار، برخی در دوره دیلمیان و برخی در دوره های بعدی و عمده در دوره صفویه و قاجاریه، ایجاد گشته است، که ذیلاً اشاره ای گذرا به نمونه ای از آنها می نمائیم:

از آثار دوره دیلمیان، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام، در «لسان الأرض» تخت فولاد بوده، و در قرن هشتم تا دهم، عبادتگاههایی برای اهل عبادت

ص: ۴۲۱

و راز و نیاز ساخته شده ، که همه از بین رفته است ، و تنها مسجد مصلی ، از آثار قرون قبل از صفویّه ، باقی مانده است .

در دوره صفویّه ، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام در « لسان الأرض » تکمیل و تجدید شده ، و تکیه ها و بقعه های مهمی تأسیس گردیده ، که برخی از آنها هنوز باقی است ، و از آثار باستانی و تاریخی اصفهان به شمار می رود ، همانند : تکیه و بقعه بابا رکن الدین (با گنبد ۱۲ ترک) ، تکیه میرفندرسکی ، تکیه و بقعه میرزا رفیعی نائینی (با گنبد بسیار جالب) ، تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری (با گنبد بسیار زیبا) ، تکیه آقا رضی (تکیه سادات) ، تکیه و بقعه و مدرسه خاتون آبادی (با گنبد شکوهمند و جالب) ، تکیه فاضل سراب (تکیه جویباره ای)

در دوره قاجاریّه ، تکیه ها و بقعه های متعدّد ، و نیز مسجد و مدرسه جالبی ، ایجاد شده ، که بعضاً از اهمّیت خاصی برخوردار است ، همانند : تکیه و بقعه صاحب روضات ، تکیه و بقعه حاج محمّد جعفر آباده ای ، تکیه و بقعه میرزا أبو المعالی ، تکیه آقا سید محمّد ترک (تکیه جهانگیر قشقائی) ، تکیه و بقعه آقا شیخ محمّد تقی رازی ، (تکیه مادر شاهزاده) ، تکیه و بقعه شهشانی ، بقعه آقا محمّد بید آبادی ، تکیه و بقعه تویسرکانی ، تکیه و بقعه آقا شیخ مرتضی ریزی ، تکیه حاج آقا باقر قزوینی (تکیه در دشتی ، خلیلیان) ، تکیه و بقعه کازرونی ، تکیه ملک ، تکیه و بقعه آقا مجلس (تکیه آقا سید أبو جعفر خادم الشریعه) ، تکیه گلزار ، تکیه و بقعه واله (با گنبد زیبا و از آثار باستانی) مسجد و مدرسه رکن الملک (از آثار مهم باستانی) و ...

در دوره پس از قاجاریّه ، تکیه بروجردی ، تکیه و بقعه میر محمّد صادقی ، تکیه و بقعه مقدّس ، بقعه شهید شمس آبادی ، مسجد حجّه بن الحسن (عج) ، بقعه

آمین و ...، تأسیس شده است .

و اینک تعدادی از تکیه ها و بقعه های مشهور تخت فولاد را (که محلّ دفن علماء بزرگ ، فقهاء نامدار ، حکماء عالیقدر ، شعرای لطیف گوی ، نویسندگان و گویندگان عالی شأن است) نام می بریم، و به مناسبت هر کدام از آنها ، با ذکر نام برخی از مدفونین در آن مکانهای شریف ، عظمت این سرزمین مقدّس ، و این نمایشگاه علم و ادب را مورد توجّه قرار می دهیم .

۱- تکیه آواده ای «حاج محمد جعفر»

در طرف غرب خیابان فیض ، در جانب جنوب مسجد رکن الملک ، تکیه جالب و ارزشمندی است ، که به نام فقیه نامدار ، و مجتهد عالیقدر ، حاج محمد جعفر آوادهای نامیده شده است (۱).

ساختمان این تکیه ، مرغوب و از نظر معماری و نمای سر در ، جلب توجّه می نماید ، ولی احتیاج به تعمیر اساسی دارد، و قبر مرحوم آواده ای ، در زیر گنبد تکیه قرار گرفته ، ولی سنگ قبر ندارد، و با آجر ساخته شده است .

مرحوم آواده ای ، مرجعی بزرگ برای مردم ، و محققی نامور در حوزه علمیه و بانی مسجدی بسیار باشکوه ، در اصفهان ، و پیشوائی زیرک و دانا (۲)، در حلّ مرافعات و اختلافات بوده ، و مقلّدهم داشته است (۳).

وی ، دارای طبعی شوخ ، و تألیفاتی گرانقدر ، و دو فرزند عالم بوده ، و در

ص: ۴۲۳

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۸۹ و ۸۲۱

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۹۱

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۳۱

سال ۱۲۸۰ قمری بدرود حیات گفته است (۱).

در همین تکیه ، آخوند ملاّ- عبدالله خوانساری ، متوفّای ۱۲۹۳ قمری ، از بزرگان اهل منبر ، و فرزندش ، میرزا محمود صدرالمحدّثین ، متوفّای ۱۳۳۲ قمری (که پدر میرزا عبدالحسین صدرالمحدّثین ، خطیب نامدار ایران بوده) وعده دیگری از علماء و زهاد، و جمع کثیری از گویندگان دینی مدفون گشته اند

۲- تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری «بقعه العلماء»

تکیه خوانساری ، نزدیک تکیه آقا شیخ محمّد تقی (تکیه مادر شاهزاده) و با فاصله کمی از خیابان فرودگاه می باشد ، و ساختمان باشکوه بقعه و گنبد زیبا ، و کاشی کاری شده آن ، از دوره صفویّه و با همت شاه سلیمان صفوی می باشد ، و از آثار باستانی شهر تاریخی اصفهان به شمار رفته است .

در اثر دفن علماء بزرگ در این تکیه و بقعه ، این مکان و بقعه مقدّس را « بقعه العلماء » می خوانند . بناء و تأسیس این تکیه و بقعه ، به احترام مرقد مطهر حکیم نامدار، و محقق بی نظیر ، استاد البشر و العقل الحادی عشر ، و استاد الكلّ فی الكلّ ، آقا حسین خوانساری ، متوفّای ۱۰۹۹ هجری، انجام گرفته است

وی ، از شاگردان مجلسی اوّل و میر فندرسکی و آخوند ملاّ- حیدر خوانساری بوده ، و شاگردانی همچون : آقا جمال خوانساری و ملاّ میرزای شیروانی و سید نعمت الله جزائری و فاضل سراب و ... ، داشته ، و از علامه مجلسی و محقق سبزواری و ... اجازه گرفته است (۲) .

ص: ۴۲۴

- ۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱ و ۲
- ۲- به أعیان الشّیعه ، روضات الجنّات، ریاض العلماء ، ریحانه الأدب ، الذّریعه ، قصص العلماء، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان و ... مراجعه شود.

در بقعه آقا حسین خوانساری، مرقد منور حکیم متکلم، و فقیه اصولی، و چهره نامدار حوزه علمیه اصفهان، آقا جمال خوانساری، متوفای ۱۱۲۵ قمری (جنب قبر پدر) قرار گرفته است. وی، از شاگردان پدر خود، و هم چنین محقق سبزواری بوده، و حوزه درسی بسیار مهم و عالم پروری داشته، و تألیفات پرفائده اش در علوم مختلف (همانند حاشیه بر شرح لمعه) از منابع تحقیق می باشد.

مرحوم آقا جمال خوانساری، همانند پدرش آقا حسین خوانساری، نه تنها از مفاخر حوزه علمیه اصفهان بوده، بلکه از چهره های برجسته علمی ایران و عالم تشیع به شمار می رود.

به نوشته ریحانه الأدب، قبر آقا رضی خوانساری (فرزند دیگر آقا حسین خوانساری) که عالمی فاضل بوده، پشت قبر آقا جمال، قرار گرفته است.

از مفاخر این بقعه، قبر مطهر فقیه محقق، و مرجع زاهد، حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، متوفای ۱۲۸۶ قمری، می باشد. وی، از مفاخر علمی حوزه اصفهان، و دارای ریاست علمی بوده، و پرورش دهنده شاگردانی بزرگ به شمار رفته، و تألیفات بسیاری در زمینه فقه و اصول و عقائد و اخلاق، از خود به جای گذاشته، و مرجع تقلید جمعی از مؤمنین بوده است.

و هم چنین از نشانه های عظمت این بقعه، قبر منور آخوند ملا- محمّد باقر فشارکی، متوفای ۱۳۱۴ قمری می باشد. وی، مدرّس حوزه علمیه، و صاحب تألیفات بسیار، و گوینده و ارشاد کننده قوی بوده، و بیان و قلم او در میان مردم، تأثیر فراوان داشته است، تا جایی که ارادتمندان آن بزرگمرد را، از مطلعین بر اخبار، و اصول و فروع و اخلاق دینی به شمار آورده اند. او اوّل کسی است که برنامه احیاء شبهای جمعه و مراسم دعای کمیل را در تخت فولاد

پایه گذاری نمود (۱) و به دنبال اقدام او، جلسات مهم و پرجمعیت و گسترده دیگری نیز، در طول بیش از یک قرن، تشکیل گردیده و هنوز ادامه دارد.

در تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری، علاوه بر یاد شدگان، جمع زیادی از فقهاء، متکلمین، مفسرین، ادباء، شعراء، خطباء... مدفونند که در کتاب سیری در تخت فولاد، از بیش از ۴۵ نفر آنان یاد شده است (۲).

تعمیر و ساماندهی تکیه و بقعه خوانساری

تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری، نیاز شدید به تعمیر و مرمت داشت، که شهرداری اصفهان، در این زمینه دست به اقدامی ارزشمند زد، و مرمت و ساماندهی تکیه را، به شکلی جالب انجام داد که تاریخ آبان ماه ۱۳۷۳ شمسی، پایان آن بوده است.

هم زمان با تعمیر و ساماندهی تکیه خوانساری، مسجد باشکوهی در کنار تکیه، زیر نظر یکی از روحانیون و خطباء جلیل القدر یعنی آقای حاج شیخ محمد تقی فهامی دام عمره، ساخته شده، که شبهای جمعه برنامه دعای کمیل، به وسیله آن بزرگوار، و فرزندشان، خطیب أرجمند، آقای حاج شیخ مهدی فهامی، در آن انجام می شود.

۳- تکیه آقارضا «تکیه سادات»

تکیه ای است در نزدیکی مسجد مصلی، در جنوب شرقی تکیه صاحب روضات (آقا میرزا محمد باقر) که بقعه ای دارد، و در آن بقعه و نیز فضای تکیه. عده ای از علماء و بزرگان عهد صفوی و پس از آن، مدفون گردیده اند، و در

ص: ۴۲۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۶۴

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۰۸ - ۱۱۲ و رجال اصفهان، صفحه ۸۱-۹۳

نتیجه، این تکیه، از تکیه‌های تاریخی و قدیمی تخت فولاد می‌باشد، و ذیلاً به برخی از برجستگان مدفون در این تکیه اشاره می‌نمائیم:

۱- عالم فاضل و محقق جلیل القدر، آقا سید رضی الدین محمد موسوی شیرازی اصفهانی، متوفای ۱۱۱۳ قمری، که از مدرسین و محدثین (۱) در حوزه اصفهان و مسجد شاه (مسجد امام) بوده، و از شاگردان مرحوم شیخ صالح بحرانی و شیخ حرّ عاملی به شمار رفته (۲)، و از آنها اجازه اجتهاد داشته، و تفسیری بزرگ بر قرآن کریم نوشته است، و در بقعه همین تکیه، که به نام او نامیده شده، مدفون گردیده است.

۲- مجتهد عالیقدر، مرحوم آقا میرزا محمد باقر پیشنماز، امام جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) که از علامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و شیخ حرّ عاملی اجازه داشته، و سادات عاملی رهنان و خوراسگان، از اولاد او هستند. وی، در سال ۱۱۲۳ قمری وفات یافته، و در این بقعه بخاک سپرده شده است.

۳- فقیه محقق، و عالم کامل، آقا میر محمد مهدی نائب الصّیدر، متوفای ۱۲۶۷ قمری، که بر اغلب یا تمام کتب موقوفه مرحوم جدّ خود (آقامیرزا محمد باقر پیشنماز) حاشیه نوشته، و در هر علمی و در هر کتابی که مطرح میشده، تحقیقات و فوایدی ثبت می‌کرده است.

قبر او در ایوانچه داخل بقعه تکیه آقارضی میباشد (۳).

ص: ۴۲۷

۱- اعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۷، صفحه ۲۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۳۹

۳- طبق گفته بعضی از علماء (از احفاد مرحوم نائب الصّیدر)، در یک جریان تعمیراتی، جنازه مرحوم نائب الصّیدر کشف گردید، در حالی که پس از گذشت سالهای متمادی از فوت و دفن آن بزرگمرد، تازه و سالم مانده بود

۴- عالم کامل ، و مدرّس عظیم الشّان ، آقا سیّد محمّد امامی (جدّ آئین العَلَمین ، آقایان : حاج سیّد أحمد و حاج سیّد حسن فقیه امامی) متوفّای ۱۳۵۹ قمری ، که در مدرسه نیم آور تدریس فقه و اصول مینموده ، و پس از فوت آن بزرگمرد ، با اجازه آیه الله ، حاج سیّد علی نجف آبادی قدس سره ، در قبر جدّ مادری خود (آقا میرزا محمّد باقر پیشنماز) در بقعه آقا رضی ، دفن گردیده است

۵- حکیم محقّق و متکلم اصولی ، میر سیّد کمال الدّین ، أحمد عاملی ، متوفّای حدود سالهای ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ قمری ، که خاله زاده و داماد مرحوم میرداماد ، و از شاگردان آن بزرگمرد ، و نیز مرحوم شیخ بهائی ، و مجاز از آنها و نیز شیخ عبد العالی کی بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است (۱).

۶- عالم فاضل محقّق ، سیّد عبدالحسیب بن سیّد أحمد عاملی ، متوفّای ۱۱۲۱ که سبط میر داماد ، و از علماء کثیر التّصنیف ، و شاعر و محقّق بوده است (۲) .

قبر این پدر و پسر ، آثارش محو گردیده است .

کرامتی جالب

در حدود یکصد و چهل سال قبل (در سال ۱۲۷۸ قمری) در زمانی که قحطی شدیدی اصفهان و حومه آن را تحت فشار شکننده ای قرار میدهد ، شخص دزدی می رود در تکیه آقا رضی ، و تصمیم می گیرد که شالِ گران قیمتی ، که بر روی قبر مرحوم آقا رضی بوده را ، بردارد و به دزدی به برد ، و به وسیله آن ، امرار معاش نماید ، ناگاه صدائی میشنود که ، شال را نبر ، آن شخص دزد به

ص: ۴۲۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۲۱ - ۱۲۲ و فهرست کتب خطّی کتابخانه های اصفهان ، صفحه ۱۶۹ تا ۱۸۱

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۱۱۸

أطراف توجه میکند، و کسی را نمی بیند، بر می گردد که شال را بردارد، برای بار دوم همان صدا تکرار می شود، و آن شخص، توجه مجدد می نماید، و کسی را نمی بیند، و باز تصمیم برای دزدی می گیرد، که مجدداً صدا را می شنود که، بردار، و در هر سه نوبت، می شنود که، (روزی تو، از جای دیگری حواله می شود، و آن شخص دزد، شقاوت میکند، و شال را بر می دارد، و در محله جلفا به مبلغ هشت تومان (که در آن زمان، پول بسیار زیادی بوده است) می فروشد. در هنگامی که نگهبان تکیه، متوجه مفقود شدن شال می گردد، و سر و صدای دزدی بلند می شود، در اثر تحقیقات محلی، شخص دزد شناسائی میگردد، و بعد از آن، مبتلای به تکرر ادرار می شود، و در اثر این مرض و گرفتاری، به مجازات عمل زشت خود می رسد، و از دنیا می رود.

۴- تکیه آقا سید ابوجعفر

این تکیه در جنوب تخت فولاد، و مقابل تکیه بروجردی قرار دارد، و از آثار دوره قاجاریه است، و به احترام مرحوم آقا سید ابوجعفر « خادم الشریعه »، فرزند فقیه عظیم الشان، آقا سید صدر الدین عاملی، و پدر مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، تأسیس گشته است، و گاهی همین تکیه، به نام فرزند آن بزرگمرد، که به نام حاج آقا مجلس، نامیده می شده، « تکیه حاج آقا مجلس » خوانده می شود (۱).

مرحوم آقا سید ابوجعفر، از علماء جلیل القدر در خاندان صدر می باشد، و آثار تألیفی داشته، که مورد تجلیل استاد و پدر زن خود، مرحوم آقا سید أسد الله مجتهد بید آبادی (فقیه نامدار و فرزند مرحوم سید شفقتی) قرار گرفته،

ص: ۴۲۹

و وفات او در سال ۱۳۲۴ قمری، واقع شده است.

در این تکیه، علماء و دانشمندانی از خاندان مرحوم آقا سید ابوجعفر، دفن گردیده‌اند، همانند: حاج آقا حسن خادمی، متوفای ۱۳۷۹، و حاج آقا شمس الدین خادمی، متوفای ۱۳۹۹ قمری، که هر دو از فرزندان آقا سید ابوجعفر، و از علماء بوده‌اند. و هم چنین شخصیت‌های علمی برجسته‌ای در این تکیه مدفون گردیده‌اند همانند:

۱- حاج میرزا یحیی مستوفی، متوفای ۱۳۲۵ قمری، که از شاگردان شیخ اعظم انصاری قدس سره بوده، و خود محقق مدقق، و مدرس فقه و اصول و رجال بوده است، و چندین کتاب و رساله در فقه و اصول و رجال و کلام تألیف نموده، که رقم آنها به حدود سی عدد می‌رسد (۱).

مرحوم مستوفی، جامع کمالات صوری و معنوی بوده، و در ادبیت و اخلاق، از بیشتر معاصرین خود، مقدم بوده است (۲).

" ۲- حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، متوفای ۱۳۲۷ قمری، که حکیمی ادیب و طبیبی فقیه بوده، و استاد‌های بزرگی همانند: آقا سید محمد شهبهانی، و ملا حسینعلی تویسرکانی، و حاج سید اسد الله بیدآبادی داشته، و در طب و حکمت، به مراحل عالی علمی نائل گشته، و در علاج امراض، دارای نفس مسیحائی بوده، و در زمان خودش، تدریس طب منحصر به او بوده است.

مرحوم حکیم باشی، فرزند حکیم و فیلسوف نامدار، میرزا عبدالجواد

ص: ۴۳۰

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۷، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۹

۲- رجال اصفهان، صفحه ۸۶

خراسانی ، و از اُحفاد ملاً أحمد تونی خراسانی ، می باشد (۱).

۳- حاج سید اسماعیل ریزی ، متوفای ۱۳۳۸ قمری ، که از شاگردان میرزای شیرازی ، و سپس آقا سید محمد کاظم یزدی بوده ، و به نوشته علامه حاج آقا بزرگ طهرانی ، وی از فضلاء شاگردان میرزای شیرازی بوده است (۲) .

۵- تکیه آقا شیخ محمد تقی رازی «تکیه مادر شاهزاده»

تکیه ای است در نزدیکی تکیه بابارکن ، و متصل به تکیه آقا حسین خوانساری ، که اصل بنای آن و نیز سبک و ساختمان آن ، متعلق به دوره صفویه است ، ولی به علت آنکه با بودجه و وصیت مادر شاهزاده، متوفای ۱۲۴۶ قمری (که دایه سیف الدوله « محمد میرزا ، پسر فتحعلی شاه قاجار » بوده) تعمیر و تزئین گشته ، و بقعه ای در وسط آن تأسیس شده ، به نام او شهرت یافته است (۳) ، چنانچه از هنگام دفن عالم و پیشوا ، و زعیم بزرگ حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی ، این تکیه به نام آن بزرگمرد نیز نامیده میشود . سر در زیبا و جالب این تکیه ، و نیز بقعه وسط آن ، و چندین سنگ مرمر نفیس با خطوط بسیار زیبا و جالب توجه ، که بر روی قبور علمای بزرگ قرار گرفته ، از ویژگی های این تکیه است ، گرچه در اثر مرور زمان ،

ص: ۴۳۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۸

۲- نقباء البشر ، جلد ۱، صفحه ۱۴۷

۳- جزوه سازمان میراث فرهنگی اصفهان راجع به تخت فولاد ، صفحه ۸۳، ولی در کتاب رجال اصفهان یا تذکره القبور ، صفحه ۷۰، و نیز کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه ۹۱، بنای تکیه به مادر شاهزاده نسبت داده شده است

خرابی هائی به آن راه یافته ، که نیاز به تعمیر اساسی دارد .

در این تکیه (و به خصوص در داخل بقعه آن) عده ای از علماء و شخصیت های برجسته حوزه اصفهان مدفونند ، که به نام و نشانه های عظمت آنها ، اشاره می نمائیم :

۱- محقق نامدار ، و مدقق کم نظیر ، فقیه اصولی ، آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی ، متوفای ۱۲۴۸ قمری ، که از مفاخر شیعه و حوزه های علمیّه بوده (۱) و سرسلسله خاندان عظیم علمی نجفی می باشد ، و استاد هائی همچون : سید بحر العلوم ، صاحب ریاض ، و شیخ جعفر کاشف الغطاء (پدر زن او) داشته ، و در جلسه درس او ، در مسجد شاه اصفهان (مسجد امام فعلی) قریب سیصد نفر ، شرکت می کرده اند، و تألیفات بسیار مهمی داشته ، که از همه مهمتر و مشهورتر، حاشیه بر معالم است ، که از شهرت و عظمت کم نظیری برخوردار می باشد ، و به نام « هدایه المسترشدین » نامیده شده ، و به خاطر این کتاب ، شخصیت یاد شده با عنوان (صاحب حاشیه) یا (صاحب هدایه المسترشدین) خوانده می شود، و قبر آن بزرگمرد داخل بقعه در وسط تکیه می باشد .

در باره این بزرگمرد ، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) نیز ، بحث و بررسی داریم .

۲- همسر عالمه و فاضله آقا شیخ محمد تقی (صاحب حاشیه)، که دختر

ص: ۴۳۲

۱- صاحب روضات الجنات ، آن بزرگمرد را چنین توصیف نموده است : أَفْضَلُ أَهْلِ عَصْرِهِ فِي الْفِقْهِ وَالْأُصُولِ ، بَلْ أَبْصَرُ أَهْلِ وَقْتِهِ بِالْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ ، وَصَارَ كَأَنَّهُ الْمُجَسَّمُ مِنَ الْأَفْكَارِ الدَّقِيقَةِ ، وَ الْمُنْتَظَمُ مِنَ الْأَنْظَارِ الْعَمِيقَةِ ، أَسْتَادًا لِلْكُلِّ فِي الْكُلِّ .. لَمْ يَرِ فِي الدُّنْيَا مِدرِسُ أَغْصُ بِأَهْلِهِ مِنْ مِدرِسِهِ الشَّرِيفِ ... كَانَ يَحْضُرُ حَلَقَةَ دَرْسِهِ لِأُصُولِ الْفِقْهِ فِي الْجَامِعِ الْأَعْظَمِ الشَّاهِيِّ بِاصْبَهَانَ ، قَرِيبًا (قَرِيبٌ) مِنْ ثَلَاثِمِائَةٍ مُشْتَغِلٍ مِنَ الْفُضَلَاءِ الْأَعْيَانِ رَوْضَاتِ الْجَنَاتِ ، صَفْحَةُ ۱۳۱

مرحوم کاشف الغطاء بوده ، و گفته میشود ، که در نوشتن حاشیه بر معالم ، به شوهر خود کمک می کرده ، و در حدود سال ۱۲۹۵ قمری وفات یافته ، و در جلوی قبر شوهر خود ، دفن گردیده است .

۳- فقیه بزرگوار ، و روحانی عالیقدر ، آخوند ملا محمد صالح جویبارهای ، متوفای ۱۲۸۵ قمری ، که از نسل ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی « فاضل سراب » بوده ، و مرجع فتوی و قضاوت در میان مردم ، به شمار رفته است .

۴- همسر عالمه و فاضله ملا محمد صالح ، که حواشی بر مدارک نوشته بوده ، و آن را تدریس می کرده ، و شخصیت او مورد توجه بوده است .

۵- عالم متقی ، و مجتهد زاهد ، میرزین العابدین خوانساری (پدر صاحب روضات) متوفای ۱۲۷۵ قمری ، که دارای نسبی عالی و خاندانی علمی و پدران و فرزندان عالی مقام بوده ، تألیفاتش متنوع ، و قبرش مورد توجه ، و زیارت و دعای سر قبر او ، مقرون به اجابت ، بوده است .

۶- مرجع عالی مقام ، و پیشوای عظیم الشأن ، حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی) ، متوفای ۱۳۵۴ قمری ، که در اصفهان و نجف ، تحصیل علم کرده ، و در تهران و اخیراً در شهر اصفهان ، اقامت و مرجعیت داشته ، و از رؤسای علماء محسوب گشته است .

۷- فقیه مدرس ، و مجتهد جامع ، و حکیم ریاضی ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی (نجفی) متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که از علماء برجسته و مدرسین عالیقدر بوده ، و تألیفات زیادی در رشته های مختلف داشته ، و در حسن معاشرت و مسائل اجتماعی سرآمد بوده است . وی ، به گفته مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، « شیخ بهائی عصر خود » میباشد .

۸- عارف متقی ، و زاهد وارسته ، حاج محمد صادق تخت فولادی ، متوفای

۱۲۹۰ قمری ، که به دعای او شخصیت معروف ، حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) مقیم مشهد، متولد گردید ، و تا سنین نوجوانی ، تحت تربیت او بود، و هر وقت مرحوم حاج شیخ ، از مشهد به اصفهان می آمد، به زیارت قبر حاج محمد صادق می رفت .

حاج محمد صادق ، در اثر ریاضت و سیر و مراحل معنوی ، به مقامی بلند نائل گشته ، و در دعای او تأثیر عجیبی بوده است . قبر او در طرف راست راه ورودی ، در صحن تکیه قرار گرفته ، و اخیراً (ذی القعدة ۱۴۱۰ قمری) ، قبر او تجدید شده ، و در حدود یک متر از زمین بلند گشته، و سنگ مرمر قدیمی او . در وسط سنگ بزرگ دیگری جاسازی شده است ، و از مشهد و تهران و دیگر بلاد ، به زیارت قبر آن بزرگمرد می آیند .

۹- فقیه اصولی و مؤلف متبحر ، آقا شیخ محمد جواد حسین آبادی، متوفای ۱۳۱۲ قمری، که از شاگردان صاحب جواهر ، و مجاز از آن بزرگمرد، و نیز شیخ أنصاری بوده ، و در سردابه ای نزدیک دیوار تکیه مدفون گشته است . وی . علاوه بر آثار علمی و تألیفی ، سه فرزند عالم و بزرگوار داشته ، که از مفاخر حوزه علمیه بوده اند ، و در بخش (خاندانهای علمی) از آنها یاد می کنیم .

در این تکیه علاوه بر بزرگان یاد شده، عدّه دیگری از علمای بزرگ ، و صلحاء عظیم الشان ، مدفون می باشند ، که از سنگ قبر آنها معلوم می شود ، و درباره بعضی از آنها ادّعاء تخلیه روح ، و سیر ممتاز روحی شده است .

۶- بقعه آقا محمد بیدآبادی

در نزدیکی تکیه آقا حسین خوانساری ، و به فاصله کمی از خیابان سعادت آباد ، بقعه حکیم عارف و فیلسوف متبحر ، آقا محمد بیدآبادی متوفای ۱۱۹۸

قمری، قرار گرفته است. وی، مجلس درس بزرگ و با اهمیت‌تی داشته (۱) و عده‌ای از بزرگان همانند: آخوند ملا علی نوری و ملا- محراب حکیم و حاجی کلباسی، از شاگردان او بوده‌اند (۲) و در ورع و تقوی و تواضع و بی‌اعتنائی به قدرتمندان، برجستگی داشته (۳) و کراماتی بزرگ از او ظاهر شده، و قبر او مورد توجه و مزار انسانهای با ایمان، و خداجویان با اخلاص می باشد.

در بقعه آقا محمد بیدآبادی، قبر پدر او، «مولی محمد رفیع بیدآبادی» قرار دارد، که عالمی محقق، و فاضلی مدقق و زاهد بوده است.

و در همین بقعه است، قبر حکیم و فقیه زاهد، و ادیب و ریاضی‌جامع، مرحوم حاج شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقائی و نیز حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد باقر درچه‌ای بوده، و خود، چهل سال در مدرسه صدر، به تدریس حکمت اشتغال داشته، و در اواخر، تدریس حکمت و فلسفه در اصفهان، به آن بزرگمرد منحصر گردیده بوده، و به جهت اشتها او در تدریس حکمت، فقه و ریاضی و ادبیات و سایر علوم و دانشهای او، تحت الشعاع قرار گرفته بوده است.

در نزدیکی قبر این بزرگمرد، مدفن فقیه حکیم و مدرس محقق، مرحوم آقا شیخ علی مفید برادر حاج شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۴۵ قمری میباشد، که از مدرسین مدرسه صدر بوده، و در عین جامع بودن، فقاقت او مشهورتر بوده است. و در نزدیکی بقعه آقا محمد بیدآبادی، قبر میر معصوم، متوفای ۱۱۵۵

ص: ۴۳۵

۱- أعيان الشیعه، جلد ۴۵، صفحه ۳۲۱

۲- روضات الجنّات، صفحه ۵۵۲

۳- روضات الجنّات، أعيان الشیعه، ریحانه الأدب، دانشمندان و بزرگان اصفهان، رجال اصفهان و ..

قمری است ، که ظاهراً از علماء جلیل القدر بوده، و مشهور است که ، آقا محمّد بید آبادی در عالم خواب جریان عجیبی را می بیند ، که کاشف از عظمت معنوی میر معصوم بوده ، و به همان جهت وصیت می نماید که، مدفن او را نزدیک قبر میر معصوم قرار دهند ، و در این اواخر، شخصی متوسّل به روح مقدّس آن بزرگمرد می شود، و به حاجت خود می رسد ، و لذا سنگ قبری ترتیب داده ، و اشعاری را روی او حجّاری می نماید، که حاکی از جریان توسّل و موفقیت آن است . و نیز ، در این بقعه ، و نزدیکی های آن ، عدّه دیگری از مجتهدین و بزرگان عرفان و تقوی ، مدفون می باشند .

۷- تکیه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی

در طرف شرق خیابان فیض ، در کوچه ای به طرف لسان الأرض ، تکیه میرزا أبو المعالی واقع گردیده ، و در وسط آن، بقعه ای آجری به (سبک دوره قاجاریه) و جالب توجه ، تأسیس گشته ، که قبر فقیه اصولی و محدّث رجالی و مفسّر ، و جامع معقول و منقول (۱)، میرزا محمّد کلباسی ، مکّتی و معروف به « میرزا ابوالمعالی » متوفای ۱۳۱۵ قمری ، و دو فرزند عالم او ، در آن قرار گرفته است

وی ، کوچکترین فرزند حاجی کلباسی بوده ، و در تقوی و زهد و معنویت و تلاش علمی و تحقیقی ، زبانزد بوده است ، و تألیفات بسیاری در زمینه فقه و اصول و رجال و تفسیر و حساب و تراجم، از خود به جای گذاشته است (۲) .

مرقد مطهر مرحوم آقا میرزا أبو المعالی ، مورد توجه بزرگان از علماء است ،

ص: ۴۳۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۰۵، و رجال اصفهان ، صفحه ۴۰ تا ۴۲، و اسیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۸ - ۵۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۰۵، و ریحانه الأدب ، جلد ۷، صفحه ۲۶۹

و علاوه بر اصفهان، از شهرهای دیگر، برای زیارت، و توسّل به روح مقدّس آن بزرگمرد می آیند، و به حوائج خود می رسند.

فرزند او، حاج میرزا جمال الدّین، متوفّای ۱۳۵۰، از علماء بزرگ بوده، و در پشت قبر پدر مدفون است، و فرزند دیگر او، حاج میرزا أبو الهدی کلباسی متوفّای ۱۳۵۶ قمری، صاحب تألیفات متعدّد بوده، همانند: «سما المقال فی علم الرّجال»، و مدفن او در جلوی قبر پدر می باشد.

قبر عالم فاضل، و حکیم متبحّر، آقا شیخ نور الدّین اشنی قودجانی، متوفّای ۱۳۹۸ قمری، و پدر او، مجتهد زاهد، و فقیه محقّق، آقا شیخ محمّد حسین اشتی قودجانی، متوفّای ۱۳۷۵ قمری، در همین بقعه واقع گردیده است.

و نیز، مرحوم میرزا موسی أنصاری، متوفّای ۱۳۶۰ «از معاریف شعرای اصفهان» و حاج سیّد حسن واعظ کاشانی «از معاریف أهل منبر» علاوه بر عدّه دیگری از علماء و گویندگان، در این تکیه مدفون می باشند.

۸- تکیه آقا میرزا محمّد باقر «صاحب روضات»

در نزدیکی مسجد مصلّی، و در مجاورت تکیه آقا رضی، قرار گرفته است، و در وسط آن، بقعه زیبا و جالبی است، که بر روی قبر صاحب روضات آلجئات، ساخته شده است، و در این تکیه و بقعه، عدّه ای از بزرگان علماء مدفون گردیده اند، که ذیلاً به برخی از آنان اشاره می نمائیم:

۱- فقیه زاهد و مدرّس کامل، مولی حسین گیلانی (جیلانی) لبنانی، متوفّای ۱۱۲۹ قمری، که علاوه بر مقام علمی در فقه و حدیث، حکیمی ادیب، و مصنفی محقق بوده، و آثار علمی متنوعی از خود به جای گذاشته است، که از

جمله آنها شرحی جامع و مفصل، بر «صحیفه سجّادیّه» می باشد (۱).

وی، در مسجد لُنبان اصفهان، إمامت جماعت و تدریس داشته (۲)، و به همین جهت به «لُنبانی» شهرت یافته، و از قبر او کراماتی ظاهر شده است.

۲- پدر او، حکیم عارف، و مدرس فاضل، ملاً حسن جیلانی (گیلانی) متوفّای ۱۰۹۴ قمری، که قبر این دو بزرگوار در داخل بقعه می باشد.

۳- حکیم معروف و عارف نامدار، ملاً محراب گیلانی، متوفّای ۱۲۱۷ قمری، که از شاگردان مشهور حکیم و عارف نامی، آقا محمّد بیدآبادی بوده است، و قبرش در صحن تکیه می باشد.

۴- فقیه اصولی و محدّث رجالی، متکلم محقّق و ادیب مدقّق، مرجع مدبّر و پیشوای جامع، مجمع الفضائل و منبع آلکمالات، آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی خوانساری، متوفّای ۱۳۱۳ قمری، که در سلسله اجداد او، چهره های بزرگ علمی و تقوایی، و در میان ذرّیه و اُحفاد او، شخصیت های ممتاز در فقه و اجتهاد، فراوان بوده اند. او نه تنها محضّر اُساتید بزرگ را درک کرده، و از محضّر آنها بهره مند گردیده بوده، بلکه خود، تربیت کننده مجتهدان و محقّقان بوده است، و تألیفاتی گرانبها در فقه، اصول، کلام، اخلاق، رجال، تاریخ، نحو و ...، از خود به جای گذاشته، که مشهورترین آنها، اثر نفیس و معروف او، کتاب «روضات الجنّات» می باشد، که در میان کتب تراجم، از اهمّیت ویژه ای برخوردار است (۳).

ص: ۴۳۸

۱- تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۹۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۸، فوائد الرضویّه، جلد ۱، صفحه ۱۳۲

۳- ریحانه الأدب، ج ۳، ص ۳۶۶ و روضات الجنّات، ص ۱۲۶ - ۱۲۸ و أعیان الشّیعه و الدّریعه

به مناسبت تجلیل و آدای احترام نسبت به این بزرگمرد، بقعه جالب و ارزشمند تکیه ، تأسیس گشته است .

۵- عالم محقق ، و زاهد کامل ، ملا حسین تفریسی ، متوفای ۱۱۹۲ قمری که در زهد و تقوی و ریاضت های دینی برجستگی داشته ، و بزرگانی از علماء و صلحاء به او اعتقاد کامل داشته اند ، و از قبر او ، و توسل به روح مقدس او ، کراماتی ظاهر گردیده است . قبر او در قبرستان آب بخشان بوده، و پس از تخریب آن قبرستان ، استخوانهای آن بزرگمرد ، به تکیه و بقعه آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) منتقل ، و دفن گردیده است .

علاوه بر شخصیت های یاد شده، عده ای از فرزندان و احماد و بستگان صاحب روضات ، در این بقعه مدفونند ، که عموماً از علماء عالی مقام بوده ، و جمعی از آنها ، از مجتهدان و صاحبان تألیف بوده اند ، و در کتاب « زندگانی آیه الله چهارسوقی » و نیز کتابهای « دانشمندان و بزرگان اصفهان » ، و « رجال اصفهان » و « سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان » ، از شخصیت و آثار آنها ، یاد شده است .

۹- بقعه آمین «بانوی ایرانی»

از نقاط مهم و جالب توجه ، در تخت فولاد اصفهان ، بقعه جالب و زیبایی است ، که بر مرقد بانوی مجتهده ، عالمه زاهده ، حاجیه نصرت خانم آمین ، معروف به «بانوی ایرانی» ، متوفای ۱۴۰۳ قمری ، بنا گردیده است . این بقعه ، از نظر معماری و کاشی کاری و شکل سمبلیک حجاب ، جلب توجه می نماید .

محل این بقعه ، تکیه آمین ، در جوار تکیه آقا مجلس ، و مقابل تکیه بروجردی ، در خیابان سعادت آباد میباشد .

مرحومه حاجیه خانم امین ، دارای مقام علمی در فقه، اصول ، کلام ، تفسیر ، اخلاق ، و ... بوده ، و اجازه اجتهاد از عده ای از اعلام دین دریافت داشته ، و شمار زیادی از آثار تألیفی ، همانند : تفسیر مخزن العرفان (در پانزده جلد) را از خود به جای گذاشته ، و پرچمدار حرکت (علمی - دینی بانوان) در نیمه دوم قرن چهاردهم بوده است .

در باره شخصیت و آثار این بانوی بزرگ ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و نیز بخش « حوزه علمی اصفهان و تربیت زنهای مجتهد و عالمه » بحث و بررسی داریم .

۱۰ - بقعه و تکیه بابا رکن الدین

از قسمت های مهم و برجسته تخت فولاد، که از نظر معنوی ، تاریخی ، باستانی ، معماری ، طراحی و ... ، دارای اهمیت ویژه می باشد ، بقعه و تکیه بابا رکن الدین است ، که در دوره صفویه ، در زمان شاه عباس کبیر ، به احترام بابا رکن الدین ، ساخته شده است . وی ، عارف نامدار ، مسعود بن عبدالله بیضاوی ، متوفای یکشنبه ۲۶ ربیع الأول ۷۶۹ قمری است ، که پس از وفاتش در تخت فولاد دفن گردیده ، و به علت اهمیت او ، منطقه تخت فولاد ، به نام « مزار بابا رکن الدین » خوانده می شده ، و پل خواجه نیز ، به نام او « پل بابا رکن الدین » نامیده می شده است ..

او از مفاخر شیعه است ، و تشیع او در زمان حضور مخالفین ، از نشانه های عظمت او می باشد . مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ، و شیخ بهائی ، و حاجی کلباسی به او ارادت داشته اند ، و مرحوم شیخ بهائی ، از قبر او خبر وفات خود را

دریافت نموده ، با این عبارت (شیخنا در فکر خود باش) (۱).

گنبد بقعه بابا رکن الدین ، به صورت هرمی شکل با دوازده ترک ، موافق عدد ۱۲ امام معصوم علیهم السلام می باشد ، و قاعده گنبد مُخَمَّس است ، و پنج ایوان مشابه ، در اطراف محوطه زیر گنبد ساخته شده است . سنگ مرمر بسیار جالبی بر روی قبر بابا رکن الدین نصب شده ، که بر روی آن با خط ثلث برجسته عبارت زیبایی دیده می شود، با چنین کلماتی :

... هذا قَبْرُ حُجَّهِ الْأَوْلِيَاءِ الْغَارِفِينَ كَهْفِ الْمُؤَخِّدِينَ وَ الْمُحَقِّقِينَ ، السَّالِكِ مَسَالِكِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ ... مَهْبِطِ الْأَنْوَارِ وَ مَخْزَنِ الْأَسْرَارِ ... رُكْنَ الشَّرِيعَةِ وَ الطَّرِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ وَ الْعِرْفَانِ ، بابا رُكْنَ الدِّينِ ، مَسْعُودِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التِّيضَاوِي ...

این ساختمان جالب ، که به دستور شاه عباس کبیر ساخته شده ، در سال ۱۲۰۰ قمری تعمیر گشته ، و اخیراً نیز در حال مرمت می باشد .

در ایوان بیرون ، جلوی گنبد ، کنار دیوار ، قبر حکیم زاهد ، و ریاضی عابد ، آخوند ملا حسن نائینی ، متوفای ۱۲۷۰ قمری ، قرار گرفته است .

وی ، در زهد و بی اعتنائی به زیبایی های دنیا ، از عجائب زمان خود بوده ، و عده ای از بزرگان ، ارادت شدیدی به او داشته اند ، و در مدرسه نیم آور تدریس می نموده ، و سکونت داشته است (۲).

و در این تکیه و بقعه ، قبور عدده دیگری از علماء و مدرّسین و صاحبان تألیف ، قرار گرفته ، همانند : حاج میرزا جواد نوری ، متوفای ۱۳۲۳ قمری ،

ص: ۴۴۱

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۰ ، و تذکره القبور (رجال اصفهان) ، صفحه ۶۴-۶۵ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵۳ و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۷۱

۲- تذکره القبور (رجال اصفهان) ، صفحه ۶۵-۶۶ ، و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۷۳

و فرزند او ، حاج میرزا بهاء الدین ، معروف به فاضل نوری ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که هر دو ، عالم محقق ، و صاحب تألیف بوده اند ، و نیز عدای از دو خاندان علمی خاتون آبادی و نوری ، در این بقعه و تکیه مدفون گردیده اند ، که موجب گشته ، این تکیه مورد توجه اهل علم و تقوی قرار گیرد .

و نیز در بقعه یاد شده ، قبر فاضل ادیب ، و محقق مورخ ، و مفسر محدث ، مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری ، متوفای ۱۳۷۶ قمری ، قرار گرفته است .

وی ، تألیفات بسیاری در حدود سی عنوان کتاب داشته ، همانند «تاریخ اصفهان» و «تاریخ اصفهان و ری» و «آگهی شهان از کار جهان» (چهار جلد) و که او را از مفاخر علمیّه حوزه علمیه اصفهان ، قرار داده است .

۱۱- تکیه بروجردی «تکیه در بکوشکیها»

تکیه ای است در جنوب خیابان سعادت آباد، و مقابل تکیه آقا مجلس ، و مقبره بانوی ایرانی ، که متعلق به دوره های اخیر می باشد ، و در وسط آن، بقعه ای تأسیس گردیده ، و در آن بقعه و تکیه ، عده زیادی از علماء بزرگ ، اعم از فقهاء و حکماء و ادباء ، و نیز شعرای ارجمند ، مدفون گشته اند ، و به علت تأسیس آن برای مرحوم «میرزا أبو الحسن بروجردی» ، به نام «تکیه بروجردی» ، نامیده می شود ، و به خاطر وجود قبور علماء محلّه در بکوشک ، آن را به نام ، «تکیه در بکوشکیها» نامیده اند . و ذیلاً به نام و شخصیت عده ای از مدفونین در این تکیه اشاره می شود .

۱- مجتهد بزرگ ، و مدرّس عالی مقام ، حاج میرزا أبو الحسن بروجردی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ، در

حوزهٔ عظیم و علمی اصفهان (۱) و نیز از تلاشگران علمی در حوزهٔ نجف بوده، و خود در شهر اصفهان، مدرّسی عظیم الشّان، و مرجعی مورد توجّه بوده است و چنانچه اشاره کردیم، به احترام آن بزرگمرد، تکیه و بقعهٔ بروجردی، بنا شده است (۲).

۲- مجتهد بزرگ و فقیه زاهد، مرحوم آقا شیخ أحمد بیدآبادی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، که از مفاخر علمی و تقوائی بوده، و مدرّسی متبحّر، و محیط بر فروع فقهی، و مورد توجّه به شمار رفته، و در قدرت حافظه و ذکاوت، اَعْجوبهٔ دوران خویش، خواننده شده است. وی، در حدود سنّ بلوغ، به درجهٔ اجتهاد نائل گردیده است (۳).

۳- مدرّس نامدار و بزرگ، مرحوم آقا شیخ أبو القاسم، معروف به، «حاج آخوند زفرهای»، متوفای ۱۳۵۲ قمری، که در محلهٔ بیدآباد و درب کوشک، مدرس عمده بوده، و اکثر علماء و دانش طلبان آن منطقه، شاگردی او را نموده اند، و تمام کتب درسی را از شرح أمثله تا کفایه الاصول، تدریس مینموده است (۴).

۴- مدرّس مشهور و بزرگ، مرحوم، آقا شیخ علی مدرّس یزدی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در تدریس ادبیات و سطوح، چهرهٔ سرشناس حوزه علمیّه اصفهان بوده، و پدر نویسنده این سطور، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، از شاگردان آن بزرگمرد بوده اند.

ص: ۴۴۳

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۴۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸

۴- تحقیقات شخصی

۵- حکیم فقیه ، و مفسّر ادیب ، حاج سید صدرالدین طباطبائی کوپائی ، مشهور به « حاج آقا صدر کوپائی » ، متوفای ۱۳۷۲ قمری ، و مؤلف « شروق الحکمه » .

وی ، مدرّسی عالیقدر و خوش مجلس بوده ، و در مدرسه صدر اصفهان حوزه درسی مورد توجهی داشته است .

در این بقعه و تکیه ، علاوه بر یاد شدگان ، عده ای مجتهد ، حکیم ، مدرّس ، خطیب ، واعظ ، شاعر ، ادیب و ... مدفونند . راه و یادشان گرامی باد .

۱۲- تکیه تویسرکانی

در طرف غرب خیابان فیض ، در اوّل کوچه ای که به طرف تکیه میر میرود، تکیه تویسرکانی با بقعه ای جالب ، قرار گرفته است . در این تکیه ، قبر آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۱۹ قمری است (۱) . وی ، از شاگردان مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و مجاز از او ، و نیز از مرحوم صاحب روضات بوده است ، قبر فرزندان آن بزرگمرد ، مرحوم حاج سید محمّد باقر ، و مرحوم حاج سید ابوالحسن تویسرکانی ، در همین تکیه است .

و در بقعه این تکیه ، قبر حکیم متکلم ، و مجتهد محقق و نامدار ، آیه الله ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری می باشد .

وی از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان و مدرّس مدرسه صدر بوده ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، به شمار آمده است .

و در این بقعه است قبر خطیب نامدار اصفهان ، آقا سید محمّد علی مبارکه ای ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که در قدرت حافظه و نقل اخبار و نوادر مطالب ، و نیرومندی در بیان ، از عجایب شمرده شده ، و بیش از بیست و پنج تألیف در

ص: ۴۴۴

۱- به بخش « خاندانهای علمی اصفهان ، خاندان تویسرکانی » در همین کتاب ، مراجعه شود

زمینه تاریخ و تراجم و حدیث و اخلاق و سفرنامه و دیوان شعر و عرفان و فلسفه احکام داشته ، که نشانه تبّخر علمی او می باشد (۱).

و در این تکیه است قبر عدّه ای از ادباء و شعراء ، همانند : میرزا عبدالحسین قدسی (اديب و شاعر و خوشنویس) متوفای ۱۳۶۶، و نیز میرزا اسمعیل متخلص به « ثاقب » ، و همچنین مرحوم آقا شیخ محمّد باقر ، متخلص به « واثق » ، متوفای ۱۳۳۶ قمری ، و مجموعاً در این تکیه ، بزرگانی از شعر و ادب ، فقه و اجتهاد ، حکمت و کلام ، مدفون گردیده اند .

۱۳ - تکیه جهانگیر خان قشقائی «تکیه آقا سید محمد ترک»

در طرف غرب خیابان فیض ، مقابل تکیه حاج محمّد جعفر آبادهای ، تکیه ای است که محلّ دفن بسیاری از علماء و شعراء و نویسندگان است، و از جمله ، قبر آقا سید محمّد ترک ، متوفای ۱۲۶۶ قمری ، در این محل می باشد . وی ، در زمان حیات ، از علماء مورد توجه و احترام معنوی بوده، و پس از وفات ایشان مردم برای گرفتن حاجت ، به زیارت مرقد مطهر او می آمده ، و متوسل می شده اند .

از جمله شخصیت‌های مدفون در این تکیه ، حکیم نامدار و مدرّس عالیقدر و عظیم الشان حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم جهانگیر خان قشقائی متوفای ۱۳۲۸ قمری میباشد ، که به احترام شخصیت علمی آن بزرگمرد ، این تکیه ، به نام وی نیز ، خوانده می شود .

و هم چنین مرحوم آقا سید محمّد رضا خوانساری ، متوفای ۱۳۳۹ قمری، و عدّه دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در این تکیه به خاک سپرده شده اند

ص: ۴۴۵

این تکیه، در کوچه ای در طرف غرب خیابان فیض، به سوی « تکیه میر »، و در نزدیکی آب انبار کازرونی، و در مجاورت تکیه سید العراقرین، قرار گرفته است، و از مشهورترین تکیه‌های تخت فولاد، و دارای سابقه تاریخی می باشد

تکیهٔ خاتون آبادی، دارای گنبد کاشی کاری شدهٔ زیبایی است، و در زمان سلطان حسین صفوی، به وسیلهٔ یکی از علماء بزرگ حوزهٔ اصفهان، مرحوم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی، متوفای ۱۱۱۶ قمری (۱) بنا شده، و دارای هفت حجره بوده، و چند نفر طلبه در آن ساکن بوده اند (۲)، و آن بزرگوار، در همین تکیه، مدفون گردیده است (۳).

وی، مدرّس مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) و صاحب تفسیر بزرگی، در چهارده جلد بوده، و نیز کرامات و مقامات بلند معنوی داشته، و از مفاخر خاندان علمی خاتون آبادی، به شمار می رود.

و در همین تکیه، عدهٔ زیادی از علماء این خاندان مدفونند، همانند:

۱- میر محمد باقر خاتون آبادی، اولین مدرس مدرسهٔ چهارباغ، که از علماء مبرز بوده است.

۲- میر محمد اسماعیل ثالث خاتون آبادی، که او نیز از مدرّسین برجستهٔ مدرسهٔ چهارباغ بوده است.

۳- حاج میرزا حسین نائب الصّدر، متوفای ۱۳۲۶ قمری، که از شاگردان مبرز

ص: ۴۴۶

۱- الذریعه جلد ۴ صفحه ۲۶۱، تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۱۰۰

۲- وقایع آلتین و الأعوام، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۵

شیخ اعظم أنصاری و حاج ملا علی کنی بوده، و خود نیز، از علماء برجسته و ادیب و مورّخ به شمار رفته ، و دو جلد کتاب در باره علماء و سادات خاتون آبادی نوشته است .

و نیز عدّه دیگری از علماء این خاندان ، و برخی از شعراء و دانشمندان دیگر در این تکیه مدفون گردیده اند (۱).

۱۵- بقعه و مدرسه و مسجد رکن الملک

در طرف غرب خیابان فیض ، و متصل به تکیه آفاده ای و تکیه واله ، مسجد و مدرسه ای است که ، به وسیله مرحوم سلیمان خان « رکن الملک » ، در حدود سال ۱۳۲۱ قمری تأسیس گشته است، و از آثار تاریخی ارزشمند آن دوره میباشد (۲).

سر در بسیار شکوهمندی ، با کاشیکاری جالب ، در خیابان فیض دارد ، و سپس حیاط مدرسه است ، که حجراتی دارد، و پس از آن ، صحن بزرگ مسجد است ، که در طرف جنوبی آن ، ایرانی جالب و گنبدی زیبا و بزرگ ساخته شده ، و مجموعه « مدرسه و مسجد رکن الملک » را ، که از آثار تاریخی و مهم اصفهان به شمار می رود، تشکیل داده است .

در یکی از اتاقهای جنوبی صحن اول ، « مدرسه رکن الملک » قبر برخی از علماء و خطباء، از خاندان کلباسی ، قرار گرفته است ، که بقعهای علمی محسوب میشود (۳).

ص: ۴۴۷

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۱۲-۱۱۴، رجال اصفهان، صفحه ۱۰۰-۱۰۴

۲- کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۸۰۵-۸۲۱

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۲۲

تکیه ای است که در اواخر دوره قاجاریه، پس از فوت مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی، و به احترام او، تأسیس گشته است، و محل آن، جنوب تخت فولاد، جنب تکیه بروجردی می باشد، و در این تکیه، عده ای از علماء و مدرسین حوزه علمیه، و ادباء و دیگر دانشمندان، مدفون گشته اند، همانند:

۱- علامه فقیه، و مجتهد محقق، و مدرس مدقق، آقا شیخ مرتضی ریزی متوفای ۱۳۲۹ قمری، که از شاگردان شیخ اعظم آنصاری بوده، و اولین عالم و مدرس است که، کتاب «رسائل» مرحوم شیخ را، در حوزه علمیّه اصفهان تدریس نموده است (۱).

وی علاوه بر تدریس و کوششهای علمی، جلسات احیاء و دعای کمیل را شبهای جمعه در تخت فولاد، در محل همین تکیه، برقرار می نموده، و موعظه ها و سخنان مہیب و منقلب کنندهای مطرح میکرده، و آن چنان دگرگونی روحی و توجه معنوی و شور و شوق مناجات، در مردم عموماً، و اهل علم خصوصاً، ایجاد می نموده، که زبانزد همگان می باشد، و هنوز خاطره های عظیم آن، زبان به زبان نقل میشود، و گاهی صدای گریه و شیون حاضرین جلسه، در شهر اصفهان (با فاصله زیادی که آن زمان وجود داشته) شنیده می شده است.

۲- حاج شیخ ابو الفضل ریزی، که عالمی محقق، و فقیهی صاحب مجلس درس خارج، بوده است. وی، برادر مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی می باشد، و اجازه اجتهاد از مرحوم آخوند خراسانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و حاج

ص: ۴۴۸

میرزا حبیب الله رشتی داشته است (۱).

۳- فیلسوف محقق ، و مدرس مدقق ، حاج ملا جواد آدینه ای ، متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که از مدرّسین مدرسه صدر بازار ، بوده است .

۴- فقیه و مجتهد عظیم الشان ، و پیشوای زاهد و عابد ، آیه الله ، آقا شیخ محمد حسین فشارکی ، متوفای ۱۳۵۳ قمری ، که علاوه بر تدریس و تحقیق و تألیف ، مرجعی مورد توجه ، و صاحب فتوایی متنقد ، بوده است (۲).

۱۷- مقبره سادات احمد آبادی «مزار صاحب مکیال المکارم»

در کوچه ای که از تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی ، به سمت لسان الأرض می رود ، در طرف دست چپ ، مقبره محصور و کوچکی میباشد که به نام «مقبره سادات احمد آبادی» ، خوانده می شود ، و در این محل ، قبر دو نفر از بزرگان علم و دین وجود دارد، که شرح حال آن دو بزرگوار را ، دانشمند مورّخ متّبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان» صفحه ۱۳۲ - ۱۳۵ آورده است که ، عیناً نقل می شود .

الف - مرحوم حاج سید محمد تقی بن عبد الرزاق بن عبد الجواد موسوی احمد آبادی ، عالم فاضل جلیل ، و مجتهد زاهد ادیب ، و شاعر کامل ، و فقیه بزرگوار ، در جمادی الأولى سال ۱۳۰۱ متولّد ، و در ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۳۴۸ (قمری) وفات یافته است . اساتید و مشایخ اجازه او عبارتند از :

۱- آقا سید ابوالقاسم دهکردی ، ۲ - آقا سید اسدالله (عمه زاده ایشان) ۳- حاج میرزا بدیع درب امامی ، ۴- آخوند ملا محمد حسین فشارکی ، ۵ - حاج میر محمد

ص: ۴۴۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۸۵

۲- به سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۲۴-۱۲۷ مراجعه شود

صادق خاتون آبادی (خالوی «دائی» بزرگوارش) ۶- مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق (پدر دانشمندش) ۷- آخوند ملا عبدالکریم گزی ، ۸- مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی، ۹- آقا سید محمود کلشادی، ۱۰- حاج آقا منیر الدین برجرودی

و آقا تألیفات آن مرحوم عبارتست از :

۱- آئین جمعه ، یا آداب الجمعات و أبواب الجنان ، (مطبوع)، ۲- أنیس المتفردین ، ۳- ایضاح الشبهات ، ۴- بساتین الجنان (در معانی و بیان) ۵- تحفه المتأدبین (در نحو)، ۶- تذکره الطالبین (در شرح آداب المتعلمین) ، ۷- ترغیب الطلاب (در نحو)، ۸- تعادل و تراجیح ، ۹- تفسیر قرآن، ۱۰- توضیح الشواهد ، ۱۱- حواشی بر شرح الخیص ، ۱۲- دیوان اشعار با تخلّص (تقی) و (شرعی)، ۱۳- سراج القبور (در آداب نماز و نافله شب)، ۱۴- شرح مختصر بر کتاب تصریف ، ۱۵- شرح نصاب (و این اولین تألیف ایشان است ، که در تاریخ ۱۶ رجب سال ۱۳۱۰ ، در سنّ ده سالگی تألیف فرموده) ، ۱۶- ضیاء المنیر (در علم صرف)، ۱۷- کنز الغنائم (در فضیلت دعا و نماز ، جهت حضرت قائم علیه السلام)، ۱۸- محاسن الأداب (در علم نحو)، ۱۹- مکیال المکارم ، فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه ، در دو مجلد به عربی (که دو مرتبه به چاپ رسیده ، و به فارسی نیز ترجمه شده است (۱))، ۲۰- نور الأبصار ، در فضیلت انتظار ، ۲۱- کتابی در نماز شب، ۲۲- وظیفه الأنام ، در زمان غیبت امام علیه السلام (مطبوع).

ب - مرحوم عالم جلیل ، آقا میرزا عبدالرزاق ، والد بزرگوار مرحوم آقا سید محمد تقی سالف الترجمه ، فرزند سید عبد الجواد بن سید مهدی بن میر قاضی بن سید محمد نایب الصدر ، بن میر محمد تقی موسوی ، وزیر شاه صفی (که

ص: ۴۵۰

۱- تألیف و نامگذاری و عربی بودن این کتاب ، همه به دستور حضرت بقیه الله الأعظم (عج) بوده

بعداً شاه سلیمان نامیده شد) داماد عالم فقیه نسابه، مرحوم حاج میرزا حسین نایب آلصدر حسینی خاتون آبادی. در وقایع آلسنین (صفحه ۵۵۳) در ضمن وقایع سال ۱۱۱۵ می نویسد: «در این سال میرزا محمد باقر حکیم باشی نیز رفت به زیارت و حج، و میرزا محمد تقی وزیر وقت نیز رفت ...».

و اُمّیا مرحوم آقا میرزا عبدالزّزاق، عالم فاضل جلیل، امام جماعت مسجد امامزاده اسماعیل، از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی، و ملا محمد تقی هروی اصفهانی حائری بوده، و از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب ارث مرحوم استادش، ملا محمد تقی هروی است، که آن را با دو رساله دیگر از همین مؤلف، و چند رساله دیگر، به خط نسخ و نستعلیق کتابت نموده، و از آن، مجموعه ای فراهم ساخته، که به شماره (۳۰۳) در کتابخانه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی در قم، موجود است، (صفحه ۲۶۳، جلد یکم فهرست کتابخانه آیه الله گلپایگانی) تاریخ برخی از این رساله ها، تا ۲۵ ماه ربیع الثانی سال ۱۳۰۶ می باشد. مرحوم آقا میرزا عبدالزّزاق، در ۲۸ محرم الحرام، سال ۱۳۱۹ قمری) وفات یافته، و در این محل مدفون گردیده است.

مرحوم آقا سید محمد تقی، از عشاق واقعی و خدمتگذاران حقیقی حضرت بقیه الله الأعظم روحی له الفداء بود. فطوبی له ثم طوبی له (۱).

برای آشنائی بیشتر با شخصیت و عظمت آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمدآبادی قدس سره، به منابع زیر می توان مراجعه نمود:

۱- مکارم الآثار، از معلّم حبیب آبادی، ذیل وقایع سال ۱۳۰۱

۲- تاریخ اصفهان، از جابری أنصاری، جلد ۳، صفحه ۵۳

ص: ۴۵۱

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۵

۳- الأُمالی (مخطوط) از معلّم حبیب آبادی ، صفحه ۱۲۹

۴- نعباء البشر ، از علامه حاج آقا بزرگ تهرانی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۸

۵- رجال اصفهان ، صفحه ۴۶ و ۲۱۸

۶- الأعلام زرکلی ، جلد ۶ ، صفحه ۲۸۹

۷- معجم المؤلفین ، جلد ۹ ، صفحه ۱۳۱

۸- مؤلفین کتب چاپی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۸

۹- آثار آلتقوی ، به قلم علامه محقق ، آقای سید محمد علی روضاتی ، که در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم ، چاپ دوم ، به طبع رسیده است .

۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۱۷ - ۲۱۸

۱۱- شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷ - ۶۴

۱۲- حوزه های علمیه شیعه (از نویسنده این سطور) جلد ۱ ، صفحه ۳۹۲

۱۳- مواضع متفرقه «الذریعه الی تصانیف الشیعه»

۱۴- بخش (خاندهای علمی اصفهان) ، در همین کتاب (۱).

۱۸- تکیه سید العراقین

تکیه ای است در جوار تکیه خاتون آبادی ، و در بقعه و صحن آن ، عده ای از علماء بزرگ مدفونند ، که جمعی از آنها ، از شخصیت های برجسته و ممتاز حوزه علمیه اصفهان ، و از مراجع بزرگ دینی بوده اند ، همانند :

۱- فقیه مجتهد و اصولی محقق ، حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از برجستگان حوزه علمیه اصفهان ، و از مفاخر بزرگ این شهر بوده ، و بسیاری از علماء و مراجع دینی از شاگردان آن

ص: ۴۵۲

۱- آیه الله موسوی فقیه احمد آبادی ، جدّ مادری نویسنده این سطور می باشند

بزرگمرد، بوده اند. او از شاگردان و نزدیکان مرحوم آخوند خراسانی بوده، و در تألیف کتاب گرانقدر کفایه الأصول، یآوری نزدیک برای استاد خویش، به شمار آمده است (۱). علامه طهرانی در نقباء البشر، این بزرگمرد را، با عنوان: عالم بارع، و فقیه فاضل، و مدرّس کبیر، توصیف نموده، و او را از چهره های برجسته دینی، و از مراجع مردم در امر دین و دنیا، معرّفی فرموده و نوشته است:

كَانَتْ لَهُ فِي الْفِقْهِ وَالْأُصُولِ قَدَمٌ رَاسِخٌ وَبَاغٌ طَوِيلٌ، رَأْسٌ فِي إِصْفَهَانَ وَطَارَ صَيْتُهُ وَوَلَّى التَّدْرِيسَ، فَتَخَرَّجَ عَلَيْهِ جَمْعٌ مِنْ أَفْضَلِ الطُّلَابِ وَخِيَرَةِ أَهْلِ الْعِلْمِ وَكَانَ مِنْ مَشَاهِيرِ الْمُدَرِّسِينَ، وَكِبَارِ الْعُلَمَاءِ (۲).

۲- مجتهد مدرّس، و اصولی مدقّق، آقا میر سید محمد مدرّس نجف آبادی، متوفای ۱۳۵۸ قمری، که حوزه درسی او از عظمت و شهرت زیادی برخوردار بوده، و دو جلد حاشیه اش بر کفایه الأصول، از بهترین حاشیه ها بر آن کتاب ارزشمند محسوب شده، و در مجموع، مرجعی فقیه و مدرّسی محقّق، و زعیمی مدبّر، در حوزه علمیه اصفهان، بوده است.

۳- حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین، متوفای ۱۳۵۰ قمری، که از رؤساء علماء و از مجتهدین بزرگوار، و متولّی و مدرّس مدرسه چهارباغ (مدرسه سلطانی) بوده است.

- آقا شیخ محمد علی فتحی (مدرّس دزفولی)، متوفای ۱۳۵۸ قمری، که از مدرّسین عظیم الشان، و از محقّقین بزرگوار بوده، و در زهد و إعراض از دنیا، از چهره های کم نظیر، به شمار رفته است.

ص: ۴۵۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۷۹

۲- نقباء البشر، جلد ۲، صفحه ۸۷۰

۵- آقا سید محمد معروف به ، « آسید آقاجان نوربخش » ، متوفای ۱۳۶۴ قمری ، که از مدرّسین مشهور و ادباء نامدار بوده ، و علاوه بر مقام علمی و احاطه بر مطالب و اخبار ، دارای قدرت زیادی در فنّ خطابه بوده ، و از بزرگان اهل منبر ، محسوب می شده است .

وی ، در مدرسه نیم آور تدریس می کرده ، و عدّه زیادی از فضلاء ، در درس او حاضر می شده اند ، و در تدریس کتاب « مُطَوَّل » همانندی نداشته است .

۶- شیخ میرزا محمد حسن قاضی عسکر ، معروف به داورپناه ، متوفای ۱۳۸۲ قمری ، که مجتهدی محقق بوده ، و در فقه و اصول و ادبیات ، در حدّ سطح و خارج تدریس می نموده ، و سالها در مدرسه درب کوشک ، کفایه الأصول و رسائل و مکاسب درس میداده ، و در کشف مشکلات علمی ، نبوغ فراوانی داشته ، و در تکیه سید آلعراقین در بقعه ای مخصوص ، دفن گردیده است .

غیر از اینها ، عدّه ای از علماء و شعراء و ادباء و سخنوران نامی ، همانند مرحوم حسام الواعظین ، در این تکیه مدفونند ، که در کتاب « دانشمندان و بزرگان اصفهان » ، از صفحه ۳۶۱ تا ۳۶۵ ، و در کتاب « سیری در تخت فولاد » ، از صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۹ ، به جمعی از آنها اشاره شده است .

۱۹- بقعه آیه الله شهید شمس آبادی ، و تکیه شهداء

پس از آن که عالم کامل ، و مدرّس زاهد ، و پیشوای فعال و خدمتگزار دینی مرحوم آیه الله ، سید ابو الحسن آل رسول « شمس آبادی » ملقب به « شهید اصفهانی » ، به دست گروهی منحرف ، در تاریخ ۷ ربیع الثانی ۱۳۹۶ قمری ، به شهادت رسیدند ، جنازه آن بزرگمرد شهید ، در محلی در نزدیکی خیابان سجّاد در طرف جنوب لسان الأرض ، مدفون گردیدند ، و سپس باهمّت دوستان

و ارادتمندان آن شهید مظلوم ، بقعه ای بسیار شکوهمند ، با گنبدی زیبا بر روی آن بنا گردید ، و با آجرنما و کاشیکاری گنبد ، تزیین یافت ، و مزاری مهم و معروف و مورد توجه گردید ، که همیشه اوقات ، محلّ اجتماع مؤمنین و مؤمنات ، و جایگاه تلاوت قرآن ، و خواندن زیارت ، و توسّل و توجه به ارواح مقدّسه اولیاء الله علیهم السلام می باشد .

پس از آن که در جریان جنگ ایران و عراق ، عدّه زیادی از مردم باایمان اصفهان ، و بالخصوص جوانان رشید و فداکار ، به شهادت رسیدند ، جنازه آنها در اطراف و نزدیکیهای بقعه مدفون گشت ، و به تدریج ، قسمتهای زیادی از تکیه های اطراف ضمیمه گردید ، و منطقه وسیعی از لسان الأرض ، و سایر بخشهای تخت فولاد ، تحت عنوان « گلستان شهداء » در آمد ، و هزاران شهید میدان جنگ و بمبارانهای شهری ، در آن مدفون گردیدند ، که به علّت فراوانی شهداء و توجه خانواده های آنان ، و عنایت مسئولین امور کشور ، از اهمّیت زیادی برخوردار گردید ، و قبرستانی مفصّل و گسترده ، مخصوص شهداء شکل گرفت . در گلستان شهداء ، جمعی از علماء و طلاب شهید ، مدفون گردیده اند

در بقعه شهید شمس آبادی ، برادر آن بزرگمرد ، مرحوم حجّه الإسلام ، حاج آقا رضا آل رسول ، متوفّای ۱۴۰۹ قمری ، و نیز پدر زن ایشان ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی مشکوتی سدهی ، متوفّای ۱۴۱۰ قمری ، که از علماء و مدرّسین عالیقدر حوزه علمیه اصفهان ، و مؤسس مدرسه علمیه مشکوتی ، در خمینی شهر (سیده) بودند ، مدفون گردیده اند .

۲۰- تکیه شهشانی

تکیه ای است در طرف شرق خیابان فیض ، مقابل مسجد رکن الملک ، که در

آن، قبر فقیه عالی مقام، و مرجع عظیم الشان، آقا میر سید محمد شهشهانی، متوفای ۱۲۸۷ قمری (۱) در بقعه وسط تکیه، قرار گرفته است.

وی، عالمی پُرکار، و مدرّسی مُجدّد، و مؤلّفی صاحب آثار، در فقه و اصول و اخلاق و مراثی بوده، و نوشته های منظوم و منثور (به شکل گوناگون، مختصر و مفصّل، استدلالی و غیر آن، عربی و فارسی) از خود به جای گذاشته و به راستی مرجعی بزرگ در جامعه، و مفخری بلند مرتبه، برای حوزه علمیّه بوده است (۲). صاحب روضات الجنّات در باره این بزرگمرد می نویسد:

... لَمْ نَرْ أَحَدًا يُدَانِيهِ فِي وَصْفِ الْإِسْتِغَالِ بِأَمْرِ الْعِلْمِ وَ التَّعْلِيمِ وَ الْإِجْتِنَابِ عَنِ تَضْيِيعِ الْعُمَرِ الْكَرِيمِ ... وَ كَتَبَ فِي الْفِقْهِ وَ الْأُصُولِ كَثِيرًا (۳).

در همین تکیه، قبر مرحوم حاج میرزا بدیع امامی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، در نزدیکی قبر مرحوم شهشهانی، قرار گرفته است. وی، مدرّسی عظیم الشان و محقق و صاحب تصنیف در حوزه علمیّه، و امام جماعتی متواضع و مورد توجه، در میان مردم بوده، و از شاگردان آقا سید محمد شهشهانی، و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، و حاج شیخ محمد باقر نجفی، به شمار آمده، و شاگردان زیادی داشته است. در این تکیه، قبور عدّه دیگری از علماء و دانشمندان، که بعضی از آنها از خاندان علمی شهشهانی (میر شمسی) بوده اند دیده می شود.

ص: ۴۵۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۸۷، و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۵۶، ولی روی سنگ قبر، تاریخ ۱۲۸۹ حجّاری شده است

۲- ریحانه الأدب، ج ۳، ص ۲۷۵ و أعيان الشیعه، ج ۴۳، ص ۲۴۴ و ج ۴۵، ص ۲۲۵ و ۲۷۰

۳- روضات الجنّات (در ضمن شرح حال صاحب روضات)، صفحه ۱۲۷

قبرستان عمومی تخت فولاد

بخش بزرگی از تخت فولاد، که به صورت باز می باشد، و حالت تکیه ندارد و خیابان فیض، آن را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده، «قبرستان عمومی تخت فولاد» نامیده می شود، و در اواخر حکومت پهلوی دوم، دور آن دیوارکشی شد، و در سالهای اخیر، دیواره کوتاهی با نرده های فلزی (به جای دیوار بلند قبلی) آن را محصور کرده است.

بخش شرقی قبرستان عمومی

در این بخش، قبور بسیاری از شخصیت های بزرگ، اعم از فقهاء، حکماء، ادباء، شعراء، خطباء، ائمه جماعت و... وجود دارد، که ذیلاً اشاره می شود.

۲۱- مزار ملا اسماعیل خواجهی

(۱)

مرحوم ملا اسماعیل خواجهی (متوفای ۱۱۷۳ قمری) که فقیهی اصولی، و حکیمی متکلم، و عالمی محقق بوده، و در عقل و فهم و زهد و تقوی و حسن خلق و تواضع، چهره برجسته علماء اصفهان به شمار می رفته، و علاوه بر تألیفات محققانه فراوان، در فقه و کلام و تفسیر و رجال و حدیث (در حدود یک صد و پنجاه کتاب و رساله) (۲) و تربیت و تعلیم شاگردانی فراوان و عظیم الشأن، همانند: ملا مهدی نراقی، و آقا محمد بیدآبادی، و آقا میرزا أبو القاسم مدرس اصفهانی، و ملا محراب حکیم و... دارای مقامات معنوی بلندی

ص: ۴۵۷

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام می باشد، (سال ۱۴۱۸ قمری) برای مزار ملا اسماعیل خواجهی، و علماء مدفون در جوار آن بزرگمرد، بقعه مجللی در حال تأسیس می باشد

۲- تذکره القبور مرحوم گزی (رجال اصفهان) صفحه ۵۵ و ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۰۶

بوده، و کرامات بسیاری از او نقل گردیده، و مستجاب الدعوه به شمار آمده، و قبر او مورد توجه و زیارت مؤمنین، و محلّ گرفتن حاجات بوده است.

در اطراف و نزدیکیهای قبر ملا اسماعیل خواجهائی، عدّه ای از علماء، مدفون گردیده اند، همانند: نوّه؛ او، ملا اسماعیل دوّم، که استاد حکمت و فقه و اصول بوده، و در سال ۱۲۸۲ قمری وفات یافته، و نیز، حکیم متکلم، و فقیه جامع، ملا علی اکبر اژهای (ایجیه ای) متوفای ۱۲۳۲ قمری، که تألیفات متعددی دارد، همانند: «زبدہ المعارف»، که در اصول دین تألیف کرده، و به زبان فارسی نوشته شده، و بسیار مفصل و پر فائده می باشد، و آن بزرگوار، برای رسیدن به مقامات معنوی، ریاضت های سخت کشیده، و دارای شخصیت برجسته ای بوده است (۱).

و نیز، عدّه ای از اولاد و احفاد آن بزرگمرد (که از علماء و ائمه جماعت بوده اند و در اطراف قبر آن بزرگوار، مدفون گردیده اند، همانند: ملا عبدالله بن ملا علی اکبر اژه ای، متوفای ۱۲۶۵ قمری، که عالمی برجسته بوده است.

۲۲- مرقد مطهر فاضل اصفهانی «هندی»

از مفاخر این بخش از تخت فولاد «بخش شرقی قبرستان عمومی» قبر فقیه بزرگ، و محقق نامدار، آقا شیخ محمد بن حسن بن محمد، ملقب به «تاج الفقهاء» و «فاضل اصفهانی» و «کاشف اللثام» و معروف به «فاضل هندی» و متوفای ۱۱۳۷ قمری می باشد. وی، پیش از سیزده سالگی فارغ از تحصیل معقول و منقول گردید، و قبل از دوازده سالگی شروع به تألیف نمود (۲)، و قبل از

ص: ۴۵۸

۱- تذکره القبور (رجال اصفهان) صفحه ۵۱

۲- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۲۸۴

رسیدن به بلوغ شرعی به مرتبه اجتهاد نائل گردید (۱)، و در عظمت علمی به حدی رسید که اُعجوبهٔ روزگار و یگانه دوران نامیده شد، و تألیفات بسیاری (در حدود هشتاد کتاب) (۲) از خود به جای گذاشت (در زمینهٔ فقه و تفسیر و عقائد و حکمت و معانی و بیان و نحو) که مهمترین آنها کتاب «کشف اللثام» است، که مورد استفاده فراوان صاحب جواهر و صاحب ریاض، در تألیف دو کتاب گرانقدر یاد شده بوده است.

صاحب روضات، در ضمن تجلیل فراوان، فاضل هندی را چنین می ستاید:

قَدْ وَجَدَ مِنْ كُلِّ فَنٍّ مِنْ فُنُونِ الْعَرَبِيَّةِ أَسَّهُ وَ كَنْزَهُ (۳).

قبر فاضلان

جلوی قبر فاضل هندی، قبر حاج ملا محمد نائینی (متوفای ۱۲۶۳ قمری) است، که شوهر خواهر حاجی کلباسی، و مدتی امام جماعت مسجد حکیم بوده، و از علماء جلیل القدر و با تقوی به شمار رفته، و به همین جهت، او را قرین فاضل هندی قرار داده، و عبارت (قبر فاضلان) را، در مورد مرقد آن دو بزرگوار به کار برده اند.

در اطراف و نزدیکیهای قبر فاضل هندی (به لحاظ عظمت آن بزرگمرد علم و فضیلت) عدّه ای از علماء و بزرگان دین، مدفون گشته اند، همانند:

ص: ۴۵۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۵۶

۲- در کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۶۶، شمار تألیفات فاضل هندی را، قریب یکصد و پنجاه کتاب و رساله ذکر کرده است

۳- روضات الجنّات، صفحه ۵۴۸، یعنی ... فاضل هندی، از هر فنی از فنون عربیت، به اساس و گنج او دست یافته بوده است

الف : مجتهد و مؤلف گرانقدر ، آقا سید محسن میر محمد صادقی (پسر برادر آقا سید حسن مدرّس) و متوفای ۱۳۲۸ قمری .

اب : و نیز ، فقیه و مجتهد مبرز ، زعیم حوزه علمیّه اصفهان ، آیه الله ، آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۲۹ رجب ۱۳۹۷ قمری ، که علاوه بر مقام علمی ، دارای متانتی چشمگیر ، و ابّهتی در خور شأن یک پیشوای بزرگ دینی بودند .

و در همین قسمت ، قبر عدّه ای از علماء خاندان علمی خراسانی دیده می شود ، همانند : قبر مرحوم حاج سید یوسف خراسانی ، متوفای ۱۲۴۶ ، و نیز مرحوم حاج سید محمد جواد خراسانی ، متوفای ۱۳۵۲ (پدر آیه الله خراسانی) و در مجموع ، این بخش از قبرستان عمومی ، مجمعی عظیم از قبور علماء بزرگ و فقهاء نامدار ، و چهره های برجسته علم و ادب و فقه و اجتهاد میباشد

تأسیس بقعه فاضل هندی

شهرداری اصفهان ، در سال ۱۳۷۴ شمسی (۱۴۱۶ قمری) به وسیله « مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد » بقعه شکوهمندی را ، به احترام شخصیت والای علامه فقیه ، بهاء الدین ، محمد بن حسن اصفهانی ، معروف به « فاضل هندی » ، بر روی قبر آن فقیه بزرگ و محقق تأسیس نموده ، که شایان توجه می باشد .

این بقعه ، دارای گنبد کاشیکاری شده ، و نمائی از چهار طرف با کاشیکاری زیبا ، و مزین به آیات و روایات (در رابطه با ارزش علم و فقه) می باشد ، و اطراف بقعه را ایرانی جالب ، احاطه نموده است .

و هم چنین ، از طرف خیابان فیض ، سردر مجللی ساخته ، که راه ورودی به سوی بقعه فاضل هندی ، و فضای اطراف آن می باشد .

مقابل تکیه واله ، در طرف شرق خیابان فیض ، تکیه ای است از دوران حکومت صفویه ، که در آن، قبر ملا محمد بن عبد الفتاح تنکابنی، ملقب به «فاضل سراب» ، متوفای ۱۱۲۴ قرار گرفته ، و به مناسبت لقب آن بزرگمرد، به نام تکیه فاضل سراب مشهور شده است .

فاضل سراب ، از علماء بزرگ ، و فقهاء برجسته ، در نیمه اول قرن دوازدهم بوده ، و از شاگردان محقق سبزواری ، و نویسنده کتابهای متعدّد، و رساله های ارزشمند بوده ، و تألیفاتش در فقه و اصول و عقائد ، از آثار ارزشمند علمی به شمار آمده است .^(۱)

در همین تکیه ، قبر آخوند ملا محمد صادق ، فرزند فاضل سراب ، و نیز حاج میرزا مهدی جویبارهای ، متوفای ۱۳۲۵ ، و مرحوم حاج شیخ محمد رضا صالحی جویبارهای ، متوفای ۱۳۸۶ قمری ، قرار گرفته است ، که به مناسبت شخصیت آنها ، « تکیه فاضل سراب » به نام « تکیه جویبارهای » هم خوانده می شود .

از شعرای نامدار ، میرزا حسن « آتش » ، متوفای ۱۳۴۹ قمری ، و میرزا أبو الحسن « حقایق » ، متوفای ۱۳۲۸ ، در این تکیه مدفونند ، و از علماء بزرگوار و عظیم الشأن متأخر ، مرحوم حاج آقا عطاء الله ففیه امامی ، متوفای ۱۳۸۷ قمری (پدر والامقام العَلَمَینِ الْحُجَّتَینِ ، آیه الله ، آقای حاج سید أحمد و آیه الله ، آقای حاج سید حسن ففیه امامی) در یکی از اطاقهای این تکیه مدفون می باشند ، و نیز مرحوم میر محمد حسین امامی ، ملقب به « قوام المحدثین » ، متوفای ۱۳۴۶

ص: ۴۶۱

قمری ، و فرزند آن بزرگمرد ، حاج سید أبو الفضل « مشکوه الواعظین » ، متوفای ۱۳۹۲ قمری ، و هم چنین محقق عالیقدر و مدرّس و مؤلف گرانقدر ، آقا شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۸۵ قمری ، و عدّه دیگری از علماء و خطباء و ائمه جماعت ، در همین تکیه مدفونند ، که سنگ قبر آنها نشان می دهد ، و برخی از آنها ، روی قبرشان نوشته ای ندارد .

۲۴- تکیه کازرونی و دو بقعه علمی آن

در طرف غرب خیابان فیض ، و در جنب قبرستان عمومی ، تکیه ای است که به وسیله یکی از نیکوکاران ، به نام حاج محمد حسین کازرونی ، متوفای ۱۳۵۱ قمری ، تأسیس گشته است ، و عدّه ای از علماء بزرگ اصفهان ، در این تکیه و دو بقعه آن ، مدفون گشته اند ، که ذیلاً برخی از آنها را ذکر می کنیم :

الف : بقعه آیه الله درجه ای و آخوند گزی و...

در بقعه وسط تکیه ، قبر عدّه ای از علماء برجسته اصفهان قرار گرفته است ، بدین ترتیب:

۱- مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید محمد باقر درجه ای ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که مرجعی بزرگ و استادی عظیم الشان بوده ، و عدّه ای از مردم ، از ایشان تقلید می کرده اند ، و حوزه درسی ایشان ، مورد توجه بوده ، و زعیم عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، در محضر و درس ایشان حاضر می شده اند ، و علاوه بر رساله عملیه ، آثار تألیفی استدلالی نیز داشته اند .

۲- استاد عظیم الشان و مشهور حوزه علمیه ، و مجتهد عالیقدر ، آقا سید مهدی درجه ای ، متوفای ۱۳۶۴ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و درسی

حوزه علمیّه اصفهان ، در نیمه قرن چهاردهم بوده اند .

۳- فقیه فعال ، و مجتهد مدرّس ، آخوند ملا عبدالکریم گزی ، متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان بوده ، و در تدریس و تألیف و خدمات اجتماعی ، از چهره های معروف حوزه اصفهان به شمار می رود ، و با نوشتن کتاب « تذکره القبور » (علاوه بر سایر تألیفات) خدمتی بزرگ ، به حفظ آثار بزرگان ، و نیز تخت فولاد نموده است .

۴- فقیه مجتهد ، و عادل کامل ، آقا سید مرتضی خراسانی ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که در حوزه اصفهان به تدریس درس خارج و تربیت و تعلیم طلاب ، و هدایت و ارشاد و رهبری مردم ، اشتغال داشته است .

وی از مراجع دینی و علماء مبرز اصفهان به شمار رفته ، و عموی مرحوم آیه الله آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۱۳۹۷ قمری ، میباشد .

۵- مجتهد عادل ، و فقیه فاضل ، مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، (معروف به پشمی) متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از شاگردان والامقام مرحوم آخوند خراسانی قدس سره بوده ، و در اصفهان به تدریس و قضاوت شرعیّه اشتغال داشته ، و بیش از بیست کتاب و رساله ، در فقه و اصول ، از خود به یادگار گذاشته است ، که از جمله آنها ، شرحی محققانه بر کفایه الأصول می باشد (۱).

۶- فقیه عادل ، و مجتهد زاهد ، مرحوم آقا شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که از مدرسین مشهور حوزه علمیّه اصفهان ، و مدرسه جده بزرگ بوده ، و آثار تألیفی داشته ، و در زهد و تقوی و فعالیت تدریسی ، از مفاخر و مشاهیر اصفهان ، به شمار می رود .

ص: ۴۶۳

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۶۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۶

ب: بقعة آیه الله صدیقین

در تکیه کازرونی ، در طرف شرقی ، اطاقی بود که قبر چند نفر از علماء جلیل القدر در آن قرار گرفته بود، و پس از فوت مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر صدیقین ، تجدید بنا گردیده ، و به شکلی آبرومند و بزرگ در آمده ، و با کاشی کاری مذهبی ، مزین گردیده است .

در حال حاضر ، قبور عدّه ای از علماء و برخی از سایر مؤمنین ، در آن قرار دارد، که با سنگ قبرهای نو و جالب ، مشخص گردیده است .

۱- عالم مدرّس و محقق ، مرحوم حاج شیخ هیبت (هبه) الله هرنندی ، متوفای ۱۳۶۶ قمری ، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بازار بوده (۱) و از صبح تا شب ، تمام رتبه های درسی (از مقدمات تا سطح عالی) تدریس می نموده است

۲- مرحوم آیه الله ، حاج ملا حسینعلی صدیقین ، متوفای شب جمعه ۲۲ صفر ۱۳۶۸ قمری ، که از چهره های مبرز در مقامات معنوی و زهد بوده است .

وی ، از شاگردان حاج محمّد جواد حسین آبادی (بید آبادی) بوده ، و در مدرسه در بکوشک تدریس می نموده ، و در مسجد آن ، امامت جماعت داشته است (۲)

۳- آیه الله حاج شیخ محمّد باقر فقیه ایمانی ، متوفای ذی القعدة ۱۳۷۰ قمری که از شخصیت های ارزشمند در علم و تقوی بوده ، و هفتاد و شش اثر قلمی (اعم از کتاب و رساله و أرجوزه) در زمینه های گوناگون از خود به جای گذارده (به صورت نظم و نثر ، به زبان عربی و فارسی) که از آن جمله است ، «فوز اکبر و مطلع الأنوار» ، و بیست و شش اثر از آن میان ، در رابطه با وجود

ص: ۴۶۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۰۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۰۵ ، سیری در تخت فولاد صفحه ۱۷۲

مقدّس حضرت بقیّه الله الأعظم (عج) می باشد (۱).

۴- عالم زاهد، و محدّث متبحّر، مرحوم آقا سیّد محمود بن سیّد عبد العلی موسوی درب امامی، متوفای ۲۲ ذی الحجّه ۱۳۷۲ قمری، که از چهره های مبرز در زمینه اخبار و مواظب بوده، و کتاب ثمرات الحیوه او، در سه جلد به چاپ رسیده، و مورد توجه قرار گرفته است (۲).

مرحوم درب امامی، در قدرت حافظه و زهد و تقوی، و دقت در نقل احادیث و صحّت آنها، چهره مورد توجهی بوده است.

۵- مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر صدیقین، متوفای ایام فاطمیّه ۱۴۱۴ قمری، فرزند مرحوم آیه الله، حاج ملا حسینعلی صدیقین، (مذکور در فوق).

این بزرگمرد، همانند پدر، از چهره های مبرز در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی، و ولایت اهل بیت علیهم السلام بودند، و به تدریس و ارشاد دینی، اشتغال داشتند، و نماز جماعتشان، مورد توجه خواص بود.

از مزایای این بزرگمرد، احاطه و قدرت بر تعبیر خواب، به شکلی عجیب و شگفت آور بود، که بسیاری از حقایق نهفته و پنهانی را، از این طریق بیان می نمودند (۳)، و لذا از شهرهای گوناگون، و از میان طبقات مختلف و سطوح متفاوت علمی و روحی، برای تعبیر خواب، از محضر ایشان بهره می گرفتند.

و هم چنین، استخاره های ایشان، مورد توجه شدید مردم بود، و بسیاری از علاقه مندان، در تنگناهای زندگی، با کمک استخاره های این بزرگمرد، راه حلّ

ص: ۴۶۵

۱- مطلع الأنوار (مقدمه) و فوز اکبر، چاپ دوّم (مقدمه) هر دو به قلم فرزند مؤلف، نویسنده محقق، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی، دام توفیقه

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰۵ و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۷۴

۳- و این نوع تعبیر خواب، سرچشمه گرفته از عنایتی الهی به شمار می رفت

مشکل خویش را می یافتند .

سنگ قبر مرحوم آیه الله صدیقین ، یکپارچه است ، و قطری در حدود ۳۵ سانتی متر دارد ، و تمام اطراف و روی سنگ ، حجاری شده ، و در ضمن نوشته های سنگ قبر ، بخشی از وصیت نامه آن بزرگمرد ، که اعتراف به نبوت و ولایت و وصایت ائمه معصومین علیهم السلام و ... میباشد ، حجاری شده است ، بدین عبارت :

إقرار و إعتراف به تمام عقائد شیعه اثنی عشریه دارم ، و تصدیق به وحدانیت خداوند متعال و تمام صفات ثبوتیه و سلویه ، إذعان به نبوت انبیاء ، خاصه حضرت محمد بن عبد صلی الله علیه وآله ، و تصدیق به خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام و إمامت ائمه معصومین علیهم السلام ... تنها راه نجات ، ولایت و شفاعت معصومین مخصوصاً حضرت زهراء سلام الله علیها می باشد ... ، و تنها راه سعادت دنیا و آخرت ، درب خانه ائمه معصومین علیهم السلام می باشد ...

حکیم اردستانی

در نزدیکی تکیه کازرونی ، جنب آب انبار کازرونی ، قبر حکیم و فیلسوف عارف و زاهد ، ملا محمد صادق اردستانی ، متوفای ۱۱۳۴ قمری ، قرار گرفته است (۱) ، وی شاگردانی مبرز همانند : مولی حمزه گیلانی ، شیخ محمد علی حزین لاهیجی ، آقا محمد صادق تفرشی ، محمد صالح بن سعید خلخالی داشته ، و آثار تألیفی او به صورت حاشیه بر شفاء بوعلی سینا و غیر آن ، و رساله هائی در زمینه حکمت و عرفان و تفسیر ، بوده است (۲) . ملا صادق اردستانی ،

ص: ۴۶۶

۱- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۱۷۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۳ و آتشکده اردستان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۱

ابتداءً در سمت جنوب شرقی پل خواجه دفن گردیده ، و سپس در موقع تعریض خیابان ، به تخت فولاد ، جنب تکیه کازرونی منتقل گردیده است (۱).

۲۵- لسان الأرض

قسمتی از قبرستان وسیع تخت فولاد، به نام « لسان الأرض » نامیده می شود و همانطوری که قبلاً توضیح داده شد، در وجه تسمیه آن مطالبی بر سر زبانها جاری می باشد . محور اصلی در لسان الأرض ، قبر حضرت یوشع نبی علیه السلام میباشد (۲)، که در زمان آل بویه بر آن ساختمانی بنا کردند، و در زمان صفویه تکمیل و تجدید گردید ، و در جریان جنگ ایران و عراق ، در سالهای اخیر ، به خاطر فراوانی شهداء، چندین تکیه و ساختمان در تخت فولاد تخریب گردید و محل دفن شهداء قرار داده شد، و از جمله ، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام ، تخریب شد، و تنها سنگ مرمری بر روی قبر آن حضرت ، نصب گردید .

از مدفونین در لسان الأرض ، علامه فقیه ، میرزا محمد حسن نجفی ، متوفای ۱۳۱۷ قمری میباشد ، که پس از چند سال، جنازه او را به اعیان مقدسه عراق نقل نمودند . وی ، از احفاد آقا باقر هزار جریبی ، و مورد اعتماد کامل میرزای شیرازی بوده ، و جمعی از او تقلید مینموده اند، و در تدریس و افتاء و قضاوت، مقامی بلند داشته است (۳) .

و هم چنین ، از مدفونین در این مکان شریف ، مرحوم استاد جلال الدین

ص: ۴۶۷

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲ و سیری در تخت فولاد

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۴۴، سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۲۸

۳- نباء البشر ، جلد ۱، صفحه ۴۲۰ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ، چاپ اول ، صفحه ۲۴۰ و هدیه الّزّازی و دانشمندان و بزرگان اصفهان ...

همائی ، متوفای ۱۴۰۰ قمری میباشد ، که استادی ادیب ، و شاعری بلیغ ، و مؤلفی محقق بوده ، و دهها اثر علمی و ادبی از خود به جای گذارده ، و کتابهایی ، همانند : تاریخ ادبیات ایران (۵ جلد) ، تاریخ اصفهان (۱۰ جلد) ، دستور زبان فارسی (۲ جلد) و ... تألیف کرده (۱) ، که نشان دهنده قدرت تحقیق و تتبع او میباشد . استاد همائی ، در حوزه علمیه اصفهان ، تحصیل و تدریس می نمود ، و به مقام والائی رسید ، و سپس به دانشگاه وارد شده ، و به سمت استادی نائل گردید .

۲۶- تکیه مقدس

تکیه ای است در طرف جنوب تکیه گلزار ، که در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری بنا شده است ، و عده ای از علماء و وعاظ و الیمه جماعت ، در آن مدفون گردیده اند ، که از آن جمله است ، مرحوم حاج آقا محمد مقدس متوفای ۱۳۷۸ قمری ، که عالمی مجتهد و پیشوایی زاهد و پرتلال بوده (۲) و مورد توجه و عنایت مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده است ، و ساختمان تکیه ، به نام آن بزرگمرد می باشد .

۲۷- تکیه ملک

تکیه ای است در جنب لسان الأرض ، که به وسیله خیراندیش مشهور ، مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار ، متوفای ۱۳۴۱ قمری ، تأسیس گشته ، و در آن ، عده ای از علماء بزرگ ، و چهره های برجسته حوزه علمیه ، مدفون

ص: ۴۶۸

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۸۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۴ - ۴۸۵ و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۲۰۰

گردیده اند ، همانند :

۱- آقا سید محمد حسن فانی ، متوفای ۱۳۳۸ قمری ، که تألیفات متعددی داشته، و به وسیله دانش و بیان و معنویت خویش ، و نیز ، با تربیت فرزندان دانشمند ، و أهل علم و اجتهاد ، خدمات شایانی ، به دین و مکتب أهل البيت عليهم السلام نموده است . آن بزرگمرد، فرزندان دانشمند و بزرگ ، از خود به یادگار گذاشته است ، همانند :

الف : مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید علی علامه فانی ، که فقهی اصولی ، و محقق جامع بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است .

ب : حضرت آیه الله ، آقای حاج سید ضیاء الدین علامه فانی دامت برکاته ، که از چهره های مبرز در جامعه روحانیت اصفهان به شمار می روند ، و آثار علمی ارزشمندی دارند ، همانند : تصحیح و تحقیق و تعلیق بر کتاب « مجمع الرجال » قهپائی ، و تحقیق و تصحیح و تعلیق بر کتاب شریف « وافی » مرحوم فیض (چاپ دوم) -

۲- مجتهد عالیقدر ، و محقق گرانمایه ، مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که از مفاخر مدرّسین و مؤلفین حوزه علمیّه اصفهان بوده ، و اندیشه ای ژرف ، و تبخّری چشمگیر داشته است .

۳- فرزند بزرگوار او ، مجتهد گرانمایه ، مرحوم حاج شیخ اسماعیل ، متوفای ۱۳۵۲ قمری

۴- حکیم نامدار و عارف ربّانی ، آخوند ملا محمد کاشی (کاشانی) متوفای ۱۳۳۳ قمری ، که در مدرسه صدر تدریس می نموده ، و حکایات عجیبهای دارد ، که نشانه روح بلند ، و مقام منبع او در کشف و شهود است ، و از مفاخر

ص: ۴۶۹

۵- حکیم معروف ، و مدرّس عالیقدر ، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که در زمان خود چهره برجسته تدریس علوم عقلی در اصفهان بوده ، و در زهد و ورع ، مقامی بلند داشته است .

۶- مرحوم حاج ملاّ حسن درّی ، متوفای ۱۳۳۶ قمری ، که از مدرّسین معروف و مسلّم اصفهان ، و مؤلّف کتابی استدلالی در فقه بوده ، و زندگی زاهدانه و بی اعتنائی به ظواهر ، داشته است .

۷- مرحوم آقا شیخ أسد الله حکیم قمشه ای ، که از حکماء مبرز ، و شعرای خوش طبع بوده ، و (دیوانه) تخلص مینموده ، و در سال ۱۳۳۴ قمری وفات یافته است . و نیز در این تکیه و اطراف آن ، عده ای از شعراء و گویندگان و ائمّه جماعت ، مدفون می باشند .

توضیح:

در حال حاضر ، تکیه ملک ، جزء گلستان شهداء (تکیه شهداء) قرار گرفته ، و قبور بزرگان یاد شده ، در سالن بزرگی که برای مراسم مذهبی (از قبیل دعای کمیل ، دعای توسّل ، سخنرانیهای دینی ، بزرگداشت شهداء) تأسیس گردیده . واقع شده است ، و به منظور تجلیل از مرحوم آخوند کاشی قدس سره ، سنگ قبری جدید ، و چهار استوانه سنگی یک متری ، در چهار طرف مرقد مطهر وی نصب گردیده ، و بر روی سنگ قبر ، عبارت زیر حجّاری شده است : وفات فقیر بحق ، آخوند ملاّ محمّد الکاشاری فی ۲۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۳ هجری قمری . و قبر ملاّ محمّد حکیم ، در حال حاضر ، سنگ قبر و نشانه ندارد .

ص: ۴۷۰

از معروفترین تکیه های قبرستان تخت فولاد، تکیه ای است در شمال غربی تخت فولاد، که مدفن حکیم موحد، و عارف حقیقت جوی، و فیلسوف ریاضی، و جامع المعقول و آلمنقول، و مجمع الفروع و الأصول، میر أبو القاسم فندرسکی موسوی حسینی، متوفای ۱۰۵۰ قمری میباشد.

وی، از بزرگترین چهره های حکمت و عرفان (۱) و ریاضی بوده، و در علوم عقلیه، یگانه روزگار، و وحید زمان شمرده شده، و امور عجیبهای بدو نسبت داده اند (۲). در تدریس کتاب قانون و نیز شفای بوعلی سینا، مورد توجه بزرگان بوده، و در مسائل ریاضی و هندسی، اندیشه ژرف داشته است.

وی، شاگردانی همچون: میرزا رفیعای نائینی و آقا حسین خوانساری، پرورش داده، و تألیفات فراوان و اشعار نغز او، نشانه تفکر عمیق و ذوق لطیف و روح پاکیزه او میباشد. قبر میر فندرسکی، در صحن تکیه، در جانب غربی قرار گرفته، و با سنگ مرمر با طول و عرض و ارتفاعی بزرگ، بسته شده است.

در تکیه میر، اطاقهای متعددی وجود دارد، که محلّ دفن عده ای از بزرگان بختیاری، و برخی از شعراء است، و آثار تاریخی و هنری بسیاری، در این تکیه و اطاقهای آن وجود دارد.

در قبرستان کوچکی جلو تکیه میر، قبر درویش عبدالمجید، متوفای ۱۱۸۵ قمری، دیده می شود، که از بزرگترین خطاطان، در رشته خط شکسته بوده، و آثار ارزشمندی از او به جای مانده است. او شعر می گفته، و تخلص او

ص: ۴۷۱

۱- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۹۹

۲- تذکره القبور گزی (رجال اصفهان)، صفحه ۱۱۲

(خموش) و (درویش) بوده، و در سن سی و پنج سالگی وفات یافته است.

۲۹- تکیه و بقعه میرزا رفیعی نائینی

در قسمت جنوبی تخت فولاد (که در حال حاضر جزء منطقه فرودگاه «منطقه نظامی» میباشد) تکیه ای بوده است، مشتمل بر بقعه ای بسیار زیبا و باستانی، از آثار، سلطان سلیمان صفوی (۱)، که بر روی قبر حکیم نامدار، و فقیه بزرگ، میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی، مشهور به «رفیعا» و «آقا رفیعا» و «میرزا رفیعا» و «میرزا رفیع الدین»، متوفای ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ قمری، ساخته شده است. این بقعه، از نظر معماری و کاشی کاری و طرح و نقشه مهندسی، از آثار هنری و باستانی و ارزشمند اصفهان به شمار می رود، که در سال ۱۳۳۷ شمسی تعمیرات اساسی یافته است (۲).

میرزا رفیعا، فقیه اصولی، و حکیم متکلم، و جامع معقول و منقول بوده، و «علامه الدهر» و «فرید العصر» خوانده شده (۳)، و صاحب روضات، او را از بزرگترین علماء دوره صفویه به شمار آورده است (۴). وی، استاد علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی و أمثال آنان بوده، و استادی همچون شیخ بهائی قدس سره داشته است، و تألیفاتی، همانند: «شجره إلهیه» و «ثمره إلهیه» و «شرح اصول کانی» و ... داشته، که نشانه تبخّر او در علوم مختلف می باشد، و در مورد سال وفات او، سید عبدالحسین خاتون آبادی، مؤلف «وقایع آلسنین و الأعوام» رقم

ص: ۴۷۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۳۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۳۳

۳- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۰۲۷-۱۲۸

۴- روضات الجنّات، صفحه ۵۴۱

۱۰۸۰ قمری را ذکر کرده (۱)، ولی سنگ نوشته قبر میرزا رفیعا چنین است :

بتاریخ فوتش خردمند گفت

مقام رفیع مقام رفیع

۱۰۸۲

و در نزدیکی میرزا رفیعا، قبر ادیب شاعر، و مدرّس مدرسه میرزا حسین، مرحوم میرزا یحیی مدرّس (معروف به کاشی پز) متوفای ۱۳۴۹ قمری بوده است. وی، استادی قوی در ادبیات، و شاعری مخلص نسبت به اهل البیت علیهم السلام، و دارای دیوان اشعار، و شهرتی بسزا، در تدریس و سرودن شعر بوده است (۲).

و در نزدیکی بقعه یاد شده، قبر حکیم زاهد و فیلسوف متعبد، میرزا محمد علی بن میرزا مظفر، متوفای ۱۱۹۸ قمری، قرار داشته، و او مورد احترام و ارادت شدید بزرگان زهد و تقوا بوده است (۳).

و هم چنین، قبر مرحوم آقا میر محمد صادق، (معروف به کتابفروش) متوفای ۱۳۰۳ قمری، که از فقهاء ممتاز و مدرسین عالی رتبه و زهاد و عبّاد برجسته بوده، و شاگردان بسیاری همانند مرحوم آخوند گزی داشته، در همان نزدیکیها بوده است. در حال حاضر فقط بقعه میرزا رفیعا باقی مانده، و آثار قبور این تکیه و بقعه و اطراف او، محو گردیده است.

۳۰- بقعه و تکیه میر محمد صادقی

تکیه میر محمد صادقی، نزدیک تکیه ملک قرار گرفته، و بقعه ای به سبک جدید (با مصالح روز از سنگ و سیمان) دارد، که در آن عده ای از «خاندان علمی سادات میر محمد صادقی» دفن شده اند.

ص: ۴۷۳

-
- ۱- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۳۰ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۳۱
 - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۵۴۷ - ۵۴۸ و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد
 - ۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۱۹

مهمترین چهره علمی این خاندان، یعنی مجتهد محقق، و فقیه متبحر، و آدیب شاعر، آقا سید عبد الله ثقه الإسلام (میر محمد صادقی) متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از مدرّسین برجسته حوزه علمیه اصفهان، در نیمه های قرن چهاردهم بوده، و آثار تألیفی متعدّد از خود به جای گذاشته، در بقعه وسط این تکیه مدفون می باشد.

در حال حاضر، تکیه میر محمد صادقی نیز، جزء تکیه شهداء (گلستان شهداء) قرار گرفته است، و اخیراً پس از ارتحال فقیه اصولی، مرحوم آیه الله آقا سید محمد علی میر محمد صادقی، متوفای ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۱۷ قمری، که از علماء مبرز و چهره های برجسته و مدرّسین دوره خارج فقه و اصول در حوزه علمیه بودند، ایشان را با فاصله کمی از قبر مرحوم آیه الله، آقا سید عبد الله ثقه الإسلام، در تکیه سادات میر محمد صادقی (که جزء گلستان شهداء قرار گرفته) دفن نموده اند (۱).

۳۱- تکیه و بقعه واله

در طرف غرب خیابان فیض، در مقابل تکیه فاضل سراب (تکیه جویبارهای) باغ بزرگی بوده است، که به نام «تکیه واله» یا «والهیه» مشهور است، و بقعه زیبا و جالبی بر روی ستونهای سنگی، در وسط آن بنا شده، و در وسط آن بقعه، قبر واله اصفهانی (آقا محمد کاظم) متوفای ۱۲۲۹ قمری (۲) قرار گرفته است. وی، شاعری دانشمند، و خطاطی هنرمند، و گوینده ای لطیفه گوی بوده، و سنگ قبر خود را در زمان حیات خویش، به دست هنرمند

ص: ۴۷۴

۱- در باره دو چهره مذکور در متن، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان میر محمد صادقی) بحث و بررسی داریم

۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۰۱ - ۳۰۲

خود، با خطّ تعلیق نوشته، و سپس حجّاری نموده، و فقط جای تاریخ فوت را خالی گذاشته که پس از وفات او، تکمیل شده است (۱). این سنگ قبر، جزء آثار هنری اصفهان، از نظر خطّ و حجاری شناخته شده، و از آثار نفیسه به شمار آمده است (۲).

پایان بخش مطالب

آنچه در این بخش، یاد نمودیم، تنها نمونه قابل توجهی از بقعه‌ها و تکیه‌های علمی بود، و آشنایی کامل با همه این مکانهای مقدّس، و نشانه‌های علم و فرهنگ و فضیلت و معنویت، به فرصتی بیشتر و حوصله‌ای مناسب‌تر، و سیر و سیاحتی فراگیرتر، نیاز دارد، که برای علاقه‌مندان و جستجوگران، لذتی روحی، و شور و شوقی معنوی در بر دارد (۳).

تخت فولاد است بر غربت این زمان

برجنیش جای پائی زین و آن

تکیه‌ها مخروبه ویران گشته‌اند

تکیه‌گاه ما بود و بوران گشته‌اند

آب انبارش اگر خشکیده است

روز و شب چون چشم من گرییده است

ص: ۴۷۵

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۱۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۵۸ و ۷۶۰

۳- نویسنده این سطور، که برای نوشتن این بخش، نیاز به زیارت مکرّر از این قبور، و بقعه‌های پر برکت داشتم، از فیض و برکت و لذّت زیارت این مکانهای مقدّس، بهره‌مند گردیده‌ام

تخت فولاد ای زیارگاه عشق

خاک پاک تو عبادت گاه عشق

ای زده پهلو به فردوس برین

عرش را گشته زرفعت همنشین

هر کف خاک تو دریای گهر

شعل ایوان تو تمش و قمر

ص: ۴۷۶

علم طب و چهره های آن

در

حوزه علمیة اصفهان

ص: ۴۷۶

۹- علم طب، و چهره های آن ، در حوزه علمیة اصفهان

اشاره

ص: ۴۷۷

علاوه بر علوم گوناگون اسلامی ، که در حوزه علمیة اصفهان رواج فراوان داشته ، و بزرگترین چهره های علمی در زمینه فقه ، تفسیر ، حدیث ، کلام ، حکمت ، اخلاق ، نحو ، صرف ، لغت ، تاریخ ، معانی و بیان ، شعر و ... از این مرکز علمی و دینی در جهان اسلام و عالم بشریت درخشیده اند ، علم طب نیز که یکی از مهمترین علوم بشری است ، و مورد نیاز شدید عموم انسانها می باشد ، در این حوزه علمیة کهن سال ، مورد توجه بوده ، و در طول تاریخ ، علماء بزرگی از این شهر ، در زمینه طب و حفظ الصّحه درخشیده اند ، که ذیلاً به چند نمونه از آنها (به ترتیب تقریبی زمان حیاتشان) اشاره می نمائیم ، و البته روشن است که معرفی همه چهره های ارزشمند در این زمینه ، از هدف این کتاب ، خارج میباشد .

۱- ابن مندویه ، طبیب اصفهانی

أبوعلی ، أحمد بن مندویه اصفهانی. وی ، از چهره های میبّز در علم طب بوده ، و از خاندان مشهور و علمی مندویه می باشد ، که در میان آنها ، عده ای از محدثین و ادباء و حکماء و بلغاء ، درخشیده اند (۱).

در هنگامی که عضدالدوله دیلمی (شیعی) ، بیمارستان عضدی را در بغداد

ص: ۴۷۹

تأسیس نمود، أطباء ممتاز را از همه شهرها جمع نمود، که شمار آنها به بیست و چهار نفر طیب رسید، و ابن مندویه، یکی از آنها بود (۱).

ابن مندویه، تالیفاتی در طب دارد، همانند: «نقض الجاحظ» و «الجامع الكبير» و «الأغذیه» و «الطیخ» و «المغیث» و «الکافی» (که به قانون صغیر شهرت داشته) و نیز رساله هائی در زمینه طب، برای مردم اصفهان نوشته، که در میان آنها رایج و متداول بوده است (۲). او همچنین کتاب «نهایه الإختصار» و «المدخل الی الطب» و کتاب «الأطعمه والأشربه»، از آثار او به شمار آمده، و بعضی از مورخین، کتابی بزرگ و جالب در زمینه شعر و شعراء، برای او ذکر نموده اند (۳).

و نیز رساله های دیگری در زمینه: ۱- ترکیب طبقات چشم، ۲- علاج بزرگ شدن عدسی چشم، ۳- علاج بیماری معده، ۴- علاج استسقاء، ۵- علاج مثانه ۶- در امراض اطفال (۴) در میان آثار او، ذکر نموده اند.

ابن مندویه، از چهره های مبرز نیمه دوم قرن چهارم می باشد، و در سال ۴۱۰ وفات یافته است (۵).

۲- أبو الفرج اصفهانی

علی بن حسین بن محمد اصفهانی، مکنی و معروف به «أبو الفرج اصفهانی»

ص: ۴۸۰

- ۱- أخبار الحکماء، صفحه ۲۸۵
- ۲- أخبار الحکماء، و معجم الأدباء
- ۳- معجم ادباء الأطباء، صفحه ۳۹ - ۴۰
- ۴- لغتنامه دهخدا، عنوان ابن مندویه
- ۵- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۲۳۳

متوفای حدود ۳۵۷ هجری .

وی ، دارای علوم گوناگون از قبیل : نحو و لغت و تاریخ و نسب و حدیث و شعر و ... بوده ، و در زمره دانشمندان علم طب به شمار آمده ، و کتابی به نام (دعوه الأَطباء) داشته است (۱).

شرح حال مفصّل ابو الفرج اصفهانی را در بخش «نامدارانی بزرگ ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان ، از قرن سوّم تا دهم» آورده ایم .

۳- عبد الرّحیم بن علی ... اصفهانی

طیب عظیم الشّان ، عبد الرّحیم بن علی بن مرزبان اصفهانی ، متوفای ۳۹۶ هجری ، وی ، از اهل اصفهان و دانشمندی برجسته بوده و علم شریعت و طبیعت را با هم دارا بوده است . در زمان حکومت آل بویه (شیعی) به مقامی بلند دست یافت ، و مدّتی در شوشتر و خوزستان ، عهده دار منصب قضاوت بود، و زمانی به عنوان سرپرست و طیب بیمارستان بغداد ، فعالیت داشت ، و در اواخر قرن چهارم ، دار دنیا را وداع نمود (۲).

۴- ابن مسکویه ... رازی اصفهانی

أحمد بن محمّد بن یعقوب بن مسکویه رازی اصفهانی ، متوفای ۴۲۱ قمری . وی ، از مفاخر بزرگ علمی شیعه در اصفهان می باشد ، و در دانشهای گوناگون از قبیل : حکمت ، ریاضی ، هندسه ، لغت ، أخلاق ، شعر و ادب ، نویسندگی و ... چهره ای درخشان بوده ، و جامع علوم به شمار رفته است .

ص: ۴۸۱

۱- معجم ادباء الأَطباء ، جلد ۲، صفحه ۱۷

۲- أخبار الحکماء ، صفحه ۱۵۴

ابن مسکویه ، از شیفتگان أهل البيت عليهم السلام بوده (۱) و از مفاخر شیعه به شمار می رود ، و در میان دانشهای فراوان او ، علم طب ، جلب توجه می نماید ، و در زمره أطباء اسلامی به شمار آمده (۲) و کتابهایی در طب ، در زمینه ادویه مفرده ، و اصول و فروع علم طبخ غذا، نوشته است (۳) . شرح حال مفصل ابن مسکویه و عظمت کم نظیر او را ، در همین کتاب ، در بخش «نامدارانی بزرگ ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان ، از قرن سوم تا دهم» آورده ایم

۵- ابوعلی سینا، طبیب نامدار اسلامی

أبوعلی ، حسین بن عبدالله بن سینا ، ملقب و معروف به « شیخ الرئیس » ، و «ابن سینا» ، متوفای ۴۲۸ ، از چهره های نامدار علم حکمت و طب است ، که عظمت او در این زمینه ، زبانزد خاص و عام میباشد . درباره شخصیت علمی و آثار این بزرگمرد ، در بخش « نامدارانی بزرگ ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم » بحث و بررسی مفصل نموده ایم .

۶- حکیم ابوالقاسم ، طبیب اصفهانی

ادیب ماهر ، و حکیم متبحر ، و طبیب حاذق ، أبو القاسم ، هبه الله بن حسین بن علی اصفهانی ، که از چهره های برجسته و دارای فضیلت بسیار بوده، و در تمامی فضائل ، شخصیتی برجسته داشته است . وی ، در سال ۵۳۴ قمری ، به مرض سکنه وفات یافته ، و در سرداب منزل خود دفن گردیده است ، ولی پس از گذشت چند ماه از درگذشت او ، درب سرداب را که گشودند : مرده او را نشسته

ص: ۴۸۲

۱- روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۶

۲- معجم ادباء . الاطباء ، جلد ۱ ، صفحه ۶۵ - ۶۸

۳- أخبار الحكماء ، صفحه ۲۱۷

در پای پله ها یافتند (۱). درباره مقام علمی او در طب گفته شده :

عِنْدَ طَبِّهِ لَا يُشْتَرَى بُقْرَاطٌ بِقَيْرَاطٍ، وَلَا يُسْتَقِيمُ سُقْرَاطٌ عَلَى الصَّرَاطِ (۲)

۷- محمد بن عبد الله اصفهانی «طیب»

أبو حامد ، محمد بن عبدالله بن محمد ، متطبب اصفهانی ، معروف به « ابن الفقیه » مؤلف کتاب «هدایه الملوک» ، (در پزشکی) به زبان فارسی ، که در نوزده فصل تنظیم شده ، و ترجمه کتاب « محمد بن زکریای رازی » ، در بیان منافع و مضار و مقویات و مضعفات باه ، می باشد (۳) .

۸- میرزا شریف حکیم اصفهانی

در محله بابا قاسم ، کوچه ای به نام ، میرزا شریف حکیم بوده ، که مدرسه خواجه صدرالدین علی طیب (۴) ، در آن واقع بوده است (۵) و به خاطر شخصیت مورد توجه او ، کوچه را به نام وی می خوانده اند .

البته باید توجه داشت که در زمان قدیم ، طیب را ، به خاطر دارا بودن علم

ص: ۴۸۳

۱- أخبار الحکماء ، صفحه ۲۲۴

۲- معجم ادباء الأطباء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۸۲ یعنی در مقایسه با طب او ، بقراط به قیراطی خریده نمی شود ، و سقراط بر صراطی مستقیم نمی گردد

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۹ ، به نقل از فهرست کتب خطی دانشکده پزشکی تهران ، صفحه ۴۶۹

۴- خواجه صدر الدین علی ، طبیبی بزرگوار بوده ، و آثار خیریه ای همانند : سه مدرسه ، که در بخش « مدارس علمیه قبل از صفویه » از آنها یاد نموده ایم ، از خود بجای گذارده است . وی ، جید اعلای میرزا طاهر نصرآبادی « صاحب تذکره نصرآبادی » میباشد . « گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۹ »

۵- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

حکمت ، حکیم نیز ، می نامیده اند .

۹- میرزا هدایت الله طیب اصفهانی

یکی از اطباء قرن نهم اصفهان ، شخصی به نام «میرزا هدایت الله طیب» بوده ، که خانه اش در نزدیکی مسجد جامع قدیم (عتیق) و مدرسه خواجه صدر الدین علی طیب ، بوده است (۱).

۱۰- محمد سعید بن محمد صادق طیب اصفهانی

وی ، کتاب رجوع الشیخ الی الصّیّباه (۲) تألیف أحمد بن سلیمان کمال پاشا، متوفای ۹۴۰ قمری را ترجمه کرده است (۳) . نسخه اصلی کتاب و ترجمه آن، در کتابخانه آستانقدس رضوی موجود میباشد (۴) .

۱۱- ذو النون طیب اصفهانی

از اطباء برجسته دوره صفویه ، و ملازم سام میرزا ، فرزند شاه اسماعیل اول صفوی بوده ، و از دانشمندان نیمه اول قرن دهم به شمار می رود .

وی ، کتابی به نام «طب السّامی»، و نیز رساله هائی ، در زمینه علم طب ،

نوشته است (۵) .

ص: ۴۸۴

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

۲- نام کتاب بهمین شکل ضبط گردیده ، ولی ظاهراً باید به یکی از دو شکل زیر باشد : الف - الی صّیّباه ب. الی الصّبا = الصّبی

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۵۴

۴- فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ، تألیف محمد آصف فکرت ، صفحه ۲۷۷

۵- الذریعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۱۴۲

۱۲- میرزا حسین طبیب

وی ، عالمی فاضل و فقیهی کامل از حکمای الهی بوده ، و در قرن دهم تا اوائل قرن یازدهم « سال ۱۰۰۴ هجری » می زیسته است (۱).

مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی ، قبر او را نزدیک مسجد مصلی در تخت فولاد، ذکر نموده ، و او را فقیه حکیم خوانده اند (۲). او از اطباء دوره حکومت صفویّه بوده است (۳).

۱۳- شرف الدین حسن «حکیم شفائی»

حکیم طبیب ، و متکلم اَدیب ، و شاعر نامدار ، شرف الدین حسن اصفهانی ، مشهور و ملقب به حکیم شفائی ، متوفای ۱۰۳۷ هجری .

وی ، جامع علوم و فضائل ، و معاصر شیخ بهائی و میرداماد بوده ، و در عالم طب و شعر و ادب ، به مقامی بسیار بلند دست یافته است .

او ، مورد احترام خاصّ سلطان صفوی ، شاه عباس کبیر ، و درباریان و امراء لشکر او ، و نیز مورد تجلیل حکیم و فیلسوف نامدار میرداماد قدس سره بوده است (۴) .

حکیم شفائی به شوخی می گفته : طبابت من ، تبخر و تسلط مرا در سایر علوم پوشانیده ، و شعر من ، مقام مرا در طب ، مستور نموده ، و هجوهای که نموده ام ، عظمت شعر مرا پنهان کرده است (۵) .

ص: ۴۸۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۸

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۲۰۷

۳- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۳۶

۴- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۲۱۲

۵- ریاض العلماء ، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

حکیم شفائی ، ملقب به « ملک الشعراء »، و « ممتاز امیران » می باشد ، و نسخه ای از دیوان شعر او ، مشتمل بر نه هزار شعر بوده است (۱).

از آثار او ، « مثنوی مهر و محبت » ، « دیده بیدار » ، « نمکدان حقیقت » ، « مجمع البحرین » و « شکرالمذاقین » ، ذکر شده (۲) و هم چنین ، کتاب « بیست باب در طب » ، از آثار او نقل گردیده است (۳).

حکیم شفائی ، از جمله سادات و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده (۴) و استاد های او ، « حکیم ملای اصفهانی » (از شاگردان امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی) و برادرش ، « حکیم نصیرا »، و جمعی دیگر از حکماء و ادباء و اطباء آن زمان بوده اند ، و در محله نیم آور ، طبابت می نموده است (۵).

۱۴- میر محمد مؤمن تنکابنی اصفهانی

طیب نامدار و حکیم عظیم الشان ، میر سید محمد مؤمن بن محمد زمان تنکابنی اصفهانی ، که از اطباء نامدار روزگار بوده ، و کتاب او به نام « تحفه المؤمنین یا التحفه فی الطب » ، و بنا بر مشهور ، « تحفه حکیم مؤمن » ، از شهرت بسیار برخوردار می باشد ، و در طب قدیم ، جایگاهی بس ارزشمند داشته و دارد .

این کتاب به زبان فارسی تألیف گردیده ، و بیشترین مطالب طبّی را ، که در دیگر کتب این علم وجود دارد ، و نیز تجربیات حکیم مؤمن و پدرش را (که او

ص: ۴۸۶

- ۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۹ ، صفحه ۵۳۰
- ۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۹ ، صفحه ۵۳۰
- ۳- ریحانه الأدب جلد ۳ ، صفحه ۲۲۶
- ۴- ریحانه الأدب جلد ۳ ، صفحه ۲۲۶
- ۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۵

نیز از اَطِیَاءِ عَظِیمِ الشَّانِ بوده) در بر دارد و داروهای مفرده و مرکب، و معجونها و گیاهان داروئی را، معرّفی نموده و خواصّ و آثار آن را برشمرده است. این کتاب مکرراً به چاپ رسیده، و در دسترس می باشد.

حکیم مؤمن، کتاب خود را در دوره سلطان سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) تألیف نموده، و خود، از اَطِیَاءِ و دانشمندان نیمه دوّم قرن یازدهم به شمار می رود (۱). اولاد حکیم مؤمن، در اصفهان و نجف آباد ساکن می باشند (۲).

۱۵- میرزا عبدالرزاق طبیب اصفهانی

طیب فاضل، و اَدیب شاعر، میرزا عبدالرزاق اصفهانی متخلّص به (مشرّب)، متوفّای ۱۱۲۷ قمری. او حکیمی بزرگوار، از سادات اصفهان بوده است (۳).

وی، کتابی در طب نوشته، که نسخه آن در نزد آیت الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره موجود بوده، که به خطّ جدّایشان مرحوم، آقا سید علی (سید الأَطِیَاءِ)، نوشته شده بوده است (۴).

۱۶- ملا جلال الدّین محمّد طبیب

وی، طبیب مخصوص سلطان حسین صفوی، و بانی مدرسه علمیّه جلالیه واقع در خیابان احمد آباد اصفهان می باشد.

ملا جلال الدّین محمّد طبیب، در سال ۱۱۳۱ وفات یافته (۵)، و در همان

ص: ۴۸۷

۱- الذّریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۲، - ریحانه الأدب، ج ۲، ص ۶۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۱۵

۳- الذّریعه، جلد ۹، بخش ۳، صفحه ۱۰۴۶

۴- الذّریعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۳۷

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۳۶

مدرسه ، در سردابه‌های مدفون گردیده است (۱).

۱۷- سید هاشم طیب

طیب ماهر ، و فاضل کامل ، سید میرزا هاشم خراسانی اصفهانی .

وی ، در شهر نساء آبیورد ، متولد گردیده و در اصفهان تحصیل علم نموده و ساکن گردیده ، و به طبابت اشتغال داشته است .

او در سال ۱۱۵۴ هجری وفات یافته و در تکیه آقا حسین خوانساری در بقعه تکیه (بقعه العلماء) مدفون گردیده (۲) و ماده تاریخ وفاتش چنین است :

به تاریخش رقم زد کلک خادم

(وطن بادش بهشت جاودانی)

۱۸ تا ۲۰ - سید عبد الباقی طیب و خاندان علمی او

طیب حکیم ، و منجم و شاعر ادیب ، سید عبد الباقی طیب ، مشهور به میرزا عبد الباقی ، و متخلص به «طیب» ، متولد ۱۱۲۷ و متوفای ۱۱۷۱ هجری قمری وی ، از شعرای نامدار ، و ادباء بزرگ ، و از پزشکان برجسته است ، و در اکثر تذکره های مربوط به شعرای ایرانی ، نام و شرح زندگی او ، ذکر گردیده ، و مورد تجلیل قرار گرفته است . میرزا عبدالباقی ، از سادات موسوی و پدرش ، میرزا محمد رحیم حکیم باشی ، طیب سلطان حسین صفوی بوده (۳) ، و اجدادش در حدود یکصد و پنجاه سال ، طیب رسمی خاندان صفوی بوده اند ، و جد اعلای او میرزا سلیمان ، در زمان شاه عباس کبیر ، از فارس به اصفهان آمده ، و متوطن

ص: ۴۸۸

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۵۳۵ و سیری در تخت فولاد اصفهان ، ص ۱۱۱

۳- آتشکده آذر، در بخش شعراء معاصر آذر

گردیده، و نسل او، یکی پس از دیگری، به شغل طبابت و سمت رسمی حکیم باشی، اشتغال داشته اند (۱). خاندان سید عبد الباقی طیب، خاندانی علمی بوده، و به مناسبت نام جدشان (میرزا سلیمان)، مشهور به سادات حکیم سلیمانی و حکیم سلمانی بوده اند (۲)(۳).

سید عبد الباقی، با این که در طب و حکمت، از چهره های معروف زمان خود بوده، و او را دارای دم عیسوی (مسیحائی) دانسته اند (۴) ولی تألیفی در زمینه طب و حکمت، از او به جای نمانده، و دلیل آن، گرفتاری های شغل رسمی «حکیم باشی» می باشد، ولی دیوان شعری از او در دست است، که (تقریباً) مشتمل بر دو هزار بیت میباشد، و به ضمیمه شرح حال جالب و مفصّلی از او (در حدود ۱۳۰ صفحه) به قلم کیوان سمیعی، به چاپ رسیده است.

درباره تاریخ وفات او اختلاف است، ولی مرحوم آیه الله مرعشی نجفی، و مرحوم صدر هاشمی، و مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، و آقای کیوان سمیعی، تاریخ ۱۱۷۱ را برگزیده اند (۵). محل دفن او، تخت فولاد اصفهان نزدیک لسان الأرض) می باشد، و نوشته سنگ قبر آن بزرگمرد، چنین است:

ص: ۴۸۹

۱- رساله شرح حال طیب اصفهانی، (ضمیمه دیوان طیب)، صفحه ۲۴

۲- رساله شرح حال طیب اصفهانی، (ضمیمه دیوان طیب)، صفحه ۲۵ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۸، و رجال اصفهان، صفحه ۲۱۸

۳- رساله شرح حال طیب اصفهانی، از صفحه ۶۳ به بعد، چندین چهره برجسته از این خاندان را، معرفی نموده است طالبین مراجعه نمایند

۴- لغتنامه دهخدا، جلد ۳۲، صفحه ۱۷۰، مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۱۹

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۸، رجال اصفهان ۲۱۸، شرح حال طیب اصفهانی، صفحه ۸۸

هذا مَرَقْدُ السَّيِّدِ الْعَالِمِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ ، وَحِيدِ الْعَصْرِ وَفَرِيدِ الدَّهْرِ ، زُبْدِهِ الْفُضْلَاءُ الْعِظَامُ وَ أَسْوَهُ الْحُكَمَاءِ الْكِرَامِ وَقَدْوَهُ الْعُلَمَاءُ الْأَعْلَامُ ، ذُو الْمَنَاقِبِ الْزَاهِرَةِ وَالْمَفَاخِرِ الْبَاهِرَةِ ، مَنْ جَمَعَ فُنُونَ الْعُلُومِ أَثْقَاهَا وَ أَسْنَاهَا وَ أَكْسَبَ مِنْ صِيُنُوفِ الْأَخْلَاقِ أَحْسَنَهَا وَ أَزْكَاهَا ، فَخْرُ الْأَزْكَيَاءِ وَالْأَفَاضِلِ ، زَيْنُ الْأَمَاجِدِ وَالْأَمْتِلِ ، مَنْ فَازَ بِأَفْضَلِ السَّجَايَا ، مَنْ خَازَ أَلْفَوَاضِلَ وَالْفَضَائِلَ ، وَهُوَ السَّيِّدُ النَّجِيبُ عَبْدُ الْبَاقِي الْمَوْسَوِي ، أَلْمُتَخَلِّصُ بِالطَّيِّبِ ، أَفَاضَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَأْيِبُ الْغُفْرَانِ وَ أَسَكَّنَهُ فَرَادَيْسَ الْجِنَانِ ، تُؤَفِّي فِي إِحْدَى وَسَبْعِينَ وَ مِائَةٍ بَعْدَ الْأَلْفِ ١١٧١ (١).

٢١- میرزا نصیر طبیب اصفهانی شیرازی

طیب ماهر و فیلسوف جامع ، میرزا نصیر حسینی ، معروف به (نصیر الدین ثانی) و متوفای ۱۱۹۱ قمری (۲) که از افاضل و اطمینان‌بخش‌ترین ماهر دوره کریم خان زند می باشد . وی ، سالها در اصفهان نشو و نماى علمى یافته و در این شهر به تحصیل علوم عربی و ادبی و طبیعی و ریاضی و حکمت الهی ، اشتغال داشته ، تا آن که در همه کمالات علمی ، استاد مسلم و یگانه روزگار و وحید عصر گردیده و به همین جهت ، از راه تشبیه به خواجه نصیر الدین طوسی ، او را نصیر الدین ثانی ، خوانده اند (۳) . مهارت او در طب ، به جایی رسیده بوده ، که او را (أبوعلی سینای وقت) و (جالینوس زمان) خوانده اند (۴) ، و معالجات نادر و عجیبی از او ، نقل گردیده است .

ص: ۴۹۰

۱- شرح حال طبیب اصفهانی ، صفحه ۸۹-۹۰

۲- در آتشکده آذر ، فوت میرزا نصیر ، أوائل ۱۱۹۲ ذکر شده است

۳- ریحانه الادب ، جلد ۶ ، صفحه ۱۸۶

۴- مجمع الفصحاء ، بخش سوّم از جلد دوّم ، صفحه ۱۰۳۶

روزی، صدای کسی را (که برای فروختن جنسی صدا میزد) می شنود، به یکی از شاگردان خود می گوید که به این مرد بگو فصد نماید (و رگ بزند) و گرنه، تا یک ساعت دیگر می میرد، ولی آن شخص اعتناء نمی کند، و فردای آن روز معلوم می شود، که آن فروشنده، به دنبال یک غش و بیهوشی مرده است

و هم چنین نقل نموده اند که، روزی نبض زنی را (که برای طبابت به او رجوع نموده بوده) می گیرد، فوراً دست کشیده و می فرماید: بعد از یک هفته حاضر شو، و در جواب حاضرین، که سبب تأخیر معالجه را جویا می شوند، می فرماید: در همان وقتی که نبض آن زن در دستم بود، حائض شد، و طبابت او در حال حیض مناسب نبود، برخی از کسانی که آن زن را می شناختند، در صدد تحقیق بر آمدند، و درستی مطلب را دریافتند (۱).

میرزا نصیر، از اُحفاد میرزا سید علی حسینی «خفاف اصفهانی» بوده، و در جهرم متولد شده، و در همان شهر و نیز شیراز و اصفهان، تحصیل علم نموده، و در تمام علوم عقلی و نقلی، مخصوصاً حکمت طبیعی و الهی و ریاضیات و طب، استاد عصر خود بوده است. وی، در سرودن اشعار فارسی و عربی، دستی توانا داشته، و مثنوی بهاریّه او که به نام «پیر و جوان» شهرت دارد، بسیار تنغز و پر مغز است (۲). حَقّاً که، عیسی دم، و خضر قدم بوده، قطع نظر از نهایت مهارت، اکثر مرضها، به مجرد استفاده از خدمت ایشان، شفا می یافته است (۳).

طرح مسجد و کیل شیراز و تعیین قبله آن نیز، از او بوده است، و نقل گردیده،

ص: ۴۹۱

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶

۲- دانشمندان و سخن سرایان فارس، جلد ۴، صفحه ۶۷۲

۳- آتشکده آذر، قسمت شعرای معاصرین

که چند نفر از نوآبان هند، به اشارهٔ بعضی از حکمای آن کشور، به کریم خان زند عرضه داشتند که، یک کرور تومان تقدیم خزانهٔ دولتی می نمایند، و در مقابل، میرزا نصیر حکیم باشی را به آنها واگذارد، کریم خان در پاسخ آنها می گوید: یک کرور تومان شما برای خودتان، و «حکیمک» ما هم، برای خودمان (۱).

میرزا نصیر، پس از سالها اقامت در اصفهان، به شیراز رفت و به علت مراتب علمی برجسته و اخلاق بسیار پسندیده و ممتاز، مجلس او مجمع فضلاء و علمای شیراز گردید، و در جایگاه حکیم باشی و ندیم کریم خان زند، قرار گرفت (۲).

آثار تألیفی میرزا نصیر

- ۱- أساس الصّحه (در طب) به زبان عربی
- ۲- جام گیتی نما (در حکمت) به زبان فارسی
- ۳- حلّ التّقویم (در نجوم) به زبان فارسی
- ۴- دیوان اشعار، به زبان عربی و فارسی
- ۵- شرح مشکلات قانون بوعلی سینا
- ۶- شفاء الأسقام (در طب)
- ۷- مثنوی پیر و جوان (که مکرر به چاپ رسیده و شدیداً مورد توجه بوده است)
- ۸- مرآت الحقیقه (در حکمت الهی) به زبان عربی
- ۹- رسالهای درباره رابطهٔ موسیقی و طب (به زبان عربی) (۳).

۲۲- جلال الدین محمد طبیب

وی، اصفهانی است و کتابی به نام دستور الجلالی، به زبان عربی، در زمینهٔ

ص: ۴۹۲

-
- ۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶
 - ۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶
 - ۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۵۲۴ و ریحانه الأدب و دانشمندان و سخن سرایان فارس

علم طب تألیف نموده ، و از دانشمندان قرن ۱۲ و ۱۳ به شمار آمده است .

نسخه ای از کتاب او به سال ۱۲۷۵ ، به خط ، محمد حسن بن محمد رضا نائینی نوشته شده ، و در کتابخانه دانشکده پزشکی تهران ، موجود است (۱).

۲۳- میرزا رضا طبیب

طیب عالیقدر و مسیحا نفس ، میرزا رضا ، که از شاگردان میرزا نصیر (طیب نامدار و مشهور) بوده ، و علاوه بر علم طب ، شاعری ادیب بوده و دیوان شعر داشته ، و از شخصیتها و اعیان اصفهان ، به شمار رفته، و در سال ۱۲۳۸ قمری وفات یافته است . (۲).

۲۴- میرزا أبو الحسن طبیب

طیب دانشمند و بزرگوار میرزا أبو الحسن طبیب که از اَطِیَاء معروف و ملقب به سلطان الأطباء بوده است . وی فرزند میرزا محمد ملک الأطباء ، و متوفای پنجم رجب ۱۲۶۹ قمری ، و مدفون در تکیه مادر شاهزاده می باشد (۳).

۲۵- میرزا محمد طبیب

طیب حاذق ، و حکیم ماهر ، و فقیه جامع ، میرزا محمد طبیب ، متوفای ۱۲۶۹ هجری و مدفون در تکیه مادر شاهزاده (۴) .

ص: ۴۹۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۳ ، به نقل از فهرست کتابخانه دانشکده پزشکی تهران
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۰۲ . در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۷۹ فوت او را در سال ۱۲۳۷ ذکر نموده است

۳- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۹۳ ، رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۳ ، رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۸

۲۶- میرزا محمد بن احمد طبیب

فرزند میرزا احمد سلطان الأطباء، متوفای ۱۲۷۰ قمری و مدفون در تکیه حاج ملا محمد جعفر آبادهای (۱).

۲۷- میرزا زین العابدین طبیب

طیب حاذق و متبحر، و شاعر ادیب، سید زین العابدین طبیب اصفهانی، که از سادات عالیقدر، و از معاصرین رضا قلیخان هدایت (صاحب کتاب مجمع الفصحاء و متوفای ۱۲۸۸ قمری) بوده است. او را (طیبی عیسوی هُش، نه طیب آدمی کُش) توصیف نموده اند، و در اوصاف نیکو و اخلاق فاضله، چهرهای برجسته و معروف داشته است (۲).

۲۸- میرزا مهدی طبیب

طیب شاعر، و ادیب فاضل، میرزا مهدی اصفهانی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که در نزدیکی بقعه آقامحمد بید آبادی مدفون گردیده است. ماده تاریخ وفات او را چنین سروده اند.

گفت دانش برای تاریخش

از جهان شد ارسطوی ثانی (۳).

۲۹ تا ۳۱ - میرزا محمد باقر حکیم باشی و چند چهره از خاندان علمی او در طب

طیب فقیه و حکیم ادیب، حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، متوفای ۱۳۲۷

ص: ۴۹۴

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۱

۲- مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۲۱، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۹ و رساله شرح حال طیب، (ضمیمه دیوان اصفهانی)، صفحه ۲۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۷ و سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۷

قمری، و مدفون در تخت فولاد، تکیه حاج آقا مجلس (تکیه آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه) (۱).

وی، از شاگردان پدرش، حکیم نامدار، آخوند ملا عبدالجواد مدرّس خراسانی (از مدرّسین حکمت و طب و ریاضیات و فقه و اصول در حوزه علمیه اصفهان) بوده، و نیز از محضر فقهاء بزرگ، همچون آقا سید محمد شهشهبانی و ملا حسینقلی نویسرکانی و آقا میرمحمد صادق کتابفروش و حاج سید اسدالله بیدآبادی، و دیگر مدرّسین علوم اسلامی و طب و ریاضیات و ادبیات، استفاده علمی برده است.

او نه تنها در معالجه امراض، نفسی عیسوی داشته، بلکه تدریس طب قدیم در آن زمان، منحصر به وی بوده است. وی کتابی درباره وبا، نوشته و به چاپ رسیده است (۲). آن بزرگمرد، طیبی معروف بوده، و «أفلاطون زمان» خوانده شده (۳)، و چنانچه از نام و عنوان و شخصیت علمی اساتید او به دست می آید، جامع علوم عقلی و نقلی، و دارای دانشهای شرعی و نیز طب و ریاضی، بوده است. در خاندان او طب قدیم و جدید، هر دو وجود داشته، چنانچه فرزند او حاج آقا حسن حکمی، متوفای ۱۳۸۹ قمری، از اطباء معروف اصفهان بوده، و نیز برادرش، حاج میرزا عبدالجواد حکیم باشی، متوفای ۱۳۵۰ قمری، طیب مورد توجهی بوده است (۴).

ص: ۴۹۵

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۸

۳- رجال اصفهان، صفحه ۸۶

۴- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۶، و همچنین دکتر مرتضی حکمی، متوفای ۱۴۰۱ قمری، فرزند حاج میرزا عبدالجواد، از اطباء مشهور و اساتید دانشگاه اصفهان در طب جدید بوده، و تألیفاتی در رشته طب جدید داشته است

۳۲- سید علی اکبر صدر الأطباء

عالم فاضل و طبیب ماهر، سید علی اکبر حسینی، ملقب به صدر الأطباء و مؤلف کتاب فصول العلاج، و متوفای ۱۳۳۵ قمری (۱).

وی، از اطبائنی بوده که دانشمندان طبّ قدیم و جدید، مقام علمی او را تأیید می نموده اند، و مرحوم جابری أنصاری (دانشمند محقق و مورّخ بزرگوار)، شرحی از کمالات آن بزرگمرد می داده است (۲).

۳۳- میرزا محمد حسین طبیب

طیب فاضل و حاذق، سید محمد حسین نحوی، متوفای ۱۳۴۰ قمری (۳).

وی، فرزند مدرّس نامدار، مرحوم حاج سید مهدی نحوی (که مَیْدَرَس مدرسه شاهزاده ها بوده، و به خاطر تخصّیص در تدریس علم نحو، مشهور به نحوی، گردیده بوده است) و نوّه مجتهد و فقیه اصولی، مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد، و از احفاد آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه بوده است.

خاندان او، عموماً از علماء و فضلاء بوده اند (۴).

۳۴- سید عبد الوهاب «معین الأطباء»

طیب ماهر و حکیم عارف، سید عبد الوهاب أردستانی اصفهانی، ملقب به «معین الأطباء» که ساکن مدرسه نیم آور بوده، و در سال ۱۲۷۴ متولّد شده، و در

ص: ۴۹۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳۸ و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۶۴

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۲۰-۲۲۱

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۰۶

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۵۸ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۱۵ - ۲۱۶

سال ۱۳۵۵ وفات یافته است (۱).

وی ، از اطباء معروف به حذاقت بوده ، و محلّ دفن او ، تخت فولاد ، نزدیک قبر فاضل هندی و ملاّ محمّد نائینی (فاضلان) می باشد (۲).

۳۵ و ۳۶ - سید مصطفی «مؤید الأطباء» و پدر او

مرحوم سید مصطفی مؤید الأطباء ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، فرزند مرحوم حاج سید محمّد تقی طیب حسینی درب امامی ، از اطباء معروف اصفهان بوده و عصرها در یکی از حجرات مدرسه ترکها (مدرسه امام هادی علیه السلام) طبابت می نموده است (۳).

او از شاگردان حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بوده ، و در سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته ، و در تکیه سید العراقین ، مدفون گردیده است (۴).

۳۷ - میرزا محمّد طیب اصفهانی محله نوی

وی ، معروف به زاهدی بوده ، و طبیبی حاذق ، و استادی ماهر به شمار میرفته ، و از چهره های ارزشمند «خاندان علمی مشایخ بید آباد» محسوب می گردد .

او ، در جوار مرحوم آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردیده ، و مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، او را از معاصرین شمرده است (۵).

ص: ۴۹۷

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۶۴

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۲۵

۳- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۵۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۲۴

۵- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۹۶

عالم فاضل، و حکیم جامع، و طبیب حاذق، و عابد زاهد و متقی، حاج میرزا أبو القاسم طبیب، مشهور به، « ناصر حکمت»، متوفای ۱۳۷۱ قمری.

وی، از چهره های برجسته علم طب در قرن چهاردهم بوده، و در معالجه مرض های سخت، مهارتی کم نظیر داشته، و معالجاتی عجیب و غریب و کارساز، انجام می داده است.

استادهای او، میرزا عبدالعلی هرنندی، و میرزا أبو القاسم مدرّس رشتی، و حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی، و میرزا أبو الحسن پاقلعه ای بوده اند، و هم چنین، از درس مرحوم آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی (دو چهره مبرز حوزه علمیه اصفهان در حکمت و عرفان) بهره گرفته است (۱).

میرزا أبو القاسم طبیب، کتب طبّ قدیم را تدریس می نموده، و پدر نویسنده کمترین (مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره) از شاگردان جدی و پرکار آن مرحوم به شمار می رفتند، و چهره منحصری بودند که در اواخر قرن چهاردهم، و اوائل قرن پانزدهم، در اصفهان، طبّ قدیم را با حفظ اصول آن، به کار می گرفتند.

از آثار علمی مرحوم آقامیرزا أبو القاسم (علاوه بر تدریس کتب علم طبّ قدیم) رساله اُفیوتیه میباشد، که آن را به فارسی تألیف نموده است.

آن بزرگمرد، در مدرسه حاج حسن (مقابل امامزاده هارونیه) در یکی از حجرات آن، تدریس می نموده، و به معالجه بیماران می پرداخته است، تا این که در سال ۱۳۷۱ قمری، در سنّ نود و سه سالگی وفات یافته، و در تکیه آقا

ص: ۴۹۸

شیخ محمد تقی رازی (معروف به تکیه مادر شاهزاده) مدفون گردیده است (۱).

۳۹- حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی

عالم فاضل و ادیب کامل و مفسر بارع و فقیه طیب، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی • وی، از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان در زهد و تقوی و خداشناسی و خدا پرستی، و از مفاخر علمی این شهر در زمان خود، به شمار می رفته و می رود.

او، از محضر بزرگانی همچون: آقا شیخ عبدالحسین محلاتی، و بزرگ مرجع جهانی شیعه، آیه الله العظمی، حاج آقا حسین بروجردی، (در زمان تحصیل و تدریس آن بزرگوار در حوزه علمیه اصفهان) و همچنین فقهاء و حکماء نامداری، همانند: آقا سید محمد باقر درجه ای، و آخوند کاشی، و نیز طیب عالی مقام، مرحوم میرزا محمد باقر حکیم باشی، بهره مند گردیده، و در حوزه علمیه نجف، از درس مراجع و زعماء بزرگی، همانند: آخوند خراسانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردیده، و از جمله مفاخر علمی و معنوی به شمار آمده است.

آن بزرگمرد، پس از مراجعت به اصفهان، به تدریس در حوزه علمیه و طبابت (با اصول طب قدیم) و ارشاد مردم (با استفاده از سنگر منبر) اشتغال یافته، و به راستی، در درمان روح و جسم مردم، از نفس عیسوی برخوردار بوده است. درس نهج البلاغه او (همراه با گریه و توجه معنوی) إلهام بخش دلها، و مواعظ شافیّه او، شفا بخش جانها بوده، و علماء و فضلاء، و نیز عموم مردم، تحت تأثیر نفس قدسی او، قرار می گرفته اند.

ص: ۴۹۹

آن بزرگوار، در شب ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۷۵ قمری، بدرود حیات گفتند، و جنازه ایشان با احترام فراوان، با حضور علماء و صلحاء، و بالأخص سادات و ذراری رسول خداصلی الله علیہو آله (۱) در مقبره شیخان قم دفن گردید.

۴۰- طیب جامع، آیه الله موحد ابطحی، آخرین چهره علمی طب قدیم در اصفهان

مفسر اَدیب، و فقیه طیب، و خطیب خبیر، و مدرّس جامع، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی اصفهانی، متوفای ۱۴۱۳ قمری.

ایشان، از چهره های نمونه، در تاریخ حوزه علمیّه اصفهان به شمار می روند، و با حدود هفتاد سال تدریس در حوزه علمیّه و منزل شخصی (در زمینه های فقه و اصول و حکمت و منطق و معانی و بیان و نحو و صرف و طب و هیئت و ...) و تربیت تمامی اولاد پسر خود (که هفت نفرند)، در مسیر علم و روحانیت، و ملتس نمودن تمامی آنها به لباس روحانیت (در دوره حکومت طاغوتی پهلوی اول و دوم، با تمام مخالفت هائی که در آن زمان، با روحانیت انجام می گرفته، و علماء بزرگ را به ترک لباس روحانیت وا می داشته اند)، چهره ای برجسته در نیمه دوم قرن چهاردهم، به شمار می روند.

معظم له، با تبلیغ و ارشاد مردم، در مجالس عمومی، و نیز با سخنرانی های علمی و پرشور و نافذ (تا آنجا که علماء بزرگ، در مجالس ایشان حضور می یافتند، و از سخنان علمی، و در عین حال با معنویت و نافذ و مؤثر ایشان،

ص: ۵۰۰

۱- آن بزرگمرد وصیت نموده بودند که، چهل نفر از سادات، بالای سیر جنازه آن بزرگوار، شهادت بدهند که ایشان، سادات و ذریه های حضرت رسول اه، و حضرت صدیقه طاهره علی را، دوست می داشته اند

بهره می گرفتند) و دیگر آثار و برکات وجودی، شخصیتی مورد توجه در عالم روحانیت محسوب می کردند.

آن بزرگمرد، از شاگردان درس طبیب حکیم و حاذق، مرحوم حاج میرزا أبو القاسم ناصر حکمت بوده اند، و سالها، خود ایشان به تدریس کتب طب، همانند: «شرح نفیسی»، «قانونچه» و... می پرداختند، و در معالجه و طبابت عملی، آثار عجیب و غریب، از ذوق و ابتکار و علم و دانش و تجربه خود، ظاهر می ساختند، و در تهیه داروهای مرکب و مهمی که در جانی وجود نداشت و کسی قادر به فراهم آوردن مفردات و ترکیب و آماده سازی آنها نبود، با تلاشی بی نظیر، و همتی والا، و پشتکاری خستگی ناپذیر، اقدام می نمودند، و چه بسا ماده دارویی (اعم از دانه ها یا ریشه ها یا برگهای گیاهان و مواد معدنی و حیوانی که از دیگر کشورها تهیه می نمودند، و در مهیا نمودن معجونی مؤثر، یا دارویی شفابخش، مورد بهره برداری قرار می دادند.

ایشان از طریق گرفتن نبض، و دقت در چگونگی ضربان آن، بسیاری از نکات جالب را درباره بیمار، و حالات و وضعیت جسمی و روحی مریض، تشخیص میدادند، که مطابق با واقع بود، و موجب شگفتی و حیرت می گردید.

از معالجات جالب و بسیار ارزشمند ایشان، علاج دو بیماری از مفسر بزرگ قرن چهاردهم، و فیلسوف نامدار و عظیم الشان، علامه عصر، مرحوم آیه الله، حاج سید محمد حسین طباطبائی قدس سره (صاحب تفسیر عظیم الشان المیزان) میباشد، که یکی مربوط به زبان، و دیگری مربوط به ریشه دست آن بزرگمرد بود، و اولی، خطر بزرگی برای بیان و تدریس، و دومی، موجب تعطیلی فعالیت قلمی و تألیفات آن علامه عظیم الشان گردیده بود، و در اثر معالجه مؤثر معظم له بیماری زبان، به کلی برطرف گردید، و بیماری ریشه، آنقدر بهبود یافت، که

پس از آن درمان ، مجدداً فعالیت قلمی را از سر گرفتند ، و علامه طباطبائی فرموده بودند :

آن شبی که توانستم پس از مدتی ناتوانی ، قلم به دست بگیرم و بنویسم

گویا تولدی جدید یافتم

و بدین وسیله ، آیه الله موحد ابطحی ، خدمت بزرگی به ادامه تدریس پر برکت ، و تألیفات گرانقدر علامه طباطبائی نمودند ، و مانع توقف آن همه آثار و برکات علمی و قلمی ، در زمینه علوم اسلامی (بالأخص تفسیر قرآن کریم) گردیدند . این طیب جسمانی و روحانی ، آخرین چهره علمی طب قدیم ، در اصفهان ، و حوزه علمیه آن ، (در دوره اخیر) به شمار می روند ، و درباره آثار و شخصیت علمی و اجتماعی ایشان ، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و نیز در بخش (بقعه های علمی اصفهان ، « بقعه جعفریه ») بحث و بررسی داریم .

در طلوع دولت مهدی «عج» امام منتظر

تا شود عالم سرار گلستان ای اصفهان

عده یاران آن مولا به هنگام قیام

سیصد است و سینزده پاکیزه جان ای اصفهان

زان گروه حق طلب جمعی ز فرزندان او است

در رکاب حضرت صاحب زمان ای اص اصفهان

ص: ۵۰۲

اشاره

حوزه ها و مدارس علمیّه

در دیگر شهرها و روستا های

اُستان اصفهان

ص: ۵۰۳

حوزه ها و مدارس علمیه در دیگر شهرهای استان اصفهان

در بسیاری از شهرهای استان اصفهان ، حوزه های علمیه و یا مدارس علمیه ای از دیر زمان ، یا در دوره های اخیر وجود داشته و دارد ، که هر کدام ، دارای آثار و برکات علمی و دینی قابل توجه ، و أحياناً ، اصولی و حیاتی بوده و هستند، و پایه گذاری شخصیت علمی و تقوایی بسیاری از چهره های درخشان عالم تشیع (که در حوزه های مهم شیعه ، همانند : نجف ، کربلاء اصفهان ، قم و ...، به مقامات عالیه نائل گردیده اند) در همین حوزه ها بوده است

تاریخ و سابقه حوزه علمیه بعضی از این شهرها ، به چندین قرن می رسد ، و شمار مدارس و علماء برخاسته از آنها ، بسیار جالب و موجب سربلندی شیعه ، و پیروان مکتب أهل البیت علیهم السلام می باشد، و ما در این بخش ، به ترتیب حروف الفباء، از این شهرها و حوزه های ارزشمند آنها ، یاد مینمائیم :

۱- اردستان

شهری است ، بین کاشان و اصفهان ، با فاصله یکصد و ده کیلومتر از مرکز استان (۱). اردستان، شهری است بسیار قدیمی ، که قرن‌ها قبل از اسلام ساخته شده ، ولی شهر قدیمی در ۲۴ کیلومتری شمال شهر فعلی بوده است .

ص: ۵۰۵

۱- فاصله یادشده ، با توجه به جاده ای است که اخیراً ایجاد شده است

مذهب مردم اردستان ، تشیع ، و زبان آنها ، فارسی می باشد .

مقدسی در أحسن التّقسیم ، اردستان را شهری بزرگتر از دیگر شهرهای منطقه ، و دارای بازارهای زیبا، و جامعی آباد، و پیران و فقیهان ، معرفی نموده ، و نوشته است: در سرزمینی سفید ، همچون آرد، ساخته شده ، و نام اردستان هم ، از آن گرفته شده است (۱).

و یاقوت حموی ، اهل اردستان را با وصف (کُلُّهُمْ أَصْحَابُ الرَّأْيِ = همه آنها صاحب نظرند) ستوده ، و نوشته است :

طائفه ای از اهل هر علم در هر فنی ، منسوب به اردستان می باشند (۲).

مسجد امام حسن علیه السلام در اردستان

چنانچه از « تذکره آلانمه » علامه مجلسی ، و « خزائن » نراقی بر می آید ، امام حسن علیه السلام در موقع مراجعت از قم یا یزد، در مسجدی که به نام آن حضرت نامیده میشود ، نماز خوانده اند ، و از این رو، این مسجد به نام آن حضرت نامیده شده است ، و قدیمی ترین مسجد و مناره اردستان ، همین مسجد و مناره آن می باشد ، و محلّ این مسجد ، در بازار ، محلّه کبودان واقع شده است (۳).

امامزاده های متعدّد، و جلوه های علم و تشیع در اردستان

وجود امامزاده های متعدّد ، همانند : امامزاده اسماعیل علیه السلام در محلّه محال و امامزاده محسن و امامزاده قاسم علیهما السلام در محلّه راه میان ، و امامزاده ابراهیم، در

ص: ۵۰۶

۱- أحسن التّقسیم ، جلد ۲، صفحه ۵۸۱

۲- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۶

۳- آتشکده اردستان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۸

محلّه باب الرّحی ، و إمامزاده موسی علیه السلام در محلّه کبودان ، همه و همه نشانه سابقه تشیع در أردستان می باشد .

وجود علماء و محدّثین بزرگی از شیعه از أهل أردستان ، زمینه تشیع را در این شهر آماده مینموده ، و اوج ظهور و تجلّی شیعه در این شهر ، در دوره آل بویه و از دوره صفویّه به بعد می باشد ، بطوری که در قرون اخیر ،

أردستان خاستگاه علماء و فقهاء و حکماء شیعه بوده است .

و مخصوصاً هم جواری أردستان و زواره (که مدینه السّادات = شهر سادات و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده) زمینه تشیع را در این شهر ، در طول تاریخ ، فراهم مینموده است ، و مخصوصاً در قرن یازدهم ، و اوائل قرن دوازدهم ، علم و دانش و شعر و أدب و فرهنگ تشیع ، در این شهر رونق زیاد یافته ، و عدّه زیادی از علماء و بزرگان دین ، از أردستان و اطراف آن ، همانند : زواره ، مهرآباد ، ماه آباد ، سرابّه کچو (زادگاه شهید آیه الله ، سیّد حسن مدرّس) کچو مثقال ، ظفرقند و ... ، برخاستند ، و در شهرهای گوناگون ، درخشیدند (۱).

مدارس علمیّه أردستان

در مدرسه قدیمی در أردستان وجود داشته ، و یک مدرسه نیز ، اخیراً إحداث شده ، که ذیلاً توضیح میدهیم:

الف - مدرسه حاج حسین نورالدین

مدرسه ای است در شمال غربی مسجد جامع قدیمی أردستان ، که دارای

ص: ۵۰۷

۱- در کتاب (حوزه های علمیّه شیعه) ، در قسمت مربوط به أردستان و زواره ، از سابقه علمی و دینی و تشیع این دو شهر و توابع آنها ، و نیز از چهره های علمی و خاندانهای علمی منطقه ، به تفصیل بحث کرده ایم

حجراتی است به سبک قدیم ، و مرحوم حاج حسین نورالدین أردستانی ، که از مردان نیکوکار بوده ، آن را ساخته ، و موقوفاتی برای آن قرار داده است . تاریخ وقف و خاتمهٔ بناء مدرسه (طبق وقفنامه) ، دهم شعبان ۱۰۶۹ قمری میباشد . این مدرسه دو طبقه است ، و در زمان مرجعیت عامیهٔ مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین بروجردی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، به وسیلهٔ مرحوم حجه الاسلام ، حاج میرزا علی طباطبائی نژاد (طبائی) تعمیر شده ، و محل اسکان و تحصیل طلاب گردیده است . پس از آن ، در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی با ، مرحوم حاج شیخ محمد یاسینی همدانی ، که از طرف آیه الله بروجردی و آیه الله گلپایگانی ، نمایندگی داشته ، فعالیت‌های چشمگیری در مبارزهٔ با فرقه‌های گمراه ، و نیز احیاء دین انجام داده و مدرسه را فعال کرده ، و طلاب زیادی را جذب حوزهٔ علمیهٔ نموده است ، ولی در حال حاضر ، فعالیت حوزه ای در آن انجام نمی گیرد

ب - مدرسهٔ طاهریه

مدرسه ای است قدیمی ، که از آثار میرزا محمد طاهر أردستانی بوده ، و در حکومت پهلوی دوم تخریب گردیده ، و به صورت مدرسهٔ علوم جدید درآمده ، و به نام مدرسهٔ راهنمایی سینا می باشد ، و محل آن ، محلهٔ فهره ، جنب مقبره و بقعهٔ پیر مرتضی علی أردستانی ، عارف مشهور قرن نهم می باشد (۱) .

ج - مدرسهٔ علمیهٔ جدید التأسیس

در سال ۱۳۶۵ شمسی زیر نظر امام جمعهٔ شهر ، آقای حاج شیخ محمد باقر

ص: ۵۰۸

شریعتی ، سازمان اوقاف و امور خیریه ، مدرسه ای را شروع به تأسیس نموده ، که در زمان بازدید نویسنده از شهر و مدارس اردستان (در سال ۱۳۶۷ شمسی) فعالیت ساختمانی آن ، به پایان نرسیده بود .

این مدرسه دو طبقه است و دارای ۲۰ حجره و ۲ مِدرس می باشد ، و ساختمان مدرسه در طرف شرقی و غربی و جنوبی قرار گرفته ، و در طرف غربی مدرسه ، در پشت حجره ها ، یک سالن بزرگ برای اجتماعات دینی و علمی ساخته شده است ، و محلّ مدرسه ، کوچه محله بازار میباشد .

کچو منقال

از روستاهای تابع اردستان ، و در ده کیلومتری آن قرار گرفته ، و بسیار قدیمی است ، و جمعی از سادات طباطبائی و سادات حسینی ، و نیز برخی از علماء منطقه اردستان ، منسوب به این روستا (کچو منقال) می باشند .

مدرسه علمیه حاج میرزا علی

در حدود یکصد سال قبل ، یکی از علماء فعال و با تقوی ، مرحوم حاج میرزا علی طبائی (از خاندان قدیمی و مشهور طباطبائی اردستان) مدرسه ای تأسیس نموده ، که هنوز باقی است . در این مدرسه ، علاوه بر طلبه ها ، که اشتغال به تحصیل داشته اند در (دروس مقدماتی حوزوی) جلسات دینی برای عموم مردم تشکیل میشده ، که به فراگیری اصول و فروع و اخلاق دینی مشغول می گردیده اند .

در دوره حکومت پهلوی اوّل ، که اکثر حوزه های علمیه ، به تعطیلی یا رکود ، کشیده شده بوده است ، این مدرسه به دلیل دورافتاده بودن ، و نیز به خاطر عظمت شخصیت مؤسس آن (مرحوم حاج میرزا علی طبائی) تعطیل

نگردیده، و در آن دوره خفقانی، نقش ارزشمندی در حفظ آثار دینی و حوزه ای، در منطقه داشته است. محلّ مدرسه، در کنار حسینیّه و مسجد محل میباشد، و کتابخانه ای داشته، که کتابهایش پراکنده گشته، و مدرسه یاد شده، فعلاً در اختیار برخی از ذرّیّه مؤسس مدرسه می باشد، و فعالیت درسی در آن انجام نمی گیرد.

مرحوم حاج میرزا علی طبائی، از شاگردان آخوند کاشی (متوفای ۱۳۳۲ قمری) بوده، و در نماز شب، حال و روحیه و گریه عجیبی داشته، و فعالیتهای دینی او در منطقه، بسیار مؤثر بوده، و عاملی مؤثر برای حفظ و نشر احکام و آثار دینی به شمار می رفته، و تمامی پسران آن بزرگمرد، (که شش نفرند) از علماء و روحانیین میباشند(۱).

مهر آباد

از روستاهای تابع اردستان می باشد، و جمعی از سادات و علماء منطقه اردستان، مقیم یا برخاسته از آن می باشند.

خاندانهای علمی متعددی، همانند: طایفه ملا علی بن ملا رفیع بن ملا ظهیر مهرآبادی (۲). و طایفه ملا علی صادق بن ملا علی مندی (که از معروفین زمان خود، و از علماء قرن سیزدهم بوده) و نیز طایفه شیخ الإسلام (طایفه ملا

ص: ۵۱۰

۱- مطالب فوق، در بازدید نویسنده از مدرسه، در سال ۱۳۶۷ شمسی، و در ضمن تحقیقات محلی، از علماء و ساکنین کچو مثقال و اردستان، به دست آمده است

۲- ملا ظهیر مهرآبادی، معاصر و معاشر با علامه مجلسی بوده، و از نسل او دانشمندان زیادی برخاسته اند، که از متأخرین آنها، دانشمند محقق، أبو القاسم رفیعی مهرآبادی (مؤلف کتاب آثار ملی اصفهان و آتشکده اردستان) می باشد

مرتضی) که مربوط به دوره قاجاریه بوده اند، از این روستا می باشند. گرچه مدرسه علمیه رسمی در این محل نبوده، ولی علماء آن، در خانه های شخصی، فرزندان خود و دیگر طالبین علم را، در مراحل اولیه تحصیلی، تربیت نموده، و برای تکامل علمی، به حوزه های علمیه بزرگ، اعزام می نموده اند (۱).

در اطراف اردستان و بسیاری از شهرها، همانند مهرآباد، همین وضعیت حاکم بوده است.

۲- بوده «فوده»

واقع در شمال غربی شهرضا، و در بیست و پنج کیلومتری آنست، و از قدمت و سابقه قابل توجهی برخوردار می باشد. مسجد جامعی دارد قدیمی، که به نام مسجد جامع بازار خوانده می شود، و منبری از سنگ سیاه یک پارچه دارد، که تاریخ ساخت منبر، به صورت شعری روی سنگ سبز حجاری شده است به این شکل:

به تاریخ او گفت صاحب دلی

«مقام رسول است، جای علی» (۲)

در نزدیکی این مسجد، مدرسه ای بوده، که فعلاً سگوهای سنگی او باقی است، و حجرات و حیاط مدرسه، تبدیل به خانه شده است (۳).

۳- خاتون آباد

یکی از روستاهای شرق اصفهان، و در نزدیکی خوراسگان میباشد، و علماء بسیار زیادی که خاندان علمی و بزرگ خاتون آبادی را تشکیل

ص: ۵۱۱

۱- به کتاب آتشکده اردستان مراجعه شود

۲- که به حروف أبجد مطابق ۱۰۶۲ میباشد

۳- اظهارات آیه الله، آقای حاج سید اسماعیل هاشمی دامت برکاته

میدهند ، منسوب به این محل می باشند .

مدرسه علمیه خاتون آباد

مرحوم میرزا باقر باب الدشتی ، پدر زن میر عماد الدین محمد حسینی (۱) (جدّ سادات خاتون آبادی) برای داماد خود ، و به منظور فعالیت‌های علمی او ، مدرسه ای را در خاتون آباد بنیان نهاد (۲).

۴- خمینی شهر

شهری است که در منطقه ماربین ، و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان قرار گرفته ، و از سه ناحیه متصل به هم ، به نامهای وَرْثُوسفادران و فُروشان و حُوزان تشکیل گردیده است (۳). این شهر ، قبلاً به نام سِدِه و سپس به نام همایونشهر بوده ، و اخیراً (پس از انقلاب اسلامی) توسعه یافته، و به نام خمینی شهر ، نامیده شده است، و از سابقه طولانی برخوردار میباشد ، و گفته میشود که قدمت آن به زمان ساسانیان می رسد (۴).

مردم این شهر و روستاهای اطراف آن ، از نظر دینی ، بسیار متعهد و متعصب می باشند ، و در اعتقاد و پای بندی به مکتب تشیع و مذهب أهل البيت عليهم السلام ، و حفظ و إجراء شعائر دینی مکتب ولایت ، زبانزد خاص و عام گردیده اند .

ص: ۵۱۲

۱- میر عماد الدین محمد ، اول کسی است ، که از خاندان خاتون آبادی ، از قم به اصفهان آمده ، و او فرزند میر سید حسن نقیب است ، و فرزندش میر محمد اسماعیل ، مدفون در بقعه گورت از بلوک جی و معروف به شاه مراد می باشد. (دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۰)

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۹۰ ، ورقه ضمیمه

۳- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

۴- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

این منطقه، از دیر زمان، محلّ تربیت و نشو و نماى علماء دین و مردم با ایمان بوده، و بسیاری از علماء بزرگ، از این منطقه برخاسته، و در حوزه های علمیه بزرگ، همانند: اصفهان، نجف، قم و مشهد، درخشیده اند.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الجواد سیدللی (جبل عاملی)، و مرحوم آیه الله، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی، و مرحوم آیه الله، حاج شیخ أحمد فتیاض، و مرحوم آیه الله، حاج شیخ علی مشکوه سدهی، و مرحوم آیه الله، آقا میر سید علی سدهی، (معروف به حاج آقا بزرگ سدهی) و دو فرزندشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا امام امامی سدهی، و مرحوم آیه الله، حاج آقا نورالله امامی بدهی و فرزند ایشان، شخصیت معاصر، آیه الله، حاج سید مهدی امامی سدهی دامت برکاته، و مرحوم آیه الله، حاج سید علینقی فیض الإسلام (صاحب شرح و ترجمه مشهور نهج البلاغه، و نیز شرح و ترجمه قرآن مجید، و صحیفه سجّادیّه) از علماء مشهور و برجسته دوره؛ اخیر این شهر، می باشند.

خاندانهای علمی برجسته ای در این منطقه ظهور یافته اند، همانند: خاندان علمی میر محمد اشرف، معروف به خاندان میردامادی (که سرسلسله آنها، مرحوم میر محمد اشرف، از علماء جلیل القدر و برجسته و صاحب تألیفات زیاد، و از جمله کتاب فضائل السّادات بوده است (۱)) و خاندان علمی امام سیدهی، و خاندان علمی امام جمعه سیدهی، و خاندان علمی حجازی سیدهی، و خاندان علمی حجازی سیدهی، و خاندان علمی مصطفوی، و خاندان علمی

ص: ۵۱۳

۱- در بخش (خاندانهای علمی اصفهان «خاندان علمی میردامادی») در باره این شخصیت بزرگ، بحث و بررسی داریم

دیباچی ، و خاندان علمی احمدی ، که در هر کدام ، عده ای از علماء و فضلاء نشو و نما یافته ، و منشاء آثار علمی و دینی ارزشمند (و در مواردی چشمگیر) بوده اند (۱).

مدارس علمیة خمینی شهر

الف - مدرسه علمیة مشکوه

اولین مدرسه علمیة این شهر، در زمان مرجع جهانی شیعه ، آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره ، به وسیله مرحوم آیه الله حاج شیخ علی مشکوه بدهی (۲) تأسیس گردیده ، و سپس در زمان آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره ، توسعه و تکمیل یافته است .

این مدرسه واقع در محله خوزان میباشد ، و یک طبقه است ، با ده حجره ، و برکات علمی و دینی این مدرسه و طلاب آن ، بسیار ارزشمند می باشد .

مرحوم آیه الله مشکوه ، در تعلیم و تربیت طلاب مدرسه ، سعی و کوشش فراوان داشتند ، و طلاب آن ، در ادامه تحصیلات خود، به حوزه علمیة قم یا اصفهان هجرت می نمودند ، و هنوز این مدرسه دایر میباشد .

ب - مدرسه علمیة امامیه

این مدرسه در محله فروشان خمینی شهر می باشد ، و در حدود سال ۱۳۵۰

ص: ۵۱۴

- ۱- برای آشنائی بیشتر با شخصیت‌های علمی این شهر ، به گنجینه دانشمندان ، جلد ۷، از صفحه ۳۴۴ تا ۳۵۵ مراجعه شود، و ما نیز در کتاب (حوزه های علمیة شیعه) انشاء الله در بخش مربوط به این شهر ، به تفصیل بحث خواهیم نمود
- ۲- درباره مرحوم آیه الله مشکوه ، در بخش (چهره های علمی دوره اخیر اصفهان) بررسی نسبتاً مفصّلی داریم

شمسی تأسیس گردیده ، و دارای سیزده حجره در یک طبقه می باشد ، و ساختمان آن در دو طرف قرار گرفته است . در زمان بازدید از مدرسه ، ده نفر طلبه ، در آن اشتغال به تحصیل داشتند ، سرپرست مدرسه ، یکی از علماء میرز شهر ، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین ، آیه الله ، آقای حاج سید مهدی امامی سدهی دامت برکاته می باشند .

ج - مدرسه حضرت حجّه «عج»

این مدرسه واقع در محله آندوان خمینی شهر می باشد ، و ۱۰ حجره دارد ، و در سال ۱۳۵۲ شمسی ، به وسیله مرحوم آیه الله ، آقای حاج آقا حسین خادمی قدس ، و با همکاری عده ای از روحانیین خمینی شهر ، آقایان : تمثالی و سلطان مهدیان و مرحوم أصغری و ... ، افتتاح گردیده است .

د - مدرسه باقر العلوم علیه السلام

این مدرسه در محله آدریان می باشد ، و در سال ۱۳۹۲ قمری ، تأسیس گشته است . مدرسه یاد شده ، یک طبقه است ، و دارای ۱۰ حجره و یک کتابخانه می باشد ، و زمین آن هشتصد متر ، و ساختمان آن در چهار طرف قرار گرفته ، و محلّ فعالیت در سی و سکونت طلاب می باشد .

۵- خوانسار

شهری است در چهار فرسخی گلپایگان ، و مرکز شهرستان خوانسار می باشد ، و به علت کوهستانی بودن منطقه ، از آب و هوای بسیار مطلوبی برخوردار است ، و مناظر طبیعی و دیدنی آن ، جلب توجه می نماید . گلستان کوه (در مسیر جاده اصفهان - خوانسار) و پارک سرچشمه خوانسار ، از مناظر دیدنی این شهرستان میباشد .

سابقه تاریخی شهر خوانسار، به بیش از یک هزار سال می رسد (۱) ولی در گذشته زمان، به صورت قصبه و روستا بوده، و در سالهای اخیر، به صورت شهر در آمده است.

از زمان صفویه به بعد، یکی از مراکز فعالیت علمی و دینی، و زادگاه و محلّ طی نمودن مراحل اولیه تعلیم و تربیت، و تکامل چهره های بزرگ علمی و مرجعیت شیعه گردیده، تا آنجا که، چهره های بزرگ و نامداری از این شهر، در مراکز بزرگ علمی و اجتماعی، همانند: اصفهان، نجف، کربلاء، سامراء، مشهد مقدس، تهران و ...، درخشیده، و با عنوان مرجع تقلید، زعیم حوزه علمیه، محقق و مؤلف، استاد و مدرّس حوزه علمیه، پیشوای دینی و ...، به حفظ و ترویج دین پرداخته، و نه تنها به عالم علم و دین خدمت نموده، بلکه نام شهر خوانسار را، بر سر زبانها جاری ساخته اند.

خاندانهای علمی خوانسار

خاندانهای علمی بزرگی در شهر خوانسار ظهور یافته اند (اعمّ از سادات و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله یا غیر سادات)، که هر کدام از آنها، در برگیرنده چهره های میزز علمی بوده است، همانند:

خاندان علمی آقا حسین خوانساری، خاندان علمی صاحب روضات الجات، خاندان علمی سید مهدی موسوی خوانساری (جدّ آیه الله العظمی، خوانساری) خاندان علمی علوی خوانساری، خاندان علمی ابن الرضا خوانساری، خاندان علمی غضنفری خوانساری، خاندان علمی صفائی خوانساری، خاندان علمی حاج شیخ أحمد خوانساری (پدر آیه الله،

ص: ۵۱۶

چهره های بزرگ علمی برخاسته از خوانسار

در طول چهار قرن ، شخصیت‌های برجسته ای از خوانسار ، در حوزه های بزرگ علمی شیعه ، یا در شهر خوانسار ، درخشیده اند که ذیلاً به چند چهره از آنها ، اشاره می نمائیم (۱):

۱- محقق مطلق و نامدار ، استاد الكلّ فی الكلّ، نابغه بزرگ ، و جامع معقول و منقول ، آقا حسین خوانساری ، متوفای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ، که علماء بسیاری در علوم عقلی و نقلی ، را تربیت نموده ، و تألیفات بسیاری را در زمینه فقه و تفسیر و فلسفه و کلام و نحو و هیئت و ... ، از خود به جای گذاشته است . صاحب حدائق درباره ایشان می گوید : حقّ وی در دین مقدّس اسلام ، بزرگترین حقوق علماء اسلام می باشد (۲) .

ص: ۵۱۷

۱- شمار علماء و مجتهدین خوانسار، و نیز طلاب خوانساری ، تا حدّی بوده که گفته می شود : در ۵۰- ۶۰ سال قبل ، ۷۰ مجتهد در این شهر بوده اند، و کوچه ای است به نام چهل آخوند ، و در زمان آقا نجفی اصفهانی ، ۴۰۰ طلبه خوانساری در حوزه اصفهان اشتغال به تحصیل داشته اند اظهارات آیه الله ، آقای ابن الرضا ، مؤسس حوزه علمیه ولی عصر خوانسار) ، و برای آشنائی بیشتر، به قسمتهای مختلف اعیان الشیعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی (از قرن یازدهم تا چهاردهم) الذریعه الی تصانیف الشیعه، ریحانه الأدب ، گنجینه دانشمندان در عموم مجلّدات) بالأخص جلد پنجم ، از صفحه ۴۶ تا ۶۰ ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان ، مکارم الآثار ، سیری در تخت فولاد اصفهان ، بیان آلمفاخر ، تاریخ علمی - اجتماعی اصفهان و ... ، مراجعه شود، و ما نیز به خواست خداوند متعال ، در بخش مربوط به خوانسار ، از کتاب « حوزه های علمیه شیعه » به بررسی کاملتری می پردازیم

۲- آشنائی با حوزه های علمیه شیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۸

۲- حکیم محقق و فقیه نامدار ، و متکلم مدقق و اصولی عظیم المقدمار ، مولی محمد خوانساری، معروف به (آقا جمال خوانساری)، فرزند آقا حسین خوانساری، و ملقب به « جمال الدین و جمال المحققین و محقق خوانساری » و متوفای ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ . آثار علمی و قلمی او ، همانند : حاشیه بر شرح المعه و ...، نشانه ذوق ، سلیقه ، نبوغ و تبخر او میباشد .

۳- علامه محقق ، آقا سید مهدی موسوی خوانساری (جد مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید احمد خوانساری) که از شاگردان محقق قمی بوده ، و در نجف اشرف دفن گردیده (۱) و سرسلسله یک خاندان بزرگ علمی میباشد .

۴- چهره نامدار و بزرگ علم و معنویت ، حاج میرزا ابوالقاسم ، جعفر ، معروف به ، میرکبیر موسوی (سرسلسله خاندان علمی بزرگ موسوی خوانساری و جد بزرگوار صاحب روضات و ...) متوفای ۱۱۵۸ ، که قبرش در قودجان گلپایگان ، مزاری معروف می باشد (۲).

۵- علامه بزرگوار ، میر سید زین العابدین خوانساری ، پدر و مربی دو چهره نامدار و بزرگ علمی ، آقا سید محمد باقر خوانساری (صاحب روضات الجنات) و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (صاحب مبانی الاصول) وی ، در سال ۱۲۷۵ قمری و به نوشته ریحانه الأدب ، در سال ۱۲۷۶ ، وفات یافته و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردیده است .

۶- فقیه اصولی و محقق رجالی ، و ادیب جامع ، آقا سید محمد باقر موسوی خوانساری چهارسوقی ، معروف به صاحب روضات ، که از مفاخر علمی خوانسار

ص: ۵۱۸

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵، صفحه ۴۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۵

و اصفهان ، بلکه جهان شیعه می باشد ، و خود ، سرسلسله خاندانی بزرگ و علمی قرار گرفته است .

۷- فقیه و محقق و اصولی مدقق ، و جامع معقول و منقول ، و صاحب تألیفات فراوان ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی خوانساری ، متوفای ۱۳۱۸ قمری . وی برادر صاحب روضات ، می باشد .

۸- فقیه و اصولی و محقق نامدار ، حاج شیخ موسی خوانساری ، صاحب تقریرات درسهای مرحوم نائینی و حاشیه بر مکاسب ، و متوفای ۱۳۶۳ ، وی ، از چهره های علمی نامدار حوزه نجف اشرف ، در نیمه قرن چهاردهم بوده است

۹- فقیه و مرجع بزرگ شیعه ، و یکی از زعمای حوزه علمیّه قم ، پس از ارتحال مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، سید آلفقهاء و المجتهدین ، علم التقوی و أسوه الزهد ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید محمد تقی خوانساری ، متوفای ۱۳۷۱ قمری ، که در سلسله نسب آن بزرگمرد ، تا امام موسی بن جعفر علیه السلام ، چهره های مبرز علم و تقوی ، متعدّد بوده اند ، و شخص ایشان در علم و تقوی از مفاخر شیعه و حوزه علمیّه قم ، و شهر خوانسار ، به شمار می رود .

۱۰- فقیه و مرجع عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری قدس سره ، متوفای ۱۴۰۵ قمری که ، نه تنها از مراجع بزرگ شیعه در اواخر قرن چهاردهم ، و زعیم دینی و حوزه ای ، در پایتخت کشور (شهر تهران) بودند ، بلکه در مقام تقوی و زهد ، تالی تلو معصوم و أسوه زهد و ورع ، به شمار می رفتند ، و یکی از مراجع بزرگ تقلید ، وقتی سخن درباره این بزرگ مرجع دینی ، به میان آمده بود ، فرموده بودند : آیا درباره مقام عصمت ایشان ، سؤال می فرمائید ؟ .

مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید احمد خوانساری قدس سره، در فقه و اجتهاد و ملکات فاضله، از مفاخر بزرگ شیعه، حوزه علمیه قم و شهر تهران و زادگاهشان (شهر خوانسار) به شمار می روند.

و این بود نمونه ای از مفاخر علمی و اجتهادی شهر خوانسار، که بحث از هر کدام از یادشدگان فوق، شرح حال مفصلی می طلبد، و چهره هائی که مورد اشاره قرار نگرفته اند، شمار بسیار زیادی هستند که فقط در گنجینه دانشمندان (در بخش مربوط به خوانسار) نزدیک به هشتاد نفر از چهره های مبرز آنان را یاد می کند، و در ریحانه الأدب نیز، در ذیل کلمه خوانساری، جمعی از آنان را زینت بخش کتاب خود قرار داده است، و در کتابهای اعیان الشیعه، روضات الجات، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی، بسیاری از آنان، مورد معرفی قرار گرفته اند.

مدارس علمیه خوانسار

الف - مدرسه علمیه مریم بیگم

این مدرسه در سالهای اخیر، به نام مدرسه علوی نامیده می شود، و در قرن یازدهم، در زمان محقق نامدار، آقا حسین خوانساری (در دوره حکومت شاه سلیمان صفوی) ساخته شده، و در سال ۱۳۵۴ شمسی زیر نظر یکی از علماء بزرگوار خوانسار، (آقای حاج سید حسین علوی) تعمیر گردیده است.

این مدرسه، با توجه به سابقه ممتدی که دارد، محل تحصیل بسیاری از علماء و فضلاء خوانساری بوده، و چهره های برجسته ای، همانند: مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید محمد تقی خوانساری، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید احمد خوانساری، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا

گلپایگانی قدس سره، و نیز حضرت آیه الله، آقای حاج شیخ أبو الفضل خوانساری، دام عمره الشریف و...، مراحل از تحصیل خود را در این مدرسه، طی نموده اند.

مدرسه یاد شده و در حال حاضر، محلّ فعالیت حوزه ای است، و مخصوصاً در تابستانها، که حوزه علمیّه قم تعطیل میباشد، عدّه زیادیتری از طلاب، به درس و بحث و فعالیت علمی، در این مدرسه می پردازند.

ب - مدرسه علمیّه میرباقری

این مدرسه نیز، سابقه زیاد دارد، و در حدود دویست سال از تأسیس آن میگذرد، و در سال ۱۲۳۲ قمری به وسیله شخصی به نام حاج میرباقر ساخته شده است (۱).

در سال ۱۳۶۲ شمسی، زیر نظر امام جمعه محترم خوانسار، آیه الله، سید مهدی غضنفری، تعمیر و توسعه یافته، و در حال حاضر، در حدود بیست حجره دارد.

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۶ شمسی) تعداد سی نفر از طلاب، در رتبه مقدمات و سطح (شرح لمعه و اصول الفقه)، در این مرکز علمی، اشتغال به تحصیل داشتند.

کتابخانه مدرسه، به نام شهید مجید میرباقری میباشد، و جدید التّاسیس است. این مدرسه پس از سالها تعطیل، در سال ۱۳۹۱ قمری (۱۳۵۰ شمسی) توسط آیه الله غضنفری (فوق الذّکر) محلّ فعالیت درسی و حوزوی گردیده است.

محل این مدرسه، در محله در راه می باشد.

ص: ۵۲۱

ج - مدرسه عظیم ولی عصر «عج»

مجموعه علمی و دینی عظیمی است، که در شهر مذهبی خوانسار، به وسیله یکی از علماء مبرز و پر تلاش خوانسار، آیت حق، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید مهدی ابن الرضا، دامت برکاته (که دارای خاندانی اصيل و علمی در شهر خوانسار میباشند) تأسیس گردیده، و به نام:

حوزه علمیة ولی عصر «عج» خوانسار

رسماً نامگذاری شده است. این مجموعه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و با توجه به وضعیت و موقعیت و وسعت شهر خوانسار، مجموعه علمی و دینی بی نظیری، محسوب می گردد، و تماشا کننده را به إعجاب و امید دارد.

فعلیتهای مقدماتی تأسیس این مرکز علمی و دینی، در سال ۱۳۴۸ شمسی (۱۳۸۸ قمری) آغاز گشته، و از سال ۱۳۵۲ شمسی، شروع به ساختمان گردیده، و از سال ۱۳۵۷ شمسی، فعالیت درسی آن عملاً، شروع گردیده، و در حال حاضر (۱۳۷۵ شمسی)، قسمتهای عمده ساختمان آن، انجام شده است

این مجموعه بزرگ، در قطعه زمینی به مساحت چهل هزار متر، در خیابان شهداء شهر خوانسار قرار گرفته، و برای بخشی از ملحقات آن، متجاوز از ده هزار متر دیگر، در نزدیکی زمین اول تهیه گردیده، و مورد استفاده قرار گرفته، و مجموعاً از بخشهای گوناگون ذیل، تشکیل یافته است:

۱- بخش اداری و فعالیتهای مربوط به اداره امور گوناگون حوزه علمیة .

۲- بخش مدرس ها، و محل تشکیل جلسات درسی مدرسه .

۳- خوابگاه و محل سکونت مدرسین مدرسه .

۴- خوابگاه و محل سکونت طلاب مدرسه

۵- محل سکونت طلاب معیل .

۶- کتابخانه (مخزن و سالن مطالعه) .

۷- اُنبارهای گوناگون ، برای تأمین نیازهای مدرسه .

۸- سالن غذاخوری برای مدرّسین و طُلاب مدرسه ، با تجهیزات کامل .

زمین مدرسه چون در دامنه کوه قرار گرفته ، و قسمتهای مختلف آن در یک سطح نیست ، بعضی از قسمتهای مدرسه ، یک طبقه ، و بعضی دو طبقه ، و قسمتی سه طبقه است ، ضمناً باغچه های مدرسه ، که در سطوح مختلف قرار گرفته ، و به شکل زیبایی درختکاری و گلکاری شده ، بر شکوه و جاذبه مدرسه افزوده است .

این مدرسه ، در حال حاضر بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ طلبه دارد ، که در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، (و گاهی دوره خارج) تحصیل علم میکنند ، و در تابستانها ، عده ای از طُلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ، به این مرکز علمی و سایر مدارس خوانسار می پیوندند ، و به تحصیل یا تحقیق یا تألیف و دیگر فعالیت های علمی ، می پردازند . بهره گیری از سیستم های پیشرفته ، از قبیل : وسایل صوتی و تصویری و کامپیوتر ، بر جاذبه مدرسه افزوده است .

برنامه تهیه غذا و پذیرائی از مدرّسین و طُلاب ، کاملاً منطبق با ضوابط شرعی و بهداشتی ، و در حدّ کامل می باشد .

حوزه علمیه ولی عصر (عج) ، مجموعاً مدرسه ای است با مدیریت قاطع و قوی ، و امکاناتی کامل و پیشرفته ، که از نظر ساختمانی و معماری ، در حدّ بسیار بالائی قرار گرفته ، و با استفاده از نقشه کامل و استحکام بنا ، و تزئینات مناسب ، از قبیل : کاشی کاری ، آجرنماکاری ، و تأسیس گنبدها و سردرها و سالن های بزرگ ، دارای موقیت برجسته ای می باشد (البته قسمتهای عمده ، از ساختمان این مجموعه و نماسازی ، انجام شده ، ولی هنوز کامل نشده است)

از جاذبه های جالب و سالم و ارزشمند این مرکز علمی را ، آمادگی برای پذیرش محققین ، و تهیّه امکانات برای آنها ، استفاده از امکانات و وسایل پیشرفته ، نظم و انضباط کامل (آنهم در آب و هوای مطبوع شهر کوهستانی خوانسار ، همراه با درختکاری ها و گلکاری های داخل مدرسه) می توان به شمار آورد .

خانه های علماء ، مدرسه های پربرکت

در شهر خوانسار ، علاوه بر مدرسه های رسمی ، بسیاری از علماء بزرگ (مخصوصاً در دوره های حکومت های ظالمانه) در خانه های خود حوزه درسی تشکیل می داده ، و به تعلیم و تربیت شاگردان می پرداخته اند ، و گاهی ، علاوه بر تدریس خودشان ، به علمای دیگر فرصت می داده اند که در منزل آنها حوزه درسی تشکیل دهند . ذیلاً به چند نمونه ، اشاره می نمائیم :

۱- حکیم بزرگوار مرحوم آخوند محمّد علی حکیم ایمانی ، که استاد علوم عقلی بوده ، و در منزل خود ، تدریس می نموده است .

۲- مرحوم حاج میرزا یوسف مهدویانی ، که استاد فقه و اصول و ادبیّات بوده ، و در خانه خود ، به تعلیم و تربیت طلاب می پرداخته است .

۳- مرحوم حاج سیّد علی اکبر (همسر خواهر مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد احمد خوانساری) که خود از علماء بزرگ ، و دارای مقام اجتهاد بوده ، و در منزل خود تدریس می نموده است .

۴- مرحوم آقا میرزا محمود ابن الرضا ، که مجتهدی بزرگ و مورد توجه بوده ، و در فقه و اصول ، در منزل خود حوزه درسی داشته است .

۵- مرحوم آقا میرزا عبدالجواد موسوی ، که از بنی اعمام صاحب روضات

بوده ، و ادبیات و مخصوصاً کتاب مطّول را ، تدریس می نموده است .

و همچنین، بسیاری دیگر از علماء و مدرّسین ، که به علل گوناگون فردی یا اجتماعی ، محلّ تدریس خود را در منزل و خانه خود قرار میداده ، و به تعلیم و تربیت شاگردان می پرداخته اند .

کتابخانه فاضل

یکی از دانشمندان و محترمین خوانسار ، آقای حاج محمّد حسن فاضلی ، فرزند مرحوم حاج ملا محمد مهدی فاضل (که از علماء طراز اول خوانسار ، و مجتهد و دارای اجازه اجتهاد از چندین نفر از مراجع و علماء بزرگ نجف بوده) منزل پدر خود را تبدیل به کتابخانه نموده ، و به صورت چهار طبقه ساخته است .

این کتابخانه ، دارای کتابهای خطّی و نسخه های نفیس و مجلّات متنوّع می باشد ، و دو جلد از فهرست مخطوطات این کتابخانه ، منتشر شده است .

تأسیس کتابخانه یاد شده ، از حدود سال ۱۳۶۷ شمسی به بعد بوده ، و هنوز به صورت فعال درنیامده ، و برنامه ریزی منسجم و کامل نیافته ، و امید است که به صورت یکی از مراکز تحقیق و فعالیت گسترده علمی و دینی ، در آید (۱) .

۶- خوراسگان

خوراسگان ، در گذشتّ زمان یکی از روستاهای تابعه اصفهان ، و در ۱۰ کیلومتری شرق آن بوده ، ولی در حال حاضر، با توجّه به گسترش و توسعه

ص: ۵۲۵

۱- برای آشنائی با حوزه علمیّه و مدارس و علماء شهر مذهبی خوانسار ، نویسنده این سطور ، چندین سفر به شهر خوانسار نمودم، و از نزدیک ، با مدارس و مراکز دینی این شهر زیبا، آشنا گردیدم ، و از گفتار علماء و دانشمندان آن ، بهره مند گردیدم

اصفهان و خوراسگان ، تبدیل به شهری مستقل ، ولی متصل به شهر اصفهان گردیده است .

وجود امامزاده های متعدّد ، در این شهر ، مخصوصاً امامزاده لازم التّعظیم ، أبو العباس (محمّد) که از نسل قمرینی هاشم ، حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام است، و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه و ضریح و رواق بسیار زیبا و شکوهمند میباشد (۱)، و نیز وجود علماء و خطباء و روحانیون بزرگوار (اعمّ از سادات و غیر سادات)، و نیز وجود مساجد و مراکز دینی متعدّد و فراوان ، نشان دهنده روح ایمان و ولایت مردم این سامان میباشد .

مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام

مدرسه ای است باشکوه و بزرگ ، که زیر نظر یکی از علماء برجسته خوراسگان ، آیه الله ، آقای حاج شیخ مرتضی مقتدائی دامت برکاته تأسیس گردیده است . از سال ۱۳۵۴ شمسی ، مقدمات تأسیس مدرسه فراهم گردیده ، و در سال ۱۳۶۱ ساختمان آن اتمام یافته است .

مدرسه امام صادق علیه السلام ، ۵۵ حجره و سه میدرس و سه سالن بزرگ و کتابخانه دارد، و به صورت دو طبقه میباشد ، علاوه بر یک زیرزمین بزرگ، و در حال حاضر، در حدود ۹۰ نفر طلبه ، در رتبه درس مقدمات و سطح متوسط ، در آن اشتغال به تحصیل دارند . محلّ مدرسه ، خیابان اباذر می باشد، و در نماسازی آن، از آجرنما و کاشی کاری بهره گیری شده ، و دارای سردرب زیبا و کاشیکاری شده و باشکوه می باشد .

ص: ۵۲۶

۱- درباره امامزاده ابوالعباس ، به تفصیل ، در بخش (امامزادگان اصفهان و حومه) بحث و بررسی داریم

در جوار امامزاده أبو العباس علیه السلام، منزلی است متعلق به امامزاده علیه السلام، که در حال حاضر در اختیار حوزه علمیه قرار گرفته، و دروس دینی به روش حوزوی برای طبقه نوان تدریس می شود، و جمع زیادی از بانوان و دختران، اشتغال به تحصیل علوم دینی دارند.

کتابخانه امامزاده أبو العباس علیه السلام

در جوار امامزاده أبو العباس علیه السلام، کتابخانه‌های وابسته به تشکیلات وسیع امامزاده علیه السلام تأسیس گردیده، و به صورت فعال می باشد، و یکی از مراکز علمی - دینی شهر خوراسگان به شمار می رود، و تمامی رشد و امکانات آن، متعلق به امامزاده أبو العباس علیه السلام میباشد.

۷- داران

مرکز شهرستان فریدن می باشد، و در ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب اصفهان واقع شده است (۱). مدرسه علمیه آن، به نام منتظریه است، که در سال ۱۳۵۸ شمسی به صورت منزلی بوده، که آقای دکتر مصطفوی اهداء نموده اند، و در سال ۱۳۶۲، با ضمیمه شدن یک قطعه زمین، ساختمان مدرسه علمیه، شروع گردیده است.

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه، در سال ۱۳۶۵ قسمتی از ساختمان مدرسه به صورت دو طبقه انجام گرفته، و بخشی از آن، محل سکونت طلاب مدرسه قرار گرفته بود، و طلاب آن (که بیست و پنج نفر بودند) در رتبه درسی

ص: ۵۲۷

مقدمات و سطح متوسط اشتغال به تحصیل داشتند . تأسیس مدرسه ، زیر نظر حجه الإسلام و المسلمین ، آقای سید امین الله معین الدینی انجام گرفته است .

۸-درجه

درجه ، که در قدیم الایام درجه پیاز نامیده میشده ، و به صورت روستائی بوده ، در حال حاضر ، توسعه یافته ، و به حالت شهر در آمده است ، و گفته میشود که با حومه نزدیک آن ، جمعیتی در حدود چهل هزار نفر دارد . محل آن با فاصله کمی ، در جنوب غربی اصفهان ، در جنوب جاده اصفهان - نجف آباد ، و در شمال اتوبان اصفهان - ذوب آهن ، قرار گرفته است .

مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام

مدرسه ای است که در سالهای بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ قمری ، زیر نظر آیه الله حاج سید مصطفی شریعت موسوی ، (فرزند مرحوم آیه الله ، آقا سید مهدی درجه ای اعلی الله مقامه) تأسیس گردیده ، و دو طبقه است و ۱۲ حجره و دو مدرس و یک کتابخانه دارد ، و محل آن ، در محله در می باشد . مدرسه یادشده ، سالهای طولانی ، محل سکونت طلاب و فعالیت درسی بوده ، ولی در حال حاضر تعطیل می باشد .

۹- دستجرد جرقویه

جرقویه یکی از بخشهای استان اصفهان و کویری می باشد ، و مردم آن علاقمند به مذهب و مکتب اهل البيت علیه السلام می باشند .

از روستاهای آن ، عده زیادی برای تحصیل علوم دینی ، وارد حوزه علمیه میشوند ، و عموماً طلبه های مؤدب و دارای ریشه های عمیق دینی و مذهبی هستند ، و در ترویج دین ، کوشا می باشند .

ص: ۵۲۸

یکی از روستاهای جرقویه ، دستجرد است ، که امامزاده ای دارد به نام سلطان سعید علیه السلام، که نسب او را منتهی به امام موسی بن جعفر علیه السلام می دانند .

ساختمان امامزاده ، در سال ۱۳۶۷ شمسی تجدید بناء گردیده ، و حرم و گنبد بزرگی برای آن ساخته شده است ، که در حال تکمیل می باشد .

مدرسه علمیه دستجرد

در کنار امامزاده ، مدرسه علمیه ای ساخته شده ، که دوازده حجره (به شکل دو طبقه) دارد، و یک مدرس هم برای آن در نظر گرفته شده است .

۱۰- دولت آباد

واقع در ۱۵ کیلومتری شمال اصفهان می باشد ، و مدرسه علمیه ای دارد ، به نام مدرسه جعفریه که زیر نظر یکی از علماء بزرگوار محل، آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی دامت برکاته میباشد ، (طبق کاشی بالای سردر مدرسه) و در سال ۱۳۷۷ قمری تأسیس گردیده است .

مدرسه یاد شده ، ۱۲ حجره دارد، و بخشی دو طبقه است ، و چهار طرف ساختمان دارد، و در جوار مسجد قرار گرفته است . در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، در سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۴۰۸ قمری) در حدود ۱۵ نفر اشتغال به تحصیل داشتند ، که شش نفر آنها ساکن در مدرسه بودند ، و بقیه فقط در بعضی از درسهای مدرسه ، شرکت می نمودند .

۱۱- دهاقان

شهری است در ۱۸ کیلومتری غرب شهرضا(۱) و مدرسه علمیه ای دارد ، که

ص: ۵۲۹

به نام مدرسه علمیه حسینیّه نامیده می شود، و در سال ۱۳۸۴ قمری، زیر نظر یکی از علمای محل به نام آقای شیخ نعمت الله اسماعیلی تأسیس گردیده، و در کاشیکاری بالای در مدرسه، و نیز بر روی قطعه سنگی در داخل مدرسه، سال تأسیس آن، قید گردیده است.

مدرسه یاد شده، دو طبقه است، و ۱۵ حجره دارد، و محل آن در انتهای بازار دهاقان، خیابان شهید موسوی میباشد. در هنگام بازدید نویسنده از مدرسه، (در سال ۱۳۶۵ شمسی، مقارن ۱۴۰۶ قمری) ده نفر طلبه، زیر نظر آقای روح الامین و آقای بهاری، اشتغال به تحصیل داشتند.

۱۲- رهنان «رنان»

شهر رهنان، قبلاً به صورت روستائی بوده، و در حال حاضر، کاملاً به شهر اصفهان متصل گردیده، و دارای مسجد جامع و مدرسه علمیه ای می باشد، که سابقه آن به سیصد سال قبل میرسد، و روی سقاخانه سنگی آن، تاریخ ۱۱۱۲ هجری، حجاری شده است.

مدرسه یاد شده، متصل به مسجد می باشد، و هشت حجره دارد، که محل تحصیل و فعالیت درسی طلاب بوده است. تا سال ۱۳۱۳ شمسی طلاب علاقمند رهنانی، مراحل مقدماتی دروس حوزه ای را در این مدرسه، سپری مینموده اند، و سپس به سوی حوزه علمیه بزرگ اصفهان رهسپار گردیده، و ادامه تحصیل می داده اند. محل مسجد و مدرسه، خیابان ابوذر، نزدیک فلکه امام حسین علیه السلام (فلکه شهرداری) می باشد (۱).

ص: ۵۳۰

۱- تحقیقات فوق، به وسیله یکی از فضلاء عالیقدر رهنان، حجه الاسلام، آقای شیخ محمد علی رضائی دام عزّه، انجام گردیده است

این شهر، که قبلاً به صورت روستائی بودرو به نام (ریز) خوانده می شد، در اثر مجاورت با کارخانه عظیم ذوب آهن، به سرعت توسعه یافته، و به صورت شهری نسبتاً بزرگ در آمده، که در منطقه لنجان، مورد توجه قرار گرفته است.

مدرسه علمیّه زرین شهر

در سال ۱۳۲۵ شمسی، یکی از علماء فعال و پرتلاش، حجّه الإسلام و المسلمین، آیه الله، آقای حاج شیخ محمود شریعت ریزی، در قطعه زمین بزرگی به مساحت چهار هزار متر، مدرسه علمیّه ای را پایه گذاری، و در سال ۱۳۳۹ شمسی در قسمتی از همین زمین، کتابخانه ای تأسیس نمودند.

کوشش و پشتکار عجیب این بزرگمرد، و حمایت مراجع زمان (آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، و آیه الله العظمی، آقای بروجردی و مراجع تقلید پس از آنها) و نیز حمایت علماء بزرگ حوزه علمیّه اصفهان، موجب رشد و موفقیت برنامه های این مدرسه علمیّه گردید، تا جائی که در بعضی از دوره ها، تعداد طلاب مدرسه، به ۵۵ نفر رسیدند (که این رقم با توجه به محدودیت روستای ریز و شرائط منطقه) از اهمیت شایانی برخوردار می باشد

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۶ شمسی)، شمار طلاب مدرسه به ۳۰ نفر می رسید، که در دوره مقدمات و سطح، اشتغال به تحصیل داشتند، و جمعی از علماء زرین شهر، با همکاری یکدیگر، در تدریس و اداره امور طلاب اقدام می نمودند.

مفاخر علمی زرین شهر

از مفاخر گذشته ریز (زرین شهر)، یکی مرحوم آقا سید محمد، معروف به

(آقا سید آقا جان) بوده ، که مدّرسی بزرگ در دروس سطح ، و خطیب و واعظی برجسته به شمار می رفته ، و در مقامات معنوی و روحی ، جایگاهی برجسته داشته است . وی اصلاً ریزی بوده ، و در اصفهان تحصیل و سپس تدریس می نموده ، و منبر می رفته است ، و در سال ۱۳۶۴ قمری از دنیا رفته ، و در تخت فولاد ، در تکیه سید العراقرن ، مدفون گشته است (۱) . و دیگری مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی ، متوفای ۱۳۲۹ قمری میباشد ، که از شاگردان شیخ أنصاری بوده ، و اول کسی است که افکار مرحوم شیخ را با تدریس کتاب رسائل (فرائد الأصول) در اصفهان مطرح نموده است .

مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی ، مجتهدی اصولی بوده ، و در زهد و تقوی ، مقامی رفیع داشته ، و شبهای جمعه در تخت فولاد ، برنامه دعای کمیلی داشته ، که در سوز و گداز و ایجاد انقلاب روحی و توبه و إنابه ، نقش عجیبی ایفاء مینموده است ، و جمعیت پای منبر او را ، متجاوز از ده هزار نفر نوشته اند (۲) . پدر آن بزرگمرد ، از علماء جلیل القدر و ساکن ریز بوده ، و در بقعه مخصوصی ، در همان روستای ریز ، مدفون گردیده است (۳) .

۱۴- زواره

زواره بر وزن شراره و هزاره ، از توابع شهر أردستان ، و با فاصله ۱۷ کیلومتر ، در شمال شرقی آن قرار گرفته است (۴) .

ص: ۵۳۲

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۰۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۹۸

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۸۴

۴- فرهنگ جغرافیائی ایران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۰۴

زواره ، مدینه السادات

زواره در قرون اولیه اسلامی ، وقف بر سادات طباطبائی گردیده ، و لذا ، سادات زیادی از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام ، به این محل مهاجرت نموده اند ، و در نتیجه ، به علت فراوانی سادات در این شهر کوچک ، به نام (مدینه السادات) نامیده شده ، و ظاهراً این نامگذاری ، مربوط به اوائل قرن چهارم هجری بوده است (۱).

سابقه تشیع در زواره

با توجه به سکونت سادات طباطبائی در این شهر، می توان سابقه تشیع آن را به دست آورد، و با وجود نسل پیامبر صلی الله علیه وآله در این شهر مذهبی ، می توان به خوبی دریافت که آنها حافظ و ناشر فرهنگ دینی و مذهب اهل البیت علیه السلام ، در این منطقه بوده اند، و نیز می توان به درستی قضاوت نمود، که از حدود زمان متوکل عباسی (زمان مهاجرت گسترده سادات ، به زواره) تا کنون ، مذهبی غیر از تشیع و ولای اهل البیت علیه السلام ، در این شهر وجود نداشته است .

شهر زواره ، خاستگاه چهره های بزرگ علمی

بسیاری از علماء بزرگ و مشهور ، از این شهر برخاسته و در جهان علم و دانش ، درخشیده اند ، همانند :

۱- حکیم و مفسّر و ریاضی و منجم و دانشمند متبحر ، مولی جمشید بن مسعود بن محمود زواری ، که آثار بسیاری از خود به جای گذارده ، و از علماء بزرگ

ص: ۵۳۳

أواسط قرن نهم هجری بوده است (۱).

۲- مفسّر و محدّث و فقیه اُدیب ، مولی أبو الحسن ، علی بن حسن زواره ای که از علمای قرن دهم بوده ، و استاد ملاً فتح الله کاشانی (مفسّر نامدار شیعه) می باشد ، و آثار تألیفی فراوان دارد .

۳- سید سراج الدّین زواری (میر قاسم) ، که از شاگردان میرز شیخ بهائی بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است، و به احترام او که در میدان سنیّه قم إقامت داشته ، آن میدان را به نام میدان میر (میر قاسم) نامیده اند .

۴- ملاً عبدالعظیم بیدگلی زوارهای ، که مجتهدی بزرگ و مدرّسی عالیقدر بوده ، و متوفای بعد از ۱۲۴۸ قمری میباشد ، و از شاگردان محقّق قمی صاحب قوانین (و از معاصرین و همدرس سید شفتی بوده است (۲) .

بقعه های دینی زواره، سندی بر دیانت و تشیع و فرهنگ مذهبی زواره

بقعه های زیادی (در حدود بیست عدد) در زواره وجود دارد ، همانند بقعه سبز ، که گفته میشود متعلق به بانی مسجد جامع زواره است ، و بقعه سید بهاء الدّین حیدر ، که جدّ اعلای أغلب سادات طباطبائی أردستان و زواره است ، و بقعه سید علاء الدّوله ، که از نیاکان سادات طباطبائی بوده ، و بقعه میرزا محمّد صادق ، که از علماء بزرگ بوده ، و بقعه میرزا محمّد طاهر طیب (نیر آلحکماء)،

ص: ۵۳۴

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۲۵۶

۲- در کتاب (حوزه های علمیّه شیعه) ، جمع زیادی از علما و بزرگان زواره را مورد بحث قرار داده ، و به تفصیل ، از آثار و عظمت آنها بحث کرده ایم، البته بخش زواره از آن کتاب ، هنوز به چاپ نرسیده است

و بقعه حاجی میر محمد علی و حاج میرزا علیرضا خادم الحسین ، که از مردان نیکوکار بوده اند ، و بقعه های دیگر ، که همه و همه ، نشان دهنده سابقه دینداری و ولایت و تشیع و علم و دانش و معنویت مردم زواره ، می باشد .

به طور کلی ، مردم زواره ، اکثریت قاطع آنها باسواد بوده اند ، و معمولاً ، قرآن را با تجوید می خوانده اند ، و در قدیم آلائیم ، علماء بزرگی در علم تجوید ، همانند : ملا- حافظ زواره ای ، و ملا شاه محمّد زواره ای ، داشته اند . البته از دوره حکومت پهلوی به بعد ، وضعیت علمی و دینی زواره ، صدمه دیده ، و آن رونق قدیم را ندارد (۱) .

مدرسه علمیّه حاج لطفعلی خان

تنها مدرسه علمیّه زواره ، مدرسه ای است که به وسیله حاج لطفعلی خان ترشیزی (کاشمیری) ، در زمان ملا عبد العظیم بن محمّد تقی بیدگلی ، که معاصر با حجه الاسلام شفتی ، (متوفای ۱۲۶۰ قمری) بوده ، در حدود یکصد و شصت سال قبل تأسیس گشته ، و موقوفاتی بر آن قرار داده شده است .

مدرسه یاد شده ، پس از تأسیس ، زیر نظر ملا عبد العظیم قرار گرفته ، و آن بزرگمرد ، تولیت امور مدرسه و تدریس و تربیت طلاب را بر عهده داشته ، و پس از او ، فرزندش به نام ملا محمد علی ، و پس از او ملا اسماعیل بن ملا عبد العظیم ، و پس از آن ، ملا علی اکبر بن ملا عبد العظیم و پس از آنها ، برخی از نوه های ملا عبد العظیم ، تولیت مدرسه را بر عهده داشته اند .

این مدرسه ، سالیان دراز ، محلّ فعالیت علمی و تربیت طلاب بوده ، و فعالیت حوزه ای در آن انجام می گرفته است ، تا آنکه در سال ۱۳۰۰ شمسی

ص: ۵۳۵

(۱۳۴۰ قمری) در زمان حکومت پهلوی اول غصب گردیده، و به صورت دبستان در آمده است، ولی در سال ۱۳۶۴ شمسی، برابر ۱۴۰۴ قمری، به حوزه علمیه بازگردانده شده، و محل سکونت و درس و بحث حوزوی قرار گرفته و مدرسه یاد شده، در دوره اخیر، و به نام مبارک امام باقر علیه السلام، نامگذاری شده است.

مدرسه لطفعلی خان (مدرسه امام باقر علیه السلام) دارای ۸ حجره می باشد، و ساختمان آن در سه طرف قرار گرفته، و به صورت یک طبقه میباشد، و به علت استحکام بنا، فقط گاهی تعمیراتی در آن انجام گرفته است.

محل مدرسه، در جوار امامزاده یحیی علیه السلام، در محله سر بازار میباشد (۱).

۱۵- سمیرم

شهری است در ۱۶۵ کیلومتری جنوب اصفهان، که راه اصلی آن از اصفهان، از طریق شهرضا میباشد.

مدرسه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام

در سال ۱۳۵۴ شمسی، زیر نظر یکی از مدرسین عالیقدر و بزرگوار حوزه علمیه قم، حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ رحمت الله فشارکی دامت برکاته، و با فعالیت مرحوم حاج حسین صابری و با کمک مردم، در شهر سمیرم، مدرسه علمیه ای به نام امام جعفر صادق علیه السلام شروع به ساختمان گردیده، و در سال ۱۳۵۸ به پایان رسیده است.

ص: ۵۳۶

۱- تحقیقات محلی و بررسی حضوری نویسنده، در تاریخ ۱۳۶۷ شمسی، و نیز آتشکده اردستان، جلد ۱، صفحه ۱۵۶

این مدرسه دو طبقه است ، و در زمان تهیّه گزارش و انجام تحقیق راجع به این مدرسه (در سال ۱۳۶۷ شمسی)، بیست و پنج نفر طلبه در این مدرسه سکونت داشته ، و در رتبه های درسی مقدمات و سطح (شرح لمعه و اصول الفقه) ، مشغول به تحصیل بوده اند (۱).

۱۶- سُهر فیروزان

(۲)

که مشهور به سُهر فریزان است ، و نزدیک به شهر فلاورجان ، و از توابع آن شهرستان می باشد .

در اواخر قرن چهاردهم هجری قمری ، مدرسه ای به وسیله سازمان اوقاف اصفهان و نظارت رئیس آن (در آن هنگام) ، تأسیس گشته است .

این مدرسه یک طبقه است ، و به سبک مدارس قدیمه ساخته شده ، و دارای یک مدرّس و ۱۲ حجره میباشد ، و دری دارد که به سوی امامزاده سُهر فیروزان علیه السلام ، باز می شود .

۱۷- شاه تور «شاهطور»

دهی است از منطقه رویدشت ، که در فاصله ۶۰ کیلومتری اصفهان می باشد

مدرسه علمیّه شاهطور

در طرف شمال امامزاده عبد العزیز علیه السلام (که نسب او به حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام میرسد) صحنی وجود داشته ، به نام صحن مدرسه ، که هنوز هم

ص: ۵۳۷

۱- گزارش و تحقیقات انجام شده ، توسط مدرّس مدرسه (در تاریخ فوق) ، آقای شیخ علی پیروزی دام عزّه ، فراهم شده است

۲- فرهنگ جغرافیائی ایران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۱۶

قسمتی از آن باقی است، و آن صحن، دارای پنج حجره بوده، که دو حجره آن جزء مسجد گردیده، و سه حجره هنوز باقی است، که احتیاج به مرمت و تعمیر دارد. آخوند ملا عبدالرزاق (آخوند شاه تور) متوفای حدود ۱۴۰۰ قمری، و پدر او ملا مهدی، و پدر او، ملا عبدالرزاق، و پدر او، ملا علی، همه عالم دینی محل بوده اند. در زمان آخوند ملا علی، که موقعیت علمی برجسته ای داشته، مدرسه یاد شده، محل درس و بحث بوده، و اطاقی هم در راه پشت بام وجود داشته، که کتابخانه مدرسه بوده، و مرحوم ملا علی، در آنجا به مطالعه می پرداخته است (۱) (۲).

۱۸- شهرضا «قمشه»

شهری است بسیار قدیمی (۳) که به نام قشمه نامیده می شده، و به مناسبت احترام امامزاده بزرگوار که در آن شهر مدفون گردیده، و به نام شاه رضا علیه السلام مشهور می باشد، این شهر، به نام (شهرضا) معروف گردیده است.

شهرضا در ۸۰ کیلومتری جنوب اصفهان قرار گرفته، و در میان راه اصلی اصفهان - شیراز واقع شده است. مردم شهرضا، در مذهب تشیع متعصب و قاطع، و هیچ نوع اقلیت مذهبی را در خود نمی پذیرند (۴).

سابقه علمی و دینی شهرضا بسیار زیاد است، و علماء زیادی در آن زندگی

ص: ۵۳۸

۱- اظهارات آقای سید محمد حسین شامیری، به نقل از عالم بزرگوار، آقای حاج شیخ عبدالرسول شاه توری، فرزند مرحوم ملا عبدالرزاق رحمه الله علیه

۲- مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، در یادداشتهای خود، این مدرسه را از آثار دوره شاه عباس اول، به شمار آورده اند

۳- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفح ۳۲۶

۴- تاریخ شهرضا، صفحه ۵۴

نموده ، و یا از آن برخاسته اند ، و لذا در باره آن ، کلمه یونانیچه (مخفف یونان کوچک) به کار برده شده است ، و چهره های برجسته ای از آن برخاسته و درخشیده اند ، همانند :

۱- آقا شیخ محمد حسین قمشه ای اصفهانی نجفی ، که از شاگردان شیخ أنصاری و آقا سید محمد حسین کوه کمری و میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی بوده ، و تألیفات گرانقدری در فقه و اصول از خود به جای گذارده ، و در سال ۱۳۳۶ قمری ، وفات یافته است (۱).

۲- حکیم و فیلسوف نامدار ، آقا شیخ محمد رضا قمشه ای متخلص به (صهبا) و متوفای ۱۳۰۶ قمری ، که مدرس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه صدر تهران بوده ، و شاگردانی نامدار ، همانند : مرحوم حکیم جهانگیر قشقائی و حاج میرزا أبو الفضل کلانتر و ... ، تربیت نموده ، و در هنگام مرگ ، به اطرافیانش توجه کرده و گفته است: آیا دیدید اسب سفیدی را که حضرت امام مهدی (عج) برای سوار شدن من فرستاده اند ؟ (۲) .

۳- حکیم و مفسر و زاهد نامدار و با ولایت ، حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای ، متوفای ۱۳۹۳ قمری (۳) که ترجمه و خلاصه التفسیر ایشان بر قرآن مجید ، از بهترین و مفیدترین ترجمه های قرآن به حساب می آید ، و ترجمه مفاتیح الجنان و ترجمه و شرح صحیفه سجادیّه آن بزرگمرد مفید و ارزشمند است ، و نیز دیوان بزرگ اشعار ایشان ، مورد توجه می باشد .

ص: ۵۳۹

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵ ، صفحه ۳۹۱ (جمع دیگری از علمای شهرضا نیز ، در همین جلد از کتاب یاد شده ، نام برده شده اند ، و شرح حالشان ذکر گردیده است)

۲- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵ ، صفحه ۳۹۲

۳- گنجینه دانشمندان ، جلد ۸ ، صفحه ۱۰۸

۴- مرحوم ملا مصطفی قمشه ای ، که از علماء و حکمای قرن سیزدهم بوده است .

۵- مرحوم آقا شیخ محمد باقر قمشه ای ، متوفای ۱۲۹۶، که جامع معقول و منقول، و مدرس در حوزه علمیّه اصفهان بوده است .

۶- مرحوم آقا شیخ اسد الله حکیم ، متوفای ۱۳۳۴، که مدرس علوم عقلی ، در مدرسه چهارباغ اصفهان بوده است (۱).

و همچنین چهره های دیگری از این شهر ، در کتب تراجم و رجال ، همانند : روضات الجنّات ، ریحانه الأیّد ، گنجینه دانشمندان ، رجال اصفهان ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان و ...، مورد معرفی قرار گرفته اند .

مدارس علمیّه شهرضا

الف - مدرسه حسینیّه سادات

این مدرسه ، در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۳۷۰ قمری) تأسیس گردیده ، و سرپرستی و تدریس آن را ، یکی از علماء مبرز شهرضا، حضرت حجه الإسلام و المسلمین ، آیه الله ، آقای حاج سید مهدی حجازی (۲) بر عهده دارند، و دارای کتابخانه ای می باشد ، و در طرف شرقی مدرسه ، مسجد جالبی وجود دارد ، که به نام مسجد سادات ، نامیده می شود . عدّه ای از طلاب

ص: ۵۴۰

-
- ۱- در کتاب (حوزه های علمیّه شیعه) در بخش مربوط به شهرضا به نحو مفصل بحث خواهیم داشت ، انشاء الله . و به کتاب تاریخ شهرضا، از صفحه ۶۲ تا ۱۰۱، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۵، بخش مربوط به شهرضا مراجعه شود
 - ۲- خاندان حجازی ، از خاندانهای سابقه دار و علمی شهرضا میباشند ، و علمای زیادی در این خاندان تربیت یافته و به عالم علم و دین خدمت نموده اند

و فضلالی شهرضا، در این مدرسه به تحصیل فقه و اصول و ... اشتغال دارند، و آیه الله، آقای حجازی، تدریس درس خارج فقه می نمایند. محلّ مدرسه واقع در خیابان ابوذر می باشد.

ب - مدرسه علمیّه صاحب الزّمان علیه السلام

این مدرسه، در سال ۱۳۵۰ شمسی (۱۳۹۰ قمری) زیر نظر یکی از علماء مبرز مشهور شهرضا، حضرت حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ غدیر علی ممیزدات برکاته، تأسیس گشته، و کتابخانه قابل توجهی دارد، که مشتمل بر سیزده هزار جلد کتاب (در زمان بازدید نویسنده از مدرسه و کتابخانه، در سال ۱۳۶۵ شمسی) می باشد، که اخیراً بر تعداد کتابهای آن افزوده شده است.

بخشی از مدرسه صاحب الزّمان علیه السلام، دو طبقه، و بخشی دیگر، سه طبقه است، و سی حجره دارد و از نظر ساختمان و نماسازی و کاشی کاری و فعالیت درسی، (در زمان بازدید نویسنده از مدراس شهرضا، در تاریخ ۱۳۶۵ شمسی) جالب ترین مدراس علمیّه شهرضا محسوب می گردید، و در آن زمان، در حدود هفتاد نفر طلبه، در رتبه مقدمات و سطح متوسط و سطح عالی (رسائل و مکاسب و کفایه الأصول)، در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند، و کتابخانه مدرسه، بسیار فعال و مورد بهره برداری بود.

محلّ مدرسه، خیابان صاحب الزّمان (عج) می باشد.

ج - مدرسه اقدمیه

این مدرسه در سال ۱۳۳۵ شمسی (۱۳۷۵ قمری) زیر نظر یکی از علمای شهر، حجه الإسلام و المسلمین آقای حاج شیخ نصرالله زارعان در محله فضل آباد، خیابان صاحب الزّمان (عج) تأسیس گشته است. در زمان بازدید از

ص: ۵۴۱

مدرسه (در سال ۱۳۶۵ شمسی) در حدود سی نفر طلبه در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، در این مدرسه تحصیل علم می نمودند ، و کتابخانه ای هم در حد نیاز طلاب مدرسه وجود داشت ، و اخیراً نوارخانه ای نیز تأسیس گردیده است .

مدرسه یاد شده ، یک طبقه است ، و سرپرستی فعلی آن را ، حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین اسماعیل پور بر عهده دارند .

در مجاورت مدرسه اقدمیه ، سقاخانه ای است که از نظر معنوی مورد توجه میباشد ، و کلا مدرسه اقدمه و مسجد آن (در طرف شرق مدرسه) و سقاخانه یاد شده ، از موقعیت معنوی ، برخوردار میباشد .

د- مدرسه علمیة امام حسین علیه السلام

مدرسه ای است که در سال ۱۳۵۴ شمسی ، زیر نظر یکی از علمای شهر ، حجه الاسلام آقای حاج سید علی اکبر قرشی ، در خیابان دکتر بهشتی ، تأسیس گشته است . در زمان بازدید از مدرسه ، سی نفر طلبه در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند در دوره مقدمات و سطح ، و کتابخانه آن مشتمل بر شش هزار جلد کتاب بود ، که اخیراً افزایش یافته است .

مدرسه یاد شده ، دو طبقه است و مشتمل بر پانزده حجره ، و دو سالن و یک مدرّس میباشد .

ه - مدرسه علمیة امام صادق علیه السلام

مدرسه ای است که در سال ۱۳۵۵ شمسی ، زیر نظر حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ نعمت الله جعفری ، تأسیس گشته ، و محلّ تحصیل علوم دینیّه برای دختران و زنان می باشد ، و محل آن در خیابان حکیم صهبا ،

کوی شعیب ، واقع گردیده است . در زمان بازدید از مدرسه ، یکصد نفر در رتبه مقدمات و سطح متوسط (شرح لمعه و اصول الفقه) در این مرکز علمی و دینی اشتغال به تحصیل داشتند .

در نماکاریِ مدرسه ، از کاشی استفاده شده ، و مساحت آن ۱۸۰۰ متر می باشد ، و کتابخانه ای ، در حدّ نیاز طلاب مدرسه دارد .

و - دار العلم « مدینه العلم صاحب الزّمان » عج

قطعه زمین وسیعی به اندازه شصت هکتار ، در سمت راست جاده اصفهان ، شهرضا ، در مدخل شهر قرار گرفته ، و مُشرف بر شهرضا میباشد ، و بارگاه و آستان مقدّس شاه رضا علیه السلام و ساختمانهای شهر ، کاملاً در معرض دید می باشد ، و این قطعه زمین بزرگ ، در اختیار حوزه علمیه و علمای شهرضا قرار گرفته ، به منظور تأسیس یک مجموعه علمی - بهداشتی - اجتماعی ، مشتمل بر مدرسه علمیه و مسجد و منزلهای مسکونی برای مدرّسین و طلاب معیل ، و نیز بیمارستان و کتابخانه و سالن مطالعه و مرکز انتشارات و تحقیقات و ... ، و فعلاً ، بخشی از طرح یاد شده ، به اجرا در آمده است .

در حال حاضر ، ساختمان مدرسه علمیه ، به نام : دار العلم صاحب الزّمان (عج) در حال انجام می باشد ، که دو طرف آن ساخته شده ، و دو طرف دیگر در حال تکمیل می باشد ، و نماسازی یک طرف انجام شده است .

ساختمان مدرسه دو طبقه است در قطعه زمینی به مساحت دوازده هزار متر مربع ، و ۲۵۰ حجره در نقشه مدرسه ، منظور گردیده ، که یکصد حجره آن آماده شده است . کتابخانه مدرسه ، با هشت هزار جلد کتاب و سالن مطالعه ، مورد بهره برداری می باشد . هیئت اُمائی مرکب از ۲۵ نفر ، که چهارده نفر آنها

از علماء و مدّرسین شهرضا ، و بقیّه ، از معتمدین و مؤمنین می باشند ، بر این مجموعه ، نظارت دارند (۱) ولی عمده ، تأسیس و سرپرستی و ادامه برنامه های گوناگون مدرسه یاد شده ، بر عهده شخصیت والای روحانیت شهرضا ، حضرت حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ غدیر علی ممیز دامت برکاته العالیه می باشد ، که با فعالیت گسترده و مداوم ایشان ، گامهای برجسته ای در راه اهداف یاد شده ، برداشته شده است . تاکنون ، از مجموع واحدهای مسکونی که در طرح یاد شده است ، و تعداد آنها سیصد عدد میباشد ، فقط پنج واحد ساخته شده است ، و به خاطر نیاز شدید طلاب معیل ، تعدادی از آنها در حجره های مدینه العلم ، اسکان داده شده اند . در تابستانها ، طلاب شهرضائی مقیم قم ، برنامه های درسی و تحقیقی خود را در (مدینه العلم) انجام میدهند .

شمار طلاب شهرضا

شمار طلاب ساکن و محصل در شهرضا ، یکصد و پنجاه نفر ، و با محاسبه طلابی که در اصفهان و قم اشتغال به تحصیل دارند ، چهارصد نفر می باشند .

۱۹ - طالخونچه

قبلاً یکی از روستاهای بخش سمیرم سیفلی بوده ، و اخیراً ، جزء شهرستان النجان ، و از توابع مبارکه گردیده ، و حدود یک فرسخ با شهر مبارکه فاصله دارد

مدرسه علمیه قائم آل محمد «عج»

مدرسه ای است ، در قطعه زمینی به مساحت پانصد متر مربع ، و دارای شش

ص: ۵۴۴

۱- ناظر شرعی این مجموعه ، در زمان حاضر آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد علی اسماعیل پور ، مقیم قم می باشند

حجره میباشد و دو باب مغازه دارد، که به عنوان مَدْرَس و صندوق قرض الحسنه ، از آن استفاده میشود . طبقه دَوَم مدرسه ، که محل کتابخانه و سایر نیازمندیهای آن است (در زمان تهیّه گزارش در سال ۱۳۷۰ شمسی) تکمیل نگردیده بوده است . شروع در تأسیس مدرسه ، سال ۱۳۹۸ قمری ، برابر ۱۳۵۷ شمسی میباشد .

۲۰- فریدون شهر

شهری است که در ۱۵۵ کیلومتری غرب اصفهان می باشد، و در سال ۱۳۶۴ شمسی ، به وسیله یکی از علمای منطقه ، جناب آقای نوراللهی، منزلی تهیّه گردیده ، و به عنوان مدرسه علمیه قرار داده شده ، و در آن فعالیت حوزهای شروع گردیده ، و در چند نفر طلبه داشته است(۱).

۲۱- فلاورجان

شهری است در بیست کیلومتری اصفهان ، و در حاشیه زاینده رود میباشد ، که فاصله آن تا زرین شهر (مرکز لنجانان)، سی و پنج کیلومتر است (۲) .

مدرسه علمیه فلاورجان

مدرسه ای است، که در مرکز شهر قرار گرفته ، و دارای سه دَر ورودی است ، و سردر اصلی آن ، با کاشی معرق تزیین یافته ، و جمله :

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا

در میان نوشته های کاشیکاری ، جلب توجه می نماید . بیست نفر طلبه زن

ص: ۵۴۵

۱- اظهارات امام جمعه محترم شهر داران ، در ملاقاتی در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ شمسی

۲- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱، صفحه ۰۳۲۵

و پانزده نفر طلبهٔ مرد، در این مدرسه تحصیل علم مینمایند. البته قسمت طلاب مرد و طلاب زن، کاملاً جدا و مجزای از یکدیگر می باشد.

زمین مدرسه دو هزار متر، و ساختمان آن دو طبقه، و جمعاً دارای هجده حجره و میدرس میباشد. این مدرسه قبلاً متعلق به یکی از پزشکان شهر بوده و طبق وصیت آن بزرگمرد، همسر و سایر ورثهٔ او، در اختیار علماء و حوزهٔ علمیه گذارده اند، و با همکاری مردم با ایمان شهر، در حال ساخته شدن است، و ساختمان مدرسه هنوز کامل نگردیده، و تأسیس آن از سال ۱۳۶۱ شمسی بوده است.

۲۲- قَمَصْر

در سی کیلومتری جنوب شرقی کاشان قرار گرفته، و به خاطر کوهستانی بودن، از آب و هوای بسیار مطبوعی برخوردار است، و محلّ پرورش درخت گل محمدی، و تولید بهترین گلابها و عطرهائی است که در تمام شهرها و کشورها مورد توجه است.

و برای شستشوی خانهٔ کعبه از گلاب قمصر استفاده میشود

مدرسهٔ علمیّه ولی عصر علیه السلام

آیه الله، سید مهدی یثربی، در قطعه زمین بزرگی که در محلّ مرتفعی قرار گرفته، و مُشرف بر قمصر میباشد، مدرسهٔ باشکوهی در چهار طبقه با پنجاه و پنج حجره و ده مدرّس و یک کتابخانه (که در حال حاضر، در سال ۱۴۱۷ قمری، مشتمل بر پنج هزار جلد کتاب می باشد)، تأسیس نموده اند، که قسمتی از نماسازی و کاشی کاری آن، انجام شده است.

این مدرسه در حال حاضر، یکصد و بیست طلبه در دورهٔ مقدمات و سطح

متوسط دارد، و در تابستانها که هوای کاشان، گرم و سوزان می شود، جمعی از طلاب آن شهر، در این مدرسه، به فعالیت درسی و تحقیقی اشتغال پیدا میکنند، همچنان که در گذشته زمان نیز چنین بوده، و علمای بزرگ کاشان، در تابستانها، فعالیت علمی و تحقیق و تألیف خود را، در قمصر ادامه می داده اند، همانند: مرحوم فیض کاشانی، که قسمتی از کتاب شریف محجّه البیضاء را در قمصر تألیف نموده اند، و نیز مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی پشت مشهدی، که تابستانها را در این محل میگذرانده، و به فعالیت علمی و دینی می پرداخته اند (۱).

۲۳- کاشان

یکی از شهرهای قدیمی ایران (۲) و به تعبیر دیگر، یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران می باشد (۳).

در اولین تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۱۶ شمسی، از شهرستانهای تابع استان مازندران، و در سال ۱۳۳۹ شمسی، جزء استان مرکزی گردید، و از سال ۱۳۵۵ شمسی تاکنون، از توابع استان اصفهان محسوب میشود (۴).

قاطیعت و پایبندی شدید مردم کاشان، نسبت به مکتب اهل البیت علیهم السلام در طول تاریخ اسلام

در تمام دوره های تاریخ اسلام، مردم کاشان مسلمان و معتقد به مکتب تشیع

ص: ۵۴۷

۱- اظهارات آیه الله یثربی و تحقیقات حضوری و محلی

۲- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفحه ۳۲۸

۳- لغتنامه دهخدا، جلد ۳۸، صفحه ۱۸۲

۴- سیمای کاشان، صفحه ۱۶

بوده اند، و قاطعیّت و تعهّد شدید آنها، نسبت به مکتب أهل البيت عليهم الله، آن چنان زبانزد بوده است، که در زبان دشمنان مکتب تشیّع، نام کاشان در ردیف نام قم (که عُش (۱) آل محمّد عليهم السلام، و پایگاه علم و ایمان و اعتقاد به خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام بوده) قرار میگرفته، و دشمنان خاندان امامت، حمله های شدید و انتقادهای سرسختانه خود را متوجه این دو شهر پر برکت مینموده اند، و نویسنده متعصب و خبیث کتاب (بعض فضائح الزوافض)، در اکثر موارد، که به شهر قم و مردم آن ظالمانه حمله کرده است، نام کاشان را هم به دنبال آن آورده، و کلمات و تعبیرات زهر آگین خود را أداء نموده است.

و از آن طرف، دانشمند و محقق و متکلم بزرگ، مرحوم عبد الجلیل قزوینی، در کتاب بسیار ارزشمند (نقض)، معروف به (بعض مثالب التواصب) که در حدود سال ۵۶۰ هجری، (در دوران قدرت و تسلط أهل تسنن و مخالفین مکتب ولایت أهل البيت عليهم السلام) تألیف نموده، در جای جای کتاب نفیس خود، دفاعهای قاطعانه و مستدل و مستند خود را از شهر قم و کاشان و دیگر شهرهای شیعه نشین (همانند: ساری، ارم، آبه) در کنار هم، و یکسان قرار داده است، مثلاً در ضمن بحثی می نویسد: ... اگر غرض این بودی از خواندن مناقب، بایستی که به قم و کاشان و آبه و بلاد مازندران و سبزوار و دیگر بقاع، که إلا شیعه نباشند، نخواندندی (۲). و در جای دیگری، پس از بحثی مفصل، درباره عظمت علمی و معنوی قم و علماء و مدارس و مساجد و کتابخانه های آن، پیرامون کاشان می نویسد:

ص: ۵۴۸

۱- عُش = آشیانه

۲- کتاب نقض، صفحه ۷۷، چاپ سلسله انتشارات أنجمن آثار ملی

۴ و کاشان بحمد الله و مَنَّهُ ، منوّر و مشهور بوده است ، همیشه ، و بحمد الله هست ، به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن ، از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدّت و مدارس بزرگ ، چون مدرسه صفویّه و مجدّیه و شرفیه و عزیزیه ، با زینت و آلت و عدّت و اوقاف و مُدَرّس (مُدَرّسین) چون إمام ضیاء الدّین ، أبو الرّضا ، فضل الله بن علیّ الحسنی ، عدیم النّظیر در بلاد عالم به علم و زهد ، و غیر او از ائمّه و قضاه ، و کثره فقهاء و مقریان و مؤذنان و عقود مجالس و ترتیب (تربیت) علمای سلف ، چون قاضی أبوعلی الطّوسی و اولادش (...) و در وی ، مصلحان بیمرّ ، و حاجیان بی عدد ، و عمارت مشهد إمام زاده ، علیّ بن محمّد الباقر به (بار کرز) (۱) است که مجد الدّین فرموده است ،... ، و مانند این ، که همه دلالت است بر صفاء ایمان ، و نزهت طاعات مؤمنان کاشان ، عمرها الله بالعدل و التوحید و قبول الرّساله و إثبات العصمه (۲)

و در جای دیگر می نویسد : به قم و قاشان (کاشان) و آبه، همه فتاوی و حکومت ، بر مذهب صادق و باقر باشد ، و قاضی، علوی یا شیعی باشد (۳) .

و یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد : قاشان بِالشّینِ الْمُعْجَمِ ... وَ أَهْلِهَا كُلُّهُمْ شِيعَةٌ إِمَامِيَّةٌ ... وَ يُنْسَبُ إِلَيْهَا طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ ... (۴)

یعنی: قاشان (کاشان) با شین نقطه دار ... أهل آن، همه شیعه (دوازده) امامی هستند ... ، و نسبت داده می شود به این شهر، گروهی از أهل علم

ص: ۵۴۹

۱- منظور، مشهد أردهال می باشد

۲- کتاب نقض ، صفحه ۱۹۹-۱۹۸، توجّه شود، عبارات به سبک قدیمی است ، و دارای ویژگیهای انشاء آن زمان میباشد

۳- کتاب نقض ، صفحه ۴۵۹

۴- معجم البلدان ، جلد ۴، صفحه ۲۹۷-۲۹۶

و در کتاب تقویم البلدان تألیف أبو الفداء ، که در سال ۷۲۱، از تألیف آن فارغ شده، آمده است : قاشان (کاشان) از قم کوچکتر است ... ، شهری است نزدیک قم، مردمش شیعی هستند . جماعتی از علماء ، بدان منسوبند (۱).

و در کتاب (الأنساب) سمعانی (از علماء قرن ششم) آمده است:

... قاشان (کاشان) وَ هِيَ بَلَدُهُ عِنْدَ قُمْ، عَلَى ثَلَاثِينَ فَرَسِيخًا مِنْ إِصْبَهَانَ، (اصفهان) دَخَلْتُهَا وَ أَقَمْتُ بِهَا يَوْمَيْنِ وَ أَهْلُهَا مِنَ الشَّيْعَةِ، وَ كَانَ بِهَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ وَ أَدْرَكْتُ جَمَاعَةً مِنْهُمْ بِهَا، وَ أَدْرَكْتُ بِهَا السَّيِّدَ الْفَاضِلَ، أَبَا الرَّضَا، فَضَّلَ اللَّهُ بِنَ عَلِيِّ (الْعَلَوِيِّ) الْحُسَيْنِيَّ الْقَاسَانِيَّ، وَ كَتَبْتُ عَنْهُ أَحَادِيثَ وَ أَقْطَاعًا مِنْ شِعْرِهِ، وَ لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى بَابِ دَارِهِ، فَرَعْتُ الْحَلْقَةَ، وَ قَعَدْتُ عَلَى الدَّكَّةِ، أَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ فَظَرْتُ إِلَى الْبَابِ، فَرَأَيْتُ مَكْتُوبًا فَوْقَهُ بِالْجُصِّ:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۲)

یعنی: قاسان (کاشان) شهری است در نزدیکی قم، با فاصله سی فرسخ تا اصفهان (اصفهان). من وارد آن شهر شدم، و دو روز اقامت جستم، و أهل آن شیعه هستند، و در آن شهر، جماعتی از اهل علم و فضل بودند، و من جماعتی از آنها را در آن شهر ملاقات نمودم ... و در کاشان به ملاقات سید فاضل، أبو الرضا، فضل الله بن علی علوی حسینی کاشانی رسیدم، و احادیث و قطعه هائی از شعر (از سروده های خود او) از زبان او شنیدم، و نوشتم، و در هنگامی که به در خانه او رسیدم، حلقه در خانه را کوبیدم، و منتظر ماندم تا او از منزل خارج شود، پس در آن هنگام دیدم که بالای در خانه او با گچ نوشته شده

ص: ۵۵۰

۱- تقویم البلدان، صفحه ۴۸۶ - ۴۸۷

۲- الأنساب سمعانی، جلد ۱۰، صفحه ۱۸-۱۷

(و گچ بری شده):

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۱).

علامه امین (صاحب اعیان الشیعه ، کاشان را جزء بلاد شیعه به شمار آورده ، و نظریه های یاقوت حموی در « معجم البلدان » و سمعانی در « الأنساب » و ... را نقل کرده ، و بدین طریق ، تشیع ریشه دار مردم کاشان را مورد تأیید و تأکید قرار داده است (۲).

و قاضی نور الله تستری ، در مجالس المؤمنین ، راجع به تشیع مردم کاشان شرحی می نویسد ، و نوشته های یاقوت حموی و أنساب سمعانی و عبد الجلیل قزوینی و ... را نقل نموده ، و اعمال مردم کاشان را ، در مورد روز عید الزهراء

(سالروز قتل عمر به دست ابولؤلؤ) که به عنوان تجلیل ، او را (بابا شجاع الدین) مینامند ، به نقل از میر مخدوم شیرازی ، ذکر کرده (۳) ، که نشانه روشنی از قاطعیت مردم کاشان ، درباره تشیع ، و نیز ، دشمنی با دشمنان اهل البیت علیهم السلام ، می باشد .

و حاجی شیروانی ، در بستان السیاحه ، در مورد کاشان می نویسد:

کاشان بلده ای است مسرت نشان ... بطال و اهل کسالت و بیکار ، در آن دیار کم است ، و همگی به کسب و کار اشتغال دارند ، و از بطالت و بیکاری ، احتراز لازم شمارند ... مردمش از قدیم ، مذهب امامیه دارند

ص: ۵۵۱

۱- گچبری شدن این شعار بزرگ مکتب اهل البیت علیهم السلام (یعنی آیه تطهیر) بالای سردر خانه عالم بزرگی همچون سید ابوالرضا راوندی کاشانی ، در قرن ششم ، و در اوج قدرت اهل تسنن در ایران ، نشانه روشنی از قدرت و نفوذ مکتب اهل البیت علیهم السلام ، در شهر کاشان ، در آن زمان می باشد

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۶

۳- مجالس المؤمنین ، جلد ۱ ، صفحه ۸۶ - ۸۸

... آرباب فضل و کمال و ... ، از آن دیار بسیار ظهور نموده اند ... (۱).

و حمد الله مستوفی قزوینی ، دربارهٔ مردم کاشان می نویسد : مردم ، شیعه مذهب اند ، و اکثرشان حکیم وضع ، و لطیف طبع ، و در آنجا جهال و بطال ، کمتر باشد (۲).

کاشان ، در دیدگاه سیاح فرانسوی ، از نظر دینی و علمی و مذهبی

شاردن ، جهانگرد فرانسوی ، دربارهٔ کاشان ، در زمان صفویّه می نویسد: در خود شهر و حومه آن (که زیباتر از خود شهر است (۳) مجموعاً شش هزار و پانصد خانه و باغچه ، و چهل باب مسجد (۴) ، سه باب مدرسه ، و دویست باب امامزاده (۵) وجود دارد ... ، بازارها و گرمابه های آن فوق العاده عالی و تمیز و خوش ساخت است (۶) (۷) .

ص: ۵۵۲

۱- بستان السیاحه، صفحه ۴۸۷

۲- نزهه القلوب ، صفحه ۶۷-۶۸

۳- به خاطر باغهای متعدّد، که در اطراف شهر وجود داشته است

۴- در کتاب تاریخچهٔ وقف ، صفحه ۱۱۹ - ۱۲۰ ، از بیش از دویست و چهل مسجد نام برده شده است

۵- دویست امامزاده ، در کاشان و اطراف آن ، نشانهٔ بزرگی است از حضور ذراری رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در این منطقه ، و سندی است بر طرفداری مردم کاشان و حومه، از خاندان رسالت علیهم

۶- سیمای کاشان ، صفحه ۳۸ ، به نقل از سیاحتنامهٔ شاردن ، جلد ۳ ، صفحه ۸۳

۷- عبدالرحیم کلانتر ضرّابی نیز ، در تاریخ کاشان ، صفحه ۴۳۵ ، می نویسد : مختصر آنکه و قدر دویست گنبد و بارگاه و خرگاه از امامزادگان ، در اصل شهر و نواحی و کوهسار کاشان . الست و هر یک موقوفاتی دارند

هم چنان که از عبارت یاقوت حموی در معجم البلدان، و سماعانی در کتاب الأنساب، و سایر منابع تاریخی به دست می آید، شهر کاشان، همیشه مرکز علم و دانش، و خاستگاه علماء و دانشمندان بزرگ و محدّثین و مفسّرين و فقهاء و حکماء و اُدباء و.... بوده است. و اینک به شواهد و نشانه هائی در این زمینه توجه فرمائید:

(کنت گوینو) دانشمند فرانسوی، پس از سفر به کاشان، درباره آن مینویسد: موضوع دیگر آنکه، شهر کاشان در عالم دانش و ادب نیز، سابقه درخشانی دارد، و مردانی بزرگ و نامور، از آن دیار، برخاسته اند (۱).

راوند کاشان، از آغاز تاریخ اسلام تا سده هفتم هجری، از آبادیهای پر اعتبار کاشان، و یکی از مراکز مهم فرهنگ و دانش ایران، بوده است، و از آنجا دانشمندان و پیشوایانی نامور برخاسته اند.... (۲).

مردم سخت کوش «آران» و «بیدگل» هم، با آنکه در حاشیه کویر واقع شده اند، از قدیم آلائیم در پیشبرد دین و فرهنگ، نقش مهمی را ایفاء نموده اند

وجود بقاع متبرّک، مکتب خانه ها و مدارس علمیه، زمینه رشد و پرورش علماء، دانشمندان و سخنوران بزرگی را در گذشته فراهم آورده است.... (۳).

تشویق و زمینه اقدام افراد نیکوکاری، چون صفی الدین، و معین الدین و مجدالدین، در ساختن مدارس علمیه مجهز، و محلّ نشر معارف اسلامی،

ص: ۵۵۳

۱- سیمای کاشان، صفحه ۳۹، و تاریخ اجتماعی کاشان

۲- سیمای کاشان، صفحه ۴۰

۳- سیمای کاشان، صفحه ۴۲

و علوم عقلی و نقلی، و ادبیات و هنر، تا جائی که کاشان از مراکز علم و ادب و سرآمد شهرها گردید، از آثار در خور توجه این عصر (دوره سلجوقیان و حاکمیت عمومی سنی های متعصب) به شمار می رود. قطب راوندی، ابوالرضا و عزالدین علی و ...، از علمای بزرگ این دوره اند

راوندی، مؤلف راحه الصدور، که از مورخان آن عصر به شمار می رود، کاشان را، منشأ فضلاء و هنرمندان دانسته، و اغلب وزیران و دبیران و مستوفیان و ... را، از تربیت یافتگان کاشان، دانسته است (۱).

در دوره نفوذ خواجه طوسی در حکومت مغولها، به موجب احترامی که خواجه نصیر الدین طوسی، برای بابا افضل کاشانی قائل بوده، کاشان از فتنه ها محفوظ مانده، و در اثر فرمانروائی بهاء الدین، محمد بن خواجه شمس الدین جوینی و پسرش در کاشان، زمینه های بسیاری، برای ترقی و پیشرفت فرهنگ و دانش در این شهر، فراهم گردیده است (۲).

در دوره صفوی، شهر کاشان از نظر مذهب، وسعت، ثروت و زیبایی به درجه بالائی رسیده، و از نظر مساجد و اماکن مذهبی و مراکز علمی و فرهنگی فعال بوده، و رونق بسیار داشته است.

در اواخر قرن دوازدهم، و نیمه اول قرن سیزدهم، در اثر شخصیت برجسته علمی و تقوائی ملا مهدی نراقی، و فرزند او، ملا احمد نراقی، و علماء بزرگ دیگر، حوزه علمیه کاشان، از اعتباری برجسته برخوردار گردیده، تا جائیکه بسیاری از علماء و فضلاء و طلاب، به سوی شهر و حوزه علمیه کاشان

ص: ۵۵۴

۱- راحه الصدور، صفحه ۵۱

۲- سیمای کاشان، صفحه ۵۹

مهاجرت نموده ، و به تکامل علمی می پرداختند ، که از آن جمله ، اقامت چهار سالهٔ چهرهٔ برجستهٔ عالم فقه و اصول ، و خاتم المجتهدین ، شیخ مرتضیٰ آنصاری قدس سره (که در مدت یاد شده ، در کاشان ، به فعالیت علمی اشتغال داشته اند) سندی روشن ، برای مطلب فوق می باشد .

مزار امامزادگان فراوان در منطقهٔ کاشان ، نشانهٔ بارزی از فرهنگ تشیع در این سرزمین

در شهر و ناحیه کاشان ، در حدود دویست بقعه و مزار (۱) از ذراری رسول خدا و ا ، امامزادگان عظیم الشان ، که عموماً دارای مقامات علمی و معنوی و چه بسا کرامات برجسته ای بوده اند ، وجود دارد که هر کدام از آنها در زمان

خود ، از طریق ارشاد مردم و اعمال و اخلاق شایسته ای که از آنها تجلی نموده ، نقش بسیار جالب و ارزشمندی ، در حفظ و گسترش فرهنگ تشیع و مکتب اهل البیت علیلاً داشته اند ، و بسیاری از آنها ، در نشر علم و دانش ، و بالا بردن سطح آگاهی و دانش اجتماع ، سهم بسزائی را به خود اختصاص داده اند ، و در مجموع ، عامل برجسته ای برای رشد و ترقی فرهنگ دینی و عمومی جامعه ، بالأخص در زمینه پای بندی به مکتب اهل البیت علیلاً ، به شمار می روند .

امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام نمایندهٔ امام باقر علیه السلام ، در منطقهٔ کاشان

یکی از معتبرترین امامزادگان عظیم الشان مدفون در بلاد ایران ، و صاحب

ص: ۵۵۵

۱- تاریخ کاشان (مرآت آلقاسان) صفحه ۴۳۵ ، سیمای کاشان ، صفحه ۳۸ ، به نقل از سیاحتنامه شاردن ، مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال ، اثر حسین فرخ یار ، صفحه ۱۴ و ...

یکی از پر عظمت‌ترین مزارات فراوان منطقه کاشان، امامزاده علی بن محمد الباقر علی مشهور به: حضرت سلطان علی بن محمد الباقر علی، می‌باشد، که فرزند بدون واسطه امام باقر علی بوده، و مقام معنوی بسیار بالایی داشته، و کرامات فراوانی (در زمان حیات و پس از شهادت) از آن حضرت ظاهر گردیده است، و بسیاری از علماء و مراجع بزرگ شیعه، ارادت و علاقه خاصی نسبت به این بزرگوار داشته و دارند.

عظمت و جلالت مقام این بزرگوار، و اهمیت مرقد و مدفن آن حضرت، در محلی که در حال حاضر، به نام مشهد اردهال نامیده می‌شود، و برکات زیارت و توسل به آن حضرت، تا به حدی رسیده است، که بسیاری از کتب أنساب و تاریخ و تراجم، درباره آن امامزاده بزرگوار، یا مدفن ایشان، یا ثواب زیارتشان، مطالب ارزشمندی مطرح ساخته‌اند.

کتابهای: النقص، جمهره أنساب العرب، نهاییه الأنساب، تذکره الأنساب، مجالس المؤمنین، منتخب التواریخ، عمدہ الطالب، ریاض العلماء، ألمجدی، مشجرات، مزارات علویین، تاریخ قم، جنات الخلود، بحار الأنوار، منتهی الامال، روضات الجنات، دیوان راوندی، امام زادگان معتبر، ستارگان فروزان و...، هر کدام به شکلی، درباره نام، یا محل دفن یا شهادت و عظمت این بزرگوار، مطالبی و یا نکته‌هایی در بردارند، و کتابهای مستقلی نیز درباره عظمت این امامزاده و بقعه و بارگاه و تاریخ درخشان مزار کثیر آلبرکات آن حضرت، تألیف گردیده است، همانند:

۱- زندگی و زیارتنامه حضرت سلطانعلی، اثر یکی از علماء بزرگوار کاشان، مرحوم حاج شیخ عبد الرسول مدنی کاشانی، که در این کتاب، شرح سفر حضرت سلطانعلی به سوی منطقه کاشان و اردهال (ور اردهار) و شهادت

و دفن آن حضرت را ، از نسخه ای خطی که یکصد و سی سال قبل از تألیف این کتاب ، نوشته شده بوده ، نقل نموده است .
 ۲ و ۳ - دو رساله درباره حضرت سلطانعلی لا ، اثر یکی از علماء جلیل القدر و معاصر کاشان ، آقای سید عزیزالله امامت کاشانی ، دام عزه (۱) ۴- رساله ای درباره حضرت فاطمه معصومه ع و حضرت علی بن الإمام محمد الباقر لا که در مؤسسه تحقیقاتی مدرسه الإمام المهدی علاقم ، زیر نظر حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد باقر موحد أبطحی ، تهیه ، و در سال ۱۴۰۹ قمری منتشر شده است .

۵- مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، اثر آقای حسین فرخ یار ، که این کتاب ، دارای ۱۷۹ صفحه می باشد ، و به تفصیل درباره مطالب مربوط به امامزاده سلطانعلی لیلا- و شهادت و دفن و مزار و بقعه و بارگاه آن حضرت ، و نیز درباره مراسم عزاداری تاریخی برای آن بزرگوار ، بحث نموده است .

اعزام حضرت سلطانعلی علیه السلام ، از طرف امام باقر علیه السلام

جمعی از شیعیان و دوستان اهل البیت طلا از چهل حصاران (کاشان) و فین ، نامه ای به محضر امام محمد باقر ع نوشتند ، و از آن حضرت در خواست نمودند ، که یکی از فرزندان خود را به منطقه چهل حصاران (کاشان فعلی) و اطراف آن ، برای ارشاد مردم اعزام نمایند ، و هنگامی که حضرت علی بن امام محمد باقر علا ، وارد منطقه گردیدند ، مردم چهل حصاران و فین

ص: ۵۵۷

۱- مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، صفحه ۳۴ ، ولی در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۶۵ ، فقط از یک کتاب درباره حضرت سلطانعلی و هلال بن علی ، از این نویسنده یاد نموده است

و بارکرز و خاوه و جاشب و ... ، با کمال احترام و تجلیل ، استقبال نمودند و مدت سه سال ، آن بزرگوار با کمال احترام در میان مردم به ترویج دین پرداختند ، و روزهای جمعه ، از راههای دور و نزدیک ، شیعیان اجتماع می نمودند ، و از اقامه نماز و برنامه های ارشادی آن حضرت ، بهره می گرفتند .

پس از این ، حاکم آن منطقه و عده ای از دشمنان اهل البیت علیلا ، لشکرکشی نموده ، و پس از مدتی جنگ ، عده زیادی از طرفین کشته شدند ، و حضرت علی بن الإمام محمد الباقر علا ، با جمعی از شیعیان و یاران مخلص به شهادت رسیدند ، و در بارکرز (باریکرسف ، بارکرسف) « مشهد اردهال فعلی »

مدفون گردیدند (۱) (۲) .

نویسنده این سطور ، شخصا ، مشمول کراماتی از آن حضرت گردیده ام ، و کرامات زیادی را نیز ، درباره دیگر متوسلین به آن حضرت شنیده ام ، و نه تنها عموم مردم ، نسبت به این بزرگوار علاقه شدید دارند ، بلکه علماء بسیاری در زمره علاقمندان و معتقدان به عظمت این بزرگوار بوده و هستند ، همانند :

مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی نیا و هم چنین ، حضرت آیه الله

ص: ۵۵۸

۱- جریان مفصل اعزام و ارشاد و شهادت را ، در کتاب مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، از صفحه ۳۵ تا ۶۲ مطالعه فرمائید

۲- جنازه های آن بزرگواران ، در تابوتهائی ، در سردابهای موجود است ، و مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی ، در سال ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۱ شمسی ، به آن سردابه تشریف می برند و متجاوز از یکصد تابوت می بینند ، که قسمتی از تخته های چند تابوت شکسته ، و درون هر یک ، جسدی در لباس زندگی با سر و صورت باز و موهای ژولیده نمودار بوده ، و ایشان از پوسیده نشدن بدنها و تابوتها ، اظهار تعجب می نمایند (به مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، صفحه ۱۵۳ و ۱۵۴ ، و نیز به کتاب « کرامات صالحین » از نویسنده عالیقدر ، آقای شیخ محمد رازی صاحب گنجینه دانشمندان) صفحه ۳۲۵ ، مراجعه فرمائید

العظمی ، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مدظله العالی و ...

خاندانهای علمی کاشان

در طول تاریخ علمی و مذهبی کاشان ، خاندانهای بزرگ علمی، در آن رشد و نمو یافته ، و در میان آنها ، چهره های برجسته ای ، درخشیده اند که این شهر را

علاوه بر « دار المؤمنین » بودن « مجمع العلماء » قرار داده اند ۱- خاندان علمی طوسی (۱) ۲- خاندان علمی قطب راوندی کاشانی ۳- خاندان علمی سید أبو الرضا راوندی کاشانی ۴- خاندان علمی غیاث الدین جمشید کاشانی ۵- خاندان علمی فیض کاشانی (۲) ۶- خاندان علمی ملا مهدی و ملا أحمد نراقی کاشانی (که این خاندان ، چهره های متعدد و برجسته ای را در بر میگیرد) ۷- خاندان علمی آقا سید محمد تقی پشت مشهدی ، (که سرسلسله این خاندان ، آقا سید ماجد حسینی ، از معاصرین شاه سلیمان صفوی می باشد)

۸- خاندان علمی میر ابوالقاسم مجتهد ، (که علماء بزرگ و مجتهدین بزرگواری در این خاندان ظهور یافته اند) ۹- خاندان علمی میرزا نصر الله ، امام جمعه کاشان ۱۰- خاندان علمی میر عبد الباقي (سرپرست مدرسه سلطانی) ۱۱- خاندان علمی ملا أحمد نظنری کاشانی ۱۲- خاندان علمی شیخ الإسلام

ص: ۵۵۹

۱- خاندان علمی طوسی، از قدیمی ترین خاندانهای علمی شیعه ، و طرق اجازات ، در کاشان میباشد ، که جمعی از قضات و فقهاء و مشایخ اجازات ، از این خاندان برخاسته اند . سرسلسله این خاندان ، عبد الجبار بن محمد طوسی است ، که از شاگردان شیخ الطائفه (شیخ طوسی) می باشد، و اولین شخصی است که ، بنیان علمی را در خاندان خود گذاشت، و اولین کسی است که ، کاشان را مسکن دائمی خود قرار داد (دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۱۹۶)

۲- در کتاب سیمای کاشان ، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۵ ، دهها شخصیت علمی از این خاندان را معرفی نموده است

کاشان (که سرسلسله آنها، آقا سید جعفر شیخ الإسلام می باشد) ۱۳ - خاندان علمی سادات رضوی کاشان (که از زمان صفویه مورد توجه قرار گرفته اند) ۱۴ - خاندان علمی سادات منزوی (که سرسلسله آنها، مرحوم میر مظفر حسینی میباشد) ۱۵ - خاندان علمی آقا سید محمد رضا مجتهد کلهری (که سرسلسله آنها حاجی میر عبد الغنی مجتهد کلهری است، و عده زیادی از مجتهدین و علماء در این خاندان ظهور یافته اند)، ۱۶ - خاندان علمی حاج سید حسین مجتهد کاشانی ۱۷ خاندان علمی ملا- حبیب الله شریف کاشانی (که علماء و فضلاء بزرگی به این خاندان منسوب هستند) ۱۸ - خاندان علمی یثربی کاشانی (که بخشی از خاندان بزرگ علمی حاج سید محمد تقی پشت مشهدی، میباشد) ۱۹ - خاندان علمی امامت کاشانی ۲۰ - خاندان علمی مصطفوی کاشانی و خاندانهای علمی دیگری که در طول تاریخ کاشان، به ظهور رسیده، و چهره های علمی ارزشمندی، به عالم علم و ادب، عرضه نموده اند (۱).

چهره های علمی بزرگ کاشان

با یک نگاه، به تاریخ طولانی حوزه های علمیه شیعه، و مجامع بزرگ علمی

ص: ۵۶۰

۱- در کتاب تاریخ کاشان (مرآه القاسان)، از صفحه ۲۷۶ تا ۳۱۶، خاندانهای علمی کاشان را با ذکر شخصیتهایی از آن خاندانها، معرفی نموده، و نیز در کتاب سیمای کاشان، از صفحه ۱۱۰ تا ۱۸۶، در ضمن معرفی علماء بزرگوار کاشان، از قرن دوم تا چهاردهم، به عده ای از خاندانهای علمی کاشان اشاره نموده، و هم چنین در کتب تراجم، همانند: أعيان الشيعه، ریحانه الأدب، روضات الجنات، گنجینه دانشمندان، طبقات مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی و در ضمن معرفی علماء بزرگی از کاشان، به خاندانهای علمی آنان نیز اشاره شده است، و در کتاب دائرة المعارف تشیع، جلد ۱، صفحات ۱۷۲-۱۷۳-۱۹۶-۲۰۴-۲۰۶، از خاندانهای راوندی ۱ و ۲ و طوسی و فیضی و کاشانی به تفصیل نسبی، بحث و بررسی گردیده است

جهان تشیع ، و مطالعه کتب رجال و تراجم، همانند : *ألفهرست منتجب الدین رازی ، جامع الرواه ، أعیان الشیعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، روضات آلجنات و ...*، ملاحظه مینمائیم که از شهر با ایمان و ولایت کاشان ، چهره های برجسته ای در عالم فقه و حدیث و تفسیر و کلام و اخلاق و ادب و ... برخاسته اند ، و علماء دیگری نیز از همین شهر ، به کوشش در راه تحصیل و تعلیم و نشر مکتب اهل البیت عال پرداخته اند ، که گرچه از نامداران بزرگ عالم علم نیستند ، ولی در دوره های سخت ، با همت بلند و ایمان استوار ، و مجاهدتهای ارزشمند (در سنگر علم و ارشاد دینی) نقش بسیار ارزشمندی را بر عهده گرفته ، و موفق گردیده اند ، که کاشان را در طول تاریخ درخشانش

و شهر اهل البیت علی و مهد ولایت نگاه دارند ، و نویسنده کتاب سیمای کاشان ، موفق گردیده ، که با تحقیق و تتبع در کتب رجال و تراجم، متجاوز از چهارصد تن از این بزرگان را (از قرن دوم تا چهاردهم)، مورد ذکر و معرفی اجمالی ، قرار دهد، و در برخی موارد، به معرفی تفصیلی پردازد، و نیز در کتابهای تاریخ کاشان و گنجینه دانشمندان (بخش مربوط به کاشان) و دیگر کتابهایی که درباره کاشان تألیف گردیده ، هر کدام ، عده ای از مفاخر علمی و ادبی این شهر ولایت را ، معرفی نموده اند . و اینک اشاره ای به چند چهره برجسته ، از مفاخر علمی کاشان می نمائیم :

۱- ضیاء الدین ، فضل الله بن علی ، حسنی (۱) راوندی کاشانی ، متوقای بعد از ۵۴۸ (۲) . او علامه دهر و یگانه زمان ، و از مفاخر مشایخ حدیث به

ص: ۵۶۱

-
- ۱- در بعضی از کتب تراجم، حسنی و در بعضی دیگر حسینی ضبط شده است
 - ۲- *ألثقات العیون ، فی سادس القرون (طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، قرن ششم) صفحه ۲۱۸ و ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۱۰ ، به نقل از آلدرجات الرفیعه سید علی خان مدنی*

شمار رفته ، و از شاگردان شیخ أبوعلی طوسی (فرزند شیخ طوسی) بوده ، و شاگردانی همانند : شیخ منتجب الدین رازی ، و ابن شهر آشوب مازندرانی و ... داشته ، و تألیفات بسیار و ارزشمندی از خود به جای گذاشته است .

خاندان علمی او ، از مفاخر شیعه و شخص او نه تنها جامع علوم ، بلکه دارای کرامات و مقامات معنوی بوده ، و مدرسه عظیمی در کاشان داشته است (۱) .

عموم صاحبان تراجم (۲) از این چهره برجسته تاریخ شیعه یاد نموده ، و هر کدام ، از تألیفات و حوزه درسی و خاندان علمی و اخلاق و حسب و نسب او ، به عظمت یاد کرده اند، و او را از مفاخر شیعه ، و سادات و ذراری پیامبر لوله ، و حوزه های علمیه ، و ایران ، و کاشان ، و راوند، به شمار آورده اند

۲- قطب الدین راوندی « سعید بن هبه الله راوندی کاشانی » ، که فقیهی محقق ، متکلمی مدقق ، محدثی جامع و ماهر ، مفتری متبحر ، و شاعری جلیل القدر ، و شخصیتی دارای کرامات معنوی بوده، و در سال ۵۷۳ قمری در قم وفات یافته ، و در صحن بزرگ آستان مقدس حضرت معصومه عل ، مدفون گردیده است .

او نه تنها از مفاخر بزرگ کاشان ، بلکه از چهره های برجسته شیعه و ایران می باشد . تألیفات فراوان ، خاندان علمی بزرگ و برجسته ، فرزندان نامدار او (بالأخص شیخ حسین بن سعید ، که به مقام شهادت نیز نائل گشته) استادان ممتاز و شاگردان برجسته ، و آثار و برکات معنوی او ، که در زمان حیات ظاهری،

ص: ۵۶۲

۱- الثقات العیون ، صفحه ۲۱۸

۲- همانند : صاحب روضات الجنات ، حاج آقا بزرگ طهرانی (در الذریعه و طبقات) صاحب أعیان الشیعه و مؤلف ریحانه الأدب و صاحب ریاض العلماء

و پس از فوت او ظاهر گردیده ، همه و همه ، نشانه بارزی از یک شخصیت ممتاز و مرتبط با مقام منیع ولایت و خاندان نبوت و رسالت و امامت علی میباشد . درباره این بزرگمرد الهی نیز ، عموم صاحبان تراجم ، به تجلیل با شرح و تفصیل بسیار ، پرداخته اند (۱).

۳- غیاث الدین جمشید کاشانی ، که حکیمی مفسر ، و منجمی ریاضی بوده ، و استعداد و نبوغی برجسته ، و کشفیاتی ارزشمند ، داشته است . در علوم ریاضی و نجوم ، از مفاخر بزرگ علمی شیعه ، در قرن نهم به شمار رفته است . در تکمیل زیج ایلخانی خواجه نصیر الدین طوسی ، کتابی نوشته ، و به نام زیج خاقانی نامیده است . تألیفات او متعدد ، و عموماً در زمینه نجوم و ریاضی می باشد . درباره متحد بودن این بزرگمرد و سید گازر ، صاحب تفسیر معروف گارز ، بحثهایی وجود دارد ، که طالبین بایستی به کتب تراجم ، مراجعه فرمایند . مراجعه فرمایند .

۴- ملا فتح الله کاشانی ، فرزند ملا شکر الله ، که فقیهی محقق ، و متکلمی مدقق ، و مفردی نامدار و برجسته ، بوده است . گرچه به خاطر عظمت و شهرت فراوان تفسیر بزرگ او ، به نام منهج الصادقین ، تنها به عنوان مفسر شناخته شده ، ولی او در تمامی علوم اسلامی ، از قبیل فقه و حدیث و کلام و علوم ادبی و ... که در آن زمان رایج بوده ، مهارت و تبحر داشته است (۲) . وی ، در سال ۹۸۸ و به قولی ۹۹۷ وفات یافته است (۳) .

ص: ۵۶۳

۱- همانند : صاحب روضات الجنات و حاج آقا بزرگ طهرانی (در الذریعه و طبقات) و صاحب أعیان الشیعه و مؤلف ریحانه الأدب و صاحب ریاض العلماء و

۲- عموم صاحبان تراجم ، شخصیت یاد شده را با ألقاب : فقیه ، متکلم ، ادیب و یاد کرده اند

۳- إحياء الدائر من القرن العاشر (طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، قرن دهم) صفحه ۱۷۷

۸ و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان که

ج ۲)

۵- ملا محمد بن شاه مرتضی، ملقب به محسن، و معروف به «ملا- محسن» و «فیض» و «فیض کاشانی» (کاشی) متوفای ۱۰۹۱. او فقیه، محدث مفسر، حکیم، متکلم، آدیب و شاعر میباشد، و در هر زمینه محقق، مدقق، متفطن، ماهر، متبع، مبتکر و منفرد می باشد، و جامع علوم عقلی و نقلی، ظاهری و باطنی، به شمار رفته است.

شهرت او به علم و تحقیق، عالمگیر، و عظمت آثار علمی او، مورد قبول موافق و مخالف می باشد. در کتاب ریحانه الأدب، یکصد و بیست اثر قلمی و تألیفی او نام برده شده، که برخی از آنها چندین مجلد میباشد، و در کتاب سیمای کاشان، شمار کتابها و رساله های فیض را بیش از یکصد و پنجاه عدد دانسته است (۱). کتاب وافی، و ألمحججه البیضاء، و تفسیر صافی در میان مجموع آثار مرحوم فیض، از اهمیت و شهرت ویژه ای برخوردار است.

آساتید نامدار و برجسته مرحوم فیض، خاندان علمی او، که (مشمول بر دهها چهره علمی و عالم و دانشمند دینی است) مرقد مطهر او، که از مزارات مورد توجه مردم کاشان می باشد، و کراماتی که در زمان حیات و پس از وفات آن بزرگمرد، ظاهر گردیده، همه و همه، نشانه عظمت استثنائی او می باشد (۲).

۶- حاج ملا مهدی (محمد مهدی نراقی کاشانی، متوفای ۱۲۰۹ قمری. او، فقیه، اصولی، حکیم، متکلم، اخلاقی، آدیب بوده، و جامعیت او در علوم عقلی و نقلی، به حدی رسیده، که در کلمات بعضی از بزرگان، با

ص: ۵۶۴

۱- سیمای کاشان، صفحه ۱۲۸

۲- مطالعه شرح حال این بزرگمرد، در کتابهای روضات الجنات، أعیان الشیعه، ریحانه الأدب و سایر کتب تراجم توصیه

میشود

عنوان : خاتم المجتهدین ، لسان الفقهاء و المتكلمین ، ترجمان الحكماء و المتألهین و ... مورد تمجید قرار گرفته است (۱).

علاوه بر علوم رایج در حوزه های بزرگ دینی ، در حساب و هندسه و هیئت (علوم ریاضی و علوم ادبی ، خصوصا معانی و بیان ، دستی قوی داشته ، و در تحصیل علم ، از شوق و ولعی عجیب ، برخوردار بوده است . کتابهای متعدد و متنوع او ، در فقه و اصول و کلام و اعتقادات و اخلاق و ... (۲) مورد توجه و استفاده بزرگان میباشد ، و در میان خاندان علمی او ، شمار قابل توجهی از گوهرهای درخشان علمی ، وجود داشته است .

او پس از رسیدن به مدارج بزرگ علمی (در حوزه اصفهان و کربلا) به کاشان مراجعت نمود و به حوزه علمیه آن چنان رونقی بخشید ، که آن شهر دار الایمان را ، با عنوان : دار العلم و دار التحصیل و مجمع العلماء ، مفتخر نمود (۳) (۴).

۷- ملا- أحمد نراقی کاشانی او فقیه ، اصولی ، محدث ، رجالی ، ریاضی ، نجومی ، معقولی و منقولی ، شاعر و ... بوده ، و از مفاخر علمی شیعه و ایران و کاشان ، به شمار می رود . در

ص: ۵۶۵

۱- ریحانه الادب، جلد ۶، صفحه ۱۶۴ و ...

۲- در کتاب سیمای کاشان ، صفحه ۱۵۴، شمار کتابها و رساله هائی که از قلم آن بزرگمرد به جای مانده ، بیش از چهل عدد ذکر گردیده است

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۶، صفحه ۱۶۵

۴- در عموم کتب تراجم ، از این بزرگمرد و فرزند او ، (ملا أحمد نراقی) ، با تجلیل و تمجید فراوان و ذکر آثار و خدمات ، یاد شده و او را از مفاخر عالم علم و تقوی و معنویت ، به شمار آورده اند

.....

زهد و تقوی و اوصاف نیکو، شهرت عالمگیر دارد، و همانند پدرش ملا مهدی نراقی، در عظمت بخشیدن به حوزه علمیه کاشان، نقشی حیاتی داشته است زحمات او در اداره حوزه علمیه کاشان، و تربیت طلاب علوم دینی، بسیار بوده است، و عظمت علمی او، شخصیت برجسته عالم فقه و اصول و اجتهاد و تحقیق، یعنی شیخ اعظم انصاری (خاتم المجتهدین) را، مدت چهار سال در کاشان نگهداشت، و او را به کسب علم در حوزه درسی مرحوم نراقی، ترغیب نمود (۱).

در میان تألیفات او (که تاسی عنوان ذکر شده) کتابهای: «مستند الشیعه» و «معراج السعاده» و «عوائد الأيام»، از شهرت و ارزش بسیار والائی برخوردار می باشد. وفات آن بزرگمرد، در سال ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ قمری بوده، و در حدود اوائل قرن چهاردهم، جنازه ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی (که مدفون در نجف اشرف هستند) بدون هیچ گونه تغییری دیده شده است (۲).

۸- آقا سید محمد تقی پشت مشهدی

فقیه اصولی و عالم کامل، جامع بین علوم ظاهری و باطنی، مرحوم آقا سید محمد تقی پشت مشهدی، فرزند آقا سید عبد الحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد پشت مشهدی (سر سلسله خاندان علمی پشت مشهدی و معاصر شاه سلیمان صفوی (۳)). وی از علماء ربانی و صاحب کرامات بوده، و مفتخر به ملاقات ولی العصر و الزمان، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) گردیده است (۴).

ص: ۵۶۶

-
- ۱- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، صفحه ۶۹
 - ۲- به ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۶۳ مراجعه شود
 - ۳- تاریخ کاشان، صفحه ۲۸۷
 - ۴- گنجینه دانشمندان، جلد ۶، صفحه ۲۴۹

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان)

(۵۶۷)

برخی او را با ألقاب : سید آلفقهاء و المجتهدین و سند الأتقیاء و الزاهدین ، مورد تجلیل قرار داده ، و ملا حبیب الله شریف کاشانی ، درباره او نوشته است:

كان عالم فاضله ، فقیها ، أولیه ، جامعه بین العلم الظاهر و الباطن ، مزاجاً ضمه غایده ، زاهده موثوقه به عند الخواص و الأفاضل ، من تلامذه ضاجب الرياض (۱).

از نسل آن بزرگمرد ، علماء و مجتهدین متعدد برخاسته اند ، و مزار شریف ایشان ، در جوار حضرت حبیب بن موسی ع ، در پشت مشهد کاشان ، مورد توجه ، و زیارتگاه مؤمنین ، و دارای ضریح می باشد ، و وفات آن مجتهد بزرگوار ، در سال ۱۲۵۸ قمری بوده است .

۹- ملا حبیب الله کاشانی

او ، عالم عابد زاهد ، و صاحب تألیفات گرانقدر ، در زمینه فقه و تفسیر و عقائد و اخلاق و علوم ادبی و شعر و علوم غریبه بوده ، و پس از تحصیل مقامات علمی در حوزه های کاشان ، تهران و کربلاء ، در نزد اساتید هر رشته ، در ست هیجده سالگی ، از استادش حاج سید حسین کاشانی ، به اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است (۲).

وی ، پس از طی مراحل علمی ، به کاشان مراجعت نموده ، و به زعامت دینی و تربیت طلاب و تدریس و تألیف پرداخته ، که شمار کتاب و رساله های او ، به یکصد و پنجاه عدد می رسد (۳) و از میان آنها ، کتاب « منتقد المنافع » ، در شرح مختصر النافع ، در چهارده جلد ، جلب توجه می نماید . وی خاندانی علمی

ص: ۵۶۷

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۹ به نقل از لباب الالقاب

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۸

۳- سیمای کاشان ، صفحه ۱۶۸

دارد، و در سال ۱۳۴۰ قمری وفات یافته است .

۱۰ - آقا میر سید علی یثربی کاشانی

فقیه بزرگ و اصولی محقق، و استاد و مربی عظیم الشان، آیت بزرگ حق، و زاهد و متقی نامدار، آقا میر سید علی یثربی، متوفای ۱۳۷۹ قمری .

وی از مفاخر بزرگ علمی کاشان، و خاندان بزرگ علمی پشت مشهدی و یثربی می باشد، و در مدت اقامت او در نجف اشرف برای تحصیل و تدریس، و مدت اقامت او در قم برای تدریس، همانند ستاره ای درخشان، همه علماء و فضلاء را متوجه خود می ساخته است .

او در حوزه نجف، استادهای بزرگواری، همانند: آقا سید محمد کاظم یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی داشته، و در همان حوزه، و نیز حوزه علمیه قم (که به امر آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری، مدت هفت سال در آن اقامت جسته) حوزه درسی ایشان، مجمع فضلاء و محل استفاده مراجع عالیقدر شیعه دوره متأخر، بوده است (۱).

مرحوم آیه الله یثربی، در زمره مبرز ترین و برجسته ترین چهره های علمی فقه و اصول در نیمه دوم قرن چهاردهم بوده اند، و در هنگام مراجعتشان از نجف اشرف، مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی، با اشک جاری این بزرگمرد را بدرقه نموده اند، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای بروجردی تا در مسئله بقاء بر تقلید میت، با بحثی علمی با این بزرگمرد، تغییر فتوی دادند، و در دنباله مناظرهای علمی با ایشان، پیام فرستادند که: من، شما را اصولی مبرز می دانستم،

ص: ۵۶۸

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان

(۵۶۹)

و نمی دانستم که فقیه بلند پایه ای هم هستید (۱).

بقعه های دینی کاشان ، نشانه ای از سابقه علمی کاشان

در شهر کاشان و حومه آن ، بقعه هائی متعلق به علماء بزرگ دین، وجود دارد که هر کدام ، سندی بر تاریخ درخشان علمی و دینی کاشان میباشد ، همانند : « بقعه سید ابوالرضا راوندی » و « بقعه ملا فتح الله کاشانی » و « بقعه و مزار مرحوم ملا محسن فیض کاشانی » و « مرقد مرحوم حاج میر عبد الواسع منزوی » و « مقبره حاج سید محمد تقی پشت مشهدی » و « مزار و مقبره شیخان » و « مزار و مقبره حاج میرزا أبو القاسم مجتهد » و .. (۲).

مدارس علمیه کاشان

با توجه به سابقه دیرینه کاشان ، در فعالیتهای گسترده علمی و پای بندی مردم آن به مکتب أهل البیت طلا ، به خوبی می توان حدس زد که ، در طول تاریخ درخشان این شهر ، مدارس علمیه متعددی ساخته شده (۳) ، و محل فعالیت علمی و تحصیل و تدریس بوده است . ما ، در این بخش ، مدارس

ص: ۵۶۹

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۷۴

۲- از بقعه های بسیار ارزشمند کاشان ، بقعه محتشم کاشانی است ، که او گرچه از شعرا بوده ، و در زمره علماء به شمار نمی رود ، ولی مقام معنوی او ، و عنایت پیامبر اکرم له و حضرت زهراء ع و ائمه معصومین علی نسبت به او ، موجب شده که بقعه و مزار او ، از مفاخر دینی کاشان محسوب گردد

۳- شمار مدراس کاشان در حدی زیاد بوده ، که عبدالرحیم کلانتر ضرابی می نویسد : دیگر از جمله مساجد و مدراس در هر محله سه چهار مسجد هست ، و هم مدراس زیاد در این شهر برپاست ، ولی ذکر همه ، مورث تطویل است (تاریخ کاشان ، صفحه ۴۲۵)

علمیه کاشان را به دو دسته تقسیم می نمایم: | اول: مدرسه های قبل از دوره صفویه، دوم: مدرسه های دوره صفویه، تاکنون

مدارس علمیه شیعه، قبل از دوره صفویه

محقق و دانشمند متکلم و مجاهد عظیم الشان شیعه، نصیر الدین، أبو الرشید، عبد الجلیل قزوینی رازی، در کتاب بسیار ارزشمند خود، به نام (نقض) یا (بعض مثالب التواصب)، درباره کاشان و مراکز دینی و علمی آن، توضیح می دهد و می نویسد:

... و مدارس بزرگ، چون مدرسه صفویه و مجدیه و شرفیه و عزیزیه با زینت و آلت و عدت و أوقاف و مدرس، چون إمام ضیاء الدین، أبو الرضا، فضل الله بن علی آلحسینی، عدیم النظر در بلاد عالم، به علم و زهد، و غیر او از ائمه، و قضاه و کثره فقهاء و مقریان و مؤذنان و عقود مجالس و ترتیب علمای سلف، چون قاضی أبوعلی طوسی و اولادش ... (۱).

در عبارت یاد شده، در شهر کاشان در نیمه قرن ششم (زمان تألیف کتاب نقض) از چهار مدرسه بزرگ که از وسایل لازم و امکانات مناسب، برخوردار بوده، و موقوفه هائی داشته، و مدرسان بزرگ در آنها تدریس می کرده اند، و مجالس درسی گوناگون تشکیل میشده، به اجمال یاد شده، که نشان دهنده فعالیت علمی و حوزوی چشم گیر، در شهر کاشان، (آن هم در دوره حاکمیت و تسلط قهری سیاست و فکر اهل تستن، در قرن ششم، در اکثر بلاد ایران) می باشد.

و اینک با تفصیل بیشتر از مدارس آن دوره، یاد می نمایم:

ص: ۵۷۰

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که ۵۷۱۶

الف - مدرسه صفویه

صفی الدین ، أبوطاهر ، اسماعیل ، ملقب به عزیز آلحضرت کاشی ، از دستیاران خواجه نظام الملک طوسی ، عمارات متعددی در شهرهای گوناگون انجام داد، و از جمله ، مدرسه ای در کاشان إحداث کرد(۱).

این مدرسه ، محل تدریس و فعالیت علمی سید أبوالرضا (فضل الله) راوندی بوده و گفته میشود که این مدرسه ، از همه مدارس کاشان بزرگتر و عالی تر بوده است (۲).

ب - مدرسه خواجه معین

خواجه معین الدین ، أبونصر ، أحمد بن محمود کاشی ، (مقتول در سال ۵۲۱ به دست اسماعیلیه) در نقاط مختلف ایران ، اقدام به ساختن مدرسه و دارالشفاء و ... نموده است .

از جمله آثار او در کاشان ، مدرسه علمیه ای بوده که تا سال ۸۷۷ دائر و برقرار بوده است ، ولی اکنون اثری از آن نیست (۳).

ج - مدرسه مجددیه

مدرسه ای است که به مجد الدین عبد الله (عبید الله) فضل بن محمود کاشانی (متوفای ۵۳۵ قمری) نسبت داده شده است ، و مدرسه ای وسیع بوده ، و تولیت و سرپرستی و تدریس این مدرسه باشکوه ، با سید أبوالرضا فضل الله راوندی

ص: ۵۷۱

۱- تاریخ مدراس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، و نیز رجوع شود به لغتنامه دهخدا ، جلد ۳ صفحه ۸۹۰ . در ذیل عنوان أبونصر ، و کتاب نقض ، صفحه ۷۳۵

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۰

۳- به تاریخ مدراس ایران ، صفحه ۱۴۱ و ۲۰۱ ، و سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۱ مراجعه شود

بوده است (۱).

د- مدرسه شرفیه

آنوشیروان ، فرزند خالد کاشانی (متوفای ۵۳۲) بناهای مهمی از قبیل : مدرسه ، کتابخانه ، دار الشفاء و کاروانسرا ، در نقاط مختلف کشور إحداث می نماید ، که از آن جمله ، مدرسه شرفیه و کتابخانه بزرگ آن ، در شهر کاشان بوده است (۲) . در نزدیک بازار کاشان ، محلی وجود دارد به صورت مخروبه ، که به نام شرفیه نامیده می شود ، و احتمال دارد که همان مدرسه شرفیه باشد . این مدرسه در سال ۷۲۱ هجری ، رو به خرابی گذارده بوده است (۳) .

ه- مدرسه عزیزیه

عزیز الدین کاشانی وزیر سلطان طغرل سلجوقی ، این مدرسه را بنا نموده است (۴) ، و ناصر الدین منشی کرمانی ، در سال ۷۲۵ از این مدرسه بانام مدرسه عزیزی ، یاد میکند و می گوید: خرابی در آن راه یافته است (۵) .

و- مدرسه خان

مدرسه ای بوده که بنای آن ، به دست سید لطیف خان (از بستگان

ص: ۵۷۲

-
- ۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، صفحه ۱۰۸ ، و سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۲۹۶
 - ۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان
 - ۳- تاریخ مدارس ایران ، ص ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، ص ۱۱۰
 - ۴- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از آثار آلوزراء سیف الدین حاجی با تصحیح محدث ارموی ، صفحه ۲۶۵
 - ۵- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی کاشان و نطنز ، صفحه ۱۱۱

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که

(۵۷۳)

سید ابوالرضا راوندی (گذاشته شده ، و نوشته اند که غیاث الدین جمشید کاشانی ، در آن مدرسه ، به درس و بحث علمی اشتغال داشته است (۱).

ز- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید ابوالرضا فضل الله راوندی کاشانی ، یعنی ابوالحسن ، عز الدین ، علی بن فضل الله راوندی کاشانی ، که عالمی فقیه و مورد وثوق ، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده ، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است ، مدرسه ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است (۲).

ح- مدرسه بابا ولی

در کتاب تاریخچه وقف در اسلام، در ضمن معرفی مدارس کاشان ، و نیز در کتاب گنجینه دانشمندان ، از مدرسه بابا ولی یاد شده (۳).

ولی هیچ گونه توضیحی داده نشده ، که این مدرسه متعلق به چه دوره‌ای است، و با توجه به کلمه بابا ، احتمال داده می شود که متعلق به دوره های قبل از صفویه باشد . در حال حاضر، مسجدی به نام « بابا ولی » وجود دارد، که کتابخانه ای با هشت هزار جلد کتاب دارد (۴) ، ولی مدرسه ای به این نام ،

ص: ۵۷۳

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۹۴

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۱۱

۳- تاریخچه وقف در اسلام ، صفحه ۱۲۱ ، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۵ ، و در همین کتاب، صفحه ۲۷۰ در شرح حال آیه الله صبوری ، از تدریس ایشان در مدرسه گذر بابا ولی، یاد شده است

۴- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۸

وجود ندارد . |

ط - مدرسه خواجه تاج الدین

مدرسه و بقعه خواجه تاج الدین را برخی از باستان شناسان ، از بناهای قرن نهم هجری قمری ، و عده دیگر ، به دوران مغول نسبت می دهند . این بقعه دارای دو گنبد آجری است که در زیر هر کدام ، قبوری جای گرفته است . این مدرسه و بقعه چندین بار مرمت شده است (۱) .

مدارس علمیه کاشان ، از دوره صفویه تا کنون

الف - مدرسه علمیه سلطانی «مدرسه امام»

مدرسه ای است بسیار بزرگ و باشکوه ، که از آثار دوره قاجاریه می باشد ، و در انتهای بازار و زاویه شمالی میدان کمال الملک ، قرار گرفته است . این مدرسه به دستور فتحعلی شاه قاجار ، در سال ۱۲۲۱ شروع به تأسیس گردیده ، و در سال ۱۲۲۹ قمری ، پایان یافته (۲) ، و امر تولیت و تدریس و سرپرستی موقوفات مدرسه ، بر عهده فقیه نامدار ، ملا أحمد نراقی ، بوده است .

عبد الرحیم کلانتر ضرابی ، در تاریخ کاشان ، درباره این مدرسه می نویسد :

از علامات و عمارات عالیه ، یکی مدرسه سلطانی است ، که خاقان خلد آشیان مغفور ، آنجا را بنا نمود . همه از گچ و آجر تراش ... و ألحق به این استحکام بنائی در کاشان دیده نشده ، و از شالوده تا نهایت ، علی التحقیق یک خشت خام و یک گل و خاک ، در آن به کار نرفته است . در مقدمه آن مدرسه ،

ص: ۵۷۴

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، از نصرت الله مشکوتی نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران ، صفحه ۲۴۰

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان

جلوخانی بزرگ و از دو طرف ، دو بازار عریض رفیع ، از یک طرف به وسط بازار و طرف دیگر به معبر عام می رسد ... اما وضع مدرسه ، مربع طولانی ، در حقیقت من ، در وسط فضای آن آب نمائی طولانی ، و وسط آن حوضی من بزرگ ، که به یک اطراف آن آب نما ، هر طرفی سه باغچه بزرگ ، از اشجار سرو و بید و آنجیر ، و متن آنها سبزی کاری

و خلاصه مطلب اینکه ، نویسنده مذکور ، بیش از سه صفحه درباره حجرات و مدرس ها و مسجد و گنبد و گلدسته و ایوانها و آب انبار عجیب مدرسه ، و هم چنین درباره مدرس مخصوص عالم علوم عقلی، و نیز ادرس دیگر ، مخصوص عالم علوم نقلی بحث نموده ، و هم چنین از کاشی کاری و آجرنماکاری مدرسه ، و دو منزل مخصوص عالم معقول و عالم منقول ، و نیز درباره لوازم مدرسه و موقوفاتی که برای طلاب و مدرسین و خادم و ناظر و متصدی قرار داده شده ، و هم چنین برنامه عزاداری ده روز دهه عاشورا ، برای سید الشهداء طلا و إطعام طلاب و ذاکرین امام حسین ع ، یاد نموده و شرح داده است ، که مطالعه آن جالب می باشد (۱).

این مدرسه بزرگ و باشکوه ، ۵۲ حجره ، با ایران و صندوقخانه ، مدرس ، کتابخانه (۲) سرداب بزرگ تابستانی ، با بادگیرهای مرتفع ، گنبد آجری ، با دو پوشش ، و در طبقه زیرین آن مسجد و محراب ، با شبستانهای مستطیل شکل و آب انبار بزرگ و مهم و ... دارا میباشد ، و تماشای زیبایی های معماری و مهندسی ، و انواع تزئینات آن، خستگی را از انسان دور می سازد ،

ص: ۵۷۵

۱- به تاریخ کاشان ، چاپ دوم، به کوشش ایرج افشار ، از انتشارات فرهنگ ایران زمین ، از صفحه ۴۲۰ تا ۴۲۴ مراجعه شود

۲- کتابخانه مدرسه ، پنج هزار جلد کتاب دارد (سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۸)

و به راستی از جاهای دیدنی کاشان می باشد .

در زمان بازدید نویسنده ، از حوزه علمیه کاشان و مدرسه سلطانیه (در تاریخ مهرماه ۱۳۶۶ شمسی)، یکصد و پنجاه طلبه در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی و دوره خارج ، در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند .

مدرسه سلطانی که بعد از انقلاب اسلامی، به نام مدرسه امام نامیده می شود، یکی از مراکز اصلی فعالیت حوزه های ، در شهر کاشان ، در حال حاضر میباشد ، و تولیت مدرسه و تدریس درس خارج آن ، بر عهده آیه الله ، آقای حاج شیخ جعفر صبوری دامت برکاته قرار گرفته است (۱).

ب - مدرسه آقا بزرگ

مسجد و مدرسه آقابزرگ ، یکی از میراث های فرهنگی کاشان میباشد . حاج محمد تقی خانبان ، این مدرسه و مسجد را برای درس و بحث حاج ملا مهدی نراقی دوم ، ملقب به آقابزرگ (فرزند ملا مهدی نراقی اول) بنا نموده است (۲).

طبقه زیرزمین ، که هم کف با باغچه ها است ، اختصاص به مدرسه یافته ، و حجرات مسکونی در آن قرار دارد . گنبد دو پوش آجری این بنا ، بر روی هشت جرز قطور قرار گرفته و وضع منحصر به فردی دارد، و در مجموع، این مسجد و مدرسه ، از نظر معماری کیفیت جالب توجهی را دارا می باشد ، و از بناهای عالی کاشان محسوب می شود ، و گنبد و دو مناره دو طرف آن ، که هر یک گلدسته ای است برای آذان اعلام و مناجات شب خوانان ...، همه از گچ

ص: ۵۷۶

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۴ و ۱۸۴

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۳۴۴

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان و

(۵۷۷)

و آجر و کاشی الوان مشجر در کمال تنقیح ساخته شده ، و موقوفاتی برای مخارج طلاب و تعمیرات آن قرار داده شده است
(۱).

نصرت الله مشکوتی ، درباره بنای این مدرسه می نویسد:

مدرسه آقا، که از مدارس مشهور دوران قاجار و قرن سیزدهم هجری قمری است ، از لحاظ شیوه معماری و ساختمانی ، بی نهایت ارزنده می باشد . گنبد عظیم و دو مناره کاشی آن ، در حال حاضر بلندترین ابنیه تاریخی کاشان است . در سر در مدرسه ، کتیبه ای است که (حسرت) نام شاعر ، سروده است ، و در روی کاشی به خط نستعلیق خوانده می شود ، و مورخ به سال ۱۲۶۸ هجری قمری است ... - ساختمان گنبد بزرگ آجری و شبستان های زمستانی و سرپوشیده آن ، در طبقه دوم بناء ، واقع شده است . صحن مدرسه ، زیبا و دارای حجراتی میباشد . در چهار بدنه مدرسه ، کلیه پشت بغلهای آن، مزین به کاشی کاری است ... (۲).

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، سی نفر از طلاب حوزه علمیه در این مدرسه سکونت داشتند . در دوره های اخیر ، نظارت بر مدرسه آقابزرگ ، بر عهده مرحوم آیه الله ، حاج آقا رضا مدنی کاشانی ، متوفای ۱۴۱۳ قمری ، بوده است (۳) .

ج - مدرسه میان چال

مدرسه و مسجد میان چال ، واقع در بازار بزرگ کاشان است ، و دارای

ص: ۵۷۷

۱- تاریخ کاشان ، صفحه ۴۲۴

۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۲۶۸

۳- سیمای کاشان ، صفحه ۱۸۱

حجره های متعدد و کتابخانه ای با پنج هزار جلد کتاب می باشد، و عده ای از طلاب حوزه علمیه، در آن اشتغال به تحصیل دارند. مرحوم آیه الله، حاج آقا رضا مدنی کاشانی، متوفای ۱۴۱۳ قمری، که از علمای میرز و صاحب تألیفات، و از مجتهدین نامدار کاشان بودند، در این مدرسه اشتغال به تدریس داشتند، و در مسجد آن، عهده دار برنامه نماز جماعت و ارشاد مردم بودند(۱).

تاریخ بنا و بانی مدرسه و مسجد میان چال که دارای حوض خانه و سرداب بزرگی می باشد، معلوم نیست، و احتمال دارد از بناهای دوره صفویه باشد (۲).

د- مدرسه درب پلان «مصطفویه»

در سال ۱۲۳۶ هجری، به همت حاج میر محمد علی کاشانی (۳)، بانام یاد شده، مدرسه و مسجدی تأسیس گردیده، که بخش مدرسه آن، در سمت جنوب مسجد واقع است، و به وسیله یک راهرو، به مسجد راه می یابد.

این مدرسه دارای دوازده حجره می باشد (۴) و هم اکنون به نام مدرسه مصطفویه نامیده می شود، و طلاب ساکن آن، در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی، اشتغال به تحصیل دارند (۵).

در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان (در سال ۱۳۶۶ شمسی)، شمار طلاب مدرسه یاد شده چهل نفر بودند، و سرپرستی آنها بر عهده آیه الله،

ص: ۵۷۸

۱- سیمای کاشان، صفحه ۱۸۱، به نقل از کیهان فرهنگی، سال ۱۳۶۶، شماره ۴، صفحه ۱۲

۲- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۳۹، به نقل از آثار تاریخی کاشان و نظیر، صفحه ۲۴۲

۳- زعیم مجاهد، آیه الله، امیر محمد علی کاشانی، جد اعلای آیه الله سید محمد باقر مصطفوی میباشد. (گنجینه دانشمندان، جلد ۶، صفحه ۲۷۲)

۴- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۳۴۴

۵- سیمای کاشان، صفحه ۱۰۱، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۲۹۶

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان)

۵۷۹)

حاج سید محمد باقر مصطفوی کاشانی دامت برکاته قرار داشت .

ه- مدرسه رزاقیه

پس از زلزله شدید سال ۱۹۹۲ در کاشان ، شخصی به نام عبد الرزاق خان، اقدام به احداث بناهایی نمود، و از جمله ، مدرسه ای را تأسیس کرد که به این نام خوانده می شد (۱).

و- مدرسه حسینیّه

مدرسه ای بوده که تا سال ۱۰۲۸ معمور و دائر بوده است (۲).

ز- مدرسه و کتابخانه اعتمادی

یکی از علماء معاصر کاشان ، آیه الله ، حاج سید عباس اعتمادی ، که از مدرسین و علماء مبرز کاشان و عضو یکی از خاندانهای علمی این شهر می باشند ، مرکزی را به نام دار العلم اسلامی تأسیس نموده اند ، که مرکز مطالعه عمومی، و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه می باشد (۳) و در این مدرسه ، جمعی از طلاب حوزه علمیه اشتغال به تحصیل دارند .

ح- مدرسه محمد صالح بیک

شخصی به نام محمد صالح بیک ، مدرسه ای ساخت در دو طبقه ، مشتمل بر بیست حجره و سرداب ، و بازارچه ای واقع در جلوخان مدرسه ، وقف بر آن نمود . پس از زلزله ۱۱۹۲ هجری ، مرمت و تجدید بنا گردید ، و در اوائل

ص: ۵۷۹

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۲۹۶

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۹۴

۳- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۵۷

و (۵۸۰) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان به وج (۲)

نهضت مشروطیت ، از رونق افتاد، و سپس در مسیر خیابان نراقی قرار گرفت، و ویران گردید ، و در باقیمانده آن ، دبیرستانی ساخته شد (۱).

گفته می شود که، مدتی شیخ اعظم انصاری ت ، در این مدرسه ، تدریس نموده اند .

ط - مدرسه حاج محمد حسین تبریزی

حاج محمد حسین ترک تبریزی ، در نزدیکی مدرسه و مسجد میان چال، مدرسه ای با گچ و آجر و کاشی بنا نمود، و موقوفاتی بر آن قرار داد (۲).

عبد الرحیم کلانتر ضرابی ، این مدرسه و مسجد را از بناهای رفیعه عالیه کاشان ، به شمار آورده است (۳).

ی - مدرسه حاج سید مرتضی

این مدرسه ، در زمان زندیه ساخته شده ، و خرابه آن هنوز باقی است ، و جای آن، محله گلچغانه است (۴).

یا □ مدرسه فاضل نراقی

در کتاب گنجینه دانشمندان ، از مدرسه ای یاد میکند ، به نام مدرسه فاضل نراقی ، که قسمت عمده آن در مسیر خیابان قرار گرفته است (۵).

ص: ۵۸۰

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۳۳۹، بنقل از آثار تاریخی کاشان و نطنز، صفحه ۲۶۸

۲- تاریخ مدارس ایران صفحه ۳۴۲

۳- تاریخ کاشان صفحه ۴۲۵

۴- اظهارات یکی از شعرای کاشان به نام آقای فیضی

۵- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶، صفحه ۲۴۵

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که

(۵۸۱۶)

یب - مدرسه علمیه آیه الله یثربی

این مدرسه ، در سال ۱۳۸۸ قمری ، توسط آیه الله ، آقای حاج سید مهدی یثربی دامت برکاته، به یاد برادر بزرگشان ، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید علی یثربی تا ، تأسیس گردیده است .

مدرسه ای است که محل تحصیل و فعالیت طلاب جوان می باشد ، و در حال حاضر (سال ۱۴۱۷ قمری) از دوره درسی مقدمات ، تا سطح و خارج ، ، در آن تدریس می شود ، و از مدارس فعال کاشان ، در دوره اخیر به شمار می رود .

قبلا سی حجره در این مدرسه وجود داشته ، و اخیرا ، پنجاه حجره به آن اضافه گردیده ، و نماسازی و کاشی کاری مدرسه ، انجام نشده است .

محل مدرسه ، در خیابان امام خمینی می باشد ، و کتابخانه ای با ده هزار جلد کتاب دارد (۱). طلاب مدرسه ، در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان، (در سال ۱۳۶۶ شمسی) ۲۵۰ نفر بودند ، و اخیرا شمار آنها به سیصد نفر افزایش یافته است . مدرسه ولی عصر (عج) در قمصر کاشان ، وابسته به همین مدرسه می باشد .

مکتب کوثر

مدرسه ای است متعلق و وابسته به مدرسه آیه الله یثربی ، و در نزدیکی آن قرار گرفته ، و طبقه نسوان در آن به دروس حوزه‌های اشتغال دارند .

در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان ، یکصد نفر در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند ، و اخیرا شمار آنها ، به یکصد و بیست نفر افزایش یافته است .

ص: ۵۸۱

۵۸۲۶) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان که ج ۲)

در این مدرسه ، هشت مدرس و شش اطاق ، به عنوان خوابگاه وجود دارد .

۲۴- کچو مثقال

به بخش مربوط اردستان مراجعه شود ، ضمن معرفی حوزه علمیه اردستان روستای کچو مثقال و مدرسه علمیه آن ، مورد بحث قرار گرفته است .

۲۵- گلپایگان

این شهر ، مرکز شهرستان گلپایگان می باشد ، که از شمال ، به خمین و محلات و از جنوب ، به خوانسار و فریدن ، و از مشرق ، به میمه ، و از مغرب ، به الیگودرز محدود می گردد (۱).

گلپایگان ، یکی از شهرهای قدیمی کشور، و دارای ابنیه و عماراتی قدیمی می باشد ، که از جمله آنها ، مسجد و مناره ای از دوره سلجوقیان ، و نیز بنای بقعه هفده تن (که هفده امامزاده بزرگوار ، در یک بقعه مدفون می باشند ، و ساختمان آن متعلق به دوره صفویه است) را می توان نام برد (۲) .

شهر گلپایگان ، از نظر دینی و اعتقادات مذهبی و پای بندی به مکتب ولایت و تشیع ، دارای نشانه های ارزشمند ، همانند : مساجد بسیار (۳) و چندین امامزاده و بقعه دینی می باشد ، که نشانه بارزی از اعتقادات پاک ، و پای بندی مردم آن به اسلام و قرآن و مکتب اهل البیت علی ، به شمار می رود .

این شهر مذهبی و حومه آن ، زادگاه فقهاء بزرگ و نامدار می باشد ،

ص: ۵۸۲

۱- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۰

۲- لغتنامه دهخدا ، جلد ۴۰ ، صفحه ۳۵۸

۳- در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۴۱۸ ، ۵۶ مسجد را با نام مشخص ، ذکر میکند و سپس می نویسد : و چند مسجد دیگر

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان

که

(۵۸۳)

و چهره های برجسته ای از آن ، در حوزه های علمیه و مراکز علمی ، درخشیده اند، همانند :

۱- فقیه و مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی ، آقا سید جمال الدین گلپایگانی متوفای ۱۳۷۷ قمری ، که نه تنها در مقامات علمی و آثار قلمی ، از شخصیت‌های بزرگ حوزه علمی شیعه به شمار می رود ، بلکه در نیل به مقامات معنوی ، و سیر و سلوک روحی ، و انقطاع الی الله ، از چهره های نامدار و از مفاخر بزرگ قرن چهاردهم ، محسوب گردیده است (۱) (۲) .

۲- زعیم و مرجع عالیقدر جهان تشیع ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی بی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که هزاران مجتهد و محقق و نویسنده و مبلغ دینی ، در حوزه درس ایشان تربیت شدند ، و زعامت و مرجعیت ایشان ، نه تنها در حفظ و رشد و تکامل حوزه علمیه بزرگ شهر مقدس قم ، نقش حیاتی داشت ، بلکه در تمامی شهرهای ایران ، و کشورهای دیگر ، آثار و برکات زعامت و رهبری آن بزرگمرد ، در رشد و توسعه دامنه فعالیت‌های علمی و دینی ، آثار و نتایج شگرفی را برجای نهاد ، و چه بسیار مساجد ، مدارس علمیه ، کتابخانه ها ، خانه های عالم (۳) که از باقیات

ص: ۵۸۳

۱- شرح حال مفصل این بزرگمرد ، و سایر مفاخر علمی گلپایگان را در کتاب « حوزه های علمیه شیعه » عرضه می داریم ، انشاء الله تعالی

۲- این بزرگمرد ، در یک خاندان علمی ارزشمندی درخشیده اند که در میان آنها از پدران و برادران و فرزندان ، علماء بزرگواری ، ظهور نموده و به مقامات علمی نائل گردیده اند

۳- منظور ، خانه هائی است که به دستور آن زعیم بزرگ ، در شهرها و روستاها ساخته می شد ، که در فصلهای تبلیغی (همانند : ماه مبارک رمضان و محرم و صفر) محل اقامت مبلغین دینی باشد ، و استقلال روحانیت و مبلغ دینی ، کاملاً محفوظ بماند

الصالحات این بزرگ مرجع دینی (در داخل و خارج ایران) به شمار می رود .

۳- مرجع عالیقدر و معاصر ، آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی، که آثار قلمی و برکات علم و اجتهاد این بزرگمرد، از زمان مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی ، آقای بروجردی ، و سپس دوران مرجعیت سی و چهار ساله آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، ظاهر می باشد ، و فیوض و برکات اندیشه روشن و حسن تدبیر ایشان ، در صحنه های گوناگون ، مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است .

و هم چنین بزرگانی ، همانند : مرحوم آیه الله ، آخوند ملا- محمد جواد صافی گلپایگانی (پدر بزرگوار أخوان صافی گلپایگانی) ، آیه الله ، حاج شیخ علی صافی گلپایگانی ، آیه الله ، فرید گلپایگانی ، آیه الله ، وحید گلپایگانی ، آیه الله ، حاج سید محمد حائری گلپایگانی ، آیه الله ، آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی ، آیه الله ، قاضی زاهدی ، آیه الله ، حاج میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی . و نیز ، دهها مجتهد و عالم بزرگ دیگر ، که در شهر گلپایگان و یا در حوزه های نجف ، سامراء ، کربلاء ، مشهد و اصفهان به فعالیت علمی و دینی اشتغال داشته ، و تربیت کننده علماء بزرگ دینی بوده اند (۱) (۲) .

ص: ۵۸۴

۱- برای آشنائی بیشتر با مفاخر علمی گلپایگان ، علاوه بر نباء البشر ، أعيان الشیعه ، ریحانه الأدب و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، به گنجینه دانشمندان (مخصوصا جلد ۶ از صفحه ۴۱۸ تا ۴۳۹) مراجعه شود ، و ما نیز در کتاب حوزه های علمیه شیعه ، بخش مربوط به گلپایگان ، بررسی مفصلی داریم ، انشاء الله

۲- در شهر گلپایگان و اطراف آن ، خاندانهای علمی ارزشمندی شکل گرفته است ، که هر کدام ، در برگیرنده چهره های علمی ، اعم از مرجع تقلید و مجتهد ، محقق ، نویسنده و گوینده می باشند، از قبیل : خاندان علمی هاشمی گلپایگانی ، موسوی گلپایگانی ، قاضی زاهدی ، صافی گلپایگانی ، محمدی گلپایگانی ، حائری گلپایگانی ، وحید گلپایگانی ، نخعی گلپایگانی و ..

مدارس علمیه گلپایگان**الف - مدرسه ای قدیمی**

بوده ، متعلق به پیش از یکصد سال قبل (که ابتداء تأسیس آن معلوم نیست و در حکومت جبار پهلوی ، تخریب گردیده و جزء فلکه ای قرار گرفته ، که در سالهای پس از انقلاب اسلامی، به نام فلکه ۱۷ شهریور نامیده شده است .

ب و ج - مدرسه کوی دروازه خوانسار و مدرسه کوی علیا

ب و ج - در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ صفحه ۴۱۹ ، از دو مدرسه یاد می کند یکی به نام مدرسه کوی دروازه خوانسار و دیگری به نام مدرسه کوی علیا، که هیچ کدام از آنها در حال حاضر وجود ندارد .

د - مدرسه مسجد حجه الإسلام

مسجد حجه الإسلام (جد بزرگوار آقای قاضی زاهدی معاصر) حجره هائی داشته ، که محل اقامت و تحصیل طلاب حوزه علمیه بوده ، و در دوره ایشان ، (در حدود یک قرن و نیم قبل) تا سالهای متمادی ، حوزه علمیه گلپایگان ، فعال بوده ، و طلاب علاقمند ، از اطراف و اکناف ، به سوی این حوزه علمیه ، روی می آورده اند .

ه- مرکز فعالیت های علمی و تبلیغی

در زمان بازدید نویسنده از شهر و حوزه علمیه گلپایگان (در سال ۱۳۶۵ شمسی) منزلی بود سه طبقه (با محاسبه طبقه زیر زمین) ، که حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی ، به عنوان منزل عالم تهیه کرده بودند ، و تمام فعالیت های حوزه ای و تبلیغی شهرستان گلپایگان ، در آن مرکز علمی و دینی انجام می گرفت، و در آن زمان ، ۲۵ نفر طلبه در رتبه مقدمات و سطح، در آن مجمع علمی اشتغال به تحصیل داشتند .

و- مدرسه آیه الله وحید

مدرسه ای است که در سال ۱۳۴۰ قمری ، به وسیله مرحوم آیه الله ، وحید گلپایگانی ، در گوگرد گلپایگان (۱) تأسیس گشته ، و در زمان بازدید نویسنده از شهر و حوزه علمیه گلپایگان ، در حال تجدید بنا بود .

ز- مدرسه بزرگ آیه الله العظمی گلپایگانی

در سال ۱۳۶۲ شمسی ، آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، قطعه زمین بزرگی به مساحت دوازده هزار متر ، برای تأسیس حوزه علمیه و نیازمندیهای دیگری که جنبه دینی - اجتماعی دارد ، اختصاص دادند ، و قسمتی از آن را که به مساحت تقریبی سه هزار متر می باشد ، برای ساختن مدرسه علمیه تعیین نمودند .

ساختمان مدرسه (با محاسبه طبقه زیرین) سه طبقه ، و در چهار طرف ، و مطابق اصول معماری مدارس علمیه قدیم میباشد ، و ۶۰ حجره ، و ۱۰ مدرس بزرگ دارد ، و در طبقه زیرین ، نیازمندیهای مدرسه ، از قبیل : آشپزخانه ، رختشویخانه ، سالن غذاخوری ، مخزن کتابخانه ، دستگاه تهویه ، انبار ، حمام و ... ، قرار داده شده است .

در طبقه اول و دوم مدرسه ، حجره ها و مدرس ها و نیز دو سالن مطالعه (در ضلع جنوب شرقی) و یک نمازخانه ، با سقف بلند (در ضلع جنوب غربی) ، و در طرف شرقی و غربی مدرسه ، دو راهرو و سردر جالب قرار گرفته است .

ص: ۵۸۶

۱- گوگرد ، یکی از روستاهای تابعه گلپایگان ، و زادگاه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی است ، که اخیراً در اثر توسعه گلپایگان ، متصل به شهر گردیده است

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان)

(۵۸۷)

تزیینات و نماسازی و کاشی کاری مدرسه (در حال حاضر ، سال ۱۳۷۵ شمسی) مقداری انجام شده ، و در حال تکمیل می باشد ، و در مجموع، مدرسه بسیار مجللی است، و از مراکز دیدنی شهر گلپایگان ، به حساب می آید .

در حال حاضر، تعداد ۴۰ نفر طلبه در رتبه های درسی مقدماتی و سطح متوسطه و عالی در این مدرسه اشتغال به تحصیل دارند ، و برنامه های آن ، زیر نظر دفتر آیه الله العظمی، آقای گلپایگانی (در قم) اداره میشود ..

محل مدرسه ، خیابان گوگرد (خیابان شهید مطهری) میباشد(۱).

۲۶- گوزت

از روستاهای شرق اصفهان و نزدیک به خوراسگان میباشد ، و مدرسه ای داشته ، که بانی آن شخصی به نام میرزا باقر بوده است (۲).

۲۷- مهرآباد

به بخش مربوط به اردستان (در همین کتاب) مراجعه شود ، در ذیل معرفی حوزه علمیه اردستان ، مورد بحث قرار گرفته است .

۲۸- نائین

شهری است در بین راه اصفهان - یزد ، در ۱۴۰ کیلومتری شرق اصفهان ، و در منطقه کویری، قرار گرفته است . این شهر، قدیمی می باشد ، و سابقه آن،

ص: ۵۸۷

۱- برای آشنائی با تأسیس و خصوصیات ساختمانی مدرسه یاد شده ، این نویسنده دو نوبت (در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ شمسی) به بازدید از مدرسه موفق گردیده ، و برای آگاهی نسبت به فعالیتهای انجام شده در سالهای اخیر ، از گفتگو با علماء و

مسئولین امور حوزه علمیه شهرستان گلپایگان ، بهره گیری نموده است

۲- دار العلم شرق ، صفحه ۱۲۰۹ مخطوط (ورقه ضمیمه

به پیش از اسلام می رسد (۱)، و بسیاری از علماء و بزرگان ، از آن برخاسته اند .

نائین ، دو مدرسه علمیه دارد که یکی قدیمی، و دیگری جدید البناء است .

الف - مدرسهٔ امامزاده

مدرسه ای است با دو طبقه ، در جوار امام زاده ، سلطان ، سید علی بن ابراهیم (مجاب) بن موسی بن جعفر علا ، و دارای بیست حجره می باشد .

دو نفر از علماء بزرگ نائین ، به نام های : آقا سید عباس کاشفی ، و حاج شیخ جمال الدین نجفی ، در این مدرسه تدریس و سرپرستی و زعامت داشته اند . مدرسه را به نام مدرسه آیه الله نائینی می نامند ، و تأسیس آن ، به حدود یکصد سال قبل می رسد .

از سال ۱۴۰۰ قمری ، تعمیراتی در این مدرسه شروع گردیده ، که تا زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۵ شمسی = ۱۴۰۶ قمری) ادامه داشت ، و در کاشی های نصب شده در اطراف مدرسه ، تاریخ ۱۴۰۴ قمری نقش بسته بود، که تاریخ تعمیر و نصب کاشی های جدید می باشد .

در طرف جنوب شرقی مدرسه ، ایوان باشکوهی وجود دارد که دو طرف آن، چهار حجره ، به صورت دو طبقه ساخته شده ، و در این ایوان ، دری به سوی حرم امامزاده باز شده است . در زمان بازدید از مدرسه ، طلبه ای در این مدرسه ساکن نبود .

ب - مدرسهٔ علمیهٔ جعفری

این مدرسه در سال ۱۳۹۰ قمری ، به وسیله مرحوم آیه الله ، حاج شیخ جمال الدین نجفی نائینی تأسیس گشته ، و محل آن واقع در خیابان امام

ص: ۵۸۸

.....

می باشد ، و ۱۰ حجره دارد، و دارای کتابخانه ای می باشد ، که بعضی از کتابهای آن خطی و ارزشمند است .

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۵ شمسی) بیست نفر در رتبه دروس ادبی و مقدماتی ، اشتغال به تحصیل داشتند .

در دوره اقامت بیست ساله مرحوم آیه الله ، حاج شیخ جمال الدین نجفی ، در شهر نائین ، حوزه علمیه این شهر، از رونق خوبی برخوردار بوده است (۱).

مفاخر علمی نائین

از شهر نائین ، علماء و بزرگان بسیاری برخاسته اند ، که از مفاخر علمی این شهر به شمار می آیند، همانند :

۱- حکیم و متکلم و فقیه و اصولی نامدار ، مرحوم میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی ، معروف به « میرزا رفیعای نائینی » ، متوفای ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ قمری (مدفون در تخت فولاد اصفهان و صاحب بقعه مخصوص) که از اساتید علامه مجلسی و شیخ حر عاملی، و از شاگردان شیخ بهائی ، و صاحب تألیفات ارزشمند بوده (۲) است .

۲- حکیم و متکلم و محدث و فقیه عظیم الشأن ، بهاء الدین ، محمد بن محمد باقر حسینی نائینی اصفهانی، متوفای بعد از ۱۱۳۰ قمری ، که تألیفات گوناگونی از خود به جای گذارده (۳) ، که نشانه بلندی همت او ، و مشتمل بر

ص: ۵۸۹

۱- اظهارت و توضیحات مرحوم آقا سید عماد الدین شهرستانی ، سرپرست مدرسه علمیه نائین ، در هنگام بازدید از مدرسه ، در سال ۱۳۶۵ شمسی

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۱۲۷ - ۱۲۸

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۰

(۵۹۰) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان (ج ۲)

مطالب بسیار لطیف و ارزشمند می باشد (۱).

۳- شخصیت برجسته و ممتاز حوزه علمیه نجف اشرف ، آیه الله العظمی ، آقا میرزا محمد حسین نائینی تیا ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که از مراجع بزرگ شیعه ، و از زعمای عالیقدر و پرچمداران علمی حوزه نجف اشرف بوده اند .

۲۹- نجف آباد

شهر نجف آباد ، در ۲۷ کیلومتری غرب اصفهان ، در مسیر جاده اصفهان به خوزستان قرار گرفته ، و در سالهای اخیر ، رشد و توسعه زیادی یافته است .

وجه نامگذاری به نام «نجف آباد»

در لغتنامه دهخدا ، شرحی درباره تاریخچه نجف آباد نوشته شده ، که خلاصه اش این است : بنا به عقیده علماء ، در زمان صفویه در حدود سال ۱۰۲۲ هجری قمری ، از طرف شاه عباس اول ، مقصداری جواهر و پول نقد برای مرقد مطهر و آستان مقدس امیرالمؤمنین علی -ا- اختصاص داده شد، و تصمیم بر ارسال آنها گرفته شد، شیخ بهائی به دیدار شاه عباس رفت و گفت : دیشب در خواب ، حضرت علی لا را زیارت کردم، فرمودند:

نجف اشرف را به جواهرات شما حاجتی نیست ، جواهرات را صرف ساختمان شهری در نزدیکی اصفهان به نام نجف آباد کنید شاه عباس سخن مرحوم شیخ بهائی را قبول کرد، و با نظارت آن بزرگمرد ، شهر نجف آباد ساخته شد (۲).

ص: ۵۹۰

۱- روضات الجنات، جلد ۷، صفحه ۱۲۱

۲- لغتنامه دهخدا ، جلد ۴۶، صفحه ۳۵۸، یزدانی نجف آبادی ، در کتاب دیباچه دیارتون ، چنین آورده است : .. چند شتر که با بارهای سنگین از سکه های نقره شاه عباس ، به راه نجف میرفت ، پنج فرسنگی پایتخت در یک دره وسیع ریگی ، میان دو رشته کوه خشک رفت و دیگر برنخاست ، تلاش شتربانان بی اثر بود . یک روز و دو روز گذشت، « بقیه در صفحه بعد »

بنابراین ، سابقه شهر نجف آباد به چهار قرن گذشته می رسد .

مفاخر علمی نجف آباد

از شهر نجف آباد ، علماء بسیار و شخصیت‌های مبرزی برخاسته اند ، همانند :

۱- مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد حسین ، فرزند آقا سید محمد ، متوفای ۱۳۳۱ قمری ، که از مجتهدین عالیقدر و از شاگردان آخوند خراسانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی بوده، و پس از أخذ اجازه اجتهاد ، به نجف آباد برگشته ، و علاوه بر إقامة جماعت در مسجد بازار ، در حجرات مسجد ، تدریس مینموده است (۱) ، ۲- مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از مجتهدین و مراجع بزرگ در حوزه علمیه اصفهان بوده اند ، و حوزه درسی ایشان مجمع میژرترین چهره های علم و فضل بوده ، و شاگردان زیادی را تربیت نموده اند ، ۳- مرحوم آیه الله ، آقای حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که از مفاخر بزرگ نجف آباد ، و از علماء و مدرسین و مجتهدین طراز اول اصفهان بوده اند .

و هم چنین ، عده زیادی از علماء و فضلاء از این شهر برخاسته اند ، و بعضی در حوزه های (نجف ، قم ، مشهد ، اصفهان) درخشیده اند، و در عالم علم

« بقیه از صفحه قبل » و اشتران هم چنان خفته بودند، کاروان سالار درمانده شد، و به پایتخت (اصفهان) خبر داد ، همان شب شیخ بهائی ، مشاور و محرم شاه ، امام خفته در نجف (امیر المؤمنین علی یلا) را به خواب دید که اشتران را آزاد کنید ، سکه های نقره را همانجا خرج کنید . و بنائی به نام من بسازید ، که چنین خواسته ام . اراده امام لا انجام شده ، آنجا آب نبود ، از راه دور آوردند و در آن ریگ زار ، بنا و صحن و ضریح و گنبدی ساختند و با دو باغ در دو سو ، و نام آرامگاه امام لثلا را بر آن نهادند که از مال نجف آباد شده بود (دیباچه دیار نون ، صفحه ۱۱)

ص: ۵۹۱

و اجتهاد و قلم و بیان ، از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه می باشند (۱).

مدارس علمیّه و کتابخانه های نجف آباد

الف - مدرسه الحُجّه

که به نام مدرسه حجتیه نیز نامیده می شود . این مدرسه اولین پایگاه رسمی حوزه علمیه ، در شهر نجف آباد میباشد ، و تأسیس آن به حدود نیم قرن قبل می رسد .

یکی از علماء پر تلاش و با همت ، یعنی مرحوم آقای شیخ ابراهیم ریاضی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری ، که از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان و قم ، و از شاگردان مرحوم آیه الله العظمی ، حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) بوده ، در زمان مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد حججی تا متوفای ۱۳۶۵ قمری ، و با همکاری و کمک ایشان ، مدرسه علمیه حجتیه را تأسیس نموده است (۲) .

مدرسه یاد شده ، از یادگارهای این دو مرد بزرگ و با تقوی می باشد ، و علم و دانش و تقوای مرحوم حججی ، و همت بلند و کوششهای خستگی ناپذیر مرحوم ریاضی ، حوزه های پر بار و پر برکت ، که تاکنون باقی می باشد ، و برکاتی

ص: ۵۹۲

۱- در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۷ ، از صفحه ۲۹۱ تا ۳۱۸ ، و هم چنین ، در مواضع متفرقه همان کتاب ، به مناسبت شهرهای محل اقامت علمانی که از نجف آباد برخاسته ، و در آن شهرها اقامت جسته اند ، جمع زیادی مورد معرفی قرار گرفته اند ، و نیز در کتابهای طبقات حاج آقابزرگ طهرانی و دانشمندان و بزرگان اصفهان و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد اصفهان ، به عده های از آنان اشاره شده ، و شخصیت آنها مورد بحث و معرفی قرار گرفته است

۲- تحقیقات حضوری نویسنده در محل ، و نیز دیباچه دیار نون ، صفحه ۱۶۶ و ۱۷۶ ، در شرح حال مرحوم حججی و مرحوم ریاضی

گسترده دارد ، را ، به عالم حوزه های علمیه ، تقدیم نموده است .

مدرسه یاد شده ، دارای دو طبقه است ، و سی حجره (۱) و مدرس و کتابخانه قابل توجه (با حدود پنج هزار جلد کتاب) و نیز نوارخانه دارد، و در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، (در سال ۱۳۶۵ شمسی) هفتاد نفر طلبه ، در رتبه های درسی مقدمات - سطح متوسط - سطح عالی (رسائل و مکاسب و کفایه الأصول) در این مدرسه تحصیل علم می نمودند .

محل مدرسه ، واقع در خیابان امام می باشد ، و مسجدی هم در جوار آن قرار دارد .

ب - مدرسه جامعہ الإمام المنتظر «عج»

محل مدرسه واقع در خیابان منتظری شمالی می باشد ، و مساحت آن ده هزار متر است . هفت هزار متر زیر بنا دارد، و با محاسبه طبقه زیرزمین ، سه طبقه است . یکصد و هشتاد و شش حجره ، و چهار مدرس عظیم برای درسهای عمومی و اجتماعات بزرگ ، و چندین مدرس کوچک دارد، و از تمامی امکانات مناسب و جدید ، در ساختمان مدرسه ، بهره برداری شده است

بنای مدرسه (به عللی) هنوز به اتمام نرسیده ، و جمعی از طلاب ، به نحو رسمی و غیر رسمی ، در این مدرسه اشتغال به تحصیل دارند . کتابخانه ای برای مدرسه در نظر گرفته شده ، که هنوز فعال نیست .

شروع به ساختمان این مدرسه ، در حدود سال ۱۳۵۸ شمسی بوده ، و سلسله مسائلی در رابطه با این مدرسه ، و عموماً شهر نجف آباد و حوزه علمیه آن مطرح می باشد ، که مربوط به هدف این کتاب و این بررسی نمی باشد

ج - مسجد مرحوم آیه الله حججی

مسجدی است واقع در خیابان منتظری شمالی، که مرحوم آیه الله، حاج شیخ أحمد حججی، در آن اقامه جماعت و تدریس داشته اند، و در حقیقت، حرکت علمی و حوزه های قبل از تأسیس مدرسه الحجه (که قبلاً ذکر گردید) در این مسجد و به وسیله آن بزرگمرد، شروع گردیده است.

د- کتابخانه مسجد مرحوم آیه الله حججی

فرزند برومند مرحوم آیه الله حججی، جناب حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ رضا حججی، در سال ۱۳۶۵ شمسی، در قطعه زمینی به مساحت یک هزار متر و زیربنای سیصد متر، کتابخانه ای تأسیس نموده اند، در چهار طبقه، که طبقه زیرین، مخزن کتابخانه، و طبقه اول، سالن مطالعه آقایان، و طبقه دوم و سوم، سالن مطالعه بانوان و طبقه چهارم، سالن اجتماعات و مرکز تحقیقات علوم اسلامی می باشد.

این کتابخانه در حال حاضر، چهارده هزار جلد کتاب دارد، که مشتمل بر کتب خطی و نفیس نیز می باشد، و در مجموع، محل فعالیت علمی و مطالعات اسلامی، محسوب می گردد.

ه- کتابخانه زهرائیه علیها السلام

واقع در خیابان فردوسی شمالی می باشد، در قطعه زمینی به مساحت ۶۳۰ متر و زیربنای ۴۳۰ متر، و در سال ۱۳۶۶ شمسی، تأسیس گشته است.

این کتابخانه سه طبقه است، که طبقه اول در اختیار خادم و نیازمندی های کتابخانه می باشد، و طبقه دوم مخزن کتابخانه، و طبقه سوم، سالن مطالعه

است، و پنجاه هزار جلد کتاب عربی و فارسی و لاتین ، در این مرکز علمی و دینی وجود دارد، و کتابخانه ای ففال به شمار می رود .

و - حوزه علمیه زهرائیه علیها السلام

در مجاورت کتابخانه یاد شده ، حوزه علمیه ای برای بانوان میباشد ، که عده ای از طبقه نسوان ، به تحصیل علوم حوزه ای در آن اشتغال دارند .

ز - حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام

واقع در خیابان امام ، جنب مسجد جامع می باشد ، و دارای دو طبقه است ، و عده ای از بانوان ، در آن اشتغال به تحصیل علوم حوزه ای دارند .

۳۰ - نطنز

شهری است در حد فاصل بین اصفهان و کاشان ، در ۷۴ کیلومتری جنوب شرقی کاشان ، و ۳۲۶ کیلومتری تهران (۱).

شهر نطنز ، مدرسه علمیه قدیمی داشته ، در نزدیکی مسجد جامع قدیمی ، که در زمان حکومت پهلوی ، به تصرف اداره فرهنگ زمان در آمده ، و با تغییر ساختمان ، تبدیل به دبیرستان دخترانه گردیده بوده است . پس از انقلاب اسلامی ، مدرسه یاد شده ، به حوزه علمیه بازگردانده شده ، و به نام مدرسه شهید صدوقی ، نامگذاری گردیده است .

در زمان بازدید نویسنده از شهر نطنز ، و تحقیق درباره مدرسه یاد شده (در سال ۱۳۶۶ شمسی) بیست نفر طلبه در آن مدرسه ، در رتبه مقدمات و سطح ، تحصیل علم می نمودند .

ص: ۵۹۵

بِسْمِهِ تَعَالَى

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ
حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهُ عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ

أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ

وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصِي نَبِيِّكَ صَلَوَةً تَزُلُّهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ

مِنَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ

منقول از مفاتیح حاج شیخ عباس قمی

ص: ۵۹۶

۱۱- اصفهان از دیدگاه شعراء و سراینندگان بزرگ

اشاره

ص: ۵۹۷

از دیر زمان ، شعرای عالیقدر و نکته سنجان عالم شعر و ادب ، درباره اصفهان به سرودن اشعاری زیبا ، با مضامین بلند و معانی لطیف ، پرداخته اند و درباره هر یک از ارزشهای طبیعی و معنوی اصفهان و مردم آن ، اشعاری دلپذیر و دلنشین ، سروده اند .

در این سروده ها ، از علم و دانش ، ایمان و ولایت ، عشق و ایثار ، جهاد و شهادت ، شجاعت و شهامت ، هنر و ظرافت مردم اصفهان ، تجلیل و تمجید شده ، و از مسجدها و مدرسه ها ، مناره ها و گلدسته های این شهر بزرگ ، به عظمت یاد شده و این قطعه بزرگ از سرزمین پهناور ایران ، جایگاه تجلی ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ، و عشق و علاقه ، به امامان معصوم علیهم السلام ، و محلّ به نمایش در آمدن ارزشهای علمی و دینی ، و اعتقادات پاک و افکار و اندیشه های متعالی ، در قالب زیباترین و پرجاذبه ترین هنرهای لطیف و ظریف ، از قبیل : شعر و خطّ و معماری و کاشی کاری و گچ بری و ... ، معرّفی گردیده است . در این بخش ، از میان سروده های بسیاری از آثار شعرای قدیم و معاصر ، تنها به چند سروده (آن هم به فرازهایی از آنها) اکتفا نموده ، و از بُستان پرطراوت شعر و ادب ، گلھائی زیبا بر می گزینیم و شامیه جان را به عطر ذوق و ابتکار و خلاقیت و بیان نُخبگان احساس و عاطفه ، نوازش می دهیم .

این قسمت را به ترتیب حرف اول عنوان و (تخلص) شعرای عالیقدر ، تنظیم نموده ایم .

اصفهان

اصفهان ای سرزمین عطرها و یادها

ای شمیم غنچه ها در کوله بار بادها

ای زمینت سبزتر از جای پای آسمان

یک چمن آئینه در زیر پل رنگین کمان

ای سبک پیک نسیمت قاصد پیغام گل

در کتاب عشق ، نامت همردیف نام گل

ای کبود آسمانت شیشه احساسها

خواب هر کویت پر از شعر سپید یاسها

ای فضای دلنشینت شعر ناب زندگی

ای زلال زنده رودت رشک آب زندگی

زنده رود آئینه ای از نقره پیش روی توست

غرفه غرفه آب و آرامش پل خواجوی توست

غرفه غرفه ، نقش آب و آسمان در قابها

روی طاقیها درنگ جاری مهتابها

شیر سنگی ، پاسبان پیر پستوهای خواب

پله پله رفته تا دامان موجا موج آب

گشته پنهان هر طرف در پشت هر دیوار باغ

روح صد باغ است سرگردان تو را در چارباغ

خوشه های نور از گلدسته هایت چیدنی است

در طنین کاشیِ آبی ، فروغت دیدنی است

ص: ۶۰۰

نزد من زیباتر است از بوی جوی مولیان
چون تراود از تن گلدسته ها عطر اُذان
تا سحر نام تو را بر تارک گلدسته گفت
در سکوت سنگها یک باغ اسلیمی شکفت
یاسها پیچیده بر گیسوی سبز آبها
دست زنبقها گرفته دامن محرابها
تا باشد هر سحر گه در شبستانها نسیم
دامنی از عطر بسم الله الرحمن الرحیم
أبرهای عطر و باران بر سرت چادر شدند
خنده ای کرد آسمان ، سنگابهایت پُر شدند
از شکوه گنبدت تشبیه ها بگریختند
چون کبوترها به بام کاشیت پُر ریختند
گنبد شیخ حباب پایدار آسمان
چون حباب نور بر أمواج اسلیمی روان
ای غرور سنگی فؤارهای چل ستون
در میان پیچ و تاب آب ، قصر واژگون
ای سپاهان ! ای ز شولای هنر پیراهنت
وسعت سبز هنر پیداست در هر روزنت
اصفهان ؛ ای عشق ، ای آئینه زار زنگها
با تو بیرون می روم از خویشتن فرسنگها

می نشانم با نسیم عشق ، در جانم تو را

از فراز پل ، سی و سه بار می خوانم تو را

تا ابد از عطر صلح و دوستی آکنده باش

شدهنر پاینده از تو ، تا ابد پاینده باش

ص: ۶۰۱

سرود زاینده رود

ای مهد هنروران ایران

وی تاج سر هنر ، صفاهان

ای خاک پُر از عبیر و گوهر

ای مخزن سیم و توده زر

در دامن تو، گهر فزون است

و دشت هنر تو ، لاله گون است

چون میر عماد بس هنرمند

از بهر تو ، طرح تازه افکند

بس گنج غنی بسان درویش (۱)

داری تو نهان به تربت خویش

آن شیخ بزرگ ما، «بهائی»

آن مظهر عشق و پارسائی

بوده است به ملک تو یگانه

نامش به زمانه ، جاودانه

«صائب» که به سبک اصفهانی

گفت آن همه شعر پُر معانی

از رتبه به اوج کهکشانشد

با دست سخن بر آسمان شد

١- مقصود، درویش عبد المجید، خطاط نامدار است.

از فیضِ تو گفته است مضمون
در خاکِ تو گشته است مدفون
تصویرِ جمالِ تو « جمال » است
سرفصلِ فضائلت ، « کمال » است
از لطف و صفا ، تو ای صفاهان
تاجِ شرفی به فرقِ ایران
از شور و « نوا » ی « آشنا » ی
بر گنبدِ چرخ شد صدایت
نقّاشِ زمان « مصوّر الملک »
آورد به ساحلِ هنر فُلك
در حکمت و فلسفه « جهانگیر »
شد دانش و فضل او جهانگیر
بگذاشت ز دست ، ساز و مضراب
بنمود ز عشق ، رو به محراب
در شعر و فنِ سخنِ سرائی
زد سگّه به نامِ خود « همائی »
ای شهرِ شهیرِ ملکِ ایران
زیبید به تو ناز ، ای صفاهان
داری تو هنروری یگانه
خطّاطِ محقّقِ زمانه

استاد «فضائلی» که در خط

و از «میر عماد» یافت سرخط

از گنبد آیت به گردون

باشی به جهان عشق ، بی چون

ص: ۶۰۳

بر تارک آسمان درخشی

بر جسم فلک ، چو جان درخشی

بر رود تو تانگاه عشق است

پلهای تو شاهراه عشق است

هر فصل تو نقشی از بهار است

دشت و دمن تو لاله زار است

(احساس) ز فیض زنده رود است

پیوسته تو را به لب سرود است

هنوز آراسته است از نقش ها ایوان و درگاهت

هنوز از گنبد شیخ است مُحکم پایه جاهدت

بود از صنع معماران جهانی چشم بر راهت

دل از کف میر باید کلک نقاشان آگاهت

هنوز اهل نظر هستند مفتون وهوا خواهت

مگر دست تمنا شان رسد روزی به دامانت

ص: ۶۰۴

اصفهان ، مهد شاعران و آدیبان نامدار انسان

و مرکز فقه و حدیث و کلام و حکمت

بر سپاهان گذر ای پیک نسیم سحری

کامده منظر او قبله ی مرد هنری

به هوایت چه کند ای همه زیبائی و مهر

همچو آشک من اگر گل نکند پرده دری

از «جمال» تو سخن یافت چنین لطف و جمال

وز « کمال » تو سرأفراز چنین شعر دری

در هوای لب شیرین دهنانت سازد

لاله با داغ دل و غنچه به خونین جگری

ای تو أفراشته در مُلک سخن رایت فخر

وی به دوش تو در این ره عَلم راهبری

ای به آئین سخن گستری و مذهب شعر

ختم گردیده ترا منصب پیغامبری

خطِ هر جاده کوی تو به تشریف خیال

زده بر دفتر امکان ، رقم بی خبری

از کلام و حکم و فلسفه و فقه و حدیث

از فنون عملی تا به علوم نظری

هر که در چشم خرد سرمه خاکت نکشید

نپذیرند از او دعوی صاحب نظری

و آنهمه نخل که در باغ تو پربار و برند

سرو سان خسته دلم از غم بی بار و بری

بی «صغیر» تو کهن ساله سخن گوی ، صغیر

خار ، بی «صاعد» تو، دامن گلبرگ تری

بینوا آنکه ندارد ز «نوا» ی تو نوا

بی گهر آنکه «متین» ات شناسد گهری

نی به گفتار «طلایی» تو مرغ چمنی

نی به یکتائی «یکتا» ی تو مشک تتری

گر «بصیر» ت نبود در نظر روشن بین

رهروان را چه بود فایده ، جز بی بصری

زینتِ افسر سلطان سخن « افسر » تو

به سپاهان و خراسان و سمرقند و هری

شعر « آشفته » ات از دیده صاحب نظران

مطلع روشنی و مصدر والا نگری

ز تو ای خاک ادب خیز به (مستی) رو کرد

(مهرداد) ت که بر (آذر) زند آسوده سری

بر تو ای خلق آدب پرور فرخنده درود

تافراز است ثریا و فرود است ثری

ص: ۶۰۶

به مناسبت بنای آرامگاه صائب

آن رشک جنان را که لقب نصف جهان است

زان نصف جهان است که نصفش به جنان است

خُلد است بدان نصفه که آن نصفه عیان است

ماه است بدین نیمه که این نیمه عیان است

گر کُلّ جهان نیست ولی کمتر از آن نیست

ور نصف جهان است ولی خوشتر از آن است

با عین صفا، هان سوی او بین که بینی

کز نصف جهان در وی از ألفاظ نشان است

زان نصف جهان ، کُلّ جهان زاد عجب نیست

گردون ز دخان زاد و فراتر ز دخان است

لا ، بل ، که جهانی است دگر بر زبر خاک

زین سان که جهانش به حیرت نگران است

گوئی به مَثَل عالم بالاست که در طبع

هر صورتی از جُزوی کُلّش نهان است

چرخ زبرین است و در او خُلد برین است

مرآت زمین است و در او نقش جهان است

سلمان مسلمانش ، تاج سر اسلام
سردار خراسانش ، سلطان زمان است
هر کس که تماشائی این طرفه مکان است
چون من به تحیّر سر انگشت گزان است
آرام و حَمْس ، پُر ز صلابت ، تُهی از غم
لب بسته ز دعوی است که بگشوده دکان است
گوهر طلب از وی که نگوید به تو کان نیست
دُری است کرامت که در این قُلم و کان است
در هر قدمش صد اثر از دانش و علم است
وز هر رقمش صد هنر از پیشه وران است
از لطف إله آن همه آواز □ توحید
از مسجد وی خاسته با بانگ اذان است
آن مسجد شاهی نسبت از در نسبت
گر کعبه خُرد است ولی مهد امان است
وان گنبدش از گنبد گردنده به آواز
لُتیک اجابت را پیغام رسان است
در نقش و نگار در و دیوارش از آثار
رنگی ز بهاری است که فارغ ز خزان است
در نام و نشان بسته میان از قِبَل اوست
هر کس که از او نام و نشانی به میان است

پا بستۀ تعلیمش «صدر» همه آفاق

شایستۀ تکریمش «میر» همگان است

ص: ۶۰۸

هر جا به میان برزده دامان کمالی است
پروردهٔ دانای وی از خُرد و کلان است
هر طفل که برخیزد از آن خاک هنرخیز
در کار هنر همچو قلم بسته میان است
دانشور نقادش افزون زقرین است
صنعتگر استادش بیرون زقران است
با من چه ستیزی که ستایشگرم آن را
«خاقان» سخن بین ، که ستایشگر آن است
دیروز به آثار و خبر نصف جهان بود
و امروز به دیدار و نظر ، کلّ جهان است
زان کلّ جهان است که آن جان جهان را
سرمنزل جسم است و سراپردهٔ جان است
آن را که به میزان لسان ، از همه بیش است
گر بیشی هر مرد به میزان لسان است
«صائب» که مقام سخن و فکر صوابش
برتر ز کلام است و فراتر ز بیان است
نیش قلمش ، تیغ جهانگیر معانی
صوب سخنش ، کشور آندیشه ستان است
نویافته چون معنی نخواستہ اش بین
کاین چرخ کهن نو کند آن را که نوان است

آن طرح نو آیین ، بنگر بر سر خاکش

تا خاک بینی که به مه نور فشان است

ص: ۶۰۹

وان نو شده مثنوی کهن باتو بگوید
کامروز نو آنست و از آن خصم نوان است
آذر به دل دشمن آخرس فتد از رشک
زین نور کز آن طور سخن در لمعان است
آری که ز دیوان قضا حق طلبان را
خطی است که سرخط امان از حدثان است
هر شمع بر آن خاک به شکرانه زبانی است
هر چند که آن طور سخن ، بسته دهان است
و آن سنگ لحد آن به جنان گرم ثنا را
دستی به دعا برشده از صدق جنان است
یا رب که لسان خیر به بنیاد و بنان نیز
آن را که در این خیر لسان است و بنان است
اکنون که (امیر) از در خشنودی و شادی
اتمام بنا را به طرب تهنیه خوان است
شایسته تر از ختم سخن هیچ نداند
زیرا همه دانند که او هیچ ندان است

آقای شکرالله فرقدانی «بیان» «معاصر»

شهر نور و دارالعلم قرون

شهر من سرشار موج کاشی است

شهر من گنجینه نقاشی است

شهر رؤیائی ترین پروانه ها

شهر بارآورترین گلخانه ها

شهر چندین پل به روی زنده رود

شهر جاری در تبسم ، در سرود

شهر مسجد شیخ و شهر چل ستون

شهر دارالعلم أعصار و قرون

شهر گنبد ، شهر مسجد ، شهر نور

شهر قنديل دعا در کوه طور

شهر دانش ، شهر بینش ، شهر هوش

شهر صدها عالم پرچم بدوش

شهر ابداع هنر در دست ذوق

شهر ایراد سخن از روی شوق

شهر من شهر «کمال» و شهر «میر»

شهر عالی رتبان بی نظیر

شهر تبیین دعای انتظار

شهر استشمام گلهای بهار

شهر سرداران خوب انقلاب

شهر شاهد ، شهر بیزاری ز خواب

ص: ۶۱۱

شهر قالی ، شهر مخمل ، شهر خز

شهر مینا ، شهر نقره ، شهر گز

شهر ما آئینه تصویر ماست

شهر ما ، تاریخ عالمگیر ماست

شهر من شهر قشنگ اصفهان

شهر من شهر سخن ، شهر (بیان)

سُرخ رو و سرفراز و شاد کام و استوار

با شکوه و فرّ جاویدان بمان ای اصفهان

رُوح میبخشد جهان را بسکه باشد دامت

دلرُبا و دلگشا و دلستان ای اصفهان

کند از جا سد استبداد و کاخ ظلم را

خون پاکان تو چون سیل دمان ای اصفهان

دامن پاک تو را لازم که پروردی چنین

پاک جانانی دلیر و قهرمان ای اصفهان

پیشتاز لشکر حقند فرزندان تو

بهر محو و باطل و دفع خان ای اصفهان

شهره در علمند و فضل و صنعت و شعر و هنر

مردم خوب تو بین همگان ای اصفهان

اصفهان

تا پیش دیده راه صفاهان گرفته ام
پیرانه سر جوان شده ام جان گرفته ام
گر نور چشم من افزون شود گمان مدار
و در دیده ، خاک راه صفاهان گرفته ام
عمر دوباره یافتم از آب زنده رود
جامی مگر ز چشمه حیوان گرفته ام
با این هوای دلکش و ، این خاک دلشین
دیوانه من ، که دامن تهران گرفته ام
جز در هوای ملک صفاهان نبوده است
گر مهلتی ز کینه دوران گرفته ام
رؤیای روزگار فرح بخش رفته است
کش باهزار شعبده دامن گرفته ام
با نور ماه و بوی گل و شور عندلیب
بزمی عجب به روضه رضوان گرفته ام
او شاد از آنکه یار سخنگو گزیده است
من شاد از آنکه یار سخندان گرفته ام
تانگرم به روی کس از بعد روی او
بر نور دیده راه ز مژگان گرفته ام

دامان دولت از کف من رفت و مانده است

أنگشت حسرتی که به دندان گرفته ام

وا کرده زنده رود گریبان به ناز و من

از بار غصّه سر به گریبان گرفته ام

ص: ۶۱۳

آقای محمود شاهرخی «جذبه» «معاصر»

مهد آزادگان و عالمان و هنرمندان

ألا خطّة پاک مینو سرشت

که خاکت بود رشک باغ بهشت

ألا روضه نغز و پدرام و پاک

فروزنده چون گوهر تابناک

ألا مهد پاکان و آزادگان

سرای یلان ، کوی دلدادگان

دیار دلیران و مردان مرد

سرافراز گردان دشت نبرد

کنام هژبران دشمن شکار

مقام دلیران خنجر گذار

صفاهان که خاکت عجین با صفاست

سراپردۀ عشق و کوی وفاست

به علم و هنر بودی از دیر باز

به تاریخ ایران زمین سرفراز

از این پیش ای مرز نام آوران

تو خود شهره بودی به نصف جهان

کنون یک جهانی تو اندر شمار

تو را باد زین مرتبت ، افتخار

تو را عزّت جاودان داده اند
بدین خطّه نقش جهان داده اند
اگر هشت روضه است باغ جنان
چهار است از آن ویژه اصفهان
چه نغز است و زیبا گلستان تو
عجب لاله زار است دامان تو
به باغ تو چندان شقایق دمید
کز آن داغ گل جامه بر تن درید
بسی سزوت از داسِ عدوان شکست
که از سوکشان لاله در خون نشست
ز بس در ره دوست دادی شهید
به درگاه حق آمدی روسفید
نوای حسینی چو شد نغمه ساز
به بانگِ عراق و به صوت حجاز
بر آمد چنان شور از اصفهان
که عشاق را رفت تاب و توان
همه جانب جبهه ها تاختند
ز شادی سر از پای نشناختند
به میدان نهادند رو همچو شیر
همه حق پرستان زبُرنا و پیر

به گردی به دشمن چنان تاختند

کز آن خیره چشم جهان ساختند

ص: ۶۱۵

چنان پا فشردند در کارزار

که بر لشکر خصم شد کار ، زار

به ناورد آن سان گشادند دست

که پشت سپاه مهاجم شکست

در آن عرصه آتش و خشم و خون

بشد خصم از این شیر مردان زبون

به مردانگی در صف گیر و دار

کشیدند از جان دشمن دمار

اگر بود امروز استاد طوس

نه رستم ستودی و نه اشکبوس

به مدح کس از برگشادی زبان

ستودی تو را ای یل اصفهان

ألا ای صفاهان دلت شاد باد

«همیشه بر و بومت آباد باد»

تو را می سزد در جهان افتخار

جزای شهیدانت باکردگار

کنون بشنو این جاودانی سرود

از قول یلان از لب زنده رود

که ما در جهان بقا زنده ایم

به تاریخ ، جاوید و پاینده ایم

اصفهان جان جهان و مظهر همت و ایثار

از هر کران خطه ایران زمین درود

بر لاله های رسته ز دامان زنده رود

بر مردمی که چشم عجوز زمان ندید

همزادشان به سایه نه گنبد کبود

بر مردمی که از هنر و فضل مردمی

بر رویشان خدای در مرحمت گشود

بر مردمی که بر تنشان لطف کردگار

آراست جامه از خرد و علم تار و پود

بر مردمی که گوهر فکر بلندشان

آرزد به صد خزانه گهرهای نابسود

بر مردمی که از پی پیروزی وطن

از کار و کوشش ساخته برگستوان و خود

بر مردمی که بر صف پیکار کرده روی

تا بر کند ز نطح زمین وصله جهود

قومی طراز قامت اقوام روزگار

در عشق و در فضیلت و آزادگی و جود

فرزانه مردمی که زبان سخنوران
در هر زمان به دانش و پرهیزشان ستود
هر قوم را خدا ز رهی آزمون کند
وین زمره را به همت و ایثار، آزمود
نازم بر آن دیار که ایثار خلق آن
زنگ ملال، از دل خلق وطن زدود
نازم بر آن دیار که در آن نیافت راه
ضعف و ضلال و جهل و تن آسائی و جمود
چون گلشنی است مُلک سپاهان و مردمش
أفرشتگان آمده از آسمان فرود
چون خیمه ایست کشور ایران فراشته
وین خیمهٔ فراشته را اصفهان عمود
دنیا اگر چه جای بقا و خلود نیست
بنگر به اصفهان و صفا را در آن خلود
بشنو کنون زنای من آوای اصفهان
تا بشکفی چو غنچه از این دلشین سرود
وین جانفزا ترانه بر آری ز لب چو من
جان جهان نبود اگر اصفهان نبود

اصفهان ، مهد صفا و شهرهٔ جهان
اگر که شهر من ، این شهرهٔ جهان ، مانده است
هزار رکن رکینش به دوشِ جان مانده است
به دامنِ «صُفه» مهدِ صفا، صفاهان است
که با سلامتِ دیرینه ، جاودان مانده است
مگر زمرحمتِ سیرتِ صفا کیشان
به استقامت پاینده ، اصفهان مانده است
تَبْرُكِ نَفْسِ رَاهِيَانِ حَقِّ بُوْدِه اسْت
که هر بنا به پی استاده آستان مانده است
مگر نه شهر شکوفندگیِ أخلاق است ؟
سزد اگر که مصون از بدِ زمان مانده است
نهاده است به باور ، هزار صورت حال
اگر که «نقشِ جهان» ، بوم جاودان مانده است
بخوان گشوده کتابی از اصفهان ، هر چند
از او به دفترِ آیام ، داستان مانده است

چه دستها که برآمد ز آستین تلاش

که هر رواق و هر ایوان و آستان مانده است

فروغمندی ایمان پاک، باشد نور

اگر به بستر این تیره خاکدان مانده است

هزار دست به پایین «هزاره» ها کوشاست

که سخت، بر سر هم، پایور چنان مانده است

از اعتبار مزارات «تخت فولاد» است

به تخت بخت، اگر شهر، در امان مانده است

ورق ورق همه «اسلیمی» و «معرق» ناب

که بر «کتیبه» گل منظر زمان مانده است

سواد قدس «مساجد» هزار سکه فرود

بر آنچه فاخر، از عهد باستان مانده است

هزار بوته ز «کاشی» به ذهن کاشته است

زهر «کتیبه» که بر باور زمان مانده است

ندیده زخم زمان، در بر شهور و سنین

به قاب شهرت پاینده در امان مانده است

به «خانه خانه» بسی خوان، به دامن رنگین

به «گنجه گنجه» بسی گنج شایگان مانده است

هم از نوازش رنگین راهیان هنر

بسی رواست که بر باور زمان مانده است

صفای شهر ، مصلای «قدس» را ماند

که با تجسم سبز نماز خوان مانده است

به «چل ستون» تو چه دانی چراغدان عتیق

به نبض پُر طپش و شعله ور چه سان مانده است

چو مشت‌های گره کرده ، میله های «منار»

کشیده سر به گلوگاه آسمان مانده است

هزار «گنبد فیروزه» پایور ، ستوار

هزار نقش ، چو آغوش آسمان مانده است

بخوان ز گنبد پُر نقش شیخ لطف الله

حدیث قدرت ایمان که در امان مانده است

به پاس آیهٔ یَعْمُر مَسَاجِدَ الله است

گر این خجسته بنا ، با شکوه و شان مانده است

از این تَیْمَن گلبانگ سبز روحانی است

اگر که «مأذنه» با جاری اذان مانده است

چه آسمانهٔ «گلدسته» های پایوری

چو چتر سبز ، سرافراز و سایه بان مانده است

به عرشه های مُنقَش حضورِ «کاشی» ها

همه نگار ، چو آغوش آسمان مانده است

فروغ منظر قندیل‌های نورانی

به طاق‌دیس قداست ، همیشه مان ، مانده است

به سیر پهنه میدان در آی تا بینی
چه نقشها به رخ نقشه جهان مانده است
سرود صولت « آله وردی » است به رود
که هر دهان « پُل » اینک سرود خوان مانده است
بود مُدرّس خلق و سزد اگر بینی
وفور « مدرسه » در شهر اصفهان مانده است
هزار چشم تحیر زهر عتیقه شناس
به چشمه چشمه « پُلها » نگاهبان مانده است
بدوز چشم تماشا به چشم « طاق » و بین
چه صف ، ز « راسته بازار » اصفهان مانده است
هزار جوشش پیر از جوار آن جاری است
به جلوه ، گر پل « خواجو » چنین جوان مانده است
آلا که در پی بگذشته می رسانی از راه
بیا که با همه آغوش ، اصفهان مانده است
بزن به بازوی « بنا » هزار برس و بین
چه سان بنا ، به بُن جان دوستان مانده است
بیا به مهد تماشای ایستا ماندن
بیا به مأمّن ایمان ، که در امان مانده است
هزار نکته زهر صاحب درایت و هوش
که از « محدث » و « راوی » داستان مانده است

ز «فقه شیعه» حق پوی جعفری بسیار
همه بلوغ نبوغ و فروغ جان مانده است
اثر بسی ز «فقیه» و «حکیم» و دانشمند
پُر از تلاوت و «تفسیر» حق بیان مانده است
ز «خاندانِ علوم» و «خدایگان فنون»
بسا اثر که ز آفات در امان مانده است
«نجوم» و «فلسفه»، «تاریخ» و علم «طب» و «أدب»
به بطن جاری دیباچهٔ زمان مانده است
به خطّ سیر قلم، بس سخن ز «طغرائی»
به دستمایهٔ کارائی بنان مانده است
عروس علم، به تزویج «میرداماد» است
رواست گر که نمیرا و جاودان مانده است
از این که «شیخ بهائی» چراغ علم آفروخت
سزد به نام، که سرخیل روشنان مانده است
«کمال» را همه کار آئی سخن باقی است
«جمال» را جهش فکر جاودان مانده است
ز کَلِکْ «حجّت حق، ابطحی» تکامل یافت
هر آنچه در اثر سعی دیگران مانده است
(سرور) مردم آینده، نغمه خوان گویند:
سرود نغز تو، باشعر اصفهان مانده است

رضا صغیرا «سعید»

اصفهان ، افتخار کشور ایران

اصفهان ای مهر گردون هنر

ای ضیاء دیدهٔ اهل بصر

دفتر تاریخ را عنوان توئی

افتخار کشور ایران توئی

ای که در وصف سخنها گفته اند

أهل معنی دُرّ معنا سُفته اند

بس که روح افزائی و ذوق آفرین

أهل عالم بر تو گویند آفرین

وہ چه زیبا گفته اند اهل بیان

هست شهر اصفهان نصف جهان

بلکه در اینجا گروهی اهل فن

دوستداران هنر در این سخن

رخش همت را فراتر رانده اند

اصفهان را خود جهانی خوانده اند

زین سبب تاریخ دارد افتخار

بر تو و آثار تو در روزگار

ای زما بر آب و خاک تو درود

هست زینت بخش تو « زاینده رود »

داده این آب روانت آبرو
نهرها در نهر جاری ، جو به جو
می رود پیوسته این آب حیات
موج زن در شهر چون شطّ فرات
ای ز سر سبزی فضایت چون جنان
روح بخش مردم از پیر و جوان
« چارباغت » همچو جنت دلگشااست
چار فصلش خرم است و باصفاست
صف کشیده بر لب هر جویبار
سرو و کاج و بید و شمشاد و چنار
هر طرف باد صبا پویان شود
در میان سبزه ، عطر افشان شود
نقش بسته بر در و دیوارها
صنعت معماریِ معمارها
سبک معماری به خوبی کرده گُل
در « پل خواجو » و ، در « سیّ و سه پل »
خیره گشته بر تو چشم راستان
و از بناهای زمانِ باستان
طرفه میدانی که داری در میان
نام زیبایش بُود «نقش جهان»

«چل ستون» و «مسجد شیخ» و «امام»

حیرت انگیزند الحق هر کدام

ص: ۶۲۵

کز در و دیوار آنها آشکار
هست زیبا کار استادانِ کار
دیده حیران است از معماریش
طرح نقاشان و کاشی کاریش
اینهمه چون گنج پر گوهر بود
یادگار صنعت کشور بود
دیگر اینجا به بود دم در کشم
رشته را در گوهر دیگر کشم
پای خود بیرون نهم از آب و گل
شمه ای سازم رقم توصیف دل
دل که گویم ، مقصدم اهل دل است
چون که دل بیرون از این آب و گل است
اصفهان را بوده است از دیر باز
و عارفانی اهل دانش ، اهل راز
عالمانی به زگنجی شایگان
هر یکی مقبول و مشهور جهان
شاعرانی ، نکته سنجانی کهن
مشتهر در علم و عرفان و سخن
راهیان کعبه مهر و وفا
سالکان مسلک صدق و صفا

راد مردانی که از خود بگذرند

مهر نوع خویش در دل پرورند

ص: ۶۲۶

جا به جا ، هر گوشه غوغائی به پاست

صحبت از ایثار در راه خداست

زین همه آثار خود در روزگار

اصفهان دارد هزاران افتخار

با چنین خوبی بود ایران زمین

همچو انگشتر ، صفاهاش نگین

بی گمان شعر صفاهان را (سعید)

روح قدسی در وجود من دمید

اصفهان من

یا رب کدام روز مبارک بنا نهاد

معمار آفرینش وبائی کن فکان

شهری که عقل خیره شود از ره قیاس

جان جهان لقب نهادش یا جهان جان

منوچهر قدسی

ص: ۶۲۷

تخت فولاد

یاد آور ادوار درخشش علم و ادب در اصفهان

تخت فولاد ، ای زیارتگاه عشق

خاک پاک تو ، عبادتگاه عشق

ای زده پهلو به فردوس برین

عرش را گشته ز رفعت هم نشین

هر کف خاک تو دریای گهر

مشعل ایوان تو شمس و قمر

در طوافت هر شب و روز از فلک

دسته ، دسته بر زمین آید ملک

لیک ابناء وطن از گمراهی

ترک تو گفتند با این فرهی

دوش دیدم زیر سقف آسمان

کوه صفه این همیشه سرگران

آتشی از اختران در سینه داشت

سر به زانوی غمی دیرینه داشت

چیست آیا فکر این پیر خموش

این نشسته سالها بی جنب و جوش

پرسه می زد آن حوالی تا سحر
بادِ گرد آلود ، چون من نوحه گر
روح سرگردانِ اهل درد بود
یا که درویشی بیابانگرد بود
زنده رود ، آن دورها در پیچ و تاب
رو به سوی گورها چشمی پر آب
چهره اش از موجها پر چین شده
یک جهان غم دیده ، خشم آگین شده
در کنارش این همه خون دل است
آنکه بیند خرمن گُل غافل است
هر شکوفه از درختی می دمید
پیش چشمانم کفن می شد پدید
در زمین و آسمان غم بود ، غم
صبر اُیوب آن میان کم بود ، کم
ناگهان بانگ اذان آمد به گوش
زد خروس عرش گوئی آن خروش
باطلوع فجر ، فتح باب شد
گورها بشکافته ، محراب شد
جملهٔ احرام پوشان ، صف به صف
چون گهرها مانده بیرون از صدف

ایستاده رو به درگاه نیاز

اقتدا کرده به «یوشع» در نماز

ص: ۶۲۹

آری اینجا خوابگاه اولیاست
وادی أمن است ، طور انبیاست
با «لسان الأرض» آن شو، همزبان
تا بگوید باتو اسرار نهران
فیضها خفته است در این سرزمین
چشم دل بگشای جهانِ جان بین
رحمت حق روی بر آن کرده است
آسمانش نورباران کرده است
از «مصلاً» خوش وزد بوی بهشت
یارب از گردون ، که در آن پای هشت
بوده در شبهای جمعه این مکان
تا سحر شب زنده دارِ زاهدان
یاربِ دل خستگان ، بشنیده است
همره العفوها ، نالیده است
زیر آن کهنه کلاهِ آبی اش
بوده «بابا» شاهد بی خوابی اش
«رکین دین» پیر خراباتی عشق
خرقه صد چاک مناجاتی عشق
آن که بخشید آبرو سجاده را
ذکر دل آموخت خُم باده را

ليک اکتون رفته اند از يادها

آن دعاها ، ناله ها ، فریادها

ص: ۶۳۰

تخت فولاد است و غربت این زمان

بر جینش جای پائی زین و آن

تکیه ها مخروبه ، ویران گشته اند

تکیه گاه باد و بوران گشته اند

آب انبارش اگر خشکیده است

روز و شب چون چشم من گرییده است

چارطاقیهای زیبایش چه شد؟

آن مشبک آجریهایش چه شد؟

از «رفیعا» گنبدی گر مانده است

چون حبابی ، باد بر آن برده دست

«ریزی» اینجا با درشتی های دهر

چون تواند پنجه افکندن به قهر

«بید آبادی» اگر لرزد تنش

تیشه کین ، سوده سر بر مدفنش

«شیخ کاشی» در قعود و در قیام

شکوه دارد هر نماز از خاص و عام

گور ملای «گری» با آن خصال

گم شده در گرد طوفان ملال

با تو ای «روضاتی» این بیداد چیست؟

روضه ات را جز خزان در راه نیست

آن که در این خاک گنجی پربهاست

گر که او را « درچه ای » خوانم خطاست

ص: ۶۳۱

زیر و رو گرگور «خواجه‌نوی» کند
جویدش گردون که دلجوئی کند
مرقد «خوانساری» آن مولای دین
گشته متروک ای دریغ از مسلمین
«فاضل هندی» که فخر عالم است
نیز، دامن گیرش این خاک غم است
تا ببوسد قبر بانوی «أمین»
گشته با او روبرو، این سیل کین
باخط برجسته، لوح گورها
باشد از اندوهشان منشورها
حق پرستان را ز یاری شاد کن
کعبه ویرانشان آباد کن
در کف این خاک سرد، اکسیرهاست
سینه اش آرامگاه «میر» هاست
محرم «شیخ بهائی» بوده است
یار آن پیر خدائی بوده است
تاشود نقش ضمیرش خط راز
پیش رویش دفتر دل کرده باز
خوانده او را زنده نزد مردگان
داده بعد از مرگ را بر او نشان

آری این خاک فراموش جهان

بوده مهد عبرت پیر و جوان

ص: ۶۳۲

بس « جهانگیر » آنکه بی تاج و نگین

سوده در هر بقعه ای رخ بر زمین

از «حسام الواعظینش» یاد آر

کز سخن او داشت تیغ آبدار

أهل منبر خالی از جوش و خروش

خفته اینجا، زیر گل، یکسر خموش

کن نظر پست و بلند روزگار

تاکنی اندیشه پایان کار

هست در هر گوشه این سرزمین

چون فلاطون، صد حکیم خم نشین

جام آن خونین دلان، خورده به سنگ

بخت با بیداری آنان به جنگ

کلک « قدسی » سر بر آرزو خشت

با تو باید آیه های حق نوشت

نی همی « أنصاری » والا تبار

سر فرو برده در آغوش غبار

بس مورّخ، بس محقق، بس ادیب

خفته در هر سوی این وادی غریب

کاشکی « درویش » [\(1\)](#) باخطّ ألم

زین مصیبت، نامه ای می زد رقم

١- مقصود، درویش عبد المجید، خطاط مشهور می باشد.

گشته اکنون خاک غم کاشانه اش

ره گشوده جغد بر ویرانه اش

ماهمه رهپوی این سرمنزلیم

لیک ، از این غم نصیبان ، غافلیم

تا ز تو یاد آورند، آیندگان

یاد کن از رفتگان این جهان

خفته در هر سوی این بیت الحزن

شاعری در بستر خاک مِخَن

آنکه می خواند از پی محمل سرود

خفته در این آب و گل ، بر او درود

در رَهَم « شیدا » نشسته ، سینه چاک

همچو « غمگین » خسته دل ، اُندوهناک

« واله » با آن انجمن آرائیش

خفته خامش گوشه تنهائیش

تا «فدا» پیوسته باشد در به در

فتنه خواهد تربتش زیر و زبر

از تو ای « آتش » در این ماتم سرا

خیمه ظلمت نمی سوزد چرا

چشم در راه است تا آفاق دور

در غروب غربتش «نیر» چو «هور»

تکیه «گلزار» ماویران چراست

خار دامن گیر این بستان چراست

ص: ۶۳۴

از «همائی» یاد آر و خامه اش
رونظر کن جاودانی نامه اش
بشنو از او این نفیر دردناک
تاکنی در ماتم او سینه چاک
«ای خوش آن روزی که یاری داشتم
در دل آرام و قراری داشتم»
حالیا در خاک ، آن مرغ سخن
پر شکسته ، خفته دور از هر چمن
جمله این در وطن ناشادها
همچو «عنقا» رفته اند از یادها
گلبن عشقند ، روکن سویشان
ده صفا ، آفاق جان از بویشان
گم شده در خاک ، دُرّ و گوهرند
زیر پاخفته ، ولی تاجِ سرند
همرهی کن طبعِ درد آوای من
تا رسد بر هر مزاری پای من
از هنر، تن جامه هر کس دوخته
شمع آن فانوس گشته ، سوخته
گرچه «ذوفن» زد رقم بر لوح زر
کلک فولادینش آیات هنر

پای بوس هر «ضریحی» ، نام اوست

نزد «آل عصمت» او را ، آبروست

ص: ۶۳۵

لیک دارد تربتِ آن زنده یاد
سقفی از اُبر، ستون از گردباد
« حاج عباس » آگه از دنیای عشق
آن « علامت » ساز « عاشورا » ی عشق
یاد گارش زیر سقف هربنا
داده زینت ، مجلسِ « آل عبا »
روح او ، هم صحبت اهل بهشت
لیک جسمش مانده تنها زیر خشت
بی « مصور » نقش پرداز بزرگ
در دلم بنشسته اُندوهی سترگ
آهی از گورش نمی گیرد سراغ
تا که بر بالین او گردد چراغ
آن که بر کاشی رقم زد نام را
ز آتش دل پخت خشت خام را
نقش عشق آمد پدید از فکر او
گنبد و محراب را داد آبرو
گرچه « ابراهیم » باشد غیر خار
نیست آن گل آفرین را بر مزار
بر جبین کهنه کرباس هنر
نام « رنگ آمیز » بادا جلوه گر

قامتش خم، چهره زنگاری شده

پرده ها از او قلمکاری شده

ص: ۶۳۶

رفته اَمّا حرف آن مرد خدا
بر لب خوان کرم مانده به جا
« شکر نعمت ، نعمت افزون کند
کفر ، نعمت از کفت بیرون کند »
یادی از احساس آن استاد کن
خفته در این خاک ، روحش شاد کن
پیش چشم أهل بینش ، اصفهان
شد ز ارباب هنر ، نصف جهان
در دل این خاک ، سوز و سازهاست
بر لب خاموش او ، آوازه‌هاست
اکتفا کردم به بوئی از بهار
دسته ای گل بستم از چندین هزار
تا دهم شرح ، این ملال معنوی
نیست کافی صد کتاب مثنوی
گرچه « گلزار شهیدان » خرّم است
گرد این خوبان ، حصاری از غم است
گرد غربت ، بوسه داده رویشان
اشک ماتم ، گشته شمع کویشان
بعد از این ، بی کس در این خانه اند
لاله های رسته در ویرانه اند

ای دریغ از مرگ « صمصام » دلیر

پیرو بهلول ، آن فرزانه پیر

ص: ۶۳۷

گشت چون بر مرکب چوبین سوار

همرهش کوچید ، عقل این دیار

چون بنای مسجدی گردد خراب

حُرمت آن هم شود نقش بر آب

اعتبار هر مکان ، ز آثار اوست

کعبه را ، از پاره سنگی آبروست

گیرم این جا پر گل و ریحان شود

بی عزیزان ، خارِ چشم جان شود

خیز از پا ، بند غفلت باز کن

بر سر این آشیان ، پرواز کن

تا ببینی آنچه را من دیده ام

بشنوی خود ، آنچه را بشنیده ام

ناخلف فرزند بودن تا به کی ؟

خصم خویشاوند بودن تا به کی ؟

جمله بیدارند در این شهر خواب

دیده بگشا ، از حقیقت رُخ متاب

خانهٔ اجداد خود ویران مخواه

خویش را نفرینیِ دوران مخواه

ای قلم همچون (شفیق) اشکی فشان

رستخیزی کن به پا در سوکشان

مصطفی هادوی «شهبز»

اصفهان مهد شعرای نامدار

اصفهان ای مهد فرهنگ و هنر

ای شده در عالم شهرت سمر

ای سراسر خاک تو چون کیمیا

پیش چشم أهل بینش توتیا

چارباغ تو بود باغ بهشت

خاصه اندر موسم اردیبهشت

زنده رودت زنده دارد روح و جان

چلستون تو بود نقش جهان

جلوه های دلکش آثار تو

می تراود از در و دیوار تو

خاک تو پرورده «سینا» و «شکیب»

«عاشق» و «مشتاق» و «آزاد» و «طیب»

موطن «شیدا» و «شوقی» و «جمال»

جایگاه «واله» و «مهد» «کمال»

«مجمر» و «دهقان» و «عمان» و «صغیر»

«آذر» و «دریا» و «ریحان» و «بصیر»

«جابر» و «الفت» «مظاهر» باصفا

«صائب» و «آتش»، «نوا» ی آشنا

« هاتف » و « قدسی » ، « طلائقی » و « متین »

« نصر » و « خسرو » ، « صاعد » ذوق آفرین

نامشان سرلوحهٔ صدها کتاب

آفتاب آمد دلیل آفتاب

ص: ۶۳۹

اصفهان ، مهد علم و دانش و حصن أهل البيت عليهم السلام

و شهر ایمان و ولایت ، و ایثار و شهادت ، و دعا و مناجات

حوزه علمیه ات ، دیرینه سال

اصفهان ای مهد فرهنگ بشر

زادگاه علم و ميعاد هنر

ای به هر گامت ز دانش صد نشان

ای به هر خشتت دو صد حشمت عیان

سینه ات لبریز از حال و خبر

هر کنارت از حوادث صد اثر

موزه پست و بلند روزگار

از گذشته ، بی شمارت یادگار

گنبد و گلدسته ات خوش زرق و برق

شهره در عالم به « دار العلم شرق »

« گنبد شیخ » تو در «نقش جهان »

کاسه زرین طراز آسمان

خاک دانش پرورت خلدی حسب

زنده رودت چشمه کوثر نسب

نهر های جاریت آب حیات

بهر پویه در کف از جنت برات

ای سراسر خاک تو سبزینه زار

چار فصلت فصل دیوان بهار

بر سر هر برزن و هر کوچه باغ

بسته ای از میوه هایت چلچراغ

باغهایت از فواکه دلفریب

و پرز انگور و گلابی جوز و سیب

ای فضای جانفزایت دلنشین

ای هوای جان شکارت بی قرین

ای بهشتی منظر ای خُلدی تبار

ای به خوبی ها مثل در روزگار

در همه عالم سرآمد در هنر

پیش آهنگ تمدن بر بشر

فرّ و فرهنگت زبانتزد در جهان

از هنر، حقّت مسلم بر جهان

مردمانت سخت کوش و پایدار

عاقبت اندیش و عاقل ، هوشیار

اصفهان ! ای شهر خلق ذوفنون

شهر ایثار و شهادت ، شهر خون

شهر مردان بزرگ و نامدار

شهر کوشش ، شهر صنعت ، شهر کار

شهر جوشش ، شهر بینش ، شهر علم

شهر ایمان ، شهر تقوا، شهر حلم

اصفهان ! ای پایگاه علم و دین

مهد رشد عالمان راستین

ص: ۶۴۱

شهر عالم پرور دانش شعار
عالمانی مشتهر در روزگار
عالمانی بوذر و سلمان اثر
در پی احقاق حق ، کرده خطر
عالمانی حق گزین و حق مدار
در مصیبتها صبور و بردبار
حوزه علمیه ات دیرینه سال
مدرّس و مدرسه ات ، پر شور و حال
طالبان علم در آموختن
شمع سان ، شب تا سحر در سوختن
تا یکی مفلق کند ظاهر ، نبوغ
عالمی سازد ز دانش ، پر فروغ
تا یکی دانشوری ملاً شود
« مجلسی » یا « میر » یا « صدرا » شود
ای صفاهان ! ای بهشت روی خاک
ای ز أنوار الهی تابناک
ای بهشت نقد در روی زمین
ای تو را لطف خدا در آستین
فرّ اسلام و تشیّع ، فرّ دین
شُهره در عالم به « دارالمؤمنین »

شهر مولا، شهر یاران علی علیه السلام

شهر عشق و ، جان نثاران علی علیه السلام

سینه چاکان مزار فاطمه علیها السلام

در مصیبت ، بی قرار فاطمه علیها السلام

ص: ۶۴۲

ای حصین حصن ولای اهل بیت علیهم السلام

نخل سرسبز عزای اهل بیت علیهم السلام

سال تو هر روز تاسوعا بود

سه دهه در ماه ، عاشورا بود

مسجد و مدرسه ات ، جای عزاست

خانه خانه ، روضه و هیئت به پاست

کوی و برزن ، هر محله هر کجا

یا حسینیّه است یا دار الشفا

انس داری بازیارت ، با دعا

گریه را دانی به هر دردی دوا

در شب جمعه ، کمیلت پای عرش

صبح جمعه ، ندبه ات آوای عرش

همنوا وهم تلاوت با ملک

می رود آوای قرآن بر فلک

روز و شب بوی خوش عطر و دعا

هست (صاعد) از تو تا عرش علا

اصفهان ! ای شهر من ، شهر شعور

شهر دانش ، شهر زیبائی و نور

این همه از لطف یزدانی بود

پرتو اشراق ربّانی بود

این همه فیض از وجود عالمان

شد نصیب خطّه ات ، ای اصفهان

جاودان ، خزّم بمان ای اصفهان

در پناه حضرت صاحب زمان (عج)

ص: ۶۴۳

علی شیرانی «صحت»

اصفهان و جلوه های زیبایی و علم و ایمان و شعر و ادب

اصفهان! ای وادی سبزینه ها

جای جای جاده آئینه ها

ای خیابانت خیابان بهار

میهمانان تو، مهمان بهار

شهر من! ای شهر زیبای هنر

ای هنرمند تو دنیای هنر

ای بهارستان بهارستان راز

ای سحر زارت همه خورشید ساز

مهر و مه ، چون سیب شیرین تواند

أختران ، انگور زرین تواند

پر شکوه از لاله ، کوهستان تو

چلچراغستان ، شکوهستان تو

لاله خرمن خرمن و ، گل موج موج

نغمه گوناگون و ، مرغان فوج فوج

صبح لبریز از بهار و شبنمت

ساخته چشم و چراغ عالمت

کرده مات أفلاک را معماریت

گنبد پر نقش و مینا کاریت

سرزمینِ روشنِ اندیشه ها
در بهارستانِ نورت ، ریشه ها
چشمِ عالمِ خیره از نقاشیت
کاش ، گرد غم نیند کاشیت
آن که راه اوج ، در أفلاکِ جُست
کلکِ اعجاز «مصور» های تست

گفته نام آورانته ، دُرّ ناب
شعرشان چون چشمه سارانت پر آب
از «کمالت» نغز و کامل شد کلام
وز «جمالت» جمله در حسن تمام
شعر شعری سرخطی از دفترت
زنده رود اُسطوره سطر ترت
در گلویت کرده گُل، آوازاها
«هاتفت» از غیب گوید رازها
دفتر سبزه پر از ترجیع بند
تر زبانانِ ترا، مضمون بلند
نازت از رنگین خیالانِ غزل
«صائبت» مست غزالانِ غزل
سطح فکرِ روشنان ، تاخط نور

شطح شوق عارفانت ، شطّ شور

پیش اهل فنّ «أسیر» ت را «جلال»

شوق «مشتاقت» چو «عاشق» بی زوال

ص: ۶۴۵

حَظَّ وافر می دهد شعر «حزین»

شور در شعری نشاید بیش از این

چون «شفائی» آن حکیم بی قرین

خوش سخن ، شیرین زبان ، شور آفرین

فکر رنگین «صفائی» چون «طیب»

طبع «پژمانت» گل آور چون «شکیب»

شورها در نعره «عمّان» تست

دشت گل پرورده «دهقان» تست

عشق ، در شعر دل انگیز «نشاط»

و نشئه در «گلزار» گلریز «نشاط»

قدر «زرگر» را شناسد گوهری

آنکه طبعش کرده ، گوهر پروری

در کلام «فایضت» فیض سحر

سطر رنگینش پر از عطر اثر

در سخن ، طرز «بصیرت» دلپذیر

قطعه هایش ، قطعه های بی نظیر

بی دلانت همچو «شیدا»، مست راز

چون سحر در بزم سوز ، آئینه ساز

در ضمیر «سالمت» ، ذوق سلیم

عطر تضمینش ، چو گلبوی نسیم

دُر فشان « دریا » و « موجت » چون « صغیر »

شهر من ای تر زبانانت « شهیر »

ص: ۶۴۶

لطف خاصی در غزل‌های «پناه»

دشت یاسی پرورد چون نور ماه

عشق می جوشد ز گفتار «متین»

خیزدش «مستی»، ز شعر دلنشین

بلبلانت را «نوا» پرشور باد

از «سرورت» عالمی «سرور» باد

«قدسی» روشن ضمیر، آن پیر دیر

می کند اندیشه اش در اوج، سیر

خسرو اقلیم معنی «خسروی»

شاهکارش، هم غزل هم مثنوی

«صاعدت»، برقله آزادگی

می کند تا پای جان استادگی

باغ طبع «معرفت» پر شبنم است

سینه «جمشیدیت»، جام جم است

تازه گوئی‌ها، که فنّ شاعر است

از سخنهای «مظاهر»، ظاهر است

شعر والای «پریشت» گوهر است

آنکه رای وی و رای باور است

ساختار شعر پرمغز «سخا»

گویدت از گفته نغز سخا

وادی سرسبز راه « راهی » است

آنکه شعرش یک بهار آگاهی است

ص: ۶۴۷

روشنانت چون « کیانی » نکته دان

« خاکیانته » برتر از افلاکیان

رهرو دشت سخن ، « پویای » راز

آنکه دارد پیش رو راه « فراز »

« آتشی » دارد ، زبانی آتشین

شعر او ، شیرین و گرم و دلنشین

هر که را با دل چو « آیت » خلوتی است

فکر سبزش از بهاران آیتی است

« خدمت » ، آن خادم اندیشه ها

می دواند نشئه در گلریشه ها

لاله های راز در « هامون » تُست

یک بیابان شوق در « مجنون » تُست

گفته « فرهاد » ، شیرین چون شکر

تیشه اندیشه اش ، تیغ سحر

صد چمن گل کرده فریاد « فرید »

آنکه رنگین شعر پرشور آفرید

تازگی پیداست در شعر « شفیق »

دیده اش باریک بین ، فکرش دقیق

« قدسی » آئینه دل ، چون قدسیان

ذکر حقش در سخن ، ورد زبان

« آذرخشت » خرمی از آتش است

خوشه های تازه شعرش خوش است

ص: ۶۴۸

« واصفت » سرمست از اوصاف دوست

روز و شب ، ورد زبانش ذکر اوست

« نرگست » سرمست در باغ سخن

برگ رنگینش ، بهار انجمن

« بختیاری » چشمه جوشان شعر

طبع او پرشور از طوفان شعر

نوجوانان چون « وطن خواه » و « امید »

رایشان روشن تر از صبح سپید

در تو صدها شاعر نازک خیال

بی نظیر و ، بی بدیل و ، بی مثال

عقل ، محو عارفان کاملت

آسمان شرمنده آب و گلت

یک سحر اشراق در صحرای تو

« بوعلی ها » پرورد ، سینای تو

حوزه علمیه ات ، دریای علم

مردم دریادلت ، جویای علم

عالمانت ، جمله در عالم علم

همچو کوهت ، سالکان ثابت قدم

عالمانت ، هم معاصر ، هم قدیم

جمله چون « خوانساری » (۱) آن مرد حکیم

ص: ۶۴۹

۱- منظور، حکیم محقق و نامدار، آقا حسین خوانساری، می باشد.

« ابن عبّاد » آن حکیم فاضلت

عارف ربّانی صاحب دلت

« بو نُعیم » آن حافظ صاحب فنون

عارف دریا دلِ طوفان درون

خاکت از « شیخ بهائی » پربها

صفحه ات رنگین ز خطّ «میر» (۱)ها

« تستری » (۲) ألحق ، محقق در علوم

واقف رازت ، مدقق در علوم

نام والای « رفیعیات » رفیع

صد رخت در صدر و، « صدرایت » رفیع

مرد حق علامه دین « مجلسی » است

آنکه در دانش چو او کمتر کسی است

شیخ « بحرانی » (۳) بود بحر العلوم

« فاضل هندی » است از این مرز و بوم

مجتهد « رازی »، « عریضی »، « عاملی »

پیر دیر و، پیرو راه علی

« خان قشقائی » گل روی سبد

شد « جهانگیر » آنکه نامش تا ابد

ص: ۶۵۰

۲- مقصود ، ملاً عبد الله تستری ، استاد و سرپرست بزرگ مدرسه عبد الله می باشد.

۳- مقصود ، ملاً عبد الله بحرانی اصفهانی ، از شاگردان برجسته علامه مجلسی و صاحب کتاب عظیم الشأن عوالم العلوم ، می باشد.

آنکه آید کم، قرینش در قرون

آنکه بودش دانش و بینش ، فزون

همچو دریا، پاک عنصر « درچه ای »

دُر چه گویم؟ برتر از دُر، درچه ای

« نوری » روشن ضمیر از سوز عشق

چون « مدرّس » بود درس آموز عشق

« تویسرکانی » به تاکستان راز

باده نوش نور ، چون مستان راز

« کاشی » و « کلباسی » و « کرمانتیت »

عارفان کامل ربّانیت

بس ز «بید آبادی» و «آباده ای»

دادِ دین و ، دادِ دانش داده ای

گل کند پیوسته در این سرزمین

اجتهاد بانوانی چون [\(۱\)](#) امین

«ابطحی» در عصر ما دانش پژوه

آسمان سبز فکرش پرشکوه

پر ز گل دشت شقایق پوش تو

رازها در سینّه پر جوش تو

کوچه سارت کوچّه سرخ بهار

۱- مقصود ، مجتهدہ عالی مقام ، حاجیہ خانم امین (صاحب تالیفات بسیار) می باشد

زنده رودت سر به سر ، آذین پُل

حلقه پل ، حلقه رنگین گل

موج زن ، از صولت سیلت ، صلات

کرده گل ، صوت قنوت ، از قنات

چشمه سارانت ، زبان ذکر حق

خط موجت ، ترجمان ذکر حق

شهر ایمان ، شهر آئین ، شهر دین

مردم حق باورت ، أهل یقین

جانفزا صحرا ، ز صوت سهره ات (۱)

یک سحر گل ، جلوه گر از چهره ات

جلوه ات چون فرودین ، در چار فصل

چارباغت دلنشین ، در چار فصل

تا که در سیر است چرخ روزگار

تا که در گردش بود لیل و نهار

تا که باشد جلوه گر خورشید و ماه

تا ز چشم و سینه جوشد اشک و آه

ص: ۶۵۲

تا که روید سبزه و گل در چمن
تا بهار عشق خیزد از سخن
شهر پاکان ، عرصه آزادگان
اصفهان ، ای اصفهان ، ای اصفهان
دورمانی ، دور دور ، از هر گزند
چون ستیغ کوه ، باشی سربلند
مردمت را لطف یزدان یار باد
ساغر پرفیضشان سرشار باد
خاک پاکت ، تاقیامت سبز سبز
خاطرت ، چون طبع (صحت) ، سبز سبز
خوشه های نور از گلدسته هایت چیدنی است
در طنین کاشی آبی ، فروغت دیدنی است
نزد من زیباتر است از بوی جوی مولیان
چون تراود از تن گلدسته ها عطر اذان
تا سحر نام تو را بر تارک گلدسته گفت
در سکوت سنگها یک باغ اسلیمی شکفت

اصفهان ای شهر گل

پُر گلی چون خاطر روشندان ، ای شهر گل

میزنی موج از صفا، ها، اصفهان ، ای شهر گل

چون دیار گرم مهری تا ابد ای خاک پاک

چون بهار شهر نوری جاودان ، ای شهر گل

جادو گلپوش نوری ، کهکشان گرد رخت

در دلت خورشیدها داری نهران ، ای شهر گل

شوق را آئینه داری چون زلال اشک ما

چشمها باشد به دامانت روان ای شهر گل

بی پناهان را دهی در سایه پوش گل ، پناه

بهر مرغان بهاری آشیان ، ای شهر گل

در کنارت چشمه زمزم بود یازنده رود

یا که داری شط نوری در میان ، ای شهر گل

بی سبب اهل جهان ، نصف جهان خوانده اند

بلکه دارد جلوه در نصفت ، جهان ، ای شهر گل

افکنی تا فرش گل در راه بی برگ و نوا

برگ گل ریزی به ره ، چون پرنیان ، ای شهر گل

تا دل غم دیدگان را خالی از غمها کنی
روح بخشی ، چون بهاری بی خزان ، ای شهر گل
سینه پر نور پاکانی ، سحر را جلوه ای
همچو خورشیدی به زیر آسمان ، ای شهر گل
کهکشانشانها مُشْتِ گَزْد از خاک صحرای تواند
خاکیانت برتر از افلاکیان ، ای شهر گل
از هنر نامت به خط نورها شد نقش عرش
چون تو کو ، گردون نشین ، گردون نشان ، ای شهر گل
خرّمی ، خوبی ، خوشی ، خاصی ، چو بزم أهل دل
ای گلستان ، ای بهار ، ای بوستان ، ای شهر گل
سبزه هایت مخمل سبزند چون فرش حریر
برگ گلهایت چو بال طوطیان ، ای شهر گل
منزل گلپوش مطلب ، در دیار سبز تُست
هست در هر کوچه ات صد کاروان ، ای شهر گل
باد را از گرد خالی ساز و ، کن لبریز عطر
بی نصیبان را به مطلبها رسان ، ای شهر گل
زخمها را التیام از پنبه مهتاب تُست
نوشداروی دل ای دار الأمان ، ای شهر گل
بر سر دیوانگانت ، جای سنگ و اینجا زنند
یاس ، نرگس ، لاله ، نسرین ، ارغوان ، ای شهر گل

چون تو باغی نیست در آفاق ، ای باغ بهشت

چون تو شهری نیست در این خاکدان ، ای شهر گل

ص: ۶۵۵

دشتهایت چون فلک آئینه پوش از چشمه ها
کوههای جمله چون رنگین کمان ، ای شهر گل
رقص موج آبهایت ، لرزش بال پری
حلقه گلهاست یا پلها عیان ، ای شهر گل
سر به سر پوشیده صحرای وجود از موج خار
چون تو کی بی خار و خس گردد جهان ، ای شهر گل
بزم شور و ، بزم شوقی ، بزم عشق و بزم انس
شهر گل ، ای شهر شعر و شاعران ، ای شهر گل
در دل ما تا ابد مهر تو بس باشد ، چه غم
آسمان گر نیست با ما مهربان ، ای شهر گل
مصر یوسف سیرتانی ، ای بنایت حصن حُسن
خواهت در اوج عزّت ، همچنان ، ای شهر گل
نغمه رنگین مرغانت ، زداید زنگ دل
تانگردد سینه ای گرم فغان ، ای شهر گل
همچو فکر ما، بهارت سبز باد ای سبزه زار
همچو طبع ما، نسیمت گل فشان ، ای شهر گل
چون تو آیم هر نفس از شهر رنگین بهار
چون تو دارم خرمن گل ارغوان ، ای شهر گل
دفتر ما چون سبد تالاب ، ز نامت پر گل است
هر دم از وصفت شود پر گل ، دهان ، ای شهر گل

خاطر (صحت) ز شوقت شاخه گل گشته است

اصفهان ، ای شهر زیبا، اصفهان ، ای شهر گل

ص: ۶۵۶

مجتبی کاظم زاده «عطوفی»

اصفهان ، مهد ذوق و عقل و هنر و صفا

باشکوه و دلربائی اصفهان

یک جهان لطف و صفائی اصفهان

چار فصلت شهره باشد در جهان

شهر خوش آب و هوائی اصفهان

زنده رودت نغمه ساز زندگی است

نای هستی را نوائی اصفهان

مردمانت سخت کوش و هوشمند

مُلک ذوق و عقل و رائی اصفهان

شهر شعر و شاعران شهره ای

در ادب صاحب لوائی اصفهان

با کهن تاریخ مسجد جامع

جامع تاریخ مائی اصفهان

هر بنایت یادگار دوره ایست

نقش دوران را بنائی اصفهان

با بناهایی عظیم و باشکوه

فرّ ایران را نمائی اصفهان

گر چه ایران سرزمین جلوه هاست

جلوه گاه جلوه هائی اصفهان

چون (عطوفی) هر که دیدت یک نظر

گفت یک دنیا صفائی اصفهان

ص: ۶۵۷

محمود عندلیب «عندلیب»

درود بر اصفهان ، سلام بر زاینده رود

فصل بهار و ساحل زیبای زنده رود

برخیز تا به شادی و همراهی سرود

گردش کنیم باز در اطراف اصفهان

لذت بریم نیز ، به گلگشت زنده رود

یادش بخیر دور جوانی ، که روز و شب

همگام ما، هماره نشاط و سرور بود

پیرانه سر، به یاد جوانی فتاده ام

خواهم زبان ، به وصف عروس جهان گشود

برخیز و عزم ساحل زاینده رود کن

گاه قیام گشت ، نباشد گه قعود

در صبحدم که نغمه جان پرور آذان

زنگار غم ز سینه صاحب‌دلان زدود

در لحظه ای که دختر گلچهر آفتاب

از کوهسار دیده بدین بوستان گشود

در هر کجا رویم ، گلستان و بوستان

از این نسیم خلد وزد ، زان شمیم عود

روضات خلد ، روی زمین گشته آشکار

تسنیم و کوثر است ، که جاریست این حدود

جَنّت وجود یافت خدا یا در اصفهان؟

یا جَنّت است بافت در آن؟ اصفهان وجود

ص: ۶۵۸

جاریست در سراسر آن آب زندگی

زین فیضِ مستدام بود مأمن خلود

فَراش روزگار چه فرشی فکنده است

علم و هنر گرفته در آن ، نقشِ تار و پود

« نقش جهان » و « مسجد آدینه » را نگر

چشم بشر ندیده چنین دُرّ نابسود

بس گنبد کبود که در جای جای اوست

مانند آن نشان ندهد گنبد کبود

بس باغ و بوستان و بناهای دیدنی

مجموعه ای که حیرت بینندگان فرود

صدها اَدیب و شاعر و نقّاش نامدار

مردان باهنر ، که فلک نامشان ستود

مانند اصفهان به جهان کس ندیده است

در شأنِ نوعروس جهان ، همسری نبود

اینجا بهشت روی زمین است (عندلیب)

« گویی بهشت آمده از آسمان فرود »

یارب نگاه دار سپاهان ، زهر گزند

از چشم زخمِ دشمن و ، بدخواهی حسود

بر زنده رود ، آب بقا ، بی عدد سلام

بر خاک پاکِ نصف جهان ، بیکران درود

در اختلاف دال ، مرا اعتقاد نیست

در این قصیده ، قافیه آمد سرود و عود

ص: ۶۵۹

اصفهان و جلوه های کمال

شهر من ای شهر صفاهان ، شهر گلها

شهر عبیر افشان ترین گلهای دنیا

چشم هنر ، مفتون کاشی کاری تُست

اعجازها در صنعت معماری تُست

از سبز فکران سخنران ، سبزه زاری

از چلچراغ روشنان ، روشن دیاری

زاینده رودت ، زمزم آرامش روح

موسیقی آبش ، بلوغ رامش روح

در چارباغت ، هشت جنت شادمانی است

گلفرش شادابش ، حریر مهربانی است

نقش جهانت ، در هنر ، نقش آفرین است

نقشی سزاوار هزاران آفرین است

مساجد زیبا با جلوات عرشی

در «مسجد شاهت» (۱) ، شهود غیب کردم

با دلستان گفت و شنود غیب کردم

ص: ۶۶۰

بر سجده چون سر در شبستانش نهادم

حاجت گرفتم ، بر کف آوردم مرادم

سنگ نگارستان چین ، معماری آن

گیتی ندارد نقش کاشی کاری آن

در « گنبد شیخت » شکوه عرش دیدم

بانگ هُوَ الْحَيُّ الْحَمِيدُ ، از آن شنیدم

معماریش ، چون کاسه گردون ، فریاست

گوئی که آن جام جهان بین جم ، آنجاست

حیران به «مسجد جامع» چشم نظاره

آنجا سری در اوجها دارد مناره

گلدسته هایش ، هودج پرواز انسان

در مشتمل محرابش کلید راز عرفان

در خاتم مسجد ، نگینی همچو پروین

رخشان مزار «مجلسی» ، علامه دین

علامه ای آئین نگهدار و محقق

باشد «بحار» او دو صد بحر از حقایق

فانوس فقه جعفری ، کنز روایات

مصدق نور محض ، مفتاح مهمات

این چلچراغ علم را ایزد بر فروخت

هر کس از او رخ تافت ، حرمان خرمنش سوخت

در گوشه ای زان بقعه ، مردی گشته مدفون

دیوان شعرش ، چشمه جوشان مضمون

ص: ۶۶۱

آن شاعر شیرین سخن ، «میر جهانی» است

«حیران» روی یار و، دریای معانی است

آن عارف فحل و فقیه باکرامت

دارد به دار القدس سبحانی ، اقامت

آنجا کمی پائین تر از آن قدس درگاه

باشد مزار «صافی» ، آن مرد دل آگاه

صافی ، فقیه و عارفی روشن روان بود

بیزار ، از آوازه و نام و نشان بود

از تربت پاکش ، شمیم عشق خیزد

عطر بهشتی ، زان حریم عشق ، خیزد

هرگاه سایم جبهه بر آن مدفن پاک

روح کند از خاک ، سیری سوی أفلاك

هر گه قدم در « مسجد سید » گذارم

گیرد به کف شوق عبادت ، اختیارم

گیرم ضریح « حجّه الإسلام » در بر

زان آستان بویم ، شمیم روح پرور

آنجا بلند ایوانی از عرش کریم است

یک غرفه از گلزار جنّات النّعیم است

بر سنگ فرش مسجد از شوق عبادت

فوج ملك ، بنهاده زانوى ارادت

ص: ۶۶۲

ای در پی خوبان روان گردیده هر سو
از « حجت الإسلام شفتی » ، خوبتر کو ؟
آن عارف آگاه دل ، صاحب کرامت
عالم ، محدث ، مجتهد ، أهل درایت

مسجد حکیم ایوانی از افلاک نور است
آنجا عبادتگاه عشاق ظهور است
در غرفه های این مصلاّی مناجات
طلاب دین سرگرم تعلیم روایات
در شرق مسجد ، بقعه ای از جوهر نور
« کلباسی » آنجا خفته خوش در بستر نور
آن زاهد شب زنده دار ، آن مرد تقوی
آن اسوه پاکسی ، خلوص ، آن أهل معنی
مدرسه های علمیّه ، مدرس فقه و حکمت و تفسیر و...

مدرسه هایت مدرّسِ درسِ فقاہت
رایج در آن تدریس ، تفسیر است و حکمت

« مدرسه صدر » و « امام صادق » (۱)

آوازه رفته ، تافراسوی ثریا

ص: ۶۶۳

آنجا اُدیبان ، عالمانی ذی فنونند

هر یک بنای کاخ حکمت را ستونند

«خواجه» و «جده» ، « ذوالفقارت » (۱) گلشن علم

زانها فروزان چلچراغ روشن علم

داری به « نیم آورد » صدها عالم دین

آئین نگهبانند و ، حق خواهند و ، حق بین

در جای جای ، مکتب تدریس قرآن

مهد هزاران قاری خوش خوان ، خوش الحان

از بس شود قرآن در اقلیمت تلاوت

جاریست موج رحمت ، آیات طراوت

حوزه علمیه و چهره های درخشان علم و معنویت

ای اصفهان ، ای شهر من ، ای شهر جاوید

ای دامت پر جلوه از انوار توحید

ای حوزه علمیه ات ، علامه پرور

صدها چو « ریزی » ، « درچه ای » پرورده در بر

أهل حدیث و فقه و تفسیر و روایت

عالم ، محقق ، مجتهد ، أهل درایت

تعداد این آئین مداران ، چون ستاره

هرگز به آسانی نباید در شماره

۱- مقصود ، مدرسه صدر خواجه ، و مدرسه جدّه ، و مدرسه ذوالفقار است.

ای اصفهان ، در خود بسی اوتاد داری
صاحب‌دلی چون « صاحب عبّاد » داری
در عهد صاحب منصبی ، بس رنجها برد
در راه ترویج شریعت ، خون دل خورد
در محفل درس ، آن ادیب نکته پرور
می ریخت گوهر ، از دهان در مدح حیدر
دیوان شعرش در مدیح بوتراب است
در وصف آن مولا ، شه مالک رقاب است
در شیشه جان ، عطر مهر مصطفی داشت
نقش نگین دل ، ولای مرتضی داشت
أول قدم در فتح باب حوزه ، بنهاد
در شهر ما، رونق به علم و دین حق داد
از عالمان ذی فنون ، « شیخ بهائی » است
مردی که اعجاز کمالاتش ، خدائی است
علامه ای استاد در فقه و فقاہت
در درس تفسیر و ریاضی ، علم هیئت
در علم جبر و هندسه ، جفر و طلسمات
آید به دوران مثل او ؟ هیئات ، هیئات
در رمل و اسطرلاب هم، کشف اسرار
در شاعری هم ، صاحب ذوقی است سرشار

دانش ز «میر فندرسک» ، آذین و فریافت

فخری دگر ، زان نکته دان نامور یافت

ص: ۶۶۵

این عالم فحل فقیه باکرامت
بر طالبان آموخت ، عمری درس حکمت
فرو فروغ برج بینش زین حکیم است
مام زمان ، ز آوردن چون او ، عقیم است
آوازه این فیلسوف اصفهانی
پیچیده در تالار حکمت ، جاودانی
میر زمان ، فخر فضیلت ، « میرداماد »
میر معاریف جهان ، در حکمت استاد
نجم النجوم برج اختر جوش حکمت
دیگر چو او کی پرورد آغوش حکمت
در فیلسوفان ، بوعلی سینای ثانی
در عارفان ، بحر گهرزای معانی
هر جا که دوران ، از حکیمان بزم چیند
در صدر آن ، « صدرای شیرازی » نشیند
تفسیر او ، دروازه شهر شهود است
مفتاح الهامات فیاض وجود است
در کاروان فیلسوفان ، پیشوا اوست
در بحر طوفان خیز حکمت ، ناخدا اوست
در معرفت ، أسفار آن مرد حق آگاه
سیر الی الله است و ، فی الله است و ، بالله

هرجا سخن از سرّ هستی در میان است

« ملاعلی نوری » آنجا راز دان است

ص: ۶۶۶

آن عالم عارف ، حکیمی فیلسوف است
در برج حکمت ، آفتابی بی کسوف است
بی « فاضل هندی » فضیلت ناتمام است
تألیف او در فقه دین ، « کشف اللثام » است
أرباب علم ، اعجوبه الدهرش بخوانند
گنج گهر ، در علم تفسیرش بدانند
هر جا سخن از اجتهاد و فقه و دین است
« روضاتی » آنجا چون « جزی » مسند نشین است
« آباده ای » کشف أسرار حقایق
غوّاص بحر دانش ، استادی محقق
« کاشی » حکیم باکرامت ، فحل دوران
بحر فقاہت ، منبع تفسیر قرآن
استاد در علم الحدیث ، أهل روایت
تفسیر گویی بی نظیر ، أهل درایت
« قشقای » آن صیت کمالاتش « جهانگیر »
گنجینه عرفان و حکمت ، فقه و تفسیر
نام « مدرّس » آن ابر مرد سیاست
خورشید رخشا نیست ، در برج قداست
بیدار دل مردی ، که بی پروا چو خورشید
در عصر بیداد رضاخانی ، درخشید

بنگر توانمندي آن مرد الهي

يکدم نشد تسليم استبداد شاهي

ص: ۶۶۷

« بانو آمین » آن گوهر دریای عرفان

عالم به فقه و حکمت و تفسیر قرآن

در « چل حدیثش » هست اسرار سماوات

« سیر و سلوکش » می دهد سیر مقامات

چرخ ادب را اختر رخشان ، «همائی» است

در نغمه سنجان ، بلبل دستان ، «همائی» است

در شاعری ، نازک خیال و نکته پرداز

در خلوت رندان عاشق ، محرم راز

تخت فولاد ، مزار اولیاء و علماء و شهداء

شهر من ای شهر پرستوهای عاشق

شهر شهیدان ، شهر گل‌های شقایق

بر تخت فولادت نگاه افکندم از دل

رفتم چو عاشق ، هر طرف منزل به منزل

آنجا، مزار پاک مردان خدائست

گلگشت خاکش ، جلوه گاه کبریائست

از سنگفرش کهکشانش درگاه این خاک

نور حقیقت می رود تا بام أفلاک

عطر جنان دارد گلستان شهیدان

از لاله لبریز است ، این گلزار رضوان

گلزار ایثار آفرینان نبرد است

آرامگاه بهترین مردان مرد است

ص: ۶۶۸

آنجا هزاران گوهر نایاب عشقند
در ملک باور ، مهر عالمتاب عشقند
آنجا شقایق زار مردان جنون است
در هر قدم ، صدها شهید از نسل خون است
بگذشته از نامان و ، غرق بی نشانی
گلپاده نوشان از سبوی جاودانی
ایوان « شمس آبادی » ، اورنگ سپهر است
از گنبدش رخشان ، فروغ ماه و مهر است
اول شهید عصر حاضر در ره حق
مردی که عمری ، علم و دین را داد رونق
بر گلشن سبز ولایت ، باب توحید
با خون سرخش رنگ و آبی تازه بخشید

ای دل اگر خواهان وجد و شور و حالی
از صدق روکن ، بر مزار « بوالمعالی »
مردی حکیم از زمرة روشن ضمیران
در زهد و تقوا ، در شمار بی نظیران
بوی گل از قبر «محمد صادق» (۱) آید
دیدار آن زنگ ملال از دل زداید
نام محمد صادق ، آن انسان واصل

در جان عشاق حقیقت ، کرده منزل

ص: ۶۶۹

۱- مقصود ، راهنما و مرّبی حاج شیخ حسنعلی اصفهانی است.

مردی که می از ساغر توحید نوشید
بی ادعا، در هفت شهر عشق گردید
در خلوت عرفانیان ، شمع شهود است
نامش به لب ، زیباترین شعر و سرود است
چون نام « بید آبادی » آید بر زبانم
گویی ز شوقش پرکشد از تن روانم
آن مقتدای اهل بیتش ، پیر کامل
مفتاح مُعضل ها، کلید حلّ مشکل
در گوشه ای از بقعه اش مدفون « مفید » است
مردی که در علم و عمل ، فحلی فرید است
بیرون بقعه ، « میرمعصوم » آرمیده
مردی که روحش پر به علّین کشیده
بر مدفن « خونساری » از دل هر که رو کرد
در بارگاه قدس ، کسب آبرو کرد
مرحوم «خونساری» ، جمال العارفين است
چون « خواجهائی » در زمرهٔ اهل یقین است
اصفهان مدفن امامزادگان والامقام
ای شهر من ، ای روضهٔ گلهای صدپر
ای مدفن اولاد امجاد پیمبر
تو در بغل « شهزاده ابراهیم » داری

شهاده های واجب التّعظیم داری

ص: ۶۷۰

اینها همه نوباوگان مصطفایند

از نسل زهرا علیها السلام وعلیّ علیه السلام مرتضایند

دُرّجی تو و، این حق مداران ، گوهر تو

چون جان گرامی ، چون روان در پیکر تو

شهزاده « اسحق » و « حسن » ، « سید محمد »

شهزاده « باقر » ، « زینب » ، « اسماعیل » و « أحمد »

دیگر « أبو العباس » تو، از نسل عبّاس

می گردد از آن عیسوی دم ، تازه أنفاس

آنجا ، فقیه آل عصمت آرمیده

آنجا « امامی » ذخراّت آرمیده

آن رهرو راه خدا ، رهپوی مولا علیه السلام

صاحبدلی والاتبار از نسل زهرا علیها السلام

آن یگه تاز عرصه و عظم و خطابت

در حوزه بود استاد تدریس فقاہت

یک عمر پرچمدار ایمان و شرف بود

ترویج قرآن ، نشر احکامش هدف بود

اصفهان پایگاه ایمان و ولایت و شهر شور و شوق

أهل البيت عليهم السلام

شهر من ، ای اقلیم مردان سلحشور

ای خطّه حق پیروان ، ای مأمن نور

با مردمانت تار و پودم خورده پیوند

همشهریانی یکدل و خوب و برومند

ص: ۶۷۱

همشهریانی حق پرستان ، حق شعاران

در راه تنظیم شعائر ، جان نثاران

همشهریانی ، رهروان راه فطرت

تا پای جان ، فرمانبر قرآن و عترت

همشهریانی شهرة ایمان در آفاق

با « چارده خورشید عصمت » بسته میثاق

دل بر رسول صلی الله علیه و آله ، آن کعبه آمال داده

دست تولا برعلی و آل علیهم السلام داده

شوق ولایت ، شور بخش سینه هاشان

جای علی علیه السلام باشد ، دل بی کینه هاشان

عهد ألتی باعلی و آل علیهم السلام بسته

از غیر عترت ، رشتۀ الفت گسسته

یک چاه غربت ، راز دار بو ترابند

در راه عشقش ، تا به جان ، پا در رکابند

احیاگران رسم سرخ سو گواری

در سوک زهرا علیها السلام ، بی قرار از داغداری

بنیان گذاران عزای فاطمیه علیها السلام

دلهایشان ماتم سرای فاطمیه علیها السلام

در تکیه های قلبشان مأوای مولاست

غربت سرای حضرت ام ایهاست

دلهايشان خلوتگه نور خدائي

از جانسان سرشار ، شور كربلائي

ص: ٦٧٢

در خویش از این غم، نینواها ناله دارند

در سینه ها ، داغ هزاران ساله دارند

دشت جگرهاشان ، عطش جوش حسین علیه السلام است

محراب دلهاشان ، عزاپوش حسین علیه السلام است

گر دیگران ، ماه محرم سوگوارند

اینان شب و روز ، این علم بر دوش دارند

اینان ، مسلمانانِ سلمان دودمانند

سلمانُ منّا أهل بیتِ این زمانند

سلمان ، که پا، جا پای آل الله بگذاشت

در سینه از مولا ، نشان عاشقی داشت

این حق پرستان ، رد پای سبز اویند

در معرفت ، دُردی کشان آن سبویند

چشم انتظار مهدی علیه السلام موعود عشقند

خونین دلان هجر آن معبود عشقند

تا در جهان شور و نوای عشق جاریست

در روزگاران ، تاصفای عشق جاریست

تا آفتاب ، آئینه دار نه سپهر است

تا عالم آرائی ، به دست ماه و مهر است

تا هست سرشار از تجلی ، جام خورشید

جاوید مان ، ای شهر من ، جاوید، جاوید

چون طبع (قدسی)، گلشنی باشی شکوفا

چون زنده رودِ ذوق او، مانی گوارا

ص: ۶۷۳

آقای محمد قهرمان (از مشهد مقدّس)

نقش جهان ، در آینه اصفهان

نقش جهان در آینه اصفهان بین

نصف جهان رها کن و نصف جهان بین

ای در وطن غریب ، سفر کن ز شهر خویش

صد آشنا به بوم و بر اصفهان بین

توفیق شد رفیق و سعادت دلیل راه

امدادِ بخت و ، مرحمت آسمان بین

ای مرغ خسته پر ، که سرت زیر بال ماند

در فصل گل ، شکفتگی بوستان بین

بگشای چشم دل به تماشای زنده رود

آب بقا به چشمه حیوان ، روان بین

جان تازه کن ز خنده دندان نمای پل

در ماه تیر ، جلو رنگین کمان بین

باغی که بود تکیه «صائب» نظاره کن

خالی ز مرغ نغمه سر آشیان بین

در گوشه ای نه در خور قدر بلند او

آرامگاه شاعر شیرین زبان بین

با چشم دل به تربت پاکش نظر فکن

گنجی که مانده است به گنجی نمانده بین

گمنام اگرچه ماند به ایران دو‌یست سال

امروز نام او همه جا در میان بین

از شعر نغز او نتوان سرسری گذشت

رنگینی معانی و سحر بیان بین

همّت بخواه ای دل از آن طبع تابناک

شعر شکسته بسته خود را روان بین

چون گلشنی است مُلک سپاهان و مردمش

افرشتگان آمده از آسمان فرود

چون خیمه ایست کشور ایران فراشته

وین خیمه فراشته را اصفهان عمود

دنیا اگر چه جای بقا و خلود نیست

بنگر به اصفهان و صفا را در آن خلود

بشنو کنون ز نای من آوای اصفهان

تا بشکفی چو غنچه از این دلنشین سرود

وین جا نفزاترانه بر آری زلب چومن

جان جهان نبود اگر اصفهان نبود

اصفهان

گر بگذری به خطّه زیبای اصفهان

مست کند هوای دل آرای اصفهان

پیچیده است بوی گل و عطر یاسمن

در کوچه باغهای مصفاى اصفهان

همچون دم مسیح ، روانهای مرده را

احیا کند نسیم فرح زای اصفهان

خون حیات و زنده دلی آورد به جوش

در سیر و گشت منظر زیبای اصفهان

در کام اهل حال نگر زنده رود را

جاری چو شهد ناب به مینای اصفهان

از هر طرف سرود بهاران زندگی

بر گوش جان رسد ز مصلاى اصفهان

در فنّ شعر و صنعت و معماری و هنر

هرگز کسی نیافته ، همتای اصفهان

فرزانگانِ شعر و سخن ، رشک می برند

بر طبع شاعرانِ توانای اصفهان

بر تارک سپهر ادب ، نقش بسته است

نام « صغیر » ، گوهر والای اصفهان

ثبت است شعر « صائب » و نازک خیالیش

در سینه های مردم دانای اصفهان

« مردانی » ، آن ادیب سخن دان نکته سنج

بی جا نگشته واله و شیدای اصفهان

صفحه به صفحه ، دفتر و دیوان شعر او

جانبخش و جانفزاست چو گلهای اصفهان

« قیصر » به یادگار ، تو هم خوش نگاشتی

شور آفرین چکامه غزای اصفهان

این گلستان است یا رب یا بهشت جاودان

یا جهان جان و یا جان جهان یا اصفهان

این عجب کاندلر زمین است و بود رشک فلک

وین عجب کاندلر جهان است و بود بیش از جهان

حبذا شهری که خاکش سر بسر جان لطیف

مرحبا ملکی که آتش جملگی روح روان

محمد کاظم (واله)

اصفهان ، شهر مساجد زیبا، و مهد هنر و هنر آوران

بهشتی که حق در ازل آفرید

بر آن بندگان راست چشم امید

چو نسیه است و نتوانش امروز دید

به زودی بر آن نسیه نتوان رسید

بهشتی گزین نقد در این جهان

بهشت جهان ، خطّه اصفهان

صفاهان بهشتی است به از بهشت

بهشتی است رشک بهشت از سرشت

که در آن دمد گل ، ز هر خار کشت

هنر بارَد اینجا زهر پاره خشت

در اینجا پدید آید از خاک ، زَر

زر از خاک و ، از سنگ لعل و گهر

به مژگان سزد خاک این شهر رُفت

کز اینجا هنر جلوه کرد و شکفت

به وصفش چه حاجت به گفت و شنوفت

چه نیکو سرود آنکه این نکته گفت

جهان را اگر اصفهانی نبود

جهان آفرین را جهانی نبود

ز دوران دمی را غنیمت شمار
قدم نه در این شهر و در این دیار
به پرداز ، اینجا به گشت و گذار
به دست آر ، هر چیز آید به کار
که هر چیز خواهی به دست آوری
در این شهر ، از عمر لذت ببری
خرامان خرامان سوی چارباغ
روان شو که تا یابی از غم فراغ
ز شادی بر افروز در دل چراغ
رهی ، تا ز رنج و غم و درد و داغ
بزن بر لب رود ، نم نم قدم
بزن آب ، بر آتش درد و غم
گذر کن سوی رود زاینده رود
که بر آبروی صفاهان فرود
از آوای آبش توانی شنود
هزاران ترانه ، هزاران سرود
چه موسیقی از آن طرب خیز تر
چه از این هیاهو دل انگیز تر
گذر کن به میدان نقش جهان
که پیداست نقش جهانی در آن

ننازد چرا بر جهان ، اصفهان

جهان را کجا بهتر از این نشان

ص: ۶۷۹

کجا چون صفاهان زفرّ و شکوه
جهان را به خود خوانده از هر گروه
سوی «گنبد شیخ» افکن نظر
ز فیروزه بین گنبدی جلوه گر
نه تنهاست تاج ، اصفهان را به سر
که تاجی است شایان ، به فرق هنر
چه تاجی که چون زد به سر اصفهان
از این تاج شد تاج فرق جهان
سوی «مسجد شاه» [\(۱\)](#) بردار گام
هنر را تماشا کن آنجا تمام
در و سقف و دالان و دیوار و بام
همه زُمردین رنگ و فیروزه فام
چنین نقش زیبا در اینجا که بست
چه کس را در این نقش بوده است دست
یکی شاهکار است در آن عیان
که آن طرح قبله است در این مکان
نه پی بردن آسان بر آن می توان
بر آن پی برد فکرت نکته دان
از بینندگان از هزاران هزار
یکی می برد پی به این شاهکار

۱- مقصود ، مسجد امام ، واقع در میدان نقش جهان ، می باشد.

به قانون هیئت ، چو در این مطاف

نبودی مَصون قبله از انحراف

همان را نه مشروع بود انعطاف

بجستند راهی درست از خلاف

که آنجا به نیروی فکر قویم

نمودِ مُصَلِّی ، بُودِ مستقیم

ز « عالی قاپو » چون برانم سخن

چه گویم من از این بنای کهن

که توصیف آن نیست در حدّ من

بُود در حدّ اوستادان فن

که آیند و گویند اوصاف آن

ز اوصاف عالی بنای جهان

چو بر « مسجد جامعش » بگذری

هزاران هنر آندر آن بنگری

به طاق مُعلّق اگر پی بری

سرانگشت حیرت به لب آوری

به جیب تفکر ببر سر فرو

ره کشف این راز پنهان بجو

چنین کارگاهی هنر آفرین

نه مسجد ، که عرشی است روی زمین

هنر موج زن از یسار ویمین

به هر سو گشا چشم عبرت ، بین

ص: ۶۸۱

که آن یک از این حیرت آمیزتر
از این، آن یک إعجاب انگیز تر
« دو جنبان منارش » شگفت آور است
نه معجز ، ز معجز بسی برتر است
کرامت مگو از کرامت بر است
تو را جنبشش گر که ناباور است
بگیر اولی را بجنبان ، بین
که جنبد چه سان ، بی تکان ، دوّمین
نظیرش توان دید افزون بنا
همه حیرت انگیز و حیرت فرا
همه نقش فکر بدیع و رسا
همه در خور آفرین ، مرحبا
که گر یک به یک آورم در شمار
شمارش شود بیشتر از هزار
هنرهای دستیّ آن بی کران
که مانده است و ماند به جا جاودان
قلمدان ، قلمکار سازیّ آن
هم از گچبریهاش در هر مکان
از تذهیب و ترصیع و انواع خط
هزاران هنر ، زین رقم ، زین نمط

به جز اصفهان شهر مینو طراز

کجای جهان راست این امتیاز

ص: ۶۸۲

که هست از هنر در جهان سرفراز
دری از هنر بر جهان کرده باز
هنرمندهایی از آن خاستند
که شهر هنر را بیاراستند
اگرچه هنر نادر و کم بود
هنر آفرین کم به عالم بود
در این شهر ، افزون دمادم بود
هنر ، اصفهان ، این دو توأم بود
به هر جا سخن از هنر می رود
سخن ز اصفهان بیشتر می رود
سزد بیش از این وصف شهر هنر
ستایش فزون ، وصف بی حد و مر
ز اندازه بیرون ز حد بیشتر
که تاجی است زرین جهان را به سر
بدین شهر کان گوهر آرد به بار
سزد آنکه ایران کنر افتخار
ورای هنرهای آن ، شعر آن
که در این هنر هم عنان جهان
دلیم حضور سخن آوران
سخن آوران و سخن پروران

کجا سرزمینی جز این سرزمین

سخن پروری پرورد ، چون (متین)

ص: ۶۸۳

اصفهان ، شهر علم و فضل و هنر

و جهاد و شهادت

یک جهان جانی و ، هم جان جهان ، ای اصفهان

در جهان مانی هماره جاودان ، ای اصفهان

قرنها باشد که تاریخ وطن را زیوری

بلکه باشی زیب تاریخ جهان ، ای اصفهان

گاه گشتی شهره بر ، نصف جهان ، این جان پاک

گه زدی نقش جهان بر لوح جان ، ای اصفهان

باشد از «نقش جهان» یک جهان حسرت به دل

گر کنی افشا تو آن درد نهران ، ای اصفهان

از شرار دل ، زنی آتش دل افلاک را

گر بیاری سوز دل را بر زبان ، ای اصفهان

کی رود از خاطر آن روزی که برپاشد ز کین

از سر پاکان تو ، کوهی گران ، ای اصفهان

مدعی ، قلب عزیزان تو از هم می درید

بهر عبرت پیش چشم میهمان ، ای اصفهان

از منار و مسجد و محراب هایت می رسد

قرنها بر گوش ، آوای آذان ، ای اصفهان

« تخت فولاد » ت چو رضوانست از آیات حق

بس بهشتی أندر او دارد مکان ، ای اصفهان

مهر گردون ، مات روحانیتِ ذیشان توست

کاخترانشان هشته سر بر آستان ، ای اصفهان

خون گلرنگ « مدرّس » آن زعیم پاکدین

خطّ بطلان زد به نقش نامِ خان ، ای اصفهان

محور « زاینده رود » ت چشمه سار زندگی است

باشد از هر گوشه اش کوثر روان ، ای اصفهان

از فداکاری و جانبازیّ سربازان تو

شد زمین مبهوت و ، حیران آسمان ، ای اصفهان

تا بیبارد اُبر و ، روید لاله از خاک وطن

تا زَند خورشید سر از کهکشان ، ای اصفهان

سرخ رو و ، سر فراز و ، شاد کام و ، استوار

باشکوه و فرّجاویدان بمان ، ای اصفهان

روح می بخشد جهان را بسکه باشد دامت

دلربا و ، دلگشا و ، دلستان ، ای اصفهان

کند از جا سدّ استبداد و کاخ ظلم را

خون پاکان تو ، چون سیل دمان ، ای اصفهان

دامن پاک تو را نازم که پروردی چنین

پاک جانانی دلیر و قهرمان ، ای اصفهان

پیش‌تاز لشکر حقّند فرزندان تو

بهر محو باطل و دفع خسان ، ای اصفهان

ص: ۶۸۵

شهره در علمند و ، فضل و صنعت و شعر و هنر

مردم خوب تو بین همگان ، ای اصفهان

خود نه تنها اندر این جنگ عظیم کفر و دین

گوی سبقت را ربودی زین میان ، ای اصفهان

تا ابد بر مردمان پاک ایمانت درود

از امام و امت والا نشان ، ای اصفهان

بر شهیدان سرافرازت سلام کردگار

تا به خاکت مهر باشد زرفشان ، ای اصفهان

زین و جیزت ، کلک (مردانی) ز کان معرفت

ریخت در پای تو یاس و أرغوان ، ای اصفهان

تا بروید لاله در دامانت از خون شهید

زبید أر وصف تو بنگارد بنان ، ای اصفهان

مردانی آن ادیب سخندان نکته سنج

بیجا نگشته واله و شیدای اصفهان

صفحه بصفحه دفتر و دیوان شعرا و

جانبخش و جانفزاست چو گلهای اصفهان

قیصر به یادگار تو هم خوش نگاشتی

شور آفرین چکامه غزای اصفهان

آقای عباس کی منس «مشفق کاشانی»

تجلی علم و ادب و شجاعت و شہامت در اصفہان

اصفہان ای بارہ پروازها

از تو در گوش فلک آوازا

ای کرامت را جهانی ساخته

بر چکاد حق علم افراخته

بافروغی ہم رکاب آفتاب

همچنان ، بر پهنه گیتی بتاب

در تو بینم تابش خورشید را

جلوہ های روشن امید را

تافلک سرچشمه گلگون توست

در رگ تاریخ ، جاری خون توست

ز آستینت دست حق آمد به در

سرفرازی ، سوده بر پای تو سر

پردہ اندیشه را نقش و نگار

نقش پرداز هنر در روزگار

خاک پاکت توتیای دیدہ هاست

روشنی بخش دل مشتاق ماست

عالمانت را سریر سروری

زیبید و شاید به کار رہبری

پاس ایمان را مسیحائی دمند

در حریم حرمت حق محرمند

ص: ۶۸۷

شاعرانت ، در سخن رشک ملک

فضل را گسترده دامن تا فلک

پاسدارانت چو شیر بیشه ها

این خداجویان و پاک اندیشه ها

مردمانت مردمی را چاره جوی

آب رفته باز آورده به جوی

در ستیغ فتح، بانامرد ها

پهلوان قرن ، در ناوردها

شعله های ایزدی افروخته

خرمن اهریمنی را سوخته

آنکه گفت اینجا بود نصف جهان

خود نمی دانست این راز نهان

کاصفهان ماجهانی دیگر است

دوستان را داستانی دیگر است

تا جهان را اصفهان جان آمده

شامل اَلطاف یزدان آمده

در شهادت شهره ، در دین استوار

در شجاعت بی بدیل و نامدار

دامنت پرورده ابراهیم ها

کوفته پا بر سر دیهیم ها

آتش اینجا شعله ریحانی کند

گل کند گل، تا گل افشانی کند

ص: ۶۸۸

جویبارت رشته ای از سلسبیل

تشنگان وادی حق را دلیل

از فروغ لاله های درد و داغ

دشت در دشت تو روشن از چراغ

موجها ، در موجها زاینده رود

دارد اینک نغمه های رود رود

رود نی ، بحر خروشانست این

شطی از خون شهیدانست این

در دل او قلزمی از خون گذشت

آنچه بر آروند و بر کارون گذشت

موج ایثار از درون آبها

ریخته بر پهنه گردابها

زمزم است این رود ، رشک کوثر است

یعنی این نیل است و موسی پرور است

بحر رحمت را در اینجا ساحل است

کاروان در کاروان جان و دل است

این شهیدانی که اینجا خفته اند

در دل و جان همچو گل بشکفته اند

بیخود از خود ، با خدا بودن خوش است

از تعلق ها رها بودن خوش است

چشم ایران روشن از جان شماست

مهر و مه آئینه گردان شماست

ص: ۶۸۹

ای اصفهان

ای محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

سلام ای اصفهان! ای پرورشگاه هنرمندان

سلام ای شهر تاریخی! سواد اعظم ایران

محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

گرامی دایه برجسته استادان عالیشان

همیشه دایر و معمور باش و امن و آبادان

خوش و سرسبز و خرم ، هم تو مانی ، هم مقیمات

تو مهد عالمان ، صنعتگران ، نقش آفرینانی

تو کانون نوابغ ، هوشمندان ، نکته سنجانی

تو بر اهل فنون و ابتکار و ذوق ، سامانی

هم ایران افتخار از نام تو دارد هم ایرانی

تو تعظیم و ستایش را سزاواری و شایانی

بناها و عمارتها و مسجدهاست برهانت

تو از آغاز ای شهر سپاهی ، محترم بودی

دژ جنگاوران زبده ثابت قدم بودی

عدالتخانه بودی ، ایمن از جور و ستم بودی

همیشه در تمام جنگها صاحب علم بودی

ز قدرت در مهمات جهان چندان اهم بودی

که از انبوهی لشکر ، سپاهان گشت عنوانت

تو شهر راد مردان غیور کشور آرائی

تو گنجی پر گهر ز آثار ممتاز هنرهای

ص: ۶۹۰

ز آرایش ، فرح بخشی و ، منظور نظرهای
تو محبوبی ، تو مطلوبی ، تو مقبولی ، تو زیبایی
تو بر نصف جهان ، ای اصفهان ، مشهور دنیائی
شود پیوسته افزوده مقام و عزّت و شانت
هنوز آگهدلان ، فرخنده می دانند فالت را
هنوز از دور می آیند و می پرسند حالت را
دل از کف دادگان دارند امید وصال را
مگر بینند طرف زنده رود بی مثال را
ستایش می کند گیتی ، جمالت را ، کمالت را
هنوز آید به گوش ، آواز مردان سخندان
هنوز آراسته است از نقشها ایران و درگاهت
هنوز از گنبد شیخ است محکم پایه جاهت
بود از صنع معماران ، جهانی چشم بر راهت
دل از کف می رباید کلک نقّاشان آگاهت
هنوز اهل نظر هستند مفتون و هواخواهت
مگر دست تمناشان ، رسد روزی به دامانت
همیشه سربلند ، ای اصفهان بادا ، لوای تو
همیشه روح بخش و جانفزا بادا ، هوای تو
تو زینت بخش ایران عزیزی ، جان فدای تو
تو باقی باش ، چون باشد بقای ، من بقای تو

مبادای نواگردی ، که می گوید (نوا) ی تو

بود دست توانای هنرمندان نگهبان

ص: ۶۹۱

آقای محمد کاظم «واله»، شاعر و خوشنویس معروف اصفهان

بهشتی شایگان

این گلستان است یارب ، یا بهشت جاودان

یا جهان جان و ، یا جان جهان ، یا اصفهان

این عجب ، کاندز زمین است و ، بود رشک فلک

وین عجب ، کاندز جهان است و ، بود بیش از جهان

خُندا شهری که خاکش سر به سر ، جان لطیف

مرحبا ملکی که آتش جملگی روح روان

نار و نارنج و ترنج و سیب و شفتالو و به

روز و شب اُندر درختانش به باغ و بوستان

هر یکی تابنده خورشیدی است در چارم سپهر

هر یکی رخشنده شعرائی ز هشتم آسمان

این بُود یارب صفاهان یا سپهر هشتمین

یا بُود غیرت فزای قدس ، یا رشک جنان

مُضَمَّر اُندر آب صافش ، صاف تسنیم و معین

مُدَعَم اُندر خاک پاکش ، پاک مشک و زعفران

از نسیمش می وزد پیوسته بر جان ، بوی دل

وز شَمیمش می رسد همواره بر دل ، بوی جان

در فضایش ، زنده جوید ، عیش فردوس برین

وز هوایش ، مرده دریابد حیات جاودان

باغهای باصفا و خانه های پرفضاش

هر یکی باغ ارم ، هر یک بهشتی شایگان

ص: ۶۹۲

اصفهان شهر علم و عدل و حکمت و ایمان

شد ز أُلطاف کردگار جهان

غیرت خُلد، خاک اصفهان

در صفاهان بیا اگر خواهی

ره بری سوی روضهٔ رضوان

نهی تا به خاک او قدمی

نبری ره به چشمهٔ حیوان

آب صافش برد کدورت دل

خاک پاکش زداید اُنْدِهٔ جان

سینه ای نیست اُنْدرو مجروح

خاطری نیست اُنْدرو پُژمان

گر به ظلمات هست چشمهٔ خضر

ور بهشت است در فَلَک پنهان

از ادیبان چو مجلس « صاحب »

وز حکیمان چو کشور یونان

این همه خرّمی در این کشور

این همه خوش دلی در این سامان

باشد از عالمان ربّانی

فلکی پر کواکب رخشان

باشد از عالمان عدل شعار

عالمی در لباس امن و امان

همه در عدل ، نوذر و کسری

همه در زهد، بوذر و سلمان

عالمش ، جمله عالم حق جو

عاملش ، جمله عامل فرمان

نقش الّکاسب حبیب الله

در رُخ خوب تاجرانس بخوان

در دیانت ، وحید فی الأدوار

در امانت ، أمين فی الايمان

گر نور چشم من افزون شود گمان مدار

در دیده خاک راه صفاهان گرفته ام

عمر دوباره یافتم از آب زنده رود

جامی مگر ز چشمه سیوان گرفته ام

ص: ۶۹۴

در این فهرست عمده کتابهایی را که در تألیف این کتاب، مورد بهره برداری قرار گرفته است، نام می‌بریم، و از ذکر بسیاری از کتابهای تاریخی و جغرافیائی و فقهی و ادبی و لغوی و ...، که به مناسبت، و برای روشن شدن یک مطلب، مورد بهره برداری و مراجعه قرار گرفته، پرهیز می‌نمائیم.

القرآن الکریم

نهج البلاغه

الصّحیفه السّجادیّه

آتشکده آذر... آذر بیگدلی

آتشکده آردستان... أبو القاسم رفیعی مهرآبادی

آثار التّقوی (شرح حال آیه الله فقیه أحمد آبادی)... سید محمّد علی روضاتی

آثار الحجّه... شیخ محمّد رازی

آثار ملّی اصفهان... أبو القاسم رفیعی مهرآبادی

آشنائی با حوزه های علمیه شیعه... میر سید حجّه موحد أبطحی

آل بویه و اوضاع زمان ایشان... علی أصغر فقیهی

إثبات الهداه بالتّصووس و المعجزات... شیخ محمّد بن الحسن، حرّ عاملی

أجود التّقریرات (تقریرات درس مرحوم نائینی)... آیه الله العظمی خوئی

أحسن التقاسيم... محمد بن أحمد مقدسي

أحسن الوديعه... آقا سيد محمد مهدي خوانساري

إحقاق الحق (با تعليقات گسترده آيه الله مرعشي)... قاضي نورالله تستري

إحياء الدآثر (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهراني

أخبار الحكماء... علي بن يوسف قفطي

إرشاد المسلمين (شجره نامه سادات مير محمد صادقي)... سيد عبدالله ثقه الإسلام

أرمغان اصفهان... سيد مصلح الدين مهدي

أسد الغابه... عز الدين بن الأثير

اصفهان... حسين نور صادقي

اصفهان... دكتور لطف الله هنرفر

اصفهان در شعر شعراء... مجموعه سروده ها ، با مقدمه استاد منوچهر قدسي

اصول كافي... محمد بن يعقوب كليني

أعلام النساء... عمر رضا كحاله

أعلام الوري... فضل بن حسن (أمين الإسلام طبرسي)

أعيان الشيعه... علامه سيد محسن أمين عاملي

إقبال الأعمال... سيد رضي الدين ، بن طاووس حلي

إكمال الدين و إتمام النعمه... شيخ صدوق

الإرشاد... شيخ مفيد

الإستيعاب... ابن عبد البر

الإصابة... ابن حجر عسقلاني

الإصفهان... سيّد عليّ جناب

الأعلام... خير الدّين زرّكلّي

الأنساب... سمعانيّ

ص: ٦٩٦

الثقات العيون (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الجامع الصغير... جلال الدين سيوطى

الحقائق الراهنه (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الخرائج و الجرائح (با تصحيح و تعليق مؤسسه الإمام المهدي قم)... قطب الدين راوندى

الخصال... شيخ صدوق

الخلاصه... علامه حلى

الذريعة ألى تصانيف الشيعة... حاج آقا بزرگ طهرانى

إلزام الناصب... شيخ على يزدي حائرى

الضياء اللامع (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الغدير... علامه ، شيخ عبدالحسين أمينى

الفهرست... شيخ طوسى

الفهرست... شيخ منتجب الدين رازى

الفهرست... محمّد بن اسحق (ابن النديم)

الفيض القدسى... حاج ميرزا حسين نورى

الكامل فى التاريخ... ابن أثير

الكرام البرره... حاج آقا بزرگ طهرانى

الكنى والألقاب... حاج شيخ عباس (محدث قمى)

المجدى فى أنساب الطالبين... أبو الحسن ، على بن أبى الغنائم علوى عمري

المختارات من الرسائل... تهيه ايرج افشار

المنجد... لويس معلوف اليسوعى

النّابس فى القرن الخامس (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

ألوفى بالوفيات... صلاح الدّين صفدى

أمالى مفيد... شيخ مفيد

ص: ٦٩٧

أمالی طوسی... شیخ طوسی

أمالی صدوق... شیخ صدوق

أمل الأمل... شیخ محمد بن الحسن (الحرّ العاملی)

أنساب خاندان مجلسی... میرزا حیدر علی مجلسی

أنساب خاندانهای مردم نائین... سید عبدالحجّه بلاغی

أنوار نعمایه... سید نعمت الله جزائری

ایران شهر... نشریه بزرگ شماره ۲۲ ملی یونسکو در ایران ، ۱۳۴۲ شمسی

بحار الأنوار... علامه ، ملا محمد باقر مجلسی

برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان... دانشگاه اصفهان

بستان السیاحه... حاجی زین العابدین شیروانی

بُغیة الوُعاة... جلال الدین سیوطی

بیان المفآخر... سید مصلح الدین مهدوی

تأسیس الشیعه لعلوم الإسلام... آیه الله سید حسن صدر

تاریخ اجتماعی کاشان... حسن نراقی

تاریخ أردکان... علی سپهری أردکانی

تاریخ اصفهان و ری... میرزا حسن خان جابری أنصاری

تاریخ بیهق... علی بن زید بیهقی

تاریخ تشیع اصفهان... شیخ مهدی فقیه ایمانی

تاریخ جدید یزد... أحمد بن حسین بن علی کاتب

تاریخ جرجان... سهمی

تاریخ حزین... حزین لاهیجی

تاریخ شهرضا... مسیح الله جمالی

ص: ۶۹۸

تاریخ طبری... محمد بن جریر طبری

تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر... سید مصلح الدین مهدوی

تاریخ فرهنگ اصفهان... مجتبی ایمانیه

تاریخ قم... محمد حسین ناصر الشریعه

تاریخ کاشان (مرآت القاسان)... عبد الرحیم کلانتر ضرابی

تاریخ مدارس ایران... حسین سلطان زاده

تاریخ یعقوبی... أحمد بن أبی یعقوب اصفهانی

تاریخچه اُبنیه تاریخی اصفهان... نیکزاد امیر حسینی

تاریخچه اوقاف اصفهان... عبدالحسین سپنتا

تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی... رکن الدین همایونفرخ

تاریخچه محله خواجه... سید مصلح الدین مهدوی

تاریخچه وقف در اسلام... علی اکبر شهابی

تجارب السلف... نخجوانی

تحفه الأبرار (خاتمه)... خاتمه ، به قلم سید مصلح الدین مهدوی

تحفه العالم... میر عبداللطیف خان شوشتری

تذکره الحفاظ... شمس الدین ذهبی

تذکره القبور... مرحوم آخوند گزی

تذکر □ شوشتر... سید عبد الله شوشتری

تذکر □ نصرآبادی... میرزا محمد طاهر نصرآبادی

ترجمه تقویم البلدان... عبدالمحمد آیتی

تعليقات كتاب نقض... محدث أرموى

تفسير تبيان... شيخ طوسى

تقريب التهذيب... ابن حجر عسقلانى

ص: ٦٩٩

تقویم البلدان... أبو الفداء

تلامذه العلامه المجلسی... سید أحمد حسینی

تنقیح المقال... شیخ عبدالله مامقانی

تهذیب الأحكام... شیخ طوسی

تهذیب التّهدیب... ابن حجر عسقلانی

ثواب الأعمال... شیخ صدوق

جامع الأنساب... سید محمد علی روضاتی

جامع الزّواہ... میرزا محمد بن علی أردبیلی

جامع السّعادات... ملا مهدی نراقی

جامع مفیدی... محمد مفید مستوفی بافقی

جزوه میراث فرهنگی (درباره تخت فولاد)... سازمان میراث فرهنگی اصفهان

جزوه کتابخانه ابن مسکویه... نشریه کتابخانه ابن مسکویه

جشن نامه ابن سینا... انتشارات أنجمن آثار ملی

جغرافیای اصفهان... میرزا حسین بن محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان

جغرافیای کامل ایران... زیر نظر وزارت آموزش و پرورش

خلدبرین (یا تاریخ گویندگان اسلام)... شیخ أحمد بیان الواعظین

دائرة المعارف الإسلامیّه... جمعی از محققان

دائرة المعارف الإسلامیّه الشّیعیّه... زیر نظر سید حسن امین عاملی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی... زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

دائرة المعارف بستانی... بستانی

دائرة المعارف تشیع... گروهی از محققان و نویسندگان

ص: ۷۰۰

دائرة المعارف فارسی... غلامحسین مصاحب

دائرة المعارف فرید و جدی... محمّد فرید و جدی

دار العلم شرق (مخطوط)... سیّد مصلح الدّین مهدوی

دانشمندان و بزرگان اصفهان... سیّد مصلح الدّین مهدوی

دانشمندان و سخن سرايان فارس... محمّد حسین رکن زاده - آدمیت

دلیل المخطوطات... سیّد أحمد حسینی

دیباچه دیارنون... یزدانی نجف آبادی

دیوان جمال الدّین عبدالرزاق... جمال الدّین عبدالرزاق

دیوان طیب (رساله ای در شرح حال طیب اصفهانی)... کیوان سمیعی

ذکر أخبار اصفهان... حافظ أبونعیم

راحه الصدور... محمّد بن علی بن سلیمان راوندی

راهنمای اصفهان... دکتر لطف الله هنرفر

راهنمای مراکز فرهنگی اصفهان... مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

رجال اصفهان... مرحوم آخوند گزی و سیّد مصلح الدّین مهدوی

رجال شیخ طوسی... شیخ طوسی

رجال کشی... محمّد بن عمر بن عبدالعزیز کشی

رجال نجاشی... أحمد بن علی نجاشی

روضات الجنّات... آقا سیّد محمّد باقر خوانساری اصفهانی

روضه المتّقین... علامه ، ملا محمّد تقی مجلسی

ریاحین الشریعه... شیخ ذبیح الله محلاتی

رياض العلماء... ملا عبدالله أفندي اصفهاني

ريحانه الأدب... ميرزا محمد علي مدرّس تبريزي

ص: ٧٠١

زندگانی آیه الله بروجردی... شیخ علی دوانی

زندگانی آیه الله چهارسوقی... آقا سید محمد علی روضاتی

زندگی و شخصیت شیخ أنصاری... آقا شیخ مرتضی أنصاری

زندگینامه آیه الله فانی... بیت آن بزرگمرد

زندگینامه علامه مجلسی... سید مصلح الدین مهدوی

سیاسگزاری از مردم... نشریه سازمان اوقاف اصفهان

سفرنامه ابن بطوطه... ابن بطوطه

سفرنامه شاردن... شاردن فرانسوی ، ترجمه حسین عریضی

سیر أعلام النبلاء... محمد بن أحمد بن عثمان ذهبی

سیری در تخت فولاد اصفهان... سید مصلح الدین مهدوی

سیمای کاشان... حبیب الله سلمانی آرانی

شجره مبارکه... سید محمد جزائری

شجره نامه سادات ورثه حاج میرباقر خوانساری... خاندان میرباقری

شرح حال آیه الله العظمی غروی کمپانی... آقا شیخ محمد رضا مظفر

شرح فارسی من لایحضره الفقیه... علامه ، ملا محمد تقی مجلسی

شرف النبى صلى الله عليه وآله... أبوسعید خرگوشی

شمس طالعه... حاج میرزا محمد طیب زاده

شهداء الفضيله (شهیدان راه فضیلت)... علامه ، شیخ عبدالحسین أمینی

طبقات المحدثین یاصبهان... حافظ أبو الشیخ

عالم آرای عباسی... اسکندر بیک ترکمان

علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین... شیخ علی دوانی

ص: ۷۰۲

علل الشرائع... شیخ صدوق

علماء معاصرین... ملا علی واعظ خیابانی تبریزی

عمده الطالب، فی أنساب آل أیطالب... أحمد بن علی حسنی (ابن عنبه)

عوالم العلوم (با استدراکات مؤسسه الإمام المهدی)... ملا عبدالله بحرانی اصفهانی

عیون أخبار الرضا (ع)... شیخ صدوق

غروب خورشید... یادواره آیه الله اردکانی

فتوح البلدان... محمد بن اسحاق (ابن الندیم)

فروع کافی... محمد بن یعقوب کلینی

فرهنگ جغرافیائی ایران... دائرة جغرافیائی ستاد ارتش

فرهنگ معین... دکتر محمد معین

فوائد الأصول... آقا شیخ محمد علی کاظمینی

فوائد الرضویة... حاج شیخ عباس (محدث قمی)

فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی... محمد آصف فکرت

فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران... نصرت الله مشکوتی

فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی... سید أحمد حسینی

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی... زیر نظر آستان قدس رضوی

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی... نویسندگان متعدد

فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار... با همکاری جمعی از محققان

فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه... حاج آقا مجتبی عراقی

فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم... رضا استادی

فهرست کتابهای چاپی... خان بابا مشار

فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک... جمعی از نویسندگان

ص: ۷۰۳

فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان... سید محمد علی روضاتی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی... سید احمد حسینی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی... رضا استادی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان... جواد مقصود همدانی

قصص العلماء... میرزا محمد تنکابنی

قواعد الأحكام... علامه حلی

کرامات صالحین... شیخ محمد رازی

کشف الخیبه عن مقبره الزینیه... شیخ محمد علی ، معلّم حبیب آبادی

کشف الغمه... علی بن عیسیٰ اربلی

کشف الیقین... سید رضی الدین ، علی بن طاووس حلی

کلیات أشعار و آثار شیخ بهائی (مقدمه)... از استاد سعید نفیسی

گنجینه دانشمندان... شیخ محمد رازی

گنجینه آثار تاریخی اصفهان... دکتر لطف الله هنرفر

لسان المیزان... ابن حجر عسقلانی

لغتنامه دهخدا... علی أكبر دهخدا

لیست بقاع و زیارتگاههای مذهبی ایران... سازمان اوقاف و امور خیریه ایران

مآثر و آثار... محمد حسن خان اعتماد السلطنه

مجالس مفید... شیخ مفید

مجالس المؤمنین... قاضی نورالله تستری (شهید)

مجله حوزه... مقالات گوناگون

مجله نور علم... شماره های گوناگون

ص: ۷۰۴

مجله هنر و مردم (مقالات کتابخانه های ایران)... شماره های گوناگون

مجله یادگار... شماره های گوناگون

مجمع البحرين... شیخ فخر الدین طریحی

مجمع الرجال... شیخ عنایت الله قهپائی

مجمع الفصحاء... رضا قلیخان هدایت

مجمّل التّواریخ و القصص... علی بن محمود رودباری

مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال... حسین فرّخ یار

محاسن اصفهان... مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی

محیط أدب (مجموعه سی مقاله)... یادبود استاد محیط طباطبائی

مرآت الجنان... یافعی

مرآت الأحوال جهان نما... آقا أحمد بهبهانی

مستدرک الوسائل... حاج میرزا حسین نوری

معالم العلماء... ابن شهر آشوب مازندرانی

معجم أدباء الأطباء... محمد خلیلی

معجم الأدباء... یاقوت حموی

معجم البلدان... یاقوت حموی

معجم رجال الحدیث... آیه الله ، سید أبو القاسم خوئی

مقدمه تاریخ یعقوبی... دکتر ابراهیم آیتی

مقدمه تفسیر مجد البیان... حاج آقا نورالله نجفی

مقدمه فوز أكبر و مطلع الأنوار... حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی

مقدمه كتاب ألتفحات الرّحمانيّه... عبد الله السّيّتي

مقدمه محاسن اصفهان... سيّد جلال الدين حسيني طهراني

مقدمه مفصل طبقات المحدثين يا صبهان... عبد الغفور بلوشي

ص: ٧٠٥

مقدمه منتقله الطالبیه... سید محمد مهدی خراسان

مکارم الآثار... شیخ محمد علی ، معلّم حبيب آبادی

مکیال المکارم... آقا سید محمد تقی موسوی أحمد آبادی

مناقب آل أبی طالب... ابن شهر آشوب مازندرانی

منتقله الطالبیه... ابراهیم بن ناصر علوی (ابن طباطبا)

منتهی الأمال... حاج شیخ عباس (محدث قمی)

منتهی المقال... أبو علی حائری

منیه الطالب... آقا شیخ موسی خوانساری

میرزای شیرازی... حاج آقا بزرگ طهرانی ، ترجمه اداره پژوهش و نگارش

میزان الاعتدال... محمد بن أحمد بن عثمان ذهبی

میزان الأنساب... آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی

نابغه فقه و حدیث... سید محمد جزائری

ناسخ التّواریخ... میرزا تقی خان سپهر

نزهة القلوب... حمد الله مستوفی قزوینی

نشریه اداره اوقاف اصفهان ۱۳۴۵ شمسی... سازمان اوقاف اصفهان

نصف جهان فی تعریف الإصفهان... محمد مهدی اصفهانی

نقباء البشر... حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی

نقد الرجال... میر مصطفی تفرشی

نقض... عبد الجلیل قزوینی

نوابغ الرّواہ فی رابعه المآت (طبقات)... حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی

نورالأبصار... شبلنجی

نورالأنوار (فی کشف أحوال زینب بنت موسی بن جعفر علیه السلام)... سید محمّد علی مبارکه ای

ص: ۷۰۶

وحید بهبهانی... علی دوانی

وسائل الشیعه... شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی

وفیات الأعیان... ابن خلّکان

وقایع السنین و الأعوام... میر عبدالحسین خاتون آبادی

وقعه صفین... نصر بن مزاحم

وقفنامه مدرسه صدر

هدیه الرّازی الی الإمام المجدّد الشّیرازی... حاج آقا بزرگ طهرانی

هدیه العباد... حاج شیخ عباسعلی أذیب

یادنامه بانوی مجتهدة أمين... وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یادنامه حاجیه خانم أمين... مصطفی هادوی (شهیر)

یادواره آیه الله فقیه امامی... سیّد حجّه موحد أبطحی

یادواره چهاردهمین قرن شهادت فاطمة زهراء علیها السلام... سیّد حجّه موحد أبطحی

یتیمه الدّهر... ثعالبی نیشابوری

در این فهرست، تنها به نام و عنوان شخصیت‌هائی اشاره می‌نمائیم، که شرح حالی از آنها در این کتاب بیان شده است، و از ذکر نام شخصیت‌هائی که به مناسبت شرح حال مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بقعه‌های علمی، و اعلام معرفتی گردیده، و سایر مباحث کتاب، فقط نامی از آنها برده شده است، (به جهت اختصار) خودداری نموده ایم.

چند تذکر مهم:

الف - مبنای تنظیم فهرست، ترتیب الفبائی نامها می باشد.

ب - نامهای مرکب، همانند محمد علی، محمد حسین، محمد باقر، محمد رضا محمد مهدی، علی محمد، علینقی، به ترتیب حروف اولین کلمه، ذکر می گردد

ج - در فرهنگ اجتماعی شیعیان در قرنهای اخیر، در نامگذاری فرزندانشان، از کُنیه‌ها (همانند أبو القاسم، أبو الفضل) بهره می‌گیرند، بنابراین در نام بردن از این شخصیت‌ها، از همین کُنیه‌ها استفاده نموده ایم.

د- در مورد بعضی از شخصیت‌ها، که از نام آنها اطلاعی به دست ما نرسیده، از یک عنوان وصفی، یا یک کُنیه استفاده نموده ایم، و به ترتیب حروف الفباء، از آنها یاد کرده ایم، مانند بنت المجلسی، دختر صاحب بن عبّاد، خواهر ملا رحیم، أبوشیبه اصفهانی و ...

آغا سلطان (عالمه فاضله)... ج ۱، ص ۶۴۷

آمنه بنت عبّاد علوی طباطبائی (محدثه)... ج ۱، ص ۲۱۵ و ۳۶۱ و ۴۶۲

آمنه بنت عبد الکریم (محدثه)... ج ۱، ص ۶۴۲

آمنه بیگم (فرزند ملا محمد تقی مجلسی)... ج ۱، ص ۵۰۰ و ۶۴۳ و ج ۲، ص ۳۹۱

امامزاده ابراهیم علیه السلام (خیابان کهن دژ)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (در روستای نرمی دولت آباد)... ج ۱، ص ۱۶۱

امامزاده ابراهیم علیه السلام (در محله شاهزاده ابراهیم)... ج ۱، ص ۱۶۰

امامزاده ابراهیم علیه السلام (روستای ردان)... ج ۱، ص ۲۰۲

امامزاده ابراهیم علیه السلام (محله دارالبطیخ)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (نزدیک فرودگاه اصفهان)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (نزدیک میدان طوقچی - قدس)... ج ۱، ص ۲۰۲

ابراهیم بن شیبۀ اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۶

شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۶

ابراهیم بن قتیبه اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۶

ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی اصفهانی... ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۶۱ - ۲۶۴

ابراهیم بن ناصر بن ... طباطبا (صاحب منتقله الطالیه)... ج ۱، ص ۴۶۶

شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی... ج ۱، ص ۵۱۳

ابراهیم طباطباعلیه السلام (سرسلسله خاندان بزرگ سادات طباطبائی)... ج ۱، ص ۲۱۶ و ۴۶۲

آقا سید ابراهیم کابلی... ج ۱، ص ۵۶۳

ابن بادشاله اصفهانی (از ملاقات کنندگان با امام زمان)... ج ۱، ص ۱۰۱

ابن سینا «حسین بن عبد اللہ بن سینا»... ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۹ و ج ۲، ص ۴۸۲

أبو اسحق بن بحیر اصفهانی (محدّث)... ج ۱، ص ۲۵۵

امامزاده أبوالحسن علیہ السلام (محلّۀ عطشاران جی)... ج ۱، ص ۲۰۳

ص: ۷۱۰

أبو الحسن اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۵

آقا سید أبو الحسن اصفهانی (زعیم شیعه)... ج ۱، ص ۶۰۰ - ۶۰۳ و ج ۲ ص ۱۱۱ و ۲۰۲

میرزا أبو الحسن بروجردی... ج ۱، ص ۴۷۰ و ج ۲، ص ۴۴۲

حاج میرزا أبو الحسن تویسرکانی... ج ۱، ص ۴۰۶ و ج ۲، ص ۱۵۹

میرزا أبو الحسن جلوه (حکیم نامدار)... ج ۱، ص ۴۶۸ و ج ۲، ص ۱۸۳

آقا سید أبو الحسن شمس آبادی... ج ۱، ص ۴۴۵ و ۶۱۳ و ج ۲، ص ۳۱۲ و ۴۵۴

میرزا أبو الحسن طیب (سلطان الأطباء)... ج ۲، ص ۴۹۳

امامزاده أبو العباس علیه السلام (محمّد)... ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۸

حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۹۸

آقا شیخ أبو الفضل ریزی (مجتهد و مدرّس)... ج ۲، ص ۴۴۸

حاج شیخ أبو القاسم (حاج آخوند زفره ای)... ج ۲، ص ۵۴ و ۴۴۳

حاج میر أبو القاسم «جعفر» (میر کبیر خوانساری)... ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۲، ص ۵۱۸

أبو القاسم بن محمّد بن حیدر اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۶

مولی أبو القاسم جرفادقانی (گلپایگانی)... ج ۲، ص ۷۴

میر سید أبو القاسم خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۱۴۳

آقا سید أبو القاسم دهکردی (مجتهد و مرجع بزرگوار)... ج ۲، ص ۳۰۵

میرزا أبو القاسم رشتی... ج ۲، ص ۲۱۳

حاج میرزا أبو القاسم زنجانى... ج ۱، ص ۵۳۰

آقا سید أبو القاسم سدهی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۹۶

آقا میرزا أبو القاسم طیب (ناصر حکمت)... ج ۲، ص ۶۸ و ۴۹۸

میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی ، محقق قمی)... ج ۲، ص ۱۸۱

میر ابوالقاسم موسوی حسینی (میر فندرسکی)... ج ۲، ص ۴۷۱

آقا سید ابوالقاسم موسوی خواجهائی... ج ۱، ص ۵۳۰

ص: ۷۱۱

آقا شیخ أبو القاسم نورانی... ج ۲، ص ۱۴۴

أبو اللطيف بن أحمد اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۷

میر أبو المحسن خاتون آبادی (شهید)... ج ۱، ص ۴۲۱

آقا میرزا أبو المعالی (محدث) کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۴۳۶

آقا میرزا أبو الهدی کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۱ و ج ۲، ص ۴۳۷

سید أبو تراب گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۴

آقا سید أبو جعفر «خادم الشریعه»... ج ۱، ص ۴۲۲ و ج ۲، ص ۴۲۹

أبو شیبۀ اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۶

شیخ أبو طالب زاهدی... ج ۱، ص ۵۱۲

أبو محمد بن عبد الله اصفهانی (عالم نشابه)... ج ۱، ص ۳۵۳

أبو نصر بن أبي مسعود اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۸

امامزاده أحمد عليه السلام... ج ۱، ص ۱۶۳ - ۱۶۷

امامزاده سید أحمد عليه السلام (محلّة جروکان)... ج ۱، ص ۲۰۳

أحمد بن ابراهيم «أبو العباس ضبّی» (أديب و وزير نامدار)... ج ۱، ص ۲۹۶ - ۲۹۹

أحمد بن أبي السّری (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن أبي يعقوب اصفهانی «يعقوبی» (مورّخ نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۷

أحمد بن أحمد بن فضل (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن عبد الله بن مهران (حافظ أبو نعیم اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۰۹ - ۳۱۲ و ۴۱۱

أحمد بن عبد الرّحمن... بن قدامه السّعدی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن علویّۀ اصفهانی «ابن علویّۀ» (از چهره های نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۷ - ۲۶۹

أحمد بن علي اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢١٩

أحمد بن فرات رازي (شيخ أبو مسعود)... ج ١، ص ١٠٥ - ١٠٩ و ج ٢، ص ٩٠

أحمد بن محمد (ابن فاذشاه) (محدث)... ج ١، ص ٢٢٣

ص: ٧١٢

أحمد بن محمّد «ابن مسكويه»... ج ١، ص ٢٩٩ - ٣٠٣ و ج ٢، ص ٤٨١

أحمد بن محمّد بن بطّة اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٣

أحمد بن محمّد بن أسيد اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٢

أحمد بن محمّد بن حسن اصفهانی (امام مرزوقی)... ج ١، ص ٣٥٧ - ٣٥٨

أحمد بن محمّد بن ذرّ اصفهانی... ج ١، ص ٣٥٨

أحمد بن محمّد سیّاری اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢١

أحمد بن مفضل ، أبوسلمة اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٤

أحمد بن مندويه (طبيب اصفهانی)... ج ٢، ص ٤٧٩

أحمد بن يعقوب اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٥

آقا شيخ أحمد بيد آبادی... ج ١، ص ٤١٢ و ج ٢، ص ٣٢٢ و ٤٤٣

حاج شيخ أحمد حججی... ج ٢، ص ٥٩٢ و ٥٩٤

حاج سيّد أحمد خوانساری (آيه الله العظمی)... ج ١، ص ٦٠٨ - ٦٠٦ و ج ٢، ص ١٤٧ و ٥١٩

مير سيّد أحمد عاملی... ج ١، ص ٥٣٦، ج ٢، ص ٤٢٨

سيّد أحمد فقيه امامی (آيه الله)... ج ١، ص ١٩٦ - ١٩٨ و ٤٠١ و ٦٢٩ و ج ٢، ص ٢١٦ و ٣٦١

حاج شيخ أحمد فياض (آيه الله)... ج ١، ص ٦١٧ و ج ٢، ص ١٤٧ و ٣١٣ و ٣١٨

آقا شيخ أحمد مدرّس زنجانی اصفهانی... ج ٢، ص ٢٠٤

ملاّ أحمد نراقی (چهره نامدار شيعه)... ج ٢، ص ٥٦٥

ادريس بن عبد الله اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٦

امامزاده اسحاق عليه السلام... ج ١، ص ١٦٧

اسحاق بن سعد قطربلی (فرماندار اصفهان و دلباخته امام زمان)... ج ١، ص ١٠٣

امامزاده اسحق علیه السلام (خوراسگان)... ج ۱، ص ۲۰۳

آقا سید أسد الله شفتی... ج ۱، ص ۴۴۲

آقا شیخ أسد الله قمشه ای... ج ۲، ص ۱۴۵ و ۴۷۰ و ۵۴۰

ص: ۷۱۳

أسعد بن عبد القاهر اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۲۹ - ۳۳۱ و ۴۴۴ و ج ۲، ص ۶۳

امامزاده اسماعیل علیه السلام... ج ۱، ص ۱۶۹ - ۱۷۲ و ج ۲، ص ۳۷۵

اسماعیل «صاحب» بن عبّاد (چهره نامدار شیعه)... ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۹۶ و ج ۲، ص ۳۷۸

اسماعیل بن محمّد بن عبد الرزاق «کمال اسماعیل»... ج ۱، ص ۳۲۸ - ۳۲۹

حاج شیخ اسماعیل بن منیر الدّین بروجردی... ج ۲، ص ۴۶۹

حاج اسماعیل خاتون آبادی (حکیم و مدرّس محقّق)... ج ۲، ص ۱۴

حاج ملا اسماعیل خواجهی (فقیه و اصولی و حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۴۵۷

ملا اسماعیل خواجهی دوّم... ج ۲، ص ۴۵۸

حاج سیّد اسماعیل ریزی... ج ۲۰، ص ۴۳۱

آقا سیّد اسماعیل صدر (مرجع بزرگ شیعه)... ج ۱، ص ۴۵۷

آقا شیخ اسماعیل معزی (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۱۵۹ و ۲۰۷ و ۴۶۳

حاج ملا اسماعیل نقنه ای... ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۴۷

آقای حاج سیّد اسماعیل هاشمی... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا شیخ امان الله گینکانی... ج ۲، ص ۱۷۷

امامزاده باقر علیه السلام (محلّه خواجه)... ج ۱، ص ۲۰۳

بانوی اصفهانیّه (أولین زن مسلمان ایرانی)... ج ۱، ص ۸۳

بدران بن شریف اصفهانی (محدّث و چهره علمی)... ج ۱، ص ۲۲۷ و ۳۶۰

حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی... ج ۱، ص ۵۲۵ و ج ۲، ص ۲۱۳ و ۴۵۶

براقه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۷

بنت المجلسی (دختر ملا عزیز الله مجلسی)... ج ۱، ص ۴۹۹ و ۶۴۴

بندار بن عبدالحميد كرخى اصفهانى (شاعر و اديب نامدار)... ج ١، ص ٣٤٨ - ٣٥٠

حاج ميرزا بهاء الدين نورى... ج ٢، ص ٤٤٢

ص: ٧١٤

میرزا تاج الدین گلستانہ... ج ۱، ص ۴۸۵

امامزادہ جعفر علیہ السلام (جعفریہ)... ج ۱، ص ۲۰۴ و ج ۲، ص ۵۸ و ۵۹ و ۳۸۱ - ۳۸۴

امامزادہ جعفر بن الرضا علیہ السلام... ج ۱، ص ۲۰۴ - ۲۰۵

جعفر بن سلمہ اصفہانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۲۷

جعفر بن محمد بن سعید ثقفی... ج ۱، ص ۲۲۸

میرزا جعفر سبزواری (شیخ الإسلام)... ج ۱، ص ۴۵۱

آقا سید جعفر شفتی... ج ۱، ص ۴۴۳

میرزا جعفر شیخ الإسلام... ج ۱، ص ۴۵۱ و ج ۲، ص ۱۹۷

استاد جلال الدین ہمائی... ج ۲، ص ۴۶۸

حاج آقا جمال الدین خوانساری... ج ۱، ص ۲۰۳

حاج میرزا جمال الدین کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۱ و ج ۲، ص ۴۳۷

آقا سید جمال الدین گلیایگانی (آیہ اللہ العظمی)... ج ۲، ص ۵۸۳

حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاہی... ج ۱، ص ۵۰۸ و ج ۲، ص ۴۳۳

آقا جمال خوانساری (فقیہ و محقق نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۵ و ۴۲۵ و ۵۱۸

مولی جمشید زواری (حکیم و ریاضی مفسر)... ج ۲، ص ۵۳۳

غیاث الدین، جمشید کاشانی (مفسر حکیم)... ج ۲، ص ۵۶۳

حاج میرزا جواد نوری... ج ۱، ص ۴۴۱

جہانگیر خان قشقائی... ج ۲، ص ۳۰۴ و ۴۴۵

حارث بن أبی الحارث (نماینده والی اصفهان از طرف امام علی علیہ السلام)... ج ۱، ص ۸۸

ملا حبیب اللہ کاشانی... ج ۲، ص ۵۶۷

حاج سید حجّہ موحد أبطحی... ج ۱، ص ۵۲۳ و ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۶۲ و ۱۶۵

میرزا حسن (حکیم شفائی، شاعر نامدار)... ج ۲، ص ۴۸۵

ص: ۷۱۵

امامزاده حسن علیه السلام (روستای زمان آباد)... ج ۱، ص ۲۰۶

حاج ملا حسن آرنندی نائینی (صاحب مقام کشف و شهود)... ج ۲، ص ۲۱۲ و ۴۴۱

حاج شیخ حسن صافی اصفهانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۰ و ج ۲، ص ۱۴۸ و ۳۱۵ و ۳۹۴

حسن اصفهانی (میر قوام الدین)... ج ۱، ص ۳۷۵

حسن بن عباس رستمی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۱

حسن بن عطاء بن... شاذویه (محدث)... ج ۱، ص ۲۲۸

حسن بن علویّه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۸

ملا حسن بن محمد لنجانی (ملا تاجا، پدر فاضل هندی)... ج ۲، ص ۳۱۸

حاج آقا حسن حکمی طیب... ج ۲، ص ۴۹۵

حاج میرزا حسن خان أنصاری (مورخ و اديب بزرگ)... ج ۲، ص ۴۴۲

حاج ملا حسن درّی... ج ۲، ص ۲۱۴ و ۴۷۰

آقا میر سید حسن روضاتی (مجتهد متنفذ)... ج ۱، ص ۴۳۶

آقا سید حسن صدر (فقیه و مرجع بزرگوار)... ج ۱، ص ۴۵۹

حاج سید حسن فقیه امامی... ج ۱، ص ۴۰۱ و ۶۳۷ و ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقا میرزا حسن کاشانی... ج ۲، ص ۱۵۹

مولی حسن گیلانی... ج ۲، ص ۴۳۸

آقا میر سید حسن مدرّس (مجتهد و مرجع نامدار)... ج ۱، ص ۵۴۰ و ج ۲، ص ۴۰۲ و ۴۰۳

آقا سید حسن مدرّس (مجاهد و شهید نامدار)... ج ۲، ص ۱۲۲

آقا سید حسن مدرّس (معاصر)... ج ۱، ص ۵۴۳

ملا حسنعلی تستری (فقیه و اصولی محقق)... ج ۲، ص ۱۹۴ - ۱۹۷

آقا حسنعلی مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

امامزاده حسین علیه السلام (نزدیک جاڈہ قہجاورستان)... ج ۱، ص ۲۰۶

قاضی امیر حسین اصفہانی... ج ۱، ص ۵۶۰

ص: ۷۱۶

حسین اصفهانی (ضمیری اصفهانی ، شاعر نامدار)... ج ۱، ص ۳۹۰

حسین بن عبد الله بن سینا (ابن سینا)... ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۹ و ج ۲ ص ۴۸۲

حسین بن علی... بن عبد الصّمد «طغرائی»... ج ۱، ص ۳۱۷ - ۳۲۲

حسین بن محمّد بن... طباطبا (ابن طباطبا، علوی اصفهانی)... ج ۱، ص ۴۶۵

حسین بن محمّد بن مفضل «راغب اصفهانی»... ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۱۶

ملاً حسین تفلّیسی... ج ۱، ص ۴۳۹

حاج آقا حسین خادمی... ج ۱ ص ۴۲۳-۴۲۵ و ۴۶۰ و ۶۱۵ و ج ۲ ص ۱۷۴ و ۲۱۷ و ۳۰۰ و ۳۱۴

ملاً حسین خوانساری... ج ۱، ص ۴۲۸

آقا حسین خوانساری (محقق نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۵ و ۴۲۴ و ۵۱۷

حسین صاعدی اصفهانی (از چهره های صاعدیان ، که تشیع را پذیرفته)... ج ۱، ص ۱۲۶

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی... ج ۱ ص ۶۰۳ - ۶۰۶ و ج ۲ ص ۲۶۴ و ۳۱۰ و ۳۱۸

میرزا حسین طیب... ج ۲، ص ۴۸۵

مولی حسین لُنبانی گیلانی (فقیه زاهد)... ج ۲، ص ۲۵ و ۴۳۶

آقا سیّد حسین مرعشی حسینی (سلطان العلماء)... ج ۱، ص ۴۳۸ و ج ۲، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

آقا سیّد حسین موسوی خوانساری... ج ۱، ص ۴۳۱

حاج میرزا حسین نائب الصدر... ج ۲، ص ۴۴۶

حاج ملاً حسینعلی تویسرکانی (فقیه و مرجع زاهد)... ج ۲، ص ۴۲۵

حاج ملاً حسینعلی صدیقین... ج ۲، ص ۴۶۴

امامزاده حمزه علیه السلام (خیابان سروش)... ج ۱، ص ۱۷۳

حمزه اصفهانی (مورّخ و ادیب نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۹

حمیدہ رویدشتی... ج ۱، ص ۶۴۵

سید حیدر بن محمد بن... شرفشاہ... ج ۱، ص ۳۶۹

میرزا حیدر علی مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۲

ص: ۷۱۷

- حاج شیخ حیدر علی محقق (معاصر)... ج ۲، ص ۲۱۷
- سید حیدر گلستانه (شرف الدین حیدر)... ج ۱، ص ۴۸۲
- خواهرملا رحیم اصفهانی (عالمه فاضله)... ج ۱، ص ۶۴۶
- دختر آقا بزرگ مازندرانی (از خاندان علامه مجلسی)... ج ۱، ص ۶۴۵
- دختر صاحب بن عباد... ج ۱، ص ۶۴۱
- درویش محمد اصفهانی (اولین ناشر حدیث أهل البیت در اصفهان)... ج ۱، ص ۳۷۷ و ۴۹۳
- ذو النون طیب... ج ۲، ص ۴۸۴
- مولی رجبعلی تبریزی... ج ۲، ص ۲۵۶
- حاج شیخ رحمت الله فشارکی... ج ۲، ص ۵۳۶
- رشید الدین بن ابراهیم اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۷
- میرزا رضا (طیب و شاعر ادیب)... ج ۲، ص ۴۹۳
- آقا میرزا رضا الهی... ج ۲، ص ۱۵۹
- حاج میرزا رضا کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۲ و ج ۲، ص ۳۱۱
- میرزا رضی (اعجوبه در ریاضی و صنعت)... ج ۲، ص ۲۷۸
- آقا سید رضی الدین (محمد شیرازی اصفهانی)... ج ۲، ص ۴۲۷
- زکی (دختر ملا صالح مازندرانی)... ج ۱، ص ۴۹۰
- امامزاده زید علیه السلام... ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۷
- زید بن علی حسینی (أبویعلی)... ج ۱، ص ۳۵۹
- آقا سید زین العابدین (طیب و شاعر و ادیب)... ج ۲، ص ۴۹۴
- آقا سید زین العابدین ابرقوئی... ج ۲، ص ۱۰۷

آقا میر زین العابدین خوانساری... ج ۱، ص ۴۳۲ و ج ۲، ص ۴۳۳ و ۵۱۸

ص: ۷۱۸

آقا سید زین العابدین رضوی... ج ۱، ص ۴۲۹

ملا زین العابدین مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۲

امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)... ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۸۵ و ج ۲، ص ۴۰۶

زینب بیگم (دختر مولی محمد سعید اشرف مازندرانی)... ج ۱، ص ۶۴۴

سید سراج الدین زواری (معروف به میر قاسم)... ج ۲، ص ۵۳۴

سری بن سلامه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۹

سعید بن ابی الرجاء، صبرفی اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۰

سعید بن جبیر (مفسر و چهره نامدار و شهید شیعه)... ج ۱، ص ۹۵ - ۹۷

سعید بن هبه الله (قطب الدین راوندی، چهره نامدار شیعه)... ج ۲، ص ۵۶۲

سلطان بیگم (عالمه شاعره)... ج ۱، ص ۶۴۷ و ج ۲، ص ۳۷۷

سلمان فارسی (افتخار اسلام و شیعه، و ایران و اصفهان)... ج ۱، ص ۷۴ - ۸۳

سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی... ج ۱، ص ۱۱۰

سلیمان بن داود منقری اصفهانی (محدث نامدار)... ج ۱، ص ۲۳۰

سلیمان خان شیرازی (رکن الملک)... ج ۲، ص ۲۹۴

شتردار اصفهانی (که در سفر خراسان شتردار امام رضا علیه السلام بوده)... ج ۱، ص ۹۸

شرفشاه بن عبدالمطلب اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۳

میرزا شریف طیب... ج ۲، ص ۴۸۳

ملا شعبیا خوانساری... ج ۲، ص ۱۱۶

سید شهاب الدین نحوی... ج ۲، ص ۲۴۹

شهربانو (عالمه شاعره)... ج ۱، ص ۶۴۶

صاحب «اسماعیل» بن عبّاد (چهره نامدار شیعه و ایران)... ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۹۶

آقا سید صدر الدّین صدر (مرجع عالیقدر)... ج ۱، ص ۴۵۸

ص: ۷۱۹

- آقا سیّد صدر الدّین عاملی ... ج ۱، ص ۴۵۵
- حاج آقا صدر الدّین کوپائی... ج ۲، ص ۳۰۹ و ۴۴۴
- حاج سیّد ضیاء الدّین علامه فانی... ج ۲، ص ۴۶۹
- طاہر بن عرب اصفہانی (حافظ اصفہانی ، سلطان القراء)... ج ۱، ص ۳۷۱ - ۳۷۳
- سیّد عباد بن أحمد بن... شرفشاہ... ج ۱، ص ۳۶۸
- سیّد عباد گلستانہ... ج ۱، ص ۴۸۳
- سیّد عباد بن سیّد یحیی گلستانہ... ج ۱، ص ۴۸۳
- عباد بن عباس طالقانی اصفہانی (محدّث و چہرہ علمی)... ج ۱، ص ۲۳۱ و ۳۵۴
- عباد بن یحیی بن... شرفشاہ... ج ۱، ص ۳۷۰
- حاج شیخ عباسعلی اذیب... ج ۱، ۶۲۳ - ۶۲۵ و ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۱۹ و ۱۸۴
- میر عبدالباقی خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۹
- میرزا عبدالباقی طیب (حکیم و منجم و شاعر)... ج ۲، ص ۴۸۸
- آقا عبدالباقی مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹
- حاج میرزا عبدالجواد حکیم باشی (طیب)... ج ۲، ص ۴۹۵
- آخوند ملا عبد الجواد مدرّس خراسانی... ج ۲، ص ۱۸۳ و ۲۴۹
- آقا سیّد عبدالحسب عاملی... ج ۱، ص ۵۳۷ و ج ۲، ص ۴۲۸
- میر عبدالحسین خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۶
- حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۴۱ و ج ۲، ص ۱۴۵ و ۲۹۲ و ۴۵۳
- آقا سیّد عبدالحسین طیب (آیہ اللہ)... ج ۱، ص ۵۴۲ و ۶۲۱ و ۶۲۳ و ج ۲، ص ۳۰۰ و ۳۱۴
- آقا شیخ عبدالحسین محلّاتی... ج ۲، ص ۳۰۳

عبد الرحمن اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۲

عبد الرحمن اصفهانی (هدایت یافته و شیعه شده به دست امام هادی علیه السلام) ... ج ۱، ص ۹۹

ص: ۷۲۰

عبد الرحيم بن أحمد «ابن الإخوه»... ج ١، ص ٣٢٣ - ٣٢٦

عبد الرحيم بن علي بن مرزبان (طبيب اصفهاني)... ج ٢، ص ٤٨١

ميرزا عبدالرحيم شيخ الإسلام... ج ١، ص ٤٥١

ميرزا عبدالرزاق طبيب... ج ٢، ص ٤٨٧

آقا سيد عبدالرزاق موسى أحمد آبادي... ج ١، ص ٤٧٥ و ج ٢، ص ١١١ و ٤٥١

عبد السلام اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٢

عبد العالي كركي اصفهاني (چهره نامدار شيعه و حوزة هاي علميه)... ج ١، ص ٣٤٢ - ٣٤٣

ملا عبدالعظيم بيدگلي زواره اي... ج ٢، ص ٥٣٤ و ٥٣٥

حاج ميرزا عبدالغفار تويسركاني... ج ١، ص ٤٠٥ و ج ٢، ص ٤٤٤

آقا شيخ عبدالكريم گزي (مجتهد و فقيه نامدار)... ج ٢، ص ٢١٤ و ٤٦٣

امامزاده عبدالله عليه السلام (امامزاده شوري)... ج ١، ص ٢٠٨

مولي عبدالله افندي (صاحب رياض العلماء)... ج ٢، ص ٢٧٩ و ٣٤٦

عبد الله بن أحمد... بن خشنام اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٢

عبد الله بن جعفر طيار عليه السلام... ج ١، ص ٢٠٧

عبد الله بن راشد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٣

عبد الله بن محمد اصفهاني (ابن خازن ، نديم صاحب بن عبّاد)... ج ١، ص ٣٥٥ - ٣٥٧

عبد الله بن محمد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٣

عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٤

عبد الله بن محمد كناني (شكنجه ديدة راه تشيع)... ج ١، ص ١٠٢

ملا عبد الله تستري (فقيه زاهد ، و مؤسس نامدار)... ج ٢، ص ١٨٨ - ١٩٤

آقا سيّد عبد الله ثقّه الإسلام (آيه الله)... ج ١، ص ٥٤٢ و ج ٢، ص ٤٧٤

عبدالله حاسب... ج ١، ص ٣٦٦

ملاً عبد الله مجلسى... ج ١، ص ٤٩٩

ص: ٧٢١

میرزا عبداللہ مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

عبد الواحد اصفہانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۵

سید عبدالوہاب «معین الأطباء» (طیب حکیم) ... ج ۲، ص ۴۹۶

عثمان اصفہانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۵

ملا عزیز اللہ مجلسی... ج ۱، ص ۴۹۸

حاج آقا عطاء اللہ فقیہ امامی (آیہ اللہ) ... ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۴۶۱

عفت الزمان امین (عالمة فاضله) ... ج ۱، ص ۶۴۸

سید علاء الدین گلستانہ (چہرہ نامدار و بزرگ خاندان گلستانہ) ... ج ۱، ص ۴۸۴

سید علاء الدین محمد (شہشہان) ... ج ۱، ص ۲۰۹ و ۴۴۷ و ج ۲، ص ۳۸۶

امامزادہ علی علیہ السلام (درب امام) ... ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۸

امامزادہ سید علی علیہ السلام (شاہ سید علی) ... ج ۱، ص ۱۸۸

آقا میر سید علی (مدرس) ... ج ۱، ص ۵۴۰

حاج میرزا علی آقا شیرازی (چہرہ نامدار علم و تقوی و معنویت) ... ج ۲، ص ۳۰۹ و ۴۹۹

علی امران اصفہانی... ج ۱، ص ۳۷۴

حاج میرزا علی اصغر شریف... ج ۲، ص ۵۵ و ۳۲۳

آقا سید علی اصغر مدرس برزانی... ج ۲، ص ۱۴۶ و ۳۱۲

ملا علی اکبر اڑہ ای اصفہانی (فقیہ متکلم) ... ج ۱، ص ۳۹۷ و ج ۲، ص ۲۸ و ۴۵۸

ملا علی اکبر خوانساری... ج ۱، ص ۴۲۸

سید علی اکبر طیب (صدر الأطباء) ... ج ۲، ص ۴۹۶

آقا شیخ علی اکبر فقیہ (معاصر) ... ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقای حاج سید علی اکبر هاشمی طالخونچه ای... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا سید علی امامی العریضی اصفهانی (فقیه حکیم)... ج ۱، ص ۳۹۹

علی بن أحمد بن عبد الله اصفهانی اسواری (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۶

ص: ۷۲۲

علی بن حسن بن محمد بن منده اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۶

علی بن حسن زواره ای (محدث و مفسر نامدار)... ج ۱، ص ۳۸۸ - ۳۹۰ و ج ۲ ص ۵۳۴

علی بن الحسین (أبو الفرج اصفهانی)... ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۷۵ و ج ۲، ص ۴۸۰

علی بن حسین بن علی باقولی (ضریر نحوی ، جامع باقولی)... ج ۱، ص ۳۶۲

علی بن حمزه اصفهانی... ج ۱، ص ۳۵۳

علی بن عبد العالی کرکی (محقق ثانی ، چهره نامدار حوزه های علمیه) ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۴۱

علی بن عبد الله بن کوشید اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۹

علی بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهانی اسواری (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۷

علی بن عبد الله بن أسد اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۷

علی بن فرات اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام (مشهد أردهال)... ج ۲، ص ۵۵۵ - ۵۵۹

علی بن محمد بن... ثقفی اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

علی بن محمد بن شیره اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

علی بن محمد تُرکه اصفهانی (صائن الدین)... ج ۱، ص ۳۳۱ - ۳۳۵ و ۴۰۳

میر سید علی بن میر محمد رفیع طباطبائی... ج ۱، ص ۴۶۸

حاج سید علی بهبهانی (آیه الله العظمی)... ج ۱، ص ۶۱۱ - ۶۱۳ و ج ۲، ص ۳۱۲

علی ترکه (ضیاء الدین)... ج ۱، ص ۴۰۴

آخوند ملا علی شاهپوری... ج ۲، ص ۵۳۸

میر علی شهید... ج ۱، ص ۱۱۹

حاج سید علی طباطبائی بروجردی... ج ۱، ص ۴۶۹

حاج میرزا علی طباطبائی نژاد... ج ۲، ص ۵۰۸ و ۵۰۹ - ۵۱۰

خواجہ صدرالدین ، علی طیب... ج ۲، ص ۴۸۳

حاج سید علی علامہ فانی (آیہ اللہ)... ج ۱، ص ۶۱۸ - ۶۲۰ و ج ۲، ص ۱۱۸ و ۴۶۹

ص: ۷۲۳

- حاج شیخ علی قدیری کفرانی... ج ۲، ص ۳۱۸
- آقا شیخ علی محمد الشریف... ج ۱، ص ۴۱۴
- آقا میرزا علی محمد حسین آبادی... ج ۲، ص ۳۲۲
- آقا شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی... ج ۲، ص ۴۶۲
- میرزا علی محمد نائینی... ج ۲، ص ۱۲۱
- آقا شیخ علی مشکوه سدهی... ج ۲، ص ۱۴۷ و ۳۱۴ و ۴۵۵ و ۵۱۴
- آقا شیخ علی مفید... ج ۱، ص ۵۱۵ و ج ۲، ص ۳۱۱ و ۴۳۵
- شیخ علی منشار عاملی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۰
- آقا میر سید علی موحد ابطحی... ج ۱، ص ۵۲۱
- حاج میر سید علی نجف آبادی (فقیه اصولی)... ج ۲، ص ۳۰۷ و ۳۵۶ و ۴۴۴ و ۵۹۱
- حاج میرزا علی نقی زنجانی... ج ۱، ص ۵۲۹
- آخوند ملا علی نوری اصفهانی (فقیه حکیم و مدرّس محقق)... ج ۲، ص ۱۸۲
- آقا میر سید علی یثربی کاشانی (آیه الله)... ج ۲، ص ۵۶۸
- آقا شیخ علی یزدی (مدرّس نامدار)... ج ۲، ص ۳۰۶ و ۴۴۳
- عماد بن محمد اصفهانی (منجم)... ج ۱، ص ۳۷۳
- عمر الإصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰
- عمر و بن سلمه (والی اصفهان از طرف حضرت علی علیه السلام)... ج ۱، ص ۸۹
- شیخ عنایت الله اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۸
- فاطمه بیگم (خلیفه سلطانی)... ج ۱، ص ۶۴۸
- فاطمه رویدشتی... ج ۱، ص ۶۴۶

ملاً فتح الله كاشانی (مفسر جامع و نامدار)... ج ۲، ص ۵۶۳

حاج میرزا فتح الله موسوی درب امامی... ج ۱، ص ۵۲۶

ملاً فتح الله نمازی شیرازی (شیخ الشریعة اصفهانی)... ج ۱، ص ۵۹۵ و ج ۲، ص ۲۴۷

ص: ۷۲۴

فتح بن علی بن محمد بنداری اصفہانی... ج ۱، ص ۳۶۵

حاج شیخ فرج اللہ ڈری... ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۷۶

سید فضل اللہ بن علی راوندی کاشانی (چہرہ نامدار شیعہ)... ج ۲، ص ۵۶۱

حاج سید فضل اللہ سجادی... ج ۲، ص ۳۱۹

قاسم بن ابی ایوب اصفہانی (پناہ دہندہ سعید بن جبیر)... ج ۱، ص ۹۸

قاسم بن محمد اصفہانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۱

امامزادہ کزار علیہ السلام (خیابان جی - محلہ بوزان)... ج ۱، ص ۲۰۹

کمال الدین بن محمد اصفہانی... ج ۱، ص ۳۷۶

حاج شیخ لطف اللہ صافی گلپایگانی (آیہ اللہ العظمی)... ج ۲، ص ۵۸۴

شیخ لطف اللہ میسی عاملی... ج ۲، ص ۲۳ و ۲۵۶

مالک اشتر نخعی (وارد بر اصفہان)... ج ۱، ص ۹۰

حاج شیخ مجتبیٰ لنکرانی (آیہ اللہ)... ج ۱، ص ۶۱۶ و ج ۲، ص ۳۱۳

حاج سید مجتبیٰ میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۳

آقا شیخ مجدالدین نجفی... ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، ص ۱۵۲

ملا محراب گیلانی... ج ۲، ص ۴۳۸

امامزادہ محسن علیہ السلام... ج ۱، ص ۱۸۹

آقا سید میر محسن میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۱ و ج ۲، ص ۴۶۰

آقا سید محمد (آقا سید آقا جان نوربخش)... ج ۲، ص ۴۵۴ و ۵۳۱

امامزادہ محمد علیہ السلام (أبو العباس)... ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۸

امامزادہ سید محمد علیہ السلام (شاه قاضی)... ج ۱، ص ۲۱۰

شیخ محمد (شیخ بهائی ، نابغہ تاریخ) ... ج ۲ ، ص ۲۵۵

ص: ۷۲۵

آقا میر سید محمد (مدرس) ... ج ۱، ص ۵۴۱

میرزا محمد (ملک الأطباء) ... ج ۲، ص ۴۹۳

امامزاده سید محمد علیه السلام (نزديك خمینی شهر و كوه سید محمد) ... ج ۱، ص ۲۰۹

امامزاده محمد علیه السلام (خیابان وحید) ... ج ۱، ص ۱۹۰

ملا محمد ، معروف به (فیض کاشانی) ... ج ۲، ص ۵۶۴

حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ... ج ۱، ص ۴۷۶

حاج محمد ابراهیم کرباسی (کلباسی) ... ج ۱، ص ۴۷۹ و ج ۲، ص ۳۹۸

آقا میرزا محمد ابراهیم نواب ... ج ۱، ص ۵۴۷

میر محمد اسماعیل أعرجی (سبزواری) ... ج ۱، ص ۵۳۹

میر محمد اسماعیل خاتون آبادی ... ج ۱، ص ۴۱۷ و ج ۲، ص ۱۴ و ۱۰۶

میر سید محمد اشرف (صاحب کتاب فضائل السادات) ... ج ۱، ص ۵۳۷

محمد اصفهانی (شمس الدین محمد، از مشایخ مجلسی أول) ... ج ۱، ص ۳۷۶

محمد اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۴۲

میر محمد اصفهانی (معز الدین) ... ج ۱، ص ۳۸۱

محمد اصفهانی عاملی (درویش محمد ، جد مادری ملا محمد تقی مجلسی) ... ج ۱، ص ۳۷۷

امامزاده محمد باقر علیه السلام (خوراسگان ، محله خیادان) ... ج ۱، ص ۲۱۰

آقا سید محمد باقر ابطحی سدهی اصفهانی ... ج ۱، ص ۳۹۶ و ج ۲، ص ۱۸۴ و ۳۰۹

مولی محمد باقر اصفهانی (وحید بهبهانی ، آقا باقر بهبهانی) ... ج ۱، ص ۵۶۸ - ۵۸۰

مولی محمد باقر بن محمد مؤمن (محقق سبزواری) ... ج ۱، ص ۴۵۰ و ج ۲، ص ۱۹۷ و ۲۵۴

آقا میرزا محمد باقر پیشنماز ... ج ۲، ص ۴۲۷

حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی... ج ۲، ص ۱۵۹

حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی... ج ۲، ص ۲۴۹ و ۴۳۰ و ۴۹۴ و ۴۹۵

آقا سید محمد باقر خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۴۱

ص: ۷۲۶

آقا سید محمد باقر خوانساری (صاحب روضات)... ج ۱ ص ۴۳۳ و ج ۲، ص ۴۳۸ و ۵۱۸

میر محمد باقر داماد (میر داماد، حکیم نامدار)... ج ۱، ص ۵۳۴ - ۵۳۶

آقا سید محمد باقر درچه ای (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۲۶ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۴۶۲

آقا میرزا محمد باقر زنجانی... ج ۱، ص ۵۲۹

آقا سید محمد باقر شفتی... ج ۱، ص ۴۴۲ و ج ۲، ص ۱۴۳ و ۲۰۱ و ۳۵۱ و ۴۰۰ - ۴۰۲

آقا سید محمد باقر شفتی (دوم)... ج ۱، ص ۴۴۳

حاج شیخ محمد باقر صدیقین... ج ۲، ص ۴۶۵

حاج میرزا محمد باقر طباطبائی... ج ۱، ص ۴۷۰

آخوند ملا محمد باقر فشارکی... ج ۲، ص ۴۲۵

حاج شیخ محمد باقر فقیه ایمانی... ج ۲، ص ۴۶۴

آقا شیخ محمد باقر قمشه ای... ج ۲، ص ۵۴۰

حاج شیخ محمد باقر کرمانی... ج ۲، ص ۱۶۴

میرزا محمد باقر گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۵

آقا میرزا محمد باقر لاهیجی (صاحب تفسیر تحفه الخاقان)... ج ۱، ص ۵۴۶

ملا محمد باقر مجلسی (علامه)... ج ۱، ص ۴۹۶ - ۴۹۸ و ج ۲، ص ۳۴۴ و ۳۸۷ و ۳۹۱

آقا سید محمد باقر موحد أبطحی (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۱۹

آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۵ و ج ۲، ص ۱۵

محمد بن أحمد بن... ابراهیم طباطبا (ابن طباطبا، علوی اصفهانی)... ج ۱، ص ۴۶۴

محمد بن أحمد بن... طباطبا علوی (ابن طباطبا علوی)... ج ۱، ص ۳۵۱

محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۳

میرزا محمد بن أحمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

محمد بن أحمد معصومی (أبو عبدالله معصومی)... ج ۱، ص ۳۵۹

محمد بن اسحاق بن مطهر اصفهانی... ج ۱، ص ۳۴۶

ص: ۷۲۷

محمد بن الحسن الأسدي ، القاضي الإصفهاني... ج ١، ص ٢٤٣

محمد بن الحسين بن عبد الرحمن الإصفهاني... ج ١، ص ٢٤٣

محمد بن بحر اصفهاني... ج ١، ص ٣٥٢

محمد بن حبيب الله (از چهره های بزرگ علمی آل ترکه)... ج ١، ص ٣٦٧

آقا شيخ محمد بن حسن اصفهاني (فاضل هندی ، كاشف اللثام)... ج ٢، ص ٤٥٨

ميرزا محمد بن حسن شيرواني (ملاً ميرزای شيرواني)... ج ١، ص ٥٠٣

محمد بن حيدر اصفهاني (ميركي)... ج ١، ص ٣٨٥

ميرزا محمد بن حيدر (ميرزا رفيعا نائيني)... ج ١، ص ٤٦٧ و ج ٢، ص ٤٧٢ و ٥٨٩

محمد بن سعيد اصفهاني... ج ١، ص ٢٤٤

محمد بن سليمان اصفهاني (از اصحاب امام صادق عليه السلام)... ج ١، ص ٢٤٥

محمد بن صدر (خواجه أفضل الدين)... ج ١، ص ٣٧١ و ٤٠٣

محمد بن صدر الدين اصفهاني... ج ١، ص ٣٨٧

محمد بن عبد الرشيد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٤٦

محمد بن عبد الرشيد اصفهاني (امام محدث)... ج ١، ص ٣٦٦

آقا سيد محمد بن عبد الصمد شهبهاني (مجتهد نامدار)... ج ١، ص ٤٤٨ و ج ٢، ص ٤٥٦

مولی محمد بن عبد الفتاح تنكابنی (فاضل سراب)... ج ١، ص ٤٧١ و ج ٢، ص ٤٦١

محمد بن عبد الله «ابن مملك اصفهاني» (محدث و متكلم نامدار)... ج ١، ص ٢٤٧

محمد بن عبد الله طيب اصفهاني (ابن الفقيه)... ج ٢، ص ٤٨٣

محمد بن عبد الزقاق اصفهاني (جمال الدين)... ج ١، ص ٣٢٦ - ٣٢٨

حاج محمد بن علي أردبیلی (صاحب جامع الرواه)... ج ٢، ص ٢٢٨

محمّد بن علی ترکه... ج ۱، ص ۳۷۳

محمّد بن علی کاتب اصفهانی (محدّث)... ج ۱، ص ۲۴۸

محمّد بن علی نحوی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۰

ص: ۷۲۸

محمد بن غالب اصفهانی (راوی زیارت شهداء کربلاء از ناحیه مقدسه)... ج ۱، ص ۲۴۹

مولی محمد بن محمد باقر حسینی نائینی (فقیه، حکیم و متکلم)... ج ۲، ص ۵۸۹

محمد بن ملا علی زواری (قاضی صفی الدین)... ج ۲، ص ۳۷۶

محمد بن منده (از اصحاب امام جواد علیه السلام)... ج ۱، ص ۲۵۰

محمد بن مهران اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۱

میر محمد بن میرلوحی... ج ۲، ص ۳۷۷

آقا محمد بیدآبادی (حکیم و عارف حقیقی و نامدار)... ج ۲، ص ۴۳۴

آقا سید محمد ترک (خوئی)... ج ۲، ص ۲۴۷ و ۴۴۵

محمد ترکه (صدرالدین)... ج ۱، ص ۴۰۴

محمد ترکه اصفهانی (أفضل الدین)... ج ۱، ص ۳۷۸ - ۳۷۹

آقا میر محمد تقی (مدرس)... ج ۱، ص ۵۴۰

ملا محمد تقی الماسی... ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۳۹۱

ملا محمد تقی بن ملا عبدالله مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا سید محمد تقی پشت مشهدی... ج ۲، ص ۵۶۶

حاج سید محمد تقی حسینی درب امامی (طیب)... ج ۲، ص ۴۹۷

حاج سید محمد تقی خوانساری (آیه الله العظمی)... ج ۲، ص ۵۱۹

آقا شیخ محمد تقی رازی (مجتهد نامدار)... ج ۱، ص ۵۰۵ و ج ۲، ص ۱۵ و ۴۳۲

حاج شیخ محمد تقی فشارکی... ج ۲، ص ۳۱۹

حاج شیخ محمد تقی فهامی... ج ۲، ص ۴۲۶

حاج شیخ محمد تقی مجلسی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۶

ملاً محمد تقى مجلسى (علامه نامدار)... ج ١، ص ٤٩٤ - ٤٩٦ و ج ٢، ص ٣٨٧ - ٣٩٠

آقا سيد محمد تقى مستجاب الدعوه... ج ١، ص ٥٣١

مير محمد تقى موسوى (وزير)... ج ١، ص ٤٧٥ و ج ٢، ص ١١١

ص: ٧٢٩

آقا سید محمد تقی موسوی أحمد آبادی... ج ۱، ص ۴۷۳ و ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۴۹ - ۴۵۲

آقا شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۶ و ج ۲، ص ۱۵ و ۴۰۴ - ۴۰۵

آقا سید محمد جزائری... ج ۱، ص ۴۱۰

حاج محمد جعفر آباده ای... ج ۲، ص ۴۲۳

حاج ملا محمد جواد آدینه... ج ۲، ص ۳۰۵ و ۴۴۹

آقا میرزا محمد جواد حسین آبادی... ج ۱، ص ۴۱۱ و ج ۲، ص ۴۳۴

آقا سید محمد جواد خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۰

آقا شیخ محمد جواد فریدنی... ج ۲، ص ۱۷۶

آقا سید محمد جواد مسائلی... ج ۲، ص ۲۴۷

آقا سید محمد جواد مسجد شاهی... ج ۲، ص ۱۹۸

محمد حافظ (مخترع اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۷۴

حاج محمد حسن خراسانی (عالم زاهد)... ج ۱، ص ۴۷۹

شیخ میرزا محمد حسن داورپناه... ج ۲، ص ۴۵۴

میرزا محمد حسن شیرازی (امام مجدد، میرزای شیرازی)... ج ۱، ص ۵۸۵ - ۵۹۱

آقا سید محمد حسن فانی... ج ۲، ص ۴۶۹

آقا شیخ محمد حسن لاری بیضاوی... ج ۲، ص ۱۰۷

آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی (فقیه بزرگ)... ج ۱، ص ۵۳۱ و ج ۲، ص ۲۶۴

آقا سید محمد حسن میرجهانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۹ و ج ۲، ص ۳۹۴

میرزا محمد حسن میردامادی... ج ۱، ص ۵۳۸

آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۱۱۸ و ۴۶۳

آقا میرزا محمد حسن نجفی (فقیه نامدار)... ج ۱، ص ۵۴۸ و ج ۲، ص ۱۶۴ و ۴۶۷

آقا شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام)... ج ۱، ص ۵۸۲ - ۵۸۵

آقا شیخ محمد حسین آشنی (مجتهد مدرّس)... ج ۲، ص ۵۵ و ۴۳۷

ص: ۷۳۰

آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول)... ج ۱، ص ۵۸۰ - ۵۸۲

میرزا محمد حسین بن رفیع الدین محمد... بن میرزا رفیعا... ج ۱، ص ۴۶۷

ملاً محمد حسین بن ملاً ولی الله... ج ۲، ص ۳۹۷

شیخ محمد حسین جویباره ای... ج ۱، ص ۴۷۱

محمد حسین خان (صدر اصفهانی)... ج ۲، ص ۲۹۶

میر محمد حسین طباطبائی نائینی... ج ۱، ص ۴۶۸

میرزا محمد حسین طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (محقق نامدار)... ج ۱، ص ۵۹۸ - ۶۰۰

میرزا محمد حسین غروی نائینی (میرزای نائینی)... ج ۱، ص ۵۹۶ - ۵۹۸ و ج ۲، ص ۵۹۰

آخوند ملاً محمد حسین فشارکی (آخوند فشارکی)... ج ۲، ص ۳۰۵ و ۴۴۹

آقا شیخ محمد حسین فقیه نظری... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا شیخ محمد حسین قزوینی... ج ۱، ص ۴۷۶

آقا شیخ محمد حسین قمشه ای اصفهانی... ج ۲، ص ۵۳۹

میر محمد حسین کتابفروش... ج ۱، ص ۴۷۸

ملاً محمد حسین کرمانی... ج ۲، ص ۱۱۶

آقا محمد حسین مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

میرزا محمد حسین نائب الصدر خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۲۰

آقا سید محمد حسین نجف آبادی... ج ۲، ص ۲۰۱ و ۵۹۱

آقا شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهی (صاحب مجد البیان)... ج ۱، ص ۵۰۶ - ۵۰۸

آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی... ج ۱، ص ۵۴۹

آقا شیخ محمد حکیم خراسانی... ج ۲، ص ۳۰۶ و ۴۷۰

آقا میر محمد خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۴۱

آقا سید محمد خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۰

ص: ۷۳۱

آقا سیّد محمّد درب امامی... ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۴۲۸

مولی محمّد رضا (بن فاضل سراب)... ج ۱، ص ۴۷۱

میر محمّد رضا خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۵

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۶

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی... ج ۱ ص ۴۲۸، ۶۱۵ و ج ۲ ص ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۹۹، ۳۱۲، ۴۶۰

آقا سیّد محمّد رضا خوانساری... ج ۲، ص ۴۴۵

آقا شیخ محمّد رضا حکیم قمشه ای (صهبا)... ج ۲، ص ۱۴۴ و ۵۳۹

آقا محمّد رضا مازندرانی... ج ۱، ص ۴۹۰

ملا محمّد رضا مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا شیخ محمّد رضا مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۹ و ج ۲، ص ۳۰۸ و ۴۳۳

آقا سیّد محمّد رضا موحد ابطحی... ج ۱، ص ۵۲۰

آقا سیّد محمّد رضا موسوی گلپایگانی (مرجع عالیقدر جهان تشیع)... ج ۲، ص ۵۸۳

آقا سیّد محمّد رضوی... ج ۱، ص ۴۲۹

مولی محمّد رفیع بیدآبادی... ج ۲، ص ۴۳۵

حاج شیخ محمّد رفیع گیلانی (گیلانی)... ج ۲، ص ۲۱۲

آقا محمّد سعید اشرف مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

محمّد سعید طیب اصفهانی... ج ۲، ص ۴۸۴

سیّد محمّد شفیع جزائری... ج ۱، ص ۴۰۹

مولی محمّد صادق (بن فاضل سراب)... ج ۱، ص ۴۷۱ و ج ۲، ص ۴۶۱

میر محمّد صادق (سرسلسله خاندان میر محمّد صادقی)... ج ۱، ص ۵۳۹

ملاً محمد صادق أردستانی... ج ۲، ص ۴۶۶

حاج محمد صادق تخت فولادی... ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا محمد صادق حسینی بهشتی... ج ۲، ص ۲۶

ص: ۷۳۲

میر محمد صادق خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۵

میر محمد صادق خاتون آبادی (شهید)... ج ۱، ص ۴۱۸

حاج میر محمد صادق خاتون آبادی (فقیه و مرجع نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۷ و ۴۵۲

آقا میر محمد صادق کتابفروش (فقیه محقق)... ج ۱، ص ۴۷۷ و ج ۲، ص ۴۷۳

میر محمد صالح خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۷

ملاً محمد صالح مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۶ - ۴۸۷ و ج ۲، ص ۳۹۱

شیخ محمد صالح مازندرانی (جویبارہ ای)... ج ۱، ص ۴۷۱ و ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا محمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۳

ملاً جلال الدین، محمد طیب... ج ۲، ص ۴۸۷

جلال الدین، محمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۲

حاج میرزا محمد طیب زاده (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۳۹۲

میرزا محمد طیب محلّه نوی... ج ۲، ص ۴۹۷

آقا شیخ محمد علی (معلم حبیب آبادی)... ج ۲، ص ۱۸۴

آقا شیخ محمد علی ابراهیمی (معاصر)... ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقا سید محمد علی ابطحی سیدھی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۹۷

ملاً محمد علی أسترآبادی... ج ۱، ص ۵۰۳ و ج ۲، ص ۳۹۱

میرزا محمد علی بن میرزا مظفر... ج ۲، ص ۴۷۳

آقا شیخ محمد علی حزین (حزین لاهیجی)... ج ۱، ص ۵۱۳

آقا میرزا محمد علی شاه آبادی... ج ۱، ص ۴۱۳

آقا سید محمد علی عاملی اصفهانی (آقا مجتهد)... ج ۱، ص ۴۵۶

آقا سید محمد علی مبارکه ای (خطیب نامدار و نویسنده متبّع) ... ج ۲، ص ۴۴۴

ملا محمد علی مجلسی ... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا شیخ محمد علی مدرّس فتحی ... ج ۲، ص ۱۲۲ و ۴۵۳

ص: ۷۳۳

حاج شیخ محمد علی مسجد شاهی (ثقه الإسلام)... ج ۱، ص ۵۰۸ و ج ۲، ص ۱۵۱

آقا سید محمد علی موحد أبطحی... ج ۱، ص ۵۲۰ و ۶۳۵ و ج ۲، ص ۱۴۸ و ۳۱۵

آقا سید محمد علی میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۴ و ۶۳۱ و ج ۲، ص ۳۱۵ و ۴۷۴

آقا محمد علی هزار جریبی... ج ۱، ص ۵۴۷

میرزا محمد فسائی (کمال الدین ، میرزا کمالا)... ج ۱، ص ۵۰۴ و ج ۲، ص ۳۹۱

آقا سید محمد فشارکی (فقیه محقق)... ج ۱، ص ۵۹۱

حاج آقا محمد قزوینی... ج ۱، ص ۴۷۶

آخوند ملا محمد کاشانی (آخوند کاشی ، حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۱۲۱ و ۳۰۴ و ۴۶۹

آقا سید محمد کاظم حسینی... ج ۲، ص ۵۶

آقا محمد کاظم واله... ج ۲، ص ۴۷۴

آقا سید محمد کاظم یزدی (فقیه نامدار شیعه)... ج ۱، ص ۵۹۲ - ۵۹۵ و ج ۲، ص ۲۴۶

آقا سید محمد کتابفروش (فقیه زاهد)... ج ۱، ص ۴۷۷

حاج آقا محمد کلباسی (فرزند حاجی کلباسی)... ج ۲، ص ۴۰۰

حاج شیخ محمد کلباسی (معاصر)... ج ۱، ص ۴۸۲

آقا سید محمد گلستانه (مورخ الإسلام)... ج ۱، ص ۴۸۵

آقا محمد مازندرانی (نورالدین محمد)... ج ۱، ص ۴۸۹

سید محمد مظهر طباطبائی... ج ۱، ص ۴۶۸

حاج آقا محمد مقدس... ج ۲، ص ۳۲۲ و ۳۵۸ و ۴۶۸

میر محمد مؤمن تنکابنی (حکیم مؤمن)... ج ۲، ص ۴۸۶

آقا سید محمد مهدی خوانساری اصفهانی (صاحب أحسن الودیعہ)... ج ۱، ص ۴۳۵

آقا میرزا محمّد مهدی روضاتی... ج ۱، ص ۴۳۴

آقا محمّد مهدی کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۳۹۹

آقا میر محمّد مهدی نائب الصّدر... ج ۱، ص ۵۴۵ و ج ۲، ص ۴۲۷

ص: ۷۳۴

آقا سید محمد نائب الصدر... ج ۱، ص ۴۷۵

حاج ملا محمد نائینی... ج ۲، ص ۴۵۹

آقا سید محمد نجف آبادی (مجتهد بزرگوار)... ج ۲، ص ۱۱۷ و ۳۰۷ و ۴۵۳ و ۵۹۱

ملا محمد نصیر مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

حاج میرزا محمد نواب لاهیجی... ج ۱، ص ۵۴۷

محمد هادی بن میرلوحی... ج ۲، ص ۳۷۷

آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی... ج ۱، ص ۴۳۴ و ج ۲، ص ۳۵۳ و ۵۱۹

حاج شیخ محمد یاسینی همدانی... ج ۲، ص ۵۰۸

سید محمد یزدی (سید رکن الدین یزدی)... ج ۲، ص ۸۵ - ۸۶

آقا سید محمود درب امامی... ج ۲، ص ۴۶۵

حاج شیخ محمود شریعت ریزی... ج ۲، ص ۳۲۹ و ۵۳۱

آقا شیخ محمود کاشانی (سالک)... ج ۲، ص ۱۵۲ و ۳۱۹

آقا سید محمود کلشادی (سید مغنی گو)... ج ۲، ص ۱۱۲ و ۲۴۹

آقا شیخ محمود مفید (حکیم بزرگ)... ج ۱، ص ۵۱۴ و ج ۲، ص ۳۱۱ و ۴۳۵

امامزاده مختار علیه السلام (خوراسگان)... ج ۱، ص ۲۱۰

ملا مختار اعمی (قاری اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۸۴

مخنف بن سلیم (والی اصفهان از طرف امام علی علیه السلام)... ج ۱، ص ۸۷

امامزاده مرتضی علیه السلام (نزدیک جعفریه)... ج ۱، ص ۲۱۰ و ج ۲، ص ۳۸۴

حاج شیخ مرتضی اردکانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۳

آقا سید مرتضی خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۳

آقا شیخ مرتضی ریزی (مجتهد مدرّس و واعظ نامدار)... ج ۲، ص ۴۴۵ و ۵۳۲

آقا شیخ مرتضی مظاهری (آیه الله)... ج ۲، ص ۲۱۶

حاج سید مرتضی موحد أبطحی ج ۱ ص ۵۱۵-۵۱۸، ۶۲۵ و ج ۲ ص ۱۲۴، ۳۸۶، ۵۰۰-۵۰۲

ص: ۷۳۵

مریم بیگم (نوه ملا محمد تقی مجلسی)... ج ۱، ص ۶۴۴

مریم بیگم صفوی... ج ۱، ص ۶۴۶

مسعود بن عبد الله بیضاوی (بابا رکن الدین)... ج ۲، ص ۴۴۰

آقا میرزا مسیح روضاتی... ج ۱، ص ۴۳۵

ملا مصطفی قمشه ای... ج ۲، ص ۵۴۰

حاج سید مصطفی موحد محمدی... ج ۲، ص ۱۲۴

سید مصطفی مؤید الأطباء... ج ۲، ص ۴۹۷

حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی... ج ۱، ص ۶۲۰ و ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۱۹

آقا سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده معاصر)... ج ۲، ص ۵۳۲

ملا مظفر ترکه... ج ۱، ص ۴۰۵

میر معصوم خاتون آبادی (چهره بزرگ معنویت)... ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۱۲۴ و ۴۳۵

مفضل بن سعد «مافرّوخی اصفهانی» (ادیب و مورخ نامدار)... ج ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۳

ملا مقصود علی مجلسی... ج ۱، ص ۴۹۴

ملک محمد اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۳

منصور بن عبد الله اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۲

حاج آقا منیرالدین بروجردی (مجتهد محقق)... ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۶۹

امامزاده موسی علیه السلام (خیابان کاشانی)... ج ۱، ص ۲۱۱

موسی بن عبد الملک اصفهانی... ج ۱، ص ۳۵۰

آقا شیخ موسی خوانساری (محقق جلیل القدر)... ج ۲، ص ۵۱۹

آقا سید مؤمن شفتی... ج ۱، ص ۴۴۳

حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای... ج ۲، ص ۵۳۹

حاج سید مهدی امامی سیدهی... ج ۲، ص ۵۱۳ و ۵۱۵

حاج میرزا مهدی جویباره ای... ج ۱، ص ۴۷۲ و ج ۲، ص ۴۶۱

ص: ۷۳۶

آقا سیّد مهدی خوانساری... ج ۲، ص ۵۱۸

آقا سیّد مهدی درچه ای (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۲۷ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۲۶۲

میرزا مهدی طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

آقا شیخ مهدی فقیه ایمانی (نویسنده معاصر)... ج ۲، ص ۱۲۵

حاج سیّد مهدی گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۶

آقا مهدی مازندرانی (شهید)... ج ۱، ص ۴۸۹

آقا شیخ مهدی مسجد شاهی (حاج آقا نورالله)... ج ۱، ص ۵۰۶

آقا شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، ص ۱۵۱

آقا سیّد مهدی نحوی... ج ۱، ص ۵۳۲

حاج ملاّ مهدی نراقی (چهره نامدار شیعه)... ج ۲، ص ۵۶۴

نابغه جعدی (شاعر نامدار اسلامی و تبعیدی معاویه به اصفهان)... ج ۱، ص ۹۲-۹۵

امامزاده سیّد نجم الدّین علیه السلام (خیابان کهندهژ - جوی آباد)... ج ۱، ص ۲۱۱

نسمه خاتون (عالمه فاضله، دختر مرحوم کاشف الغطاء)... ج ۱، ص ۶۴۷ و ج ۲، ص ۴۳۲

حاجیه نصرت خانم امین (مجتهدة ایرانی)... ج ۱، ص ۴۲۱ و ۶۴۹ و ۶۷۱ و ج ۲، ص ۴۴۰

میرزا نصیر (طیب حکیم شاعر)... ج ۲، ص ۴۹۰ و ۴۹۲

نظام الشرف اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۵

سیّد نعمت الله جزائری (محدّث محقق و نامدار)... ج ۱، ص ۴۰۷ و ج ۲، ص ۱۵۶

حاج شیخ نورالدّین اشنی... ج ۲، ص ۴۳۷

حاج سیّد نورالدّین جعفریان... ج ۲، ص ۲۹۰

حاج آقا نورالله (مهدی) مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۶

حاج ملا هادی سبزواری (حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۱۸۳

ملا هادی مازندرانی (آقا هادی مترجم)... ج ۱، ص ۴۸۷

ص: ۷۳۷

امامزاده هارون ولایت علیه السلام (هاروئیّه) ... ج ۱، ص ۱۹۸ - ۲۰۱

سید هاشم طیب... ج ۲، ص ۴۸۸

هبه الله اصفهانی (حکیم ابوالقاسم طیب) ... ج ۲، ص ۴۸۲

هبه الله بن أحمد... أسدی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۳

هبه الله بن داود اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۵۴

آقا شیخ هبه الله هرنندی... ج ۲، ص ۱۲۲ و ۳۰۸ و ۴۶۴

میرزا هدایت الله طیب... ج ۲، ص ۴۸۴

همسر شیخ بهائی... ج ۱، ص ۶۴۳

همسر ملا محمد صالح جویباره ای... ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا یحیی مدرس (أدیب و مدرّس و شاعر نامدار) ... ج ۲، ص ۲۰۲ و ۴۷۳

حاج میرزا یحیی مستوفی... ج ۲، ص ۴۳۰

حاج شیخ یحیی هدایت... ج ۲، ص ۳۱۹

یزید بن قیس أرحبی (نماینده امام علی علیه السلام در اصفهان) ... ج ۱، ص ۸۵

یوسف بن یحیی اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۵۵

آقا سید یوسف خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۶ و ج ۲، ص ۴۶۰

یونس اصفهانی (از أصحاب امام زمان (عج) در هنگام ظهور) ... ج ۱، ص ۱۲۸

شیخ یونس مفتی... ج ۱، ص ۳۸۶

ص: ۷۳۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

